

درآمدی

بر

دایرة المعارف علوم اجتماعى

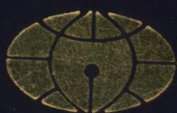
جلد دوم

از

دکتر بابتر ناروخانى

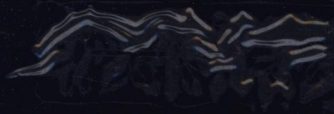
استاد دانشگاه تهران

۱۳۷۵



انتشارات گنجینه

۳۰۰۰ تومان



دانشی بر
دائرة المعارف علوم اجتماعی
جلد دوم

دکتر نجات ساروخانی

۸	۰۱۰
۱۵	۳۰

B. SAROOKHANI, PH.D

**THE
SOCIAL SCIENCES
ENCYCLOPEDIA
1996**

N

Naïve ساده لوح - ساده لوحانه

بصورت پیشوند در آغاز بسیاری از نامهای مکتبهای فکری قرار می گیرد و عدم تفهم محتوای مکتب یا ساده سازی مفروضات آنرا می رساند. بصورت Naive نیز آمده است .

Naïve - materialism

ماده گرایی ساده لوحانه

Naïve - realism

واقع گرایی ساده لوحانه

Reductionism ر. ك .

Natality زاد و ولد

Fertility , Birth-rate ر. ك .

Nation ملت

I - جمعی از انسانها را شامل می شود

که تحت رهبری سازمان حکومتی خاصی در درون مرزهایی قراردادی زندگی می کنند .

بعضی ضوابط همچون نژاد، دین ، تاریخ مشترك و جغرافیای پیوسته ، زبان ، سنن و آداب مشترك و آگاهی از آنان ، نه به عنوان شروط خاص تشکیل یک ملت ، بلکه همچون عواملی که می توانند در پیدایی ملتی مؤثر افتند و در نهایت قوام ملیت را موجب گردند ، مطرح هستند . ملت می تواند صرفاً از طریق اعمال قدرت مرکزی خاصی بوجود آید که البته در این صورت ، قوام ملیت استوار نخواهد بود .

- تعریف ملت از دیدگاه متفکران بصورتهای مختلف تحقق یافته است :

الف - اکثر متفکران در تعریف ملت به دو بعد روانی و مادی اشارت دارند :

۱) دایت (Q . Wright) می نویسد :

«کلمات ملت ، دولت ، حکومت و مردم گاه بجای یکدیگر به کار می روند. اما هر يك

معنایی ویژه دارند. کلمه ملت، گروهی قابل توجه از مردم را می‌رساند که وحدتی بر مبنای فرهنگ، ارزشها، معیارها، آرزوهای سیاسی و همچنین سرزمین مشترک یافته‌اند.

(*The Study of International*

,P.4)

(۲) بازگر (E. Barker) در همین سیاق

ملت را عبارت از واحدی می‌داند شامل مردمانی چنده که در سرزمینی معین زندگی می‌کنند و از ذخیره مشترکی از اندیشه‌ها و احساسات مکتسب در خلال جریان تاریخی مشترک، برخوردارند.

(*National Character and The Factors of its formation,*

P , 17)

ب: متفکران بسیاری نیز در تعریف ملت برابعد آلمانی-عاطفی تأکید دارند، (۱) رنان (E. Renan) با تأکید بر توافق ملی و خواست مشترک، در اثرش «یک ملت چیست؟» می‌نویسد: «یک ملت، یک سرزمین است و یک اصل مغوی. دواوری که در حقیقت یکی هستند و با یکدیگر این حالت روانی را پدید آورده‌اند: یکی تملک مشترک یک میراث غنی از خاطره‌هاست و دیگری توافق فعلی، تمایل به زندگی با یکدیگر، خواست مبتنی بر ساختن میراثی مشترک»

(*Qu'est - ce qu'une nation ?*

Oeuvres Complètes , Tome 1,

Paris , Calmann . Levy ,

1882 , P , 903)

(۲) شواد ذخیرگر:

(G.Schwarzenberger) نیز با تأکید بر ابعاد عاطفی ملت، ملت را عبارت از آگاهی جمعی از اینکه هموطن یکدیگرند و احساسی خاص می‌داند که ویژگیهای اساسی آن ابعاد عاطفی و هیجانی یافتن و منحصر بفرد بودن است.

Power politics ,

P : 56)

(۳) همچنین از نظر امرسن (R.Emerson) مدل آلمانی یک ملت که اروپاییان بدان اشارت داشته‌اند (هرچند که چنین ملتی بصورت ناب آن پدید نیامده است)، مردمی است واحد، که در خلال سنتها در سرزمینی مشخص ثابت شده‌اند، به یک زبان و مرجعاً زبان خاص آن ملت سخن می‌گویند، فرهنگی مشخص دارند و نیز تجربیات مشترک و ویژه همان مردم در خلال نسلها شکل گرفته است.

(*From empire to nation ,*

1960)

پ: برخی دیگر بر ابعاد تاریخی تأکید می‌ورزند. (۱) به زعم لاکروآ (J.Lacroix) «ملت شامل جمعیتی است که با آگاهی از اشتراك سنن و آداب ملی، اشتراك منافع،

اشترك تاريخى پديد مى آيد و درصدد آنست كه از اين اشترك به عنوان زمينه هاى جهت تقبل رسالتهائى فردى بهره گيرد و وحدت خود را با ساختن آينده اى مشترك قوام بخشد» «فرهنگ علوم اجتماعى، از آن بيرو ترجمه باقر ساروخانى، ص ۲۳۶»

ت: بسيارى نيز در تلاش در تعريف ملت، حتى مردمى را كه فاقد حكومت مشتركند اما داراى شعور بالقوه مى و آرزوى مليت مشترك، يك ملت بحساب مى آورند، از اينروست كه ۱) در فرهنگ علوم اجتماعى گولد (J. Gould) و ... آمده است: «يك ملت مى تواند به عنوان يك اجتماع تاريخى و يك بافت فرهنگى پديد آيد، بدون آنكه به خودمختارى سياسى و حكومت دست يافته باشد».

A Dictionary of social Sciences

J. Gould, L. Kolb(eds)

(1964, P, 451)

۲) ويا آنكه اهرسن، بعد از همه تلاشها در راه تعريف ملت چنين مى نويسد: يك ملت شامل مردمى است كه احساس مى كنند يك ملت هستند (op cit, P: 104)

II- با اينهمه، بايد گفت، همه اين انديشمندان، ملت را از ديدگاه اروپايى و بطور كلي غرب صنعتى مورد توجه قرار داده اند. چه، اندیشه ملت، در معنای جديد

آن، سابقه اى طولانى ندارد و ملل آسيائى و آفريقايى اين اندیشه را از اروپا كسب کرده اند. واقعيت مى جهان سوم به تازگى نضج يافته است و آنهم نه با ابعاد خواستى، آگاهى، تشارك، بلكه صرفاً مبتنى بر شرايط مادى (نظير وحدت سرزمين و حكومت). وسعت سرزمينها، كمى امكانات ارتباطى و فقدان سواد موجبات آنرا فراهم ساخته اند كه مردمى از آن ملت بحساب آيند، در حاليكه از حداقل همگنى و ياكاهى لازم از آن برخوردار نيستند.

National accommodation

همسازى مى

National barriers

موانع مى

سدها، فواصل و جدائيهاى ساكنان زمين بجهت وجود مرزها و تفصيات مى.

National Consciousness

آگاهى مى

در شرايط قبيله اى و يا قوداليسم، آگاهى از تعلق به واحد مى ناچيز و در مواردى اصلاً موجود نيست.

National character

ملى

I- به ويژگيهاى بالنسبه بادوام شخصيت، صفات فرهنگى يا ساختى و نهادى خاص يك جامعه كه موجبات تمايز آنرا از ديگر جوامع فراهم مى آورد، اطلاق مى شود.

در آغاز دانشمندان علوم سياسى بدان توجه نمودند، توكويل (A. de Tocqueville)

در مورد خصلتهای ملی در امریکا به تحقیق پرداخت و قبل از او بارکر (Ernest Barker) دیدی کلی در باب خوی ملی عنوان نمود، سپس انسانشناسان، مخصوصاً انسانشناسان فرهنگی بدان توجه نمودند. گورد (G. Goror) در سال ۱۹۵۵، اثری بانام بررسی دد خوی انگلیسی :

(*Exploring English Character*)

فراهم ساخت و دودت بندیکت: گل داودی و شمیرا

(chrysanthemum and the Sword) National disharmony

بسیاری دیگر بر این تأکید داشتند که شیوه‌های مشابه تربیتی در یک جامعه، موجبات پرورش جهات مشابهی در افراد را فراهم می‌سازد. آنان بر روانشناسی پویا :
(Dynamic psychology) و قواعد آن تکیه داشتند.

II- لیک، این مفهوم مورد پذیرش و کاربرد همگان قرار نگرفت و انتقادات بسیاری بر آن وارد شد : ۱) قبل از همه نا یکسانی جوامع جدید و تنوع درونی آنان عنوان گردید. می‌توان پذیرفت که یک جامعه ابتدایی، ساده‌تر، کوچکتر و دارای همگنی نسبی باشد. اما، یک جامعه بزرگ، بسیار پیچیده و پرتنوع صنعتی، چنان همگن نیست که، خصوصیات مشترک اعضای آن بسیار و در عین حال مشخص و تمیز پذیر در برابر اعضای دیگر ملل باشند. ۲) کلمه ملی نیز

مورد پذیرش همگان نیست، چه، واژه‌ای است چندپهلوی، مبهم و همواره با مفهوم جامعه مترادف نیست. ۳) مسأله دیگر تغییر پذیری سریع صفاتی است که به عنوان خوی ملی بحساب می‌آیند، دگرگونی سریع جوامع جدید و در مواردی گسست ساختی آنان (بر اثر انقلاب و یا ...) در طول تاریخ موجب تردید در وجود خصلت یا خوی ملی دائمی برای يك ملت خواهد بود.

Basic personality / Modal
personality / Social character

نا هماهنگی ملی

با ناهمگنی ملی :

(National heterogeneity) از اینرو متمایز است که در ناهماهنگی ملی، پویایی یا حرکت نا هماهنگ و متفرق مستتر است، در حالیکه در ناهمگنی تمایز ذاتی و ماهوی مطرح است.

National disintegration

از هم پاشیدگی ملی

در برابر یکپارچگی یا یگانگی ملی (National integration)، شکاف طبقاتی، جداییهای قومی و حرکت ناهماهنگ صنعتی، موجبات گسست پیوند ملی را فراهم می‌آورند.

National egoism

خود خواهی ملی، خودستایی ملی

ملت خود را برتر دانستن؛ در بینش نه

خاستگاه ملی	National origin	تنها تحقیر ملل دیگر ، بلکه تمایل بر تسلط بر آنان نهفته است .
وجهه ملی	National popularity	ر. ک . Chauvinism
ر. ک .	Social popularity	هماهنگی ملی National harmony
ر. ک .	National self - sufficiency	ر. ک . National disharmony
خودکفایی ملی		میراث ملی National heritage
ر. ک .	Autarky / Protectionism	National heterogeneity
سوسیالیسم ملی	National socialism	نا همگنی ملی
ر. ک .	Socialism	National homogeneity
حاکمیت ملی	National sovereignty	در برابر همگنی ملی
بقاء ملی	National survival	ر. ک . National harmony
وحدت ملی	National unity	یکپارچگی ملی National integration
ثروت ملی	National wealth	ر. ک . Cultural integration ,
ارزش تمامی اموال اقتصادی است که در یک زمان معین در اختیار يك ملت خاص است . این اموال می تواند در زیر زمین ، دریا یا بر روی زمین جای داشته باشد . برخی نیروی انسانی را نیز در زمره آن قرار می دهند .		National disintegration ' Social integration
ملی گرایی	Nationalism	تمامیت ملی National integrity
I - سه معنای متمایز از آن بر می آید : ۱- نوعی آگاهی گروهیست ؛ آگاهی نسبت به تعلق خود به يك گروه بالنسبه بزرگ : ملت .		National minimum
۲- یگانه سازی خود با يك ملت است و به همراه آن ایده اولژی توجیه کننده دولت ملی به عنوان بهترین شکل سازمان سیاسی است .		حداقل سطح زندگی در سطح ملی
		در برنامه ریزیهای اجتماعی ، حداقل رفاهی است که برای افراد يك ملت در نظر گرفته می شود و دولت مسئول تمهید آن می گردد .
		اقلیتهای ملی National minorities
		می توانند بصورت اقلیتهای قومی (Ethnic) زبانی (Linguistic) ، یا مذهبی و یا نژادی تجلی کنند .
		ر. ک . Group

۳- نوعی فرایند تاریخی را می‌رساند که برپایه آن، ملتها واحدهای سیاسی مستقل جدید بحساب می‌آیند.

II- معمولا شرایط زیردرا ایجاد آگاهی ملی موثر شناخته می‌شوند؛ «زبان مشترك، نظام ارزشی مشترك، دین، ادبیات، باورهای مشترك اقتصادی و سیاسی، حکومت مشترك، سنن تاریخی، نمادها و تجربیات مشترك تاریخی، کشمکش با دشمنان مشترك، رشد نظامهای ارتباطی»

(*Dictionary of The Social Sciences*, J. Gould, W. Kolb, eds)

P: 456)

باید پذیرفت که در کمتر ملتی همه این شرایط با هم پدید می‌آیند و جز وحدت حکومت، هیچیک اجتناب ناپذیر نیستند. بسیاری از ملتها دارای جمعیت‌هایی هستند، با دو یا چند زبان، باورهای گوناگون، نهادها و تاریخ متمایز.

III- بسیاری ملی‌گرایی را از بعد ایدئولوژی ملی می‌نگرند: به نظر کهن (H. Kohn) ملی‌گرایی حالتی روانی است که برپایه آن حکومت ملی به عنوان بهترین شکل سازمان حکومتی تلقی می‌شود.

(*Nationalism, its meaning and history Princeton*,

P: 10)

در چارچوب این ایده‌اولژی، ترقی سیاسی تنها از طریق تشکل واحدهای سیاسی ملی صورت پذیر است. کهن تأکید می‌کند که براساس نظام اعتقادی ملی‌گرا، ملیت سرچشمه همه انرژی خلاف فرهنگی، اقتصادی و رفاه است (op. cit, P- 10).

براساس این ایده‌اولژی، برخی از ملل خود را برتر از دیگران دانسته، برای خود مأموریتی ویژه قائل می‌شوند.

این اندیشه خود، مستلزم فداکاری، وفاداری، پذیرش تعهدات ملی است و این حالات تا آنجا پیش می‌رود که سولز باخ (W. Sulzbach) در اثرش آگاهی ملی

(۱۹۴۳) شدت ملی‌گرایی را به عنوان يك ایده‌اولژی با نمادهائی مشحون از عواطف در نوشته‌های آنان که ملی‌گرایی را همچون يك دین غیر الهی می‌دانند می‌بیند. ملو، گرایی به عنوان ایده‌اولژی، دارای جهات منفی بسیاری است:

موجبات پیدایی ملی‌گرایی افراطی (Chauvinism) را فراهم می‌سازد. یگانه‌بیزاری (xenophobia) را بر - می‌انگیزد. اما از نظر سیاست داخلی دو صورت می‌یابد:

ملی‌گرایی لیبرال

Liberal nationalism

براساس این اندیشه، ارزشهای انسانی، دموکراسی سیاسی، حقوق انسانی و آزادی

فردى در چارچوب ارزشهاى متعالى مى
تحقق پذير خواهد بود .

- مى گرایی دولت مدار

Integral nationalism

بر اساس اين اندیشه وظیفه فرد و حتى
علت وجودى وی خدمت به دولت است ،
دولت پدیده‌ای متعالى است و باید در راه
استواری و عظمت آن آزادی فردی، دموکراسی
سیاسی نفی گردد و ابعاد تهاجمی دولت در
صحنه بین المللی تجویز شود

آنانکه دولت را پدیده‌ای جدید
مى دانند، اتفاق نظر ندارند، برخی معتقدند در
اصل قبایل بجای ملت وجود داشتند؛ نظیر هیز
(C. J. H. Hayes) . برخی دیگر چون کهن
معتقدند ریشه‌های تاریخی مى گرایی را
باید در تمدنهای یونانی جست .

Nationality ملیت

Nationalization

ملی سازی - تابعیت

I - اين مفهوم در آغاز قرن بیستم همراه
با بسط دخالت دولت در اقتصاد و گذشتن
از مرحله اقتصادى بندوبار (Laissez-faire)
به کار آمد و از آن سه معنای زیر مستفاد
گردید (۱) . فرایند یا عمل مى سازی ؛
بدینسان ، مالکیت یا کنترل صنایع ، زمین و
یا ... در اختیار دولت (بنماینده) از طرف
جامعه) در مى آید . پس ، مى سازی در واقع

بمعنای دولتی سازی است و مالکیت مى در
برابر مالکیت خصوصى و تعاونی قرار مى گیرد.
ملی سازی مى تواند تام ، (Total) کامل یا
جزئى باشد. (۲) فرایندیکه منتهی به پیدایی
ملت گردید . به زعم لیبر (F. Lieber) در
تاریخ نژادها دورانی است که باید بدروستی
دوران پیدایی ملت خوانده شود . قبایل ،
جوامع سیاسى مجزا ، متحد شده بصورت
يك ملت در آمدند و از نظر سیاسى نیز بیش از
پیش دولتها تجلی نمودند .

(on civil liberty , New york

P : 47)

۳- فرایند پذیرش گروههای خارجی در
درون يك ملت . در این معنی با مفهوم
Naturalization مترادف است .

II - محتوای این مفهوم در دو معنای

اخیر روشن است و حال آنکه در معنای اول
دارای ابهامات بسیارى است . بدینسان ،
ملی سازی در معنای حاد آن بدست گرفتن
تمامی ابعاد يك واحد توسط دولت است .
که در این صورت هم مالکیت کامل و هم کنترل
مستقیم آن واحد بدست دولت خواهد افتاد ؛
گیتسکل (H. Gaitskell) از این مفهوم چنین
معنائی در ذهن دارد : مى سازی بدست
گرفتن تمامی صنعت توسط دولت است .
آنچنانکه مالکیت ، مدیریت و کنترل واحد
بدست دولت افتد .

Socialism and nationalization,

Fabian Tract 300 ,

P , 6)

دوبسون (W.A. Robson) با توجه به

ابعاد خشن این نوع ملی سازی ، آنرا از اجتماعى سازی متمایز ساخته مى نویسد : «تزریق روحیه دموکراسی در شرکتهای دولتی آن چیزی است که مردم با طرح حرکت از ملی سازی به اجتماعى سازی، عنوان مى کنند»

(*Problems of nationalized industry* , London , Allen 8 unwin , 1952 , P , 346)

با اینهمه ، همین مفهوم در معناهای معتدلتری نیز با احراز سلطه دولت بر بخشی از صنایع (مادر) به کار آمده است.

Denationalization ر. ك.

رفتار ذاتی Native behavior

رفتاری منبث از عواملی که از آغاز پیدایی موجود زنده وجود داشته اند . در برابر رفتار اکتسابی (Acquired behavior) در مواردی بصورت Innate behavior به کار مى رود و در مواردی دیگر با تساهل از مفهوم Inherent behavior بطور مترادف با آن استفاده مى شود .

فطری گرایی - Nativism

احیاء سنن قومى

در روانشناسی اجتماعى و جامعه شناسی دو معنای متفاوت از آن بر مى آید :

۱) در جامعه شناسی نهضتهایی خاص را مى رساند

با ویژگیهایی چون - طرد برتری تمدن غرب در زمینه های فنى و سیاسى - احیاء سنتها ، اندیشه ها و افکار بومی - تکیه بر اندیشه های دینی . چنین نهضتهایی بسیارند. از جمله رقص اشباح (Ghost Dance) که نام نهضت سرخ پوستان امریکایی است و با آن بسیاری از قبایل باور داشتند که سفیدپوستان و تمامی کارها و شیوه های آنان در يك حادثه ناگهانی وجهانی نابود خواهند شد و بعد از آن دنیایی نو پدید خواهد آمد، در بر گیرنده گاوهاى وحشى و اشباح مردگان .

J . Mooney , *The Ghost Dance , Religion and The Sioux outbreak of 1890* . Washington , Bureau of American ethnology , 1890)

این نهضتها معمولاً به عنوان واکنشى در برابر اضمحلال فرهنگى اقوام از طریق جذب آنان در درون فرهنگهای صنعتى غربى ویا امریکایی صورت تحقق یافته اند»

(R . Linton , *Nativistic movements , American Anthropologist* , vol 45 ' 1943 ' PP , 230 - 40)

۲- در روانشناسی اجتماعى ، فطرى گرایان بر فطرت و وراثت تکیه دارند. آنان نقش محیط را صرفاً در تقویت یا راکد ساختن استعدادهای فطرى یا اصلى مى دانند.

- دانش طبیعى Natural science ر.ك. Revitalization movement
 بیشتر بصورت جمع به كار آمده، در برابر علوم انسانی قرار می گیرد. بدان علوم دقیقه نیز (بجهت دقت و تعمیم پذیری در آن) اطلاق می شود.
- طبیعت گرایی Naturalism ر.ك. Natural brother
 برادر نامشروع در فرهنگ خانواده پیشوند طبیعى (Natural) بر بسیاری از واژگان نهاده شده معنای غیر قانونی از آن برمی آید. (Natural child و ...)
- طبیعت گرایی Naturalism ر.ك. Naiural death
 مرگ طبیعى مرگی نه ناشی از عوامل عرضی (حوادث و یا وقایع استثنایی).
- تطور طبیعى Natural evolution ر.ك. Naturalization
 تابعیت - انطباق با شرایط طبیعى (۱) در حقوق بین الملل خصوصی قبول تابعیت يك خارجی است. در این صورت و با اعمال مقررات و شرایطی يك خارجی پایگاه يك شهروند پذیرفته را می یابد. (۲) در علم طبیعى، انطباق يك موجود زنده بصورتی دایمی با يك اقلیم است.
- گروه طبیعى Natural group ر.ك. Nature , Conquest of
 فتح طبیعت Group
 Natural increase, Crude rate of ر.ك. Conquest of nature
 میزان ناخالص افزایش طبیعى ر.ك. Nature , Human
 طبیعت انسان Human nature
 منابع طبیعى Natural resources ر.ك. Human nature
 (۱) در يك معنای اولیه خام از آن برمی آید. (۲) در معنای عام همه ثروتی است که طبیعت به انسان و جامعه ارزانی داشته است.
- توزیع منابع Allocation of resources ر.ك. Nature , Original
 فطرت نخستین original nature
 National wealth ر.ك. Nature , nurture controversy
 جدال محیط و وراثت
- حقوق طبیعى Natural rights ر.ك. Heredity - environment
 با تعبیر نیز آمده است. جدال طولانی دانشمندان را مبنی بر اینکه آیا انسان محصول وراثت یا تابع محیط است، میرساند. بعضی که آنانرا محیط نگر میدانند، معتقدند هر انسانی را
- گزینش طبیعى Natural selection ر.ك. Darwinism
 Darwinism

- پذیرفته را نفی و طرد می کند ، بدون آنکه خود جانشینی برای آن ارائه دهد.
- ر. ک. Nihilism / Anarchism
- نفی سببی Negative
- Negative conditioning شرطی شدن منفی
- فرایند انطباق در برابر انگیزه نامطلوب با تمایل اورگانیزم به منع عمل مرتبط با انگیزه نامطلوب.
- ر. ک. Conditioning
- تابع منفی Negative function
- منفی بافی Negativism
- دیدگاه و طرز عمل منفی بساف (Negationist) . بدان ر. ک.
- Neglected child کودک نادیده گرفته شده
- کودکی که مورد توجه و مراقبت درست والدینش قرار نگرفته باشد ؛ یکی از تجلیات عدم توجه ، پرستار مادری (Hospitalism) ، یا محرومیت از تیمار مادری (Maternal deprivation) است.
- به هر یک ر. ک.
- غفلت Negligence
- گروه همسایگان Neighbourhood group
- ر. ک. Group
- سرمایه داری جدید Neo - Capitalism
- بصورت واکنشی در برابر سرمایه داری
- می توان برای هرکاری پرورش داد ، در حالیکه تعبیر گروه دوم چنین است :
- باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شوره زار خس
- مردم بدوی Nature people
- در برابر مردم فرهیخته :
- (Culture people) به مردمی فاقد فرهنگ ، خط و کتابت اطلاق میشود.
- نازیسم Nazism
- ر. ک. National socialism
- جبر آئین Necessitarian
- به کسی اطلاق میشود که هر عمل انسان را نه ناشی از اراده مختار ، بلکه منبعث از علل و عواملی از پیش تعیین شده میدانند . مفهوم مخالف آن اختیار گرایی (Libertarian) است . (بدان ر. ک)
- جبر آئینی Necessitarianism
- Necessary conditions شرایط لازم
- در روشهای تحقیق به شرایطی اطلاق میشود که جهت بروز پدیده ای لازمند ، لیک لزوماً به پیدایی آن پدیده نمی انجامند. تجلی پدیده علاوه بر شرایط لازم مستلزم پیدایی شرایط کافی نیز هست .
- نفی کردن Negate
- نفی Negation
- منفی بافی Negationist
- کسی است که عقاید باورها و ارزشهای

- تکیه دارد. در این دانش تنها به جمع آوری اطلاعات پرداخته نمی شود، بلکه گزینش، تاویل و ترکیب داده های علمی و استنتاج از آن مایه می گیرد.
- نو مکان Neolocal
- نو مکانی Neolocality
- در جامعه شناسی خانواده به زمانی اطلاق می شود که زوج تازه ازدواج کرده به جای آنکه به خانه پدر شوی روند که در اصطلاح پدر مکانی (Patrilocality) و یا مرد مکانی (Virilocality) خوانده می شود و یا آنکه به خانه زن روند که در اصطلاح مادر مکانی (Matrilocality) یا زن مکانی (Uxorilocality) خوانده می شود، به خانه ای دیگر روند که از آن خانواده زن و شوهری (Conjugal) و یا هسته ای (Nuclear) پدید می آید.
- ر. ک. Patrilocal / Matrilocality
- Duolocal / Bilocal . uxorilocal
- Virilocality .
- نوواژه گرایی Neologism
- نوواژه سازی Neology
- ایجاد واژگان و اصطلاحات نوست .
کوششی که به حرکت ؛ دگردیسی و انطباق زبان با دنیای نو می انجامد .
- عصر نوسنگی Neolithic age
- ر. ک. Culture
- لیبرال تجلی کرد، با هدف گذشتن از نظریه آزادی بی بند و بار، ضمن حفظ انگیزه های سودجویانه در فعالیت های اقتصادی .
- ر. ک. Mixed economy
- Neo - classical school
- مکتب اقتصادی جدید
- ر. ک. Classical school
- استعمار نو Neo - colonialism
- مبین کوششهایی است در جهت حفظ پیوندهای استعماری ضمن انطباق آنان با شرایط نو.
- ر. ک. Colonialism
- نو آئینی Neodoxy
- در معنای خاص ، بنای آئینی دیگر، نو و در معنای وسیع ایجاد هر نوع راه نو با چشم اندازی خاص و متمایز از گذشته .
- ر. ک. Heterodoxy / orthodoxy
- Neo Kantianism
- کانت گرایی جدید
- گرایی است به سوی اندیشه های کانت در بین اندیشمندان آلمانی در بین سالهای ۱۸۷۰ تا ۱۹۲۰. موضوع ذهن و توان آن در دریافت جهان طبیعی است و این بیان کانت که تجربه پدیده های طبیعی تحت تاثیر قالبهای پیشین اندیشه قرار می گیرد، سرلوحه افکار این خانواده فکریست. زیمل (Simmel. G) از اصحاب این مکتب است، او بر این نکته که دانش جهان اجتماعی، دانشی ترکیب ساز است

Neolombrosians

لومبروزوگرایان جدید

جرمشناسانیکه با انعطاف نسبی هنوز به ابعاد جسمانی و ارثی در بروز جنایت توجه دارند .

Criminology . ر. ک.

Neo-malthusianism

مالتوس گرایی جدید

بر پایه عقاید مالتوس مبنی بر رشد هندسی جمعیت و رشد حسابی مواد غذایی و در نهایت پیدایی قحطی و بدبینی نسبت به آینده پدید آمده است . لیکن در فروع تفاوت‌هایی با اصل مکتب داراست . از جمله آنکه بجای تاکید بر امتناع منبعث از اخلاق و یا تأخیر در ازدواج (آنطور که مالتوس پیشنهاد می‌کرد) بمنظور کنترل جمعیت ، تکیه بر شیوه‌هائی چون عقیم سازی و ... صورت می‌گیرد .

Malthusianism . ر. ک.

Neonatal mortality

مرگ و میر نوزادان

Mortality . ر. ک.

Neopositivism اثبات گرایی جدید

Positivism . ر. ک.

Nephew right حقوق خواهرزاده

در دایى سرى ، مجموعه قواعدير اشامل ميشود که بر میزان ارث ونحوه واگذاري آن از جانب دایى به خواهرزاده حاکمند.

Matriarchy Avunculate . ر. ک.

Nepotism اصال نفوذ بنفع خویشان

از ریشه‌ای لاتینی Nepos بمعنای برادر یا خواهر زاده گرفته شده است . در اصطلاح بمعنای ترجیح خویشان بر دیگران توسط صاحبان قدرت است . خویشاوندی گرایی به تقدم روابط بر روابط می انجامد . با پارتی بازی (Favoritism) نزدیک است و در برابر شایسته سالاری (Meritocracy) قرار می‌گیرد . با اعمال نفوذ یا تحمیل گری (Lobbyism) مشتبه نشود .

Meritocracy Lobbyism . ر. ک.

Favoritism Feudalism

Net - migration مهاجرت خالص

تفاوت بین شمار مهاجران بخارج و مهاجران بداخل يك جامعه در يكسال معين است و به دو صورت احتساب ميشود :

Net negative migration

۱- مهاجرت خالص منفی

در بین جمعیتی احتساب ميشود که میزان مهاجرین به خارج از آن بر میزان مهاجرین بداخل فزونی دارد .

Net Positive migration

۲- مهاجرت خالص مثبت

زمانیست که میزان مهاجرت بداخل نسبت به مهاجرت به خارج فزونی دارد.

جمعیتی می‌تواند دارای مهاجرت خالص منفی باشد ولیك بسبب عوامل دیگری نظیر فقدان بیماریهای همه گیر ، جنگ ، فزونی

باروری و کاستی میزان مرگ و میر شاهد
رشد کمی نیز باشد .

Migration ر. ک.

زاد و ولد خالص Net - natality

Net. reproduction rate

میزان خالص تجدید نسل

میزان خالص تجدید نسل بیان می‌دارد که
هر مادر بطور متوسط چند مادر را جانشین خود
می‌کند. لذا، درین میزان، مرگ و میر
دخترهای دنیا آمده تا سن مادر شدن نیز منظور
می‌شود. در حالیکه میزان ناخالص تجدید نسل
(Gross reproduction rate)، که بصورت
GRR نشان داده می‌شود، بیان می‌دارد که هر
مادر در طول دوره باروری بطور متوسط چند
نوزاد دختر دنیا می‌آورد.

Rate of reproduction ر. ک.

Neutralism بی طرفی

۱) در معنای عام، عدم تعهد، اجتناب از
غرض ورزی، یا حمایت از یکی از طرفین
دعوا را می‌رساند. ۲) در جامعه شناسی
سیاسی، تولد نیروئی خاص را در عرصه
سیاست جهان نوید می‌دهد که متشکل از
کشورهایست غیر وابسته به یکی از قطبهای
قدرت جهانی. درین معنی، «مخصوصاً پس از
جنگ دوم جهانی مطرح گردید و موضع
کسانی را مشخص ساخت که در آرزوی
اجتناب از آنند که از نظر سیاسی و یا
دیپلماسی، متعهد به جانبداری از یک طرف
در جریان تنازع بین دنیای کمونیستی و غیر
کمونیستی شوند».

Dictionary of Social Sciences

J. Gould, L. Kolb (eds), P. 467

از پیشگامان این نهضت باید نهرو و تیتو را
نام برد. گروه باندونگ (Bandoung) نیز
که در سال ۱۹۵۵ اولین جلسه خود را تشکیل
داد، درین جهت پی‌ریزی شد. این نیروی
جدید را نهضت عدم تعهد
(Non - alignment movement)

می‌خوانند .

Neutralization بیطرف سازی

در فرهنگ سیاسی، فرایند توافق
قدرتهاست بر سربى طرفی دولتی خاص یا
جزئی از یک سرزمین. باید بین بی طرف
سازی و غیر نظامی کردن

(Demilitarization) تمیز قائل شد. چه،

یک دولت بی طرف بدون آنکه هیچ سند
تضمین شده‌ای در رعایت بی طرفی آن وجود
داشته باشد، یا آنکه تعهدی درین باب داده
باشد صرفاً به عرف جهانی متکی است. یک
یک دولت بی طرف شده از ضمانت کتبی
قدرتهای فائده در رعایت بی طرفی برخوردار
است. درین نوع ضمانتنامه‌ها، ضمن تعهد
به عدم تهاجم به چنین کشوری از آن نیز خواسته
میشود از موضع گیری در قبال مسائل جهانی
خود داری نماید.

هم پیوستگی اجتماعی Nexus, Social

Social nexus ر. ک.

Nihilism هیچ انگاری

I- در معنای عام حالتی روانی را

میرساند که موجبات نفی کل اخلاق جامعه و تمامی سازمان اجتماعی را چنان فراهم سازد که نفی خود بعنوان يك وظیفه اخلاقی بحساب آید. برخلاف پیروان اندیشه دکارت که شك دستوری را تجویز می نمودند و از طریق آن با بزررسوال درآوردن هر اندیشه سعی در آغاز موضعی مثبت داشتند؛ هیچ انگاران، در شك آغازین می مانند و هیچ اقدام مثبتی در جایگزینی اندیشه یاسازمانی که مورد تردید و نفی قرار داده اند، بعمل نمی آورند. درواقع درین مکتب نه تنها نفی بلکه تمایل به نفی و یأس بچشم می خورد.

II- درآغاز، بسال ۱۸۶۲ توسط تورگنیف (Turgenev) در اثرش بانام پدران و پسران بکار آمد.

حکومت ناگرائی (Anarchism) در مرحله نخستین اش، در روسیه با هیچ گرایبی آمیخت و الگوی فکری و اجتماعیی هیچ گرائی گردید. شاپیرو (L.B. Schapiro) شاخص این مرحله را اندیشه باکونین (M.A. Bakunin) میدانند که «نه تنها اندیشه يك حکومت مشروطه، بلکه هر نظامی، حتی ناشی از دیکتاتوری انقلابی را مطرود میدانست؛» سه اصل فکری را می پذیرفت: ۱) نشر یزدان ناپرستی یا بی خدائی (Atheism) ۲) نابودی دولت، ۳) طرد عمل سیاسی بنفع قیام توده ها.

(The Communist Party of

The Soviet Union, P.5)

III- بکاربرد واژه در زمانهای بعد

بعد هیچ گرایبی از یکدیگر تمایز یافت: در عالم سیاست، هیچ گرایان آنسانی هستند که سازمان موجود جامعه را نفی می کنند، نظم جامعه را آشفته میسازند، و حال آنکه هیچ پیشنهاد مثبتی در جایگزینی آنان ندارند. حزبی در سالهای ۱۸۷۰ در روسیه بسدین عنوان تشکیل گردید.

دردنیای اخلاق، هیچ گرایان هر ارزش اخلاقی را نفی می کنند و هیچ حقیقتی را نمی پذیرند. در معتدلترین حالات، پیروان این اندیشه، همه چیز را نسبی میدانند و بدینسان هر ارزشی را از اصل بی اساس میسازند.

ر. ک. Negativism / Anarchy

Negationist /

Nisbet نیسبت

جامعه شناس امریکائیت (متولد ۱۹۱۳) به زمینه های تاریخی و قشر بندی اجتماعی توجه داشت. در زمره آندسته از جامعه شناسان امریکایی است که به مباحث اساسی و گاه دور از کاربرد آنی توجه نمود. برخی از آثارش چنین اند:

Tradition and Revolt . Social

Change and History . Aspect of

The western Theory of Develo-

<i>pment . The Social Bond Sociological Tradition ,</i>	Nominalism	نام‌گرایی
Nomad		مکتبی که بر اساس آن جهان و مفاهیم مجرد صرفاً نامی بیش نیستند .
Nomadism	Nominalism , Methodological	نام‌گرایی در روش
(۱) در معنای خاص ، به مردمی اطلاق میشود که احتمالاً در جریان سال از نقطه‌ای به نقطه دیگر میروند تا برای احشام خود مرتع یابند . زمانیکه این حرکت در سطح جغرافیا دقیقاً انتظام یابد مفهوم transhumance بکار برده میشود . (۲) در عرف عام دو معنا از آن برمی آید: - ولگردی، بی‌خانمانی منبث از لایا بالیگری - تغییر مستمر محل اقامت که از ویژگیهای جسامه صنعتی است .	Methodological nominalism	ر. ک.
Transhumance	Nominalism , Social	نام‌گرایی اجتماعی
Nomadism , Primitive	Social nominalism	ر. ک.
چادر نشینی ابتدایی	Nomothetic discipline	رشته علمی تعمیمی
Primitive nomadism		در برابر رشته‌های تفریدی (Idiographic) نظیر تاریخ ، به علمی اطلاق می‌شود که در صدد یافتن قوانینی کلی و تعمیم پذیرند. (نظیر فیزیک)
Nomadism , Seasonal	Idiographic discipline	ر. ک.
چادر نشینی فصلی	Non - conformism	ناهمنوائی
Seasonal nomadism	Conformism	ر. ک.
Nominal dictator	Non - Contraceptive families	خانواده‌های با باروری طبیعی
دیکتاتور اسمی - دیکتاتور ظاهری		خانواده‌هایی که به جلوگیری نمی‌پردازند و میزان موالید آنان طبیعی است .
Nominal scale	Non - alignment movement	نهضت عدم تعهد
مقیاس اسمی		ر. ک.
Scaling	Neutralism	ناهمیار
Nominal wage	Non - Cooperative	جزمین
مزد اسمی	Non - ego	هر آنچه با من آگاه مرتبط نیست ، یا
ارائه دستمزد بدون توجه به قدرت آن .		
در برابر دستمزد واقعی .		

Non - interventionism از آن برنمی آید .

مکتب عدم مداخله دولت در اقتصاد غیر تجربی Non - empirical

I- در دو قلمرو مشخص مطرح می شود:

(۱) در روش شناسی، به روش یا شیوه ای اطلاق می شود که غیر تجربی است. (۲) در فلسفه، به هر اندیشه یا باور یا ایدئولوژی اطلاق می شود که از طریق روشهای علمی کسب و تمهید نشده باشد.

در برابر Interventionism . گرایشی

است که در اقتصاد کلاسیک و همچنین لیبرالیسم اقتصادی مطرح میگردید .

ر. ک. Protectionism ,

Interventionism

Non - literate فاقد کتابت - نانویسا

به فرهنگی اطلاق میشود که در آن خط و

نوشتار موجود نیست ؛ چنانچه این شرایط

را در تداوم آن و بشرط پیدائی خط در نظر

گیریم، این دوران را ماقبل کتابت یا پیش نویسا

(Preliterate) می خوانیم. نباید با بی سواد

(Illiterate) که فرد فاقد توانائی خواندن

و نوشتن را در عصر فرهنگ دارای خط و

کتابت (Literate culture) می رساند ،

اشتباه شود .

Non - marriageable زناشویی ناپذیر

ر. ک. Marriage / celibacy

(T . Parsons , The social

system , p : 359

Empiricism / Agnostic ر. ک.

Non - human غیر انسان

با غیر انسانی (Inhuman) که منبعث

از فرایند انسانیت زدائی:

(Dehumanization) است یکسان نیست.

منظور از این مفهوم هر آنچه یزیست که به نژاد

انسان وابسته نیست .

Dehumanization ر. ک.

Non - material culture

فرهنگ غیر مادی

در برابر Material culture . و تعبیر

دیگر آن فرهنگ مجرد :

Immaterial Culture است . در معنای

رو ساخت یا روبنا شامل هنرها، ادب، باورها

ارزشها و نهادهای اجتماعیت .

ر. ک. Culture / Superstructure

Non - social غیر اجتماعی

- ر. ک. Communication ,
Body language
نمادنی - ناپایا Non - viable
عدم خشونت Non - violence
از فرهنگ هندی منشأ میگیرد و لاکمب (O . Lacombe) آنرا چنین تعریف می کند:
نوعی تقوی یا بهتر شیوه ای در حیات است که با تمایل به زیانکاری در برابر آنانکه ما را با همان شیوه تهدید می کنند، مخالفت می ورزد. پس بنوعی از علو روان ناشی میشود که در برابر آزار و تخریب دیگران شیوه هایی آرام و سازنده بکار می گیرد .
ر. ک. Passive resistance
Satyagraha / ostracism
Non - violent coercion
اجبار با عدم خشونت
مجبور ساختن فرد یا گروهی به انجام عملی برخلاف میل آنان ، بدون استعانت از وسایل و ابزار مادی و عینی . اجباری ناشی از فشار اخلاقی و معنوی . بعنوان مثال از طریق عدم همکاری .
Non - Wedlock غیر ازدواجی
شبکه ای از روابط انسانها در برمی گیرد که با اعمال روابط جنسی بدون انجام ازدواج پدید می آید ؛ در فرهنگ جامعه شناسان جدید که از کاربرد مفاهیمی چون حرامزاده (Bastard) غیر قانونی (Illegal) غیر مشروع (Illegitimate) به جهت بار ارزشی تند آنان
در برابر مفهوم اجتماعی (Social) .
با مفهوم Asocial که از آن جامعه گریزی بر می آید، یا ضد اجتماعی Anti - Social یکی نیست .
ر. ک. Subsocial / Antisocial
Asocial
Non - social being
موجود غیر اجتماعی
در اصطلاح انسان را همچون موجودی منزوی یا انزوا طلب می رساند. برخی نظیر هابس (Hobbes) براین عقیده اند که انسان اساساً اجتماعی نیست، بلکه از طریق آموزش اجتماعی می شود.
Non - social interaction
کنش متقابل غیر اجتماعی - تعامل غیر اجتماعی
هر عمل و عکس العمل که بین نیروهای طبیعی، چه زیستی و چه غیر زیستی پدید آید .
Non - social stimulation
برانگیختگی غیر اجتماعی
۱) برانگیزی موجود زنده توسط شیء یا عاملی غیر اجتماعی (جوشهای هیجانی و سائقها) . ۲- حاصل یا نتیجه آن.
Non - support
عدم حمایت و مراقبت
Non - symmetrical نامتقارن
Non - temporal غیر زمانی
Non - verbal communication
ارتباط غیر بیانی

نشانی از میانگین عادی و معمول کادریک گروه دارد .

به بیان ساده تر میشود گفت ، چنانچه میانگین قتل در يك شهر دارای بیش از صد هزار نفر جمعیت ۶/۵ قتل برای هر صد هزار نفر در سال است و چنانچه انحراف معیار از میانه ، میانگین و مد ناچیز باشد (ارقام صورت خوشه ای یا بند) بنا براین ، ۶/۵ را می توان بعنوان يك هنجار بحساب آورد که موجبات مقایسه بین شهرها را ازین دیدگاه فراهم میسازد .

— در روانشناسی و آموزش و پرورش ، این واژه بکار می آید تا از آن نتایج آزمونها فهمیده شود . بعنوان مثال ، نمرات توفیق گروهی از کودکان در سنی خاص و در آزمون مخصوصی ، محاسبه میشود و در پایان آنچه بطور معمول بدست می آید ، هنجار آن سن شناخته میشود و دیگر کودکان با آن سنجیده میشوند .

— در روانشناسی اجتماعی ، زمانیکه نتایج سنجش های مرتبط با عقاید ، طرز تلقی ها و ... صورتی متمرکز یا بند ، استخراج هنجارها صورت پذیر خواهد بود . بعنوان مثال ، شریف (M. Sherif) ملاحظه کرد زمانیکه گروهی از افراد جمعاً در برابر وضعی مبهم و ناشناخته قرار می گیرند ، در آغاز تفاسیر متفاوتی از آن ارائه می نمایند . لوك بتدریج این تفسیرها بهم نزدیک میشوند . در آغاز

اجتناب می کنند ، رایج است . بعضی از افراد این شبکه چنین اند :

Non - wedlock child

فرزند نامشروع

فرزندى طبعی یا ناشی از روابط آزاد.

Non - Wedlock father

پدر غیر قانونی

پدر واقعی بدون ازدواج با مادر فردیکه نسبت به فردی دیگر از نظر زیستی والد شمرده می شود بدون آنکه با مادر او ازدواج قانونی صورت داده باشد .

ر. ک. Cohabitation , Natural

brother

Non - Wedlock relationships

مناسبات جنسی بدون ازدواج

ر. ک. Extra - marital relations

Norm

هنجار

I- در لاتین Norme قبل از همه قاعده ، قانون یا مثال است که مرجع عمل واقع میشود و در عمل معنای اخیر مورد توجه است : هنجار اصل ، قاعده یا قانونیست که باید رفتار را هدایت و راهبری نماید . لالاند آنرا چنین تعریف می کند : نوع عینی یا فرمول مجرد آنچه باید باشد . بطور کلی ، هر آنچه قضاوتی ارزشی را می پذیرد ، نظیر قاعده ، هدف و حتی مدل (در مواردی چند) .

II- برین اساس ، در هر زمینه هنجار

صورتی ویژه می یابد : در آمار ، این واژه

بسختی می توان از هنجاری سخن به میان آورد، لیکن با نزدیک شدن عقاید یکدیگر، هنجار پدیدار میشود و این هنجار را نباید تنها تجانس آماری عقاید دانست، چه، ابعاد پیچیده تر از آن می یابد.

هنجار اجتماعی Norm, Social

Social norm ر. ک.

بهنجار Normal

— از دیدگاه جامعه شناسی، دورکیم در اثرش قواعد دوش جامعه شناسی (۱۹۲۰) هر ویژگی یا حالت باصفتی را که نوعی عمومیت یابد، بهنجار می خواند. بدینسان، ممکن است جنایت برای فرد غیر عادی تلقی شود، لیک، حدودی از آن در جامعه عادی و بهنجار خواهد بود؛ چه، جامعه همواره با این پدیده مواجه است.

— در روانشناسی اجتماعی، رفتاری بهنجار خوانده میشود که موجبات تعجب و استهزا را فراهم نسازد و افراد آنرا دور از انتظار نپندارند.

— در آمار، منحنی بهنجار به آن توزیع فراوانی اطلاق میشود که در آن مد، میانه، میانگین قرین یکدیگر باشند و هر دو طرف میانگین قرینه یکدیگر گردند.

بهنجاری (Normality) امریست نسبی و تابع فرهنگ. ازینرو، برخلاف بسیاری از مقدمین که در برخورد با جهان غیر صنعتی همواره آنچه را بهنجار میدانستند که در

جامعه صنعتی میگذرد، امروز، پذیرفته میشود که هر فرهنگ تابع شرایط خاصی بوده و تحمیل الگوهای یک جامعه بر جامعه یا جوامع دیگر نباید صورت پذیرد.

Normalization

عادی سازی - عادی شدن

Normative integration

یکپارچگی دستوری

Integration ر. ک.

بی هنجاری Normlessness

Anomy ر. ک.

فرار هنجار Norm of evasion

ویلیامز (R. Williams) با وضع و کاربرد این مفهوم، توجه را به اجتناب الگو یافته از هنجارها بعنوان نتیجه ای از تنوع گسترده و حتی تضاد داخلی فرهنگ یک جامعه جلب می کند. بعنوان مثال، در یک جامعه پدر سر که در آن زن زیر دست و مطیع مرد است، با فحشای نهادی شده و سازمان یافته (Institutionalized prostitution) مواجه میشویم.

Norms, Sociological

هنجارهای جامعه شناختی

Sociological norms ر. ک.

Normative function

کارکرد هنجار گزار

Reference group ر. ک.

Normative sciences

علوم دستوری - علوم هنجارگذار

فرهنگ لالاند چنین علومى را اینطور تعریف می کند: «موضوع این علوم مشاهده آنچه هست نیست، بلکه درآنان آنچه باید باشد مطرح است. اخلاق، فلسفه اجتماعى، وحتى دانش سیاسى آنجا که نظمی را پیشنهاد می کند، از علوم دستورده، دستوری یا هنجار گذارند.

Sciences ر. ك.

Nouveau riche تازه بدوران رسیده

واژه ای فرانسوی است. شخصی را می رساند که مکتب یا ثروتش را در ملاء عام به منصفه ظهور گذارد

Nuclear family خانواده هسته ای

Family ر. ك.

Nuclear power قدرت هسته ای

Nucleus, Social هسته اجتماعى

Social nucleus ر. ك.

Nudism برهنه پسندی - برهنگی

عمل افرادی که به هر دلیل بصورت عریان ظاهر می شوند. گاه عریانی و عریان پسندی بعنوان عاملی نیز در پیوند آنان تجلی می کند.

Voyeurism / Exhibitionism ر. ك.

Null hypothesis فرضیه صفر

در مواردی، محقق در انتظار آنستکه بتواند فرضیه صفر یا بمعنای دیگر فقدان ارتباط یا نبودن

تفاوت را رد کند، اگر چنانچه فرضیه عامی وی صحیح باشد.

Statistical hypothesis ر. ك.

Nullity هیچی - بطلان

Nuptiality tables جداول ازدواج

آمار ازدواج در یک جمعیت و در مقطع زمانی خاص. به عنوان مثال، در یک جمعیت ۱۰۰۰۰ نفری زنان پنجاه ساله، در سالی خاص، تعداد ۸۹۸۸ نفر دست کم یک بار ازدواج کرده اند، به شیوه زیر:

۵۷ نفر بین سالهای ۱۵ و ۱۶ سالگی

۱۷۶ نفر بین ۱۶ تا ۱۷ سالگی

۳۹۶ نفر بین ۱۷ و ۱۸ سالگی

از فرمول $m(x, x+1)$ با اعداد فوق الذکر $m(15 \text{ و } 16) = 57$ ، فرمول ضریب ازدواج بدین قرار بدست می آید:

$$n_x = \frac{m(x, x+1)}{c_x}$$

که در آن c_x کلیه مجردین در سال خاصی را می رساند (که در ارقام فوق ۱۰۰۰۰ نفر برای ۱۵ سالگی، $10000 - 57 = 9943$ ، در ۱۶ سالگی و ... می باشد. بدینسان:

$$n_{15} = \frac{m(15 \text{ و } 16)}{c_{15}} = \frac{57}{10000} =$$

۵/۷ در هزار

ضریب ازدواج نه تنها با توجه به تعداد مجردین، بلکه بر حسب تعداد کل جمعیت نیز احتساب میشود، که درین صورت با فرمول تعداد ازدواج در سالی خاص (n) بر کل جمعیت (N) بصورت ناویژه بدست می آید و در ۱۰۰۰ ضرب میشود.

Nuptials**مراسم ازدواج**

مراسمی خاص که موجبات رسمیت زوجیت و آشنائی خانواده‌هائی را که ازین پس خویشاوند (سببی) یکدیگر خواهند بود، فراهم میسازد. نامزدکنان، عقدکنان، پاتختی،

حنا بندان، عروسی و... برخی از این مراسمند.

Nurture**محیط پیرامون**

همه عناصر محیط اجتماعی که فرد متأثر از آنانست.

ر. ک. Nature, nurture & controversy

0

Objectification	عینی سازی	Objective reasoning	استدلال عینی
عمل یا فرایند عینی ساختن يك اندیشه یا هر پدیده کیفی. بعنوان مثال، در گروه سنجی (Sociometry) سعی بر آنست که عواطف انسانی بصورت کمی مورد مطالعه و سنجش قرار گیرد .		استدلال با استفاده از گزاره های عینی و مشهود .	
Objectify (to)	عینی ساختن	Objective value	ارزش عینی
		Value	ر. ك .
Objectify (to)	عینی ساختن	Objectivism	عینی گرایی
		Objectivity	عینیت - بی نظری
هستی خارجی و عینی بخشیدن به يك اندیشه ، عقیده و یا ...		پرهیز از قضاوت ذهنی ، ارزشی و انحراف یافته براساس تمایلات شخصی . دیدار واقعیت آنطور که هست و نه بر پایه خرافات و پیش فرضها . ارزیابی واقعیات دور از حالات عاطفی.	
Objective approach	رویکرد عینی	value freedom	ر. ك .
برخوردی ، فارغ از هر تعصب و یا هر قضاوت ارزشی با پدیده های مورد مطالعه در برابر رویکرد ذهنی (Subjective approach)		Obligation	الزام اجتماعی - تعهد
Objective factors	عوامل عینی	Obligatory	الزام آور
		Oblivion	نسیان
در برابر عوامل ذهنی (Subjective)			

Obscurantism	تاریک اندیشی	Field observation	مشاهده میدانی
(۱) در معنای عام به هر آنچه حاوی ستیز با دانش و روشنائی خرد باشد اطلاق میشود		Focused ~	مشاهده گانونی
(۲) در معنای خاص قرون وسطی را میرساند که در آن چنین ستیزی صورت می پذیرفت.		Indirect ~	مشاهده غیر مستقیم
Observation	مشاهده	Inferential ~	مشاهده استنباطی
شیوه ای خاص در پژوهش است که در آن پژوهنده سعی در جمع آوری داده ها ، سنجش ابزار تحقیق و فرضیه ها ، ضمن عدم تحریف جریان طبیعی وقایع دارد . استفاده از مشاهده بعنوان يك شیوه علمی مستلزم آنست که : (۱) هدف تحقیقی دقیقاً معین شده باشد . (۲) طرح کار بصورت منظم تهیه شده باشد . (۳) جریان مشاهده بطور منظم یادداشت گردد .		Mass ~	مشاهده جمعی
Active observation	مشاهده فعالانه	(۱) نام سازمانی است که در سال ۱۹۳۷ توسط چارلز مچ (Charles Madge) در انگلستان بنیان یافت . هدف از آن شناخت علمی رفتار انسان است و شیوه های خاص آن جمع آوری تعدادی از انسانهاست که داوطلبانه و از طریق مطبوعات بکار می پردازند . این افراد باید یادداشتهای روزانه ای در باب زندگی و عادات خود فراهم سازند . در واقع درین مشاهده ، شخص خود و دیگرانرا مطالعه می نماید و بر حسب موضوعات تعیین شده ، مشاهده هايش را دسته بندی می نماید . (۲) در معنای عام و بعنوان یکی از انواع مشاهده یکی از شیوه های پژوهش اجتماعیت که با آن ، فرضیه ها روشن تر میشوند و نتایج پرشماره صراحت می یابد .	
Alternative ~	مشاهده متناوب	Participant observation	مشاهده همراه با مشارکت
Centered ~	مشاهده متمرکز	با توجه به ابعاد کیفی و ذهنی در پدیده های حیات اجتماعی ، بسیاری را عقیده برینست که محقق زمانی میتواند به درک درست واقعیت اجتماعی در بین يك قوم ، گروه یا ملت ، که مورد پژوهش اوست ، نایل آید که با مسائل ، مشکلات و شادیهای حیات	
Continuous ~	مشاهده مستمر		
Detailed ~	مشاهده جزء جزء		
Direct ~	مشاهده مستقیم		
Discontinuous ~	مشاهده گسسته		
Disguised ~	مشاهده نامرئی		

مقوله خاصی که از قبل تهیه نموده جای میدهد. بعنوان مثال، رفتاری را با توجه به ویژگیهایش تهاجمی، یا آرام، یا تند و یا ... شناسایی کرده در جای خود قرار میدهد. در مقابل، در مشاهده ساخت نایافته، محقق به مشاهده می پردازد بدون آنکه حتی پرسشنامه ای از قبل فراهم آمده باشد. مشاهده ساخت نایافته علیرغم فقد آمادگی در چند مورد ضرورت دارد:

۱- مشاهده آزاد، که در خلال آن محقق در صدد برداشتن یاد داشت‌هایی است مقدماتی جهت تدوین پرسشنامه.

۲- جمع آوری اسناد: جمع آوری هر سندی که در کار تحقیق مفید نماید (بریده جراید، میکروفیل و ...).

Systematic observation

مشاهده منتظم

Observational methods

روشهای مشاهده ای

مشاهده کننده Observer

فراوت شدن - فراتویی Obsolescence

پیری و بمناسبت آن دور افتادن از حیات اجتماعی قدیمی شدن؛ این فرایند در مقابل پیری در جوامع سنتی است. در آنجا، پیر مخزن تجربیات انباشته، نگهبان وحدت و هویت جمع و کانون شأن و اعتبار بحساب می آید.

ر. ک.

Gerontocracy

اجتماعی آنان آنطور که هست بیامیزد و مدتها با آنان حیات گذرانند. ازینرو او از توصیف یا تشریح سطحی واقعیت که در جامعه شناسی توصیفی و یا جامعه نگاری مطرح است، فراتر می رود، به ادراک واقعیت و شناخت شبکه پیچیده ای آن دست می یازد. او با پندارهای پیشین که میتواند مانع کار درست علمی باشند، فاصله می گیرد؛ از تحویل قالبهای ذهنی خاص جامعه خود به جامعه ای دیگر اجتناب می نماید. انسان شناسی و همچنین جامعه شناسی تفهیمی و پدیدار شناسی (Phenomenology) این شیوه را در تحقیقات اجتماعی بسیار توصیه می نمایند.

مشاهده پذیرا Passive observation

در برابر مشاهده همراه با مشارکت و همچنین مشاهده فعال، به مشاهده ای اطلاق میشود که محقق صرفاً ناظر جریان واقعیت است بدون آنکه کوچکترین تأثیری بر آن نماید. گاه بمنظور طبیعی ماندن واقعیت مورد مشاهده از آینه هائی استفاده می کنند که او را قادر بدیدن افراد مورد مشاهده می نمایند و حال آنکه آنان از حضور او بی اطلاع می مانند.

Structured observation

مشاهده ساخت یافته

در برابر مشاهده ساخته نا یافته (unstructured)، مشاهده ایست که در خلال آن محقق، بهنگام مشاهده هر رفتار را در

Occult	نهان	(Horizontal) بر حسب آنکه حرفه جدید
Occultism	نهائی سرائی	برابر حرفه قبل ویا آنکه بالاتر ویا پائین تر
از آن باشد ، تقسیم گردد.		
(۱) شیوه اندیشه یا عمل مرتبط با نهان		

ر. ک. Occupational sociology
گروهها (Esoterics) ۲ رفتار، عمل یا
اندیشه‌ای مرتبط با پدیده‌های غیر مادی ،
پر رمز و راز . Occupational sociology

Mysticism / Esoteric	ر. ک .	جامعه شناسی کار و شغل
Occupation	شغل - اشغال	

حرفه به‌طور معمول به کاری اطلاق
میشود که توسط فرد به انجام می‌رسد بدون
توجه به پایگاه شغلی فرد و یا بخشی که آن
حرفه در درون آن جای دارد. بدینسان ،
یک ماشین نویس میتواند در یک کارخانه ،
اداره یا واحد کشت و صنعت بکار پردازد ؛
در یک معنا ، در یک منطقه ای را می‌رساند
در اینصورت با مفاهیم زیر مرتبط است :

نیروی اشغال‌گر Occupant force
مناطق اشغال شده Occupied regions

– در معنای دیگر ، حرفه ، شغل از آن
برمی‌آید. نظیر ترکیب‌های زیر :

Occupational diseases
بیماریهای شغلی

Occupational hierarchy
سلسله مراتب شغلی

طبقه بندی مشاغل و همچنین، سلسله مراتب شغلی در هر جامعه خاص آنست . بدینسان در جوامعی آهنگر بالاترین مقام شغلی را داراست . در جوامعی دیگر معلمی و بالاترین مشاغل شناخته میشود و ...

Occupational mobility
تحرك شغلی
(M. Jeffrey , Mobility in
امکان تغییر حرفه است که می تواند به دو
The Labour Market p , 9)
صورت عمودی (Vertical) و افقی

جامعه شناسی حرف که در فارسی به جامعه شناسی کار و شغل معروف گردیده است، رشته ای از جامعه شناسی است که توسط جامعه شناسانی چون نوزد (S. Nosow) با اثرش انسان، کاد و جامعه (۱۹۶۲)، همچنین کاپلو (T. Caplow) با اثرش جامعه شناسی کاد (۱۹۵۴)، گروس (E. Gross) با اثری تحت عنوان کاد و جامعه (۱۹۵۸) بنا یافت موضوعات خاص این رشته عبارتند از ۱) تقسیم کار، علل و نتایج آن ۲) کارکرد و معنای کار و پدیده های مرتبط با آن نظیر بیکاری، فراغت و باز نشستگی ۳) مطالعه ساخت حرف گوناگون و روابط متقابل آن با ساخت اجتماعی .

Studies of work

Occupational Therapy

حرفه درمانی

شیوه ای خاص در درمان بیمار بهای روانی از طریق سرگرم سازی فرد با حرفه ای مطلوب .

Ochlocracy

حکومت عوام

در برابر حکومت اشراف (Aristocracy) یا شایستگان : (Meritocracy) و یا حکومت متفذان (Oligarchy). حکومت عوام با غوغا سالاری (Mobocracy) نزدیک است (به هر یک ر. ک)

Democracy / Stratocracy ر. ک .

Mobocracy / Autocracy

عقدة اودیپ Oedipus Complex

بزعم فروید بین سالهای ۳ و ۶ ، در شرایطی، پسر بچه از نظر - رجنسی بمادر دل می بندد و نسبت به پدر احساسی آمیخته از خشم و حسد دارد . خشم از آنرو که پدر بعنوان نماینده جامعه در راه اجتماعی کردن کودک مجبور به صدور دستوراتیست که اکثر با خواست کودک تباین دارند ، حسد از آنجهت که احساسی مبهم از تصرف مادر توسط پدر در خود می بیند . پدر را رقیب خود می داند ، از اخته شدن توسط پدر می هراسد و در نهایت همین هراس موجب می شود که از تمایلات جنسی نسبت به مادر دست بردارد و سعی کند همانند پدر گردد . فروید چنین می پنداشت که این عقده صورتی جهانی دارد، لیکن در جوامع ابتدائی و همچنین جوامع مادر سر ، اثری از آن نیافت.

ر. ک. Complex / Electra complex

متخلف در امر جنسی Offender , Sex

ر. ک. Sex offender

تخلف جنسی Offense , Sex

ر. ک. Sex offense

حکومت متنفذان Oligarchy

I- در دو معنای بالنسبه متمایز بکار رفته است : ۱) زمانیکه قدرت در دست گروهی اندک است ۲) زمانیکه قدرت در دست گروهی اندک و هم فاسد قرار گیرد (معنای رایج) .

II- حکومت متنفذان نه تنها در سطح

دولت ، بلکه درمورد يك سازمان ادارى ، يك واحد توليد و ... نیز بكار ميرود و در حقيقت بين حكومت يکنفر و حكومت مردم قرار می گیرد. از نظر اخلاطون حكومت متنفذان حكومتى منحل است و مرحله فساد آریستوکراسى را میسراند . همانطور که جبارى (Tyranny) مظهر انحطاط حكومت سلطنتى و غوغا سالارى (Mob rule) یا Mobocracy) و همچنین حكومت عوام (ochlocracy) مظهر انحطاط حكومت مردم است . بعقیده مك آیود (R. M. Maciver) در معنای دقیق نمی توانیم دولتها را با این سوال که آیا یکنفر، یا چند نفر و یا بسیارى حكومت می کنند، طبقه بندى كنیم ، چه ، حكومت تعداد بسیار زیاد مردم میسر نیست ، بلکه كار حكومت همواره بدست تعدادى محدود است و قانون اساسى تعیین كننده رابطه بين یکنفر با گروهى اندك و بر وراى آن رابطه تعداد محدودیكه حكومت می کنند با اکثریتى كه حكومت بر آنان انجام می گیرد، می باشد. زمانیکه این تعداد اندك حاکم در این معنی در برابر گروههای وسیع مردم مسؤل نیستند حكومت از آن متنفذان است».

(The Web of Government ,
p , 149)

Ochlocracy / Mobocracy ر. ك .

Ruling class

Oligopoly انحصار ناقص

Monopoly ر. ك .

Omen شگون

هر آنچه حاوى معنائى غير مادىست و حادثه اى نيك يا بد را نوید میدهد.

Omnipotence قدرت مطلق

توان لايتناهاست ، قدیم نه حادث، همه جا و نه محدود در تنگناى زمان و مكان . از صفات یزدانىست .

Omnipresence همه جالى

با ubiquity مترادف است و حضور در همه جادريك زمانرا می رساند. در فرهنگ ارتباطات به وسایل ارتباط جمعى (چون راديو ، تلویزیون و...) اطلاق میشود كه پهنه وسیعی از جغرافیا را در يك زمان می پوشانند.

Ubiquity ر. ك .

Omniscience دانش مطلق

دانشى لايتناهاست ، قدیم ، نه حادث و بر وراى زمان و مكان. از صفات بارى تعالى است .

Ontologism مكتب هستى شناسى

Social nominalism ر. ك .

Ontology هستى شناسى

Open - end interview مصاحبه باز

Interview ر. ك .

Open - end questions

سوالات باز

Question / Questionnaire ر. ك .

Open society جامعه باز
Social classes / Social mobility ر. ک.
Open system نظام باز
 نظام اجتماعی که در آن امکان تحرک اجتماعی وجود داشته باشد. ارتقاء تابع معیارهایی چون نژاد، جنس یا خاندان نبوده، استعداد و کار منشأ آن بحساب آید.

Operational research پژوهش عملکردی
 ر. ک.
Research

Operationalism عملکردنگری
 ر. ک.
Social system / Achieved position / Ascriptive position

Open system Theory نظریه نظام باز
 I- بصورت operationism نیز آمده

است. از مفاهیم پیچیده و پرابهام دردانش اجتماع و انسان است. دریک معنی عملکرد (operation) فعالیت را می‌رساند متوجه به هدف یا اهدافی معین که در جهت اخذ نتیجه (یا نتایجی) دقیق و مشخص صورت می‌بندد. با توجه به این معنا، عملکردنگری (۱) آن فلسفه از دانش است که درصدد شناخت و تعبیه قوانینی دقیق برای پدیده‌های اجتماعی است. بعنوان مثال، چنانچه محقق معین در شرایطی معین، دست به انجام مشاهده‌ای مشخص زند، با احتمال P می‌توان گفت که همان محقق (یا محقق دقیقاً مشابه)، در زمان و شرایطی معین و با انجام پژوهشی باز دقیقاً مشخص و مشابه همان نتیجه را بدست دهد. با تغییر هریک از متغیرها، بایست نتیجه نیز دقیقاً و بهمان نسبت تغییر نماید. این دیدگاه، با مکتب اثباتی از سوئی و رفتار - گرائی از سوی دیگر مشابه است، بدون

Operant conditioning شرطی سازی عملی
 ر. ک.

Conditioning

Operational definition تعریف عملکردی
 هر تعریف از مفاهیم بهمان اندازه

هر تعریف از مفاهیم بهمان اندازه

آنکه با آنان یکسان باشد . ۲) ازدیدگاهی دیگر ، عملکرد نگری ، يك روش بحساب می آید : بریجمن (P.W.Bridgman) ، تحلیل عملکردی را بعنوان يك روش بکار می برد که ویژگی آن این خواست اساسی است که «مفاهیم و اصطلاحاتی که در توصیف يك تجربه (علمی) بکار میروند ، با توجه به عملکردهایی که می توانند بی هیچ ابهام به انجام رسند ، شکل بندی شوند» .

(Operational analysis ,
philosophy of science ' Vol
5 , 1938 , P , 119)

ازدیدگاه وی عملکردگرایی تأکید بر کاربرد تعاریف عملکردی در دانش است . بادیدی باالنسبه مشابه استونس (S.S. Stevens) ، می نویسد : «درعملکرد نگری این واقعیت بوضوح شناخته و پذیرفته میشود که يك مفهوم یا گزاره فقط زمانی معنای تجربی خواهد داشت که عملکردهایی ملموس و معین را که انجام آن در حد توان انسانهای عادی باشد ، میسر سازد .»

(The operational Definition
of Psychological Concepts ,
Psychological Review , VolxLII ,
1935 , P , 517)

II- بدینسان ، چه بعنوان روش ، یا فلسفه دانش ، و برورای تفاوتهای کم و بیش مشخصی که در هر مورد می یابد ، عملکردنگری

با همه ابهامهایش ، بردقت تعاریف در آغاز کار علمی و تمهید مفاهیم عملکردی متکی است . با همین دیدگاه و برورای دیدهای مکتبی ، فگل (H.Feigl) در عملکرد نگری «معیارهایی انتقادی» می بیند که تعریف مفاهیم را با شرایطی چند بدینتر ازمیسمی سازد . «مفاهیم باید با توجه به عملکردهایی تعبیه شوند : ۱) از نظر منطقی همساز . ۲) به اندازه کافی مشخص و چنانچه ممکن باشد از نظر کمی دقیق ۳) دارای ریشه های تجربی ۴) دارای پیوندهائی آشکار با مشاهده ۵) بطور طبیعی و مرجحاً دارای ابعاد هرچه فنی تر ۶) قابل تکرار و راسخ در اذهان ۷) با این هدف که در خلق مفاهیمی که در جهت ایجاد قوانین و نظریه هایی که امکان پیش بینی های بیشتری را فراهم سازد ، بکار افتند»

(Operationism and Scientific
Method , psychological Review
Vol LII , 1945 , P , 285)

عملکرد نگری Operationism
ر. ک. Operationalism

Operative institutions
نهادهای عملکردی

نهادهائی که بصورتی منظم و مستمر ، به انجام فعالیت هایی خاص و ارائه خدماتی ویژه برای گروهی یا مردمی خاص و در زمانی معین می پردازند . نظیر سازمانهای خیریه ، پیش آهنگی و ...

Social institutions ,	ر. ك . عقیده جمعی	Opinion , Collective
Institution	ر. ك .	Collective opinion
Opinion	عقیده	Opinion , Crowd
دید، قضاوت یا اعتقاد است که فرد یا گروهی در مورد موضوعی داراست. عقیده می تواند نهان یا آشکار باشد، بر قضاوت های ارزشی یا استدلال و دلایل منطقی متکی گردد. در تعریف عقیده از دیدگاه پژوهشی، کلی (H.H. Helly) می نویسد: «از دیدگاه عملکردی، عقاید آن پاسخ های جهانی هستند که شخص در برابر وضعی محرک که در آن سوآلی کلی مطرح شده باشد، ابراز میدارد.»	ر. ك .	Crowd opinion
(Communication and persuasion,		Opinion , Group
9: d		Group opinion
عقاید را با معیارهای زیر مورد سنجش قرار می دهند :		Opinion leader
۱- شدت : با توجه به شدت یا ضعف هر عقیده در مورد موضوع یا مسأله ای خاص میتوان خط ممندی رسم نمود که عقاید با توجه به میزان شدت آنان در آن جای گیرند.		به کسانی اطلاق میشود که عقاید مردم را هدایت کرده دیگرگون میسازند . عقیده سازان لزوماً صاحبان مناصب خاص نیستند . آنان بعنوان بی طرف مورد اعتماد مردمند و از طریق وسایل ارتباط جمعی امکان تأثیر در مردم را دارا هستند .
۲) روشنی یا ابهام عقاید . ۳) همسازی : با توجه به اینکه تا چه حد عقاید ابراز شده از جانب یک نفر با یکدیگر سازگارند . همسازی یا تخالف عقاید می تواند در یک زمان معین یا چند زمان صورت بندد .		Opinion , Public
Attitude / Stereotype ,	ر. ك .	Public opinion
Prejudice		ر. ك .
		تقابل . مخالفین سیاسی
		Opposition
		۱) بکار بردن نیرو و در جهت مخالف فرد، گروه یا جریان اجتماعی و یا هر موجودیکه بنظر میرسد در مسیری در حال حرکت است. در تقابل ، لزوماً هدف نابود سازی طرف مقابل نیست (برخلاف کشمکش ، تعارض و...) ۲) مجموعه افراد ، سازمانها و یا نهادهای سیاسی که با دولت مستقر مخالفت می ورزند .
		Dialectic
		ر. ك .
		Opposition , Social
		تقابل اجتماعی
		ر. ك .
		Social opposition

- Opportunism** فرصت طلبی
از واژگان رایج در دانش و هم عرف عام است. در اصطلاح، تغیر رنگ دادن و علیرغم تعارض فکری با قدرت حاکم ساختن را می‌رساند. با هم‌نوائی (conformism) مشبه نشود. بدان ر.ك.
- Oppression** سرکوب، جور، فشار، ستم
ر.ك. **Repression, Suppression**
Oppressed سرکوب شده، ستم بر
Oppressor ستمگر، سرکوب‌گر
Optimal متناسب
Optimism خوش بینی
- حالتی است روانی که جهان هستی را با دیدی خوش بینانه می‌نگرد.
- فلسفه‌ایست که همه چیز جهان هستی را بهترین و درست‌ترین میدانند. برطبق این عقیده، «جهان چون خط و خال و چشم و ابروست - که هر چیزش بجای خویش نیکوست و نیکو نیز آفریده شده است».
Pessimism این مفهوم در برابر بدبینی
قرار می‌گیرد.
Pessimism ر.ك.
Optimistic approach
رویکرد خوش بینانه
از دیدگاهی خوش بینانه به پدیده‌ها نگرستن و با آنان روبرو شدن.
Optimize به‌حد مطلوب رسانیدن
Optimum حد مطلوب - حد متناسب
- مفهومی است بسیار متداول در همه رشته‌های علم انسان. بمعنای حد متعارف و ایده‌آل، در هر پدیده است.
در جمعیت شناسی، جمعیت متعارف optimum population میزانی متناسب از جمعیت در یک فضای جغرافیایی است آنچنان که همه کس در رفاه متعارف حیات گذرانند.
در اقتصاد، آنگاه که همه عوامل تولید بطور ایده‌آل بهم می‌آمیزند، سازمان تولیدی ایده‌آلی فراهم می‌آید که بهترین و بیشترین میزان تولید را بدست دهد.
Optimum density تراکم متناسب
Population density ر.ك.
Optimum population
حد متناسب جمعیت
ر.ك. **Optimum**
Oral traditions سنن شفاهی
Folklore ر.ك.
Order, Social نظم اجتماعی
Social order ر.ك.
Ordinal scale مقیاس ترتیبی
Scaling ر.ك.
Organ, Social
عضو، دستگاه، اورگان اجتماعی
ر.ك. **Social organ**
Organic عضوی - آلی
- درموردی بمعنای عضوی، اندامیست و در برابر مکانیکی (Mechanical) یا

- مترادف است .
 ر. ك. organicism
Organic concept of society
 مفهوم اندام‌وارگی جامعه . مفهوم سازمانی جامعه
 مفهومی که می‌تواند هم (۱) نظریه مقایسه پذیری جامعه را با موجودات زنده دربرگیرد (اندام‌وش انگاری) (organicism) و یا نظریه اندام‌وارگی (Organismic analogy)
 (۲) هم آنکه درمعنایی وسیع ، جامعه را سازمان یافته پنداشتن ، بدین معنی که وجود جامعه را مستلزم جای یابی هریک از عناصر یا اعضاء در درون سازمانی وسیع که هریک بسهم خود درحرکت آن مدد می‌رسانند دانستن .
Organic model مدل عضوی
 ر. ك. Model
Organic school اندام‌وش انگاری
 بدان نظریه اندام‌وش انگاری (Organic Theory) نیز اطلاق میشود .
 نام اصلی مکتب organicism است .
 (بدان ر. ك.)
Organic solidarity همبستگی عضوی
 ر. ك. Durkheim / organic
Organicism اندام‌وش انگاری
 I- نظریه ایست که برطبق آن بین موجودات زنده و جامعه تشابه دیده میشود .
 اول بار اسپیناس (Espinass) بدان اشاره
- ماشینی قرارمی گیرد؛ ازینروست که درجامعه شناسی ددوکیم (Durkheim) دوشوع همبستگی ازهم تمیزمی یابند، بدینقرار:
Organic solidarity همبستگی عضوی
 منبعث ازتقسیم کاروتخصص که موجب نیاز متقابل انسانها و بالطبع پیوند متقابل آنانرا فراهم می‌سازد .
Mechanical solidarity همبستگی مکانیکی
 منبعث ازعدم توزیع وظایف ، خود - گردانی، خودکفائی در جریان حیات انسانهاست . درین حال، هر عضو جامعه خود حوائج اساسی خود را برمی آورد و نیازش به دیگری به حد اقل میرسد .
 - درمواردی دیگر معنای حیاتی (Vital) یا اساسی (Fundamental) را می‌یابد. درفارسی تعبیری دیگر نظیر اندامی، اورگانیک، عضوانی، سازمانی وحتی اندام واره نیز یافته است .
 ر. ك. Mechanical
Organic analogy اندام‌وارگی
 مقایسه بین جامعه ، ساخت وکارکردهای آن با موجودات دیگر (گیاهان ، حیوانات و ...) هربرت اسپنسر (H.Spencer) برین هم سنجی تأکید وسیعی داشت . اوپیدائی و حرکت جوامع را با پیدائی و دگردیسی گیاهان از سادگی به پیچیدگی همسان می‌انگاشت بامفهوم organismic analogy

political Theory

PP : 127 - 8)

از جانب خود هواد بکر بین تصور اور گانی و اور گانیسمی تفاوت قائل است : تصور اور گانی به همبستگی روابط اجزاء اجتماعی در قالب کل واحد (جامعه) که مجموعه ای تام و واحد است متوجه است و حال آنکه تصور می جامعه راجزی از نظام طبیعی ار زیستی می شمارد. (نقل از فونکسیونالیسم ، احمد اشرف نامه علوم اجتماعی ، دوره ۱ شماره ۱ ، ۱۳۴۷ ، ص ۱۱)

با این تمایز ، باید او گوست کنت را ، بعنوان یکی از بنیانگذاران مکتب اثباتی دارای اندیشه اور گانی ، هم اور گانیسمی دانست . او سلول جامعه را خانواده میداند و بافت آنرا نیروهای اجتماعی ، تنها تفاوت میان اور گانیسم اجتماعی و بدن را در آن میداند که جامعه را می توان دگرگون ساخت و حال آنکه بدن بالنسبه ثابت است .

علاوه بر اثبات گرایان ، کارکرد گرایان نیز ازین طرز فکر متأثر گردیدند . در مباحث تکامل گرایان (Evolutionists) نیز همین شیوه اندیشه رایج بوده است . بعنوان مثال هربرت اسپنسر ، تصور جامعه را از صورت ساده ، همگن ، به صورتی متکثر و ناهمگن می بیند : در برابر جامعه اولیه که بنظرش ساده ، کوچک

کرد . از نظر او جامعه همچون موجودی زنده است دارای اندامها و اعضاء گوناگون سیسرو (Cicero) و لوی (Levy) نیز دریونان و روم جوامع انسانی را همچون موجوداتی زنده تابع مراحل از رشد (کودکی ، جوانی و پیری) میدانستند . (دسپو نیز جامعه را همچون يك موجود زنده می پنداشت ؛ با همان الگوی کلی سازمانی اندامهای زیستی ، او در کتاب چهارم خود روح و بدن را باطبقات بالا و پائین ، تاسه نموده ، کنترلی عقل را بر احساسات همانند سلطه ارباب بر بندگان میداند . نزدیک بدانست نظرافلاطون که تقسیم کار اجتماعی را عنوان و بر ابعاد کارکردی آنان تأکید نموده است .

II- در اندیشه های جدید ، این مکتب مخصوصاً از اندیشه های باذکر (E. Barker) متأثر است . او در آغاز بر وحدت بعنوان ویژگی خاص اور گانیسم زیستی تأکید نموده می نویسد : «يك اور گانیسم چیز است دارای حیات ، مرکب از مجموعه ای از اجزاء که در خدمت یکدیگر قرار دارند و ازین طریق بر کلی که با هم تشکیل میدهند ، خدمت می رسانند . هر جزء ایزاریست در راه تحقق هدفی مشترك . اور گانیسم زیستی دارای ساختی زنده و مرکب است . در آن اجزاء همچون ایزاری هستند که متقابلاً مفید بحال یکدیگر و جمعاً مفید بحال اهداف حیات کل»

(principles of Social and

ویکسان می نمود. جامعه صنعتی جدید، پیچیده، تخصصی و دارای تقسیم کار است؛ همین نوع دگرگونی را در حرکات طبیعی یک دانه گیاهی می یابد و باز همین تطور را در یک نطفه بارور شده می بیند. پس راه حرکت ارتقائی جامعه، گیاه و طبیعت زنده یکسان است و همین اندیشه است که پایه های بینش انداموش انگاری را میسازد.

دورکیم نیز از دیدگاه خاص خود (تقسیم کار اجتماعی) وحدت اورگانی جامعه را مورد تأکید قرار میدهد؛ اساساً مفهوم تقسیم کار، هم بر کل (جامعه) نظر دارد، هم بر عناصر، اندامهاش.

III- همچنانکه ملاحظه می شود، اندیشه انداموش انگاری در اکثر جامعه شناسان چه به صورت آشکار یا نهان رسوخ داشته است. تمامی آنان که جامعه را همچون موجودی زنده می دانند و برای آن مراحل از تطور با توجه زنده می دانند و برای آن مراحل از تطور با توجه به تطور پدیده های طبیعی و زنده می انگارند تمامی آنان که بر کل جامعه و اندامهای گوناگون آن تأکید دارد، جزء این مکتب به شمار می آیند.

Functionalism

آلی بودن
Organicity
دارای ویژگی موجود زنده بودن

سازمان نما
Organigram
در گروه سنجی وضع رسمی افراد را
در سلسله مراتب اداری می رساند.

Sociometry / Sociogram

Organigram , Functional

سازمان نمای کارکردی

Functional organigram

اورگانیسم

موجودی زنده دارای اعضاء یا اجزائی که هر یک بنحوی در تداوم حیات آن مدد می رسانند.

Organism , Social

اورگانیسم اجتماعی

Social organism

Organismic analogy

اندامواری

بامفهوم organic analogy مترادف است.

Organismic theory

نظریه اندامواری

Organicism

Organization , Community

سازمان محلی . سازماندهی محلی

Community organization

Organization , Criminal

سازمان جنائی

Criminal organization

Organization , Dual

سازمان دوگانه - سازماندهی دوگانه

Dual organization

Organization , Industrial

سازمان صنعتی

Industrial organization

Organization , Rural-social

سازمان اجتماعى روستائى

Rural-social organization ر. ك.

Organization , Social

سازمان اجتماعى

Social organization ر. ك.

Organization - man

انسان سازمانى

در انتقاد از گسترش ديوانسالارى و قلب

ماهيت انسانى ناشى از آن، بسيارى از جامعه

شناسان اين مفهوم را پديد آورده از آن

انسانى را مستفادميدارند، بارفتارى جبهه‌اى،

و روابطى خشك وغيرانسانى .

Anomie / Robot ر. ك.

Organizational mores

آداب و رسوم سازمانى

آداب و رسومى مشخص به همراه اعمالى

معين كه از نسلى به نسل ديگر منتقل ميشوند،

در جريان هر نسل بهبود و تكامل مى پذيرند و

سرانجام همچون ميراثى وسيع وحدت افراد

يك گروه را تحكيم مى بخشند، به هر عضو هويت

مى دهند و در زمانهاى مشخص موجبات بروز

رفتارهاى سنجيده و جا افتاده از جانب گروه

را فراهم مى آورند .

Organized crime

جنايت سازمان يافته

به اعمال جنايى سازمانهاى زيرزمينى اطلاق

مى شود كه داراى سلسله مراتب منظم و توزيع

وظايفند (نظير سازمان مافيا)

وظايفند . (نظير سازمان مافيا)

Organized crowd

انبوه سازمان يافته

انبوهى از انسانهاست نه مجتمع دريك

فضا ، بلكه متوجه به موضوعى خاص، گذرا

با ابعاد عاطفى - هيجانى . اين نوع كاربرد

از مفهوم انبوه خلق نادر است، بدان انبوهى

كه صرفاً داراى پيوند روانى و نه مكانىست

(Psychological crowd) نيز اطلاق ميشود.

Organized group

گروه سازمان يافته

Group ر. ك.

Organized skepticism

شك منظم

مفهومی است از مرتن (R.Merton).

به نظر وی دانشمند زمانى بايد به داورى نشيند

كه نه تنها همه دانستنيهاى لازم را در اختيار

داشته باشد، بلكه با توجه به قواعد شناخته شده

مرتن با الهام از اندیشه‌هاى دكارت (شك

دستورى) و پوپر (ابطال پذيرى)، انتظام را اساس

پژوهش مى داند:

بنظر مرتن، محقق بايد ۱) مراحل گوناگون تحقيق را

طى نمايد ۲) هر مرحله را بدنبال مرحله ديگر به

انجام رساند (انتظام) ۳) قبل از ورود به هر

مرحله از كار پژوهش، دانسته‌هاى پيشين خود

را در باب موضوع مورد تحقيق مورد شك يا

ترديد قرار دهد.

Orgiastic crowd انبوه درهیجان

انبوهی از خود بیخود، غرق درهیجان؛ این حالات بهنگام بر گزاری عزاداری عمومی، پایکوبی های جمعی، یا پیدایی هر حادثه جمعی - تاریخی (ترك مخاصمه و...) پدید می آید.

Crowd ر. ك.

Oriental despotism استبداد شرقی

به زعم ویلفوگ (K. Willfoege)، جوامع شرقی از جوامع فئودال و صنعتی از این جهت متمایزند که دارای شیوه های سرکوب اداری هستند، قوانین اجتماعی در حول و حوش اداره منابع آب و توزیع و نگهداری آنان پدید می آید، اینان را باید تمدنهای بر محور آب:

(Hydraulic civilizations) خوانند.

Orientation, Family of

خانواده راهیابی

Family of orientation ر. ك.

Orientation, Social

راهیابی اجتماعى

Social orientation ر. ك.

Origin, Country of

کشور خاستگاه

Country of origin ر. ك.

Origin, Social خاستگاه اجتماعى

Social origin ر. ك.

Origins, Social

پدیده های اولیه حیات اجتماعى

Social origins ر. ك.

Original nature

فطرت نخستین، طبیعت بکر

(۱) طبیعت قبل از تسخیر آن توسط

انسان (۲) ویژگیهای طبیعی انسان در برابر

آنچه از محیط کسب کرده است. جامعه -

شناسانی چون کولی (C.H. Cooley) بر این

عقیده اند که تشابه بین تمامی موجودات

انسانی در ساخت روابط نزدیک خود (گروههای

نخستین) ناشی از وراثت نیست، بلکه از

آموزش منشأ می گیرد. بزعم آنان چون

اجتماعی شدن کودک در شرایطی بالنسبه مشابه

(در خانواده) صورت می پذیرد، شبه همانندیها

نیز پدیدار میشود.

اما، این نظر همگان نیست. غریزه -

گرایان (Instinctivists)، بر غرایز

به عنوان اموری فطری و مشترك بین همه انسانها

و بالطبع سازنده زیربنای طبیعت انسان و

تشابه بین انسانها تکیه دارند. برخی دیگر

با انعطاف از سائقها (Drives) بعنوان زیر

بنای تشابه انسانها یاد می کنند.

Ecology / Human ecology - ر. ك.

Environmentalism / Human

geography - Ecologist / Human

nature

Orthodox school

Ossification , Social

مکتب راستین آیین

تجبر اجتماعی

Orthodoxy

ر. ک.

Social ossification

ر. ک.

Orthodoxy

راستین آیینی

Ostracism

طرد اجتماعی

۱- در معنای عام به همه اندیشه‌هایی اطلاق می‌شود که از سرچشمه اولیه یک آئین مایه می‌گیرند؛ بدان وفادار می‌مانند و در خط آن گام برمی‌دارند. در این معنی با بنیانگرایی (Fundamentalism) قرار می‌گیرد. چون در راستین آیینی استوانه‌های آیین بی‌هیچ تغییر حفظ می‌شود و از این رو بالطبع سنت گراست اما، در صورت سعی در حفظ فروع و عدم انطباق با حرکت زمان، این مکتب و حتی نویرزای (Misoneism) می‌انجامد.

۲- در معنای محدود، مکتبی را می‌رساند در اقتصاد که طرفدار عدم دخالت دولت در بازار، (Laissez - faire) است و بانامهای مکتب کلاسیک (classical school)، لیبرالیسم اقتصادی و هم مکتب فردگرایان (Individualist school) خوانده می‌شود.

Heterodoxy / Laissez - faire ر. ک.

Fundamentalism / Revisionism ,

Misoneism / Conservatism '

Revolutionism / Classical school

از نظر لغوی، این واژه، در یونان باستان به معنای طرد شهروندی خاطی برای مدت ده سال بود که پس از آن حقوق مدنی و اجتماعی خود را باز می‌یافت. اما امروز این مفهوم قطع روابط اجتماعی با فرد مجرم یا محکوم و یا به طور کلی منفور را می‌رساند. در این حال، شخص علی‌رغم زندگی در جمع، پیوندی با دیگران نمی‌تواند داشته باشد و در نوعی انزوای تحمیلی زندگی می‌کند. طرد اجتماعی یکی از مهمترین ابزار اجتماعی است که در زمینه‌های زیر به کار می‌آید:

۱- آنجا که فردی هنجارهای اجتماعی را زیر پا گذاشته است. هنگامی که دورکیم از وجدان جمع (Collective Conscience) یاد می‌نمود، اضافه می‌کرد، زمانیکه فردی بعنوان مثال در برابر محرکات طبیعی ازدواج مقاومت نماید و به سرکوب و یا حتی تصعید (Sublimation) آنان پردازد، در برابر مشکلات اجتماعی ناشی از عدم رعایت هنجاری اجتماعی قرار می‌گیرد که موجبات طرد اجتماعی او را فراهم می‌سازد. ابزار دوم بسیار موثرتر از ابزار اول در راه ترغیب و یا حتی وادار سازی انسانها به ازدواج است.

۲- آنجا که مقاومتی ملی و همه گیر در

برابر الگوهای نیرومند و خارج از حیطه نظارت آنان قرار می‌گرفتند که قرن‌ها در جامعه وجود داشت و بنوعی نیز تقدس یافته بود. بنا بر این انسانها از این الگوها سرمشق می‌گرفتند و راهی جز اطاعت از آنان نداشتند. بطوریکه بزعم رایزمن عدم رعایت موازین سنتی موجبات «شرمساری» را فراهم می‌ساخت. لیک با سستی گرفتن سنن اجتماعی، انسانها بسوی درون راه جستند و در برابر مسائل، سعی در بازیابی راه حلی فردی، خود یافته و شخصی نمودند. در این برهه از تاریخ خود راهبری پدید آمد که باز بزعم رایزمن بهنگام عدم توفیق در راهی که مشخص خود یافته بود احساس گسناه بسود دست می‌داد. لیک در روزگاران ما، انسان جدید برون راهبر یا دگر راهبر خوانده میشود. چه، با ورود به عصر ارتباطات جمعی و نفوذ این وسایل حتی در حریم خانه‌ها، شخص از آنان الگو می‌گیرد. براهی می‌رود که از طریق این وسایل تجویز می‌شود و بناچار صاحبان این وسایل، راهبران اندیشه و عمل انسانها می‌شوند. در اصطلاح به این نوع راهبری ظریف و غیر مستقیم هدایت از راه دور (Telekinesis) اطلاق می‌شود که در جریان آن شخص علیرغم آزادی صوری، سخت در انقیاد است. رایزمن معتقد است علاوه بر وسایل ارتباط جمعی، گروه همالان (Peer group) نیز چنین تاثیری برجای می‌گذارد؛ و شخصیت‌آمریکایی را این نوع می‌داند.

برابراجنبی، استعمارگر و یا هر عنصر غاصب آغاز می‌شود، یکی از بهترین ابزارها، طرد اجتماعی اوست. مهايمانگاندى در راه‌مبارزه با استعمارگران انگلیسی از این حربه سیاسی بخوبی استفاده نموده و آنرا با نام سیاست عدم خشونت (Non - Violence) و یا مبارزه منفی می‌خوانند.

۳- در شرایطی که قانون نادرست و مجرمی می‌تواند علیرغم زیرپا گذاشتن مقدسات جامعه به آزادی حیات گذراند، طرد اجتماعی او صورت می‌بندد که بمراتب قوی‌تر، مؤثرتر و کارآتر از مجازات قانونی خواهد بود؛ در این حال او برغم زندگی در جمع در تبعید بسر می‌برد و در برابر مشکلاتی قرار می‌گیرد که بطور مستمر و در هر لحظه حیاتش بروز می‌کنند.

ر. ک. Non - violence / Passive resistance, Satyagraha.

Social norms

Other-directed-man

انسان دیگر راهبر

اصطلاح از دیویس. دایزمن (D - Riesman) است. در برابر انسان سنت راهبر (Traditional-directed-man) و خود راهبر (Inner-directed-man). تا زمانیکه سنتها پا برجای بودند، انسانها در

- قرار می گیرد، نظیر : Inner-directed-man . ر. ك .
- Overaffection بیش مهری Traditional-directed-man .
- Overconsumption بیش مصرفی Riesman / Peer group
- Conspicuous consumption . ر. ك .
- Overcrowding ازدحام Outbreeding امتزاج
- در بحث از اندیشه های اجتماعى ، به معنای وارد کردن اندیشه ، نهاد یا سازمانى خاص در درون يك گروه است ، آنچنانكه با آن نه ماهیت گروه و هویت آن آسیب بیند ، نه طرد بعدى عنصر خارجى وارد شده حاصل آید ، بلکه با ترکیب آن با عناصر اولیه ، گروه چشم اندازی جدید یابد .
- Acculturation / Eclectism . ر. ك .
- Harmonism / cross - fertilization .
- Melting pot / Integralism
- Out - caste اجنبی . برون کاست
- در نظام کاستى به گروههاى اطلاق می شود كه یا فاقد کاست هستند و یا آنكه از کاست خود اخراج شده اند .
- Indian caste system , ر. ك .
- Ascriptive position , Caste .
- untouchables . closed system .
- Pariah
- Out - group برون گروه
- Group ر. ك .
- Over بیش
- از پیشوندهاى مهم در ترکیبات مفهومىست ، در بسیاری از واژگان اجتماعى مورد استفاده
- Le Bon / Crowd ر. ك .
- Over-development بیش توسعه
- (۱) توسعه يك کشور بدون آنكه تمامى عناصر بصورتى هماهنگ شكوفایی یابند .
- (۲) توسعه بیش از حد يك کشور آنچنانكه موجب پیدائى و بسط عناصرى منفى گردد (اضمحلال منابع بعلت آلودگی هوا ، از بین رفتن نسل برنخى از حیوانات) .
- Underdevelopment / ر. ك .
- Development / Undevelopment

- Overestimation** بیش شماری
در برابر کم شماری :
- (Underestimation) در سرشماریها ، در بسیاری از موارد شاهد پنهان نمائی بسیاری از پدیده‌ها از جانب پاسخگویان هستیم (نظیر درآمد)، که بدان کم شماری یا کاستی آمار در برابرواقعیات اطلاق می‌شود، در حالیکه در بحث از سن ازدواج ، بسیاری از پاسخگویان که دخترانشان در سنینی کمتر از حد قانونی ازدواج نموده‌اند ، سنی بسالتر را برای دختر خود عنوان می‌کنند، که در این صورت شاهد بیش شماری هستیم . در هر دو مورد سوگیری (Bias) یا انحراف از حد واقعی مطرح است که با فئونی سعی در احتساب میزان انحراف یا ضریب خطا بعمل می‌آید .
- Overhousing** بیش خانه سازی
توجه افراطی به خانه سازی، مخصوصاً با از بین بردن فضاهای شهری از سویی و هدر دادن زمینهای کشاورزی از سوی دیگر.
- Overlapping** تداخل
- Over-organization** بیش سازمانی
سازمانیکه در آن هدفها تابع شیوه‌ها ، روشها و ابزارند . بدینسان ، بجای آنکه بازده مطمح نظر باشد، حضور افراد، رعایت سخت مقررات و... موردتوجه قرارمی‌گیزد.
- Organization / Inorganization**
Overpopulation
جمعیت بیش از اندازه
در برابر مفهوم جمعیت مناسب (optimum population) ، به جمعیتی اطلاق می‌شود که با توجه به وسعت منطقه ، قدرت جذب و امکانات آن ، زیاده برمیزان متناسب است .
- Optimum Population** . ر. ک.
- Underpopulation / Population density**
بیش تولیدی
تولید بیش از حد متعارف.
- Overprotection** حمایت مفرط
ر. ک. Autarky, Protectionism
- Owner - manager** مدیر-مالک
در شرایط سنتی و همچنین واحدهای کوچک کئونی تولید ، مالکیت با مدیریت می‌آمیزد، لیک با گسترش سرمایه ثابت، زنجیری شدن تولید و انبوه گردیدن آن ، شرکتهای بی‌نام یا تضامنی (Partnership) پدیدآمد که در آن مدیریت از مالکیت جدا شد . مالکیت از انحصار یک فرد بیرون آمد و مدیریت نه تابع میزان سرمایه بلکه تخصص، اعتماد شرکاء ، قدرت خلاقه و ابتکار شخصی گردید .
- Disorganization / Social** ر. ک.

Ownership

مالکیت

حقى که جامعه برقرار ساخته ، برسمیت شناخته و بهر دلیل به فرد یا افرادی در رابطه با خدمت یا کالایی تفویض نموده است ، آنچه‌آنکه او (آنان) در تصرف، نگهداری یا حتی در مواردی اضمحلال آن ذبحق بحساب می‌آید (می‌آیند) .

Ownership , Types of

انواع مالکیت

Common ownership

مالکیت عمومی

Collective ~

مالکیت جمعی

Complete ~

مالکیت کامل

Cooperative ownership

مالکیت تعاونی

Exclusive ~

مالکیت انحصاری

Individual ~

مالکیت فردی

Partial ~

مالکیت غیر کامل

Private ownership

مالکیت خصوصی

Shared ~

مالکیت غیر انحصاری

Collectivism / Communism . ر . ک .**Cooperative .**

P

آرامش طلبی . صلحجویی Pacifism

I - بصورت Pacifism نیز آمده

است . این مفهوم در سه معنای بالنسبه متمایز به کار رفته است :

۱- در اولین معنا ، عقیده یا راه و رسم آنانی را می‌رساند که معتقدند جنگ را باید از طریق نهادها و سازمانهای خاص مانع گردید . اینان بر این عقیده اند که قدرت باید از انحصار يك یا چند ملت خارج شود تا دیگر جنگی رخ ندهد . اینان در زمره فراملی

اندیشان (Internationalists) هستند ،

چه معتقد به تشکل نهادهایی جهانی در راه حراست از آرمان جهانی صلح می‌باشند .

۲- کسانی که بنابر باورهای این مکتب ، از شرکت در هر ارتش یا نیرویی که قصد جنگ داشته باشد ، اجتناب می‌کنند . این

گروه را باید صلح خواهان شخصی

(Personal pacifists) خوانند . نظیر

بودائیان و ... ۳) کسانی که جنگ را با توجه به عواقب وخیم آن نفی می‌کنند ، از حد شخصی فراتر می‌روند ، به هر ابزار (سازمان نهاد و ...) درین جهت متشبث می‌شوند ؛ اینان را صلح خواهان سیاسی یا عقل گرا می‌خوانند .

II - برخلاف آنچه تصور می‌رود ،

صلح جویی ، امری چندان ساده نیست : ۱) صلحجویی بمعنای طرد قدرت و یا نفی هر ابزار جنگی نیست ؛ بلکه ، برعکس ، برپایه ضرب المثل معروف ، اگر صلح می‌خواهی مسلح شو ، صلحجویی متضمن احراز حداقل شرایط دفاعی بازدارنده است . ۲) صلحجویی تنها با کنگره و کنفرانس نیز تحقیق پذیر نیست .

- زیرین ، بلکه ناشی از گروهی اندك ، در رأس هرم قدرت و در مواردی اطرافیان قدرت مرکزی .
- ر. ك . Revolution
- عصر دیرینه سنگی Paleolithic age
- ر. ك . Culture
- دیرین شناسی Paleontology
- ر. ك . Physical anthropology
- تسکین بخشی . مسکن Palliative
- عاملی با اثری موقت ، اقدامی نه در حل بنیادی مسأله یا مشکل .
- ر. ك . Radicalism / Social reform, Revolution
- پانل Panel
- I- شیوه ایست در تحقیقات اجتماعی که تأثیر عامل زمان را مورد شناسایی قرار می دهد . بدینسان ، جمعیت نمونه دوبار یا بیشتر در فواصل زمانی خاص مورد مطالعه قرار می گیرد تا تفاوت های رفتاری یا فکری در خلال زمان ارزیابی شوند .
- از طریق پانل می توان هم دگرگونی های مرتبط با عقاید ، نظرات و حالات روانی را مورد سنجش قرارداد ، هم تغییر در رفتارها ، عادات و ... را به سنجش نهاد . همچنین ، ازین طریق نه تنها افراد را مورد مطالعه قرار می دهند ، بلکه گروه ها یا کارگاه ها یا روستاها و ... را نیز می توان در جریان تطورات آنان به تحقیق نهاد . علاوه بر این ، با استفاده از پانل می توان
- به اصطلاح گاستون بوتول (G.Bouthoul) این بدان ماند که بر بستر بیماری ، طبیبان بجای مداوا ، آواز سر دهند .
- Isolationism / Internationalism ,
- ر. ك . Neutralism
- التصاد رنج Pain economy
- اقتصادی است مواجه با کمبودهایی از هر قبیل (مواد اولیه ، تخصص و...) آنچنانکه امکان تأمین حداقل معیشت فراهم نباشد . در این اقتصاد فداکاری تشویق می شود ، بینوایی امری مقرر و طبیعی تلقی میگردد که این نیز خود بر فقر و بیکارگی افزوده مسائل اقتصاد را تشدید می کند . بدان از دیدگاهی اقتصاد کاستی (Deficit economy) و یا اقتصاد ندرت (Scarcity economy) نیز اطلاق می شود .
- Pair marriage
- برابر همسری . برابر همسرگزینی
- گونه ای از زناشویی که در آن دو همسر هم از حقوق و تکالیفی بالنسبه برابر برخوردار دارند و تفاوت های حاصل در پایگاه هر يك بعد از ازدواج و با توجه به توانایی های فردی پدید می آید ، هم در آغاز همسانی بیشتر با یکدیگر دارند .
- ر. ك . Patriarchy / Matriarchy
- Egalitarian marriage
- انقلاب از بالا Palace revolution
- انقلابی نه منبث از توده ها و از قشرهای

بسیاری نیز دارد از جمله :

— شرطی شدن جمعیت نسبت به پانل (panel conditioning) که خواه دارای اهمیت بسیاری است. بدینصورت زمانیکه يك پرسش یا يك سلسله سوالاتی از جمعیتی خاص به فواصل زمانی منظم پرسیده می شود و یا آنکه رفتار آنان در همین فواصل سنجیده می شود ، نوعی آگاهی از جانب آنان نسبت به تحقیق حاصل میشود که خود موجب بروز رفتاری خاص متمایز از جانب آنان می شود که با رفتار مردم عادی تفاوت می پذیرد .

افت جمعیت: بسختی می توان جمعیتی را در خلال زمان طولانی بدون افت یافت. بعضی دیگر جابه جا می شوند و دستیابی به آنان میسر نیست. بعضی دیگر از بین می روند و در هر حال جمعیت نمونه عیناً یکسان نمی ماند. درینصورت باید از فهرست ذخیره (Reserve list) فردی را که تقریباً همان ویژگیها را داراست ، برگزید .

— عامل دیگر بازیابی جمعیتی است که هم نمونه درست کل جمعیت باشد ، هم آنکه علاقه مند و حاضر به همکاری مستمر . ازینروست که شیوه ای دیگر چون روند پژوهی (Trend study) بعنوان نوعی دیگر از مطالعات طولی (Longitudinal studies) مطرح می شود (به هر يك ر.ك)

هراس اجتماعى Panic , Social
ر.ك. Social panic

نه تنها حرکت یا تغییر را شناخت (سطح توصیفی) ، بلکه علت یا علل تغییرهای حاصل شده در عقاید و یا رفتار (یا هردو) در فرد یا جمعیت ، یا واحد مورد مطالعه را مورد شناسایی قرار داد (سطح علی یا تبیینی). علاوه براین از طریق پانل می توان نه تنها نسبت دگرگونی بلکه ترکیب درونی آن را شناخت. مثلاً اگر در دو مقطع زمانی نسبت طرفداران يك رئیس جمهور ۴۰٪ باقی مانده است ، می پرسیم آیا همان افراد باز رأی مثبت داده اند؟ کاو برد پانل برخلاف تحلیل روند یا روند پژوهی (Trend analysis) که در آن صرف حرکت نسبتها مشخص می شوند می تواند نشان دهد که آیا همان افراد نظر موافق خود را حفظ کرده اند یا آنکه بسیاری از موافقان به مخالفان پیوسته اند و در مقابل و برای ثابت ماندن نسبت ، گروهی از مخالفان به موافقها روی آورده اند .

II- نمونه های تاریخی بسیاری در کاربرد این شیوه بسیار معمول در پژوهشهای اجتماعی در دست است ، ليك نمونه جالب چنین مطالعاتی را لازارسفلد (Lazarsfeld) و برلسون (Berelson) ارائه داده اند . آنان گروهی خاص از مردم را هر ماهه در سال ۱۹۴۴ از ماه مه تا نوامبر مورد مطالعه قرار دادند . موضوع مطالعه نظرمردم در مورد ریاست جمهور بود ؛ هدف این بود که عوامل مؤثر در تغییر نظر این مردم شناخته شوند .

III- امتیاز این فن تحقیقی نشان دادن مسیر علیت است . ليك در عمل مشکلات

- Pantheism** ر.ك. • همه خدایی ، آیین وحدت وجود
- آیینی است که بر اساس آن (۱) در يك معنا همه جا خدا و همه چیز مظهر خداوند دیده می شود :
- دل هر ذره را که بشکافی
- کرد گارش در میان بینی
- (۲) در معنای دوم، پرستش همه خدایانست
- Theism / Atheism** . ر.ك. •
- Agnostic**
- Pantisocracy** همه سالاری
- جامعه ای که در آن تمامی انسانها برابرند و تمامی آنان نیز در کار حکومت سهیم.
- Autocracy Monocracy** ر.ك. •
- oligarchy Democracy**
- Paradigm** الگوی نظری
- مجموعه ای از پیش فرضهای اساسی ، مفاهیم و گزاره ها در زمینه موضوعی خاص، این مجموعه ها به هدایت جریان پژوهش و شکل نظریه کمک می کنند و ازین نظر با مدل مشابهت دارند .
- Parallel cousin** عمو زادمان ، خاله زادمان
- در برابر Cross Cousin فرزندان دو برادر یا دو خواهر را می رسا شد و شامل خاله زادگان (Matrilateral parallel cousins) و هم عمو زادگان : (patrilateral parallel cousins) است.
- Cross Cousin** ر.ك. •
- Parallelism** توازی
- گسترش ویژگیهای مشابه فرهنگی در مناطق گوناگون ، بدون آنکه ارتباطی با یکدیگر یافته باشند .
- Diffusionism/ Telepathy** ر.ك. •
- Parameters** پارامترها
- در ریاضیات بمعنای يك عدد ثابت یا ضریب يك متغیر در يك معادله است مانند a و b در معادله $y = a + b$ ، بدان ثابت پارامتری (Parametric Constant) نیز اطلاق می شود .
- Parametric statistics** آمار پارامتری
- Parasite** انگل
- انسان ، حیوان یا گیاهی که از حاصل دسترنج دیگران زندگی گذراند ، بدون آنکه خود درین جهت (تامین نیازهایش) کوششی نموده باشد .
- Lumpen-proletariat** ر.ك. •
- Parasitism , Social** انگلی اجتماعی
- Social parasitism** ر.ك. •
- Parental family** خانواده پدر - مادری
- Family** ر.ك. •
- Parental fixation** علاقه مفرط به والدین

دل بستگی مفرط و غیر عادیست به هر يك از والدین یا هر دو ی آنان.

Parenthood

والدینی- مربوط به پدر و مادر- پدرمادری پدر یا مادر بودن نه تنها مستلزم ابعاد زیستی است، بلکه تابعی از عوامل دیگر نیز هست. زمانیکه سخن از ابعاد زیستی می‌رود، تعبیر والد (Genitor) یا والدۀ (Genitrix) بکار می‌آید، زمانیکه سخن از ابعاد عوامل اجتماعی می‌رود، تعبیر پدر اجتماعی یا رئیس خانواده (pater) یا مادر اجتماعی یا رئیسۀ خانواده (Mater) از آن مستفاد می‌شود. پدر یا مادر بودن تنها منبعث از تولید مثل نیست، بلکه با انجام وظایف گوناگون اجتماعی و فرهنگی تحقق می‌پذیرد.

ر.ك. Patriarchy, Matriarchy

Parenthood, Planned

والدین برنامه‌ای

ر.ك. Planned parenthood

Parenthood, Voluntary

پدر - مادر به خواستی

ر.ك. Voluntary parenthood

Pareto (vilfredo) پارتو

متفکر برجسته ایتالیایی است در علوم اجتماعی و اقتصاد. (۱۸۴۸-۱۹۲۳). پارتو ابتدا به اقتصاد روی آورد و سپس متوجه نواقص اقتصاد محض گردیده به جامعه‌شناسی پرداخت. او جامعه‌شناسی را بمعنای دانشی در نظر آورد که به شناخت عمل انسان می‌پردازد

نظریه خود را مبنی بر تفاوت بین اعمال منطقی (عملی که در آن عامل آگاهانه بین هدف و وسایل وصول بدان رابطه منطقی برقرار می‌سازد و پیوندی این چنین نیز بین هدف و وسیله وجود دارد.) و اعمال غیر منطقی (که صفات اعمال منطقی را ندارند، مخصوصاً زمانیکه در آنان بین هدف ذهنی و هدف عینی تطابق وجود ندارد ليك، این اعمال ضرورتاً منطق ناپذیر نیستند)، تفاوت قائل می‌شود. زندگی اجتماعی را مشحون از اعمال غیر منطقی می‌داند. به نظر وی جامعه‌شناس باید بمنظور فهم پدیده‌های اجتماعی، به جستجوی انگیزه‌های واقعی و ظاهری عمل اجتماعی غیر منطقی بر آید. او این انگیزه‌ها را تحلیل نموده، آنانرا به انواعی گوناگون تقسیم می‌نماید: عناصر ثابت که پادو آنانرا رسوبات (Residues) می‌خواند (که پادآور نظریۀ غرایز است) و مشتقات (Derivations) که جلوه‌های گوناگون رسوبات را می‌رسانند.

تأثیر نظرات پارتو قابل توجه است و این تأثیر در جامعه‌شناسی تحلیلی (Analytical Sociology) در برابر تأثیرات ناشی از افکار ویر تجلی نموده است. پارتو جامعه را همچون نظامی در حال تعادل می‌دید. او از صاحب نظران بزرگ در شناخت و تحلیل سرآمدان و دوران آنان در تحرك اجتماعيست. برخی از آثارش

عبارتند از :

*The socialist systems ,**The mind and society*ر. ك . *Elite / Residues / Derivation/**Elite circulation*پارك *Park (Robert Ezra)*

جامعه شناس ، روزنامه نگار ، محقق و فعال در تحقق برابری نژادی در امریکا است. (۱۹۴۴-۱۸۶۴) در آغاز با رساله اش با نام «انسان در اسفل درجات» شهرت یافت . پس از آن به آلمان رفت و با زیمل (Simmel) تماس حاصل نمود . متعاقب آن به مطالعه شهر، جماعات کوچک ، بزهاکاران، اشکال غیرعادی رفتار، با همکاری تنی چند از دانشجویانش پرداخت. برخی از آثارش چنین اند .

An Introduction to the science of sociology . Crowds and public, The city . Man farthest down .

پاریا *Pariah*

فردی از طبقه ای پست یا کاستی پست.

ر. ك . *outcaste / untouchable .**Caste / Indian caste system*تساوی اجتماعی *Parity , social*ر. ك . *Social disparity*پارلمان محوری *Parliamentarism*

این مفهوم که به صورت های

*Parliamentary government ,**Parliamentarianism* نیز آمده است، در

دو معنای بالنسبه متمایز به کار رفته است: ۱) در معنای عام، به هر نظام سیاسی اطلاق می شود که در آن نمایندگان ملت، عملاً یا بطور نظری مسئولیتهای فراوانی در امور مختلف، از جمله در امور مالی و قانونگزاری دارند. ۲) در معنای خاص، نظامی سیاسی را می رساند که انگلستان نمونه خاص آن است . در این معنی ، در برابر حکومتهایی قرار می گیرد که در آنان رئیس جمهور محور قدرت است (نظیر امریکی شمالی) و در آن ، رئیس جمهور هم رئیس دولت است ، هم نخست وزیر.

پارلمان محوری یا حکومت پارلمانی را نباید با حکومت مجلس (Assembly government) یکسان شمرد در نوع اخیر، مجلس برترین قدرت بحساب می آید و نمونه آن حکومتی است که در جمهوریهای سوم و چهارم در فرانسه مشاهده شد و به ضعف کامل قدرت اجرایی و در نهایت عدم امکان تصمیم گیری منجر گردید .

ر. ك . *Presidentialism*پدرکشی *Parricide*

۱) در معنای محدوده پدرکشی در برابر

مادرکشی (Matricide) اطلاق می شود .

۲) در معنای گسترده کشتن اقوام را می رساند.

۳) در معنای وسیع تر خیانت به وطن

- اثر (اثرهای) متغیر یا متغیرهای دیگر . از آن مستفاد می شود .
- Infanticide / Genocide , ر. ک. Partial participation
 Matricide / Homicide/ Ethnocide, مشارکت جزئی
 Filicide / Teknophagy ر. ک. Participation
 Parsons (Talcott) پارسنز Participant crowd انبوه مشارک
- انبوهی واقعی که در آن افراد از ارتباطشان با یکدیگر آگاهند و همگی در جهت تجربه ای مشترک اقدام می نمایند .
- انبوه مشارک در برابر انبوهه (Aggregate) قرار می گیرد که در آن افراد از هدف یا جهت کلی جمع بی خبرند. مانند انبوهی در بازار .
- Orgiastic crowd / crowd . ر. ک.
 Active crowd , ر. ک.
- Participant observation مشاهده همراه با مشارکت
- Observation ر. ک.
 Participation مشارکت
- شرکت فعالانه انسانهاست در حیات سیاسی، اقتصادی فرهنگی و بطور کلی تمامی ابعاد حیات . ازینرو تشویق به مشارکت و تسهیل در فرایند تحقق آن همواره مورد توجه برنامه ریزان و مصلحان اجتماعی بوده است.
- Participation , Types of انواع مشارکت
- Alienative ساز بیگانه ساز participation مشارکت بیگانه ساز
 Compliance theory ر. ک.
- جامعه شناس امریکایی است (متولد ۱۹۲۰). در آغاز به کارهای آماری پرداخت لیک، بعدها به شیوه های نظری و تجربی روی نمود. با این گرایش و با تأثر از جامعه شناسی و بر به مکتب تفهمی توجه کرد . پس از آن به کارکرد گرایی پرداخت و از صاحب نظران آن گردید. بعضی از آثارش چنین اند:
- Economy and society . the Structure of social action . Toward a general theory of action . Theories of society . The social system . Society . the evolutionary perspective .*
- Part - culture پاره فرهنگ
 Culture ر. ک.
- Part - organization پاره سازمان
 Social organization ر. ک.
- Part - time نیم وقت - پاره وقت
 در برابر (Full . time) . ۱) نظامی که در آن جزیی از زمان کار خریداری می شود. ۲) شخصی که جزیی از زمان فعال خود را در اختیار فرد یا سازمانی با قرارداد معین گذاشته است.
- Partial correlation همبستگی جزئی
 تخمین همبستگی بین دو متغیر با حذف

Alternative participation

مشارکت متواتر

Calculative ~ مشارکت حسابگرانه

Complete ~ مشارکت کامل

Conditioned ~ مشارکت مشروط

با مفاهیمی دیگر نظیر مشارکت ناقص

(Incomplete participation) و یسا

مشارکت جزئی (Partial participation)

نزدیک است و بمعنای دسترسی ناقص و

جزئی يك گروه اقلیت و یا حاشیه‌ای به فرهنگ

و امکانات يك جامعه است. چنین گروه‌هایی که

اصطلاحاً مطرود خوانده میشوند، در مواردی

حامل فرهنگی جایگزینند و در مواردی فاقد

آن (نظیر سیاهان امریکا).

Continuous participation

مشارکت مستمر

در برابر مشارکتهای غیر مستمر یا

ناپیوسته (Discontinuous)

Forced participation مشارکت اجباری

Formal ~ مشارکت رسمی

Induced ~ مشارکت برانگیخته

Institutionalized ~ مشارکت نهادی شده

Intentional ~ مشارکت عمدی

Mass ~ مشارکت جمعی

Organized ~ مشارکت سازمان یافته

Political ~ مشارکت سیاسی

شرکت در امور سیاسی و گزینش رهبران

سیاسی توسط مردم است. در مواردی

مشارکت سیاسی فقط از طریق دادن رأی

تحقق می‌یابد. لیک در بسیاری از موارد،

بعضی بدان قناعت نمی‌کنند و در تبلیغات

سیاسی با شرکت در احزاب ایفاء نقش

می‌نمایند.

ر. ک. Democracy

Social participation مشارکت اجتماعی

Spontaneous ~ مشارکت ارتجالی

Total ~ مشارکت تام (همه جانبه)

Unintentional ~ مشارکت غیر عمدی

Voluntary ~ مشارکت داوطلبانه

Particularism

الحاق به گروهی خاص. هواخواهی حفظ

هویت مناطق. رستگاری برگزیدگان

از واژه Particular بمعنای خاص،

ویژه یا جزئی اخذ گردیده در معنای زیر

بکار می‌رود.

۱) گرایش به حزب، فرقه یا سلکی

خاص: ۲) آئین ویژه‌ای در الهیات که

رستگاری را خاص برگزیدگان یا گروهی

خاص میداند. ۳) تمایل به اینکه هر بخش

یا ایالت از استقلال نسبی برخوردار گردد و

هویت خود را حفظ نماید.

ر. ک. Singularism / Elitism.

Regionalism.

Party, Political حزب سیاسی

Political party ر. ک.

Passive observation مشاهده منفعل

- در نظام پدر سری ، پدر تنها والد (Generator) یا موجد فرزندان از نظر زیستی نیست ، او حاکم خانه ، کارفرمای فرزندان نیز هست همچنانکه در نظام مادر سری رئیس خانواده (Mater) چنین است . گاه این مفهوم بصورت Pater familias بکار میرود که بالاخص خانواده در روم راینرساند و در آن پدر از قدرتی بی حد و حصر برخوردار بود .
- ر.ك. Patriarchy
- عمه Paternal aunt
- خانواده پدری Paternal family
- آن خانواده که در آن پدر از اختیاراتی وسیع برخوردار است و مرد بودن فی نفسه نشان رجحانست .
- حقوق پدری Paternal rights
- ۱) میزان، محدوده و مرزهای حقوق پدر در برابر همسر و فرزندان. ۲) در اصطلاح به حقوق بی حد و حصر پدر بر اموال و حتی شخص فرزندان و همسرش اطلاق میشود . تا نیمه دوم قرن نوزدهم در غرب، این اختیارات بصورتی بی حد و حصر به چشم می خورد ، ليك ، مرور تعدیل گردید . امروزه زن حق تملك املاك و اموال خود را دارد ، مالك دستمزد حاصل از کار خود در خارج از خانه است ، حتی پدر حق تنبیه فرزندان خود را بهر صورت ندارد .
- ر.ك. Observation
- مقاومت منفی Passive resistance
- مقاومتی آرام ، همراه با عدم همکاری و بدون دستپاچی به خشونت در راه تحقق آرمانی خاص
- ر.ك. Satyagraha / Non violence
- وسيلة گذران اوقات فراغت Pastime
- هر آنچه در گذران زمان آزاد ، فرد را سرگرم سازد ، یا موجب تفریح ، تفنن و با آموزش وی گردد .
- ر.ك. Avocation / Sociology of leisure / Recreation
- زندگی شبانی Pastoralism
- نوعی زندگی است با چند ویژگی اساسی:
- ۱- جابجائی مستمر در راه تامین آذوقه احشام.
- ۲- قرار گرفتن احشام در متن زندگی، بعنوان مهمترین ثروت و محور فعالیتهای انسانی.
- ۳- اقتصادی معیشتی (Subsistence economy) که در آن تیاها اندکند، فعالیتها متنوع، با ابزاری ساده و تنها در راه تامین مایحتاج اولیه.
- برخورد جامعه شبانی با صنایع و عصر جدید، موجبات اسکان هر چه بیشتر آنانرا فراهم ساخت.
- ر.ك. Nomadism
- Transhumance
- رئیس خانواده Pater

Paternal uncle

عمو

Paternalism

پدر مآبی

رفتار يك رئيس یا مسؤول با زیردستانش همانند رفتار يك پدر با فرزندانش را می‌رساند. ویژگی این رفتار اینست که در خود آمیزه‌ای از قدرت، مهر و عاطفه را داراست رهبر با زیردستان تماسی مستقیم و بی‌واسطه دارد؛ رفتارش نزدیک و در عین حال مشحون از اقتدار تام است.

Leplay

ر. ل.

Paternalistic relationships

مناسبات پدر مآبانه

مناسباتی بین دو یا چند فرد با ویژگی پدر مآبی

Path analysis

تحلیل مسیر

شیوه‌ای است در تخمین آثار سلسله‌ای از متغیرات مستقل بر متغیرات وابسته و با توجه به سلسله‌ای از روابط علی نامتقارن بین متغیرات.

Path coefficient

ضریب مسیر

تأثیر خالص هر يك از متغیرات مستقل بر هر يك از متغیرات وابسته بدون در نظر گرفتن دیگر متغیرات.

Pathological

آسیبی. آسیب‌زا، آسیب‌شناختی

۱) در زمینه‌های اجتماعی، هر پدیده نامطلوب و مضر در سلامت جامعه (نظیر جنایت، جرم، ارتشاء و...) ۲) در زمینه‌های روانی هر رفتار غیرعادی، غیر طبیعی و بیمارگونه ۳) اصل اول در آسیب‌شناسی رسوخ به جهان علت‌ها و درین میان تمیز درست علت یا علل است

Pathological Criminal

مجرم روان‌نژند

مجرمی که از نظر روانی وضعی غیرعادی دارد. طبقه بندی‌های بسیاری ازین مجرمین ارائه گردیده بدون آنکه هیچکدام پذیرفته یا کاملاً پذیرفتنی باشد. مهمترین ویژگی این نوع بیماران روانی اختلال در حیات عاطفی است. (که اصطلاحاتی چون روان بیمار، روان پریش و... در مورد آن بکار میرود).

Pathology

آسیب‌شناسی، شرایط آسیبی

۱) شاخه‌ای از دانش که هدف از آن شناخت بیمارهای روانی - تنی و اجتماعی و نحوه تکوین، رشد و گوناگونی آنانست. ۲) مجموع شرایط و اوضاع آسیبی.

Pathology , Social

آسیب‌شناسی اجتماعی

Social pathology

ر. ل.

Patriarchal family

خانواده پدر سر

نوعی از خانواده که در آن پدرمکانی، پدر نامی، پدر تباری بچشم می خورد و پدر در رأس هرم قدرت جای می گیرد.

ر. ک. Patriarchy

پدرسری Patriarchy

این مفهوم که بصورت Patriarcate

نیز آمده است. خانواده و حتی جامعه ایرا میسراند که در آن مرد حکومت می کند. بدینسان، پدرسری نه تنها حکومت و برتری مرد در خانه است، بلکه حکومت مردان در جامعه (Androcracy) را نیز میسراند و نه تنها دارای ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصاد است بلکه از بعد تربیتی و فرهنگی نیز برخوردار است. ازینرو، فرهنگ و بستر بین المللی چنین تعریفی از آن ارائه میدهد: «پدرسری نه تنها مرد سالاریست و برتری جسمی و اقتصادی مردان را در جامعه ابتدائی میسراند، بلکه پدر نسبی را نیز شامل میشود». ازین معنای عام که بگذریم، پدرسری با تفاوتی بالنبه محسوس توسط دانشمندان مطرح گردیده است:

۱- در بین انسانشناسان، پدرسری، شکل خاص خانواده در جامعه ماقبل خط و کتابت را میسراند:

الف: بعنوان مثال «ادکلیف براون» (A. R. Radcliffe - Brown) برین عقیده است که «يك جامعه را زمانی می توان پدرسر خواند که در آن پدر نسبی،

پدرمکانی (یا عزیمت زن بعد از ازدواج به خانه شوهر) دیده شود، همچنین میراث از آن افراد مذکر باشد، جانشینی نیز توسط پسر صورت گیرد و قدرت در خانه در اختیار مرد باشد».

Structure and function in

primitive society, P: 22

ب: از دیدگاه هالینوفسکی (B. Malinowski)، خانواده پدرسر «تنها خانواده ای است که در آن مرد قدرت می یابد (بدون آنکه تمامی امتیازاتی که براون بدان اشارت دارد، با هم جمع گردند)».

Sex and repression in

savage society, P: 169

۲- در بین جامعه شناسان، دیدگاهها درین مورد، تمایز بیشتری می یابند:

الف: بشرخی چون «دی چارد» (G. Reichard)، خانواده پدر سر را خانواده ای میدانند که در آن پدر نسبی بچشم می خورد و مردان بر جامعه حکومت می کنند، ب: برخی دیگر، نظیر هویجر

(H. Hoijer) پدرسری را حکومت مطلقه مردان میدانند و آنرا نمونه ای بسیار نادر تلقی می کند. نمونه ای که بنظر هویل (A. Hoebel) چندان نیز با واقعیت انطباق ندارد. چه، بنظر وی، «پدر جبار در گروهها

و جوامع ابتدائی جز از جرو بحث‌های قرن ۱۹ در بین دانشمندان منبعث نمیشود» .

(*The Law of Primitive Man* P. 295)

۳- روانکاوان نیز از جهاتی بسیار پدر سری را مطمح نظر قرار داده‌اند، چه، عقده اودیپ والکترابه ترتیب در خانواده‌های پدرسر و مادر سر تبلور می‌یابند. سرکوب تمایلات کودک بهنگام برخورد آنان با قوانین اجتماعی در چنین خانواده‌هایی بحدا اعلی تجلی می‌کند. با اینهمه روانکاوان تعریفی دقیق از این مفهوم ارائه نکرده‌اند .

در هر حال، پدرسری علیرغم همه اختلاف‌های بین اندیشمندان علم انسان ویژگی‌هایی چند می‌یابد. بدینقرار :

۱- حاکی از اقتدار وسیع مرد در خانه و هم در جامعه است. ازینرو آنرا، در برابر مادرسری (*Matriarchy*) که جذبی از قدرت در خانه و جامعه در آن به زن تفویض میشود، پدیده تام میدانند .

۲- با پدر مکانی، پدر نسبی، پدر تباری و پدرنامی همراه است .

۳- بردوگانگی جامعه با توجه به تباین شرایط زن و مرد در همه موارد (میراث، اعتبار، قدرت و...) متکی است. آنچنانکه در آن اخلاق جنسی نیز دوگانه است .

۴- مرد بودن فی‌نفسه حاکی از برتری در برابر زنان است و سن عامل ارجحیت و

حاوی اعتبار است. چه در چنین جامعه‌ای، مسن بودن، دال بر دارا بودن تجربیات انباشته جامعه است .

ر. ک. / *Primogenitor/ Gerontocracy/ Patriarchy*

جامعه پدرسر *Patriarchal society*

جامعه‌ای بر محور قدرت پدر. در چنین جامعه‌ای میراث و اعتبار از طریق پدر منتقل میشود و در بین مردان باقی می‌ماند. زن بعد از ازدواج به خانه مرد می‌رود. فرزند نام از پدر می‌گیرد، فرزند پسر جانشین پدر می‌شود و برین اصول تمامی ارزشهای حیات اجتماعی پی‌ریزی می‌شوند .

پدرسری *Patriarchate*

ر. ک. / *Patriarchy*

پدر محوری *Patricentrism*

با شکستن هرم قدرت خاص خانواده پدرسر و کاهش درجه، ابعاد و کارکردهای خانواده، شاهد پیدائی انواع دیگری از خانواده شدیم که یکی از آنان خانواده پدر محوری است. در چنین خانواده‌ای که در برابر خانواده‌های مادر محور و فرزند محور قرار می‌گیرد، پدر از قدرتی متعارف در راه کنترل و راهبری سازمان خانواده برخوردار است .

ر. ک. / *Matricentrism / Filocentrism*

پدرکشی *Patricide*

در برابر مادرکشی (Matricide) است. فردید با توسل به اسطوره اودیپ، پدرکشی را (که در این اسطوره صورت می گیرد) تجلی خشن حسد آمیخته به خشم کودک در برابر پدرمیداند. بنظر او این حالت جهانی است، لیک با تحقیقات هالینوفسکی در تروبریانده این حالات در جامعه مادر سر دیده نمیشود و خاص جوامع پدر سر است.

ر. ک. Parricide / oedipus complex
Infanticide / Homicide

Patrilateral family

خانواده پدرسویه

ر. ک. Family

Patrilineal پدرخطی

۱) نظامی که در آن انتقال دارائی ها و مسئولیتها صرفاً از طریق پدر و در بین مردان صورت می گیرد. فرزند پسر جانشین پدر میشود و مرد بودن فی نفسه اعتبار آفرین است. ۲) در اصطلاح انسانشناسان، به آن نوع خویشاوندی اطلاق میشود که معیار اصلی در آن اشتراك نیای پدریست.

Patrilinear پدرتباری

ر. ک. Patriarchy

Patrilocality پدرمکانی

عزیمت به محل اقامت شوهر پس از ازدواج است و در برابر مادر مکانی (Matrilocality) قرار می گیرد. بانومکانی (Neolocality) ازین نظر تمایز دارد که در

این رسم مرد و زن بعد از ازدواج به محلی نو عزیمت می نمایند. در بین برخی از اقوام، زن و مرد بعد از ازدواج بنوبت به محل اقامت شوهر وزن میروند که بدان دو مکانی (Duolocality) اطلاق میشود.

ر. ک. Uxorilocal / Neolocal ,
Matrilocal / Duolocal

میراث مادی Patrimony

آن دارائی که از پدر، مادر یا خانواده به ارث برده میشود، در برابر وراثت (Heredit) که بر میراث ذهنی - جسمانی ناظر است؛ و یا میراث اجتماعی (Social heritage) که مواهب و امتیازات اجتماعی انتقال یافته را میرساند.

ر. ک. Social heridity ,

Social heritage

وطن دوستی Patriotism

احساس تعلق عاطفی، احساسی و عقلانی به زادگاه ملی است. با وطن پرستی یا وطن دوستی افراطی (Chauvinism) متفاوت است؛ چه مفهوم اخیر به بیگانه بیزاری (xenophobia) و قوم مرکزی (Ethnocentrism) می انجامد. همچنین، با ملی گرایی (Nationalism) متمایز است (به هر یک ر. ک.).

پدرسالاری Patripotestal

نظامی که ویژگی خاص آن اقتدار پدر

- جایگزین انسان میشود و بر تعداد ارتش ذخیره بیکاران می افزاید . ۳) با افزایش سرمایه ثابت (ماشینها و ابزار مولد ثروت) از اهمیت سرمایه در گردش (دستمزدها) کاسته می شود. فقر زحمتکشان به دو صورت تجلی می نماید:
- ۱- فقر مطلق زحمتکشان : (Absolute pauperization) که کاهش قطعی جزئی مطلق از درآمد ملی است که بدست مزدبگیران میرسد . ۲- فقر نسبی زحمتکشان (Relative pauperization) حتی زمانی که دستمزد نیروی کار بالا میرود ؛ باز در مقایسه با فزونی سطح زندگی دیگر قشرها ، دستمزدبگیران فقیرتر از دیگرانند . بنظر مارکس این دو فرایند (تراکم ثروت اغنیاء و فقر مستمر زحمتکشان) به سقوط سرمایه داری می انجامد .
- پیدایی سندیکاها ، بیمه های گوناگون اجتماعی و ... به امحاء سرمایه داری لیبرال (آنطور که اقتصاد دانان کلاسیک بدان می اندیشیدند و معیار تحلیلهای مارکس از سرمایه داری بود) انجامید و موجبات پیدایی چهره های گوناگون سرمایه داری (ارشادی ، مختلط و...) را فراهم ساخت ، لیکن ، امروزه با تقسیم کره به دنیای صنعتی و جهان سوم ، ملی چند بصورت طبقات زحمتکش قرن نوزدهم در جوامع صنعتی درآمدند . تاراج منابع جهان سوم ، غارت نیروی انسانی در
- (با پدر بزرگ) در قبال اعضاء خانواده است .
ر. ک. Matripotestal/ paternal rights
پدر نام Patronymic
 در فرهنگ خانواده ، به نظامی اطلاق میشود که در آن فرزند نام از پدر گیرد؛ در برابر مادر نام (Matronymic) .
ر. ک. Patriarchy
متغیر الگوی Pattern variable
ر. ک. Variable
فرایندی الگوی رفتار Patterning , Behavior
ر. ک. Behavior patterning
الگوی نمادی Pattern , Symbolic
ر. ک. Symbolic Pattern
الگوهای فنی Patterns , Technical
ر. ک. Technical Pattern
فقر زحمتکشان Pauperization
 ازدیدگاه مارکس گرایان ، مکانیسم سرمایه داری چنانست که در نهایت موجبات فقر زحمتکشانرا فراهم میسازد. اینان عواملی چند را درین فرایند موثر میدانند . ۱) با تراکم حاصل کار کارگران ، تراکم سرمایه حاصل میشود که افزایش بیشتر ثروت سرمایه دارانرا موجب میشود و فاصله عرضه کنندگان نیروی کار و صاحبان سرمایه گسترش می بخشد . ۲) با پیدایی ماشینهای خودکار ، ماشین (محصول تراکم سرمایه)

- آن و انباشت سرمایه در جهان سرمایه داری
صنعتی، به افزایش شکاف بین آنان می انجامد.
Reserve army / poverty ر. ک.
Pavlovian Conditioning شرطی شدن پاولوفی
Conditioning ر. ک.
Peer group گروه همسالان
Group ر. ک.
Penal sanctions مجازاتهای کیفری
واکنشهای گناه-حادثه جامعه در برابر عمل
جنائی است که مراحل چندمی یابد: تعریف
عمل جنائی، تشریح شرایط مجرم، شناخت و
تشریح اقدامات قانونی لازم در برابر هر
نوع عمل یا رفتار جنائی. بازسازی مجرم و
آماده سازی وی جهت ورود به بطن جامعه
بعد از تحمل کیفر.
Sanction / Social sanction ر. ک.
Penology کیفرشناسی
شامل شناخت جنایتها، رده بندی آنان،
بررسی سازمانها، نهادها و تأسیسات مربوط
به جنایت و تحلیل اقدامات جامعه در برابر
عمل جنائی است. آموزش و اصلاح مجرمین،
اقدامات لازم در راه پیشگیری از وقوع جرم
نیز درین شاخه ازدانش انسان مطمح نظر
قرار می گیرند. برخی آنرا رشته ای مستقل
و برخی دیگر همچون شاخه ای از جرم شناسی
میدانند.
Delinquency / Deviance ر. ک.
Criminology
People, Culture مردم فرهیخته
Culture people ر. ک.
People, Nature مردم بدوی
Nature people ر. ک.
People-sovereignty حاکمیت مردم
Sovereignty ر. ک.
Perceptible ادراک پذیر
Perception, Differential ادراک تفاوتی
Differential perception ر. ک.
Perception, Social ادراک اجتماعی
Social perception ر. ک.
Perceptual Cognition شناخت ادراکی
Perfect integration یکپارچگی کامل
Integration ر. ک.
Perfect monopoly انحصار کامل
Monopoly ر. ک.
Perfect oligopoly شبه انحصار کامل
Oligopoly ر. ک.
Perfection کمال
Mysticism / Agnostic ر. ک.
Perfectionism کمال خواهی، کمال باوری
— در معنای معمول به گرایش اطلاق

میشود که درصدد ارائه کاری بهتر و درحد کمال است .

— در معنای خاص به مکتبی اطلاق میشود که معتقد بدامکان تحقق کمال در اخلاق است.

Period مرحله

۱) فضائی نامعین از زمان که در درون آن فعالیتی خاص جای گیرد . ۲) سلسله ای از فضاهای زمانی که از پی یکدیگر آیند .

Epoch , Age ر. ک .

Period of observation

دوره مشاهده

در مشاهده غیر مستمر

(Discontinuous observation)

و همچنین مشاهده متواتر

(Alternative observation) زمانی

خاص در جریان کار تحقیق را می رساند که پدیده مورد بررسی زیر نظر پژوهنده قرار می گیرد .

Observation ر. ک .

Periodic abstinence

خودداری دوره ای

شیوه ایست خاص در کنترل موالید که با اجتناب از کاربرد ابزار جاو گیری، لیک عدم مقاربت در زمانی خاص همراه است .

Birth Control / Contraception ر. ک .

Moral restraint / Marital

abstinence / Marital continence .

Periodic fluctuations

نوسانهای دوره ای

با نوسانهای دوری :

(Cyclical fluctuations) مشتبه نشود .

چه ، مفهوم اخیر بر تکرار نوسانها تاکید دارد و حال آنکه در مفهوم اول (نوسانهای دوره ای) - نوسانها یا حرکاتی که در طی دوره های متوالی از پی یکدیگر رخ میدهند، مطمئح نظر قرار می گیرند .

Periodization

مرحله بندی کردن

در جامعه شناسی کلان (Macro -

Sociology) و میانه (Meso - Sociology)

این اصطلاح تقسیم زمان را به مراحل پیاپی می رساند. تمامی فلاسف تاریخ درصدد آن برآمدند که در راه حرکت تاریخی جوامع مرحله بیاوند و هر مرحله را بر اساس دیدگاه خود ناشی از عوامل خاصی بدانند. بعنوان مثال، مرحله بندی تاریخ از دیدگاه مارکس، بر اساس شیوه های غالب تولید صورت می گیرد. بنابراین می توان از مرحله ای در تاریخ یاد کرد که در آن جامعه تحت سلطه شیوه های تولید فتودالی است.

گروه پایدار Permanent group

Group ر. ک .

عامل دائمی Permanent factor

در روشهای تحقیق به متغیری اطلاق

میشود که بطور مداوم برپدیده موردنظر اثر دارد. تنها تفاوت در شدت تاثیر، دگرگونیهای نوعی آن و سرعت اثر گذار است.

Permissive policy

خط مشی آزادگذار - بی بند و باری

خط مشی یا سیاستی خاص مبتنی بر مجاز دانستن روابط جنسی؛ با هرج و مرج جنسی (Promiscuity) از آنرو متفاوت است که در آزادگذاری: ۱) ازدواج یا قرارداد اجتماعی مبتنی بر کنترل جنسی وجود دارد. ۲) روابط خارج از حیطه زناشویی ممنوع است. ۳) محدوده زنا با محارم گسترده‌گی کمی دارد. ۴) روابط قبل از زوجیت با النسبه آزاد گذارده شده است. ۵) شیوه‌هایی چون همبالی (cohabitation) یا هم‌مخوابگی و متعه گم‌و‌نگی (Concubinage) پذیرفته‌اند. به هر یک ر. ک.

Permissiveness with affection

آزادگذاری بشرط مهر

جامعه‌ای که در برابر روابط جنسی بین مجردها و همچنین روابط جنسی قبل از زناشویی با تساهل برخورد می‌کند ولیک سعی در کنترل روابط جنسی از طریق پیوند آنان با عواطف انسانی دارد.

Premarital license

Perpetuation, Self -

خود تداوم بخشی

Self - perpetuation ر. ک.

Persistent error اشتباه پایا

Constant error ر. ک.

Personal adjustment

سازگاری شخصی

Adjustment ر. ک.

Personal ascendancy

اعتلای شخصی در اصطلاح، به ارتقاء فرد بر اساس سجايا و کار او (نه بجهت انتساب به خاندان یا طبقه‌ای خاص) اطلاق میشود.

Favoritism / Meritocracy, ر. ک.

Charismatism / Nepotism

Personal disorganization

بی‌سازمانی شخصی

از هم پاشیدگی شخصیت و بالنتیجه ناهمگنی رفتار است که به دو صورت تجلی می‌کند: ۱) درونی: تعارض و گاه تضاد برخی از عقاید فرد با برخی دیگر با اختلال در معیارهای ارزش گذاری. ۲) برونی: تعارض عقاید و ارزشهای شخص با گروه.

Social disorganization ر. ک.

Personal evolution

تطور شخصی در برابر تطور اجتماعی یا گروهی، دگرگونی مستمر فرد است از هر جهت، بدون بروز جهش.

Evolution ر. ک.

Personal interview

مصاحبه شخصی Interview ر. ک.

Personal maladjustment

دژ سازگارى شخصى

اختلال در سازگارى فرد است با هنجارها و ارزشهای گروه. این عدم تطابق می تواند جهات آسیمی داشته باشد یا از سجایای براین فرد منبث گردد. در حالت اخیر با پیشگامان تاریخ مواجه خواهیم بود.

ر.ك. Adjustment

شخص گرایی Personalism

در آغاز، رنوویه (Renouvier) آنرا مطرح ساخت. ليك افكار هونيه (E. Mounier) در توضیح محتوای این مفهوم در معنای جدیدش تأثیر بیشتری داشت. درین مکتب، شخص مرکز و محور هستی است و ليك نه فردی جدا از جامعه و بریده با آن، بلکه فردی که از هر دیدگاه با جامعه در پیوند است. ازین دیدگاه شخص گرایی بعد اجتماعی دارد و در اندیشه بعضی، ابعاد اجتماعی در آن بر ابعاد فردی پیشی می گیرد.

شخصیت Personality

I- در لغت بمعنای نقابست که بازیگران بهنگام اجرای نقش بر چهره می گذارند. در گسترده ترین معنایش، مجموع عناصر غیر محیطی رفتار يك فرد را می رساند، بدون توجه به فرایندهای روانی خاص و با در نظر گرفتن هویت مستمر آ قابل شناخت فرد در جریان رشد و بیان کودت لوین (Kurt Lewin) که رفتار تابمی است از کنش متقابل بین

شخصیت و محیط، بهترین معرف این تعریف کلی است.

II- ازین تعریف کلی که بگذریم، معنای شخصیت در روانشناسی، جامعه شناسی و زیست شناسی یکسان نیست:

الف: آلپورت (G.W. Allport) در اثرش «شخصیت» بسیاری از این تعاریف را آورده و سپس خود تعریف زیرین را از دیدگاه روانشناسی از شخصیت بدست میدهد: «شخصیت عبارتست از سازمان پویائی دريك فرد، متشکل از نظامهای روانشناختی که موجبات سازگاری منحصر بفرد او را با محیط پیرامون فراهم میسازد».

(Personality, P. 46)

با این تعریف، شخصیت باید دارای ویژگیهای زیر باشد ۱. شخصیت سازمانی از عناصر روانی است نظیر عادات، احساسات، طرز تلقی ها و ... ۲. عناصر تشکیل دهنده شخصیت در ارتباط متقابل اند. ۳. سازمان شخصیت نه ثابت بلکه پویاست و بموازات رشد انسان تحرك می پذیرد. ۴. شخصیت هر فرد خاص و منحصر بفرد است و هویت او را تشکیل میدهد. ۵. شخصیت سازگاری فعال و همچنین غیر فعال فرد را با محیط موجب میشود.

ب- از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، بلومر (H. Blumer) چنین تعریفی از آن بدست میدهد: «شخصیت مظهر سازمان یابی

تمایلات جهت انجام عمل است، این تمایلات در جریان کنش متقابل فرد با دیگران رشد می یابند».

(*Social psychology* P : 176)

همچنین، یونگ (K. young) از همین دیدگاه می گوید: «شخصیت مظهر هیأتی کم و بیش به هم پیوسته از عادات، طرز تلقی ها، خصوصیات و همچنین افکار یک فرد است که در خارج به صورت نقشها و منزلتهای خاص و عام سازمان می یابند و در داخل در حول و حوش خود آگاهی، مفهوم خود و همچنین افکار، ارزشها و اهداف که با انگیزه ها، نقشها و منزلتها مربوطند، قوام می پذیرد».

(*Social Psychology* , P , 120)

پ - از دیدگاه جامعه شناسی (پارسونز

(T. Parsons) و شیلز (E.A. Shils)

شخصیت را نظامی خاص، مشخص و همساز متشکل از نیازها - آمادگی ها میدانند که واکنشهای فرد را در انتخاب راههایی که در برابرش قرار می گیرند، یا توسط وضع موجود و یا وضعی که خود برای خود یا بخاطر اهداف خود فراهم می سازند، هدایت می کنند.

(*Toward a General Theory of*

Action , 1951 , P , 18)

Personality and culture

فرهنگ و شخصیت

مبجنى مهم در انسانشناسى و روانشناسى

اجتماعی است که هر يك از دیدگاهی خاص بدان می پردازند. این زمینه در سالهای بین ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ مورد توجه قرار گرفت و آثار انسانشناسانی چون فید (M. Mead) بندیکت (R. Benedict) و کاردینر (A. Kardiner) در نضج آن موثر افتاد. نمونهای از این پژوهشها، از آن چایلند (child) و بیکن (Bacon) است. انسان با کاربرد اصول جامعه شناسی ساختی، ملاحظه کردند ویژگیهای خاص شخصیت چون اطاعت، مسئولیت و هموائی (Conformity)، خاص جوامع کشاورزی در شرایط بدو است، در حالیکه اتکاء به خود و ابتکار، ویژگی شخصیت در فرهنگ شکار و ماهیگیری است.

ر. ک. Anthropology

Personality and society

شخصیت و جامعه

شناخت مناسبات متقابل شخصیت و جامعه است. در جوامع کم رشد و فاقه زیربنای سازمانی تأثیر شخصیت در ارتقاء یا سقوط جامعه بسیار حساس است تا آنجا که می توان گفت شخصیت آینده ساز یک جامعه است. شکل جامعه به استقلال نسبی جامعه در برابر شخصیت های سیاسی می انجامد. تأثیر جامعه بر شخصیت، هم بمعنای تأثیر محیط فعلی و هم در برگیرنده آثار محیط گذشته بر شخصیت است.

شخصیت اساسی Basic personality

ر. ک. Basic personality

Personality , Authoritarian

شخصیت قدرت نگر

Authoritarian personality ر. ک .

Personality development

شکوفایی شخصیت

در اصطلاح ، به رشد موزون ، هماهنگ و همه جانبه تمامی ارکان شخصیت ، از نظر جسمانی ، روانی و عاطفی اطلاق می شود.

Personality . Extrovert

شخصیت برون گرا

Extrovert ر. ک .

Personality , Integration

یکپارچگی شخصیت

Personality , Introvert

شخصیت درون گرا

Introvert ر. ک .

یکپارچگی شخصیت

personality integration

پیوند متقابل و همساز عناصر شخصیت است که از آن ثبات در اندیشه و عمل ، پویایی مستمر و همبسته عناصر شخصیت ناشی می شود .

Personality , Modal

شخصیت نمائی Modal personality ر. ک .

Personality stereotype

شخصیت تخمینی

تخمین ساده اندیشانه شخصیت بر اساس معیارهایی چون قد ، وزن و ... یا شاخصه ها و یا آنچه در وسایل ارتباط جمعی بشکلی

مبتذل انعکاس یافته است.

Personality structure

ساخت شخصیت

(۱) نحوه تنسيق وترکیب عناصر شخصیت که همچون چارچوبی پویا در تبیین اندیشه ، عمل یا رفتار مطرح می شود .

Personality , Symbolic

شخصیت نمادی

Symbolic personality ر. ک .

Personality system

نظام شخصیت

Social system ر. ک .

Personality traits

ویژگیهای شخصیت

خصوصیات اساسی و معمولاً پایای یک شخصیت انسانی است .

Personality type

نوع شخصیت

قابلی خاص و دربرگیرنده شخصیت بالنسبه مشابه تعدادی چند از انسانها . در رده بندی شخصیت ها ، انواعی چند قابل تمیزند. نظیر شخصیت درون گرا یا برون گرا.

Personalization

جنبه شخصی بخشیدن

Perspective , Reciprocity of

تقابل دیدگاهها

Reciprocity of perspective ر. ک .

Persuasion , Mass

اقناع جمعی

- Mass persuasion ر. ك. هر كارمند
 كه در كارش ممارست نماید ارتقاء مى يابد.
 روند ارتقاء تا آنجا ادامه مى يابد كه او در
 سمتى قرار گيرد كه بيش از ظرفيت اوست .
 نتيجه آن چنين خواهد بود كه در
 سازمانهاى بزرگ على القاعده كارمندان
 شايسته كمتر در سمت خود مى مانند و يا به
 بيان ديگر در اكثر مشاغل ، متصدىانى نا -
 شايست نسبت بدان سمت مشغول كارند .
- Petite bourgeoisie خرده بورژوازى
 در برابر بورژوازى بزرگ
 (Haute Bourgeoisie) قرار مى گيرد و
 گروهى را در جامعه سرمايه دار مى رساند كه
 مالك ابزار توليدند ، ليك ميزان ثروت آنان
 در حد پائينى نسبت به بورژوازى بزرگ
 قرار دارد .
- Bourgeoisie / Haute ر. ك.
 bourgeoisie
- Phatic Communication ارتباط احساس برانگيز - ارتباط احساسى
 ر. ك. Communication
- Phenomena , Human پديده هاى انساني
 ر. ك. Human phenomena
- Phenomena/Societal پديده هاى جامعه
 ر. ك. Societal phenomena
- Pessimism بدبينى
 در برابر مفهوم خوش بينى
 (optimism) قرار مى گيرد ؛ حالتى است
 روانى كه موجب ميشود همه چيز ازديدگاه
 منفى ، غم انگيز و نارساى آن نگريسته شود.
 شايد بتوان در مورد تفاوت بين اين دو
 حالت روانى گمت چنانچه استكانى تا نيمه
 پر باشد ، خوش بين مى گويد اين استكان تا نيمه
 پراست و حال آنكه بدبين خواهد گفت تا
 نيمه اين استكان خالى است ؛ يعنى هريك
 به جزئى از ليوان مى نگرند كه با حالت روانى
 آنان سازگارتر است .
- خوش بينى يا بدبينى تابعى از حالت
 ذهنى و درونى است . چه ، در برابر يك
 واقعيت يكسان ، خوش بين و بدبين دو نظر
 درست مخالف خواهند داشت .
- در علم انسان مكاتب بدبين بسيارند ،
 از آنجمله است ، مالتوس گرائى
 (Malthusianism) كه برطبق آن دنيا
 بسوى انفجار جمعيت ، كاهش چيره سرانه و
 بالطبع فاجعه به پيش ميرود؛ در برابر بهبود
 باورى (Meliorists) كه آينده اى نيكو
 براى جهان مى يابند . (بدان ر. ك.)
- Pessimistic schools مكاتب بدبين - بدبينانه
- Peter principle اصل پتر
 نظريه ايست منتسب به لودانس پتر .

Phenomenalism پدیدۀ گرایی

نظریه ای که تنها پدیدۀ را موضوع اصلی قابل مطالعه در دانش می‌شناسد .

Phenomenology پدیدۀ شناسی

از نظر لغوی بمعنای شناخت ، تشریح و تبیین پدیدۀ هاست بدون قضاوت ارزشی از جانب محقق . در جامعه شناسی ، این نظریه صورتهای خاصی یافته است :

ابتدا توسط هوسرل (Husserl) در برابر مکتب اثباتی (Positivism) عنوان گردید . در مکتب اخیر ، عینیت و مادیت وقایع و حوادث اجتماعی و انسانی مورد تأکید قرار می‌گیرد . در حالیکه بزعم هوسرل شناخت درست پدیدۀ های انسانی ممکن نیست ، مگر زمانی که به کنه آنان پی بریم . بیان معروف مونرود (Monnerot) در این مورد اینست که پدیدۀ های اجتماعی شیء نیستند ، پس همچون شیء نیز قابل مطالعه نمی‌باشند . صاحب نظر دیگر این مکتب هاکی شلر (M . Scheler) است . بعقیده او ، تا ارزشهای جامعه شناخته نشوند ، پدیدۀ های اجتماعی قابل درک نخواهند بود .

بدینسان ، پدیدار شناسی نه تنها به پیچیدگی ، عمق ، تعدد ابعاد ، ذهنیت و بالاخره کیفیت پدیدۀ های اجتماعی تأکید دارد ، بلکه فهم جوامع یا گروههای مورد مطالعه را نیز ضرور میداند .

در گذشته ، جامعه شناسان بهنگام مطالعه پدیدۀ های اجتماعی در جوامع ابتدائی ، آنانرا

وحشی (لوی برونل Levy - Bruhl) و یا دارای رفتارهای کودکانه و غیر عقلانی (فریزر - Frazer) تلقی می نمودند ؛ لیکن ، زمانیکه به کنه ارزشها نگرینند ، پیچیدگی جامعه ابتدائی و وجود فرهنگ در آنرا مورد تصدیق قرار دادند و پدیدۀ شناسی ازین دیدگاه به امحاء هر نوع پیش فرض ، خرافه ، تعصب در برخورد با پدیدۀ های اجتماعی انجامید .

ر. ک . Comprehensive school

Ethnomethodology

Phenomenon پدیدۀ

واژه ایست یونانی که در اصل بمعنای چیز یست که ظاهر میشود و قابل رویت است . در علم انسان نیز پدیدۀ به آنچه اطلاق میشود که دارای واقعیتی مدرک و یا قابل ادراک باشد . پدیدۀ های اجتماعی «مواد» مورد مطالعه در علوم اجتماعی را تشکیل میدهند و پدیدۀ های بسیار متفاوتی در مورد کمی ، ذهنی و یا کیفی بودن آنان وجود دارد .

ر. ک . Behaviorism ,

Phenomenology

Phenomenon , Social total

پدیدۀ اجتماعی تام

ر. ک . Totality of Social

phenomenon

Phil دوستی

- پیشوندیست در معنای گرایش عاطفی که بصورت Philo نیز آمده است . پیشوند مقابل آن Miso است .
- مکتب انساندوستی Philanthropism**
مجموعه‌ای منتظم از نظرات ، عقاید و اندیشه‌هایی که اساس آن‌را عشق به انسانیت تشکیل می‌دهد . در برابر مکتب انسان‌بیزاری (Misanthropism) . با انسان‌گرایی (Humanism) مشبه نشود (بدان ر. ک)
- انساندوستی Philanthropy**
در برابر انسان‌بیزاری (Misanthropism) ؛ با انسان‌گرایی (Humanism) مکتب انسان‌دوستی (Philanthropism) و انسان‌پرستی (Anthropolatry) یکسان نیست (به هر يك ر. ک) .
- زن دوست Philogynist**
در برابر زن‌بیزار (Misogynist) . این هردو با توجه به شدت علاقه و یا تنفر ، در زمره ناپسامانی‌های روانی بحساب می‌آیند.
- ر. ک . Feminism**
- واژه شناسی Philology**
دانش مرتبط با شناخت واژگان که شاخه‌هایی چون ریشه شناسی (Etymology) معنا شناسی (semantics) می‌یابد (به هر يك ر. ک)
- فلسفی - اندیشمندانه ، بخردانه Philosophic**
- در ترکیبات مختلف معانی متمایزی از آن مستفاد می‌شود : نظیر معرفت فلسفی (Philosophic Cognition) رهیافت یا رویکرد اندیشمندانه (Philosophic approach)
- اخلاق فلسفی Philosophical ethic**
آن بینش اخلاقی که نه بر مسائل عملی ، بلکه بر مفاهیم و گزاره‌هایی از نظر عقلانی و منطقی رضایت بخش تکیه دارد .
- Philosophical pluralism**
چندگرایی فلسفی
آن بینش که بر اساس آن ارزشها ، اندیشه‌ها و آرمانها نه تنها بسیارند ، بلکه لزوماً با یکدیگر همگنی نیز ندارند و از يك ریشه هم منشأ نمی‌گیرند . پس ، باید هر يك را ارج نهاد و محترم داشت . این بینش در برابر تك‌گرایی (Monism) قرار دارد . (بدان ر. ک)
- فلسفه بافی Philosophism**
جنبه فلسفی بخشیدن Philosophization
- فلسفه Philosophy**
دراصل بمعنای دوستداری دانش و خرد است . اندیشیدن در باب امور و مسائل هستی ، به سوآل نهادن همه جوانب حیات و پاسخگوئی به کنجکاویهای بزرگ انسانست.
- فلسفه اخلاق Philosophy , Moral**
ر. ک . Moral philosophy

Philosophy of history

فلسفه تاریخ

فلسفه تاریخ یعنی پرشی که نویسنده در باب حرکت تاریخ و مسیر آن برخورد مطرح میسازد، با اشکالی خاص قرن‌ها جامعه شناسی را بخود مشغول داشت؛ از بین پایه گذاران جامعه شناسی، کمتر کسی است که نامش با فلسفه تاریخ نیامیزد و در اهمیت آن همین بس که از افلاطون تا هگل (Hegel)، ویکو (Vico)، هردر (Herder) بوسوئه (Bossuet) همگی بدان پیوستند. در حالیکه دودکیم معتقد به حرکت جامعه از مرحله همبستگی مکانیکی به همبستگی عضوی بود، تودیس تلویحاً حرکتی از جامعه معنوی (Gemeinschaft) بسوی جامعه صوری (Gesellschaft) میدید. مودگان برین عقیده بود که جامعه انسانی از مرحله توحش به بربریت و سپس تمدن گام میگذارد.

بنوبه خود سودوکیان را عقیده برین بود که جوامع انسانی از مرحله آرمانی به آرمان مآبی و سپس حسی حرکت می کنند. هنگامیکه اگوست کنت (Auguste Comte) کلمه جامعه شناسی را ابداع نمود، چنین می پنداشت که مکتب اثباتی او با فلسفه تاریخ فاصله گرفته است. بنظر او باید دیگر از علمی سخن راند که عینت و دقت را بهم آمیزد. اما چنین نشد. در واقع قانون حالات سه گانه

او همه مشخصات فلسفه تاریخ را در خود داشت:

اگر آنچنانکه او تجویز مینماید، به پذیریم که جامعه انسانی از مرحله ربانی به فلسفی سپس بسوی اثباتی پیش میرود، در واقع پذیرفته ایم که همه جوامع يك رنگ و يك مسیر دارند، در صورتی که تفاوت بین آنان بسیار است و جامعه شناسی ای که امروز اختلافی می خوانیم، با توجه به همین تفاوتها بنیان یافته است. آیا میتوان پنداشت که کلیه جوامع جهان، با همه اختلافهایشان، چه از نظر اقلیمی، جمعیتی و یا مشخصات تکنولوژیک در همه اعصار تاریخ و در همه مکانها، محکوم به گذشتن از مسیر ربانی - فلسفی - اثباتی خواهند بود؟ چنین نیست و در عین حال نیز نمیتوان پنداشت که مردم جامعه ای از قبل خود را مجبور به گذشتن از مرحله ای خاص بدانند. چنانچه پذیرفته شود که انسانها با هر تلاش و در هر شرایطی، باید از مسیری جبری و اجتناب ناپذیر بگذرند، مسلم نقش آنان در ساختن تاریخ فراموش شده است. این حقیقت که انسان خلاق تاریخ است، درین تعبیر جبرگرا، بکلی فاقد معنی خواهد بود. نزدیکتر از کنت، ماکسی (Marx)، پرددن (Proudhon)، سن سیمون (Saint Simon) حسی دودکیم (Durkheim) نویسنده قواعد روش جامعه

پاسخ آن میگوید: جامعه انسانی از مرحله‌ای آغاز نمود که در آن هر انسان حوائج اولیه خود را بر میآورد. بنابراین نیازی مبرم او را به دیگر انسانها نمی‌پیوست. روابط اجتماعی عمق نمی‌یافت بتدریج جامعه انسانی بسوی تخصص پیش رفت، احراز تخصص مستلزم مدت‌ها کارآموزی و کسب تجربه بود. از این جهت مخصوصاً با افزایش میراث فرهنگی بشر، هر انسان در زمینه‌های خاص تخصص مییافت. احراز تخصص و بلدنبال آن پیدایی تقسیم کار موجبات تجلی نوعی خاص از همبستگی را فراهم نمود که باید بنظر دورکیم همبستگی عضوی خوانده شود. بدین ترتیب، انسانها هر يك در زمینه‌ای خاص آموزش می‌بینند، تجربه می‌اندوزند و در دیگر زمینه‌های زندگی به دیگر انسانها نیازمند میشوند.

نیاز متقابل انسانها به یکدیگر، آنانرا بهم می‌پیوندد. آنچنان که هرگاه فرد یا گروهی از کار بازماندگویی عضوی از جامعه فلج گردیده است و از این آسیب کل جامعه بدرد خواهد آمد. در این احوال، صفحه‌ای تازه در حیات اجتماعی بشر گشوده میشود: فرد اهمیتی والا مییابد، حقوق جزا در برابر حقوق مدنی اهمیت خود را ازدست میدهد، حقوق جهات تدارکی و جبرانی خواهد یافت، و از صورت ردع و قصاص بیرون خواهد آمد و

شناسی و پایه گذار بحق این علم همگی به بند فلسفه تاریخ مبتلا گشتند. جاب آنسکه نویسنده اخیر بارها از فلسفه تاریخ انتقاد مینماید: اما در نهایت خود نیز احکامی درین مضمون صادر مینماید: در کتاب معروفش «قواعد دوش جامعه شناسی» هنگامیکه سخن را به انتقاد از آگوست کنت میکشاند، چنین میگوید: «بیان کنت مبنی بر اینکه مرحله سوم (مرحله اثباتی) مرحله محتوم و اجتناب ناپذیر انسانیت است، درست نیست. چه کسی به ما قول تواند داد که مرحله‌ای دیگر در جهان گشوده نخواهد شد؟

در سطوری دیگر در همین کتاب اسپنسر (Spencer) را به باد انتقاد گرفته اضافه مینماید: «قانونی نیز که اسپنسر برای تکوین و حرکت جوامع وضع مینماید نادرست است. آیا می‌توان تصور کرد که سعادت ما در جامعه صنعتی تأمین میشود و بعد از آن بسوی جامعه‌ای دیگر نخواهیم رفت؟

در جای دیگر پس از اشاره به پیچیدگی پدیده‌های اجتماعی، میافزاید «لازم به توضیح نیست که ساده‌گرایی خاص فیلسوفان تاریخ با پیچیدگی و تنوع پدیده‌های اجتماعی مغایر است» با اینهمه بعد از این چهارچوب فلسفه اجتماعی خود را بر مبنائی استوار می‌سازد که با فلسفه تاریخ نزدیک است: از خود می‌پرسد: «جامعه انسانی از کجا به کجا میرود؟ سرنوشت بشر در آینده چیست؟ اودر

تعبیر سیاسی محض غوطه میخورد. (پرودن. سن سیمون) .

فلسفه تاریخ را باید میراث دورانی خاص از مراحل رشد تفکر اجتماعی دانست. دورانی که بعد از رنسانس در برابر انسانها گشوده میشد. در قرون ۱۸ و ۱۹ با تحول بنیادی تفکر در آغاز رنسانس، انسانها بر طبیعت فائق آمدند و هر روز نظمی تازه در آن بازیافتند. انسان تسلط یافته بر طبیعت چنین می پنداشت که روزی نیز به رموز زندگی اجتماعی راه خواهد یافت و آنرا نیز همچون جهان طبیعی باز خواهد شناخت. بدین ترتیب دانشمندان مسائل اجتماعی به جستجوی قوانینی کلی، برآمدند و جامعه شناسی را فیزیک اجتماعی خواندند. می کوشیدند تا جامعه جهانی را باز شناسند. قوانین حرکت آنرا کشف نمایند و از این رو، خوش بینی دانشمند در برابر علم او را بسوی فلسفه تاریخ رهنمون گشت. در این دوران، دانشمند بر مسندی بلند تکیه می زد و از اوج آن جهانرا در تمام حرکاتش می جست. اعصار رادرم می نوردید و از بند نسبیت مکانسی نیز می گذشت. در واقع شاید بتوان چنین دورانی را کلاسیسم جامعه شناسی خواند: مگر نه اینکه کلاسیسم در روانشناسی با انتزاع انسان و تمیم روابطی که بین انگیزه و واکنش او پدید می آمد، همراه بود و بدنبال آن، روانشناسی تفاوتی (Differential Psychology) به نسبیت

با این حساب، باید حرکت جامعه انسان بسوی دموکراسی باشد. بدین ترتیب آنکس که خود یکی از پایه گذاران جامعه شناسی است. در تمام مراحل حیاتش در جستجوی اعتلای آن و تبعیۀ روشهای علمی برای آنست، او نیز مسیر حرکت جهان را می جوید و از آینده خبر می گیرد.

باز هم جدیدتر، پیتریم سودوکی (Sorokin) جامعه شناس بزرگ زمان ما، او نیز به هم خود همه جا فلسفه تاریخ را مورد انتقاد قرار میدهد. اما در نهایت هر چند بصورتی محتاطتر، باز هم تاریخ جهان را بصورت امواج متکرری می بیند که جامعه را از فرهنگ شهودی بسوی فرهنگ عقلی و حسی سیر میدهد.

بحق باید گفت فلسفه تاریخ بزرگترین نویسندگان جامعه شناسی را بخود مشغول داشت و تقریباً در همه سبکها وارد شد، زیرا در طی زمان اشکالی آنچنان گوناگون یافت که با هر شرایطی منطبق گردیده دوام یافت. هر چهره ای از آن که مطرود میشد، چهره تازه تری بدنبالش ظهور مینمود. تعبیر خاص آن چون حرکات ماریچی، دوری، موجی، خطی، همگی بردوام و استمرار آن افزودند. گاهی مبنای بیولوژیک می پذیرفت (اسپنسر) گاهی صورتهای فرهنگی و اجتماعی می یافت (سودوکی، کنت) گاهی نیز در

این علم و عدم تعمیم رابطه‌ها پرداخت .
در اقتصاد نیز تجرید و تعمیم محض
کلاسیکها در نهایت به تئوریهای منجر شد
که انسان اقتصادی یکی از آنانست. همچنانکه
در ادبیات کوشش نویسنده در تشریح عمومی-
ترین صفات و حالات انسان، فارغ از بندهای
زمان و مکان، کلاسیسیسم خاصی بوجود آورد
که طبیعتاً با واقعیات متمایز بود .

درواقع، در این دوران، به بیان مونرو
(Monnerot) امر اجتماعی هنوز بمنزله شیء
تلقى میشد. هنوز تفاوتی که پدیدار شناسی
و بعد از آن مکتب تفهیمی بین علوم روانی و
علوم طبیعی قائل میشد همچنان در عمل پذیرفته
نشده بود. خوش بینی در علم انسان آن را
در گیراگیر فلسفه تاریخ قرار میداد و آن را
در انتزاع، کلی گرائی و حتی ذهنیتی آنچنان
قرار میداد که بی شبهه با واقعیت تمایز دارد.
در فلسفه تاریخ گاهسی نویسنده آنچنان از
واقعیت فاصله میگیرد که در عین تشریح واقعیت
اجتماعی به انعکاس خواسته‌های خود می‌پردازد.
آنچه را در واقعیت می‌جوید، بعنوان مسیر
تحول واقعیت می‌بیند. آن سرویه (J-Servier)
مدعی است ریشه پیدایی این افکار که با
رؤیا و تخیل نزدیک میشود، چنین است :

«انسان جامعه‌های سنتی در هر تمدنی که
باشد، به فکر گناه اولیه است. جامعه را همچون
موجودی اساطیری مینامد که بانی بر جایش

نهاده است و خون قربانیان موجب دوام آن
گردیده است. فرد جز از طرد نمی‌ترسد.
زیرا در طرد نه تنها خود رنج خواهد برد،
بلکه موجب عذاب دیگران نیز میشود. جامعه
سنتی میکوشد تا با افسانه‌های کهن پیوند یابد.
سنتها را در دل جامعه پایدار سازد. ترس از
تغییر را از دل انسانها بزداید. درین جوامع،
صحبت از حرکت نیست. حال ادامه گذشته
است. آینده با حال پیوند مییابد و جامعه از
انسان اطاعت محض می‌طلبد. سپس تك خدائی
یهود، این دنیای آرام را چهره‌ای دیگر
بخشید. نه از این جهت که این دین بر بت پرستی
مرجح بود. بلکه به این علت که حرکت را
مشخص می‌ساخت، نویدی برای بشریت بارمغان
می‌آورد و حرکت اسرائیل بسوی سرزمین
موعود در انتظار مسیح نیز در زمره تعبیری
بود که مسیر حرکت تاریخ را مشخص می‌ساخت.
مسیحیت این حرکت را سرعتر کرد. با این
حساب، زندگی زمینی می‌بایست زندگی در
آسمان را تدارك بیند و بشریت به امید روزهای
بهتری بنشیند» (13: Histoire de l'utopie).

امید به بهتر، یعنی تجلی خواست انسان
در تفکر علمی او، آنچنان رسوخ نمود که
علم و رویا را بهم آمیخت و از این رهگذر
فلسفه تاریخ تولد یافت که در آن بعضی مسیحیت
جدید را نوید تجلی انسانیتی تازه می‌نامیدند.
(سن سیمون) و دیگران، جامعه انسانی را در
حرکت بسوی تحقق و تعمیم عدالت میدیدند

(پروندن) وعده‌ای حرکت انسانیت را در مسیر تحقق دموکراسی ملاحظه میکردند (دودکیم) و برخی می‌پنداشتند که جهان بسوی پیروزی قطعی خرد پیش میرود (مید، دیویی، هابزاس) نارسائیهای فلسفه تاریخ در همه اشکالش موجب گردید که در قرن بیستم یکباره طرد شود و با آن قبول کلیت، صدور احکام ارزشی، پذیرش حرکتی جزئی در تاریخ مطرود شناخته شود.

Philosophy of religion

فلسفه دین

Religion

ر. ک.

Philosophy of sciences

فلسفه علوم

Philosophy , Social

Social Philosophy

ر. ک.

Phobia

هراس

پسوندیکه با آن بسیاری از مفاهیم دانش اجتماعی ساخته میشوند. نظیر: انبوه هراسی یا پهنه هراسی (Agoraphobia) بیگانه هراسی (xenophobia)، تنگنا هراسی یا تنهائی هراسی (Claustrophobia) انگلیسی هراسی (Anglophobia).

Phratry

برادری

از ریشه‌ای یونانی در معنای برادر گرفته شده است. آن واحد اجتماعیست که با تقسیم یک قبیله و از تجمع چند کلان پدید آمده باشد. بعنوان مثال، لئوتزهنری مورگان

ملاحظه نمود که از بین سرخ پوستان ایروکوا (در شمال شرقی آمریکا)، یک قبیله از هشت کلان تشکیل شده و خود به دو برادری تقسیم گردیده است. برادرها برون همسرند و دارای نظام خویشاوندی یک خطی می‌باشند.

Physical anomalies

علامه جسمانی جانی - انگ

ویژگیهای خاص جسمانیست که بزعم لومبردزو (C. Lombroso) موجبات شناخت مجرم را فراهم میسازند.

ر. ک. Labeling Theory/ Lombroso

Criminology / Stigma

Physical anthropology

انسانشناسی جسمانی

ر. ک. Anthropology

ر. ک. Physical education تربیت بدنی

دلائل عینی Physical evidence

تمرین بدنی Physical exercise

تبیین عینی Physical explanation

تبیینی مبتنی بر امور عینی، در برابر تبیینهای دیگر که بر اساس اموری روانی، فراطبیعی و گاه جادویی صورت می‌پذیرند.

ر. ک. Scientific explanation

Physical geography

جغرافیای طبیعی

تحرك جغرافیائی Physical mobility

مفهوم اصلی آن:

(Geographical mobility) است. هر

نوع حرکت در سطح جغرافیاست که می تواند صورت های بسیار متنوعی یابد، نظیر مهاجرت (Migration) مهاجرت دستجمعی (exodus) و یا کوچ (به هر يك ر.ك.)

ر.ك. Geographic mobility

فيزيك اجتماعى Physics, Social

ر.ك. Social physics

Physical traces analysis

تحليل نشانه های مادی

در روش های تحقیق در علوم اجتماعى، می توان به نشانه یا رده های مادی بعنوان دلایلی بر وقوع عمل و شدت آن توجه نمود. سنجه های فرسایشی (Erosion measures) و سنجه های هم پیوست (Accretion measures) در زمره این نوع ابزار پژوهشند. (به هر يك ر.ك.)

فيزيوكراتها Physiocrats

اصحاب مكتبى كه فرانسوا كه (F. Quesnay) بنیان نهاد و در آن به اغراق زمین بعنوان تنها منبع ثروت بحساب می آمد. مكتب مقابل آن مرکانتیلیسم (Mercantilism) نام دارد (بدان ر.ك.)

تن درمانى Physiotherapy

مناسك كفاره آمیز Piacular rites

از دیدگاه امیل دورکیم به مناسکی اطلاق میشود که بمنظور تسکین فرد و جمع

بر گزار میشوند. بهنگام بروز بحران اجتماعى ناشی از نزاع در خانواده و کشته شدن یکی از اعضا، بر گزاری مناسك كفاره آمیز موجبات تسکین افراد، آرامش همگان و در نهایت اعاده همبستگی اجتماعى را فراهم می سازد.

مطالعه مقدماتى Pilot study

I- پژوهشی که قبل از انجام کار تحقیق و بعد از تعیین هدفها و تمهید برنامه ها صورت می پذیرد موگی (J.MOGEY) در مقاله ای تحت همین عنوان در فرهنگ علوم اجتماعى چهار هدف در انجام مطالعه مقدماتی مطرح می سازد که چنین اند: ۱) جمع آوری اطلاعاتی در مورد حدود دسترسی به داده ها و میزان گوناگونی آنان. ۲) آزمون نحوه اداره کار تحقیق. ۳) تخمین زمان لازم در انجام کار تحقیق و همچنین برآورد میزان هزینه. ۴) بالاخره تعیین امکان کار با توجه به ترکیب سه داده فوق الذکر.

(Dictionary of Social sciences, P. 503)
J. Gould, L. Kolb (eds)

II - برخی بین این مفهوم و آزمون پیشین تمایز قائل میشوند و مفهوم اخیر را بمعنای آزمون پیشین قسمتهائی از کار تحقیق میدانند. پس، در مقایسه با مفهوم اول هم گستره کمتری دارد و هم قبل از آن صورت میگیرد. این تمایز مورد قبول همگان نیست.

- Pretest / Social survey ر. ك .
 Place of birth محل تولد
 یا Birth Place این مفهوم بهنگام مقایسه با محل اقامت همچون شاخصی در شناخت تحرک جغرافیائی بکار میرود . امروز در جامعه صنعتی بیش از پیش بین محل تولد و محل اقامت (Place of residence) تمایز احساس میشود .
- Plane of living سطح زندگی
 میزان برخورداری فرد ، گروه یا جامعه از امکانات زندگی در زمان معین . با هزینه زندگی مشته نشود .
- Life style ر. ك .
 Planned community جماعت برنامه‌ای
 جماعتی که بر طبق برنامه‌ای معین و از قبل طرح ریزی شده ، پدید آمده و سازمان یافته باشد . در برابر گروه‌های خودجوش ، ارتجالی و گذرا نظیر انبوه خلق (crowd) بدان ر. ك .
- Planned economy اقتصاد برنامه‌ای
 در برابر اقتصاد لیبرال یا آزاد که در آن رقابت تنظیم کننده بها و بازار است و ابتکار خصوصی تعیین کننده وضع و شرایط آن . در اقتصاد برنامه‌ای ، دولت نه تنها امور نظم جامعه است ، بلکه حاضر در صحنه‌های اقتصادیست و اقتصاد را با استفاده از اهرم‌های
- گوناگون و بصورت‌های گوناگون (برنامه‌های کوتاه مدت ، میان مدت و دراز مدت) مورد هدایت و هم کنترل قرار میدهد .
- Controlled economy ر. ك .
 Planned fertility باروری برنامه‌ای
 Fertility ر. ك .
 Planned parenthood والدین برنامه‌ی‌دار
 اصطلاحی خاص که بر نتایج حاصل از باروری برنامه‌ای متوجه است . وجود ابراز و شیوه‌های پیشرفته باروری نه تنها موجب کنترل موالید از نظر کمی را از جانب والدین فراهم میسازد ، بلکه هنگام تولد هر فرد و فاصله بین تولد فرزندان را نیز مشخص میسازد . والدین جدید ، فرزندان خود را نه همچون موجوداتی تحمیلی ، بلکه منبعث از اراده خود قلمداد می‌کنند . این دیدگاه بر روابط فرزندان - والدین و هم دید و مسئولیت پدر و مادر نسبت به فرزندان مؤثر است .
- Parenthood / Voluntary parenthood ر. ك .
 برنامه ریزی شهری
 Planning , City ر. ك .
 City planning
 Planning , Economic برنامه ریزی اقتصادی
 Economic planning ر. ك .
 Planning stages مراحل برنامه ریزی

هر عمل برنامه ریزی مستلزم تعیین مراحل است، که بصورت مقاطعی در بستر زمان تجلی می کنند. هر مقطع درعین استقلال، در درون سلسله ای از مقاطع قرار می گیرد و تمامی آنان مجموعه ای هماهنگ و منطبق با اهداف برنامه تشکیل می دهند.

Planning, Social

برنامه ریزی اجتماعی

Social planning ر. ک.

Pleasure economy اقتصاد لذت

Surplus economy ر. ک.

Pleasure principle اصل لذت

Hedonism ر. ک.

Plebiscite رأی مستقیم عامه مردم

از مفهوم pleb در معنای عامه مردم و فرد متعلق به طبقات پائین، اخذ گردیده است. در روم باستان، بمعنای رأی مستقیم تمامی مردم در مورد مسائل اساسی جامعه بود. تعدد جمعوت، پراکندگی و تنوع آن در جوامع جدید امکان تداوم چنین رسمی را غیرممکن ساخت.

Pantisocracy / Democracy ر. ک.

Plural society

جامعه چند محور. جامعه چند قومی

(۱) جامعه ای که در آن اقوام گوناگون در چارچوب مرزهای مشترک ملی در کنار یکدیگر حیات می گذرانند. (۲) شیلز (E. A. Shils)

جامعه چند محور را جامعه ای میدانند که در آن تعدد مراکز قدرت پدید آمده باشند که در صورت تنظیم درست آنان مردم سالاری و در غیر این صورت از هم پاشیدگی اجتماعی رخ میدهد.

چندگرایی Pluralism

(۱) از دیدگاهی، چندگرایی بمعنای تعدد اندیشه ها، باورها و شیوه های زندگی و پذیرش آنان از جانب افراد است. درین معنی چندگرایی مستلزم سعه صدر (Tolerance) و مبارزه با خودگرایی (Egotism) خود خواهی و خود مرکزیت است.

(۲) از دیدگاهی دیگر، چندگرایی در برابر نظریه های سرآمدگرایانه (Elitist theories) و باطر فداران حکومت متفذان (oligarchy)، این باور را می رساند که جامعه در انحصار هیچ فرد یا گروهی نیست.

بنابراین، هر چند تفویض اختیار به اقلیتی خاص جهت تنسيق و اداره امور پیچیده جامعه امروزی، يك ضرورت است، ليك، این بمعنای عدم مسؤولیت (غیر مستقیم) کل جامعه نیست.

Ruling class ر. ک.

Pluralism, Ethnic

چندگرایی قومی

Ethnic pluralism ر. ک.

Pluralism, Philosophical

- چندگرای فلسفی . ر. ک . Philosophical pluralism
- چندگرای سیاسی . ر. ک . Political pluralism
- چندگرایی نژادی . ر. ک . Racial pluralism
- چهل‌متکثر Pluralistic ignorance
- اصطلاحی است از آلپورت (Allport)
- درین معنا که انسانها حاضرند تغییرات را بپذیرند، اما همه گمان می‌کنند دیگران با آن مخالفتند . بعنوان مثال، زمانیکه درهای دانشگاههای جنوب امریکای شمالی بروی سیاهپوستان گشوده شد ، ابتدا گمان میرفت که ورود سیاهپوستان با مقاومت مواجه خواهد شد، درحالیکه چنین نشد و این دگرگونی به آسانی پذیرفته شد، لیک در آغاز همه تصور می‌کردند نه خود، بلکه دیگران با این تغییر مخالفتند، بنظر کلاینبرگ (Klineberg)
- این بینش مشابه با جامعه دروغینی است که کامرون از آن یاد می‌کند. کامرون درمورد بیماران پارانوئیا معتقد است که دنیای خاص این بیمار مشحون از اشخاص بیمار است و بیمار نظراتش را به آنان منتسب میدارد .
- حکومت ثروتمندان - Plutarchy
- توانگر سالاری
- انحصار حکومت توسط ثروتمندانست. این نوع حکومت که در آن معیار کسب قدرت توانمندی اقتصادیست ، در برابر انواع بسیار دیگری از حکومت قرار می‌گیرد ، نظیر شایسته سالاری (Meritocracy) یا حکومت صالحان و شایستگان . حکومت اشراف (Aristocracy) ، ارتش سالاری (stratocracy) ؛ حکومت ثروتمندان ، حکومتی است که در آن گروهی اندک قدرت را بدست می‌گیرند، ازینرو باید آنرا نوعی حکومت متنفذان (oligarchy) خواند و ازین دیدگاه در برابر حکومت مردم (Democracy) قرار می‌گیرد. بامفهوم Plutocracy مترادف است .
- ر. ک . Meritocracy / Pantisocracy
- Mobocracy / Democracy / Oligarchy .
- حکومت ثروتمندان . Plutocracy
- توانگر سالاری . ر. ک . Plutarchy
- Plutocratic state
- دولت توانگر سالار
- ثروت شناسی Plutology
- قصاص Poetic punishment
- تنبيه مجرم در ارتباط با جرم مرتكب شده و عیناً همانند آن ؛ نظیر بریدن دست

دزد، قطع زبان شاهد دروغگو، اخته کردن
متجاوز جنسى و ...

ر. ك. Lex talionis/ Retaliation

جمع كشى Pogrom

كشتار ارتجالى و نا گهانى گروهى فاقد
سلاح است از جانب دولت يا هر مقام داراى
قدرت، نظربه تنفر عمومى و يا باورهاي
نادرست. با مفهوم كشتار جمعى (Massacre)
كه مفهومىست عام و همچنين مفاهيمى چون
امحاء نسل (Genocide)، قلع و قمع
(Extermination) و همچنين قوم كشى
(Ethnocide) مشبه نشود - به هريك ر.ك.

كشاكش اجتماعى Polarity, Social
ر. ك. Social polarity

قطبى شدن Polarization

بهنگام تصميم گيرىهاى اساسى
(نظير رفتار دوم، انتخابات قوه مقننه يا
شهرداريا و ...) زمانىست كه افكار عمومى
تعارض مى يابد، دوماحور يا دو قطب پديد
مى آيد كه موجبات تشتت را پديد مى آورد.

Policy, Industrial

خط مشى صنعتى

ر. ك. Industrial policy

Policy making

تعيين خط مشى، سياست گزاري

خط مشى اجتماعى Policy, Social

ر. ك. Social policy

عمل سياسى Political action

(۱) در برابر عمل نظامى، چريكى و...
عملى كه سرنوشت جمعى را در بر گيرد. (۲)
عملى مبتنى بر تعقل، كل نگرى، آينده بينى
و احتساب واقعايت و امكانات. درچنين
عملى معمولا مباني اخلاق متعارف تعبيرى
ديگر مى يابند.

Political anthropology

انسانشناسى سياسى

ر. ك. Anthropology

Political democracy

مردم سالارى سياسى

در برابر صور ديگر حكومت مردم نظير
مردم سالارى اقتصادى:

(Economic democracy)، مردم سالارى

فرهنگى (Cultural democracy) و ...

در مردم سالارى سياسى توجه به مشاركت
آزاد سياسى و هرم سازمانى مردم سالارىست.
تحقق آن مستلزم مشاركت مستقيم يا غير
مستقيم مردم در امور سياسى است باشرائى
چون (۱) آزادى در نامزد سازى افراد ذصلاح.
(۲) آزادى در تشكيل سياسى. (۳) آزادى در
مبارزات سياسى (۴) حق گروه شكست خورده
در ادامه مبارزات.

ر. ك. Democracy

جناح چپ Political left

شامل گروههاى است كه چند ويژگى
به قرار زير دارند:

سیاسی ؛ حزب سیاسی که در اصطلاح فقط حزب خوانده میشود؛ دارای ویژگیهایی چند بدینقرار است :

- بر پایه يك ایده اولژی قوام می گیرد که آنرا مرام یا آرمان حزب می خوانند و از همینجاست که با گروههایی چند ، نظیر سندیکا تمایز می یابد ؛ در سندیکالیسم ، منافع و کسب حد اکثر سود مطرح است و حال آنکه در حزب تحقق اندیشه ، مرام و عقیده بر همه چیز رجحان دارد .

- گروهی است انحصاری بدینمعنی که يك انسان نمی تواند دريك آن به دو یا چند حزب تعلق داشته باشد . و باز این نیز وجه تمایز حزب و سندیکاست ؛ انسان می تواند دريك آن عضو سندیکای مصرف کنندگان ، و یا حتی مولدین کالا باشد ؛ ایک ، در مورد حزب چنین نیست .

- گروهی است نه خود بخود ، بلکه منبعث از پیوند و تعلق (Adherence) . و ازینجاست که حزب و طبقه از یکدیگر منفک میشوند . طبقه اجتماعی نه ناشی از عضویت بلکه منبعث از شرایط زندگی است . آنکس که در طبقه کار گراست ، نه بمیل خود بدان پیوسته ، بلکه رشته های حیات و معیشت وی او را بدان مرتبط ساخته است . اما در مورد حزب چنین نیست . هر کس براساس سلیقه خود ، آرمان خود و مخصوصاً شرایط طبقه ای خویشتن به حزبی خاص گرایش می یابد . - گروهی است درصدد باز یابی قدرت و

- خواهان تغییرات عمقی و بنیادی هستند .
- دگرگونی را نه از طریق اصلاح (Reform) بلکه اقدام انقلابی می جویند .
- به گروههای عظیم و مخصوصاً محروم توجه دارند .

وجه تسمیه آن از مجامع قانونگزاری فرانسه منبعث میشود . درین مجامع اعضائی با ویژگیهای فوق الذکر در سمت چپ می نشستند
ر. ک . Political right

حیات سیاسی Political life
هستی فرد، گروه یا فرقه و یا آئینی در صحنه سیاسی است ؛ زمانیکه این فرد، گروه یا آئین بهر دلیل ؛ قدرت تداوم خویش را از دست دهد، به مرگ سیاسی (Political death) دچار می گردد، هر چند از نظر زیستی باقی باشد .

Political modernization
تجدد سیاسی

۱) در معنای عام هر نوع دگرگونی با بار ارزشی مثبت در محدوده سیاسی است .
۲) در معنای خاص، افقی ساختن هرم قدرت و بسیج مشارکت مردمی است .

Political participation
مشارکت سیاسی

ر. ک . Participation / Democracy
احزاب سیاسی Political parties
واژه ایست اساسی در جامعه شناسی

تسلط بر روابط تولید جهت دگر گونی آن و انطباقش با مرام خویش . نظام سیاسى و اجتماعى مبتنى بر تحزب مى تواند صورتى چند یابد ، از جمله :

— نظام مبتنى بر يك حزبى (Monism)

که صورتى انحصارى دارد و در آن يك حزب همه ارکان قدرت را در دست دارد .

— نظام مبتنى بر چند حزبى (Multipartism)

— نظام دو حزبى (Bipartism)

Political pluralism

چند گرائى سیاسى

(۱) وجود و پذیرش خانواده هاى گوناگون در اندیشه سیاسى در داخل يك کشور . (۲) وجود و پذیرش تعدد و تنوع عقاید سیاسى در درون يك کشور .

Political refugee پناهنده سیاسى

فردیکه بدلايلى با ماهیت سیاسى از دولتى غیر از دولت متبوع خود ، تقاضای پناهندگى سیاسى نموده و مورد پذیرش آن دولت قرار گرفته باشد .

Political right

جناح راست

عناصرى در طیف سیاسى که بانوآوریهائى اساسى مخالفند . این مفهوم از چگ- و ننگى نشستن نمایندگان در مجالس مقننه اروپائى ریشه گرفت که در آنسان اعضاء سنت پرست در سمت راست رئیس مى نشستند . آنانکه در

جستجوی حفظ وضع موجود بودند محافظه کار و یا همونوا و آنانکه در صدد رجعت به گذشته بودند ، مرتجع خوانده شدند .

ر. ک . Conservatism/ Conformism

Political left/ Reactionism

Political socialization

اجتماعى شدن از نظر سیاسى

فرایند اجتماعى شدن که به کسب ارزشهاى سیاسى مخصوصاً در جوانان مى انجامد . مخصوصاً چهار گروه و سازمان درین فرایند مؤثرند : خانواده ، گروه همالان ، مدرسه و وسایل ارتباط جمعى .

ر. ک . Socialization

Political sociology

جامعه شناسى سیاسى

I — مطالعه منتظم پدیده هاى سیاسى اعم از رفتار ، عقاید و اندیشه هاى سیاسى است و تأثیر و تأثر آنان با ساخت اجتماعى . همچنین شناخت نهادها و سازمانهاى سیاسى و زمینه هاى اجتماعى آنانست با توجه به تأثیریکه بر حیات اجتماعى برجا میگذارند .

II — باید ارسطو را با کتابش علم

سیاست از پیشروان این دانش دانست . آثار منتسکیو (مخصوصاً روح القوانين و علل عظمت و انحطاط روم قدیم) و توکویل (دمکراسى در امریکا) در بینانگزارى این رشته تأثیر نهادند . از بین کلاسیکها ماکس وبر و پارتواز پیشگامان این رشته به حساب مى آیند .

Political sovereignty

حاکمیت سیاسى

Sovereignty

ر. ک.

Politician

سیاستمدار

Politics

علم سیاست

Poll

نظرخواهى

گاه بصورت opinion polls و گاه

بصورت ساده بکار میرود و در واقع جستجوی عقیده و نظر مردم در هر زمینه است .

در زمینه‌های سیاسى، کارکردهای بسیاری را برآورده میسازد، از جمله آنکه موجبات آگاهی مردم از نتایج احتمالى انتخابات قبل از انجام آن را فراهم میسازد، داوطلبانرا از وضع خود مطلع میسازد و شیوه‌های تازه مبارزه را به آنان می‌آموزد. در زمینه‌های اقتصادى، نظر مردم را در مورد کالائى خاص معین میدارد، انتقادات آنانرا طرح میسازد و موجب میشود تا سازنده کالا به رفع نقایص آن پردازد .

لیک، نظر خواهى چندان ساده برگزار نمى شود و مسائلى چند متوجه آنست، از آنجمله:

۱- تعیین جمعیت نمونه‌ای درست یا نمایا (Representative) چندان ساده نیست و همواره ناچاریم ضریب لغزش ناشى از نمونه‌گیرى (Sampling error Coefficient) را احتساب نمائیم .

۲- با توجه به حساسیت پرسشها ،

پاسخگویان چندان بسادگى نظر درست خود را ابراز نمیدارند ؛ این ضریب اشتباه هم ناشى از تعدد پاسخگویان در ادامه پاسخ نادرست منبعث از محافظه‌کاری یا هر دلیل یا عامل دیگر است، هم مى‌تواند بطور نا آگاه صورت یابد و فرد پاسخى جبهه‌ای (Frontal) ارائه دهد ؛ بدون آنکه تعمق كافى نموده باشد .

۳- از دیدگاهی دیگر، نظرخواهى انتخاباتى ضمن تشریح وضع موجود ، خود آنرا دگرگون میسازد چه ، هنگامیکه نتایج يك نظرخواهى اعلام مى‌شود ، خود بر رأى دهندگان اثر مى‌نهد و بسیاری از کسانی‌را که موضعی بیطرف اتخاذ کرده بودند، به مشارکت وا میدارد .

۴- نظر خواهى بر مبنای ثبات نسبى عقاید برگزار میشوند و حال آنکه چنین نیست . يك فرد در جریان زمان همواره يك عقیده ندارد، و این بر ضرایب اشتباه پیش‌بینى مى‌افزاید .

۵- از جانب دیگر ، در نظرخواهى ها ، با توجه به تعدد جمعیت نمونه و همچنین لزوم رعایت سرعت در ارائه نتایج ، معمولاً نظرها بطور مطلق و بدون توجه به ظرایف عقیدتى پرسیده میشود و حال آنکه ممکن است فردى نامزدی را بدون هیچ عیب نداند و بخواهد جهات مثبت و منفى او مطرح شود.

Polls , Types of

انواع نظر خواهی ها :

Economic polls

نظر خواهی های اقتصادی

Political ~

نظر خواهی های سیاسی

Public opinion ~

سنجش افکار عمومی

Religious affiliation ~

نظر خواهیها در باب تعلقات مذهبی

Public opinion poll/ ر. ک.**Interview / Referendum****Pollsters نظرخواهان، رای جویان****Pollute (to) آلوده ساختن****Pollution آلودگی-آلوده سازی**

تباهی یا تباه سازی يك شىء، يك واقعه
یا مراسم اجتماعی .

Ecology ر. ک.**Polyandrist چند شوهر**

زنیکه در يك زمان چندشوی داشته باشد.

Polyandry چند شویی

ازدواج همزمان یکزن است با چند مرد

I- چنانچه شوهران برادر یکدیگر باشند

بدان چند برادر شویی :

(Fraternal polyandry) یا :

(Adelphic polyandry) اطلاق میشود .

درینصورت ، فرزندان از آن برادر بزرگتر و

درمواردی متعلق به همه برادران بحساب
می آیند . چند برادر شویی باصور گوناگون
آن ، در ثبت دیده شده است .

II-اسمیت (M. G. Smith) در نیجریه

به نوع دیگر چند شویی که در آن شوهران
برادر یکدیگر نیستند برخورد نموده است .
این نوع از چند شویی که اسمیت آنرا ازدواج
ثانوی می خواند ، « بمعنای ازدواج يك زن
است در حیات شوهر اولش ، بدون آنکه
ازدواج اول منتفی شده باشد ، ولیک، درین
چند شویی ، زن در یکزمان فقط با يك مرد
رابطه دارد در حالیکه اسماً همسر چند شوهر
است » .

(Secondary marriage in**Northern Nigeria ,**

PP , 312 - 322)

III- نوع دیگر چند شویی ، ازدواج

يك زن در يك زمان با چند مرد است. بدون
آنکه رابطه برادری بین آنان باشد . در این
رسم که در بین خوداها (Toda) دیده شده و
رایج ترین صورت چند شویی است ، تعیین
پدر مشخص برای فرزندان (ان) ، طی مراسمی
و با شیوه هایی پیچیده صورت می یابد.

IV- افزایش طلاق در جوامع جدید

صنعتی ، موجبات پیدائی انواع تازه ای از
چند شویی را فراهم ساخته است هر چند
ناهمزمان ولیک با نتیجه ای بالنسبه مشابه و با
فراوانی معتابه . بدینقرار ، يك زن در جریان

حیاتش با چند مرد رابطه زوجیت برقرار میسازد؛ به تعبیر ویلیامز (Robin. M. Williams)، افزایش طلاق ما را بسوی نظامی می کشد که در آن خانواده های تک همسری به طور متوالی در طول زمان پدید آمده جانشین یکدیگر میشوند.

(American society, 1965)

تافلر (A. Toffler) از این نیز فراتر رفته و در باب تعدد روابط زوجیت در آینده، معتقد است از این پس به خانواده امروزی شاهد پیوندهایی صرفاً موقت خواهیم بود.

و. ک. Polygamy / Polygyny

در چنین شرایطی، چند شوئی و چند زنی هر دو بطور ناهمزمان فزونی می یابند؛ لیک، چند شوئی ناهمزمان با نوع همزمان آن از چند جهت تمایز می یابد: ۱) هم فراوانی آن بسیار بیشتر است، زیرا پدیده چند شوئی بطور همزمان آن سخت نادر است. ۲) هم با توجه به امکان ورود زودتر زن به بازار ازدواج و خروج دیرتروی ازین بازار بسبب امید زندگی بیشتر زنان درمقایسه با مردان؛ فراخنای زمانی زوجیت زن طولانی تر است.

و. ک. Polygamy / Polygyny

Polyandry, Fraternal

چند برادر شوهری

و. ک. Fraternal polyandry

Polygamous چند همسر

Polygamy چند همسری

نوعی از پیوند زناشوئی است که در آن زن با مرد با بیش از یک نفر از جنس مخالف خود در زمان واحد ازدواج نموده باشد.

بدینسان، چند همسری در برابر یک همسری (Monogamy) شامل دو همسری (Bigamy)، همچنین چند زنی (Polygyny) و چند شوهری (Polyandry) می گردد.

بزعیم بعضی، تعدد طلاق در جامعه جدید خود نوعی دیگر از چند همسری را پدید آورده است که باید ناهمزمان خوانده شود. چه، درین شرایط نیز، فرد تا پایان حیاتش با بیش از یک همسر همبستر می گردد.

Polygenism چند ژنی

پیدائی انسان را بعضی از یک ژن (Monogenism) و بعضی دیگر از چند نژاد و گروه متفاوت میدانند. ادیان الهی از گروه اول بشمار می آیند.

Polygynous marriage

ازدواج چند زنه

Polygyny چند زنی

I- ازدواج یک مرد با چند زنست.

II- چنانچه زنان خواهر یکدیگر باشند بدان چند خواهر زنی (Sororal Polygyny)

اطلاق می شود. چند زنی در مواردی اضطراری است - (Compulsory Polygyny)

(Levirate) به این معنی که یک مرد

ناچار به ازدواج با بیوه برادر خود خواهد بود که بمنظور حمایت از زن بیوه تحقق می پذیرد ..

در مواردی چند، چند زنی با رضایت و حتی توسط زن اول صورت می گیرد. (این نوع چند زنی در بسیاری از موارد بجهت نازا بودن زن اول واقع میشود)

III- بسیاری برای عقیده اند که در جامعه جدید بر اثر تکثر میزان طلاق، نوعی دیگر از چند زنی بر می خوریم که بایند نا همزمان خوانده شود، درینصورت یکمرد در جریان حیاتش با چندین زن عقد زوجیت می بندد بدون آنکه در يك زمان چند زن داشته باشد.

ر. ك. Polygamy / Polyandry

چند خواهرزنی Polygyny, Sororal

ر. ك. Sororal Polygyny

چندخدائی. چند یزدان پرستی Polytheism

در برابر یکتا پرستی یا توحید (Monotheism),

ر. ك. Atheism / Theism .

Antitheism / Mysticism .

Agnostic / Pantheism

مردم پسند . محبوب Popular

بفارسی وجه المله و همه پسند نیز ترجمه شده است .

فرهنگ مردم Popular culture

ر. ك. Folklore / Folk culture ,

Mass culture

وجه مردمی - Popularity

مردم پسندی . محبوبیت

میزان علاقه مردم به رهبر، قهرمان یا هر چهره برجسته در دنیای علم، هنر، ورزش و سیاست است. وجه مردمی صوری بسیار دارد از جمله :

Aspired popularity

مردم پسندی مورد آرزو

Expected ~

مردم پسندی مورد انتظار

Perceived popularity

مردم پسندی مدرك . محبوبیت مدرك

از فرد سؤال میشود : فکرمی کنید رهروان یا علاقه مندان شما تا چه حد بشما علاقه مند هستند . بیان او میزان علاقه مدرك یا نظر او در باب شدت علاقه دیگران بخود را میرساند.

Real popularity

مردم پسندی واقعی ، محبوبیت واقعی

میزان واقعی تعلق عاطفی گروهی چند نسبت به فردی خاص است در زمان و جامعه ای معین .

Unexpected popularity

مردم پسندی غیر منتظره

در عین حال، مردم پسندی انواع دیگری نیز چون، پایا، موقت، متواتر، پیوسته و ... می‌یابد. در گروه سنجی جزء اعظم تلاش محقق به شناخت علایق متقابل انسانها یکدیگر معطوف میشود.

ر. ک. Sociometry

جمعیت Population

کل افرادی که در زمانی معین در یک کشور، شهر، روستا و یا هر واحد جغرافیائی زندگی می‌نمایند. میزان جمعیت، تراکم و ترکیب آن، از اهم مباحث دانش اجتماعست و بطور کلی می‌توان گفت، هیچک از شاخه‌های این دانش بدون مطالعه جمعیت به هدف نمی‌رسد. چه، تعداد جمعیت و توزیع آن، بر میزان رفاه اجتماعی، فرصتهای اجتماعی و حتی گذران فراغت اثر می‌نهد. دنیای امروز از جابجایی با تراکم بیش از حد و غیر متعارف انسانها در فضاهای کوچک جغرافیائی مواجه است که پدیده شهرهای غول آسا منبث از آنست، از جانب دیگر با افزایش چشمگیر جمعیت. به بیان دیگر، «جمعیت جهان که در ۸/۰۰۰ سال قبل از میلاد حدود ۵ تا ۱۰ میلیون نفر بود، در حوالی میلاد مسیح به ۳۳۰ تا ۲۷۰ میلیون نفر رسید، در سال ۱/۰۰۰ میلادی به ۳۴۵ تا ۲۷۵ میلیون نفر در ۱۲۵۰ میلادی به ۴۵۰-۳۵۰ میلیون، در ۱۵۰۰ میلادی به ۵۲۰ تا ۴۲۰ میلیون، در ۱۷۵۰ میلادی به ۸۵۰ تا ۷۳۵ میلیون

در ۱۹۰۰ به ۱۷۱۰ تا ۱۶۵۰ میلیون بالاخره در ۱۹۷۰ به ۳۷۰۰ تا ۳۶۰۰ میلیون و در سال ۱۹۸۰ به مرز ۴۵۰۰ میلیون نفر بالغ گردید (به نقل از دفتر ۲۹ جمعیت) از انتشارات دفتر همکاری حوزه و دانشگاه). بدینسان، با پیدایی انقلاب جمعیت و کاهش امراض همه گیر، یکباره از قرن ۱۷ به بعد جمعیت جهان که از تولد مسیح، ۱۶۵۰ سال طول کشیده بود تا دو برابر شود، در فاصله سالهای ۱۶۵۰ تا اواسط قرن نوزدهم میلادی یعنی در فاصله ۲۰۰ سال یکباردیگر دو برابر شد و از حدود ۱۸۵۰ تا ۱۹۲۵ یعنی چیزی در حدود ۷۵ سال باز بار دیگر جمعیت جهان دو برابر شد. و از یک میلیارد نفر به دو میلیارد رسید و بالاخره در فاصله سالهای ۱۹۲۵ تا ۱۹۷۵ یعنی در مدت ۵۰ سال از دو میلیارد به چهار میلیارد نفر رسید. در صورت برقرار بودن میزان رشد فعلی که بطور متوسط حدود دو درصد است، جمعیت دنیا هر ۴۰ سال یکبار دو برابر خواهد شد.

افزایش سریع جمعیت در جهان، موجبات پیدایی مکاتبی بدینانه نظیر مالتوس گرایی را فراهم ساخت؛ رشد بسیار سریع این جمعیت در جهان سوم، به پیدایی اندیشه‌های مالتوس گرایان جدید انجامید و هراس جهانیانرا برانگیخت و موجب گردید که پیشنهادات گوناگونی همراه با روشهایی گاه

سخت در راه جلوگیری از افزایش نسل انسان
ارائه شود .

ر. ک. Demography / Malthusianism

Marital Continenence / Marital
abstinence, Marital restraint .

Population , Types of

انواع جمعیت

Balanced population جمعیت متوازن
جمعیتی که در یک زمان خاص ، از نظر
تعداد ثابت است و در آن باروری ، مرگ و
میر، مهاجرت داخلی و خارجی ثابت اند و
مساوی با یکدیگر.

Decreasing population

جمعیت رو به کاهش

تغییر کاهش جمعیت (Population decline)

و همچنین تقلیل جمعیت (Depopulation)
نیز بدان نزدیک است .

Dependent population جمعیت وابسته

Finite ~ جمعیت محدود

Hypothetical ~ جمعیت فرضی

Increasing ~ جمعیت روبه افزایش

اصطلاحی که مخصوصاً برای نشان دادن
افزایش معتدله جمعیت در جهان امروز بکار
می رود. برخی بمنظور تأکید بر شتاب آن
مفهوم انفجار جمعیت
(population explosion) را بکار

Independent population

جمعیت غیر وابسته

Infinite ~ جمعیت نامحدود

Marriageable ~

جمعیت قابل ازدواج

Maximum ~ جمعیت حداکثر

Minimum ~ جمعیت حداقل

Non - agricultural ~

جمعیت غیر زراعی

Optimum ~ جمعیت متعارف

جمعیتی با تعداد متناسب آنچه آنکه
حداقل زندگی تأمین پذیر باشد. حد متعارف
جمعیت ، تابعی از زمان ، نوع جمعیت ،
امکانات حیاتی و ... می باشد .

Real ~ جمعیت واقعی

Resident ~ جمعیت مقیم

Rural ~ جمعیت روستایی

جمعیتی که در مناطق روستایی حیات
میگذرانند. (در برابر جمعیت شهری) معیارهایی
چند در تمیز شهر و روستا وجود دارند که
مهمترین آنان تعداد جمعیت است : از سال
۱۹۵۰ به اینطرف در امریکا مناطق کمتر از
۲۵۰۰ نفر را روستایی قلمداد می کنند؛ ولیک
برخی دیگر از معیارهایی چند گانه در شناخت
یک جمعیت و اطلاق روستایی یا شهری بدان
استفاده می کنند. بعنوان مثال ، کوفمن
(H. Kaufman) معیارهایی چون : «تراکم

کمتر جمعیت، تمایز کمتر بین مردم، تحرك اجتماعى و فضائى کمتر، آهنگ آرامتر دگرگونى اجتماعى، زراعت بعنوان کار و شغل اساسى، تمرکز نظام اقتصادى - سیاسى بر محور زمین را بکار می برد.

(Dictionary of social

sciences .

J. Gould, L' Kolb (eds) P. 612)

Stable population جمعیت ثابت

جمعیتی که دارای ساخت و توزیع سنی ثابت باشد.

Stabilized ~ جمعیت تثبیت شده

يك جمعیت که از نظر کمی با اهداف اجتماعى خاصى انطباق یافته باشد. بدینسان این جمعیت می تواند کاهش یا افزایش یابد بشرط آنکه در هر جهت با آن متغیر اجتماعى (هدف) در انطباق باشد.

Static ~ جمعیت ایستا

Stationary جمعیت متوقف

جمعیتی که در زمانی خاص و مکانی معین بدون افزایش یا کاهش باقی ماند.

Statistical ~ جمعیت آماری

Survey ~ جمعیت مورد بررسی

Unoccupied ~ جمعیت غیر شاغل

Urban جمعیت شهری

Working ~ جمعیت در حال کار

جمعیت فعال

Population analysis تحلیل جمعیت

در جمعیت شناسی - صوری

(Formal demography) بدان پرداخته

می شود.

Demography ر. ک.

Population attraction

جذب جمعیت. ربایش جمعیت

Population change دگرگونى جمعیت

(۱) تغییر کمی با توجه به مهاجرت یا عوامل طبیعى (۲) دگرگونى کیفی جمعیت بر اثر عواملی چون آموزش، بهداشت و... (که دگرگونى ویژگیهای يك جمعیت را موجب می شوند).

Population Composition

ترکیب جمعیت

Population ر. ک.

Population decline کاهش جمعیت

تجلى عینی آن تقلیل جمعیت (Depopulation) است که در مواردی با ثبات عوامل کاهش، به اضمحلال يك جمعیت می انجامد.

Population density تراکم جمعیت

تعداد جمعیت ساکن در هر کیلومتر مربع است. در آلمان غربی، ژاپن و انگلستان بیش از ۲۲۰ نفر در یک کیلومتر مربع سکونت دارند. در پاکستان، ایتالیا، و هند و آلمان شرقی، این رقم به ۱۰۰ می رسد. و حال آنکه در یوگسلاوی، چین، فرانسه ۶۰ نفر در

یک کیلومتر مربع زندگی می‌کنند. دیگر کشورها رقمی کمتر از این دارند.

Population distribution

توزیع جمعیت

در سطح جهانی، آسیا از نظر جمعیتی بزرگترین قاره جهان است (۵۷٪ جمعیت جهان در آنند) پس از آن اروپا (۱۲٪ جمعیت جهان) و افریقا (۱۰٪) در مرتبه دوم و سوم قرار می‌گیرند.

Population dynamics

پویایی‌شناسی جمعیت

Population ر. ک.

Population explosion

انفجار جمعیت

Population growth , world

رشد جهانی جمعیت

World population growth ر. ک.

Population movements

حرکات جمعیت

در اصطلاح جابجائی جمعیت در فضا را می‌رساند (می‌تواند دائم، موقت، فصلی، کوتاه‌برد، میان‌برد یا با برد طولانی باشد).

Population natural growth

میزان رشد طبیعی جمعیت (rate of)

رشد جمعیت می‌تواند تابع تفاوت میزان مرگ و میر و زاد و ولد باشد که درینصورت آنرا رشد طبیعی جمعیت می‌خوانند و فرمول احتساب آن چنین است :

$$\Delta P = N - M$$

که در آن ΔP افزایش جمعیت، M میزان مرگ و میر و N میزان زاد و ولداست.

Natural increase . ر. ک.

Reproduction

Population , Over

Overpopulation ر. ک.

Population policy

Population pressure

عواملی چند فزونی بیش از حد جمعیت را آنچنانکه از حالت متعارف (optimum) بگذرد و بصورت جمعیتی فزون برحد (overpopulation) درآید. فراهم میسازند.

Population projection

آینده نگری جمعیت

با در نظر گرفتن تغییرات اساسی جمعیت: باروری، مرگ و میر و مهاجرت با فرض ثبات آنان، پیش بینی جمعیت در آینده‌ای مشخص قابل تحقق است.

Population pull

جذب جمعیت

در برابر دفع جمعیت (Population push) که بصورت دفع جمعیتی (Demotic push) نیز آمده است. و مترادف است با جذب جمعیتی (Demotic attraction).

Population pyramid

هرم جمعیت

توزیع سنی یک جمعیت در گروه‌های سنی معمولاً پنجاه ساله، بشکل هرم سنی یا هرم جمعیت تجلی می‌نماید.

مردم جهان صنعتی با افزایش ارتفاع هرم مواجهند که خود ناشی از امید بقاء بیشتر است و در تعداد بیشتر پیران متجلی است. جهان سوم با رشد قاعده هرم و کمی جمعیت در سطوح بالای آن مواجه است که منبعث از سرعت رشد جمعیت و امید زنده ماندن (Life expectancy) کمتر است.

Population replacement

جانشینی جمعیت - تجدید نسل

Population structure

ساخت جمعیت

Population studies مطالعات جمعیتی

از دیدگاهی، این مبحث دارای قلمروی گسترده‌تر از جمعیت شناسی صوریست. چه، در آن عوامل غیر جمعیتی، نظیر متغیرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موثر بر جمعیت مطرح و بررسی میشوند.

ر. ک. Demography

Population survival بقای جمعیت

۱) از دیدگاه جمعیت شناسی بقای يك جمعیت خاص و در زمانی معین تابعی از میزان مرگ و میر، مهاجرت بخارج از آن، باروری و مهاجرتهاى به داخل آنست؛ نمونه بارز جامعه‌ایکه بقاء آن در معرض تهدید قرار گرفت جامعه فرانسه در سالهای بعد از جنگ دوم جهانی است که در آن تعادل کمی جمعیت از بین رفت، چه، میزان باروری چنان کاستی یافت که جایگزینی جمعیت میسر

نگشت. تأمین بقای جمعیت ازین دیدگاه، مستلزم بکارگیری سیاستهایی خاص (کمک به خانواده‌های پر فرزند، تشویق زناشوئی و...) از جانب دولت است. ۲) بقای يك جمعیت در مواردی، متضمن دفاع از آن در برابر دشمن خارجیست که میتواند موجبات کشتار جمعی (Massacre) امحاء قوم

(Genocide) و قلع و قمع

(Extermination) آنرا فراهم آورد. ۳)

بالاخره، بقای يك جمعیت در برخی از موارد با پیدائی بیماریهای همه گیر (Epidemy) در معرض تهدید قرار می گیرد.

Population trend روند جمعیت

شیوه‌هایی چون پیش بینی جمعیت (Projection) و روند پژوهشی (Trend study) ابزاری در راه شناخت فرایند حرکات جمعیت و مسیر آنند. (به هر يك ر. ک)

Populationist طرفدار افزایش جمعیت

I- کسی که جمعیت را بزرگترین ثروت جامعه از دیدگاه اقتصادی و بالاترین منبع قدرت از نظر سیاسی میداند. اینان سرمایه گذاری با کار را تجویز می کنند و معتقدند بجای تکنولوژی پیشرفته می توان از تعداد بیشتر جمعیت استفاده کرد، نظر آنان در برابر اندیشه مالتوس، مالتوس گراییان و حتی مالتوس گراییان جدید قرار می گیرد.

II- اندیشمندانی بسیار بر تعدد جمعیت

بوده است».

(به نقل از جزوه شماره ۲۹ (جمعیت) از دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، صفحه ۱۳)
- گذشته ازین، متفکران بسیاری چون ژان بودن (J. Bodin)، وبنان (Vanban) و بسیاری دیگر جمعیت را ثروت اساسی يك جامعه تلقی نموده‌اند، این نظرات با عقاید دیگری که ضد بساوری، یا محدود سازنده توصیف شده‌اند، مواجه گردید.

ر. ک. . Malthus / Malthusianism .
Neomalthusianism / Restrictionist ,
Anti - natalist .

Positive attitude change

دگرگونی مثبت طرز تلقی - دگرگونی مثبت

آمادگی روانی

دگرگونی طرز تلقی یا آمادگیهای روانیست درجهتی که بزعم پژوهشگریا ناظر مثبت شناخته میشود. ویا آنکه درجهتی صورت گیرد که موافق خواست مبلغ است. درینصورت آمادگی روانی با بعدی ارزشی مطمح نظر قرار گرفته است و بهمان نسبت نیز از جهات علمی وعینی کارگرفته شده است. دگرگونی طرز تلقی يك جوان ممکن است از نظر خود او مثبت باشد و حال آنکه از نظر والدینش منفی شناخته شود.

Positive checks کنترل مثبت

در مالتوس گرائی، شیوه‌ایست در جلوگیری از افزایش جمعیت مبتنی بر افزایش

بعنوان عاملی در فزونی قدرت سیاسی وحتى رفاه اقتصادی تأکید نموده‌اند:

- شاید این خلدن از اولین کسانی باشد که فزونی جمعیت را موجد قدرت نظامی، سیاسی دانسته و برمزایای اقتصادی تکرر جمعیت اشارت دارد.

- شاخه فرانسوی مرکانتیلیستها (در مقابل شاخه آلمانی آن) برافزایش جمعیت به عنوان عاملی درراه شکوفائی اقتصادی تأکید دارند؛ همین است نظرفیزیوکراتها که برزمین بعنوان ثروت اساسی در راه تأمین نیازهای انسان اشارت دارند.

- ژان ژاک روسو، را نیز باید از

طرفداران افزایش جمعیت دانست. او در اثرش قرارداد اجتماعی بزرگترین قحطی برای یک دولت را قحطی جمیعت می‌داند. باید افزود که روسو نه تنها به کمیت جمعیت، بلکه بر جهات کیفی آن تأکید بسیار دارد. همچنین، او افزایش جمعیت را با توجه به میزان «فضا» و همچنین امکانات لازم مطمح نظر قرار داده است. از این رو باید او را در حقیقت طرفدار افزایش جمعیت در حد مطلوب (optimum) دانست.

منتسکیو نیز بر جمعیت و فزونی آن تأکید داشته، در اثرش «روح القوانين» در همین مضمون می‌نویسد:

«یکی از علل سعادت ملل قدیم و تمدن عالی آنان، همانا کثرت نفوس آن ملل

- هر مکتب یا آئینی قرار می گیرد که بر ابعاد کیفی، ذهنی و نسبی پدیده های اجتماعی تکیه کنند و یا با شیوه هایی چون درون بینی (Intropathy) درون نگری (Introspection) و یا حتی مشاهده همراه با مشارکت بکار پژوهش پردازند. از آنچه گذشته، بخوبی برمی آید که این مکتب در دنباله اندیشه یکی از بنیانش اگوست کنت پدید آمده که در آغاز جامعه شناسی را فیزیک اجتماعی می خواند. معمولاً هر محقق جوان رانیز جاذب است که در برابر اندیشمندی چون دیلتای (Dilthey) که بر تمایز اساسی بین پدیده های روانی (یا انسانی - اجتماعی) و پدیده های طبیعی تأکید می ورزیدند، قرار گیرد. بالاخره این مکتب در مخالفت محض با تمامی آنانیست که بر کشف و شهود (Intuition) اتکاء نمایند.
- I - بنیانگذاران:
- این مکتب که از خوش بینی اندیشمندان قرون ۱۸ و ۱۹ در اثر پیروزیهای شگرف علوم طبیعی بر طبیعت منبعث گردید، با بنیانی بسیار داشت. هیوم، لاک، برکلی که بر مشاهده و تجربه تأکید می نمودند، همانند فرانسوی بیکن و بسیاری دیگر از اندیشمندان بدان توجه نموده، اصول اولیه آنرا پی ریزی نمودند.
- اگوست کنت، به عنوان یکی از مهمترین بنیان این مکتب خود این اندیشه را از کندرست (Condorcet) اخذ کرد. او که
- میزان مرگ و میر؛ در برابر کنترل پیشگیرانه (Preventive checks). (بدان ر. ک)
- Malthus ر. ک. صلح مثبت
- Positive peace در برابر صلح منفی (Negative peace)
- شرایطی را در مناسبات دو ملت یا دو گروه میرساند که نه تنها حاکی از عدم تعارض نهان و آشکار است، بلکه همکاری و همبستگی نیز همراه آنست.
- pacifism ر. ک. مناسک مثبت
- Positive rites اصطلاحیست از امیل دورکیم. بزعم وی مناسکی را میرساند که در جهت حراست از بقا و تجدید تعهد در برابر ارزشهای اجتماعی برگزار میشوند.
- Rites / Piacular rites , ر. ک. Negative rites
- مکتب اثباتی - اثبات گرایی Positivism
- I - با این اصطلاح، بطور کلی نظام، نظریه یا رویکرد (Approach) فلسفی مطرح میشود که بر اساس آن در علوم طبیعی و همچنین علوم اجتماعی و انسانی، تجربیات حسی و آمایش منطقی و ریاضی آنان منبع هر اطلاع یا آگاهی درست خواهند بود. پس، در برابر مکاتبی چون: پدیدار شناسی (Phenomenology)، پدیده گرایی (Phenomenalism)، مکتب تفهیمی (Comprehensive school) و بطور کلی

در آغاز جامعه‌شناسی را فیزیک اجتماعى مى‌خواند بر این عقیده بود که علوم انسانى باید بر پایه علوم طبیعى بنیان یافته به دقت آن علوم دست یابد. به نظر کنت امر مثبت داراى ه صفت است: واقعى بودن، قطعى بودن، سودمند بودن، دقیق بودن و اورگانی بودن.

پس از آگوست کنت، امیل دورکیم و همچنین داتزن هوفر (Ratzenhofer) بدان توجه نمودند.

از دیدراتزن هوفر عملهای اجتماعى تابع قوانین طبیعى هستند و پیش بینی و کنترل آنان باید هدف جامعه شناس باشد. کنت در شمارش حالات سه گانه یا سه مرحله در حرکت جوامع، مرحله نهائی را اثباتی مى‌خواند که در آن روح علمى غالب مى‌شود، پیش فرضها، خرافات در بر خورده با پدیده‌های اجتماعى بدور افکنده مى‌شوند و شناخت واقعیات از طریق مشاهده و تجربه صورت مى‌گیرد. از دیدگاه او که واضع این اصطلاح است، دو معنی بر آن متبادر است؛ یکى فلسفى و دیگر سیاسى دیدگاه فلسفى او ازین مفهوم، توسط هیل (J.S. Mill) چنین خلاصه مى‌شود: «ما دانشى در باب هیچ چیز جز پدیده‌ها نداریم. دانش مادر باب پدیده‌ها نیز نه مطلق بلکه نسبى است مانه کنه پدیده‌ها و نه چگونگی پیدایی واقعیات، بلکه تنها روابط آنانرا با یکدیگر از نظر تشابه یا توالی مى‌شناسیم. این روابط دائمی هستند یعنی در شرایط یکسان، بصورت یکسانی تجلی

مى‌یابند. تشابه دائمی که پدیده‌ها را با یکدیگر مرتبط مى‌سازد و مقاطعی که موجبات پیوند وقایع پیشین با پسین مى‌شود، قانون نامیده مى‌شوند. قوانین پدیده‌ها تنها چیزهائى هستند که در ارتباط با آنان مى‌شناسیم، درحالی‌که ماهیت اساسی اهداف غائی یا نهائى و مؤثر آنان را نمى‌شناسیم حتى غیر قابل واریى هستند.

(Auguste comte and positivism,

P, 6)

II- ویژگی‌های اساسی

از خلال اندیشه‌های بانیان، خط‌وسط اصلی این مکتب بدینقرار بدست مى‌آید:
- حقیقت و ایقان جز در علوم تجربی نیست و جز از طریق آنان بدست نمى‌آید.
- روحیه اثباتی بمعنای گستردن دانش دقیق اجتماعى بر پایه شیوه‌های دقیق و عینی علوم طبیعى است.

- در تبیین پدیده‌های اجتماعى - انسانى باید قبل از همه، اندیشه را از هر نوع تبیین غیر علمى، بر مبنای خرافات خالی کرد.

- اندیشه به حقیقت دست نمى‌یابد، مگر از طریق تجربه و کوشش در شناخت روابط ثابت بین پدیده‌ها.

III- مکتب اثباتی جدید

گذشته ازین، در نیم قرن اخیر، جریانهای فکری تازه‌ای منبث از مکتب اثباتی رواج

یافته‌اند که تحت عنوان مکتب اثباتی نو (Neopositivism) شناخته میشوند. جزئی از این مکتب را مکتب اثباتی منطق‌گرا (Logical positivism) می‌خوانند که توسط مجمع وین (متشکل از دانشمندانی چون برگمن G. Bergmann، فرانک R. Frank، فایگل H. Feigl، بسط یافت و این برگ (R. Weinberg) هدف از این کوشش‌های جدید را درچارچوب این مکتب چنین اعلام میدارد: هدف تعیین اساسی مطمئن برای دانش بود، با اتخاذ روشی مبتنی بر تحلیل منطقی تمامی مفاهیم و گزاره‌ها یا با در نظر گرفتن آئینهای اساسی این مکتب که بر پایه آنان، گزاره‌های اساسی تنها از استنتاج تجربی منبعث میشوند و این استنتاج با تحلیل منطقی نشان داده میشود.

(An examination of logical positivism, P: 1)

بر اساس اندیشه‌های منبعث از این مکتب، لاندبرگ (A. Landberg) و دود (S. Dodd) در صدد برآمدند تا هر نوع رفتار و عمل انسانها را با کار برد شیوه‌ها و ابزار ریاضی شناسائی نمایند.

مکتب اثباتی، از جهاتی بسیار مورد انتقاد قرار گرفت. برخی آنرا مرتبط با خوش بینی آنانی دانستند که تصور می نمودند در علوم انسانی هم میتوان همانند علوم طبیعی، به قوانین ثابت و دقیق دست یافت. لیکن،

اندیشه‌های صاحبان این مکتب، بعنوان گامی در راه تکوین علم انسان بکار آمد، موجبات پیدایی اندیشه‌های دیگری نیز گردید که علاوه بر بعد عینیت، بر ابعاد کیفی، ذهنی و حتی فوق تجربی پدیده‌های حیات اجتماعی تاکید نمودند.

ر. ک. Comte / Logical positivism / Phenomenology / Empiricism, Mechanicism / Experimentalism / Comprehensive school.

ممکن نگری-اصلاح خواهی Possibilism

بصورت (Possibilisme) نیز نوشته شده است. ۱) نظریه ایست که در آغاز توسط ویدال دلا بلاش (Vidal de la Blache) و فورد (Fevre) عنوان گردید. آنان معتقد بودند شرایط جغرافیایی و اقلیمی امکان «شدن» را فراهم میسازند، بدون آنکه عامل اصلی و یا منحصر بفرد در تکوین و حرکت يك فرهنگ باشند.

بدینسان، این مکتب در برابر جغرافیا

گرایی (Geographism) و یا پذیرش جبر جغرافیایی (Geographic determinism) قرار نمیگیرد. بر اساس آن از طرفی، فرهنگ پیچیده تر از آنست که تابع يك عامل باشد، از طرف دیگر عوامل غیر مادی نیز همپایه عوامل جغرافیایی بر آن اثر می نهند، لیک در هر زمان خاص و در هر شرایط ویژه اثر یکی از این عوامل می تواند بر دیگران پیشی گیرد.

- ۲) هنگامیکه در زمینه‌های سیاسى بکار میرود، اندیشه‌ای را می‌رساند طالب اصلاحاتى فوری و عملی بسى جمهورىخواهان اسپانیایی.
- Post** پس - پسین ، بعد
این پیشوند را در فارسی فرا نیز ترجمه کرده‌اند در برابر (Ante) بمعنای پیشین قرار می‌گیرد و بعضی از ترکیبات آن چنین‌اند :
- Post - classicism** بعد از کلاسیکها
- Post - date** پسین تاریخ
تاریخ غیر واقعی ، نادرست. هنگامیست که تاریخ يك واقعه را نه در زمان وقوع درست آن، بلکه زمانی بعد از تاریخ دقیق می‌گذارند. در برابر پیش تاریخ (Antedate)
- Posterior** پسین ، بعدی
در برابر پیشین (Anterior).
- Postindustrial society**
جامعه پس از صنعت
- Postindustrialism**
ویژگیهای جوامع فوق صنعتی
ویژگی جامعه‌ای است که بزعم پل (D.Bell) ، اتزیونی (A. Etzioni) گالبرايت (K.Galbraith) ، از مرحله صنایع پیشرفته گذشته است :
- دارای اقتصاد مبتنی بر دانش (Knowledge economy) است که در آن آموزش ارزشی بالادارد و کارگران تحصیلکرده (Knowledge workers) عنصر اصلی نیروی انسانی هستند :
- اخلاق برنامه‌ریزی ، شبکه‌ای از شرکت‌های بزرگ ، دستگاه اداری تابع کارشناسان (نه سیاستمداران) در آن بچشم می‌خورد .
- اغلب پیامبران و پیش‌گویان این جامعه به نزدیکی سرمایه‌داری و سوسیالیسم در آن دوران می‌اندیشند ؛ چه در هر دو ارزشهای تعمیم یافته جهانی رونق می‌یابد، فراوانی، فراغت گسترده و ثبات اجتماعى مطمح‌نظر قرار می‌گیرد .
- convergence Theory** و.ك.
Potential , Social
توان اجتماعى بالقوه
- Social potential** ر.ك.
Potential , Social, difference of
تمایز توان اجتماعى بالقوه
- Difference of Social potential** ر.ك.
Potlatch (Potlach) پتلاچ
I- مراسمی است در قبایلی بسیار نظیر سرخپوستان شمال غربی امریکا که در آن «هبه» یا بخشیدن هر چه بیشتر دارائی خویشان جهت احراز شخصیت هنجاری است مهم؛ همانطور که ستایش بیش از اندازه از خویشان رایج است .
- هنگامیکه نزاعی بین دو نفر یا دو گروه درمی‌گیرد، یکی از آنان می‌تواند جشنی بنام پوتلاچ برپا کند و با توزیع هر چه بیشتر مال خود، رقیب را سرافکنده و مقهور سازد.
- پتلاچ را می‌توان جهت حفظ آبرو نیز

بر گزار کرد. بدینمعنی، زمانی که فردی از جهتی شکست خورده و حرمتش خدشه یافته، با برپائی پتلاچ و اهداء هرچه بیشتر دارایی آبروی رفته را باز می‌سناند.

علاوه بر این، پتلاچ در شرایط گوناگون و با اهداف بسیار متنوع، نظیر مرگ، تولد، ازدواج، ارتقاء منزلت اجتماعی، ورود به گروه‌های خاص، نیز قابل برگزاری است. II- از این جهات اساسی که بگذریم، به جنبه‌هایی می‌رسیم که اتفاق نظر در مورد آنان در بین دانشمندان نیست:

۱- مسأله اول تعمیم پذیری این مفهوم است: آیا باید این واژه را فقط در مورد سرخپوستان شمال امریکا به کار برد یا اینکه مراسم مشابه در دیگر نقاط جهان را نیز می‌توان به این نام خواند؟ به عنوان مثال، مارسل موس (M. Mauss) بر این عقیده است که مراسم مشابهی را که در ملائزی و پاپوا معمولند، باید به این نام خواند، به‌زعم او «با این دید که باید آنرا تعمیمی خواند، بسیاری کوشیدند تا در جوامع جدید نیز آنگاه که اعطاء یا بخشش صرفاً جهت کسب منزلت است، به این نام خوانده شود.»

(Gift : Forms and Functions of exchange in archaic societies
P : 30)

۲- مسأله دوم در مورد ابعاد مبادله در پتلاچ است :

- برخی بر این اعتقادند که پوتلاچ در حقیقت نوعی وام با بهره است به‌عنوان مثال بوآس (F. Boas)، معتقد است که «این رسم اکثر مورد تشریح قرار گرفته است اما اکثر محقق آنرا بدرستی درک نکرده‌اند، اصل اساسی در آن سرمایه‌گذاری دارایی با ربح است.»

(The Social organization of and the Secret societies of the Kwa Kiutl Indians

, P : 341)

همین دیدگاه مورد قبول بندیکت (R. Benedict) و کدور (H. Codere) است. - برخی دیگر را عقیده بر این است که هدایای ارائه شده در جریان پوتلاچ، صرفاً هدیه‌اند بدون آنکه توقع بازگشتی وجود داشته باشد. کرتیس (E. S. Curtis) می‌نویسد: «پوتلاچ و قرض دادن دارایی با ربح، دو عمل متمایزند؛ آن دارایی که در پوتلاچ داده می‌شود، مجانی است، ربح ندارد، باز پس گرفتنی نیست، بازپرداخت نیز ندارد.»

(The Kwakiutl in his The North American Indian , Vol 10 , P : 143)

این تمایز ناشی از شیوه تحقیق، دیدگاه محقق و مناطق گوناگونی است که پوتلاچ در آن رایج است؛ باید گفت اساساً پوتلاچ

مبادله‌ای است بسیار ظریف، که در آن دادن کالایی مادی در برابر کسب ارزش معنوی صورت می‌پذیرد، بازگشتی الزامی بر آن مترتب نیست؛ در چارچوب محاسبات مادی و خردگرایانه نیز نمی‌گنجد. با کمی دقت نیز می‌توان شبه پوتلاچ را در اکثر موارد مخصوصاً در جوامع غیر صنعتی ملاحظه کرد.

ر. ک. Gift

فقر Poverty

از مسائل اساسی در جامعه‌شناسی، اقتصاد، حقوق و بطور کلی تمامی شعب دانش انسان است. برخی فقر را ناشی از تنبلی یا تن پروری دانستند و لذا، هر کوشش سطحی در راه امحاء فقر را عاملی در بسط تنبلی دانستند؛ از اینرو، بنتام (Bentham) به عنوان فیلسوف، چالمرز (Thomas Chalmers) به عنوان عالم الهیات و صاحب نظر اجتماعی چنین برداشت نمودند که بدین دلیل، امکان کاستن نابرابری‌ها در توزیع درآمد ملی نیست.

(*Dictionary of Sociology*,

Mitchell (ed), p. 136)

لیک چنین نیست و تمامی دانشمندان نیز بر این عقیده نیستند. چه، باید از جانبی پدیده فقر را در هر جامعه به صورتی تفاوتی (Differential) مطالعه کرد (زیرا هر جامعه علل خاصی در راه فقر پدید می‌آورد) و در ثانی، در یک جامعه نیز فقر تمامی انسانها از یک عامل منشأ نمی‌گیرد. گذشته از آنکه تن

آسانی نیز خود پدیده‌ای است ناشی از شرایط اجتماعی و چنانچه فردی بدان سبب به فقر دچار شود، درمانش باز باید از طریق جامعه حاصل آید. ر. ک. culture of poverty
Pauperization

خط فقر Poverty line

بدان آستانه فقر (poverty Threshold) نیز اطلاق می‌شود. مفهومی است از چارلز بوث (Charles Booth) او که یک کشتی‌دار موفق در انگلستان در قرن ۱۹ بود، بسال ۱۸۷۰ بر سر مباحثه‌ای تند با فدراسیون اجتماعی - مردمی، به تفحصی در باب فقر در انگلستان در سالهای ۱۸۸۰ پرداخت و نشان داد که بیش از یک چهارم مردم انگلستان در پایین خط فقر قرار دارند. تحقیقات بوث در باب فقر بارها در انگلستان تکرار شده است.

فقر مطلق Poverty, Absolute

ر. ک. Absolute poverty

Poverty, Culture of

فرهنگ فقر

ر. ک. Culture of poverty

فقر نسبی Poverty, Relative

ر. ک. Relative poverty

قدرت اجتماعی Power, Social

ر. ک. Social power

سرآمدان قدرت Power elite

مفهومی است از رایت میلز (C. Wright Mills) و گروهی محدود را

- جامعه امریکا دارند. این عقیده در برابر اندیشه‌هایی قرار می‌گیرد که جامعه امریکا را جامعه‌ای چندگرا (Pluralistic) و با پراکندگی قدرت (Power diffusion) می‌دانند.
- ر. ک. Pluralism / Iron law of oligarchy
- جنگ قدرت Power struggle
- نزاع متقابل صاحبان قدرت جهت امحاء دیگری و دستیابی به انحصار قدرت.
- Practical anthropology
- انسانشناسی عملی ر. ک. Anthropology
- فلسفه عملی Practical Philosophy
- جامعه شناسی عملی Practical sociology
- در برابر جامعه‌شناسی نظری (Theoretical sociology). به آن شاخه از جامعه‌شناسی اطلاق می‌شود که در آن حیات روزمره انسانها و مسایل خاص آن مورد توجه قرار می‌گیرد. ازین دیدگاه این رشته از جامعه‌شناسی بجای آنکه به کنجکاویهای بزرگ دانشمند پاسخ گوید، درصدد ارائه راه حل در راه بهبود زندگی برمی‌آید. با جامعه‌شناسی کاربردی (Applied sociology) مشتبه نشود (بدان ر. ک)
- Pragmatic utility
- فایده عملی - مطلوبیت در عمل
- مکتب اصالت عمل Pragmatism
- در این مکتب، تأکید بر جنبه عملی افکار و عقاید است. در آن، تنها دانشی حقیقی شناخته می‌شود که در عمل نتایج مطلوب ببار آورد. پس حقیقت مطلق بزعم صاحب نظران آن وجود ندارد. اندیشه ما در مورد هر چیز جز مجموعه‌ای از نتایج عملی که بدان منتسب می‌داریم، نیست، بانیان این مکتب جان دیوئی (J. Dewey) و ویلیام جیمز (W. James) اند. این مکتب با رفتارگرایی از جهتی و مکتب اصالت مطلوبیت از جهت دیگر نزدیک است.
- ر. ک. Behaviorism / utilitarianism
- عمل شناسی Praxeology
- از نظر لغوی به معنای شناخت عمل است و در اصطلاح، به معنای شناسایی قوانین عمل اجتماعی، به منظور تنسيق، هدایت و عقلانی ساختن آن. در آغاز (سال ۱۸۹۰) اسپیناس (Espinass) بدان اشارت کرد و پس از آن پادمنز (T. Parsons) به کالبد شناسی عمل اجتماعی دست زد.
- عمل‌رهای بخش Praxis
- از نظر لغوی به معنای کاربرد و اعمال در برابر نظریه است. مارکس این واژه را در معنای آنچه انسان به انجام می‌رساند در برابر آنچه در اندیشه‌اش می‌گذرد به کار برد. همچنین، در نظر او این مفهوم حرکت واقعی جامعه جهت گذشتن از تضادهای سرمایه‌داری با عمل‌رهای بخش انسانی را می‌رساند.
- بحران عاجل Precipitating crisis

بحرانی چنان سخت که موجبات
برانگیختن بی‌سازمانی اجتماعی یا اضمحلال
تعادل شخصیت را در افراد فراهم آورد و
حاکمی از لزوم اقدام جدی اجتماعی و یا فردی
و یا هر دو باشد. به عنوان مثال: ازدست دادن
شغل برای فردی که خود فاقد ثبات شخصیت
است و سخت آسیب پذیر.

Precursors of knowledge

پیشگامان دانش

Predestination

تقدیر

Fatalism

ر. ک.

Prediction

پیشگویی

Preferential mating

هم‌رغزینی ترجیحی

آن نظام که پیوند زناشویی بین دو انسان
با ویژگیهای خاص را تجویز نماید. نظیر
ازدواج پسرعمو و دخترعمو، همچنین سورو را
(Sororate) و لویـرا (Levirate) نیز
در این مقوله جای می‌گیرند. (به هر يك ر. ک.)

Prehistoric archaeology

باستانشناسی ماقبل تاریخ

Archaeology

ر. ک.

Prejudice

پیش داوری

I- در تعریف همه ابعاد عقاید خرافی،
نظر همگان یکسان نیست. جاهودا (M. Jahoda)
در فرهنگ علوم اجتماعی، بر جهات زشت و
منفی این نوع عقاید تکیه کرده می‌نویسد:
«خرافه به آن طرز تلقی نامطلوب و منفی نسبت

به يك گروه و یا اعضای آن اطلاق می‌شود».

(*Dictionary of Social*

Sciences, J. Gould, L. Kolb
(eds), P: 528)

در حالیکه دیگران، از جمله دودلند
(A. Woodland) خرافات را «عقایدی
می‌دانند که می‌تواند مطلوب یا نامطلوب باشد،
به عمل منتهی شود یا خیر. پس، خرافات
عبارت از آن طرز تلقی‌ها یا آمادگیهای
روانی است که در شخص آمادگی قبلی جهت
اندیشه، ادراک و یا احساس نسبت به گروه
دیگر یا اعضای آنرا فراهم می‌سازند»

(*Dictionary of Sociology*,

G. Duncan Mitchell (ed) P: 136).

با اینهمه، در مورد ویژگیهای اساسی
خرافات کمتر تفاوت رأی بین صاحب نظران
دانش اجتماعی دیده می‌شود:

— عقیده خرافی مبتنی بر واقعیت نیست:
بعقیده آلپورت (G.W Allport) زمانی
با خرافات یا عقاید خرافی مواجه هستیم که
طرز تلقی درباره يك قوم دیگر بر پایه تعمیمی
غلط و فاقد انعطاف حاصل شده باشد.

(*The Nature of Prejudice*,

P: 9)

— عقیده خرافی از طریق آزمون شخصی
به دست نیامده است.

— حتی بزرگ روانکاوان، «خرافات
نسبت داده شده به گروه دیگر باید دارای

نقشی غیر عقلانی برای شخص ابراز کننده نیز باشد» .

(N.W. Ackerman, M. Jahoda,

Antisemitism and Emotional

Disorder P. 4)

ازینرو، عقیده ابراز شده به نظر مکتب آید

Mac Iver گاه در جهت کاستن از احساس گناه گروه به کار می آید. به عنوان مثال وقتی گروهی را نجس خواندیم (آنچنانکه هنوز هم در هند میلیونها نفر جزو چنین گروهی بحساب می آیند) باید درصدد توجیه آن نیز برآئیم تا هم عقیده و رفتار ما در برابر دیگران موجه باشد هم آنکه خود راضی باشیم؛ پس این گروهها را عامل قحطی، آشوب، بیماری و بیکاری می خوانیم و به آنان ویژگیهای غیر واقعی منتسب می داریم .

— عقیده خرافی از دیدگاهی دیگر و در اکثر موارد ارضاء کننده خود مرکزی (Egocentrism)، اعضای يك گروه به صورتی غیر مستقیم است که در این مورد خاص به صورت قوم مرکز (Ethnocentrism) تجلی می نماید .

بدینسان، فرد بدون آنکه از خود مستقیماً تمجید نماید، گروه خویش را برتر می شناسد و گروهی دیگر را تحقیر می کند، یا از آن به صورتی غیر واقع یاد می نماید .

— عقیده خرافی خود استمرارنا برابریهای گروههای اجتماعی را موجب می گردد .

هنگامیکه تحرك اجتماعی تقلیل می یابد و یا به صفر می رسد، شبکه ای از عقاید خرافی علیه گروه محروم پدید می آید. این خرافات هم در توجیه نابرابری اجتماعی ضرورت می یابد، هم آرامش روانی صاحبان قدرت و امتیاز اجتماعی را سبب می گردد و هم آنکه به تداوم این نابرابریها در خلال تاریخ منجر می شود .

— خرافات موجبات هماهنگی بین عقاید، ارزشها، باورها و عمل را فراهم می سازد و این امر در انطباق با نظریه فستینجر (L. Festinger) است در مورد هماهنگی شناختی (Cognitive Consonance) که بر اساس آن هر انسان سعی در ایجاد حداقل هماهنگی بین محتوای گوناگون اندیشه دارد.

ر. ک. Superstition

پیش داوری طبقاتی Prejudice, class

ر. ک. Class prejudice

پیش داوری نژادی Prejudice, Race

ر. ک. Race prejudice

ماقبل کتابت Preliterate

ویژگی آن قوم، قبیله یا جمعی است که هنوز به خط و کتابت دست نیافته است.

Preliterate Culture

فرهنگ پیش از کتابت

فرهنگی که در آن خط و کتابت وجود ندارد و در عصری حیات می گذرانند که نشانهها یا نمادهای ابتدایی تامین کننده حداقل ارتباط

Presidentialism

رئیس جمهور محوری

همانطور که از نامش بر می آید، نظامی سیاسی است که در آن رئیس جمهور محور یا مدار حکومت بحساب می آید. در برابر نظامهائی چون پارلمان محوری، (Parliamentarism) حکومت وزراء (Cabinet government) قرار می گیرد.

- نظامی است بالنسبه متمرکز. در آن قدرت بطور مشروط و برای مدت زمانی معین (چهار سال در آمریکا) در اختیار رئیس جمهور قرار می گیرد تا بتواند در اسرع وقت تصمیم گیری کند؛ از منازعات گروهی بپرهیزد و قدرت اجرایی کارآئی لازم را احراز نماید.

- درین نظام، رئیس جمهور بطور مستقیم در برابر ملت مسئولیت دارد و پارلمان حق برکناری او را ندارد.

- قدرت رئیس جمهور توسط پارلمان تعدیل و در اکثر موارد مهار می شود.

- رئیس جمهور شخصا وزراء را برمیگزیند و آنان بطور مستقیم یا غیر مستقیم (در مواردی اندک) در مقابل او پاسخگو هستند.

- قدرتهای مجریه و مقننه و اجرائیه بطور روشن از یکدیگر تفکیک می شوند.

ر.ک: Parliamentarism. Cabinet government

فشار گروهی Pressure, Group

ر.ک: Group

بین انسانها هستند.

Premarital license

آزادی قبل از ازدواج

(۱) میزان آزادی جنسی قبل از انعقاد قرارداد ازدواج؛ نه تنها آزادی جنسی نسبی است و در هر جامعه و حتی مراحل خاص تطور يك جامعه تفاوت می یابد، بلکه میزان آن در مورد مرد و زن یکسان نیست و استانداردهای دو گانه در امر جنسی معمولا به نفع مرد تعبیه شده اند. (۲) در اصطلاح انسانشناسان، به آزادی وسیعی اطلاق می شود که در جوامع ابتدایی به افراد غیر مزدوج داده می شود.

ر.ک: Double standard in Sexuality

Premise صغری، کبری - مفروضات

این مفهوم در شیوة قیاس صوری (Syllogism) مطرح می شود و فرایند دستیابی به نتیجه را فراهم می سازد. وقتی می گوییم دیوار موش دارد، موش گوش دارد، پس دیوار گوش دارد، به قیاسی صوری و مغلوط دست زده ایم. با مفاهیم اصل موضوعه (Postulate) و اصل متعارف (Axiom) مشتبه نشود (بهر يك ر.ک)

ر.ک: Logic / Seduction / Syllogism

Prenuptial relations

روابط جنسی قبل از زناشویی

ر.ک: Premarital license

Pressure group	گروه فشار	یا Prospectivism یکسان نیست (به هر يك ر. ك)
Group	ر. ك .	
Pressure, Social	فشار اجتماعى	نوسانات قیمت Price fluctuations
Social pressure	ر. ك .	سیاست قیمت گذاری Price policy
Prestige	اعتبار اجتماعى ، شان	یا قیمتها در بازار و با عرضه و تقاضا تعیین می شود و یا آنکه با دخالت و یا نظارت دولت تثبیت یا معین می گردد؛ و یا آنکه انحصارهای کامل یا ناقص به دلخواه آنرا معین می دارند. سیاست قیمت گذاری پذیرش رویه یا اصل ناظر بر تعیین قیمتهاست .
Pretest	آزمون پیشین	کاهش بها Price reduction
آزمون وسیله یا ابزار پژوهش قبل از انجام بررسی نهایی (تکمیل چند پرسشنامه به عنوان نمونه به منظور آزمون آن و یا ... با مطالعه مقدماتی (Pilot study) مشتبه نشود. بدان ر. ك .		تثبیت قیمت Price stabilization
Prevailing wage	دستمزد رایج	تماس نخستین Primary contact
دستمزدی است که به اکثر مزدبگیران دارای شرایط مشخص ، تخصص و زمان کار معین ، پرداخت می شود. هدف غایی استاندارد شدن دستمزدهاست .		تماسی اجتماعى ، مستقیم . چهره به چهره شخصى و با ایجاد مناسبات نزدیک بین افراد. اولین تجربه چنین تماسهایی در خانواده حاصل می شود .
Preventive checks	کنترل پیشگیرانه	ر. ك . Sympathetic Contact
در بین طرفداران عقاید مالتوس، شیوه ای در جلو گیری از افزایش جمعیت است مبتنی بر کاهش میزان زاد و ولد، در برابر کنترل مثبت (Positive Checks) - بدان ر. ك .		آموزش ابتدایی Primary education
Malthus	ر. ك .	گروههای نخستین Primary groups
Prevision	پیش بینی	ر. ك . Group
از طرفی با پیشگویی (Prediction) از این نظر که هر پیش بینی به پیشگویی نمی انجامد ، تفاوت می یابد. از طرف دیگر با آینده نگری چه به صورت Futurism و		نخست آرمان Primary ideal
		هر آرمان که در يك فرهنگ به عنوان آرمانی اساسی برای آن فرهنگ قلمداد و شناخته شود و ارزشهای اساسی از آن منبعت گردند .
		روابط نخستین Primary relations
		روابطی طبیعی ، عاطفی و دوارا قیود

- ر. ك. Communism
 انسان ابتدایی Primitive man
 (۱) انسانی متعلق به جامعه باستانی و فاقد تاریخ، خط و کتابت. (۲) هـر انسان متعلق به جامعه‌ای که فعلاً نیز موجود است و ليک فاقد خط و کتابت است و با ابزار ساده و اولیه حیات می‌گذراند.
- ر. ك. Primitive nomadism
 چادر نشینی ابتدایی
 شیوة زندگی که در آن گروهي بالنسبه اندك محل اقامت خود را همزمان با دگرگونی جوی و درجهت بقاء تغییر دهد.
- ر. ك. Seasonal nomadism ,
 Nomadism / Transhumance
 جوامع ابتدایی Primitive societies
 I- در اصطلاح، به جوامعی غیر صنعتی، با اقتصاد معیشتی (Subsistence economy) و ابزار ساده و اولیه اطلاق می‌شود. بسیاری از محققان غربی یا غرب زده، با تحمیل قالبهای فکری خود، این جوامع را با نام «وحشی»، غیر متمدن و حتی «پست» نامیده‌اند.
- II- چنین برخوردهایی با مردم دیگر، آغازی نادرست در کار تحقیق است. چه، يك جامعه به اصطلاح ابتدایی، نه وحشی، نه بی فرهنگ و نه فاقد تاریخ است (کلود لوی استروس). علاوه بر این، جامعه ابتدایی ساده نیز نیست (اسمیتز G. Smets). ازینرو بزعم آلن بیرو (Alain Birou)، جوامع ابتدایی،
- ناشی از نیازهای مادی و مقررات. بدین معنی روابط نخستین، روابطی ساده و غیر صنعتی است.
- بخش نخست Primary sector
 شامل کشاورزی، معادن و جنگلبانی است. در برابر بخشهای دوم و سوم که شامل صنایع و خدماتند.
- ر. ك. Tertiary sector ,
 Secondary sector
 نخستی Primate
 نخستی شناس Primatologist
 نخستی شناسی Primatology
 شناسایی منشأ، ساخت و تطور رفتار و نخستین هاست. در آغاز این مبحث صرفاً در قلمرو دانشهای طبیعی بود، ليك، با توجه به تشابه این موجودات با انسان، بعضی کوشیدند تا با مطالعه آزمایشگاهی آنان رفتار طبیعی انسان را از رفتار آموخته منفک سازند.
- ر. ك. Anthropology
 Primitive Communism
 کمونیسم اولیه
 نظامی فاقد مالکیت خصوصی در جوامع کوچک قبل از خط و کتابت و دور از قشر بندی اجتماعی. این نظام با آنچه هادکس برای جوامع بزرگ و صنعتی پیش بینی می‌کرد ازینرو متفاوت است که در قبایل و در شرایط شکار و جمع آوری خوراك پدید آمد. در این شرایط ارزش اضافی وجود نداشت.

جوامعى هستند با حجم محدود ، تراکم کم ، برخورددار از فنون ابتدایى ، در ارتباط با نیازهاى اندک و کم تنوع. ساخت اجتماعى آنان همگن تر و با افتراقى کمتر از مردم متمدن است. (آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعى ص ۲۹۵)

رجحان فرزند اول Primogeniture

در فرهنگ‌های مختلف معمولاً فرزند اول بودن موجبات اسنادشان ، امتیازات و همچنین تکالیف خاص را فراهم می‌سازد. این شأن و امتیازات در مواردی با پسر بودن فرزند اول مرتبط است و در مواردی دیگر، پسر بودن موجب تحکیم آنان است

ultimogeniture ر. ک.

Principle , Compensatory

اصل جبرانی

Compensatory principle ر. ک.

Principle of Causation اصل علیت

Principle of maximum utility

اصل حداکثر مطلوبیت

Utilitarianism ر. ک.

Principle of struggle for

survival اصل تنازع بقاء

Darwinism ر. ک.

Principle of unity اصل وحدت

Principles , universal اصول جهانی

Universal principles ر. ک.

Prison Community اجتماع زندان

ساخت مناسبات و فرایندهای اجتماعى زندان . روابط زندانى با زندانى، مسؤولین زندان با زندانیان، نقش شایعات در زندان ، عادات ، آداب و تشریفات زندان و بطور کلی جریان حیات در زندان .

Prisonization پذیرش فرهنگ زندان

تحت تأثیر خرده فرهنگ زندان قرار گرفتن .

Private ownership مالکیت خصوصی

Ownership ر. ک.

Private sector بخش خصوصی

Probabilism احتمال‌گرایی

در برابر جبرگرایی و یا کوشش در بازایی روابط علی قاطع در پژوهش‌های انسانی - اجتماعى .

Tendentious regularity ر. ک.

Probabilistic explanation

تبیین مبتنى بر احتمالات

شیوه‌ای است در کوشش‌های علمى به منظور شناخت علی پدیده‌ها. در تبیین مبتنى بر احتمالات رابطه عنى دو پدیده به صورتى قاطع به دست نمى‌آید، ليک‌مى‌توان با حدودى از احتمال (گاه بیش از ۹۰ درصد) پیدایی پدیده‌ای را تابع عاملی خاص دانست.

Explanation / Scientific ر. ک.

explanation / sociological

explanation Causality

Probability sample نمونه احتمالى

- بیشتر از مخارج اضافی بر آن می گذارند.
 تصور خریداران مبنی بر اینکه این کالا بهتر
 است و از نظر اجتماعی شأن بالاتری برای
 آنان فراهم می سازد، عاملی در راه پیدایی
 این ارزش افزوده است.
- Production Coefficient**
 ضریب تولید
- Production, Factors of**
 عوامل تولید
- Factors of production** ر. ک.
 کالاهای تولیدی
 اشیاء، وسایل و کالاهای مادی که در
 تولید ثروت و خدمات اقتصادی به کار می آیند.
 کالاهای مولد هم از نظر ماهیت و هم از نظر
 نوع کاربرد با کالاهای مصرفی تمایز دارند.
- Capital** ر. ک.
- Productive forces** نیروهای مولد
 در برابر نیروی غیر مولد
 (Unproductive forces) که بزعم بسیاری
 از سوسیالیستها، مخصوصاً بوخارین
 (Boukharine) شامل گروههایی چون
 واسطه ها و یا سربارها و بیکارده ها
 (Lumpen-proletariat) است. با عوامل
 تولید یکسان نیست. همچنین با جمعیت فعال
 مشبه نشود.
- Lumpen - proletariat** ر. ک.
- Factors of production**
Productivity (Rate of)
 میزان بهره وری
- Sampling** ر. ک.
- Probability, Statistical**
 احتمال آماری
- Statistical probability** ر. ک.
- Probability of survival**
 احتمال بقا
- Life expectancy** ر. ک.
- Problem, Behavior**
 رفتار مسأله انگیز
- Behavior problem** ر. ک.
- Problem, Social** مسأله اجتماعی
- Social problem** ر. ک.
- Problems, Sociological**
 مسائل جامعه شناختی
- Sociological problems** ر. ک.
- Process, Social** فرایند اجتماعی
- Social process** ر. ک.
- Procreation, Family of**
 خانواده فرزند زایی
- Family** ر. ک.
- Product, Collective** فراورده جمعی
- Collective product** ر. ک.
- Product differentiation**
 ایجاد تمایز در کالا
- سازندگان کالاها با ایجاد تمایز در بین
 آنان، به نوعی ارزش افزوده دست می یابند.
 بدینسان که با ارائه همان کالا یک با کمی
 تجهیزات لوکس و نامی دیگر بهایی بسیار

رابطه بین ارزش کالا یا خدمت حاصل شده و هزینه (انسانی - کالایی، زمانی) عواملی که در تولید آن به کار آمده اند. در این حال، مجموعه عوامل تولید واده (Input) و نتایج بدست آمده بازده (Output) خوانده می شود.

Productivity, Types of

انواع بهره وری	
بهره وری سرمایه	Capital productivity
بهره وری کلی	Global ~
بهره وری ناخالص	Gross ~
بهره وری نیروی کار	Labor ~
بهره وری خالص	Net ~
حرفه	Profession

با مفهوم شغل و همچنین رسالت (Vocation) اشتباه نشود. به هر يك از این مفاهیم د. ك.

Professional crime جنایت حرفه ای

به اعمال جنایی اطلاق میشود که پیچیده اند و مستلزم مهارت، دقت و سازمان خاص.

Professional criminal

مجرم حرفه ای

مجرمی که ۱) اطلاعاتی وسیع و پیچیده از جنایت دارد ۲) جنایت را به صورت حرفه ای مشخص برای خود درآورده است.

Professionalization

حرفه گردی - حرفه سازی - تعالی شغلی به فرایندی اطلاق می شود که يك شغل را

تبدیل به حرفه می نماید. يك حرفه مستلزم برخورداری از انجمنها یا گروههای حرفه ای (که به افراد هویت می بخشد)، مهارت در سطح مطلوب، دقت در کار، تعهد در برابر مشتری، سلسله قوانین رفتاری و ... می باشد.

Professional organization

سازمان حرفه ای	
سود	Profit
سودآور	Profitable
سود جو	Profiteer
ترقی	Progress

از ریشه لاتینی Progressus به معنای توسعه و حرکت به جلو گرفته شده است. این مفهوم سرشار از بار عاطفی و ارزشی است و بعد از دیگر گونیه های فنی در قرن ۱۸ در فرهنگ علوم اجتماعی رایج شده است. در سال ۱۷۹۲ کندر سه (condorcet) اثرش را با نام «طرح يك جدول تاریخی از ترقیات فکر انسان» پسندید آورد. پس از او داروین (Darwin) و لامارک (Lamarck) ترقی را در تکامل موجودات زنده جستند. لاپلاس (Laplace) تکامل جهان را از آغاز پیدایی می جست و بعدها، رشته ای خاص در جامعه شناسی با نام جامعه شناسی ترقی پدید آمد که در برابر جامعه شناسی نظم قرار می گرفت. از جمله بانیان جامعه شناسی ترقی را باید منتسکیو، کندر سه و سپس پرودن و هارکس دانست. آگوست کنت در جستجوی ارائه برآیندی از

این دو جهت برآمد. درحالیکه در اثرش سیاست
الهیاتی بر اندیشه نظم تکیه داشت، در اثر دیگرش
دسپاهی از فلسفه الهیاتی بر اندیشه ترقی
تأکید نمود.

باید توجه داشت که نظر به بعد ارزشی
این مفهوم، آنچه برای يك دانشمند ترقی
بحساب می آید، می تواند برای دیگری واگشت
یا سقوط تلقی شود؛

Progressivism ر. ک.

Progreess , Social ترقی اجتماعی

Social progress ر. ک.

Progression پیشروی

در برابر واگشت یا پس روی
(Retrogression)

- پیشرو - هواخواه دگرگونی -
ترقی خواه - تصاعدی Progressive . به
صورت اسم، فرد معتقد به ایجاد دگرگونی را
می رساند؛ در برابر سنت پرست، محافظه کار
و تغییر گریز . ۲- بعنوان صفت، متعالی و
شکوفه را می رساند ۳- در اقتصاد معنای
تصاعدی دارد (مالیاتهای تصاعدی)

Progressive movement

نهضت - حرکت پیشرو

Progressivism ترقی خواهی

مجموعه ای از باورها و عقاید که خواهان
دگرگونی در سیاست، اقتصاد و ... هستند .
در این نظام فکری اعتقاد به ترقی وجود دارد،
پس هراس از تغییر در آن نیست؛ در برابر

نظامهای چون محافظه کاری
(Conservatism) گرایش به ارتجاع
(Reactionism)، سنت گرایشی
(Traditionalism)، همسوایی
(Conformism) و همچنین نوپزازی
(Misonicism) قرار می گیرد (به هر يك از این
مفاهیم . ر. ک)

Prohibit (to) منع کردن

Prohibited منع شده

Prohibition

منع - نهی، تنازع فرهنگی بین گروهی

- ازدیدگاه حقوقی، قانونی است که
تهیه، فروش و استفاده از مشروبات الکلی را
منع نماید.

- ازدیدگاه جامعه شناسی، به معنای
کشمکش فرهنگی، یا سلسله ای از تنازعات
بین گروههای شهری و روستایی، کارگران
بومی و تازه وارد ... است.

Prohibitionist طرفدار منع مسکرات

Prohibitive laws قوانین منع کننده

قوانینی که بر ترك فعل تأکید دارند. در
برابر قوانینی که انجام فعل را ضروری سازند.

Projection پراش بینی

I- در جمعیت شناسی، ارائه تصویری
از يك جمعیت در سالهای بعد را می رساند .
در روانشناسی اجتماعی، اسناد ویژ گیها،
اوصاف یا خواستها، عقاید و اندیشه های خود
بدیگران است، بدین قرار فرد در اکثر موارد بطور

Complementary projection

فرا فکنى تکمیلی

آنچه بدیگری منتسب می‌دارد، خود دارانیست، ليك، این انتساب را برای توجیه عمل خود ضرور می‌بیند. به عنوان مثال. يك فرد ترسو باید جهاتی ترس برانگیز بدیگری منتسب دارد تا ترس خود را از او توجیه نماید. این فرایند را منطقه‌ی یا عقلانسی سازی (Rationalization) نیز گویند.

III- کاربرد این مفهوم در تحلیل

فرایندهای مرتبط با کنش متقابل و ارتباطات صورت می‌پذیرد. در این مبحث، انگیزه‌ها یا ویژگیهای اسناد یافته بدیگری لزوماً بد یا حتی نا مطلوب نیز نیستند؛ بازحتی همواره در جهت کاهش تنش روانی نیز صورت نمی‌گیرند. بلکه فرد در وضعی مشخص در برابر دیگری قرار می‌گیرد و سعی در انطباق با آن و اجتناب از شکست بعمل می‌آورد. در واقع، زمانی که فرد در گردونه ارتباطی قرار می‌گیرد، سعی در پیش‌بینی واکنشهای طرف مقابل خواهد نمود. ازینرو، با تعمق درباره او به اسناد اوصافی چند بدو اقدام می‌نماید. بنا بر این به نظر یانگ، فرا فکنی را باید همچون پاسخی قبل از بروز عمل از جانب طرف مقابل تلقی نمود.

(K. young, Personality and problems of Adjustment ,

PP : 118-119)

نا آگاه محتوای ذهنی خود را از آن دیگری یا دیگران می‌داند.

II- این مفهوم در آغاز در روانکاوی

به کار رفت. در این دانش فرا فکنی به عنوان

نوعی مکانیسم دفاعی (Defense mechanism)

مطرح می‌شود. آنچه بدیگری نسبت داده می‌شود، اغلب نامطلوب است؛ آرزوها و کششهای هیجانی غیر قابل پذیرش که در صورت قبول آنان در خود، شخص خود دچار ناراحتی می‌شود، بدیگران منتسب می‌شوند.

از این روزه، می‌توان بسیاری از پدیده‌های اجتماعی را نیز تبیین کرد. بعنوان مثال، آنچه برای خود عیب می‌دانیم، به گروه ضعیف‌تر یا مزاحم منتسب می‌داریم. در بسیاری از موارد، آن گروه اجتماعی که از قبل باری سنگین از خرافات راعلیه خود بدوش می‌کشد، آماج فرا فکنی است. آلپودت از این دیدگاه، سه نوع فرا فکنی را از یکدیگر متمایز می‌سازد:

Direct projection مستقیم فرا فکنی

ویژگیها، اوصاف و انگیزه‌هایی که بدیگری منتسب می‌شوند؛ بهیچ دوی از آن وی نیستند و بطور عینی نیز در او دیده نمی‌شوند.

Mote - beam Projection

فرا فکنی اغراق آمیز

آنچه بدیگری (فرد یا گروه) نسبت داده می‌شود، تا حدودی در او دیده می‌شود وليك در جریان فرا فکنی آن حالت یا صفت تبلور و برجستگی یافته است.

Defense mechanism / ر.ك .	Lumpen - proletariat , ر.ك .
Empathy / Repression /	Proletariat
Rationalization / Introjection ,	Proletarian class طبقه رنجبر
Prejudice	Proletarian ideology
Projective techniques	ایده اولژی رنجبران، آرمان و مرام رنجبران
فنون فرافکنی	رنجبران Proletariat
در اصطلاح به شیوه‌های آزمونی خاصی اطلاق می‌شود که به منظور شناخت شخصیت افراد یا احتمالاً بیماریهای شخصیت به کار می‌رود؛ ازینرو مفهوم فنون بجای آزمون به کار رفته است که از آن بیشتر آزمون‌های کلامی استنباط می‌شود، بسا اینهمه، بعضی هنوز هم بجای فنون واژه آزمون را به کار می‌برند.	I - دارای ریشه‌ای تاریخی است. در رم باستان، proletarius شهروندی بود بسیار فقیر و متعلق به پائین‌ترین گروههای اجتماعی، او جز با احتساب فرزنداناش بحساب نمی‌آمد.
در این شیوه‌ها، تصاویر یا صحنه‌هایی را به افراد نشان می‌دهند و از آنان می‌خواهند تا در مورد آنان داستانی نقل نمایند یا اولین اندیشه خود را با دیدن آن بیان دارند. (آزمونهای دودرشاخ) پایه نظری در این شیوه‌ها این است که فرد با بیان داستانی در مورد تصویر یا صحنه به طور ناآگاه مشکلات روانی خود را برون می‌ریزد (فرافکندن)؛ لیک باید توجه داشت که تنها با نمره گذاری سطحی نمی‌توان بیماری شخصیت را تمیز داد؛ نتایج اصل باید مورد تحلیل و حتی تأویل (Interpretation) قرار گیرند.	۲- در اروپا، تا قرن نوزدهم، این کلمه معنای چندان دقیقی نداشت، بسا آن طبقه‌ای پست مطرح می‌گردید که مشخصه آن را تنبلی، نادانسی، فقر و جنایت، تشکیل می‌داد. سیسموندی (Sismondi) در اثرش «اقتصاد سیاسی» در تعریف رنجبران می‌نویسد: «رنجبران کسانی هستند که هیچ سهمی از ثروت ندارند، هیچ نوع تأمینی نیز در حیاتشان وجود ندارد، نه گذشته‌ای دارند و نه آینده‌ای آن آنان است» (به نقل از فرهنگ علسوم اجتماعی، از آلن بیرو، برگردان باقر ساروخانی، ص ۳۰۴)
Projection ر.ك .	II - امروزه در تعبیر جامعه شناسی، با توجه به ایده اولژی جامعه شناسان، این مفهوم به صورت‌هایی بالنسبه متفاوت به کار می‌رود و لیک از محتوای آن بطور کلی چنین ویژگی‌هایی مستفاد می‌شود:
Proletarian مربوط به رنجبران	(۱) - حائز آگاهی از هستی خود به عنوان يك قشر اجتماعی هستند (۲) توان حرکت یا

برانگیختن آشوبهای اجتماعی یا تهدید در جهت تامین منافع خویشان را دارا هستند .
 (۳) به ظاهر آزادند، اما ، نه برابر کارشان تسلط دارند و نه آنکه سلطه‌ای بر کالاهایی دارند که به‌دستشان تولید می‌شود . (۴) فاقد هر نوع تامین در برابر بیماریها هستند ، همچنانکه از تامین شغلی نیز بهره‌مند نیستند .
 (۵) تنها سرمایه آنان نیروی کارشان است که آنرا نیز در بازار به‌بهایی که معمولاً، غولهای سرمایه تعیین می‌کنند، بفروش می‌گذارند.

Proletariat , Dictatorship of
 دیکتاتوری رنجبران

ر. ک . Dictatorship of proletariat

Proletariat , Lumpen

بیکاره‌ها، سرباران، معرومین از حقوق اجتماعی

ر. ک . Lumpen – proletariat

Promethean مربوط به پرومتوس

از پرومتوس (Prometheus). پرومتوس در اسطوره‌های یونان نیمه خدایی بود که انسان را از کلوخه و سنگ آفرید، آتش را از اولیمپوس (olympus) دزدید و به انسان کاربرد آن و دیگر هنرها را آموخت، پس از آن دچار خشم خدای خدایان یعنی زئوس (zeus) قرار گرفت، در کوههای قفقاز به بند کشیده شد و دچار رنج ابدی گردید.

درهمه آثار بزرگ، پرومتوس نماد رنج ابدی موجودی است که چراغ راه دیگران گردد، حیات آنان را نجات بخشد، به‌دستگیری

آنان کمک رساند و سپس خود قربانی آنان شود و به رنج جاودانی دچار شود .

بدینسان ، پرومتوس ، نمونه عالی ایثار

(Abnegation) دیگرخواهی (Altruism)

است و در رده بندی مفاهیم در برابر واژگانی چون خود مرکزی ، خود پرستی و خود - خواهی قرار می‌گیرد .

Promiscuity - هرج و مرج جنسی -

بهم‌ریختگی - بی‌قاعده‌گی جنسی در جامعه اولیه

از ریشه Mixtum به معنای بهم آمیختن گرفته شده است (۱) شرایطی را می‌رساند که در آن رابطه جنسی بین انسانها تابع هیچ قاعده‌ای نیست ، مراسمی نیز بر آن مترتب نیست ، همانطور که محدودیتی نیز در آن به چشم نمی‌خورد و در نهایت هیچ مسئولیتی نیز در باب نتایج ناشی از آن برعهده هیچک از طرفین نمی‌باشد. (۲) چنین وضعی را در روابط انسانهای اولیه می‌رساند (۳) هر نوع بهم ریختگی و اغتشاش از آن برمی‌آید. برخی از پژوهشگران خانواده، بسیاری از پدیده‌های زوجیت را بدین نام می‌خوانند و حال آنکه چنین نیست .

الف - در مرحله اول، باید بین فحشای مبتنی بر میهمان نوازی (prostitution)

(Hospitality) و در هم آمیختگی جنسی تمیز قائل شد. چه، در شرایط درهم آمیختگی جنسی اساساً ازدواجی وجود ندارد، در حالی که در این نوع روابط، ازدواج

هست لیکن شوهر

به دلیل میهمان نوازی محض یا دریافتهای مالی
همسر خود را در اختیار میهمان می گذارد
(رسمی که در بین اسکیموها مشاهده گردیده
است).

ب - باید بین ازدواج موقت که در آن
نه میراث (نه حضانت دیده می شود و درهم
آمیختگی تمیز قائل شد. چه، این نوع
ازدواج هر چند موقت تابع قواعد و
محدودیت هایی است که درهم آمیختگی فاقد
آن است.

ج - باید بین رسم زفاف دیگری که
بر حسب آن شخص دیگری (بجز شوهر) حق
برخورداری از زفاف را داراست و درهم
آمیختگی جنسی تمیز قائل شد. برخی چون
ولتر (Voltaire) معتقد بودند که در برخی
نقاط چون جنوب فرانسه و اسپانیا، ارباب
حق تمتع از زفاف را بخود اختصاص می داد
هر چند که این امر مورد قبول همگان نیز نیست
د - نباید سورورا (Sororate) و یا

لویرا (Levirate) را به عنوان رسمی باقی
مانده از درهم آمیختگی جنسی دانست.
همچنین رسم مبادله زنان که در بین اسکیموها
ملاحظه شده است نیز درهم آمیختگی جنسی
نیست، چه بازمبندی بر زوجیت دائم یا موقت
و قواعد خاص آن است.

ه - همچنین پذیرش روابط جنسی قبل از
زوجیت (Prenuptial intercourse) با
درهم آمیختگی جنسی مترادف نیست. چه،

روابط قبل از ازدواج نه به معنای امحاء
زوجیت بلکه در اکثر موارد، آمادگی برای
استقرار روابط پایای زناشویی است.

از نظر وسعت محدوده جغرافیایی و هم
گسترگی در پهنه زمان، هرج و مرج جنسی،
دورانی بسیار کوتاه و جوامعی کوچک را در
برمی گیرد و تصور اینکه مردم ابتدایی به
تنظیم روابط جنسی بی اعتنا بوده اند، نادرست
است. کراولی (E. Crawley) در اثرش
«گل سرخ عرفانی» درهمین معنا می نویسد:
«رعایت اخلاق جنسی در جوامع ابتدایی
اعجاب انگیز است».

(F. K. Gunther: *Le Mariage, ses formes, son Origine* - P. 86)

توده بهم ریخته Promiscuous mass

کشتار جمعی Promiscuous massacre

کشتار جمعی کثیر از انسانها بدون آنکه
مقصد از بی گناه تمایز یابد.

تبلیغ Propaganda

از ریشه ای در لاتین به معنای پخش
کردن و شناساندن اخذ گردیده و در اصطلاح
فنون و روشهای تأثیر گذاری و کنترل طرز
تلقی ها، عقاید و رفتار انسانها را از طریق
کاربرد کلمات و نمادهایی چند می رساند.
امروزه این واژه در معنای تحت تأثیر قرار دادن
دیگران و جلب آنان به هدفی، حزبی و مرامی
خاص به کار می رود؛ تبلیغ باید در نهایت به
جلب افکار عمومی (Public opinion)
بی انجامد

بنیان آن بر تلقین و درمواردی درست نمایاندن هدف، اندیشه یا هر طرز تلقی است. ددین کودت (J. Driencourt) تبلیغ را چنین تعریف می کند:

«تبلیغ به عنوان صفت شاخص تمدن معاصر شیوه ای است علمی که در آن از طریق عمل مداوم و کاربرد عقلانی و منظم وسایلی خاص (نظیر وسایل ارتباط جمعی) در صدد جلب توده ها بسوی اندیشه ای یا آیینی، برمی آیند و می کوشند تا آنان را به آن هدف متعهد سازند». (فرهنگ علوم اجتماعی، از آلن بیرو، ص ۳۰۶).

II- در تبلیغ ابعادی است بدین قرار: اشکال یا حامل ها (Vehicle) نظیر، نمایش، گفتار، تصویر و ...

— وسایل یا ابزار (Instruments) ابزار مادی نظیر، رادیو، تلویزیون و ... و نیروهای انسانی، نظیر تظاهرات، سخنرانیها اجتماعات و یا ...

— مضمون ها و محتوا — مضمون ها و محتوا (Contents and themes) نظیر شعارها، اخبار، کاربرد نمادها، اندیشه های موکد و ... — هدفها: جلب حمایت، ایجاد انقیاد، کوشش در بسیج دیگران یا ...

دوما ناخ (J.M. Domenach) در مورد کار مبلغ چند قاعده را بدینسان مطرح ساخته است:

— سادگی: چنانچه در اندیشه کار آیی

(Efficiency) و تاثیر سریع تبلیغ باشیم، باید بیانات، شعارها، همگی هر چه ساده تر طرح ریزی شوند.

— اغراق و بزرگ سازی.

باید نه در صدد بیان دقیق عین واقع، بلکه بزرگتر کردن و متبلور ساختن آن بر آیم — صحنه سازی:

باید بر تنظیم ابزار تبلیغ، تاکید مستمر بر مضمونهای اساسی، انطباق استدلالها با سطح دریافت مردم، تاکید ورزیم.

— برانگیختن:

باید تحریک احساسات، بهره گیری از معتقدات قبلی و تحریک آنان، آنچنانکه با تبلور ابعاد عاطفی اندیشه القایی بعد حرکتی یا بد مطمح نظر قرار گیرند.

— تمهید سرایت روانی.

با استفاده از قواعد شناخته جریان اندیشه و احساس در جمع و سرایت افکار از فردی به فرد دیگر باید در صدد جمعی ساختن هدف مورد نظر و تبدیل تظاهرات جمعی به قدرت نمایی سیاسی برآمد (همان: ص ۳۰۷)

III- بدینسان تبلیغ در برابر دیگر وسایل چون تهدید، تطمیع و ... قرار می گیرد و با عمق وجود انسان سروکار دارد. ازینروست که به نظر لاسول (H. D. Lasswell) «تبلیغ در گسترده ترین معانی آن فن تاثیر گذاری بر عمل انسانی است از طریق دست کاری و تغییر مظاهر فکری»

(*Propaganda, in A. Seligman (ed), the encyclopedia of the social sciences* P. 521)

از بنر و تبلیغ به نظر بعضی همواره شرایطی
حاکمی از تنازع را می‌رساند و لاهیر
(R. S. Lambert) در این اندیشه تا آنجا
پیش می‌رود که تبلیغ را به عنوان ابزاری در
کشمکش یا جنگ می‌داند. بزعم او تبلیغ در
کشمکش‌های اقتصادی، جسمانی و حتی فکری
و عقیدتی به کار می‌رود.

(*Propaganda*, P. 18)

در همین سیاق تردمن (D.B. Truman)
تبلیغ را «عبارت از هر کوششی می‌داند از
طریق دستکاری در کلمات و یا جایگزینی
آنان جهت کنترل طرز تلقی‌ها و بالنتیجه رفتار
شماری از افراد در مورد موضوع مورد بحث
و اختلاف نظر»

(*The government process*,
P. 223)

IV- تبلیغ خوب است یا بد. بسیاری
درصد ارزش گذاری بر تبلیغ برآمده‌اند. به
عنوان مثال آیردن (F. C. Iron) تبلیغ را
کوششی یک جانبه می‌داند که هدف از آن
ارائه اطلاعاتی است معمولاً با روشی پنهانی
و پوشیده که مبلغ می‌داند دست کم جزئی از
آن مغالطه آمیز است.

(*Public opinion and
propaganda*, P. 9)

در تبلیغ فرد نه بیطرف که دارای غرض
خاصی است؛ هدفش نه ارائه اطلاع درست،
بلکه تاثیر برد دیگری است، بنا بر این با تحریف
وقایع و تحمیق و حتی مسخ انسانها سروکار
دارد.

ر. ک. Publicity / Public opinion
Mass communication / Subliminal
advertising

نفرا اجتماعی Propagation, Social
Social propagation ر. ک.

تمایل، میل Propensity

مفهومی است رایج در روانشناسی
اجتماعی و اقتصاد؛ از دیدگاه روانی ابعاد
تشکل میل، نظیر نوع، شدت، کارایی محرکات
(Stimuli) یا انگیزش (Motivation)
مطرح‌اند؛ در اقتصاد، سنجش گرایشها و
پیش بینی بازار با آن تحقق می‌پذیرد.

Propensity to consume

تمایل به مصرف

با فرمول زیر بدست می‌آید:

$$P = \frac{y}{c}$$

که در آن P = تمایل، c = مصرف و
 y = درآمد.

تمایل احتکار Propensity to hoard
Thesaurization ر. ک.

Propensity to save

تمایل به پس انداز

با فرمول زیر احتساب می شود :

$$P \cdot S = \frac{y - c}{y}$$

که در آن $P \cdot S$ = تمایل به پس انداز.
 c = مصرف ، y = درآمد .

Property ملك ، ویژگی

۱- از يك سوبه معنای حق انسان یا سازمانی است بر کالاهای اقتصادی (منقول یا غیر منقول) ۲- از سوی دیگر به معنای اموال یا کالاهای اقتصادی موضوع مالکیت است . ۳- از جهت سوم به معنای ویژگیهای خاص يك مجموعه یا يك واحد است (بصورت جمع)
 ر. ک . Possession / ownership

Property , Community

دارایی مشترك زوجین

Community property ر. ک .

Property duties وظایف مالکیت

تکالیفی که در برابر حق مالکیت بر عهده مالک قرار می گیرد . (پرداخت مالیات ، رعایت موازین بهداشت عمومی و ...)

Property tax مالیات بردارایی

با مالیات بر ثروت Wealth tax و یا مالیات بر سرمایه capital levy اشتباه نشود .

Prophecy پیشگویی - پیامبری

Prophecy پیامبرگونهگی

Prophylaxis , Social

پیشگیری اجتماعی

Social prophylaxis ر. ک .

Propinquity مجاورت ، شباهت ،

خویشی نزدیک

Proportion نسبت

از تقسیم فراوانی ها در يك مقوله بر تعداد کل پاسخ ها در يك توزیع حاصل می شود .
 زمانی که بر صد ضرب گردد به صورت درصد (Percentage) در می آید ؛
 اختصاری آنان بدین قرارند :
 نسبت Fi/N و درصد $Fi/N \times 100$

ر. ک . Percentage / Absolute frequency

Proportionable تناسب پذیر

Proportional representation

انتخابات نسبی

نظامی در رأی گیری که در آن نامزدها به نسبت آراء در گروه خود برگزیده می شوند و حداقل رأی که موجب حذف گردد ، مطرح نیست . به عنوان مثال ، بجای آنکه مقرر گردد هر داوطلب فارغ از هر تعلقی (نژادی ، قومی و ...) باید در برابر دیگر داوطلبان قرار گیرد (که موجب می شود گروه های اقلیت فاقد نماینده شوند) ، چنین پذیرفته می شود که هر گروه خاص تعداد خاصی نماینده خواهد داشت .

Proportionalist ر. ک .

Proportional sampling

نمونه گیری نسبی

Sampling ر. ک .

Proportional taxation

مالیات بندی متناسب

- نوعى خاص از سياست مالياتى
(Tax policy) است كه با درجه بندى
(Scaling) يا ماليات درجه‌اى
(Graded tax) و يا تدریجى
(Graduated tax) تحقق مى‌پذیرد .
- هنگاميكه از يك سوايچاد انگیزه مالياتى
و از سوى ديگر تشويق به كار و كوشش وهم
تعدیل ثروت مطرح مى‌شود، ماليات صورت
تناسبى با نسبى و يا نسبتي مى‌يابد .
- Proportionalist** پيرو اصل نسبى
- كسى كه به عنوان مثال در گزینش رئيس
جمهور پيرو اصل نسبى متناسب با تعداد آراء
است. در برابر كمانيكه معتقدند چنانچه هيچيك
از داوطلبان پنجاه در صد آراء را بدست
نياورد، با يدمرحله دوم انتخابات برگزار شود.
ر. ك. Proportional representation
- Proportionate** متناسب ساختن
- Proposition** گزاره
- Proprietorship** مالكيت
- ر. ك. Acquisitiveness, ownership
- Proslavery** بردگى خواهى
- واژه‌اى است كه در آمريكاي شمالى
مردمى را نشان مى‌دهد خواهان استقرار، حفظ
و تداوم بردگى .
- ر. ك. Abolition
- Prospect** دور نما ، چشم انداز
- Prospective** آينده نگرى
- از مفهوم Prospicere به معنای مقابل
- خود را نگرستن اخذ شده است و به معنای
نگاه به آينده‌اى نزديك به منظور پيش بينى
حوادث آن است. آينده‌نگرى نه تنها در قلمرو
دانش بلكه در حيطه هنر نيز مطرح مى‌شود.
به زعم پير ماسه (pierre Massé):
- آينده‌نگرى به معنای جستجوى طريقه‌اى
نو در دانش است كه در آن آينده را به عنوان
نتيجه‌اى از اعمال كم و بيش آزاد و واكنشهاى
كم و بيش قابل پيش بينى در نظر مى‌گيرند.
- Prospectivism** گرايش به آينده نگرى
- Prosperity** شگوفايى . رونق
- Prostitution** فحشا
- فروش تن در تاريخ درجهت بهره دارى
جنسى معمولا توسط زن صورت وقوع يافته
است. هر چند اين عمل توسط مرد نيز به انحاء
گوناگون صورت پذيراست و بدان فحشاء مردانه
(Male prostitution) اطلاق مى‌شود .
- ر. ك. Commercialized Vice ,
- Adultery / Rape / Incest .
- Fornication / Extra – marital
relations/cohabitation .
- Protect (to)** حمايت كردن
- Protection** حمايت
- در عرف سنياسى – اقتصادى ، به معنای
حمايت دولت است از صنايع كشور بهر دليل:
از طريق «بالا بردن ديوارهاى گمركى» و يا ...
- اصل حمايتى
- Protectionalism** حمايت دولت است از منافع ملي با كنترل

صادرات و واردات .

Protectionism

حمایت گرایی ، مکتب حمایت اقتصادی

مکتبی است ناظر بر سیاستهای اقتصادی که براساس آن دولت به حمایت از صنایع داخلی می پردازد . بدینسان ، این سیاست در برابر سیاستهای زیرین قرار می گیرد :

— بازرگانی آزاد (Free Trade) که

براساس آن دیوارهای گمرکی به عنوان مانع جریان ثروت و تکنولوژی و همچنین کالاها بحساب آمده نباید به کار آید .

— تقسیم بین المللی کار؛ بازرگانی آزاد بر پایه نظریه انتزاعی تقسیم بین المللی کار قرار داشت . به اینسان که صاحب نظران آن مدعی بودند، آنگاه که مرزهای اقتصادی از بین بروند، هر کشور براساس سنتها، تواناییها، تجربیات و امکاناتش کالا یا کالاهایی خاص به بازار دنیا عرضه خواهد کرد و از این طریق نوعی تقسیم بین المللی کار در جهان پدیدار خواهد بود، که خود موجبات پیوند متقابل ملتها را فراهم نموده و همبستگی جهانی از آن منبعث خواهد گشت.

— اصل هزینه مقایسه ای

(Principle of Comparative cost)

اقتصاد دانان کلاسیک ، نظیر آدام اسمیت و دیوید ریکاردو ، اعتقاد داشتند، چنانچه هر کشور با توجه به تجربیات انباشته اش و همچنین امکانات طبیعی خود دست به تولید

کالایی خاص زند، آن کالا بهتر و از نظر بها ارزانتر حاصل خواهد شد . و حال آنکه اگر کشور یا کشورهای صرفاً در جهت تمهید سیاستهای خودبستگی (Autarkical) دست به تولید کالایی بدون تخصص و در جهت مخالف امکانات طبیعی زند، آن کالا از نظر کیفی نامرغوبتر و از نظر بها گرانتر پدید خواهد آمد .

در مکتب حمایت اقتصادی ، در برابر همه این اصول و نظریات ، اعتقاد بر این است که زمانی می توان به عدم کنترل صادرات و واردات پرداخت که ملتهادارای بنیه اقتصادی نسبتاً مشابه باشند . پس چنانچه کشوری در حال رشد ، صنایع نارس و جوان خود را بدون حمایت گذارد ، قدرت عظیم شرکتهای چند ملیتی و تخصص چند صد ساله کشورهای صنعتی با شیوه های خطرناکی چون رقابت مکارانه (Dumping) به نابود سازی آن صنایع خواهند پرداخت .

دانشمندانی چون فردریک لیث طرفدار این مکتب اند و آنرا تنها راه جهش (Mutation) یا خیز اقتصادی (Take-off) می دانند .

حمایت گرایی Protectionist

Protective duties

حقوق گمرکی مبتنی بر سیاست حمایتی

اقدامات حمایتی Protective measures

سیاستهای حمایتی Protective policies

- این اندیشه با حکومت شایستگان (Meritocracy) نزدیک است و در برابر همه نظامهایی است مبتنی بر کاست، آپارتاید و ... باید آنرا جلوه‌ای از تفکر اسلامی بر پایه ان‌اکرمکم عندالله اتقیکم . (شایسته‌ترین شما در نزد خداوند با تقوی‌ترین شماست) دانست .
- ر. ک. Meritocracy / Kakistocracy
- Nepotism / Favoritism / Mobocracy
- Democracy / oligarchy / Plutocracy
- ochlocracy / Pantisocracy
- Protoplasm , Social
- کانون نوآوری اجتماعى
- ر. ک. Social protoplasm
- نمونه اصلی
- Prototype
- در برابر وجوه تقلیدی و پاروگرفت (copy)
- Provincial
- ایالتی - استانی
- Provincialism
- ایالت مآبی - واژمان محلی
- رفتار یا شیوه اندیشه‌ای است که بیش از آنکه به کل یک کشور تعلق داشته باشد ، رنگ خاص یک ایالت را یافته باشد. همچنین مجموعه واژگانی که ویژه محل یا ایالتی خاص باشد .
- ر. ک. Regionalism
- Provincialize
- محلی کردن ، رنگ خاص ایالتی بخشیدن
- Pseudo
- شبه ، دورغین - کاذب
- تعرفه حمایتی
- Protective tariff
- اعتراض کردن
- Protest (to)
- معترض - پیرو مذهب
- Protestant
- پروتستان
- Protestantism
- مذهب پروتستان
- شاخه‌ای است از مسیحیت که با اصلاح مذهبی بعد از قرون وسطی (اوائل قرن شانزدهم) و به رهبری لوتر (Luther) ، کالون (Calvin) و ناکس (Knox) پدید آمد ؛ کالون ولوتر در پیدایی آن کوشیدند ؛ این شیوه اندیشه به نظر ماکس وبر (M.weber) در پیدایی سرمایه‌داری صنعتی موثر افتاد ؛ چه کار را عبادت می‌خواند، رابطه انسان و خدا را بدون واسطه می‌شناخت ، ثروت را موهبت خدایی می‌دانست، خلاقیت را تشویق می‌نمود. به نظر سودکین (P.Sorokin) با این آیین یکی از دورانهای نادر روزگار ما تجلی یافت که در آن تعادلی بین روح گرایی و ماده گرایی پدید آمد، بدین معنی که انسان ضمن حفظ ایمان و میراث آرمانی خود، تولید و گسترش ثروت را نیز مورد توجه داشت و توسعه قدرت خود را بر طبیعت بمنزله گسترش، بسط و غلبه اراده خداوند بر زمین می‌دانست.
- ر. ک. Renaissance / weber / Sorokin
- حکومت صالحان
- Protocracy
- آیینی در اندیشه سیاسی که بر پایه آن قدرت باید بدست بهترین افراد افتد ، بدون توجه به پایگاه اجتماعی و خانوادگی آنان.

- Pseudomorph** شکل کاذب نیرویی که قبل از همه به تجربه آگاه بستگی دارد. پس نیرویی است غیر مادی و متکسی بر حالت روانی که می تواند خود موجب تأثیر روانی (Psychic influence) گردد.
- Pseudonym** نام مستعار
- Pseudo - science** دانش دروغین - دانش نما
- آنچه فاقد قدرت تبیین پدیده های قلمروش باشد یا آنکه از نظر بینش فاقد روح علمی بحساب آید.
- Psychic dynamism** پویایی روانی
- Psychic research** پژوهش روانی
- Psyche , Collective** روح جمعی
- Collective psyche** ر. ک.
- Psychiatric Social work** روان مدد رسانی
- کمک در درمان بیمارها - ارفع مسائل خاص روانی به صورت موردی با توجه به زمینه اجتماعی - روانی مبتلایان.
- Psychoanalysis** روانکاوی
- مکتبی است در روانشناسی که در آن معالجه عملی و تحلیلی فرد دچار بیماریهای روانی - عصبی مورد نظر است. یکی از پایگاههای اصلی اندیشه در این مکتب این است که تمایلات ما (مخصوصاً در زمینه جنسی) به صورتی نا آگاه در آغاز حیات ماسرکوفته شده اند و با استفاده از تحلیل خواب، تداعی آزاد و ... می توان آنها را که صورت عقده یافته اند، گشود. فروید را بانی روانکاوی دانسته اند.
- Superego/ Freud** ر. ک.
- Psychiatrist** روانپزشک
- Psychoanalyst** روانکاو
- Psychiatry** روانپزشکی
- رشته ای از طب که در آن شناخت و معالجه بیمارهای روانی مطمح نظر است.
- Psychoanalytic approach** رویکرد روانکاوانه
- Psychiatry , Social** روان - شناسی
- روانپزشکی اجتماعی
- Social Psychiatry** ر. ک.
- Psychic force** نیروی روانی
- مطالعه همه جانبه و تام (Total) موجود انسان است که از جسم و جان به صورتی جدا ناپذیر تشکیل شده است. در این مطالعات، که

مخصوصاً توسط بوردل (L. Bourdel) عنوان گردیدند، اثرات متقابل جسم و روان به یکدیگر، صور تکمیلی آنان در برابر یکدیگر و یکپارچگی موجود انسانی عنوان می‌گردد.

ر. ک. Psycho-somatic

پویایی‌شناسی روانی Psychodynamics

دانشی که مختصات روانی و فعل و انفعالات آنانرا از دیدگاه حرکتی به مطالعه می‌گذارد. تکوین حالات روانی (Psychogenesis) و جنبش یا تحرك روانی (Psychokinesis) در این قلمرو مطالعه می‌شوند.

روان‌زاد Psychogenic

بر اساس نظریه مودی (Murry)، دونوع نیاز را در مورد انسانها از یکدیگر متمایز می‌سازند: روان‌زاد و بدن‌زاد (vicero-genic)

روان‌نگاری Psychography

Psychological reductionism

تقلیل‌گرایی در روانشناسی

شیوه‌ای است خاص در تبیین (Explanation) پدیده‌های روانی، در این شیوه اندیشه، تعدد عوامل، پیچیدگی آنان و مخصوصاً پیوندشان در ایجاد پدیده‌های روانی نادیده گرفته می‌شود. يك، یا چند عامل طرح می‌شوند بدون آنکه شبکه کامل علل سنجیده و شناخته شود. از این روست که باید این طرز اندیشه را نوعی ساده‌گرایی (Simplism) پنداشت. مثال از این نوع شیوه اندیشه:

چون انسان دارای حالات تهاجمی است و چون جنگ تجلی گاه تهاجم است، پس عامل جنگ حالات تهاجمی انسانهاست.

ر. ک. Reductionism , Sociological reductionism

Psychological repression

سرکوب روانشناختی

I- عدم ارضاء خواسته طبیعی بخاطر قدرتی منع کننده در خارج یا داخل وجود فرد.

II- در برابر مفهوم سرکوب آگاهانه (Suppression) که فرایند منع آگاهانه يك محرك یا سائق طبیعی مشخص را می‌رساند، سرکوب به صورت مطلق در عرف روانشناسی، روانشناسی-اجتماعی و مخصوصاً روانکاوی، مکانیسم دفاعی ناآگاهانه در برابر محرکی غریزی و ناآگاه است.

III- از نظر فردید که واضع مفهوم در این معناست. سرکوب ویژگی‌هایی چند می‌یابد، بدینقرار: ۱) سرکوب در وهله اول با خواسته‌های جنسی مرتبط می‌شود. هر چند واژه فراگیرتر از آن است ۲) عوامل سرکوب روانی از معیارهای فرهنگی منبث می‌شوند و این عوامل در وجود فرد چنان جای یافته‌اند که جزئی از فراخود (Superego) او گشته‌اند. ۳) بزعم فردید سرکوب روانی قبل از همه بر علیه عقده اودپ صورت می‌گیرد. ۴) کششها یا محرکات سرکوب شده، باقی می‌مانند و بهر صورت راهی برای تجلی می‌یابند؛ برخی از فرهنگها مجراهایی پذیرفته برای تجلی عناصر سرکوب شده برقرار می‌سازند (نظیر فولکلورها، داستانها، مراسم و...)؛ در صورت فقدان چنین مجراهایی

نیروهای سرکوب شده. ابعاد جنائی، جزایی و یا آسیبی می یابند. (نظیر دختری بنام لوسی (Lucy) که به روایت فروید يك المة انگلیسی بود و بعد از سرکوب تمایلات جنسی خود نسبت به اربابش، دچار بیماریهای روانی گردید. ۵) کششها یا محرکات سرکوب شده به وجدان نا آگاه منتقل می گردند؛ براساس نظریه هربارت هرگاه دو امر روانی با یکدیگر ناسازگار باشند. امکان دارد یکی از آنان از وجدان آگاه جدا شود. ليك همواره مؤثر بر رفتار خواهد بود و بمحض آنکه مقاومت در برابرش ناپدید گردد، باز به وجدان آگاه بازمی گردد.

ر. ك. Repression, Social repression
Repressive law

روانشناسی گرائی Psychologism

I- روانشناسی را محور تبیین همه پدیده های اجتماعی - انسانی قرار دادن: در هر مورد و در برابر هر واقعه اجتماعی در جستجوی عوامل روانی بر آمدن.

نفی تلویحی یا رسمی جامعه شناسی با عدم پذیرش واقعیت گروه یا جامعه به عنوان پدیده ای خاص و متمایز از يك افراد تشکیل دهنده.

درست در مقابل این دیدگاه افراطی، نظر بانی جامعه شناسی (اگوست کنت) قرار دارد. او و بسیاری دیگر برآنند که جایی برای روانشناسی نیست. زیرا انسان حتی ویژ گیهای کنونی روان خود را از جامعه (محیط پیرامون اجتماعی در گذشته و حال)

اخذ نموده است. جدال تاریخی دودکیم (E. Durkheim) و گابریل تارد (G. Tarde) نیز در همین زمینه پدید آمد. تارد بر این عقیده بود هر امر اجتماعی را می توان با شناخت ویژ گیهای روانی افراد شناخت و علت یابی کرد. درحالی که دودکیم را عقیده براین بود که ۱) گروه ماهیتی ویژه و جدا از حالات يك يك افراد تشکیل دهنده آن دارد. ۲) موضوع مطالعه گروه و جامعه در حد روانشناسی صرف نیست، بلکه دانش دیگری با نام جامعه شناسی بدان خواهد پرداخت. ۳) هم جامعه شناسی و هم روانشناسی با همکاری با یکدیگر و هر يك از زاویه ای خاص به شناخت پدیده های پیچیده انسانی - اجتماعی یاری خواهند نمود. در روزگاران ما، گرایشهای تازه ای در دانش روان پدید آمدند که هر يك رسالتی خاص بر خود می شناسند: رفتارگرایی (Behaviorism) تنها موضوع قابل مطالعه را رفتار می داند؛ درحالی که روانکاوی به حیات جنسی توجهی ویژه مبذول می دارد. اما، این هر دو نیز نتوانسته اند نه از روانشناسی گرائی فاصله گیرند و نه آنکه امکان تبیین پدیده های اجتماعی تام را بطور مستقل یابند. ژرژ گودویچ (Georges Gurvitch) با توجه به همین مسأله می نویسد: «در واقع، چنانچه از نزدیک موضوع را به کنکاش نهیم، می بینیم که رفتارگرایی آنطور که پاولف (Pavlov) و واتسن (Watson) به بسط آن پرداختند و آلپورت (F. Allport)،

- ر. ك. Adolescence
روانشناسى تحليلى
Analytic psychology
روانشناسى كاربرى
Applied ~
روانشناسى جمعى
Collective ~
ر. ك. Collective behavior
روانشناسى توصيفى
Descriptive ~
روانشناسى تكوينى
Genetic ~
روانشناسى گشتات
Gestalt ~
ر. ك. Gestalt
روانشناسى صنعتى
Industrial ~
روانشناسى دين
psychology of religion
ر. ك. Religion
روانشناسى محض
Pure psychology
روانشناسى نظرى
Theoretical ~
روانشناجى
Psychometry
اندازه گيرى حالات و فرايندهاى ذهنى-
روانى
همچنين، دانش روانشناسى به شاخه هاى
چون. روانشناسى فزيولوژيك، روانشناسى
خانواده، روانشناسى بلوغ و قابل
تقسيم است.
روان نژندى
Psycho-neurosis
لانديبرگ (G. Lundberg) و بسيارى
ديگر در زمينه هاى جامعه شناختى اعمال
نمودند، جز يك نظريه روانى-زيستى نيست
و صرفاً به فرد نظر دارد..... اما روانكاوى؛
فرويد كه از جهات روان آسيبى تمايل جنسى
آغاز كرد، هرگز نتوانست از روانشناسى
جدا شود، هرچند كه بارها كوشيد روانكاوى
رادر شناخت پديده هاى اجتماعى بكار گيرد.
(Vocation actuelle de la Sociologie
tome 1 , p. 46)
طرح مفهوم پديده هاى اجتماعى تام
توسط گودويچ، ردهم مكاتب دروئين ديگر
نظير جغرافيازدگى، اقتصادگرانى و...، پيداى
وبسط روانشناسى اجتماعى، همگى كوششهاى
بودند كه هم موجبات (۱) طرد روانشناسى-
گرائى يا اهميت مفرط به پديده هاى روانى
دادن (۲۰) توجه به ابعاد هم روانى، هم
اجتماعى هم جغرافيايى، هم اقتصادى ...
پديده هاى انسانى نمودن، (۳) طرح شيوه هاى
ديالكتيكى در شناخت پديده هاى اجتماعى را
فراهم ساخت.
ر. ك. Geographism / Economism ,
Sociologism.
Social total phenomenon.
Explanation/ Social nominalism.
روانشناسى
Psychology
مطالعه منظم، همه جانبه و علمى پديده هاى
روانى است، با شاخه هاى بسيار چون:
Adolescent psychology
روانشناسى نوجوانى- روانشناسى نوجوانان

بیماری خاصی است که در آن تعادل بین سوانق (Drives) و نیروهای کنترل (Controlling powers) مختل می شود.

روان رنجور Psychopath

آسیب شناسی روانی Psychopathology

روان تنگار شناسی Psycho-physiology
شاخه ای از تنگار شناسی که در آن مسائل روانی مطرح نظر قرار می گیرند.

Psycho-social control

کنترل روانی - اجتماعی
تنظیم رفتار افراد نه از طریق قوانین خشک وسطی بلکه با توجه به ابعاد روانی - اجتماعی و با درونی ساختن هنجارها.

Psycho-somatic diseases

بیماریهای روان-تنی
انواع بیماریها که با فشار روانی (stress)، هر نوع نگرانی یا دلوپسی (Anxiety) پدید می آیند و در قلمرو طب روان تنی (Psycho-somatic medicine) قرار می گیرند.

Super-organic ر. ک.

Psychotechnic

روانشناسی فنی - فنون روانشناختی
(۱) مجموعه فنون کاربرد پذیر در روانشناسی. (۲) کاربرد فنی خاص در روانشناسی جهت حل مشکلاتی خاص. (۳) کاربرد روانشناسی در زمینه آموزش، راهنمایی و گزینش افراد در حرفه ای معین.

بلوغ Puberty

مرحله ای از حیات که در آن شخص بلوغ جسمی می یابد و آماده تولید مثل می گردد. با مفهوم بلوغ یا بی (Maturation) یکسان نیست. بدان ر. ک.

مناسک بلوغ Puberty rites

در بعضی از جوامع (مخصوصاً جوامعی که در اصطلاح ابتدایی خوانده می شوند) بلوغ منزلی تازه، وظایفی نو و بطور کلی صفحه ای جدید در حیات فرد پدید می آورد که نقطه عطفی در تاریخ زندگی وی بحساب می آید. از این رو، با مناسکی خاص همراه می شود.

همگان-همگانی Initiation ر. ک. Public

I بصورت صفت در اصطلاحاتی مرکب چون ساختمان عمومی (Public building) خدمات عمومی (Public service) و ... بکار می رود. (۲) بصورت اسم، گروهی از انسانها را می رساند که پراکنده، فاقد ساخت و سازمانند اما دارای اشتراك علائق.

II - امروزه جامعه شناسان بجای آنکه از يك همگان سخن بمیان آورند، از همگانها یاد می کنند. منظور آن است که يك فرد می تواند به تعداد علائقش، به همگانهای متعددی تعلق داشته باشد که دو نوع آن از اهمیت بیشتری برخوردارند:

۱- همگان ستایشگر (Appreciative public). گروهی با علاقه ای مشترك نظیر موسیقی، ورزش و...

و در نتیجه کار آیی روندهای دموکراتیک است.

دشمن مردم Public enemy

مفهومی که توسط مسئولین و مقامات دولتی در جهت معرفی يك جانی بکار می رود.

بهداشت عمومی Public health

۱) وضع و شرایط بهداشت جمعی، علل و عوامل آن. ۲) گونه‌های از سازمانهای بهداشتی. ۳) نهضتی اجتماعی در بین شاغلان به حرفه پزشکی. عمل، کردار یا پیشنهادی که در جهت تأمین بهداشت عمومی و نه صلاح فرد یا طبقه یا قشری خاص مطرح یا معمول گردد.

افکار عمومی Public opinion

افکار عمومی را از نظر کارکردی نوع اندیشه و نظر گروه، جمع و یا يك ملت می‌دانند. از قرن ۱۹ به این طرف مطالعه افکار عمومی بسیار مطمح نظر قرار گرفت. این توجه زیربنای تجاری و هم پایه‌های سیاسی داشت. در واقع انتقال قدرت از افراد به ملتها و بطور کلی منبعث شدن قدرت از ملت، موجبات توجه به اندیشه‌های مشترك و عموماً پذیرفته توسط جمع را فراهم ساخت.

ر. ک. Consensus / Collective

Conscience / Public

Public opinion polls

سنجش افکار عمومی

ر. ک. Polls

روابط عمومی Public relations

۱) روابط يك فرد، سازمان یا دولت با عموم مردم. این مردم می‌تواند شامل مشتریان،

بدینسان هر هنرمند یا ورزشکار دارای ستایشگران خاص (همگان ستایشگر) خورش است.

۲- همگان عملگر

(Action public) که نام گروههای فشار بخود می‌گیرد و شامل مردمی است دارای خواست یا منافعی مشترك که سعی در تحقق خواست یا منافع خود دارند. يك فردی تواند در عین حال به چندین نوع ازین همگانها تعلق داشته باشد.

III- محلات جدید با ایجاد باشگاههایی

برای مشتریان ثابت یا همگانشان، صوری تازه برای همگان پدید آورده اند. در این صورت نیز همگان تشکیل گروه نمی‌دهد؛ لیکن در مرحله‌ای بالاتر از انبوهه (Aggregate) و انبوه خلق (Crowd) قرار دارد، همچنانکه با توده تمایز می‌یابد.

ر. ک. Crowd / Aggregate / Mass

Public assistance

کمک دولتی- سازمانهای مددکاری

سازمانهایی که مسئول کمک به مردمند. همچنین فرایند کمک‌رسانی از جانب مقامات دولتی (Public authorities) نیز از این مفهوم برمی‌آید

Public consciousness

آگاهی عمومی

شناخت روندها، جریانها و حرکات ناشی از آثاری که خود انسانها بر جای می‌گذارند و همه گروهها را متأثر می‌سازند. آگاهی عمومی موجب بسط بلوغ اجتماعی شهروندان

- Public works** خدمات عام المنفعه
ساختمان راهها، بناها، راه آهن،
فرودگاه و... نگهداری و کاربرد این وسایل
در زمره خدمات عمومی (public service)
یا عام المنفعه است.
- Public relations counselor** مشاور روابط عمومی
- Public sentiment** احساسات عمومی
عقیده یا طرز تلقی تعداد کثیری از اعضاء
يك جامعه در برابر موضوعی معین. احساسات
عمومی برخلاف افکار عمومی دارای، بعد
عاطفی-خرافی بسیار نیرومندی است.
- Public service** خدمات عمومی
مانند خدمات پستی، بهداشتی، آموزشی
و... که توسط دولت برای ارضای نیازهای
مردم صورت می گیرد.
- Public spirit** روحیه جمعی
گرایش به منافع و رفاه عمومی و تمایل
به خدمت بدان.
- Public interest** ر. ک.
- Public utility** خدمات عامه
خدمتی اقتصادی در جهت تأمین نیازهای
اساسی همه اعضاء يك جامعه (مانند حمل و
نقل، وسایل خبری، ارتباطی و... که صورت
خصوصی، دولتی یا مختلط می یابد).
- Public welfare** رفاه عمومی
آن جزء از فعالیتها و خدمات اجتماعی
که با مسائل خانوادگی و فردی سروکار
دارد و در جهت بهزیستی جامعه صورت
می گیرد.
- Publicist** متخصص روابط عمومی-کارشناس امور سیاسی
نویسنده یا کارشناس در زمینه امور
عمومی با تخصص در باب شرایط سیاسی
بین المللی.
- Publicity** پخش اطلاعات
۱) اطلاعات یاداده هایی که برای آگاهی
عمومی نشر می یابند. ۲) پخش اطلاعات از
طریق هر يك از مجراهای وسایل ارتباط
جمعی. در جوامع اولیه وسایل ارتباطی نیز
ساده اند مانند جارچی و... در جامعه صنعتی،
این وسایل متعدد، متنوع، پیچیده و بسا بعد
عظیم فنی تجلی می کنند.
- Mass media** ر. ک.
- Publicize** به آگاهی عمومی رساندن
- Punishment, capital** اعدام
- Punishment, corporal** تنبیه بدنی
Corporal punishment ر. ک.
- Punishment, Individvation of** فردی ساختن تنبیه
Individuation of punishment ر. ک.
- Punishment, Mitigation of** تخفیف مجازات

Mitigation of punishment	ر. ك.	زن در این دوران دور از جمع بسر مى برد
Punishment, poetic	قصاص	او پس از وضع حمل طی مراسمی تزکیه یافته
Poetic punishment	ر. ك.	و باردیگر عضو معمولی جامعه می شود.
Pure monopoly	انحصار محض	Couvade
Monopoly	ر. ك.	ر. ك.
Pure psychology	روانشناسی محض	Purposive sampling
Purification rites	مناسك تزكیه	نمونه گیری بر پایه تشابه متغیرات اصلی
در زمینه های گوناگون مطرح می شود،		Sampling
به عنوان مثال، در بسیاری از جوامع اولیه		ر. ك.
حاملگی پدیده ای است ناشناخته از این رو		Purposive communication
		ارتباط معطوف به هدف
		Communication
		ر. ك.

Q

Qualification مشخصات ، شرط ، لیاقت

Qualified واجد شرایط

Qualitative analysis تحلیل کیفی

Qualitative approach رویکرد کیفی

مطالعه پدیده‌ها با توجه به عمق و کیفیت آنان. هرچند در علوم اجتماعی برخی از رشته‌ها چون گروه‌سنجی یا جمعیت‌شناسی، دارای بعد کمی و بیشتر متکی بر آمار هستند، لیک، بسیاری دیگر چون انسان‌شناسی، یا شاخه‌هایی چند در جامعه‌شناسی شناخت پدیده‌های اجتماعی را تنها با بعد کمی میسر نمی‌دانند.

مکاتبی بسیار نیز چون، پدیدارشناسی، مکتب تفهیمی و ... هم خود را معطوف به شناخت بعد کیفی در پدیده‌های اجتماعی می‌نمایند (برخلاف رفتارگرایان و مکتب اثباتی و یا طرفداران مکتب مکانیکی)

روشهایی چند نیز نظیر مشاهده همراه با

مشارکت (Participant observation)،

مشاهده ساخت نایافته

(Unstructured observation)، در راه

دریافت محتوای کیفی، عمقی و پیچیده

رفتار انسان در برابر انگیزه‌های محیط

اجتماعی پدید آمده‌اند.

Quantitative approach ر. ک.

Quality کیفیت

Quantitative analysis تحلیل کمی

Quantitative approach

رویکرد کمی

سعی در شناخت پدیده‌های حیات انسانی

با تکیه بر آمار، ارقام و زبان ریاضی است.

گروه‌سنجی (Sociometry)، جمعیت‌شناسی

و همچنین جامعه‌شناسی کمی

پرسش - سؤال

Question

Quantitative sociology) بعد کمی و

روشهای آماری را مطمح نظر دارند.
 بطور کلی همه روشهایی که در چارچوب
 روشهای پهنانگر (Extensive) جای
 می گیرند، بر ابعاد کمی تکیه دارند.

Quantitative change

دگرگونی کمی

Social change ر. ک.

Quantity

کمیت

Quantophreny

جنون کمیت

تأکید مفرط بر ابعاد کمی در پدیده های
 اجتماعی. این مفهوم توسط سوروکین در
 اثرش با نام قمايلات و سرخوردگیهای
 جامعه شناسی دد امریکا مطرح گردید.

Testomania/sorokin ر. ک.

Quasi بظاهر، نیمه، واره، شبه

Quasi-judicial شبه قضایی

Quasi normal شبه عادی

Quasi-public نیمه عمومی

- شرکت یا سازمانی که در اختیار
 بخش خصوصی و لیک با هدفهای عمومی و
 اجتماعی است.

- شرکت یا سازمانی که در عهده بخش
 خصوصی است و با سرمایه آن پدید می آید
 ولی با نظارت و یا توسط نمایندگان جامعه
 اداره می شود.

Quasi-religious

نیمه مذهبی، شبه مذهبی

I- با توجه به ماهیت خاص پژوهش در
 علم و نظر به موضوع خاص آن یعنی انسان،
 پرسیدن یکی از شیوه های خاص بررسی به شمار
 می آید. به این سان در جهت شناخت عقاید،
 گرایشها و طرز تفکر انسانها مجموعه ای از
 پرسشها را به صورت پرسشنامه تهیه نموده با آن
 به سنجش مقایسه ای انسانها می پردازید.

II- پرسشها انواعی بسیار دارند،
 از جمله:

۱- سؤالات بسته Closed questions

۲- سؤالات باز Open questions

سؤالات بسته آزادی شخص را از بین
 می برد و افراد را مجبور می کند تا در جهت
 خاصی جواب دهند. در این نوع سؤالات،
 میزان آزادی پاسخگو، بحداقل تقلیل می یابد
 و پاسخگو فقط می تواند «آری» یا «نه» بگوید.
 سؤالاتی دو جوابی. پاسخ به این نوع
 پرسشها نیز معمولا به صورت «آری» یا «نه»
 خواهد بود. پس در این نوع سؤالات، جوابها دو
 حالت دارند: مثبت یا منفی. مثلا وقتی سؤال
 می کنیم «آیا به نظر شما کودکان متعلق به
 پدران مشروبخوار در مقایسه با دیگر کودکان
 در زندگی شانس مساوی دارند؟»، پاسخ این
 پرسش، می تواند «آری» یا «نه» باشد. نیز
 ممکن است مخاطب در جواب بگوید
 «نمی دانم». در این نوع پرسشها، در لیست
 جواب، بعد از نوشتن بلی □ خیر □، واژه

یعنی می‌توان به پاسخگو امکانات بیشتری داد. مثلاً هنگامیکه درباره شراب تحقیق می‌کنیم، سؤوالهای خود را چنین طرح می‌نمائیم: «آیا شراب برای بدن مفید است؟ بی‌فایده است؟ یا مضر است؟»

بدین ترتیب، با آنکه پاسخگو باز هم مقید به دادن چند جواب است، لیکن او می‌تواند با دقت بیشتری عقیده، خود را بیان کند.

در سؤوالهای باز پاسخگو می‌تواند با آزادی کامل، تمام کلماتی را که به ذهنش می‌آیند، بیان کند. این نوع پرسشها، یا کاملاً باز هستند و یا آنکه تا حدودی بازند. مثال: «آیا ازدواج کرده‌اید؟»، «چرا کار خود را دوست دارید؟»

همانطور که ملاحظه می‌شود، در این دو نوع سؤال، درجه عمق پاسخها و مخصوصاً آزادی پاسخگو در بیان افکارش یکسان نیست. پاسخگو در جواب سؤال اول، فقط می‌تواند بصورت مثبت و یا منفی جواب دهد در صورتی که در جواب سؤال دوم، می‌تواند افکار خود را با تعمق بیشتری عنوان کند.

فواید این نوع پرسشها در این نسوع سؤوالها، پاسخگو با دقت بیشتری می‌تواند طرز فکر خود را در زمینه موضوع مورد بحث بیان دارد. پرسشگر با طرح چنین سؤوالهایی می‌تواند عمق فکر پاسخگو را بررسی کند. برای تحقق این هدف، نه تنها پاسخگو را در بیان نظراتش آزاد می‌گذارد،

واژه نمیدانم □ را می‌گذارند تا پاسخگو بتواند با آزادی جواب ممکن را بدهد.

فایده استفاده از سؤوالهای بسته این است که این سؤوالها موجب سرعت بیشتر عملیات می‌شوند و ضمناً استخراج آنان نیز آسان صورت می‌گیرد. اما مشکل در این است که پاسخگو مجبور است جواب کوتاه و محدود بدهد و بدون تفکر، خود را مقید به ارائه جواب قالبی کند و حال آنکه شاید جوابی که پاسخگو در نظر دارد با هیچیک از جوابهای «بلی» یا «نه» مطابقت نداشته باشد.

با وجود اشکالاتی که سؤوالهای بسته دارند، استفاده از آنها در موارد زیر ضروری بنظر می‌رسند:

— هنگامیکه هدف مصاحبه، بررسی امور عینسی یا رفتاری است. مانند: «آیا ماشین رختشویی دارید؟»، «آیا ورزش می‌کنید؟».

— هنگامیکه موضوع مصاحبه بررسی اعمال و یا نظراتی است که فقط دو جنبه مثبت و منفی دارند، مانند: «آیا قصد دارید در انتخابات آینده رأی بدهید؟»

— هنگامیکه سؤال درباره رفتارندوم است: «آیا جواب شما در رفتارندوم آینده مثبت است یا منفی؟». در این نوع سؤوالها هدف بررسی عقاید قاطع پاسخ دهندگان است، نه تحقیق درباره علل ظریف و حساس موافقت یا مخالفت آنها. با اینهمه، می‌توان این نوع سؤوالها را تا حدودی توسعه داد،

بلکه گاهی نیز می‌تواند با طرح سئوالهای از قبیل: «چرا؟»، «لطفأ توضیح بیشتری دهید» و...، او را وادارد تا علل و عواملی را که موجب پیدائی چنین طرز فکری شده است، بیان دارد.

ضررهای این نوع پرسش‌ها: استخراج سئوالهای باز به سختی صورت می‌گیرد، تحلیل آماری آنها فوق‌العاده مشکل است و بسختی می‌توان آنها را یادداشت کرد ولى آنچه مفید بنظر می‌رسید، این است که دو نوع سئوال باز و بسته را با یکدیگر مخلوط کنیم و در يك پرسشنامه بگنجانیم.

سئوالهای دام Test questions

به آن پرسشهایی اطلاق می‌شود که جهت آزمون صحت پاسخها در پرسشنامه جای می‌گیرد. با این نوع پرسشها، یا پرسشنامه غیر قابل قبول تلقی شده، به جهت نادرستی پاسخها طرد می‌شود یا آنکه پذیرفته شده ضریب انحراف آن (در صورت وجود انحراف) تعیین می‌شود. بعنوان مثال، زمانی که در آغاز پرسشنامه میزان درآمد پاسخگو پرسیده شده باشد، در لابلای آن چندبار و هر بار به صورتی همین موضوع مطرح می‌شود. تا مشخص گردد که آیا میزان درآمد ذکر شده درست است یا خیر.

Fixed alternative questions

سئوالهای چند جوابی

در برابر يك سئوال پاسخهای احتمالی بسیاری نهاده می‌شود و از پاسخگو خواسته

می‌شود هر يك را که به نظرش پاسخ درست آن سئوال می‌رسد، با علامت مشخص نماید؛ بعنوان مثال، چنانچه سئوالی در مورد علت شرب خمر مطرح است چنین عنوان می‌شود: چرا به مشروبات الکلی روی آوردید؟

۱- نیاز جسمانی به آن داشتم

۲- از فرط تنهایی به آن روی آوردم

۳- وسیله دیگر برای گذران فراغت

نداشتم

۴- دوستان ناباب موجب گردیدند.

۵- در خانواده ما معمول بود.

در این نوع پرسشها، عمل استخراج براحتی بیشتر صورت می‌گیرد؛ عمق اندیشه پاسخگو تا حدودی دیده می‌شود و ليك (۱) از جانبی القایی است. زیرا پاسخگو با دیدن پاسخهای موجود، در بسیاری از موارد، پاسخی را که در نظر نداشت برمی‌گزیند.

(۲) از جانب دیگر، بسته است، زیرا به پاسخگو همواره امکان داده نمی‌شود، آنچه در ذهن دارد و در این چند پاسخ نمی‌گنجد عنوان نماید.

III- در جریان تهیه پرسشها، نه تنها شناخت انواع آنان جهت کاربرد دقیق هر يك بمنظور تحقق هدفی خاص مطرح است، بلکه باید گفت:

طرز بیان هر سئوال نیز اهمیت شایان توجهی دارد، زیرا تأثیر آن در نوع جواب حتمی است. عبارتهای هر پرسش باید آسان و روشن تهیه شوند، زیرا عبارات مبهم و پیچیده موجب تحریف جواب خواهد شد.

باید منظور ما طوری در پرسشنامه گنجانیده شود، که مفهوم آن برای همه یکسان باشد، حتی الامکان باید از استعمال ادات نفی خودداری کرد. در طرح هر سؤال، باید میزان تحصیل و وضع اقتصادی پاسخگو را در نظر گرفت. مخصوصاً باید دید هر لغت در فرهنگ خاص آن گروه چه معنایی دارد.

مثال:

لغاتی از قبیل: انسانیت، عزت، (مفاهیم ارزشی) برای هر گروه معنای خاص دارد. از جانب دیگر، بعضی از لغات مخصوص قشری از اجتماع است، مانند: کلمات مرام، معرفت و غیره... و حال آنکه همین لغات برای اشخاص دیگر که از گروههای دیگر جامعه برخاسته اند، معنای متفاوتی خواهند داشت. بنا براین:

— پرسشها باید حتی المقدور جنبه عینی داشته باشند.

— طراح سؤال باید از بکار بردن کلماتیکه جنبه تلقینی دارند، پرهیز کند.
— باید کوشید تا بار عاطفی کلمات هر پرسش به حداقل کاهش یابد.

— عباراتیکه برای هر پرسشی تعیین میشوند، باید با کمال بی طرفی تهیه و تنظیم شوند.

— باید از کاربرد پرسشهای دو پهلو خودداری نمود. مثلاً این سؤال: «آیا در مقابل یهودیها، سیاهان و مردم شمال آفریقا پیشداوریهای منفی دارید؟» این پرسش

پاسخگو را در ارائه جواب درست دچار مشکل می سازد، زیرا ممکن است کسی در برابر یکی از این گروهها پیشداوری مخصوصی داشته باشد، درین صورت از دادن پاسخ درست عاجز خواهد ماند.

— باید از استعمال جملات طولانی حتی المقدور خودداری کرد، مگر آنکه نتوان سؤالی را بطور مستقیم و خلاصه عنوان کرد. مثلاً وقتی ما درباره کتابی که حساسیت مردم را برانگیخته به تحقیق می پردازیم، بجای اینکه سؤال شود:

«آیا فلان کتاب را خوانده اید؟»، سؤال می شود:

«آیا قصد دارید فلان کتاب را بخوانید؟»
سؤالاها باید طوری از پی یکدیگر بپایند که جنبه تلقینی نداشته باشند و ضمناً هر سؤال پاسخ بعدی را تعیین نکند. از جانب دیگر، نباید بیش از حد در پی ایجاد نظم منطقی در توالی سؤالاها بود.

بنظر «کانتریل» در پرسشهای دوجوابی واژه دوم اثر بیشتری در پاسخگو می گذارد. مثلاً وقتی سؤال می شود: «آیا کتاب می خوانید یا خیر؟» پاسخگو بیشتر متمایل است جواب منفی بدهد. در پرسشهای چندجوابی، پاسخهای میانه بیشتر مورد انتخاب پاسخگو قرار می گیرند. مثلاً در برابر این سؤال: «نظر شما در باره فیلمهای خارجی چیست؟» بسیار بسد... بسی تفاوت... موافق... بسیار موافق...» به احتمال زیاد، پاسخگو واژه

تهیه و تنظیم شده باشد، زیرا امروز عقیده دانشمندان علوم اجتماعی و انسانی بر این است که هر پدیده اجتماعی تام، یعنی چند جانبه است. تحقیق ماهر عنوانی که داشته باشد، باز هم شامل امور گوناگونی می شود که هر يك در قلمرو دانشی مخصوص قرار می گیرد، لذا باید در شناخت همه جانبه پدیده ها از دانشمندان و متخصصین گوناگون استفاده کرد، تا هر يك با دید مخصوص خود غنای تازه ای به تحقیق بخشند.

در تهیه پرسشنامه، باید دو نکته را در نظر داشت: شکل و قالب پرسشها، و محتوای هر پرسش.

نکاتی که در مورد محتوای پرسشنامه باید رعایت شوند عبارتند از:

۱- اولین اقدام محقق تعیین حد و مرزی برای تحقیق اوست. پژوهشهای انسانی و اجتماعی دامنه ای بس وسیع دارند و اولین لحظات هر تحقیق را باید در محدود کردن آن صرف کرد.

۲- اقدام دیگر ما بعنوان محقق تحدید موضوعاتی است که باید در پرسشنامه مطرح شوند و اقدام بعدی تعیین سئوالهای متناسب با موضوع تحقیق است.

ابتدا باید کتابها و گزارشهای را که در باره موضوع مورد تحقیق نوشته شده اند، مطالعه و بررسی کرد. سپس باید درباره فرضیه های تحقیق فکر کرد و متغیرهای مربوط

بسی تفاوت را بعنوان جواب بررسی گزینند. نظمی که بر اساس مشخصات روانی پاسخگو بوجود می آید بر نظم منطقی پرسشنامه مرجح است. ابتدا باید سئوالهای مربوط به امور ذهنی طرح شوند و بعد پرسشهایی که باطرز فکرها و عقاید مربوطند. بدین ترتیب، ابتدا توجه مخاطب به موضوع مورد بحث در پرسشنامه جلب می شود و آنگاه بخوبی می تواند به سئوالهای پیچیده جواب دهد. بنظر روانشناسان اجتماعی بهتر است سئوالهای مربوط به مشخصات اجتماعی فرد، پس از دیگر پرسشها مطرح شوند؛ بدین ترتیب می توان از رسمیت و تصنع پرسشنامه کاست.

پرسشنامه Questionnaire

ابزاری است با کاربرد گسترده در علم انسان؛ شامل سلسله سوالاتی است میزان شده (Standardized)، روشن، یکنواخت، که در جهت سنجش فرضیه ای (Hypothesis)، یا آزمون نظریه ای (Theory) بکار می آید.

تهیه پرسشنامه با توجه به ظرافت این ابزار از طرفی و حساسیت، تنوع، ابعاد پیچیده رفتار، و واکنشهای انسانی از طرف دیگر کاری است بس دشوار و دارای شرایطی چند که بعضی از آنان چنین اند:

تهیه پرسشنامه بمعده رهبر یا رهبران تحقیق است. پرسشنامه ای را می توان قابل اعتماد دانست، که با شرکت چند متخصص

موضوع مربوط را بطور دقیق مورد مطالعه قرار دهد. باید از استعمال مکرر سئوالها خودداری کرد و پرسشهایی را حفظ کرد که هر يك گوشه‌ای از طرز فکرها را مورد بررسی قرار دهد.

انتخاب پرسشها مخصوصاً با توجه به افرادی که عقاید و طرز فکر آنها باید مورد بررسی قرار گیرد، صورت می‌گیرد. در این مورد، باید از اطلاعات افراد مورد مطالعه آگاه شد. مخصوصاً وقتی که موضوع تحقیق بیشتر جنبه فنی داشته باشد. مثلاً هنگامیکه موضوع تحقیق عبارت است از کسب اطلاعاتی در زمینه بیمه‌های اجتماعی یا مالیاتی، بکار بردن سئوالهایی از این قبیل لازم است:

«آیا در مورد بیمه‌های اجتماعی چیزهایی شنیده‌اید؟» و یا می‌توان سئوالهای عمیقتری طرح کرد، مانند: «در مورد بیمه‌های اجتماعی اخیراً چه تصمیماتی گرفته شده است؟» و یا «فکر می‌کنید این اقدامات چه فوایدی دارند؟»

طرز فکرهای افراد را می‌توان با طرح کلمه چرا، بطور عمیقتری مورد بررسی قرار داد.

سئوالها باید با سطح فرهنگی مخاطب تطابق داشته باشند، یعنی پرسشها نباید خیلی مشکل باشند و نیز از پاسخگو نباید انتظار داشته باشیم که گذشته دوردست را بطور

و مخصوصاً روابط آنها را مورد بررسی دقیق قرار داد. بدین ترتیب می‌توان موضوعهایی را که باید در پرسشنامه طرح شوند، مشخص کرد. بی‌تردید، همه تصمیماتی که درین مرحله اتخاذ می‌شوند، موقتی خواهند بود، زیرا هر پرسشنامه پیش از آنکه بطور قاطع تدوین گردد، باید در یک تحقیق مقدماتی مورد آزمایش قرار گیرد. در تحقیق مقدماتی نکات زیر را باید در نظر گرفت:

۱- ابتدا باید موضوعاتی که مورد بررسی قرار می‌گیرند، مشخص شوند. مثلاً اگر تحقیقی درباره شرایط اقتصادی اجاره‌نشینان تهران مطرح است، ابتدا باید حدود موضوع مورد مطالعه بطور دقیق روشن شود، یعنی در این تحقیق سئوالها باید صرفاً مربوط به شرایط اقتصادی اجاره‌نشینان باشد.

۲- دوم اینکه اوضاع، شرایط و موقعیتهای توزیع پرسشنامه مانند موقعیت کار، ورزش، غذا، استراحت و ... باید معین شود تا بتوانیم به ساخت داخلی طرز فکرها دست یابیم و به همسانی و ناهمسانی آنها پی ببریم.

فایده‌ای که از این تحقیق مقدماتی حاصل می‌شود، این است که به علل فرضی واقعی رفتارها پی می‌بریم و حساسیت پاسخگویان را در برابر بعضی از پرسشها درک می‌کنیم. باید سئوالهایی را انتخاب کرد که

دقیق گزارش دهد. مثلاً آنچه براساس این سؤال «از سال گذشته به اینطرف چندبار به سینما رفته اید؟ بدست می آید، قابل اعتماد نیست، زیرا، باید محدودیت زمانی ایجاد کرد تا جواب قابل اعتماد باشد. مانند این سؤال: «از پانزده روز پیش تا بحال چندبار به سینما رفته اید؟»

علاوه براین، باید از طرح سئوالهای وسیع و پیچیده مانند سؤال زیر خودداری کرد:

«در باره محیط کار خود چگونه فکر می کنید؟ این سؤال خیلی پیچیده و وسیع است، زیرا پاسخگو نمی داند چه چیز خاصی مطمح نظر است و ضمناً هر چه در جواب بگوید، باز هم کم گفته است.

چگونگی اجرای پرسشنامه

در اجرای پرسشنامه دو مرحله متمایز وجود دارد:

- ۱- برقرار کردن تماس مناسب با پاسخگو
- ۲- بکار بردن اصول وقواعد پرسشنامه در مورد پاسخگو

برقرار کردن تماس مناسب با پاسخگو: قدم اول پرسشگر، جلب همکاری پاسخگوست. بدین منظور، باید توجه او را به مسأله مورد نظر جلب کرد. مخصوصاً باید توضیحات لازم درباره هدفهای سازمانی که دست به تحقیق زده است، داده شود.

بکار بردن اصول و قواعد پرسشنامه در

مورد پاسخگو: يك قاعده بیش از همه باید مدنظر قرار گیرد و آن اینکه، حتماً باید نظم سئوالها رعایت شوند. در تحقیقات هدایت شده و محدود، پرسشگر نباید ابتکار عمل از خود نشان دهد. در کاربرد این نوع وسیله تحقیق، نقش پرسشگر این نیست که طبق خواسته های جوابگو، در پرسشنامه تغییر دهد. بلکه لازم است سئوالهای پرسشنامه را بطور دقیق یکی بعد از دیگری و بدون هیچ تغییری مطرح نماید. در این نوع وسیله تحقیق (مصاحبه محدود) پرسشگر نباید جوابهای مخاطب را تحلیل و توصیف کند.

پرسشنامه باید حتی المقدور میزان شده باشد، یعنی تا آنجا که ممکن است بطور یکنواخت اجرا شود: چون واکنشهای گوناگون پرسشگر در برابر پاسخگویان موجب تحریف پاسخها می شود و از اعتبار پرسشنامه می کاهد. بنابراین، پرسشگر نباید در مقابل هر پاسخ، حالت تعجب یا تحسین و یا انتقاد بخود گیرد، بلکه تنها وظیفه او خودداری از نشان دادن هر گونه واکنشی است.

در مورد سئوالهای باز، در صورتیکه پاسخگو افکار خود را آنچنانکه لازم است گسترش ندهد، پرسشگر می تواند، توضیحات بیشتری از او بخواهد. برای این منظور، پرسشگر باید از جملات کوتاه و غیر تلقینی استفاده کند. هرگاه پاسخگو بنوبه خود سئوالی مطرح کند، از دو حال خارج نیست:

و آرام آرام بسوی سوالات عمومى پیش می‌روند.

هر يك از دو شیوه در جهت تحقق هدفی خاص بکار می‌آید و يك باید در هر حال ساخت پرسشنامه چنان پس‌ریزی شود که هدفهای زیرین تحقق یابند.

۱- تسلسل منطقی بین سؤاها وجود داشته باشد.

۲- هر سؤال با توجه به هدفی معین و با در نظر گرفتن نحوه استخراج آن و نوع استفاده از آن مطرح گردد (اقتصاد پرسشنامه)
۳- از اثر القایی سؤاها بر یکدیگر که با نام اثر هاله (Halo effect) مشخص می‌شود، جلوگیری گردد. این اثر موجبات تحریف پاسخها را فراهم می‌سازد. پس باید تسلسل پرسشها چنان باشد که:

- متعاقب پرسشهای هیجان آفرین، پرسشهای آرامش بخش طرح شوند.

- سؤالهای حساس، نظیر درآمد، آدرس، نام و نام خانوادگی چنان مطرح شوند (معمولاً در اواخر پرسشنامه) که موجبات انحراف در پاسخهای بعدی را بطور عمد از جانب پاسخگو فراهم ناسازند. ساخت پرسشنامه به دو صورت تحقق می‌پذیرد:

۱- طرح خرد که براساس آن هر سؤال در ارتباط متقابل با سؤالهای همسایه خواهد بود.

۲- طرح خوشه‌ای (Cluster) که

یا اینکه منظور پاسخگو صرفاً کسب اطلاعات بیشتری در زمینه هدفهای تحقیق است، یا اینکه در نظر دارد عقاید پرسشگر را درباره سؤالهای پرسشنامه جویا شود. بی‌تردید در مورد اول پرسشگر وظیفه دارد هر چه بیشتر توضیح دهد. اما در مورد دوم، پرسشگر باید صرفاً تذکر دهد که عقیده خاصی در این مورد ندارد. اگر چنین موردی باز هم تکرار شود، پرسشگر موظف است نقش خود را که مستلزم بی‌طرفی کامل است، تذکر دهد.

در مطالعاتی که بر روی جمعیت نمونه‌ای انجام می‌گیرد، معمولاً پرسشگر تمایل دارد از کسانی سؤال کند که طرز فکر آنها در آن مورد با خود او شباهت دارد. پرسشگر باید از این تمایل طبیعی آگاه باشد و مخصوصاً بکوشد امکان تجلی بدان ندهد زیرا در چنین صورتی، جمعیت نمونه، معرف کل جمعیت نخواهد بود.

در مورد نحوه جریان پرسشها در يك پرسشنامه دو شیوه متمایز وجود دارد:

۱- شیوه قیفی (Funneling):

با این شیوه، سؤاها چنان تنظیم می‌شوند که از سؤاهاى عمومى بطور منظم به سؤالاتى ویژه حرکت نماییم؛

۲- شیوه قیف وارونه

(Inverse funneling)

با این شیوه که با نام (funneling) Reversed نیز خوانده می‌شود، ابتدا سؤالهای خاص مطرح می‌شوند و آرام آرام به سؤالات عمومى پیش می‌روند.

تعبیه شیوه‌ای خاص در تعیین جمعیت نمونه (Sample) منتهی خواهد شد.

– در کشورهای مهاجر پذیر، آنگاه که تقاضا بسیار است، نظام سهمیه‌ای برقرار می‌شود. بدینسان که تعیین می‌شود چه میزان از مهاجرین، با چه مشخصات در خلال زمان خاصی (T) قابل پذیرش هستند.

– در مدارس، باشگاه‌ها و هر جا که تعیین حدود خاص ضرورت یابد، تعبیه نظام سهمیه‌ای ضرورت می‌یابد. به فارسی ضریب نیز ترجمه شده است.

Quotient , Intelligence

بهره هوشی

ر. ک. Intelligence quotient

براساس آن، خوشه‌ها یا گروه‌های پرسش با یکدیگر ارتباط می‌یابند. در این صورت پرسشنامه از چند فصل یا خوشه و یا بند تشکیل می‌شود.

ر. ک. Interviewer / Question
Questionnaire , Inverse
پرسشنامه معکوس

ر. ک. Content analysis

نمونه‌گیری سهمیه‌ای Quota sampling
ر. ک. Sampling

نظام سهمیه‌ای Quota system
در زمینه‌های گوناگون بکار می‌رود ،
از آن جمله در:

– در روشهای تحقیق، نظام سهمیه‌ای به

R

Race

نژاد

I- از ریشه هندواروپایی Wrad به معنای ریشه، شاخه گرفته شده است. در جانورشناسی، تیره‌ای را در بین يك نوع خاص از حیوانات می‌رساند، بعنوان مثال، در بین اسبها، اسب ترکمن، با ویژگیهای خاص، نژادی ویژه پدید می‌آورد.

در مورد انسان، پیوست این واژه با ایدئولوژی و سیاست ابهاماتی بسیار و مسائلی فراوان پدید آورده است که بر تعریف آن بی‌اثر نیست و اتفاق نظر را از بین برده است. برخی بر ثبات و تبدیل ناپذیر بودن صفت نژادی تکیه دارند، بعنوان مثال: هوتن (E.A. Hooton) یک نژاد را قسمت بزرگی از انسانها می‌داند که اعضاء آن، هر چند همه دقیقاً یکسان نیستند، لیکن ویژگی آنان بعنوان یک گروه، ترکیب خصوصیات سطحی و

ظاهری و سنجشی و اصولاً انطباق ناپذیر است که از تبار مشترک ناشی می‌شود.»

(Up from the Ape , P. 448)

در حالیکه برخی دیگر، بدون ذکر این نکته بر تکرار ابعاد نژاد تأکید می‌نمایند، : به عقیده کزدگمن (M. Krogman) «يك نژاد عبارت است از زیر گوهی (Sub-group) از مردم با ترکیب معینی از ویژگیهای جسمانی، ناشی از ژن (وراثت)، این ترکیب با درجات گوناگون موجبات تمیز این زیرگروه را از دیگر زیر گروههای انسانی فراهم می‌سازد. این ترکیب با تبار انتقال می‌یابد، به شرط آنکه همه شرایطی که در آغاز آن فراهم ساختند، ثابت بمانند. علی القاعده، این زیرگروه در منطقه جغرافیایی کم و بیش مشخصی زندگی می‌نماید.»

۳- قوم و نژاد

اقوامى چون آریایىها را به غلط يك نژاد و گاه برتر خواندند.

از اینرو، این واژه بیش از آنکه جهات علمى داشته باشد، ابعاد سیاسى و ایده‌آولوژى یافته است، محملی برای کشتار جماعات کثیری از انسان‌ها گشته و تفرق انسان را موجب گردیده است.

و. ک. Racial segregation / Racism / Apartheid

۴- هوش و نژاد

Race and intelligence.

در خلال ۷۰ سال مطالعات هوشی، ملاحظه شده است که گروه‌های نژادی دارای تمایزهایی از این دیدگاه هستند.

جنسن (A. Jensen) روانشناس امریکایی عقیده دارد که ۸۵٪ هوش تابع وراثت و ۱۵٪ آن منبعت از محیط است، با این نظریه، او نتیجه می‌گیرد که سیاهان کمتر از سفیدپوستان از این استعداد برخوردارند. لیکن، دیگران، براین نظر انتقاداتی بدینقرار وارد کرده‌اند:

— سیاهان از نظر محیطی از امکانات کمتری در جهت شکوفایی استعداد و پرورش آن برخوردارند.

— سیاهان از ابزار بیانی گسترده کودکان سفیدپوست که در آزمونهای مکتوب هوشی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بی‌اطلاعتند.

(What we do not know About

Race ,
PP: 97-104)

II- بطور کلی، ویژگی‌هایی را که بالنسبه بیشتر برای نژاد پذیرفته شده است، چنین می‌توان خلاصه نمود:
— اتکاء بر مشخصات جسمانی، نظیر رنگ پوست، چشم، قد و...

— پذیرش ضمنی تأثیر مشخصات جسمانی بر حالات روانی نظیر اندیشه، رفتار و...
— اتکاء بر طبیعتی و ارثی بودن مشخصات جسمی.

— تأکید بر خلوص گروه‌های نژادی و عدم اختلاط.
— اتکاء بر دائمی بودن این مشخصات و عدم تغییر آنان بر اثر اکتساب.

III- ابعاد هیجانی و ایده‌آولوژیک نژاد موجبات بروز ایهاماتی را در کاربرد نژاد و واژگان دیگر فراهم ساخته است، نظیر:

۱- نژاد و ملت:
ملت بر مرزهای قراردادی متکی است و نمی‌توان پذیرفت همه کسانی که در درون مرزهای یک ملت زندگی می‌کنند، از نژاد یکسان باشد.

۲- نژاد و زبان
بعنوان مثال، گاه بجای آنکه گفته شود، زبان لاتینی، گفته می‌شود. نژاد لاتینی.

— تمایزهای فرهنگی نیز عاملی در کمی نمرات هوشی سیاهان است، بدینقرار که معیارهای آزمون هوشی از محیط حیات شهری و مخصوصاً طبقه متوسط اخذ می شود، و حال آنکه فرزندان سیاه پوست با این معیارها بیگانه اند.

Race antipathy

نامهربانی منبعث از نژاد

بیگانگی انسانهای متعلق به نژادهای گوناگون است که می تواند بی تفاوتی یا حتی خشم و تنازع را موجب گردد.

Race conflict کشمکش نژادی

کشمکش بین دو یا چند گروه بر پایه تعلق نژادی و ناشی از آگاهی نژادی.

Race consciousness آگاهی نژادی

آگاهی از تعلق خویشتن به يك گروه نژادی و تمایز از دیگر گروهها. این تعلق، معمولاً حاوی بار عاطفی است و در مواردی عقاید قالبی نژادی (Race stereotypes) را برمی انگیزد.

Race contact تماس نژادی

روابط متقابل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی ... بین اعضاء متعلق به دو یا چند نژاد. در مواردی چون آپارتاید، تماس بین نژادها (۱) از جانی به حداقل می رسد، (تجزی- نژادی). (۲) از جانب دیگر، هر تماس صرفاً در جهت بهره کشی از نژاد محروم صورت می گیرد.

Race feeling احساس نژادی

هر احساس که از تعلق نژادی مایه گیرد. این احساس می تواند مثبت (مهرورزی و...) و یا منفی (کین و نفرت و...) باشد. در بسیاری از موارد، احساسات منبعث از تعلق ملی جایگزین احساس نژادی می شوند.

Race mixture

آمیزش نژادی-اختلاط نژادی

در اصطلاح، پیدایی روابط جنسی بین دو یا چند نژاد را می رساند که نتیجه آن پیدایی نژادی دیگر است که با نام دورگه خوانده می شود.

Apartheid / Miscegenation ر. ک.

Race prejudice پیش داوری نژادی

انتساب ویژگیهای ذهنی، روانی، جسمانی و اخلاقی معمولاً بست به نژادی خاص، بدون بررسی شخصی، عینی و یا وجود دلایلی قانع کننده از نظر استدلالی.

Race relations روابط نژادی

روابط نژادی می تواند صوری چون طرد اجتماعی (Ostracism)، جذب یا همانندی (Assimilation) یا بد.

Race suicide خودکشی نژادی

مفهومی از تئودور روزولت خطاب به گروهها و طبقاتی که یا تن به ازدواج نمی دهند و یا آنکه تعداد فرزندان شان را به حداقل تقلیل می دهند. آنچنانکه جایگزینی نسل صورت پذیر نشود.

Racial dichotomy**دوگانگی نژادی**

تقسیم جامعه بر پایه دو نژاد با تفاوت‌های
بسیاری از نظر امکانات، فرصت‌ها و...

Racial difference تفاوت‌های نژادی

تفاوت‌های جسمی، روانی یا فرهنگی بین
افراد متعلق به گروه‌های نژادی. نژادپرستان،
این تفاوت‌ها را ارثی و منبعث از اسلافی
مشترک، مستقل از محیط پیرامون می‌شناسند.
در اکثر موارد، این تفاوت‌ها فرهنگی و یا
ناشی از جغرافیای محل می‌باشند، همین
تفاوت‌ها، به‌هنگام آمیزش با پیشداوری‌ها تبلور
یافته بعنوان انگ یا مظهر تبعاضی شناخته
می‌شوند. بررسی پستمن (Postman) دال
بر این مدعا است:

prejudice

ر. ک:

stereotypes

A Partheid

Racism

Racial discrimination**تبعیض نژادی**

Albocracy

ر. ک.

Racial endogamy**درون همسری نژادی**

Endogamy

ر. ک.

Racial exclusion**طرد نژادی**

Ostracism

ر. ک.

Racial hegemony**سلطه نژادی**

تسلط يك گروه با ویژگی‌های خاص

نژادی بر دیگران.

Albocracy

ر. ک.

Racialism اعتقاد به برتری نژادی

اسناد تفاوت‌های ارثی به دو گروه که از
نظر رنگ پوست و سایر ویژگی‌های بدنی از
یکدیگر تفاوت دارند، از دیدگاه فرهنگی.
این عقیده در قرن نوزدهم موجب
گردید که سیاهان را با دیدی خاص مورد
مطالعه قرار دهند. دانشمندان قبل از هر
تحقیق، می‌پذیرفتند که سیاه از نظر فرهنگی
پست‌تر از سفیدپوست است. بعدها نژادپرستی
از این اعتقاد منشاء گرفت.

Racial pluralism چندگرایي نژادی

— در معنای عام، توزیع قدرت سیاسی
است بین افراد متعلق به نژادهای گوناگون
در درون مرزهای ملی.

— در معنای خاص، مشارکت سیاهان در
مدیریت سیاسی است.

Racial segregation تجزى نژادی

مجزا ساختن انسان‌ها بر پایه تعلق نژادی
آنان.

Racial regulations مقررات نژادی

مجموعه قوانینی است که با توجه به تمایز
نژاد و مخصوصاً اولویت يك نژاد بر نژاد
دیگر پدید می‌آیند.

Racial tolerance (Rate of)**مدارای نژادی**

اندازه‌گیری ضریب تعصب در برابر

افراد نژاد یا نژادهای دیگر و یا پذیرش آنان است. بسیاری از روانشناسی اجتماعی در امریکا، با توجه به نیاز آن جامعه به سنجش مدارای نژادی پرداختند.

Racism

نژادپرستی

I - برداشت نادرست از نژاد، پیدایی نژادپرستی را موجب می گردید که آئینی تعصب آورد و فاقد ابعاد علمی است. در تعریف آن بندیکت (R. Benedict) می نویسد: «نژادپرستی، عبارت است از این تعصب که یک قوم بطور طبیعی و ارثی محکوم به خواری و قوم دیگر برخوردار از برتری (بطور ارثی) است.»

(Race, science and politics P. 98)
کوماس (J. Comas) می نویسد:

«نژادپرستی از پذیرش صرف یا مطالعه عینی و علمی واقعیت نژاد و نابرابری کنونی گروههای انسانی جدا است. در نژادپرستی تأکید می شود که این نابرابری مطلق و غیر مشروط است، به این معنی که یک نژاد ذاتاً و به خاطر ماهیتش و مستقل از ویژگیهای جسمانی افراد آن و همچنین عوامل اجتماعی، برتر یا پایین تر از دیگر نژادها است.»

(«Racial myths» in the Race

Question in modern Science,

PP. 52-3)

بدینسان، نژادپرستی بطور ضمنی در آثار بسیاری از اندیشمندان دیده شده است. بسیاری را عقیده بر این است که کنت-

دگوبینو (Comte de Gobineau) اولین صاحب نظر برجسته در نژادپرستی است. او با کتابش تحت عنوان «مسائلی در باره نابرابری نژادهای انسانی» (Essai sur L' inégalité des races Humaines) که در سال ۱۸۵۴ به نگارش درآمد، این مبحث را مورد تأکید قرار داد. لیک، باید تندترین مدافع آن را چامبرلین (H. S. chamberlain) دانست.

II - نژادپرستی همچنانکه از نامش بر می آید، موجبات پیدایی روابطی بین مدعیان نژاد برتر و گروههای وابسته به نژاد به اصطلاح پست را فراهم می آورد که برخی از آنان چنین اند:

Relations based on - discrimination

روابط مبتنی بر تبعیض

در چارچوب نژادپرستی و بعنوان نتیجه اجتناب ناپذیر آن امتیازها، امکانات، فرصتها و هر آنچه حائز ارزش است در انحصار گروه برتر نژادی و هر آنچه غیر ممتاز، مادون و ناشی از رنج و تحمل است به گروه به اصطلاح «پست» تعلق می گیرد.

Relations based on domination

روابط مبتنی بر تسلط

Relations based on segregation

روابط مبتنی بر جدایی

Relations based on -

matrimonial isolation

روابط مبتنی بر جدایی از نظر زوجیت
با تحریم ازدواج بین نژادها

**Relations based on -
extermination**

روابط مبتنی بر نابودسازی نسل

III- در معنایی وسیعتر نژادپرستی را هر گونه عملی می‌دانند که موجبات ارائه امتیازاتی خاص را به گروهی ویژه براساس خصوصیات جسمانی و یا قدرت پدید آورد. در تاریخ، مکاتب سیاسی خاصی، نژادپرستی را سنگ اصلی بنای خود قرار دادند که مهمترین آنان نازیسم (Nazism) است که با نظریه مبتنی بر پان ژرمنیسم (Pan-germanism) به جنایات هولناکی علیه انسانیت دست زد.

نژادپرستی بر پایه منهیاتی که پدیدمی‌آورد و با توجه به درجات آنان، اشکال خاصی از روابط اجتماعی که تعبیه می‌کند و همچنین صور خاصی که در قوانین اجتماعی بوجود می‌آورد، انواع بسیاری می‌یابد که یکی از مهمترین آنان آپارتاید (Apartheid) است که در آفریقای جنوبی تجلی یافته است.

ر. ک. Albocracy, Race, Apartheid

Radcliffe - Brown

رادی کلیف براون (Alfred Reginald)

انسانشناس انگلیسی است، (۱۹۵۵-)

(۱۸۸۱) در آغاز به تحقیق درباره مردم

جزایر آندامان (Andaman) و سپس استرالیا پرداخت. بعضی از خطوط برجسته آثار و شیوه‌های اندیشه‌اش چنین‌اند:

- تأکید بر ابعاد اجتماعی در انسانشناسی (Social anthropology) که برخلاف دیدگاه‌های تاریخی و جسمانی (Somatic) معاصرانش بدان پرداخت. از این رو باید او را به همراه مالینوسکی از مبدعین انسانشناسی اجتماعی خواند.

- تأکید بر ابعاد کارکردی پدیده‌های حیات اجتماعی، از این دیدگاه باید وی را از بنیان کارکردگرایی (Functionalism) شناخت.

- تأکید بر ابعاد مقایسه‌ای در شناخت پدیده‌های اجتماعی بر مبنای جامعه‌شناسی مقایسه‌ای. زندگی رادی کلیف براون خود نمونه‌ای از این دیدگاه فکری او بود. او به تدریس نه تنها در انگلستان بلکه در آفریقای جنوبی، شیکاگو و سائو پائولو پرداخت.

- تأکید بر خروج از نظریه بافی و برخورد با واقعیت حیات اجتماعی. باید در این زمینه پذیرفت که هر چند براون خود کمتر به کار تحقیق در بطن جامعه پرداخت، لیک از پیروان سرسخت چنین شیوه کار بود. بعضی از آثارش چنین‌اند:

The Andaman Islanders.
A Natural science of society.

Social organization of Australian tribes. Essays and addresses. Structure and function in primitive society. African systems of kinship and marriage.

ریشه‌ای - بنیادی Radical

از نظر لغوی از ریشه و اصل منشعب می‌شود. در علم انسان به اندیشهٔ آنانی اطلاق می‌شود که اقداماتی تند، سخت و ریشه‌ای را در بهبود جامعه خواهانند و دیگر گونیهای بنیادی را در امور سیاسی-اقتصادی طلب می‌کنند.

Radicalism

هواخواهی دیگرگونیهای بنیادی - بنیان‌نگری

I- از مفهوم Radix به معنای ریشه اخذ می‌شود و نظر آنانی را که هواخواه تغییرات اساسی و سریع در جامعه‌اند، می‌رساند.

II- در اکثر موارد، به اندیشه یا آئین کسانی اطلاق می‌شود که دارای افکار سیاسی چپ‌گرا هستند. در مقابل آنان، لیبرالها، میانه‌روها، و سپس محافظه‌کاران قرار می‌گیرند. در آنطرف طیف سیاسی مرتجعان قرار می‌گیرند که متعایل به بازگشت به نهادها و سازمانهای دیرین‌اند. علیرغم این تفکیک، در سالهای اخیر، سخن از راست بنیان‌نگر نیز به میان آمده‌است. بی (D. Bell)

از گروهی که لیپست (S. M. Lipset) راست بنیان‌نگر می‌نامد، سخن می‌راند، «به جهت آنکه ضمن رعایت حقوق فردی در برابر محافظه‌کاری سنتی قرار می‌گیرند، هم‌بدان جهت که الگوهای نوینی در حیات امریکایی پدید آورده‌اند.»

(The End of Ideology,
P: 100)

با افراط‌گرایی (Extremism) که شامل هر مکتب تند و افراطی است اشتباه نشود.

Radical sociology

جامعه‌شناسی بنیان‌نگر

مظهر کوشش در بردن نتایج دانش-اجتماعی به اعماق توده‌ها و سعی در بکارگیری حاصل کار پژوهش در جامعه‌شناسی است. همچون واکنشی است در برابر آنان که این دانش را صورتی طبقاتی بخشیده همچون ابزاری در خدمت طبقات برتر قرار دادند.

پس باید بزعم صاحب‌نظران این رشته، جامعه‌شناسی از خدمت به طبقه متوسط رو به بالا بیرون‌آید تا قالبهای این طبقه را بر دیگر طبقات جامعه تحمیل ننماید و دیگر گونیهای بنیادی پدید آید.

II- در این شاخه از جامعه‌شناسی، سعی در درک اعماق جامعه، شناخت مسائل توده‌ها با شرکت در حیات آنان، شنیدن

اندیشه‌ها، مسائل و تحلیل‌دنیای خاص روانی آنان و بالاخره کاربرد اسناد و مدارك مربوط به حیات انسانها و... بعمل می‌آید.

III- بسیاری هاركس و انگلس را

پیشگامان این رشته می‌دانند، ليك باید از بسیاری دیگر نیز نام برد، از جمله:

- هربرت اسپنسر (H. Spencer) با اثرش تحت عنوان «مطالعه جامعه‌شناسی» (*The Study of Sociology*) که در سال ۱۸۷۴ انتشار داد.

- لیپرت (J. Lippert) با اثرش تحت

عنوان تحول و فرهنگ (*Evolution of culture*) که در سال ۱۸۸۳ منتشر ساخت.

- فرانک وارد (L. Frank. Ward) و سامنر (W. G. Sumner) به عنوان اولین و دومین رؤسای انجمن جامعه‌شناسان امریکا. *Ethnomethodology, Participant observation.*

اشتباه تصادفی Random error

Random mating

گزینش همسر بطور تصادفی

ر. ك. Assortative mating

اعداد تصادفی Random numbers

نمونه تصادفی Random sampling
ر. ك. Sampling

برد، دامنه تغییر، گستره Range

شیوه‌ای در سنجش پراش در درون توزیع فراوانی است با کاستن کوچکترین

ارقام از بزرگترین آنان. بنا بر این، اگر قد بزرگترین فرد مورد مشاهده در يك جمعیت نمونه يك متر است و کوچکترین ۵۰ سانتیمتر، دامنه تغییر ۵۰ سانتیمتر است.

رتبه Rank

شکلی خاص از پایگاه یا موضع يك فرد یا گروهی از افراد در داخل يك جمع که با درجه اعتبار، آبرو، قدرت و حقوق و مزایای او (آنان) در مقایسه با اعتبار، قدرت، حقوق و امتیازات دیگران در همان جمع، سنجیده می‌شود.

رتبه‌بندی Ranking

تجاوز جنسی Rape

استفاده از جسم يك زن بقصد دفع شهوت که می‌تواند بزور و علیرغم میل او (در مورد يك زن بالغ) و یا بمیل او صورت گرفته باشد (در مورد دختر نابالغ) این عمل می‌تواند از نگاه به آلات تناسلی زن تا ارتکاب عمل جنسی با وی ادامه یابد. ر. ك. Adultery/ Fornication.

Prostitution/ Exhibitionism.

میزان Rate

با توجه به کاربرد وسیع این واژه لازم است توضیح داده شود (۱) این شاخص مقید به زمان است برای دوره‌ای معین که معمولاً یکسان است محاسبه می‌شود (۲) مخرج کسر معمولاً جمعیت میانه (P) است.

میزان باروری Rate, Birth

ر. ك. Birth rate

Rate , Crime	میزان جرم	هستند) ، ضرب در تعداد سالهای يك گروه
Crime rate	ر. ك.	سنی و ضرب حاصل آن در درصد زنان به
Rate , Crude , of natural increase	میزان ناخالص رشد طبیعی	هنگام تولد و بالاخره ضرب حاصل نهایی
Crude rate of natural increase	ر. ك.	در ۰.۰۱٪ بدین ترتیب، محاسبه میزان تجدید
		نسل در سال ۱۹۵۰ توسط پترسون (W. Peterson) بدینقرار صورت گرفته
		است:
Rate , Death	میزان مرگ و میر	میزان باروری
Death rate	ر. ك.	بر حسب سن
Rate , Intrinsic, of natural increase	میزان افزایش جمعیت	۸۰
Intrinsic rate of natural increase	ر. ك.	۱۹۲/۵
		۱۶۳
		۱۱۰/۵
Rate, True, of natural increase	میزان افزایش خودجوش (در جمعیت ثابت)	۵۱/۲
True rate of natural increase	ر. ك.	۱۴/۶
		۱/۱
		۶۰۳/۹
Rates of reproduction	میزان تجدید نسل	میزان ناخالص (خام) تجدید نسل
	در شناخت تجدید نسل از دو شاخص	برای يك زن = $۵ \times ۶۰۳/۹$ (سالهای يك
	زیر استفاده بعمل می آید:	گروه سنی) $۲۸۷ \times$ (درصد زنان بهنگام
Gross reproduction rate	۱- میزان خام تجدید نسل	تولد) $۱/۲۷ = ۰.۰۱ \times$
	حاصل جمع میزان باروری بر حسب سن ^۱	(Population , PP: 624-5)
	برای گروههای سنی در يك جامعه خاص و	Net reproduction rate
	زمان معین (که در سنین خاص باروری	۲- میزان خالص تجدید نسل
		با همان روشی بدست می آید که میزان
		ناخالص تجدید نسل با این تفاوت که، قبل

۱. میزان باروری بر حسب سن (Age specific fertility rate) عبارتست از شمار متولدين در يكسال خاص بر حسب ۱۰۰۰ زن، در يك گروه سنی که معمولاً شامل پنج سال می شود.

از جمع کردن میزانهای باروری برحسب سن (در گروههای سنی)، هر يك در نسبتي از آن جمعیت که زنده میمانند، (میزان مرگ و میر برحسب گروه سنی) ضرب می گردد.

بر اساس نظریه پترسن (op cit : 278) با پذیرش این فرض که در نسبتهای باروری که برحسب گروههای سنی در جریان دو نسل متوالی تغییری پدید نیاید و تا پایان سن قابلیت باروری و مرگ و میر نیز رخ ندهد، میزان ناخالص تجدید نسل، با نسبت تولید مثل دختران مساوی خواهد بود.

بدینقرار، با پذیرش این فرض که میزانهای باروری برحسب گروههای سنی در امریکا در سال ۱۹۵۰ (ارقام بالا) تا مدت زیادی تغییر نمی نماید، و مرگ و میری نیز تا پایان سن قابلیت باروری زنان در امریکا رخ ندهد، می توان گفت گروه سنی هزار نفری زنان در امریکا متولد در سال ۱۹۳۵ که تا پایان سال ۱۹۸۵ (تا پایان سن قابلیت باروری) زنده مانده ۱۴۷۰ دختر بدینا خواهد آورد (حال که میزان متوسط تجدید نسل در امریکا در سال ۱۹۵۰ طبق احتساب بالا ۱/۴۷ گردید) ر.ك: تك

رده بندی Rating scale

ابزاری که موجبات تجلی کمی، عینی و قابل مقایسه داده ها را فراهم می سازد.

Ordinal scale ر.ك:

نسبت Ratio

رابطه بین دو کمیت با تقسیم یکی بر دیگری مانند نسبت بین زنان و مردان در يك جمعیت خاص و زمان ویژه.

Ratio , man-land

نسبت انسان - زمین

Man-land ratio ر.ك.

عقلانی، معتدل Rational

در فارسی واژگانی دیگر نظیر بخردانه، عاقلانه و خردآمیز نیز بعنوان معادل آن بکار رفته است.

رفتار عقلانی Rational behavior

یکی از اصولی است که اقتصاد کلاسیک بر آن بنا شده است. بر پایه باورهای این مکتب، انسان اقتصادی (economicus - Homo) آگاه است و دارای رفتاری عقلانی. پس باید او را در کار اقتصادی آزاد گذارد و دخالت دولت باید در حد تنظیم امور و تأمین نظم جامعه تقلیل یابد.

Economic Liberalism/Homo- ر.ك.
economicus/ Orthodox school ,
Individualist school / Classical
school.

Rational cognition

شناخت عقلانی

Rationalism ر.ك.

گزینش عقلانی Rational selection

Selection ر.ك.

Rationalism	خردگرایی	Rationing	جیره‌بندی
آیینی است خاص در اندیشه که خرد را محور دانایی انسان می‌داند. شناخت را جز از طریق خرد و کاربرد منظم آن میسر نمی‌داند؛ این طرز اندیشه که با دکارت‌گرایی (Cartesianism) نزدیک است در برابر ناشناخت‌انگاری (Agnosticism) و عرفان (Mysticism) قرار می‌گیرد.		Raw data	داده‌های خام
		اطلاعات جمع‌آوری شده در یکی از مراحل تحقیق، بدون آنکه مورد تحلیل آماری قرار گرفته باشند.	
		Raw material	مواد خام-مواد اولیه
		Reaction	واکنش
		در برابرکنش یا عمل (Action)، واکنش یا عکس‌العمل بعنوان پاسخی منطبق با آن بشمار می‌آید. چنانچه کنش و پاسخ آن (واکنش) بطور متقابل تداوم یابند شاهد تعامل (Interaction) خواهیم بود. در صورتیکه واکنش بدون اندیشه و اراده صورت‌پذیر، بازتاب (Reflex) خوانده می‌شود.	
Rationality	جهات‌عقلی، عقلانیت		
Rationalization	عقلانی‌کردن- کاربرد شیوه‌های عقلانی	Reactions, types of	انواع واکنش
این مفهوم در جامعه‌شناسی جدید توسط ماکس وبر (Max Weber) رونق یافت. وی آن را بهنگام تشریح سازمانهای اداری بکار می‌برد؛ او ملاحظه می‌کرد که کاربرد شیوه عقلانی، همواره در جهت هدفهای عقلانی نیست، (کشتن میلیونها نفر توسط نازیها) و یا آنکه باز عقلانی کردن شیوه عمل همواره در جهت هدفهای مادی صورت نمی‌پذیرد (مانند تنظیم سازمان درونی کلیسا بر حسب شیوه‌های عقلانی). لیک، در جامعه‌شناسی، این مفهوم بمعنای کاربرد معیارهای منطقی، عینی و غیرشخصی در تنظیم روابط در داخل سازمانهای جدید است. همچنین، عقلانیت کردن در نظام تولید زنجیری و یا توزیع کالاها در جهت ارتقاء کارآیی بکار می‌آید.		Alternative reaction	واکنش تواتری
		Calculative ~ pragmatism	واکنش حساب‌گرانه ~ ر. ک.
		Chain ~	واکنش زنجیری
		یا واکنش متسلسل یا تسلسلی که موجبات بروز واکنشهای بعدی را فراهم سازد.	
		Circular ~	واکنش دوری
		Feed - back. Vicious circle	ر. ک. .
		Immediate ~	واکنش فوری
		در برابر واکنشهای تأخیری، غیرآنی.	
		Linear ~	واکنش خطی
Taylorism	ر. ک.	Spontaneous ~	واکنش ارتجالی

Reaction subculture

خرده فرهنگ واکنشی

فرهنگی معمولاً کوچک که در درون فرهنگ يك جامعه و بعنوان واکنشی در برابر آن پدید می آید. این مفهوم را در ابتدا کوهن (A. Cohen) وضع کرد. خرده فرهنگ واکنشی می تواند مبتنی بر طغیان، بی بند و باری و یا انحراف باشد (نظیر ضد فرهنگها، هیپی ها و... که در برابر جامعه خردگرا، بسیار صنعتی و حسابگر پدید آمدند) و یا آنکه بر پایه اثار، تقوی و اصالت قوام یابد که باز در رنج از انحطاط کل فرهنگ و در واکنش نسبت بدان نضج پذیرد.

Youth culture.

ر. ک.

Counterculture/ Communion.

Reactionary

ارتجاعی

شخص، نهضت و یا هر عاملی که در صدد ممانعت از عمل نیروهای پیشرو بر آید و بازگشت به گذشته را موجب گردد.

Regression / Retrogression

ر. ک.

Reactionism

ارتجاع

آیینی در اندیشه که روی به گذشته دارد و احیاء آنرا مورد توجه قرار می دهد.

Reactive effect

اثر واکنشی

در تحقیقات عملی در علوم انسانی، معمولاً پاسخگو از اینکه مورد آزمون قرار می گیرد اطلاع دارد و این آگاهی بر رفتار

بعدی تصنعی می دهد، که مانع تبیین نتایج آزمون می گردد. این بعد از رفتار اثر واکنشی خوانده می شود.

Readaptation

انطباق مجدد

Adaptation

ر. ک.

Readjustment

سازگاری مجدد

Adjustment

ر. ک.

Real

واقعی

Realfaktoren

عوامل واقعی

در برابر مفهوم اندیشه های مجرد (Ideal faktoren) قرار می گیرد. واژه ای است که نخست ماکس شلر (Max scheler) بکارش برد و بمعنای عوامل و شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و روانی خاصی است که موجبات تجلی اندیشه های مستقل و مجرد را در واقعیت فراهم می آورد.

Sluice - gates Analogy ,

ر. ک.

Ideal faktoren-

Real wage

دستمزد واقعی

در برابر دستمزد اسمی (Nominal wage)، میزان دستمزد با در نظر گرفتن قدرت واقعی خرید آن است.

Wage/ Nominal wage

ر. ک.

Realism

واقع گرایی

I- در علم، توجه به واقعیت است آنچه آنکه هست؛ در برابر ایده آلیسم (Idealism)، وهم ذهن گسواپیسی (Subjectivism). از این دیدگاه،

واقع گرایی بمعنای رهایی از خرافات و عقاید قالبی است که پدیده‌های جهان هستی را می‌پوشانند و مانع درك درست آنانند.

II- واقع گرایی را نباید با مفاهیم زیرین مشتبه کرد.

الف: واقع گرایی را نباید با واقع نگاری یکسان پنداشت. چه، نویسنده یا پژوهشگر واقع گرا، تنها به توصیف واقعیت در سطح اکتفا نمی‌کند. تشریح سطحی يك فقیر و يك ثروتمند می‌تواند چنان گمراه کننده باشد که با اصول واقع گرایی تمایز یابد. چه، با تشریح ساده و سطحی لباس؛ رفتار و حتی بوی فقیر، خواننده را از پدیده فقر چنان منزجر می‌کنیم که فقر را سیاه و فقیر را غیر قابل پذیرش ببیند. در مقابل توصیف ساده و سطحی ثروتمند چنان خواهد بود که خواننده را گرایش به تماس و دیدار آن فراهم آید و حال آنکه قدمی از آن (واقع-نگاری) فراتر نهادن و تشریح عللی که موجبات فقر آن فقیر را فراهم کرده‌اند، می‌تواند چنان گرایش یا شفقتی در خواننده پدید آورد که او (فقیر) را نه تنها زشت و غیر قابل معاشرت نبیند، بلکه چهره‌ای زیبا از آن در ذهن خود یابد. بدین‌قرار، ضمن آنکه در واقع-گرایی، عینیت-گرایی (Objectivism) نهفته است، ابعاد دیگری نیز در آن به چشم می‌خورد که آنرا فراتر از عکاسی ساده جامعه قرار می‌دهد.

ب: نباید واقع گرایی را با واقع پذیری مشتبه کرد. چه، پذیرش بی‌چون و چرای واقعیت بهمان نسبت خطرناک است که واقع-ستیزی. واقع پذیران آنانی هستند که هرگز در صدد بهبود شرایط پیرامون نیستند و بنوعی محافظه‌کاری (Conservatism) و نو بیزار (Misoneism) و حتی هم‌نوایی (Conformism) یعنی خود را همانند دیگران ساختن، گرفتارند.

پ: نباید واقع گرایی را توصیف یا حتی تشریح دقیق وقایع خاص و استثنایی جامعه دانست. درست است که در يك جامعه همه شرایط قابل تحقق‌اند، اما فقط آنچه از همه مهم‌تر است و رایج‌تر و عام‌تر، در کار تحلیل واقع گرایانه می‌گنجد. بعنوان مثال در هر جامعه حتی در سخت‌ترین شرایط آن، هستند مردمی که مشغله بزرگ حیات آنان انطباق رنگ با ناخن آنان با روژ لب‌هایشان باشد، اما آیا باید این چنین افراد پراکنده‌ای را، مردمی و اساسی جامعه و مسائل آنان را، اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین مسائل مبتلا به جامعه دانست؟ همچنین، در واقع گرایی برهه‌های خاص و استثنایی حیات تپه‌های رایج جامعه نیز مطرح نیستند.

بدینسان يك پژوهشگر یا نویسنده واقع گرا نه تنها به کالبدشناسی واقعیت دست می‌زند، بلکه علل و عوامل ساختنی پدیده‌ها را مطرح می‌کند. او بر این اعتقاد است که مبارزه با آسیب‌های اجتماعی تنها از طریق سرکوب سطحی آنان میسر نیست. چه، در

قرار داد. پس از انجام این امر به بازیابی پیدایش، تغییرات، تحولات یکنواخت و جهش واقعیت مورد نظر پرداخت و اساسی ترین فعل و انفعالات آنرا مطالعه کرد. او در پژوهشهای خود هرگز يك پدیده را بعنوان يك چیز منفرد که در انزوا و بدون هیچگونه روابط محیطی زندگی می کند به دیده تحقیق نگاه نکرد. بلکه دستگاه بفرنج دنیایی را که جاودانه در گردش است در بومه آزمایش نهاد. (۱) هیترا : رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات، (ص ۲۸)

اما، با وجود همه این اصول که مورد پذیرش و رعایت در کنکاش علمی واقعیت است، واقع گرایی از آن نیز فراتر است. يك نویسنده یا پژوهشگر واقع گرا کسی نیست که تنها واقعیت را بطور دقیق بشکافد و عناصر اساسی آنرا معرفی کند. بلکه او، باید خود پاسخی درست در برابر واقعیت ارائه دهد. از اینرو همه کسانی که به تحلیل درست واقعیت پرداختند ولی در عمل خود راهی درست در برابر آن ارائه نکردند، واقع گرایی نام بحساب نمی آیند. نویسنده شهیر جنگ و صلح (تولستوی) آنگاه که خود در غرقاب تشنجات روحی یکباره دست از خانه و زندگی می شوید و در کنج صومعه ای پناه می گیرد، خود پاسخی درست به مسائل حیات اجتماعی ارائه نکرده و الگوی مناسبی در راه سخت و پرسنگلاخ واقع گرایی نداده است پس، گرایش اصیل به واقعیت، نه تنها يك

اینصورت مسئولین جامعه همان کاری را خواهند کرد که پزشکی ساده اندیش با دمل بیمارش. چنانچه دمل را در سطح بنگرد و در صدد علاجش بر آید، در نهایت به قطع دست خواهد انجامید، اما کار به اینجا نیز پایان نمی پذیرد. چه، فردای همانروز دملی دیگر از جایی دیگر در بدن بیمارش پدیدار می شود؛ شاید آنروز پزشك به اندیشه درمان علت دملهای چرکین افتد ولی دیگر دیر است و بیمارش بسی دست، پس نویسنده یا محقق واقع گرا دست از مبارزه با معلولها که در سطح یا قشر روئین جامعه تبلور می یابند برمی دارد به اعماق یا آنجا که شبکه های علی جای دارند، رسوخ می کند؛ بدینسان، واقع گرایی بمعنای توجه به همه ابعاد پدیده هاست؛ دیدی تام و کامل داشتن و به اصطلاح ژرژ گوردیچ (G. Gurvitch) همه لایه ها و سطوح پدیده را دیدن و در نهایت پدیده های تام اجتماعی (Social total phenomenon) را شکافتن. شاید بیان لاخادگت تجسم این هدف در کار واقع گرایی باشد:

او که در باب زندگی یکی از اندیشمندان واقع گرای آلمانی می نوشت، چنین از او یاد می کند: او تنها به پژوهش قشری اکتفا نکرد، بلکه در عمق فرو رفت، اجزاء ترکیب کننده را در دایره تأثیرات متقابل آزمایش کرد. هر يك از اجزاء را مجزا کرد و به پی گردی تاریخ حیات آن مشغول شد. سپس عمل اولی را بر دومی و بالعکس مورد تحقیق

پدیده روانی است، بلکه با عمل و کردار نیز
سنجیده می شود. هر کس نمی تواند مدعی آن باشد

مگر آنکه از جهاتی بسیار محک یابد
III- با آنچه آمد اهمیت خاص
واقع گرایی در دنیای فلسفه علم و ادب
مشخص می شود؛ با توجه به همین اهمیت،
صور خاصی از واقع گرایی در دانش اجتماعی
 مطرح است که اهم آنان بدین قرارند:

واقع گرایی قانونی Legal realism
کوششی است در جهت مشخص ساختن
تناسب یا عدم تناسب قانون و واقعیت. بر
پایه بیان آگبرن (Ogburn). پدیده های
حقوقی دچار نوعی تصلب (Fixism)
گردیده از حرکت هماهنگ با واقعیت زمان
عاجز می مانند. از بنروست که با زمانه بیگانه
می شوند و ناهنگام (Anachronic) خوانده
می شوند. اگر بن این پدیده را ناشی از
دیر کرد فرهنگی (Cultural lag) می داند
که بر اساس آن دنیای مادی همواره آمادگی
بیشتری در قبول نوآوریها و حرکت دارد
در حالیکه در زمینه امور و مسائل فرهنگی چنین
نیست. در واقع گرایی قانونی از علوم بسیار
استفاده می شود و هدف بهنگام سازی قوانین
است.
ر. ک.

Cultural lag

واقع گرایی اجتماعی Social realism
- واقع گرایی اجتماعی یا درست تر
واقع گرایی جامعه شناختی

(Sociological realism)، در برابر
نام گرایی (Nominalism) قرار می گیرد
که بر اساس آن جامعه متشکل از افراد است
و بنابراین واقعیت خاص و متمایزی بنام
واقعیت اجتماعی وجود ندارد. از دیدگاه
واقع گرایان اجتماعی دولت، جامعه، فرهنگ
گروهها و... ماهیتی جدا و فراتر از افراد
تشکیل دهنده آن دارند.

- تاریخچه اندیشه واقع گرایی
اجتماعی طولانی است: برخی در مکالمات
افلاطون بدان رهیافته اند، ولی در قرون
جدید، کوششهای وسیع دودکیم در جهت
اثبات آن تحقق یافت. تقریباً همه آثار دودکیم
مخصوصاً قواعد روش جامعه شناسی مظهر
کوششی در جهت اثبات تمامیت و استقلال
واقعیت اجتماعی است. دودکیم بر اهمیت این
واقعیت تأکید داشت. وی آن را بر سر
ورای افراد تلقی می نمود و در نهایت به
وجدان جمع می رسید. اندیشه گروهی دیگر،
که اصطلاحاً آنانرا انداموشی انگاران
(Organicists) می دانند نیز بر همین محور
جریان می یابد. در راس آنان رادکلیف
براون بر این ادعا بودند که جامعه کلی متشکل
و پیوسته می سازد. هر عضو دارای کارکردی
در انطباق با کارکرد کل جامعه است. هیچ
عضو یا عنصر مستقل از کل معنی نخواهد
یافت.

- از خلال جریانهای اندیشه بعد
از دودکیم، نظرات سودوکیس
(P.A. Sorokin) در این مورد از دقت

بیشتری برخوردارند. او واقع گرایی اجتماعی را با تعبیر جمیع-نگری اجتماعی (Social Universalism) مطرح کرده سه نوع اصلی آنرا بدینقرار، از یکدیگر متمایز می‌کند. ۱) نوع هستی‌شناختی (Ontological): جامعه واقعی حقیقی و نخستین است، درحالی‌که فرد پدیده‌ای مشتق (از جامعه) به حساب می‌آید. ۲) گونه اخلاقی: تنها جامعه دارای اصالت است و فرد یا منافع فردی باید تابع و مقهور آن باشد. ۳) گونه جامعه‌شناختی: جامعه ماهیتی جدا از افراد تشکیل‌دهنده آن دارد. دارای واقعیتی فی‌نفسه و فراتر از افراد است؛ واقعیت اجتماعی غیر قابل تقلیل به سطح فردی است. جامعه ترکیبی خاص، ممتاز و متمایز است و نه حاصل جمع افراد آن. سورکین بین جمیع‌نگری جامعه‌شناختی (Sociological Universalism) مفروضه که فرد را فقط یک جزء از جامعه و سخت مادون آن می‌داند، و جمیع‌نگری معتدل که فرد و جامعه را با واقعیتی بالنسبه مستقل و در سطحی از نظر ارزشی بالنسبه مساوی می‌بیند تمایز قائل است.

(*Social and Cultural Dynamics*,
vol 2. pp. 262-6)

IV- در سالهای اخیر، مفهوم واقع گرایی اجتماعی برای کسانی به کار آمد که از مکانیسمی چون اتم‌بینی اجتماعی (Social atomism) و همچنین مفرد‌نگری (Singularism) فاصله گرفته، به‌ر صورت

نه به فرد بلکه جمع‌ویا فرایند تجمع‌بنگرند. بدینسان برگس (E. W. Burgess) پارک (R. E. Park) و دانشمندانی چون ذیمل (Simmel) و اسمال (Small) را نیز که «جامعه را از دیدگاه کشش و واکنش و فرایند اجتماعی می‌نگرند، و افراد جامعه را در یک نظام مبتنی بر تأثیرات متقابل مورد تحلیل قرار می‌دهند، واقع‌گرای اجتماعی خوانده می‌شوند.»

(*Introduction to the Science of Sociology*, p. 36)
ر. ک. Integralism/ Holism,
universalism/ Harmonism,
Agelicism.

اصل واقعیت Reality principle
تمایلی آموخته در به تعویق انداختن جریان ارضاء فوری نیاز یا خواست و حتی تحمل رنجی در حال به منظور به حداکثر رساندن لذت آتی و یا به حداقل تقلیل دادن رنج آتی. فرایند اجتماعی شدن با گذشتن از مرحله اصل لذت (Pleasure principle) به اصل واقعیت، موجبات بلوغ اجتماعی فرد را فراهم می‌سازد.

ر. ک. Deferred consumption,
Social control/ Hedonism.

خودشکوفایی Realization, self
ر. ک. Self-realization
استدلال Reasoning
سرکشی Rebellion

- مقاومت آشکار، سازمان یافته و اکثر
مسلحانه در برابر دولت یا قدرت مسلط. از
دیدگاه مرتن (R. Merton) سرکشی از
جانب کسی صورت می گیرد که درصدد
جایگزینی ارزشهایی دیگر و روشهایی نو
بجای ارزشها و شیوه های موجود همت
اجتماعی است.
- Recession** رکود خفیف
با مفاهیم نزدیکش (Repression) و
(Stagnation) مشتبه نشود. به هر يك ر. ك
- Recessive** پس رو، نهان عامل
(۱) در زیست شناسی، به آن ویژگی
موروثی اطلاق می شود که در نسل بعد به
جهت بروز ویژگی مسلط دیگری تجلی
نمی نماید. (۲) در علم انسان عاملی را می رساند
که به جهت بروز عاملی قوی تر ضمن ادامه
هستی قادر به تجلی نیست.
- Recidivism** تکرار یا عود جنایت
تکرار یا عود رفتار انحرافی یا جنائی.
- Deviance** Delinquency ر.ك:
Criminology penology
- Recidivist** تکرار کننده جرم
Criminology ر. ك .
- Reciprocal action** کنش متقابل سازگار
کنش یا عمل یا رفتاری که در آن
(۱) تقابل وجود داشته باشد. (دو طرفه بودن).
(۲) یا براساس انطباق متقابل صورت بندد
(سازگاری)
- Interaction/ Mutualism** ر. ك .
Reciprocal interaction
تعامل دگرگون ساز
Interaction ر. ك .
Reciprocal modification
تغییرپذیری متقابل
آن دگرگونی که (۱) در جریان کنش
و واکنش بین فرد با گروه یا فرد دیگر
صورت بندد. (۲) در جریان آن هر دو طرف
تأثیر پذیرند.
- Symbolic interaction** ر. ك .
Reciprocate (to)
به عمل متقابل دست زدن
Reciprocity تقابل
۱- در جامعه شناسی، تقابل بین موضوعاتی
(افراد) صورت می بندد که در جریان روابط
اجتماعی با یکدیگرند و آن، حالتی است از
روابط متقابل اجتماعی که در آن عمل یا
حرکت يك فرد، عمل یا حرکت متقابل فرد
یا افراد دیگر را برمی انگیزد.
- ۲- در حقوق، برابری امتیازات بین
شهروندهای مناطق و کشورهای مختلف را
بر حسب مفاد معاهده یا توافق می رساند.
- Reciprocity of perspectives**
تقابل دیدگاهها
این فرایند هم در دیالکتیک مطرح
می شود، هم در زمینه های دیگر، مخصوصاً
مباحث مربوط به جامعه شناسی ارتباطات. دو
نفر که در ارتباط متقابل (به هر صورت) قرار

گرفته‌اند، زمانی سازمانی خاص به منظور کسب منفعت انجام گیرد. سازمان یا واحد را مؤسسه تفریحی تجاری به طور خلاصه مؤسسه تفریحی (Recreational enterprise) می‌خوانند.

فرایند تجاری شدن تفریح، با بسط زمان فراغت انسانها، تا کم کم آنها در محدوده‌های شهری و افزایش قدرت مالی، صورت پذیرفته است. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کار تفریح و گذران فراغت، باید با نظارت دقیق سازمانهای دولتی صورت پذیرد؛ چه، در غیر این صورت به بهره‌برداری نادرست می‌انجامد و موجبات بسط فساد، فحشا و... را فراهم می‌سازد.

تفریح فرهنگی Cultural recreation
به آن دسته از فعالیتهایی اطلاق می‌شود که شخص به میل خود و فارغ از انتفاع، یا اجبار، به هنگام گذران زمان آزاد، انجام می‌دهد و مشخصه آنان، ابعاد ظریف هنری، علمی و... است. (نظیر مطالعه، فراهم‌سازی انواع مجموعه‌ها و...) بسط ابعاد فرهنگی در کار تفریح، نیاز به آموزش از خردسالی دارد.

تفریح گروهی Group ~

تفریح فردی Individual ~

تفریح برای نگیخته Induced ~

تفریحی خاص که از طریق اقناع یا تلقین بسط یافته باشد. شخص خود بدان

مسی توانند به تفاهم یا دست کم اخذ نتیجه برسند که دید مشترک یا بند؛ معانی یکسانی به لغات و واژگانی که به کار می‌برند بدهند و میزان توفیق ارتباط به این تقابل دید یا تشابه معنی بستگی دارد.

Dialectic

Reconstruction, social

بازسازی اجتماعی

Social reconstruction ر. ک.

Re-creation بازآفرینی

Recreation تفریح

عمل، فعالیت یا فعالیتهایی خاص که در زمان فراغت، به صورتهای گوناگون و فارغ از هدفهای مادی، صرفاً جهت تفریح، استراحت و ارضاء خواست شخصی صورت پذیرد. مبحث تفریح و تفرج از مباحث اساسی جامعه‌شناسی فراغت است.

Recreation, Types of انواع تفریح

Active recreation تفریح فعال

تفریحی همراه با حرکت و فعالیت؛ نظیر کوهنوردی، انواع بازیها و... در برابر تفریح منفعل یا پذیرا (تماشای تلویزیون).

Collective recreation تفریح دسته‌جمعی

در برابر تفریحات فردی، بدان تفریح گروهی نیز اطلاق نمایند. تفریح دسته‌جمعی می‌تواند صورتهای گوناگونی یا بد (نظیر خانوادگی، جمع دوستان، همکاران و...).

Commercial ~ تفریح تجاری

فعالیتی مفرح که توسط فرد، گروه یا

دخالت با ایجاد تفریح گاهها، پارکها و ... تحقیق می پذیرد؛ صورت دیگر، کنترل سازمانهای خصوصی ذی ربط است.

تفریح اجتماعی Social recreation
 ۱) گذران زمان فراغت، آنچنان که موجب تماس، آشنایی و حتی تعامل (کنش و واکنش) بین انسانها را فراهم کند.
 ۲) فعالیتهایی آزاد به هنگام فراغت که در جهت بسط فرایند اجتماعی شدن انسان و آموزش ارزشهای اجتماعی مؤثر افتد. ۳) گذران فراغت به نحوی که اهداف اجتماعی از آن تحقق پذیرند.

ر. ک. Commercialized amusement
Sociology of leisure/ Avocation.
Pastime/ Hobby

تفریحگاه Recreation centre

رهبری تفریحات Recreation leadership

در جامعه شناسی فراغت سخن از آزادی انسان است به هنگام تفریح و گذران فراغت؛ اما، در اینجا نیز آزادی به معنای رهاسازی نیست. جامعه در قبال گذران زمان آزاد شهروندانش مسئولیت دارد؛ از این رو، بدون اجبار در کار تفریح و تفرج سعی بر آن دارد که از طریق آموزش، تفریحات فرهنگی و ظریف بسط یابند (تشکیل مجموعه ها یا کلکسیونهای ساده، نقاشی تقننی و...)، زمینه های تفریحات سالم از جانب جامعه چنان فراهم آیند که افراد و مخصوصاً جوانان را به

پردازد ولی آزادی وی به صورتی ظریف خدشه یافته باشد. زمانی که وسایل ارتباط در خدمت تبلیغات تجاری درمی آیند، شیوه هایی بسیار نهان و ظریف در راه مسخ انسانها و تحمیل الگوهای خاصی در راه گذران فراغت به انسانها باز می یابند که با منافع سوداگران تفریح انطباق داشته باشد.

ر. ک. Subliminal advertising

تفریح غیرقانونی Illegal recreation
تفریح نهادی شده Institutionalized
 تفریحی خاص که در متن فرهنگ یک جامعه جای یافته باشد و نهادهایی چند بدان پردازند.

تفریح آسیب بی Pathological
 تفریحی که موجب بروز آسیب جسمانی یا روانی را علیرغم لذات آنی فراهم سازد.

تفریح قانونی Legal
 تفریجهایی مشروع از دیدگاه قانون؛ تمامی تفریحات مشروع مورد پسند جامعه نیستند. از اینرو باید بین تفریحات قانونی و تفریحات پذیرفته و مورد قبول جامعه یا خانواده تمیز گذارد.

تفریحات عمومی Public
 بعد دولتی تفریح است. با توجه به گسترش حجم زمان فراغت (تقلیل ساعات کار) از طرفی و کاستی روابط خویشاوندی و یا اقداماتی که در گذشته زمان فراغت را اشغال می نمود؛ دولت ناچار به دخالت در امر گذران فراغت است. یکی از صور این

خود جلب کنند. در برابر تفریحات منفعل (نشستن پای تلویزیون و یا... تماشا کردن) تفریحات فعال بسط پذیرند. ابعاد فرهنگی تفریحات هر چه بیشتر بسط و گسترش پذیرند؛ بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری در راه امکانات تفریحی تشویق گردد اما همواره در هر قدم با نظارت و کنترل دولت عمل کند تا فرایند تجاری شدن تفریحات به رواج تفریحات ناسالم نینجامد. از این روست که امروزه از راهبری تفریحات (Recreation organization) هم سازماندهی تفریحات (Recreation organization) در جهت سالم‌سازی فرایند گذاران فراغت و غنای آن سخن به‌میان می‌آید. ر. ک. *Hobby/ Sociology of leisure, Avocation/ Pastime*

ردفیلد (Robert) *Redfield (Robert)*
انسان‌شناس آمریکایی است (۱۸۹۷ - ۱۹۵۸). اکثر مطالعاتش را در مکزیک به انجام رسانید. به مباحثی از قبیل دگرگونی، بی‌سازمانی توجه نمود. رابطه شهر و روستا را از دیدگاهی تداومی مورد شناسایی قرار داد؛ استاد انسان‌شناسی در دانشگاه شیکاگو شد. بعضی از آثارش بدین‌قرارند:

- *The Folk Culture of Yucatan . Tepoztlan : Amexican Village Little community.*
- *Peasant Society and Culture: An Anthropological Approach to Civilization.*

Redistribute (to)

از نو توزیع کردن، مجدداً توزیع نمودن

Redistribution of income

توزیع عادلانه درآمد

عملی ارادی که از دخالت مستقیم دولت در اقتصاد منشأ می‌گیرد و هدف از آن جلوگیری از تمرکز ثروت در دست اقلیتی خاص در جهت شکوفایی هماهنگی اقتصاد است.

دولت در اجرای این هدف، از دونوع امکانات برخوردار است:

۱- اقدام منفی با افزایش مالیاتهای مستقیم و....

۲- اقدام مثبت، با افزایش درآمد طبقات زحمتکش (از طریق افزایش دستمزدها، تعیبه بیمه اجتماعی و...) یا با افزایش هزینه‌های دولتی و یا...

توزیع عادلانه درآمد می‌تواند از دو هدف منبث شود:

۱- هدف اقتصادی در جهت بسط امکانات اقتصادی اکثریت جامعه.

۲- هدفهای اجتماعی، در جهت کاهش نابرابری در فرصتهای اجتماعی.

Redouble کردن دوچندان کردن

Red power قدرت سرخ‌پوستان

نهضتی در بین سرخ‌پوستان آمریکایی است که هدف از آن تأمین منافع سرخ‌پوستان با انتقال قدرت از سفیدپوستان در قلمرو امور سرخ‌پوستان به آنان است.

ر. ک. Ghost dance/ Revitalization movement

کاغذبازی Red tape

تمامی شیوه‌ها و اقدامات غیر لازم، ظاهر آرا (Formalistic) تکراری و وقت گیر که در نظامهای دیوانسالار رواج دارند.

ر. ک. Bureaucracy

تقلیل گرایی Reductionism

(۱) تبیین پدیده‌ای با یک عامل: نظیر آنانی که تنها جغرافیا را عامل اساسی در تبیین حوادث اجتماعی می‌دانند (جغرافیا زد گسی) یا آنان که تنها عامل جرم را بیکاری می‌پندارند.

(۲) سعی در از بین بردن یک پدیده آسیبی صرفاً از یک طریق: به عنوان مثال، برخی تصور می‌کنند مسأله اعتیاد به مواد مخدر فقط با اتخاذ تدابیر سخت قانونی حل شدنی است.

(۳) در مواردی یکسان پنداری پدیده‌های اجتماعی با پدیده‌های طبیعی بدین نام خوانده می‌شود. مکتب مکانیکی (Mechanicism) نمونه‌ای است از این نوع تقلیل گرایی. دیلتای (W. Dilthey) قبل از دیگران دانشها را به روانی و طبیعی تقسیم نمود و منظورش از علوم روانی، دانشهای انسانی-اجتماعی بود. به زعم او پدیده‌های اجتماعی با پدیده‌های طبیعی یکسان نیستند. چه، دارای ابعاد و عوامل متعدد و پیچیده‌اند، سودو کین (P. A. Sorokin) در تأیید همین تجزی و در جستجوی نفسی این نوع تقلیل گرایی

می‌نویسد: «در علوم انسانی امکان آنرا نداریم که بتوانیم قوانین حاکم بر پدیده‌های اجتماعی و مکانیسم آنان را تا حد قوانین ساده طبیعی پائین آوریم. از همین روست که باید در کنار خود از بلند پروازی اجتناب ورزیم»

(Contemporary Sociological

Theories, p: 36)

۲- در مواردی دیگر از مفهوم تقلیل گرایی همان ساده سازی (simplification) صرف یعنی فراموشی ابعاد ذهنی و ارزشی در پدیده‌های اجتماعی مستفاد می‌شود.

ر. ک. Mechanicism

Psychological reductionism

Behaviorism

Positivism

Sociological reductionism

Dilthey

Reference, Frame of

چارچوب مرجع

ر. ک. Frame of reference

گروه مرجع Reference group

ر. ک. Group

مراجعه به آراء عموم Referendum

مراجعه به عقاید جمع به منظور اخذ تصمیمات اساسی؛ گونه‌های آن بسیارند، از جمله: سه زمینه اصلی آن بدین قرارند:

۱- در مورد قانون اساسی:

باتوجه به اهمیت محتوای قانون اساسی،

به هنگام هر نوع تجدیدنظر در آن به تمامى
آحاد يك کشور مراجعه شده و طبق نظر آنان
عمل مى شود.

۲- در مورد قانونگزاری:

در موارد حساس، مفاد مواد قانونى به
قضاوت عموم گذارده مى شود.

۳- در مورد تعيين رياست جمهور:

تعيين شخص اول کشور در اکثر موارد
به رأى عموم گذارده مى شود.

قانون اساسى هر کشور صور و شیوه های
مراجعه به آراء عموم را معين مى دارد؛ در
بعضى از کشورها (از جمله سوئیس)، حتى در
مورد مسائل محلى و منطقه ای نیز به این شیوه
توسل جسته مى شود.

مراجعه به آراء عموم به دو نوع قابل
تقسیم است؛ اجبارى (Compulsory) که
در صورت نیاز به اصلاحى در قانون اساسى،
یا تصویب قانون اساسى جدید صورت
مى گیرد و اختیاری (Optional) که در
موارد خاص و آنگاه که در مورد مسأله ای
توافق نمایندگان صورت پذیر نباشد، انجام
مى گیرد.

با سنجش افکار عمومى که جهات
اجرایی در آن نیست اشتباه نشود.

ر. ک. Polls

Refined birth rate

نسبت خالص موالید

در برابر Crude birth rate قرار
مى گیرد.

ر. ک. Birth rate

Refined death rate

نسبت خالص مرگ و میر

در برابر Crude death rate قرار
مى گیرد

ر. ک. Death rate

ارقام و ویژه Refined figures

پالایش، تزکیه، ظرافت Refinement

تورم مجدد Reflation

پس از کاستنى قيمتها بر اثر رکود تورمى
نه چندان فراينده که با بهبود شرايط اقتصادى
پيش آيد.

ر. ک. Deflation / Inflation

بازتاب Reflex

عمل یا ترک عمل و یا تغییر آن از
طرف موجود زنده به صورتى انعکاسى در برابر
انگیزه های معين؛ با شرطى سازی کلاسیک یا
پاولوفى مى توان دو نوع بازتاب را از یکدیگر
متمایز کرد:

بازتاب شرطى Conditioned reflex

بازتاب غیر شرطى ~ Unconditioned

ر. ک. Conditioning

بازتاب شناسى Reflexology

اصلاح پذیر Reformable

Reformatory measures

اقدامات اصلاحی

در برابر اقدامات انقلابى یا رادیکال؛

مخالفین بدان اقدامات تسکین بخش
(Palliative) لقب داده‌اند.

Reform

اصلاح

در لغت به معنای شکل نو بخشیدن،
دوباره شکل دادن است. لیک، در اصطلاح
در برابر مفهوم انقلاب (Revolution)
قرار می‌گیرد و فرایند آرام، صلح‌جویانه،
معتدل، متعادل و غیر جهشی را در بهسازی
می‌رساند.

ر. ک. Revolution, movements

اصلاح اجتماعی Reform, Social

ر. ک. Social reform

Reform liberalism

لیبرالیسم اصلاحی

مکتبی جدید در اقتصاد، سیاست و
جامعه‌شناسی است. بر پایه این اندیشه، باید
دخالت دولت در اقتصاد به طور معتدل صورت
تحقق یابد. پس این آیین از جانبی در برابر
اندیشه شناخته شده لیبرالیسم کلاسیک قرار
می‌گیرد؛ چه، بر خلاف کلاسیکها، در این
مکتب به قاعدهٔ لاضرر و لاضرار گرایش
می‌یابیم. به این معنی که جریان اقتصاد باید به
طور طبیعی صورت گیرد، لیکن تا آنجا که
کار آزاد موجبات فقر بیشتر فقرا و غنای بیشتر
اغنیاء نشود. از جانب دیگر، با توجه به
گرایشهای معتدلش این مکتب، در برابر
مکاتبی دیگر قرار می‌گیرد، مانند:

مکتب اشتراکی (Collectivism) و

سیاست کنترل دولت بر اقتصاد (Dirigism).
بدین سان، باید این مکتب را گرایشی
معتدل در آزادی بازار ضمن حمایت از ضعف
دانست. از این رو با اقتصاد ارشادی
(Directed economy) نزدیک است.

در این مکتب ضمن طرد برنامه‌ریزی
متمرکز، حمایت دولت از منابع و صنایع
داخلی (Protectionism) یا دخالت دولت
جهت بخشیدن چهره‌ای انسانی به اقتصاد
(Interventionism) با حذف کسارتل
(Cartel) و تراست (Trust) یا هر نوع
انحصار (به صورت کامل یا ناقص) تحقق
می‌پذیرد.

ر. ک. Interventionism / Mixed-
economy/ Dirigism

اصلاح گر Reformer

اصلاح طلبی Reformism

ایده‌اولژی و دیدگاهی سیاسی-اجتماعی
است. اصلاح طلبی به معنای اعتقاد به بهسازی
جامعه است از طریق ایجاد دگرگونیهای
مستمر، غیر بنیادین و با تصحیحات آرام و
پی‌گیر بدون آنکه ساخت اساسی نظم مستقر
به تردید افتد.

Reform movement

نهضت‌های اصلاح طلبانه

کوششهایی جمعی در راه تسکین آلام،
مشکلات و مسائل اجتماعی است. بدون آنکه
دیدگاه‌های ریشه‌ای (Radical) در راه
دگرگونیهای ساختی اتخاذ شود.

ویژه بدان منظور که رفتارها یکسان شوند
 و افکار از حرکت در راههای نو بازایستند.
 پناه شهر
 ر. ک.
 Refuge, city of
 City of refuge

برنامه ریزی منطقه‌ای
 برنامه ریزی که با توجه به نیاز، مسائل،
 ویژگیها و امکانات منطقه‌ای فراهم شود؛
 برنامه ریزی منطقه‌ای به معنای تجزی حیات
 ملی نیست.
 تجدید حیات
 تجدید حیات فکری، روحانی و یا
 معنوی. این مفهوم مخصوصاً در الهیات مطرح
 شده و بازسازی شخصیت را می‌رساند. در
 علوم انسانی، معتقدان به تجدید حیات در
 اندیشه انسانها در برابر هواداران اصلاحات
 ساختی قرار دارند. گروه اول براین باورند
 که هر اقدام اصلاحی باید از طریق تغییر
 درونی، قلبی و فکری انسانها آغاز شود و
 حال آنکه گروه دوم را عقیده بر این است که
 انسانها عمل خود را در برابر ساختهای
 اجتماعی با توجه به درستی یا نادرستی آنان
 سازگار می‌سازند.

منطقه گرایی
 I- مطالعه يك منطقه به عنوان جزئی از
 يك جامعه؛ آئینی که نه بر یکپارچگی و
 یکسانی کامل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی،
 بلکه تنوع مناطق و گوناگونی فرهنگها در
 درون مرزهای ملی تکیه دارد. در این طرز
 اندیشه، از طرفی مطالعه پدیده‌های اجتماعی
 در رابطه با محل یا منطقه مطرح می‌شود و
 از طرف دیگر رابطه منطقه با کل جامعه
 مطمح نظر قرار می‌گیرد.

رژیم
 از واژه لاتینی Regimen به معنای
 عمل هدایت کردن گرفته شده است. با نظام
 (System) از آنرو تفاوت دارد که نه تنها
 پیوند یا سازمان نظری يك مجموعه را در
 نظر دارد. بلکه شیوه‌های کم و بیش کامل
 سازماندهی عینی و واقعی آن را نیز مطمح نظر
 قرار می‌دهد. پس در واقع تحقق عملی و
 تاریخی يك نظام باید خوانده شود. رژیمهای
 سیاسی (جمهوری، سلطنتی و...) را باید از
 رژیمهای اقتصادی (سرمایه داری، صنف گرایی
 و...) متمایز کرد.

هنگوارمی
 سازماندهی حیات اجتماعی با آموزشهای
 II- در مورد گزاره اول، دیدگاهها
 متمایزند: از طرفی با توجه به نظرات
 جغرافیاگرایی چون (راتزل) (Ratzel) جامعه در
 واقع همان انعکاس محیط طبیعی و همه
 پدیده‌ها ناشی از جغرافیا، اقلیم و محیط طبیعی
 است. از طرف دیگر، افرادی چون زیممرمن
 (C.C. Zimmerman) سخن از شخصیت
 منطقه‌ای می‌رانند؛ لیک، امروزه با تعدیل این
 اندیشه‌ها محیط طبیعی را مؤثر بر حیات
 اجتماعی می‌شناسیم و لیک نه به عنوان تنها
 عامل مؤثر و یا عامل اول؛ از اینرو، هلا

Regimentation
 سازماندهی حیات اجتماعی با آموزشهای

(R.B.Hall) می‌نویسد: «بزرگترین نیاز جغرافیادانان منطقه‌گرایی، مطالعات متنظم اشکال و مجموعه‌های فی‌نفسه است، و حال آنکه بررسی منطقه از روزه فرهنگ ارزش افزونتری نسبت به بررسی منطقه از دیدگاه معمول شناخت مجموعه‌های سطحی (جغرافیایی) خواهد داشت».

(The Geographic Region:

P: 129)

III- دیدگاه‌ها را به گزاره دوم نزدیک می‌سازد که منطقه هر چند شخصیتی خاص دارد، ولیک در چارچوب فرهنگ ملی معنی می‌یابد. بیان ونس (R. B. Vance) به صراحت همین پیوند را می‌رساند: «در ساده‌ترین هودش، دایره مناطق با ملت، دایره اجزاء با کل است؛ شعار ملی ما تأمین وحدت با پذیرش گونه‌گونیهای ددونی یک جامعه است».

(All these People, P: 477)

بدینسان، منطقه‌ها از یک عنصر مجزا، بلکه به‌زعم هود (H. E. Moore) و اودم (H. W. Odum) همچون یک جزء از کلی متشکل خواهد بود که در آن عوامل گوناگون از طریق مناسباتشان بایکدیگر معنی می‌یابند.

IV- در نهایت می‌توان گفت، از دیدگاه

محققین امروز، منطقه‌گرایی نه به معنای حذف ملیت، بلکه تبلور حیات و مسائل منطقه و توجه به ملت نه به عنوان مجموعه‌ای یکسان خواهد بود. از همین رو می‌توان گفت،

«منطقه‌گرایی به معنای به هم پیوسته دیدن عوامل جغرافیایی، اقتصادی، جامعه‌شناختی و حکومتی است تا آنجا که آگاهی مشخص، باز شناخت هویتی جدا در چارچوب کل حاصل آید و تمایل به برنامه‌ریزی خودمختار با در نظر گرفتن ویژگیهای فرهنگی و آزادی نسبی اداری به طور نظری پذیرفته شده و امروزه به مرحله اجرا درمی‌آیند».

(Dictionary of social sciences

J. Gould, L. Kolb(eds) P: 585)

ر. ک. Particularism/ Federalism. Confederation/ Separatism.

محل ثبت Registration area
جزئی از یک کشور که برای جمع‌آوری داده‌های اطلاعاتی خاص از نظر آماری (تولد، مرگ و میر و...) مشخص گردیده است.

برگشت کردن، پس‌روی Regress (to)
- در جامعه‌شناسی بازگشت به عقب، سیر فقه‌رایی است، در برابر پیشرفت. مفهوم سرشار از بار ارزشی است. از این رو آنچه از دید فردی پس‌روی خوانده می‌شود ممکن است از دید دیگری پیشرفت نامیده شود.
- در روانشناسی به معنای بازگشت به الگوهای رفتاری زمان کودکی است.

Regression

بازگشت به گذشته - گذشته‌نگری

۱) در معنای عام بازگشت به مراحل و حالات قبلی را در فرایند رشد می‌رساند.
۲) از نظر روانی و روانشناسی اجتماعی،

فرایند ذهنی و ناآگاهانه بازگشت به حالات و مراحل قبلی در رشد شخصیت فرد یا گروه از آن برمی آید که چنانچه صورتی مفرط یا بد، شرایطی بیمارگونه پدید می آورد. (۳) گذشته نگری اجتماعی، «بازگشت يك جامعه یا گروه است به مراحل گذشته حیات فردی یا اجتماعی. جامعه آلمان در زمان نازیها را مثال خوبی برآن می دانند با ویژگیهایی این چنین: قوم مرکزی شدید در بین اعضاء جامعه، پیدایی رهبری منبعث از مشیت الهی به عنوان نماد (سمبل) پدری قدرتمند، بسط رفتار و هم آمیزی شبیه به بیماری پارانویا، خود بزرگ بینی گروه (یا جامعه) و به همراه آن سوءظن نسبت به حمله گروههای بیگانه، تمایل روزافزون به اندیشه های صوفیانه آنیمیستی»

(*Dictionary of social sciences*, J. Gould, L. Kolb (eds) P. 585)

در همین سیاق، دایلمرت (G. M. Gilbert) از گذشته نگری قدرت نگر (Authoritarian regressiveness) سخن به میان می آورد که در جریان آن «تمایلی عام در جهت اجتناب از احساس مسئولیت اجتماعی آنطور که از افرادی بالغ برمی آید و تسلیم در برابر رهبری حمایت گر پدید می آید»

(*The Psychology of Dictatorship*, P. 260)

ر. ک. Defence mechanism.

Retrogression / Retroaction.

Regressive

نزولی، کاهش یا بنده، رجعت کننده

— در اقتصاد، به معنای کاهش یا بنده یا نزولی است (نظیر مالیات نزولی - Regressive tax) و در برابر انواع مالیاتهای تصاعدی.

— در روانکاوی در معنای تمایل به رفتار دوران کودکی است.

— در علوم اجتماعی به معنای گرایش به مقاومت در برابر ارزشها، الگوها و معیارهایی است که پیشرفته خوانده می شوند.

گروه گذشته نگر Regressive group
ر. ک. Group

نوسان منظم Regular fluctuation

در برابر نوسان غیر منظم (Irregular fluctuation) یا تصادفی، حرکات موجی و قابل پیش بینی منحنیهای توزیع فراوانی در پژوهشهای اجتماعی است.

نظم دادن، به قاعده ساختن Regulate (to)

نظم تمایلی Regularity, Tendentious

Tendentious regularity
ر. ک.

مقررات Regulations

قواعدی معین ناظر بر جریان درست يك سازمان. مقررات اخلاقی برخلاف قوانین حقوقی فاقد ضمانت اجراء به حساب می آیند و ليك با توجه به رسوخ آنان به عمق وجدان

شیء سروری،

Reification

انسانها از اهمیت فراوانی برخوردارند.

از واژه لاتینی به معنای «چیز» گرفته شده است. در یک معنی، مفهوم مجرد را همچون ماده پنداشتن است. در معنای دیگر، قدرت یابی پدیده‌های مادی ساخته انسان است. باید پذیرفت، انسان، آنگاه که اولین کالاهای سرمایه‌ای را نظیر بیل، یا هر آنچه در جنگ با طبیعت و تسخیر آن یاری‌اش دهد، پدید آورد، احساس قدرت نمود، کارآیی بیشتر یافت و توانش در بارور ساختن طبیعت و منقاد کردن پدیده‌های پیرامون حیاتش فزونی پذیرفت، در این زمان و تا زمانهایی بسیار دراز این کالاهای در خدمت سازنده خود، یعنی انسان بودند، لیک، با ارتقاء فرهنگ مادی، انباشتگی کالاهای پیچیدگی، تنوع و تعدد آنان، تصویر حیات نیز دگگون شد. به‌زعم مک لوهان، همین ابزار نه‌تنها حامل پیام گردیدند بلکه خود نیز پیام شدند چه، عصری از اعصار انسانی را مشخص می‌کنند، به‌زعم دژد گوردیچ، پیدایی این ابزار پیچیده، گروهی تازه در سلسله مراتب قدرتها پدید آورد که اصطلاحاً تکنوکرات خوانده می‌شوند؛ پیدایی و بسط تبلیغات تجاری در راه ایجاد بازار برای تولید انبوه ماشینها، زمینه‌ای دیگر در جهت تحمیل انسانها، ایجاد نیازهای غیرواقعی و در نهایت اسارت انسانها فراهم کرد. به‌این‌سان، تولد ماشینهای غول‌پیکر چهره تازه‌ای در همه ارکان حیات پدید آورد و به‌این‌سان مخلوق القش را تحت تأثیر قرار داد تا آنجا که آرام آرام خالق

Regulatory measures

اقدامات تنظیم‌بخش

Rejuvenation

جوانی مجدد

Rehabilitate (to) نو‌توان ساختن

Rehabilitation

نو‌توانی - اعاده حیثیت

(۱) توانا و کارآ ساختن یک عضو آسیب دیده (بدن) (۲) بازتوانی مجرم با مداوای روانی او. (۳) باز پس‌دادن اعتبار اجتماعی یک فرد بعد از لطمه به شخصیت او.

نو‌توانی مجرمین که در قوانین جزا همواره به عنوان اصل پذیرفته شده است، بدون آنکه هرگز با توفیق کامل اجرا شده باشد، بر سه پایه استوار است:

۱- تفرد (Individuation) یا توجه به فرد پیش از وقوع جنایت.

(۲) عدم تعیین زمان قطع‌می (Indeterminacy) یا رهاسازی فرد بعد از درمان.

(۳) عدم محدودیت یا برخورداری از اختیار در تصمیم‌گیری (Discretion) که قدرت گسترده جهت اداره جریان مداوای مجرم را تفویض می‌دارد.

Rehabilitation, vocational

نو‌توانی حرفه‌ای

ر. ک. Vocational rehabilitation

Reify (to) تبدیل به ماده‌کردن، تسلط -

یافتن ماده بر انسان

- را منقاد ساخت و به گمان بسیاری اسیر و زیون خود نمود. اینجاست که به‌زعم سوسیالیستها نوعی از صور از خودبیگانگی (Alienation) پدید می‌آید، چه ماده از رسالت آغازین خود* فرا می‌رود و ابعادی تازه می‌یابد، تمدن مصرف با تعدد کالاها، تغییر سریع آنان و مدپرستی به پیدایش بتواره‌پرستی تازه‌ای انجامید که این بار، بتواره (Fetish) ساخته خود انسان است. در فارسی شی‌پرستی نیز ترجمه شده است.
- ر. ک. Idolatry. Alienation. Fetishism.
- تجسد Reincarnation
- ر. ک. Transmigration
- تقویت Reinforcement
- حادثه‌ای که وقوع آن احتمال عود رفتار یا عملی را افزایش دهد. پدیده‌ای که بروزش موجب قوام پدیده دیگر شود.
- تقویت مثبت Reinforcement, positive
- ر. ک. Conditioning
- تقویت منفی Reinforcement, Negative
- ر. ک. Conditioning
- طرد، رد، عدم پذیرش Rejection
- عودت Relapse
- بازگشت به‌عملی جنائی پس از زمان بهبود.
- Habitual criminal, Recidivist
- رابطه Relation
- هر گونه ارتباط بین دو یا چند نفر، دو یا چند گروه. رابطه می‌تواند پیوسته (Associative) یا در جهت مودت، همکاری و همگامی باشد و یا گسسته (Dissociative) در جهت پراکندگی و دشمنی صورت گیرد؛ باز این ارتباط می‌تواند صورت مستقیم یا غیرمستقیم یا بد.
- روابط نامشروع Relations, Extramarital
- ر. ک. Extramarital relations
- روابط مبتنی بر تبار Relation of descent
- ر. ک. Kinship/ descent
- روابط قبل از زناشویی Relations, prenuptial
- ر. ک. Premarital license
- روابط عمومی Relations, public
- ر. ک. Public relations
- روابط نژادی Relations, Race
- ر. ک. Race relations
- روابط ثانوی Relations, Secondary
- ر. ک. Secondary relations
- روابط اجتماعی Relations, Social
- ر. ک. Social relations

Relationships social

مناسبات اجتماعی

Social relationships ر. ک.

Relative deprivation حرمان نسبی

مفهوم میست از استوفر (S. A. Stouffer)

در اثرش با نام «سر با زامریکانی» (۱۹۲۹)

که بعدها توسط مورتن (R. K. Merton) در

اثرش «نظریه اجتماعی و ساخت اجتماعی»

(۱۹۶۱) مورد بسط و تدقیق قرار گرفت.

محرومیت پدیده‌ای نه مطلق (Absolute) بلکه

نسبی و مقایسه‌ای است. از این رو افراد خود را با

توجه به گروه مرجع (گروهی که خود را با

آن مقایسه می‌کنند) محروم یا توانامی‌پندارند.

پس می‌توان پذیرفت فرد یا گروهی در عین

حرمان خود را توانمند داند و حال آنکه

فردی در عین توان، خود را محروم شناسد. به

عنوان مثال، گرایش روستائیان به شهرها

می‌تواند به بهبود زندگی آنان انجامد ولیک

آستانه انتظار آنان را چنان بالا برد که علیرغم

برخورداری از مواهب بسیار، (در مقایسه-

با دیگران) احساس حرمان نمایند.

Reference group ر. ک.

Relative poverty فقر نسبی

- شرایطی که در آن ندرت و نه فقدان

مایحتاج اقتصادی به چشم می‌خورد.

- فقیر نسبی فردی است که در مقایسه

با اکثر مردم پیرامونش (یا هر مردمی که

معیار سنجش باشند) بی‌چیز به حساب می‌آید

و حال آنکه سطح زندگی او چنان نیست که از

تأمین حداقل معیشت محروم باشد.

Poverty/ Absolute. ر. ک.

Poverty, culture of poverty

Pauperization

Relativism نسبی‌اندیشی

این اعتقاد که معیارهایی مطلق

(Absolute) در جهت سنجش و قضاوت

واقعیات و ارزشها وجود ندارد.

بعضی از صور این اندیشه چنین‌اند:

Cultural relativism

نسبی‌اندیشی فرهنگی

که بر پایه آن هیچ فرهنگی نمی‌تواند

به عنوان معیار در سنجش دیگر فرهنگها بکار

آید.

Moral نسبیت‌گرایی در اخلاق

که بر پایه آن هیچ قاعده اخلاقی را

نمی‌توان به عنوان معیار در سنجش و ارزشیابی

دیگر معیارهای اخلاقی به کار بست.

I- میزان همسازی نتایج یک آزمون بعد

از تکرار آن در شرایط یکسان. آزمون روایی

به عنوان جزیی از اعتبار یک تحقیق به اخذ

ضریب روایی (Reliability coefficient)

می‌انجامد.

II- احتساب میزان روایی، بر این فرض

متکی است که امکان تکرار شرایط تحقیق

وجود دارد. چه، برخی نظیر ماکس وبر بر این

هر چند که می‌توان نوع چهارمی را نیز با در نظر گرفتن روایی در کار کدگذاران، تحلیل گران و هم... را به آن افزود.

عقیده‌اند، که شرایط اجتماعی منحصر بفرداند، و غیر قابل تکرار همانطور نیز در مورد افراد می‌توان گفت، هرگز در دو زمان متفاوت یک فرد ثابت و بی‌هیچ تغییر نمی‌ماند، پس در سنجش روایی با دو امر: (۱) نایکسانی طبیعی افراد و شرایط (ساختی) (۲) اشتباهات ناشی از عدم دقت در ابزار سنجش و... (عرضی)، مواجه هستیم. همانطور که جاهد (M. Jahoda) می‌نویسد: «ارزشیابی روایی در جریان هر سنجش، به معنای مشخص ساختن این امر است که تا چه اندازه تفاوت نتایج به دست آمده در مورد افراد ناشی از تفاوت‌های حقیقی است (خطاهای مستمر) و تا چه حد از ناهمسازی موجود در اندازه‌گیریها ناشی می‌شود. زمانی که سنجش در همان شرایط پیشین تکرار شد، به همان نسبت که از خطاهای تصادفی و متغیر مصون است؛ به همان نسبت نیز به نتایج پیشین منجر خواهد شد. خطاهای تصادفی ناشی از جهات گذرا در یک شخص، یا شرایط حاکم بر سنجش و شیوه‌های سنجش است.»

IV- نتایج حاصل از احتساب روایی به صورت ضریب روایی ارائه می‌شود که به سه نوع تقسیم می‌شود: (۱) سنجش روایی با تکرار آزمون در زمانهای مختلف را ضریب یکسانی (Coefficient of stability) می‌خوانند. (۲) سنجش همبستگی بین نتایج با ارائه دو شکل مختلف از یک ابزار، ضریب هم ارزشی (Coefficient of equivalence) خواهد بود. (۳) سنجش همسازی درونی داده‌های حاصل از یک تحقیق در یک زمان ضریب همسازی داخلی (Coefficient of internal consistency) را به دست می‌دهد.

ر. ک. Validity

دین Religion

به طور کلی و با در نظر گرفتن شرایط انسانها بر ورای اعصار تاریخی، می‌توان گفت، دین مظهر توجه انسانست به موجود الهی یا نیروهای فوق طبیعی و یا دست کم احساس ساده وابستگی بدانها، به منظور بازیابی تبیینی از هستی خود در این جهان و معنایی برای بودنش. بنابراین، دین شاخص باورهای ماست. اشکالی که این اعتقادات

III- گاتمن (L. Guttman) سه نوع روایی را بر حسب سه نوع عامل تفاوت در نتایج داده‌ها از هم متمایز می‌سازد: (۱) نمونه‌گیری از جمعیت (۲) نمونه‌گیری از موضوعات و سؤالا (نوع موضوع و پرسشهای گزیده شده) (۳) نمونه‌گیری از آزمونها (درجه ثبات پاسخهای افراد به موضوعات یا سؤالا).

می یابند و همچنین شعائر و مراسمی که در پرستش معبود به کار می آیند در محدوده همین باورها جای می گیرند.

بولی (P. Pinard de le Boullaye)

دین را چنین تعریف می کند: «دین مجموعه باورها و اعمالی را در بر می گیرد که نسبت به يك واقعیت، یکتا یا جمعی، اما متعالی پدید می آید؛ واقعیتی که انسان خود را بدان وابسته می داند و درصدد تماس و ارتباط با آن است». (به نقل از فرهنگ علوم اجتماعی از آلن بیرو، ترجمه باقر ساروخانی، ص ۳۲۱) در فرهنگ لاروس (Larousse) نیز بعد غیرمادی به عنوان جزء لا ینفك دین عنوان می شود: «اعتقاد به مابعدالطبیعه یکی از ویژگیهای اساسی دین و از گرایشهای ثابت و جهانی بشر است». دورکیم، در اثرش، اشکال ابدی-دایسی حیات دینی-سی (Formes élémentaires de la vie religieuse) تعریفی اجتماعی از دین بدست می دهد: به زعم او، دین نظامی است همبسته، متشکل از اعتقادات و اعمالی در برابر موجوداتی مقدس، یعنی مجزا و ممنوع التماس. این اعتقادات تمام کسانی را که بدان می پیوندند متحد می کند و پایه گذار اخلاق اجتماعی است.

به این سان، اعتقادات دینی یکی از عمومی ترین و جهانی ترین گرایشهای فکری بشرند. انسان از این طریق در جستجوی تبیین جهان برآمد؛ هر آنچه را که مافوق دانش و

نیروی خود دید در قلمرو باورهای دینی جای داد. باز از این طریق به تنسيق حیات اجتماعی خود دست یافت. هر چند قوانین اجتماعی، به تنظیم روابط و تعیین مرزهای آزادی پرداختند و ضمانت اجرای مادی نیز یافتند. ولی هرگز جایگزین دین در کنترل انسان و احقاق حق نگردیدند. دین با رسوخ به درون انسانها در همه لحظات، در خلوت و آشکار، در جمع و تنهایی، در آرامش و سختی، اندیشه و عمل وی را تحت تاثیر قرار داد. بالاخره با حلول ارزشهای آمارنی، جسم خاکی تعالی یافت، تصعید گردید و با تبلور ابعاد ملکوتی در آن به عروج رسید.

از این رو و با توجه به این ابعاد متنوع، دین مورد توجه شاخه های چند از دانش بشری قرار گرفت:

تاریخ ادیان History of religion

که در آن تکوین اندیشه دینی و تبلور آن مطرح شد، اشکال گوناگون دینی از چند خدائی تا یکتاپرستی و حرکت آنان در زمان تاریخی به بحث نهاده شد.

فلسفه دین Philosophy of

که در آن تفکر انسان در باب اساس واقعیت دینی مطرح گردید.

روانشناسی دین Psychology of

به شناسائی احساسات دینی، دگرگوئیهای شخصیت با حلول ایمان و تجلیات خارجی آن پرداخت.

Religion, Sociology of

جامعه‌شناسی دین

Sociology of religion

ر. ك.

Religious affiliations

تعلقات مذهبی

يكی از مهمترین متغیرات فردی-اجتماعی در راه تبیین رفتار انسانهاست. تعلق مذهبی می‌تواند تام (با اجرای تمام مناسك و شعائر دین)، جزئی و یا ناقص باشد.

Religion

ر. ك.

Religious behavior

رفتار دینی

Religious endogamy

درون‌همسری دینی

ازدواج افراد معتقد به يك آئین در درون گروه دینی خود. در مواردی چند این نوع درون‌همسری اجباری است (عدم ازدواج زن مسلمان با مرد كافر مگر آنكه به اسلام بگردد) در مواردی دیگر ناشی از گرایش انسانهاست به ازدواج با فردی دارای اعتقادات مشترك با آنان.

Religious homogamy

همگیش همسری

تمایل افراد به گزینش همسری از درون گروه دینی خود. این میزان تمایل بر حسب ادیان مختلف تمایز می‌پذیرد.

Religious law

فقه

Religious rituals

شعائر مذهبی

Religious sociology

جامعه‌شناسی دینی

بعضی بین جامعه‌شناسی دین و جامعه‌شناسی

دینی تمایز قائل می‌شوند. چه به نظر آنان جامعه‌شناسی دینی تحت نظر و توجه نهادهای مؤسسات و سازمانهای دینی پدید آمده (نظیر کلیساها...) و هدف از آن کاربرد شیوه‌های جامعه‌شناختی در جهت توسعه هدفهای دینی است.

Sociology of religion

ر. ك.

Religious thoughts

افكار دینی - اندیشه‌های دینی

Religious tolerance

مدارای دینی

میزان تحمل افكار دینی دیگران و اغماض در برابر آن.

Religiosity

تعصب دینی

Remedial institutions

نهادهای بهبودبخش

مجموعه‌هایی با بعد فرهنگی که در آن درمان‌تن‌یاروان نه تنها با استفاده از شیوه‌های تخصصی مورد نیاز در آن زمینه صورت می‌یابد، بلکه ابعاد فرهنگی نیز به منظور درمان عادات نادرست و در نتیجه ارتقاء امید بقای اثرات حاصل شده، مورد توجه قرار می‌گیرند.

Remote cause

علت دور

Cause

ر. ك.

Remarriage

ازدواج مجدد

Divorce/marriage

ر. ك.

Renaissance

رناس

در فارسی نوزائی، نوزایش نیز ترجمه شده است. دورانی است از حیات تاریخی انسان در غرب، این دوران از قرن پانزدهم آغاز شد و در آن به احیاء مجدد ارزشهای علمی، بشردوستی، اصلاح مذهبی پرداخته شد. به زعم سوروکین (P. Sorokin)، این دوران یکی از ادوار نادریست که در آن بین ابعاد روحانی، معنوی و مادی در جامعه تعادل پدید می آید.

Reorganization , Individual

بازسازمانی فردی

ر. ك. Individual reorganization

Reorganization , Social

بازسازمانی اجتماعی

ر. ك. Social reorganization

Repetitive phenomena

پدیده‌های تکرارشونده

پدیده‌هایی پایا و حاکم بر روابط انسانها در همه اعصار و برورای مرزهای ملی، نظیر رقابت، دوستی، کشمکش و...

Replacement

جایگزینی

در جمعیت‌شناسی به صورت جایگزینی جمعیت (Population replacement) با معنای تمایل به تداوم شمار یکسان افراد در نسلهای متوالی در يك جامعه خاص به کار می‌رود. در اقتصاد به صورت هزینه جایگزینی (Replacement cost) هزینه‌ای رامی‌رساند که در اثر جایگزینی کالای سرمایه‌ای از کار

افتاده توسط کالاهای سرمایه‌ای نو پدید می‌آید.

Replacement index

شاخص جایگزینی

در جمعیت‌شناسی و به هنگام سنجش تولیدمثل در بین يك جمعیت معین با توجه به استانداردهای تولیدمثل مطرح می‌شود. احتساب آن با تقسیم خارج قسمت تعداد کودکان يك سن معین (معمولا بین صفر تا چهارسال) به تعداد زنان در سن باروری در جمعیت مورد بررسی بر نسبت مشابه در جمعیت متوقفی که از لحاظ مرگ و میر وضعی متناظر داشته باشد، صورت می‌گیرد» (امانی (مهدی) و... لغتنامه جمعیت‌شناسی ص ۶۸)

Replicated sampling

نمونه‌گیری بازسنج

ر. ك. Sampling

Replication

بازسنجی

تکرار مطالعه است به منظور شناخت اعتبار آن. هنگامی که پدیده‌ای در شرایطی شناخته شد، بهتر است در زمانهای دیگر نیز مطالعه گردد تا معلوم شود آیا نتایج بدست آمده باز حاصل می‌شوند. این تکرار جواب گوناگون مطالعه را روشتر می‌نماید، میزان تعمیم‌پذیری آن را می‌رساند، ضمن آنکه محدودیتهایش را نشان می‌دهد.

ر. ك. Trend study/ Panel/

Reliability

Represent (to)

نماینده بودن، بازنمایی، نمایش دادن

Representation

نماینندگی

نظامی که از طریق آن مردم به انتخاب رهبران سیاسی دست می زنند تا آنان به نمایندگی جمع به تدوین و تهیه قوانین پردازند. در دموکراسی مستقیم، مردم خود قوانین را تدوین می کنند، لیک در جوامع جدید، با گسترش جمعیت، پراکندگی آن و همچنین پیچیدگی حیات اجتماعی و پیدائی فرهنگ گسترده، چنین امری ممکن نیست. از این رو این عمل به نمایندگان جامعه واگذار می شود.

Democracy

ر. ک.

Representations, collective

تصورات جمعی

Collective representations ر. ک.

Representations, Individual

تصورات فردی

Individual representations ر. ک.

Representation, proportional

انتخابات نسبی

Proportional representation ر. ک.

Representative

معرف-نمایا

- در آمار اجتماعی یک نمونه معرف یا درست (Representative sample)، به معنای جمعیتی محدود است که از جامعه‌ای

برگزیده شود و دارای حجم، تنوع و دیگر شرایط لازم جهت نشان دادن ویژگیها یا مشخصات جامعه اصلی است.

Representative control

کنترل از طریق نمایندگان

شیوه‌ای در مدیریت جمعی است از طریق تماس با نمایندگان منتخب مردم. در مواردی این شیوه نه تنها در شرایط آنی کارسازتر از مدیریت مستقیم است، بلکه همچون آموزشی نیز برای آن جمع بوده موجب ارتقاء بلوغ سیاسی گروه را فراهم می کند.

Control

ر. ک.

Representative attitude

طرز تلقی نمایا

Typical attitude ر. ک.

Representativeness

نمایائی، رسائی، نمایندگی

Repress (to)

سرکوب کردن

Repression, psychological

سرکوب روانشناختی

Psychological repression ر. ک.

Repression, social

سرکوب اجتماعی

Social repression ر. ک.

Repressive law

حقوق ردعی - قوانین سرکوبگر

یا زواجر، در برابر حقوق تدارکی یا جوا بر (Restitutive) که در آن بازسازی،

صرفاً جزئی از مردم از قدرتی والا برخوردار دارند. در حکومت سلطنتی (Monarchy) يك نفر دارای قدرت است و با قوانین ثابت و مشخص به اداره کشور می‌پردازد. در حکومت استبدادی (Despotism) يك نفر مستقیماً امور را به میل و اراده خود می‌گرداند.

(The spirit of laws, vol 2, p: 8)

ژان ژاک روسو (J. J. Rousseau) در چند اثر، مخصوصاً «قرارداد اجتماعی» مفهوم جمهور را هم در معنای جدید و هم در معنای سنتی به کار برده است. او در تعریف این مفهوم می‌نویسد: «از مفهوم جمهوری، دولتی در نظرم می‌آید که توسط قانون اداره می‌شود، بدون توجه به شکلی که حکومتش به خود گیرد».

(Social contract, p: 288)

در جریان انقلاب کبیر فرانسه، انقلابیون از این دو اندیشمند الهام گرفتند و روبسپیر در مقدمه بر قانون اساسی جمهوری، عبارت زیر را افزود: «حاکمیت از آن ملت است و حکومت ناشی از اراده ملت».

امروزه علیرغم تطور، باز این مفهوم معنایی بسیار وسیع دارد و، «هر نوع حکومتی را در بر می‌گیرد که سلطنتی نبوده و دارای نوعی نظام نمایندگی و گزینش ملی باشد».

(R. M. Mac Iver: The web of Government, p: 155)

جبران و رفع مسأله مطمح نظر است.

ر. ک. Durkheim / Restitutive law/ Criminology.

Repressive sanctions

محدودیت‌های سرکوب‌گرانه، بازدارنده

به زعم دورکیم حقوق جزا اکثر بر آن متکی است و در جامعه با همبستگی مکانیکی اعمال می‌شود.

ر. ک. Mechanical solidarity

Reproduction (rates of)

میزانهای تجدید نسل

ر. ک. Rates of reproduction

Reproductive capacity

ظرفیت تجدید نسل

این اصطلاح در مواردی به‌طور مترادف با قابلیت فرزند آوری (Fecundity) به کار می‌رود. به آن ر. ک.

Republic

جمهوری

نوعی حکومت که در آن نماینده یا نمایندگان از جانب ملت برای مدتی معین برگزیده شده، به اداره امور کشور پردازند. تا قبل از قرن هفدهم، جمهوری به معنای دولتی سازمان یافته بود. این مفهوم حتی در اروپا حکومتی را می‌رساند که بخوبی توسط شاه یا مأموران برگزیده اداره می‌شد. در قرن هیجدهم، منتسکیو (Montesquieu) در اثرش «روح القوانین» می‌نوشت: «يك حکومت جمهوری، حکومتی است که در آن گروهی با

بدینسان، می‌توان سخن از جمهوریهای جهان سوم، جمهوریهای امریکای جنوبی و حتی شوروی راند.

Republicanism, ر. ک.
presidentialism

Republicanism جمهوریخواهی

شامل جنبشهای گوناگون سیاسی - فلسفی است که وجه مشترک تمامی آنان توجه به آزادی، برابری و ایفاد قدرت به نمایندگان ملت، یا به بیان دیگر، تفویض حاکمیت به موازات تطور اندیشه جمهوریخواهی به موازات تطور اندیشه در باب جمهوری گونه‌ای خاص از جمهوریخواهی تجلی یافت که سالومینی (G. Salomini) آن را در برابر جمهوریخواهی کلاسیک و آزاد اندیش، عرفانی، مطلق‌گرا و رمانتیک می‌خواند. در فرانسه بعد از ۱۸۷۵ از مردم سالاری نیز مترادف؛ امروزه، آن اندیشه‌هایی را در بر می‌گیرد که (۱) حاکمیت را برخاسته از ملت و از آن ملت تلقی می‌نمایند. (۲) بر استمرار حاکمیت ملی و اعمال حاکمیت از جانب ملت تکیه دارند. (۳) با توجه به عدم امکان تحقق حاکمیت از جانب تمامی آحاد ملت، نظام گزینش از جانب ملت و تفویض اختیار به نمایندگان را مطرح می‌سازند.

Republic / presidentialism ر. ک.

Parliamentarism.

Cabinet government

Research پژوهش

فعالیت یا فعالیتهایی منظم، با فرضیه یا پیش فرضهایی مشخص و از طریق ابزاری متقن، در راه اثبات یا رد فرضیه‌ها؛ ازارکان تحقیق (۱) احراز روح علمی یا آزادی از هر تعصب، خرافه یا پیشداوری و عقاید قالبی. (۲) کاربرد شیوه‌هایی قابل اطمینان. (۳) حرکت تدریجی و منظم در راه نتیجه‌گیری. (۴) سعی در دستیابی به روابطی در شرایط معین و مصرح ثابت بین پدیده‌ها می‌باشد.

Research, types of انواع تحقیق

Action research پژوهش متعهدانه

هر تحقیقی که به منظور ایجاد دگرگونیهای اجتماعی و مخصوصاً در جهت تحقق ایده‌اولزی خاص محقق صورت گیرد. با تحقیق کاربردی از طرفی و پژوهشهای عملکردی از سوی دیگر، متفاوت است. پایه‌های نظری آن توسط آدام کرل (Adam Curle) نهاده شد.

از منتقدان این نوع پژوهش باید از مایکل آردیل (Michael Argyle) نام برد. او در اثرش «مطالعه علمی رفتار اجتماعی» (۱۹۵۷) براین نکته تأکید دارد که در این پژوهشها، کشف نتایج علمی اهمیت ثانوی می‌یابد.

Implemented research, ر. ک.

Actionist ideology

Analytic research پژوهش تحلیلی
پژوهشی که در آن شناخت علل و عوامل
تعیین کننده پدیده‌های عینی یا ذهنی و کیفی
مطمح نظر است.

Applied ~ پژوهش کاربردی

پژوهشی که نه در جهت ارضاء
کنجکاویهای ژرف پژوهشگر، بلکه حل
مسأله‌ای فردی، گروهی یا اجتماعی تحقق
پذیرد، هدف، حل مسائل اساسی جامعه است
با استمداد از دستاوردهای پژوهشی در
دانشهای انسانی- اجتماعی.

فوریت نتیجه‌گیری، رابطه‌ای منطقی بین کار،
پژوهش و جامعه پدید می‌آید و به همان
ترتیب و در همان زمان که محقق از جامعه
مایه می‌گیرد، به جامعه خویش نیز خدمت
می‌رساند. با پیچیدگی روز افزون دنیای امروز
نیاز به پژوهشهای کاربردی هر روز بیشتر
احساس می‌شود.

Descriptive ~ پژوهش توصیفی

پژوهشی که در آن بر خلاف پژوهشهای
تحلیلی شناخت شبکه علی وقایع و امور
مطمح نظر نیست.

Descriptive sociology ر. ک.

Diagnostic ~ پژوهش تشخیصی

Explorative ~ پژوهش اکتشافی

معمولاً چنین پژوهشهایی را در مرحله
آغازین تحقیق بکار می‌گیرند؛ تا امکان

انجام کار تحقیق بررسی شود. ۲) فرضیه‌های
اساسی تدوین گردند ۳) ابزار کار مسود
بررسی اولیه قرار گیرد.

Implemented research

پژوهش کاربردیافته

آن پژوهش که در کار اجرایی به کار
آید و نتایج آن در عمل پیاده شود.

Operational ~ پژوهش عملکردی

در برابر پژوهشهای کاربردی
(Applied) و یا تمهیدآمیز (Activist)
که به نیازهای آنی جامعه نظر دارند.

همچنین پژوهشهای بنیادی (Fundamental)
که صرفاً به منظور پاسخ به کنجکاویهای
اساسی محقق و فارغ از نیازهای آنی جامعه
تحقق می‌پذیرند، پژوهش عملکردی در
چارچوب يك واحد مشخص در جهت نشان-
دادن نتایج مترتب بر هر تصمیم، صورت
می‌پذیرد. هر تحقیق عملکردی به ساختن
مدلهایی منجر می‌شود که در آن سناریوی
تصمیم - نتایج آن مشخص می‌شود. دو

ویژگی اساسی در این نوع پژوهش به چشم
می‌خورد: ۱) گزینش تیمی متشکل از
محققینی با تخصصهای گوناگون. چه، در
واقعیت، دانشهای انسان از یکدیگر متمایز
نیستند و تقسیم آنان به رشته‌های گوناگون
نشان از تقسیم کار بین دانشمندان دارد و

همچون قراردادی بین آنان است. پس،
باید پدیده‌ها را در عالم واقع با همه اجزاء
و ابعاد آن دید. ۲) قراردادن هر تصمیم در
زمینه گسترده واقعیت و توجه به تمامی عناصر آن.

- Practical research** پژوهش عملی
- Social** ~ پژوهش اجتماعی
- پژوهش در باب پدیده‌های اجتماعی با بررسی اجتماعی (Social survey) از آن جهت تفاوت دارد که در پژوهش اجتماعی عمق و دقت بیشتر مطمح نظر است؛
- Social investigation.** ر. ک.
- Social survey.**
- Unimplemented** ~ تحقیق ناکاربرده
- آن تحقیق که در عمل پیاده نشده باشد.
- (۱) بدانجهت که ناکاربردنی (Unimplementable) است، (۲) یا از آنرو که مسئولان اجرایی بدان واقعی ننهاده‌اند؛ (۳) و یا بدان سبب که ناشناخته باقی مانده است.
- Reserve army** ارتش ذخیره
- در اصطلاح مارکس کارگرانی را شامل می‌شود که بر اثربیکاری به رقابت با کارگران شاغل می‌پردازند و موجبات کاهش بیشتر دستمزدها را فراهم می‌کنند. پیدایی سندیکاها، اتحادیه‌های کارگری و تعیین حداقل دستمزد موجب جلوگیری از چنین رقابتی شد.
- Resettlement** جابجایی
- استقرار مجدد انسانها در فضای جغرافیائی با تغییر محل اقامت که می‌تواند صوری بسیار یا بد:
- Desired resettlement** جابجائی خواسته
- تغییر محل اقامت بنا به میل جا بجاشوندگان
- Forced resettlement** جابجائی اجباری
- در بسیاری از موارد صورت می‌پذیرد نظیر: (۱) مهاجرت ناشی از امحاء نسل (Migratory genocide) بر اثر جنگ. (۲) برنامه‌ریزیهای سخت که بدون در نظر گرفتن خواستها و عادات انسانها، به امحاء برخی از روستاها می‌انجامد.
- Gradual** ~ جابجائی تدریجی
- Induced** ~ جابجائی برانگیخته
- Intentional** ~ جابجائی عمدی
- Precipitant** ~ جابجائی عاجل
- Voluntary** ~ جابجائی داوطلبانه
- Settlement** ر. ک.
- Residence , country of** کشور محل اقامت
- Residence , Matrilocal** مادرمکانی
- Matrilocal residence** ر. ک.
- Residence , patrilocal** پدرمکانی
- Patrilocality** ر. ک.
- Resident population** جمعیت مقیم
- Population** ر. ک.
- Residential quarters** محله‌های مسکونی
- در برابر محله‌های تجاری (Commercial quarters).
- Residual** رسوبی
- Residues** رسوبها
- در جامعه‌شناسی پادگو (V. Pareto)

رسو بها در برابر مشتقات (Derivations) قرار می گیرند و عوامل اصلی تعیین کننده رفتارند. چه، کلیه جهات اساسی و نفسانی را شامل می شود که در انسان ته نشین گردیده و برخلاف غرایز (که تجلیات یکسان دارند) بصور مختلف تجلی می کنند. رسو بها، سائتهایی جهانی هستند؛ چه، هم در جوامع ابتدایی هم در جوامع پیشرفته دیده می شوند. پارتو (Pareto) شش نوع از این انگیزه های اساسی را برمی شمارد: ۱- تمایل به متجلی ساختن احساسات. ۲) میل به حیات جمعی. ۳) نیاز به حفظ تمامیت فرد در برابر خواسته های جامعه. ۴) سائق جنسی. ۵) بقای گروه. ۶) رسو بهای ترکیب ساز: تمایل انسان به ربط دادن اشیاء (متشابه یا متضاد) بایکدیگر.

ر. ک. Derivations, Pareto

Resistance movements

نهضت های مقاومت

فعالیت های سازمان یافته گروهی از افراد يك ملت جهت مبارزه با مهاجمین خارجی. این فعالیت ها می توانند به صورت چریکی یا سازمان های مخفی سیاسی و یا هر دو صورت تجلی نمایند.

Resistance / passive مقاومت منفی

Passive resistance ر. ک.

Resocialization اجتماع شدن مجدد

فرایندی است در دگرگونی شخصیت به صورتی عمقی و در افرادی که معمولاً

خواهان آن نیستند.

نتیجه آن رها ساختن نوعی خاص از زندگی یا گونه ای ویژه از اندیشه است؛ شیوه خاص آن اکثر جداساختن فرد از زمینه اجتماعی قبلی و تداوم انگیزه های تازه است؛ نظیر شستشوی مغزی زندانیان جنگی، نوسازی شخصیت مجرمین، بازگرداندن گناهکاران به آئینی دینی و ...

ر. ک. Rehabilitation / Socialization.
Adult socialization / Anticipated socialization.

منابع طبیعی Resources, natural
ر. ک. Natural resources

منابع اجتماعی Resources, social
ر. ک. Social resources

پاسخ جمعی Response, collective
ر. ک. Collective response

پاسخ شرطی Response, conditioned
ر. ک. Conditioning

پاسخ تعاونی Response, cooperative
ر. ک. Cooperative response

پاسخ عاطفی Response, emotional
ر. ک. Emotional response

پاسخ های غیر تعاونی Response, non-cooperative
ر. ک. Non-cooperative response

- Response , social** پاسخ اجتماعى
Social response ر. ك.
- Response , stereotyped** پاسخ قالبى شده - پاسخ تهرآميز
Stereotyped response ر. ك.
- Responsibility , criminal** مسئوليت جنايى
Criminal responsibility ر. ك.
- Restitutive law** حقوق تداركى - حقوق جبرانى
 ر. ك.
- Repressive law** Criminology
- Restitutive sanctions** محدوديتهاى تداركى - جبرانى
 بزعم ددكيم نتيجه قوانينى است كه در جهتي ندردعى يا سر كوب گرا (Repressive) يا به منظور تلافى (Retaliation) بلکه با هدف جبران حادثه گذشته، پديد آيند. همبستگى عضوى جامعه با اين قوانين قوام مى يابد.
- Repressive sanction** ر. ك.
- Restraint , Moral** خوددارى جنسى
Moral restraint ر. ك.
- Restraint , social** ممانعت اجتماعى
social restraint ر. ك.
- Restriction** محدوديت ، تحديد
- Restrictionist** طرفدار تحديد جمعيت
 در برابر نظريه طرفداران افزايش
- جمعيت (Populationists) بدان ر. ك.
- Malthusianism / Moral—** ر. ك.
 abstinence.
- Retaliation** تلافى ، قصاص
 قانون مبتنى بر جبران عمل جنايى با اعمال متقابل به همان شيوه كه انجام يافته و اخذ همان نتيجه كه با عمل جنايى حاصل شده است، نظير: چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان و ... مفهوم انتقام (Revenge) وسيعتر از اين واژه است.
- Poetic punishment.** ر. ك.
Lex – talionis
- Retreatism** عزلت گزىنى
 تمايل به عقب نشينى در برابر نظامى سخت يا شرايطى كه فواتر از تحمل به نظر آيد. نتيجه آن مى تواند پناه به الكل، اعتياد و... باشد.
- Escape mechanism ,** ر. ك.
Utopianism / Escapism, Evasion
- Retreatist subculture** فرهنگ جزئى عزلت گزىن
 فرهنگى كوچك در بطن يك فرهنگ كه اعضا آن به ترك هدفها و ارزشهاى پذيرفته فرهنگ بزرگ پرداخته اند.
- Escapism/ Deviance.** ر. ك.
Escape mechanism
- Retroaction** عطف به ماسبق، تأثير معكوس-اثر واگشتگى

— در جامعه‌شناسی به عمل پدیده‌هایی
اطلاق می‌شود که پس از برگرفتن تأثیر از
يك پدیده دیگر، بنوبه خود بر پدیده مؤثر
اثر می‌نهند.

— در حقوق، قانونی را شامل می‌شود
که برگزشته نیز ناظر باشد.

Feed-back ر. ك.

Retroactive sanction
بادا فدهای مؤثر در گذشته

Retroflexion برگشتگی

Retrogradation واپس گرایی

Retrogression, social
واشت اجتماعى، پس‌روى اجتماعى
Social retrogression ر. ك.

Retroject (to) پس‌راندن، پس‌زدن

Retrojection واپس‌زنى
Introjection/ Projection ر. ك.

Retropulsion
عمقى ساختن - عمقى شدن
آسيب اجتماعى، نابسامانى - يا آن
بیماری اجتماعى که از صورت سطحی بدر
آمده، عمق و ژرفا پذیرد.

Retrospection پس‌نگرى
در برابر آینده‌نگرى (Prospecion)
است و از آن مکتب واپس‌نگرى
(Retrospectivism) مایه می‌گیرد.

Revision تجدید نظر

Revisionism تجدید نظر طلبی

در برابر عقاید منطبق با اصول اولیه‌دین
یا هرایده‌اولزی (Orthodoxy)، تجدید نظر-
طلبان در جستجوی دگرگون‌سازی این
اصولند؛ در صورت افراط اینان به الحاد
متهم می‌شوند.

Orthodoxy / Heresy ر. ك.
Heterodoxy / Fundamentalism.

Revolt طغیان

در برابر مفهوم نهضت (Movement)
یا قیام و نزدیک به مفهوم سرکشی
(Rebellion) است. اثر معروف لیپست
(Lipset)، با نام (طغیان دانشجویی در برکلی
Berkeley student revolt) نمونه‌ای از
کاربردهای آن در این معناست.

Movement/ Rebellion ر. ك.

Revolution انقلاب

I- از ریشه لاتینی (Revolutio) به
معنای بازگشت زمان (که اندیشه‌آغازی نو
را متبادر می‌سازد) اخذ گردیده است.

انقلاب به گسستن از حیات موجود تاریخی و
پیوند با عناصری تازه می‌انجامد و در آن اصل،
دگرگونی بنیادی است که اکثر به صورتی
خشن تحقق می‌پذیرد.

II- با توجه به اهمیت مفهوم و ابعاد
حرکتی-هیجانی آن، تعاریف بسیاری از آن
داده شده است: ۱) از نظر سودوکیین
(P. Sorokin) دگرگونیهای انقلابی
عبارتند از «دگرگونیهای بالنسبه غیرمترقبه،
سریع و خشن در قانون رسمی و ناکارای

به عنوان دارویی خشن در جهت درمان بیماریهای دولت، پایگاه يك نهاد یافت. هر چند اعلامیه استقلال امریکا اساس آئین انقلابی نو قرار گرفت، اما مثال قطعی فرایندهای انقلابی، با انقلاب فرانسه پدید آمد.

(The Price of Revolution ,
PP: 1,2)

۴) فِجَتو (F. Fejto) با تکیه بر روانشناسی انقلاب می نویسد: «انقلاب همواره مجموعه ای است از اموری متضاد؛ مشحون از پدیده ها و آثاری غیرمترقبه، که در جریان آن، کل «وجدان ناآگاه» ملت با تمامی ابعاد ارتجاعی یا ترقی خواهانه آن سر برمی آورد. در آن همه چیز درهم و برهم با شکوه و خشن است.

(Hungary and socialism,
P. 15)

III- برخی از ویسژگیهای انقلاب

چنین اند:

- قبل از آنکه انقلاب تجلی نماید، شاهد فرایند از هم پاشیدگی در درون کالبد نظام مستقر هستیم، آنچنانکه عناصر آن کارایی و هماهنگی خود را از دست می دهند و بالطبع امکان سازگاری مجدد یا توان پیوندی تازه جهت انطباق با شرایط نو از آنان سلب می شود.

- پدیده های تازه منبعث از کارکرد منفی نظام موجود و نارضایتی توده ها، زمانی

گروهها یا نهادها و نظام ارزشهایی که نمایانگر آن است؛ ناسازگاری بین قانون رسمی گروه و اعتقادات غیررسمی برخی از اعضای آن در مورد قوانین و همچنین تخاصم آشتی ناپذیر در مورد ارزشهای اساسی گروه موجود آنند. انقلاب متضمن شرکت جمعی وسیعی از مردم است.

(Society , Culture and
personality , PP: 481-2)

سودوکین انقلاب سیاسی را (که موجبات تغییر طبقه حاکم را فراهم می کند) از انقلاب اقتصادی (که دگرگونی خشونت باری در نظام اقتصادی پدید می آورد) متمایز کرده و آن انقلابی را نام (total) می خواند که تمامی نهادها و ارزشهای گروه را متبدل سازد.

۲) بریتتون (C. Brinton) انقلاب را «جانشینی ناگهانی و بنیادی يك گروه در اداره يك مجموعه سیاسی در يك سرزمین بجای گروه دیگر می داند».

(The Anatomy of Revolution,
P: 2)

۳) به نظر بروگان (D. W. Brogan) انقلاب سرنگونی نظامی مستقر و معمول است نه در جهت جابجایی افراد، بلکه به منظور قرار گرفتن نظامی سیاسی، اجتماعی و دینی بجای نظامی دیگر. از دیندگانه بروجان، «قدما نیز با مسئله انقلاب آشنا بودند و لسی صرفاً بعد از انقلاب امریکا بود که انقلاب

تبدیل به نیرو می‌شوند که تراکم یابند و عمل انقلابی را برانگیزند.

- زمانی کارکرد نیروهای نو انقلاب خوانده می‌شود که هم به گسیختن زنجیره حوادث تاریخی با بروز دگرگونیهای عمقی منتهی شوند و هم آنکه از این گسست، نظامی نو و پایا نشأت گیرد. (جایبایی ساده افراد را نمی‌توان انقلاب خواند).

- زمانی گسست با تاریخ قبل انقلابی خوانده می‌شود، که دگرگونیها به‌طور عمقی و همچنین سریع صورت پذیرند (درغیراین صورت دگرگونیهای تدریجی را تطور و یا اصلاح می‌خوانند).

- قوام نیروها و تبدیل آنان به عمل انقلابی مستلزم تجلی ابعاد عاطفی است. (تفر از نظام موجود، تبلور رویایی نظام بعد و...) که از آن حرکت انقلابی با ایشارو فداکاری مایه می‌گیرد.

- باید بین انقلاب که حرکت گسترده توده‌ها در جهت تأمین منافع ستم‌دیدگان است با کودتا و شورش، تمایز قائل شد.

IV- با توجه به ابعاد حرکتی-هیجانی آن، انقلاب اکثر با معیارهای ارزشی آمیخته و واکنشهایی تند برانگیخته است. این واکنشها در دو سرفصل بدینسان جای می‌گیرند:

۱- اندیشه‌های خوشبینانه مبتنی بر تطور ترقی‌آمیز که در قرن نوزدهم رواج داشت. بر اساس این نظریه، انقلابهای بزرگ سیاسی و اجتماعی، ابزارهایی در راه ترقی

اجتناب ناپذیر انسانی هستند، بسوی جامعه‌ای می‌گردند که در آن آزادی، خودمختاری، هماهنگی اجتماعی و برابری برتری یابند. این اندیشه خود از نظر شیوه تحقق اهداف انقلابی به دو جزء تقسیم می‌شود. الف) آنانکه در راه تحقق آرمان انقلابی-برابری را مطرح می‌سازند و تثبیت به‌روشهای دیکتاتوری را لازم می‌دانند (نظیر مارکسیستها که از دیکتاتوری رنجبران به عنوان مرحله‌ای از انقلاب سخن می‌گویند). ب) آنانکه بر رعایت آزادی تکیه دارند و یا آزادی و برابری را با هم می‌خواهند (سوسیالیستهای آزادیخواه) و تثبیت به دیکتاتوری را در هیچ مرحله‌ای تجویز نمی‌کنند.

۲) اندیشه‌های بدبینانه و محافظه‌کاران، منبعث از اندیشمندانی که از پیامد انقلابهای قرن ۱۹ دلسرد شده‌اند. (نظر لوین و نیچه) از دیدگاه آنان، انقلابها، زمینه تجلی حرکات وحشیانه، کنترل نشده و هیجانات مخرب مردمی هستند.

ر. ک. Counter-revolution

Reform/ Evolution
Rising expectations
Revolution, commercial

انقلاب بازرگانی

ر. ک. Commercial revolution

Revolution, industrial

انقلاب صنعتی

ر. ک. Industrial revolution

Revolution, palace

انقلاب از بالا

- Palace revolution** ر.ك. جنگ انقلابی Revolutionary war
- Revolution , vital** يك گروه اجتماعی، مذهبی و فلسفی در معنای وسیع، به جنگ داخلی بین يك گروه مسلط اطلاق می شود. این تنازع با گروه مسلط از جنگهایی است که صرفاً بعد سیاسی، نظامی و ارضی دارند.
- Vital revolution** ر.ك. دگرگونی انقلابی Revolutionary change
- در اصطلاح، دگرگونی اساسی و سریع که موجبات گسستن با روابط گذشته را فراهم می سازد، بدین نام خوانده می شود. دگرگونیهای انقلابی به پیدایی دو مقطع (قبل از انقلاب و بعد از آن) در تاریخ می انجامد.
- Social change / revolution** ر.ك. رایشمن Riesman (David)
- اندیشمند اجتماعی امریکایی است (متولد ۱۹۰۹) در آغاز به مطالعات حقوقی پرداخت و سپس به تألیف آثاری در مورد مسائل جوامع جدید دست زد. آثارش به جلب مردم عامی نیز منجر گردید. چه او به نوعی جامعه شناسی به زبان ساده روی نمود. مفاهیم انسان دیگر رهبر (other directed) انسان سنت رهبر (Traditional directed) انسان خود رهبر (Inner directed) از اوست. (به هر يك ر.ك.)
- Revolutionary conflict** کشمکش انقلابی
- در سیاست به معنای تعارضهایی است در جهت سقوط قدرت حاکم، یا جابجایی قدرت از طبقه ای به طبقه دیگر و یا بازسازی عمقی نهاد حکومت. از نظر اجتماعی، تنشهایی در جهت ایجاد دگرگونی عمقی درجیات اجتماعی است (شکل جامعه، نحوه توزیع جمعیت در فضا، افکار و اندیشه ها).
- Revolutionary syndicalism** سندیکالیسم انقلابی
- زمانی است که سندیکاهای قلمرو کارشان که صرفاً اقتصادی است فراتر روند و قدرشان را در خدمت براندازی رژیم و تعبیه نظام سیاسی نوینی به کار اندازند.
- Right , Father** پدر سروری
- Father right** ر.ك.
- Right , Mother** مادر سروری
- Mother right** ر.ك.
- Right , Nephew** حقوق خواهرزاده
- Nephew right** ر.ك.
- Right of asylum** حق پناه
- حق گزینش و پذیرش محل، سازمان یا نهادی خاص توسط عرف یا قانون به عنوان محلی امن برای فرد یا افرادی که در معرض تهدیدهای نژادی یا عقیدتی قرار گرفته اند.

- Right of sanctuary** پناهگاه مقدس
رسمی خاص که برخی از مجرمین را
به پناهجویی در مکانی امن و مقدس مجاز
می‌داشت.
- City of refuge** ر. ک.
- Right, political** راست‌گرایی سیاسی
Political right ر. ک.
- Rights, Civil** حقوق مدنی
Civil right ر. ک.
- Rights, Natural** حقوق طبیعی
Natural rights ر. ک.
- Right wing** جناح راست
آن دسته از گروه‌های سیاسی که در برابر
نهضت‌های عمقی موضع گیرند و به محافظه‌کاری
و حتی ارتجاع منتسب شوند.
- Political right** ر. ک.
- Rights, paternal** حقوق پدری
Paternal rights ر. ک.
- Rising expectations**
انتظارات رو به فزونی، توقعات فزاینده
بر پایه نظر بعضی، انقلابها اکثر زمانی واقع
می‌شوند، که مردم زندگی بهتری نسبت به
گذشته دارند. بدین معنی، بهبود شرایط
اجتماعی و اقتصادی که در دورانی قبل رخ
داده است موجب افزایش توقع و انتظارات
می‌گردد، شکاف بین امسکان و انتظار؛
نارضایی و با آن انقلاب را موجب می‌شود.
این نظریه هادرست در برابر اندیشه‌هایی قرار
می‌گیرند که انقلاب را همواره منبعث از
سرکوب سیاسی و فقر اقتصادی در درازمدت
و به صورتی گسترده می‌دانند.
- توکویل (A. Tocqueville) در قرن
۱۹، نوشت: مردم در بحبوحه سالهای ۱۷۸۹
از رفاه نسبی برخوردار بودند، اما درست
در مناطقی که بهبود شرایط زندگی بیشتر پدید
آمده بود، نارضایتی عمومی به بالاترین
درجات خود می‌رسید.
- در بحران ۱۹۶۸ در فرانسه، ملاحظه
می‌شد کارگران (Renault) که از
میزان رفاه بالاتری برخوردار بودند،
طلیعه‌دار، قیام به حساب می‌آمدند. اخیراً،
این طرز تفکر با نظر دیویز (J. C. Davies)
بعد تازه‌ای یافته است. به زعم وی، انقلابات
اکثر زمانی رخ می‌دهند که بعد از دوران
طولانی توسعه ملموس در زمینه‌های اقتصادی
و اجتماعی، دوران کوتاهی از رکود پدید
آید. این نظریه با عنوان نظریه منحنی J
معروف است؛ زیرا در ترسیم منحنی نوسان،
خطی که ارتقاء شرایط و سپس سقوط ناشی
از رکود را نشان می‌دهد، صورتی از حرف J
می‌یابد. علیرغم این نظریه‌ها که در صد تبیین
همه انقلابات جهانند، باید پذیرفت هر انقلاب
ماهیتی خاص و بالطبع عواملی ویژه دارد.
- Social expectation** , ر. ک.
Revolution / Tocqueville
- Rites** مناسک
از ریشه Ritus به معنای اندیشه

تنظیم، یا مجموعه قواعدی است که در جریان پرستش معمول می‌شوند. و در فارسی از نِسک به معنای قربانی تقدیم شده و منسک در معنای محل تقدیم قربانی گرفته شده است. مناسک، گونه‌هایی بسیار می‌یابند (نظیر مناسک زراعی یا هر آنچه در جهت بارور کردن کشاورزی به کار می‌آید و مخصوصاً در پایان درو و جهت ستایش در برابر خدایان معمول می‌گردد).

Rites' Birth مناسک ولادت

Birth rites ر. ک.

Rites, Initiation مناسک پاشایی

Initiation rites ر. ک.

Rites de passage مناسک گذر

I - اصطلاحی فرانسوی که به همین صورت در زبان انگلیسی نیز رایج است. این اصطلاح را در آغاز دان گنپ (Van Gennep) در اثری با همین عنوان وضع نموده بکار گرفت. او دو نوع از این مناسک را از یکدیگر متمایز می‌ساخت: (۱) مناسکی که به همراه گذر از پایگاهی به پایگاه دیگر در جریان حیات فرد رخ می‌دهند. این مناسک در جوامع ابتدایی بالاحص دارای اهمیت ویژه‌ای است. به عنوان مثال، یا به بلوغ نهادن به عنوان حادثه‌ای مهم در حیات فردی به‌شمار می‌آید؛ پس با مناسک و آداب خاصی همراه می‌شود که برخی از آنان در پاشایی (Initiation) جای می‌گیرند.

از این پس و با گذر از این دوره، شخص منزلتی تازه می‌یابد، وظایفی خاص به‌عهده می‌گیرد و به‌همان نسبت نیز از امتیازات و بطور کلی حیات تازه‌ای برخوردار می‌شود. (۲) مناسکی که گذر از زمانی به‌زمان دیگر را می‌رساند (ماه نو، سال نو، فصل نو...) امروزه، این اصطلاح مخصوصاً در معنای مراسمی به کار می‌رود که در تولد، ازدواج و مرگ معمول می‌شوند. دان گنپ از دیدگاهی دیگر سه نوع مناسک اساسی را از یکدیگر تفکیک می‌کند: (۱) مناسک جدایی بخش (که به همراه مراسم و آداب مرتبط با مرگ صورت می‌گیرند). (۲) مناسک تجمع بخش (که به همراه ازدواج و پیوندهای زناشویی به‌ر صورت رخ می‌دهد). (۳) مناسک حاشیه‌ای (که در جریان مرحله‌ای از حیات فرد پدید می‌آید و فرد در طی آن از پایگاهی جدا شده اما هنوز در پایگاه نو به رسمیت شناخته نشده است).

Rites , puberty مناسک بلوغ

Puberty rites ر. ک.

Rites , purification مناسک تزکیه

Purification rites ر. ک.

Ritual شعائر

(۱) در معنای خاص، قابل مشاهده‌ترین، آشکارترین و برجسته‌ترین اجزاء و عناصر اعمال دینی را شامل می‌شود. (۲) در معنای وسیع شعائر شامل رفتاری است که در

ساخت یابی محیط اجتماعی نقشی مهم ایفاء می نمایند. با توجه به حالات هیجانی و احساسات خاصی که در جریان آنان پدید آمده تبلور می یابند، بعد و ماهیتی اعتقادی می یابند.

Ritual , Marriage شعائر ازدواج
Marriage ritual ر. ک.

Ritual continence

پرهیز جنسی ناشی از شعائر
 پرهیز جنسی زوجین توسط عواملی چون جادو، مراسم خاص و... یا دورانهای خاص نظیر بارداری، شیرخوارگی و... یا بحرانیهای اجتماعی، اقتصادی و...

Marital continence , ر. ک.

Marital abstinence, Deferred.
consumption

Ritual union آمیزش مبتنی بر شعائر
 شعائری که در برخی از جوامع ابتدایی صورت می گیرد و متعاقب آن آمیزش و ایجاد روابط جنسی مجاز و در مواردی اجباری است.

Promiscuity ر. ک.

Ritualism شعائرپرستی

پذیرش بی چون و چرای شعائر اجتماعی؛ به هر قیمت حتی زمانی که با مصالح فردی و یا حتی اجتماعی تعارض داشته باشند.

Deviance ر. ک.

Rohëim (Geza) روحیم

انسانشناس مجارستانی است (۱۹۵۳-)

۱۸۹۰) زمینه اصلی کارهایش شخصیت و فرهنگ است. بینش خاص او انسانشناسی با تسکیمه بر تحلیلهای روانی (Psychoanalytic anthropology) یا انسانشناسی از لحاظ روانکاوی است که به طور محسوسی از آثار فردید (S. Freud) مخصوصاً توتم و تابوی او متأثر است. بعضی از آثارش بدین قرارند:

The origin and function of culture. The gates of the dream . Australian totemism.

Roles , social نقشهای اجتماعی
Social roles ر. ک.

Ross (Edward alsworth) راس
 جامعه شناس و روانشناس اجتماعی در امریکا است. (۱۸۸۶-۱۹۵۱) از اولین مؤلفانی است که در زمینه روانشناسی- اجتماعی آثاری به رشته تحریر درآورده اند. او در دانشگاه استفورد به کار پرداخت. در زمره دانشمندانی است که دانش و تعهد و اخلاق را از یکدیگر جدا نمی دانند. از او ۲۸ کتاب و شمار بسیاری مقاله علمی باقی است.

Routinization عادی سازی رهبری
 در نظریه های مربوط به مدیریت در سازمانهای گسترده (مخصوصاً از دیدگاه ماکس وبر و اتزیونی) به مرحله ای اطلاق می شود که در طی آن رهبری فرهی جای خود را به رهبری عادی بخشیده باشد. در این حال،

روابط متعارف تر خواهند بود، سازمان‌جهات عقلانی بیشتر می‌یابد و زمینه‌ای برای پیدایی رهبری خردگرایانه فراهم می‌شود.

ر. ک. Max Weber/ Etzioni.

Charismatic/ Authority

Rugged individualism

فردگرایی لجام‌سیخته

آن نظام اجتماعی که در آن نظارت دولت

در حمایت از طبقات محروم سخت‌کاهش یابد و افراد در ارضاء خواست خود آزادی مفرط یابند.

ر. ک. Centrifugal forces.

Ultra-individualism/ Singularism
classical - school

Rules of descent قواعد تبار

سلسه قواعدی را شامل می‌شود که يك جامعه در راه تعیین هویت افراد و تعیین وابستگی آنان به یکدیگر وضع می‌کند. بدینسان تبار دوسویه (Bilateral descent) وابستگی فرد را به پدر و مادر هر دو می‌رساند. و حال آنکه در تبار يك سویه (Unilateral descent) فرزند به مادر یا پدر منتسب است. که در صورت اول مادر نسبی (Matrilineal) و در حالت دوم پدر نسبی (Patrilineal) پدید می‌آید.

ر. ک. Descent

Ruling class طبقه حاکم

توجه به طبقه حاکم و انواع حکومت در آغاز در یونان باستان، معمول

شد. اندیشمندانی چون سقراط، افلاطون، ارسطو و هرودوت از شش نوع ساخت حکومت یاد کرده‌اند، نظیر سلطنت، حکومت اشراف، حکومت مردم، حکومت جباران، (Tyranny) حکومت گروهي اندك، (Oligarchy) و حکومت صاحبان فضیلت، که در هر يك طبقه حاکم، صورت و نوعی خاص می‌یابد.

در سالهای اخیر، موسکا (G. Mosca) با اثرش تحت عنوان «طبقه حاکم» که به سال ۱۹۶۸ انتشار یافت، نه تنها اندیشه صاحب‌نظران یونانی را منعکس نمود، بلکه قبل از اثر برجسته میچلز (R. Michels) با نام «قانون آهنین حکومت متنفذان» (Iron law of oligarchy) این نظریه را ارائه داد که همه جوامع پیشرفته را يك اقلیت سیاسی (Political minority) اداره می‌کند.

به زعم موسکا این اقلیت در هر حال ویژگیهایی خاص داشته است؛ گاه دارای خاندانی برتر بود. زمانی حائز ثروت و در زمانی دیگر دارای توانائیهای اداری بوده است.

هرچند، به زعم موسکا، طبقه حاکم مانع تحقق حکومت مردم است، لیکن؛ پایان امر به استبداد نیز نمی‌انجامد زیرا دو عامل اساسی مانع بروز آن خواهد بود: گرایش مردم سالارانه که مردم را در جریان حکومت قرار می‌دهد و گروه حاکم از آن متأثر می‌شود. دفاع حقوقی که طبقه حاکم

را در اعمالش محدود می سازد. دفاع حقوقی شامل احترام اخلاقی به نظم و قانون است که به عنوان هنجاری نهادی شده حاکمان و مردم را دربر می گیرد.

ر. ک. . Ochlocracy , Oligarchy .
Monarchy , Mosca , Democracy ,
Aristocracy , Plutocracy ,
Stratocracy, Meritocracy, Tyranny;
Kakistocracy . Mobocracy.

Rural family خانواده روستائی
ر. ک. Family

Rural industrial community
جماعت روستائی - صنعتی

جمعی که از هر نظر روستائی است اما مردم آن به کار صنعتی مشغولند؛ مواردی چند پیدایی این نوع زندگی را موجب می شود: (۱) ایجاد واحدهای صنعتی در حاشیه روستاها (۲) مهاجرت دستجمعی و وسیع روستائیان به سوی شهرها و اقامت در حاشیه آنان: آنچه ناگه طرز فکر، توزیع معیشت و... تماماً روستائی است ولی کار اصلی در صنایع انجام می شود، (۳) گسترش وسایل حمل و نقل: به طوری که فرد در روستا زندگی می کند و لیک هر روز برای کار به شهر می آید و در واحدهای صنعتی به کار می پردازد.

ر. ک. Commutation

Rural disorganization
دژ سازمانی روستائی

به هم ریختن نظام اجتماعی-اقتصادی در يك منطقه روستایی به هر علت (مهاجرت- دستجمعی و...)

Rural migrants مهاجرین روستائی

مردمی با خاستگاه روستائی و شرایط اقتصادی-اجتماعی نامطلوب که در جستجوی وضع بهتر روی به مناطق دیگر می آورند. گاه مهاجرت به سوی روستاهای دیگر صورت می گیرد و لیک، اغلب شهرها هدف مهاجرین روستائی هستند. مهاجران روستائی اکثر موجبات پیدایی حاشیه نشینی شهری، تورم بخش خدمات، بیکاری پنهان و ... را فراهم می سازد.

ر. ک. Migration

Rural population جمعیت روستائی
ر. ک. Population

Rural/social organization
سازمان اجتماعی-روستائی

سازمان بندی و برنامه ریزی علمی در مناسبات اجتماعی در محیط روستائی، مخصوصاً با استفاده از جامعه شناسی روستایی و با تکیه بر ویژگیهای خاص روانی روستائیان و حیات خاص آنان با تماس مستقیم با طبیعت؛ تاکید بر روابط چهره به چهره، کوچک کردن واحدهای سازمانی، تفویض اختیار به مسئولین سازمانی، ایجاد تحرك در واحدها و ... در مناطق روستائی ضروریست.

جامعه‌شناسی روستائی Rural sociology

شاخه‌ای است از جامعه‌شناسی که در آن نظامهای اجتماعی و مناسبات آنان در جامعه روستائی و همچنین در جزئی از بخش شهری مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

از نظر تاریخی در آغاز قرن بیستم، توجه به آن بیش از پیش جلب شد، پیدایی انجمن جامعه‌شناسان روستائی (sociological society) (The rural) به سال ۱۹۳۷ و همچنین انتشار مجله جامعه‌شناسی روستائی در امریکا، گامی در بسط این رشته از جامعه‌شناسی بود. در سال ۱۹۵۷ در اروپا مجله Sociologie ruralis توسط انجمن اروپایی جامعه‌شناسان روستائی انتشار یافت. هر یک از آنان نه تنها در جهت پوشش وسیعتر جغرافیایی این دانش مؤثر افتادند، بلکه مقولات تازه‌ای را در این رشته مطرح ساختند. مباحثی که خود از اثر برجسته

گالپین (C. J. Galpin) با نام «کالبدشناسی اجتماعی یک جمع شاغل به زراعت» به سال ۱۹۱۵ تا کار تاریخی برونر (E. S. Brunner) با نام «رشد یک دانش، نیم قرن جامعه‌شناسی زراعی در امریکا» به سال ۱۹۵۷، تنوع، پیچیدگی و تکامل یافتند.

جهات روستائی Rurality

درجه یا میزانی که يك اجتماع خاص شرایط و احوال يك جامعه روستائی را یافته است.

Ruralization

روستائی شدن، جهات روستائی بخشیدن - فرایند ورود و گسترش نظرات و اعمال روستائی در مناطق شهری.

Rurbanization تعامل شهر و روستا

گسترش روابط متقابل شهری و روستائی به‌عنوان فرایندی مؤثر در نزدیکی جهاتی از این دو شناخته می‌شود.

S

Sacralization

تقدس بخشی

Sacred

مقدس - امر مقدس

مقدس یکی از واژه‌هایی است که بیش از همه در جهت نشان دادن امر مذهبی به کار آمده اما تعریف آن بسیار دشوار است. مقدس همیشه در برابر پلشت یا پلید و یا غیر مقدس (Profane) به کار می‌آید، همانطور که حیات مذهبی در برابر زندگی غیر مذهبی قرار می‌گیرد. امر مقدس حاوی تجلیات غیرمادی و ماوراءالطبیعه است که می‌توانند از طریق يك واقعیت عادی و غیرمقدس و متمایز، با احساساتی منبعث از پرستش یا ترس برای خدایان یا نیروهایی برتر که مقدس تلقی می‌شوند، بروز و ظهور نمایند.

به این سان باید گفت مقدس همچون دنیایی جدا، منفک از دنیای معمولی و با ماهیتی ممنوع کننده است که اکثر تجلی آن

با باورهای دینی و مرامی همراه است. به سال ۱۹۱۲، دورکیم (E. Durkheim) در اثرش «اشکال ابتدایی حیات دینی» به امر مقدس توجه نموده اظهار داشت آنچه اساس دین را تشکیل می‌دهد همین تمایز بین امر مقدس و غیرمقدس است. امر مقدس با غیرمقدس مخصوصاً از این رو تمایز می‌یابد که با شعائری (Rituals) بسیار احاطه شده است، مانند دعا، قربانی و... اوتو (Rudolf Otto) بر خلاف دورکیم و بسیاری دیگر که فقط احساس ترس و شکوه را با امر مقدس همراه می‌دیدند، امر مقدس را در عمق روان به عنوان احساس مرموز و ماوراء خرد یا اصل زنده همه ادیان می‌داند.

Sacred society

سلك روحانی

جمع یا گروهی با هنجارهایی مقدس، الزام‌آور و به هم پیوسته. ویژگی اساسی آن

درونی شدن (Internalization) هنجارها و پذیرش قلبی آنان است.

Sacredness

قداست

Sacrifice

قربانی - نسک

در معنای خاص هدیه به نیرویی مافوق طبیعی و مقدس است که معمولاً با امحاء پدیده اهدایی تحقق می‌پذیرد. در این معنی نسک یا قربانی تقدیم شده به عنوان معادل آن قرار می‌گیرد. در معنای عام واژه قربانی برگردان آن است.

Sacrifice, Blood

خون قربانی

Blood sacrifice

ر. ک.

Sacrifice foundation

بنا قربانی

قربانی که به هنگام ریختن پایه‌های یک بنیاد یا یک بنا با خون انسانی به انجام می‌رسد تا آن را با روحی حمایت‌کننده و محافظ، مجهز سازد.

Sacrifice, Human

انسان قربانی

Human sacrifice

ر. ک.

Sacrifice, Vicarious

قربانی نیابتی

Vicarious sacrifice

ر. ک.

Sadism

دیگرآزاری

تمایلی نابهنجار در جهت شکنجه و اذناء دیگری (معمولاً با نوعی انحراف روانی در امر جنسی همراه است).

Saint Simon (Claude Henri, comte de)

سن سیمون

از بنیان‌جامعه‌شناسی است که آگوست کنت،

مارکس و بسیاری دیگر را الهام بخشید. او را در کنار فودییه، اون و پرودن باید از بنیان سوسیالیسم نیز دانست. او در آرزوی پیدایی جامعه‌ای صنعتی بود که توسط دانشمندان اداره شود و در آن پیوندهای جهانی موجبات جلوگیری از جنگ را فراهم سازد. سن سیمون ترقی را در ارتقاء دانش می‌دانست. برخی از آثارش:

Le Nouveau Christianisme

(با همکاری کنت)

Réorganisation de société

Salvation

رستگاری

اصطلاحی است که مخصوصاً در قلمرو جامعه‌شناسی دینی به کار می‌رود و هدف غایی انسان مذهبی و معتقد را تشکیل می‌دهد.

ر. ک. Religion. Sociology of religion

Sampling

نمونه‌گیری

از مهمترین مباحث آمار در علوم اجتماعی است چه از طرفی، با توجه به وسعت جمعیت یا امور مورد مطالعه، محقق ناچار باید به نمونه‌گیری پردازد و جز در موارد استثنایی (نظیر سرشماری) گریز از آن نیست، و از طرف دیگر، اعتماد داده‌های یک تحقیق تا حدودی با صحت نمونه‌گیری آن سنجیده می‌شود - تا آنجا که به زعم، والیس (W.A. Wallis) و روبرتز (H. V. Roberts) دو مفهوم اساسی در آمار اجتماعی نمونه و جامعه آماری است.

داده‌های به دست آمده را می‌رساند و حال آنکه جمعیت کل یا جامعه آماری (universe, Population) کل مشاهدات ممکن در همان زمینه‌اند.

در عرف عام، نمونه هر چیز، سلسله‌ای از اشیاء یا پدیده‌ها و یا هر آن چیزی است که نمایانگر کل آن باشد. به عنوان مثال، می‌توان از نمونه غذاپختن یا رفتار يك نفر یاد کرد. تا زمانی که امور مورد مطالعه یا بررسی یکسانند، گزینش نمونه کاری دشوار نیست، مانند، نمونه خون يك فرد، همانطور که کوچران (W. G. Cochran) یادآور می‌شود، «زمانی که امور مطالعه یکسان نیستند، چیزی که اکثر اتفاق می‌افتد، روشی که از طریق آن نمونه فراهم آمده است حساسیت می‌باید و مطالعه فنی که نمونه‌ای قابل اعتماد را به دست دهد، مهم خواهد بود».

(Sampling Techniques, P: 1)

باتوجه به پیچیدگی و تنوع پدیده‌های انسانی-اجتماعی، انواعی بسیار از نمونه‌ها هم شیوه‌های متعددی در نمونه‌گیری باز یافته می‌شوند.

Sampling error

خطای نمونه‌گیری

ضریب اشتباه متناسب به نادرستی جمعیت نمونه در هر تحقیق اجتماعی است. زمانی که عواملی چون تنوع درونی جامعه آماری

(Universe)، بزرگی آن (در مقابل کوچکی جمعیت نمونه) مطرح می‌شوند، نمونه‌گیری حساسیت بیشتری می‌یابد. آزمون خطای نمونه‌گیری از دیدگاهی شناخت ضریب نمایانی (Representativeness) یا معرف بودن جمعیت نمونه است. یکی از راهها در جهت کاهش خطای نمونه‌گیری، اقدام به نمونه‌گیری مکرر (Repetitive Sampling) است. زیرا درین نوع نمونه‌گیری، ضریب اشتباه نمونه‌گیری‌های ساده در طول مدت تصحیح می‌شود. اما، امکان احتساب ضریب خطای نمونه‌گیری در یک نمونه ساده (غیر مکرر) نیز هست که با آزمون معنای آماری و بدست دادن ضریب اعتماد صورت پذیر است.

انواع نمونه‌گیری Sampling, Types of

نمونه متناسب Adequate sample ,

نمونه‌ای با تنوع و رسایی نسبی، آنچنانکه در آن لغزشهای ناشی از نمونه‌گیری (Sampling errors) در حدودی متعارف باشند.

نمونه محدود ناحیه‌ای Area Sample

نمونه‌ای از نظر کمی محدود و متکی بر تقسیمات جغرافیایی

نمونه سو یافته Biased ~

نمونه‌ای غیر معرف

(Unrepresentative) در برابر جامعه آماری

نمونه‌گیری غیر نسبی

فرآیندی است در نمونه‌گیری که در آن شمار موارد گزیده از هر يك از قشرها در جامعه آماری با شمار واحدهای آن قشر متناسب نیست.

نمونه‌گیری مضاعف ~ Double

کاربرد دو روش نمونه‌گیری و یا بیشتر در سطوح مختلف بررسی. به عنوان مثال، نمونه‌گیری تصادفی در آغاز و پس از آن در درون نمونه گزیده با روش تصادفی، نمونه‌ای دیگر با شیوه مطابق گرفته می‌شود. این شیوه را در شرایطی نمونه‌گیری مختلط (Mixed Sampling) نیز گویند.

Interpenetrating ~

نمونه‌گیری متداخل

نمونه‌گیری نظری ~ judgemental

شیوه‌ای است در نمونه‌گیری که در آن محقق از گمان و حدس و نظر خود بهره می‌گیرد و یا در مواردی نظرش را با شیوه‌هایی علمی می‌آمیزد. هادو (W. G. Madow) این شیوه را در زمره دو گونه اصلی نمونه‌گیری می‌داند (که نوع دیگر نمونه‌گیری تصادفی است). به زعم او «ویژگی خاص این شیوه در این است که میزان احتمال ورود يك مورد در جمعیت نمونه ناشناخته است».

(Sample survey Methods and theory , Vol. 1, P. 9.)

خصوصیات آن است.

نمونه‌گیری برپایه Block sampling

مجتمع‌های مسکونی - نمونه‌گیری مجتمعی در آغاز، جامعه آماری به بلوکها یا مجتمعهایی تقسیم می‌شود و سپس از میان آنان تعدادی برگزیده می‌شود. معمولاً در داخل مجتمعهای گزیده شده، همه جمعیت مطالعه می‌شود. چنانچه در هر مجتمع گزیده جزئی مورد مطالعه قرار گیرند، بدان نمونه‌گیری مجتمعی - بخششی (Block-Segment Sampling) اطلاق می‌شود.

نمونه‌گیری خوشه‌ای ~ Cluster

آن را نمونه‌گیری گروهی یا مجتمع نیز خوانده‌اند، جمعیت نمونه در این شیوه، پراکنده نیست. این تجمع در جریان تحقیق به تسریع و تسهیل جریان آن کمک می‌کند. هرچند که خود معایبی نیز دارد.

نمونه‌گیری کنترل شده ~ Controlled

شیوه‌ای است در نمونه‌گیری که در آن به هنگام گزینش موارد نمونه‌کنترلی در جهت تأمین نمونه‌ای معرف از هر گروه یا رده و یا قشر اعمال می‌شود. در اینحال، ممکن است شماری مشخص از هر قشر بدون توجه به شمار ارقام و یا واحدهای آن قشر گزیده شود.

Disproportional Sampling

به عنوان مثال، کارهای ارزشمند مقایسه‌ای که جامعه‌شناسان قرن ۱۹ به انجام می‌رساندند بر اساس این شیوه فراهم می‌شد. قدمی فراتر از این نوع، نمونه‌گیری ما را به نمونه‌گیری سهمیه‌ای (Quota sampling) می‌رساند.

نمونه‌گیری خطی Line Sampling
نمونه‌ای که باگزینش مواردی از یک جامعه آماری که بر روی خطی مشخص در یک صفحه مدرج و فهرست‌بندی شده جای یا بند، به دست آید.

نمونه‌گیری مختلط Mixed ~
Double sampling ر. ک.

نمونه‌گیری چنددرجه‌ای Multi-phase ~
ابتدا جمعیتی از جامعه آماری گزیده می‌شود و سپس از بین همان نمونه گزیده شده، جمعیت نمونه کوچکتری معین می‌گردد و...

نمونه‌گیری نسبی Proportional ~
گزینش نمونه‌ای است که در آن همه عناصر معنی‌دار در داخل جمعیت نمونه به همان نسبت جامعه آماری گزیده شده‌اند.
نمونه احتمالی Probability ~
نوعی جمعیت نمونه که از جهاتی یا نمونه تصادفی (Random sample) مشابه است.

Purposive Sampling

نمونه برپایه تشابه متغیرات اصلی
گزینش بخشی از يك جمعیت که در

رابطه بايك یا چند ویژگی که موضوع مورد بررسی هستند، دارای همان میانگین یادگیر مشخصات جامعه آماری است. مثال: در نمونه‌گیری از يك ایالت جهت بررسی درآمد، می‌توان چند بخش را برگزید که مثلاً دارای متوسط سنی جمعیت آن ایالت باشند، در این صورت، فرض می‌شود که درآمد متوسط و یا هر متغیر که در رابطه با سن باشد در آن ایالت و بخش یکسان است.

نمونه‌گیری سهمیه‌ای Quota ~
دارای ضریب دقتی نه‌چندان بالاست و بعد از نمونه‌گیری نظری (Judgemental) قرار می‌گیرد. در این شیوه از محقق خواسته می‌شود، به جمع‌آوری اطلاعاتی از شماری مشخص از افراد (با ویژگیهای مشخص) اقدام نماید اما افراد به انتخاب خود او برگزیده می‌شوند.

نمونه‌گیری تصادفی Random ~
فرآیندی در گزینش نمونه که در آن هر فرد یا هر عنصر در جامعه آماری از شانس برابر و مستقل جهت گزیده شدن برخوردار است. این شیوه نمونه‌گیری را که با نامهای نمونه‌گیری ساده (Simple sampling) و گزینش تصادفی (Random selection) نیز خوانده می‌شود، نباید با نمونه‌گیری اتفاقی (Accidental)، غیرمنظم (Unsystematic) و فاقد بر د علمی، یکسان دانست. چه این شیوه بر نظم و

به این سان به دست می آیند با یکدیگر آمیخته و نمونه کلی را می سازند.

Regular interval Sampling

نمونه گیری با فاصله معین

گزینش موارد نمونه است با در نظر گرفتن فواصلی معین بر روی یک فهرست. به عنوان مثال گزینش دهمین واحد در یک فهرست...

Replicated ~ نمونه گیری بازسنج

بدان نمونه گیری متداخل (Interpenetrating sampling) نیز گویند.

Stratified sampling

نمونه گیری مطبق

گزینش نمونه پس از تقسیم جمعیت به اقشار (Strata) و یا طبقات، به طوری که نمونه گیری از درون هر قشر یا طبقه تحقق پذیرد. در داخل هر قشر نمونه گیری می تواند نسبی و یا غیرنسبی باشد. نمونه های غیر-نسبی معمولاً چنان تنظیم می شوند که حاوی نتایج یک نمونه معرف باشند.

Stratified random sampling

نمونه گیری تصادفی مطبق

شیوه ای است که بر پایه آن در آغاز جمعیت مورد نظر به گروه هایی چند تقسیم می شود (مانند سن، جنس و...) سپس یک نمونه تصادفی ساده (random sample) از هر گروه احتساب می شود و در نهایت

Satellite city شهر القماری

باید آن را وابسته شهر نیز نامید. یکی از انواع گوناگون شهری است که در حوزة یک شهر مرکزی (Central City) جای دارد، وابسته بدان است همچنانکه بسیاری از نیازهای ساکنین آن را برمی آورد.

ر. ک. Conurbation/ Central city , Super-city

Satellite community

اجتماع القماری

محلی وابسته، تحت انقیاد، در یک منطقه وسیع شهری و در حوزة نفوذ آن، جامعه ای که معمولاً به ظاهر واحد جدای سیاسی را تشکیل می دهد ولیک در واقع وابسته و منقاد است.

Satyagraha مبارزه در راه حق

از نظر لغوی به معنای تأکید بر حق است و در عمل مبارزه ای آرام، بدون خشونت، با عدم تمکین در برابر مقررات و به طور کلی مقاومت رامی رساند. در این نوع مبارزات، اعتصاب، عدم ارائه مواد حیاتی به غاصبان و به طور کلی هر مبارزه منفی مطرح می شوند ولی هر عمل تهاجمی و خشن علیه دشمن نفی می گردد.

Non-violence / Passive resistance
 Souvy (Alfred) ر. ک. سوي

اقتصاددان و جمعيت‌شناس فرانسوي است. (متولد ۱۸۹۸) با کاربرد دقيق آمار به تحليل مسائل و امور اقتصادي پرداخت، جمعيت‌شناسي را از طريق تهيه آثاري بسيار و با تأسيس مؤسسه جمعيت‌شناسي و همچنين شرکت در مجامع بين‌المللي در سازمان ملل متحد ارج بخشيد، آثارش بسيارند که در زير سعی می‌شود بعضي از آنان ذکر گردند:

Richesse et Population;

Bien - être et Population;

Théorie générale dela Population;

La montée desjeunes;

La longueur dela vie humaine;

Les limites dela vie Humaine;

Malthus et les Deux Marx;

Histoire Economique dela France entre les deux guerres;

La France en marche;

Mythologie de notre temps.

Scaling مقیاس‌بندی

I = در معنای عام، شماره‌دهی یا اسناد شماره‌هایی است به امور مورد مطالعه (از جمله انسانها) برحسب ویژگیهای آنان.

II- از معروفترین کسانی که به تقسیم مقیاسها پرداخته، استونس (S. S. Stevens) است. که در اثرش «دیاخیات، اندازه‌گیری و فیزیک روانی»، چهار نوع مقیاس را از یکدیگر متمایز می‌سازد بدین قرار:

Interval scale

۱- مقیاس مدرج هم‌فاصله (با فاصله‌های مساوی)

مقیاسی است مدرج با درجات مساوی. هنگامی که نتایج یک تحقیق را بر روی چنین مقیاسی وارد می‌سازیم، هم امکان رده‌بندی آنان در هر جهت (از پایین به بالا یا از بالا به پایین) وجود دارد. هم مقیاس داده‌ها امکان‌پذیر است (چون درجات متساوی هستند)، یک میزان الحراره نمونه‌ای است از مقیاس فاصله‌ای.

۲- مقیاس اسمی Nominal ~

برخلاف مقیاس ترتیبی (Ordinal scale) در این مقیاس امکان تنظیم داده‌ها براساس اولویت نیست. به عنوان مثال، زمانی که پاسخگویان (x) در تعدادی (N) مورد بررسی قرار می‌گیرند، و درصدد اخذ نتایج حاصل، برمی‌آئیم، ممکن است گروهی چند از پاسخگویان (x_1 تا x_{12}). کاتولیک، گروهی دیگر (x_{13} تا x_{20}) پروتستان و گروه سوم (x_{21} تا x_{30}) یهودی باشند. در این حال، به رده اول x شماره ۱، به رده دوم شماره ۲ و به رده سوم شماره ۳ داده شده بر روی مقیاس آورده می‌شود، بدینسان، مقیاس اسمی تکمیل گردیده

منظم و قابل سنجشی (metric scale) است: و هیچ نوع ترتیب خاص مبنی بر اهمیت، اولویت از پائین به بالا، یا بالعکس وجود ندارد.

۳- مقیاس ترتیبی Ordinal scale
برخلاف مقیاس اسمی، در این مقیاس، امکان تنظیم داده‌ها برپایه معیاری خاص وجود دارد. به عنوان مثال، در سنجش‌های گروه سنجی، زمانی که از افراد خواسته می‌شود، کسانی را که تمایل دارید با آنان کار کنید به ترتیب اولویت نام برید، امکان اندازه‌گیری برپایه مقیاس ترتیبی وجود دارد و یا زمانی که شدت تعصبات نژادی را بررسی می‌نمائیم، افراد مورد تحقیق به گروه‌هایی بسیار تقسیم می‌شوند، بعضی که در میانه قرار می‌گیرند نمره صفر می‌گیرند و بعضی دیگر که دارای حساسیت مثبت نسبت به مسئله نژادی هستند، شماره‌هایی بر حسب شدت تعصب می‌گیرند و آمانکه به عکس حساسیت ندارند، بر حسب میزان بی‌توجهی شماره منفی می‌گیرند.

۴- مقیاس نسبی Ratio scale
یک مقیاس نسبی چون دارای نقطه صفر واقعی است، از دیدگاهی امکان رده‌بندی پدیده‌ها را فراهم می‌سازد.

III- طبقه‌بندی استونس، بسیاری دیگر از طبقه‌بندیها را در این زمینه الهام بخشید، از جمله: (۱) کومبز (C.H. Combs) مقیاس بالنسبه منظم (Partially ordered scale) را بین مقیاس اسمی و ترتیبی و همچنین مقیاس

اقتصاد ندرت Scarcity, Economy
ر. ک. Pain economy

ورقه آماری Schedule form

هر پرسشنامه، کتابچه، یادداشت و دفترچه... که در جریان کار جمع‌آوری اطلاعات پژوهشی به کار آید. بدان تنها Schedule نیز اطلاق می‌شود.

شالر (ماکس) Scheler (Max)

متفکر، فیلسوف، جامعه‌شناس آلمانی است (۱۸۷۹-۱۹۲۸)

ماکس شالر مانند بسیاری دیگر نظیر وبر کاند و لیت در جامعه‌شناسی دیدگاه تازه‌ای موسوم به پدیدارشناسی (Phinomenology) گشود که به جستجوی معنای اساسی واقعیت اجتماعی منتهی گردید.

از این دیدگاه جامعه‌شناس جوانب خاصه انسانی پدیده‌های اجتماعی را مورد امعان نظر قرار می‌دهد. از جانب دیگر، ماکس شالر،

پس از توجه به مارکس گرایی و انتقاد از آن، به مفهوم ایدئولوژی که مانهایم (Mannheim) قبلاً به تشریح آن پرداخته بود، معنایی عمیقتر بخشید. ماکس شلر جامعه‌شناسی معرفتی را نیز حرکتی تازه بخشید و این رشته از دانش جامعه خود سرآغاز هر مبحث اجتماعی گردید و دیدگاههای جامعه‌شناسی نیز از آن قوام بیشتری یافت.

۱- در معنای محدود جدایی از گروه راست دینان (Orthodox) است. با ایجاد شعبه‌ها، دسته‌ها و یا فرقه‌ها به صورتهای گوناگون. ۲- در معنای کلی، هر نوع جدایی (Separation)، نوآیینی و تجزی را می‌رساند.

ر. ک. Heterodoxy / orthodoxy

تفرقه‌جو Schismatic

فرقه‌جویی، جدایی‌طلبی Schismatism

School, centralized
آموزشگاه متمرکز

ر. ک. Consolidated school

School segregation
جدایی در مدارس

نوعی خاص از تجزی جامعه است بر اساس معیارهایی نظیر نژاد، عقیده، رنگ پوست و... که موجب عدم دسترسی گروهی (به‌عنوان مثال سیاهان در آفریقای جنوبی)، به مدارس خاص سفیدپوستان می‌گردد.

ر. ک. Racial segregation

Apartheid

Schumpeter (Joseph Alois)

شومپتر

دانشمند معروف اطریشی است (۱۸۸۳-۱۹۵۰) استاد اقتصاد در اطریش و سپس امریکا گردید، نظریه‌هایی بسیار ازوست که از آن جمله در زمینه نوآوری (Innovation) و شرایط پذیرش آن است. نظریه دیگرش در مورد توسعه اقتصادی و عوامل اصلی یا محرکات عمده آن است. که در این زمینه به مدیران یا کارگردانان اقتصادی (Entrepreneurs) اشارت دارد. او اقتصاد را با دیدی گسترده و طرح مسائل اجتماعی مطرح ساخت.

آثار مهم وی بسیارند از جمله:

Theory of Economic Development.

History of Economic Analysis.

Capitalism, Socialism and Democracy.

Business cycles.

دانش - علم Science

دانش جزئی از شناخت یا معرفت (Knowledge) به حساب می‌آید و شامل سلسله فعالیتهایی است جهت بیان منظم احتمال وقوع فرضی و یا واقعی پدیده‌هایی که با توجه به هدفهای مورد نظر هم عرض شمرده می‌شوند. به‌این‌قرار، به نظر بسیاری، دانش

می‌شمردند و معتقدند هر دانش باید بر تعمیم دانسته‌ها منتهی گردد، لیک در این معنی عقاید مشابه نیست. برخی معتقدند دانش می‌تواند به تشریح دقیق يك واقعیت منحصر به فرد بدون کوشش در تعمیم یافته‌ها اقدام نماید، همچنانکه در دانش تاریخی چنین است (که رشته‌ای غیر تعمیمی-Idiographic discipline، خوانده می‌شود، در مقابل رشته‌های کلی‌نگر و تعمیم بخش، Nomothetic discipline، نظیر فیزیک).

ب- عینیت دانش، مخصوصاً دانش-اجتماعی-انسانی، مباحثی را برانگیخته است، (۱) برخی صرفاً بر ابعاد عینی در دانش تکیه دارند، در حالی که برخی دیگر، در دانش و پدیده‌های آن ابعاد ذهنی نیز می‌شناسد، رفتار گرایان، همانند اثبات گرایان، در صدد بنای دانشی با ابعاد عینی و ریاضی هستند. آنان دانش را ترجمه دانستنیها به زبان ریاضی و تشریح آن از این طریق می‌دانند. در مقابل آنان، اصحاب مکاتبی چون تفهیمی، پدیده‌شناسی، قرار می‌گیرند که بر ادراک و فهم و نه صرفاً تکیه بر کمیات تأکید می‌ورزند.

(۲) سوال دیگر پیوند دانش و ارزشهاست. برخی چون آدلر (F. Adler) معتقدند «که در جامعه‌شناسی مفهوم ارزش هم غیر لازم و هم غیر مطلوب است».

(The value concept in sociology

p: 274)

مطالعه منتظم، عینی و تجربی پدیده‌هاست. با این تعریف علم از اتفاق و تصادف فاصله می‌گیرد، همچنان که با رؤیا و تخیل یکسان نیست، مستلزم وجود روشهایی است دقیق و متقن که در نهایت کشف قانون و یا روابط بین پدیده با آن به دست آید و موجبات تسلط انسان را بر جهان و محیط پیرامون فراهم می‌آورد. به نظر فرانسیس بیکن (F. Bacon) دانشمند با اطاعت از کنشها و واکنشهای عناصر هستی سعی در شناخت آنان و سپس کنترل و حاکمیت بر آنان دارد. آنچه زیربنای اصلی کار دانش را فراهم می‌سازد، روح علمی است هم در معنایی جدا از عقاید قالبی، خرافات و هر آنچه درک درست ما را از جهان مانع گردد، و هم در معنای عدم جزمیت، یعنی تواضع و سعی در شناخت نهفته‌های جهان که به بیان پاشلار شناخت آنان هدف غایی دانش است. اساس دانش بر تکامل است و از یک دیدگاه می‌توان گفت، تاریخ بشر بستر انباشت دانستنیها و تکامل آنان است. علاوه بر این گزاره‌های اصلی، مسائلی نیز در دانش مطرح می‌شوند که مورد پذیرش همگان به‌طور یکسان نیست:

الف- در هر تعریف بر منتظم (Systematic) بودن دانش تأکید می‌شود: دانش با اندیشه‌های پراکنده، غیر پیوسته و فاقد همسازی (Consistency) یکسان نیست و تکامل دانش با انتظام فراهم می‌شود. برخی صفت منتظم را با تعمیم مترادف

در حالیکه دیدگاه پارسونز (T. Parsons) نیز در همین جهت است، نظر دیر (Max Weber) تا حدی مبهم می نماید. چه، او از جانیی بر تمیز بین قضاوت ارزشی در دانش تأکید دارد و از طرف دیگر، بر اهمیت ارزشها در گزینش مباحث و مسائل مورد طرح در دانش تأکید ورزد.

در مقابل این نظر، دیدگاه آنانسی قرار دارد که دانش و ارزش را با هم می آمیزند. از جمله میردال (G. Myrdal) که معتقد است بررسی علمی در دانش اجتماعی باید با نظامهای ارزشی مردم مورد نظر پیوند یابد. از دیدگاهی دیگر کلب (W. L. Kolb) نه بر پیوند دانش و ارزش بدون مداخله جریانهای اجتماعی، بلکه بر پیوند دانش و اقدام سیاسی-اجتماعی تأکید دارد. به زعم او «پیوستگی مدلهای نظری در دانش اجتماعی با تعهدات غائی دانشمند و جامعه ای که او عضوی از آن به شمار می آید، بیش از آنست که اکثر دانشمندان اجتماعی فکر می کنند. هر چند عناصری که پارسونز از آن یاد می کنند، مطرح هستند و تنها آزمون مشروع یک مدل (علمی) مفید بودن آن از نظر علمی است.»

(*Images of man and the Sociology of religion*, pp: 27)
بدینسان، باید گفت: الف) دانش اجتماعی بیش از هر دانش دیگر با ارزشها نزدیک است. ب) آگاهی دانشمندان این نزدیکی ضروریست

ب) عدم آگاهی از پیوست ارزش با دانش و رسوخ مفرط ارزشها در جریان کار دانش به تحریف نتایج و بالنتیجه امحاء ابعاد علمی منجر می شود. به عنوان مثال، فردی که متعصبانه به تجزی نژادها اعتقاد دارد و نژاد سفید را حائز ارزشی والا می داند، هرگز نمی تواند تصویری درست از واقعیت داشته باشد و از این رو هرگز صلاحیت انجام کار علمی را نیز ندارد.

انواع دانش	Science , types of :
علوم کاربردی	Applied sciences
علوم اقتصادی	Economic ~
ر. ک.	Economics
دانشهای دقیقه	Exact ~
به علوم طبیعی به جهت میزان دقت آنان اطلاق می شود.	
علوم بنیادی	Fundamental ~
به دانشهایی اطلاق می شود که نه در خدمت عمل یا تعهد سیاسی، بلکه در جستجوی ارضاء کنجکاویهای اساسی بشر و فارغ از نیازها و مسائل هستند.	
علوم انسانی	Human ~
علوم طبیعی	Natural ~
علوم سیاسی	Political ~
علوم اعمالی	Practical ~
علوم محض	Pure sciences
علوم اجتماعی	Social ~

- Sociology ر. ك. ظن يا حدس يا هر آنچه صورتى از گزاره دارد و آغازكار علمى را تشكيل مى دهد و پى گيرى بى طرفانه در صحت يا سقم آن شورى خاص به تحقيق مى بخشد. مثال: در يك تحقيق مربوط به عوامل طلاق: چنانچه شكاف سنسى بين زوجين از حدى فراتر رود اميد بقاء خانواده كاهش مى پذيرد. نعيه فرضيه منبعث از مشاهده، تجربه، دانش پيشين و... مى باشد. ر. ك.
- Theoretical ~ علوم نظرى
- Scientism/ Sociology of knowledge/ Actionism/ Sociology of science and technology , ر. ك. سلسله مراتب علوم
- Nomothetic discipline ,
- Idiographic discipline.
- Sciences , hierarchy of ر. ك. Hierarchy of sciences
- Scientific cause علت علمى ر. ك. در برابر علت صورتى (Formal) ، تخيلى، خرافى و...
- Social causality ر. ك. Social causality
- Scientific explanation آيين علمى ر. ك. شناخت علل و عوامل پيداى يك واقعه، امر يا پديده است. اين علل و عوامل مى توانند عينى يا ذهنى، كمى يا كيفى، يكتا يا مجتمع باشند. اين شناخت با كساربرد شيوه هاى نظير قياس (Deduction)، استقراء (Induction) و همچنين پژوهش هاى تجربى صورت گيرد در اين حد سطح ، عالم از توصيف (Description) وقايع با فرانهاد به شناخت شبكه على (Causal network) آنان روى مى نمايد.
- Social causality / Explanation ر. ك. Probabilistic explanation.
- Scientific hypothesis فرضيه علمى
- Hypothesis ر. ك. پيشين و... مى باشد.
- Scientific laws قوانين علمى ر. ك.
- Sociological law ر. ك.
- Scientific management
- مدىريت علمى
- شاخه اى است از نظريه مدىريت كلاسيك و مرتبط با اندیشه هاى تايلور (F. W. Tylor)
- تايلور به مطالعه اصول بدنى مرتبط با كار پرداخت و سعى در بازيايى شيوه هاى جهت ارتقاء و كارآيى نمود. بدزعم او بعضى از فنونى كه موجبات ارتقاء بازده كار را فراهم مى آورند، عبادتند از آموزش نحوه كار، كنترل و نظارتى عمقى و همچنين انگيزه هاى اقتصادى. تايلور كارگر را همچون ماشين پيچيده اى مى ديد كه بايد به طور موثرى تحت شرايط برنامه ريزى شده قرار گيرد تا به توليد پردازد.
- Scientific prevision
- پيش بينى مبتنى بر دانش-پيش بينى علمى
- Scientific problem مسأله علمى

- نوعی زندگی شبیه چادر نشینی که در آن مردمی محل اقامت خودشان را همزمان با تغییر فصول در چارچوب سرزمین کوچکشان به هردلیل تغییر می دهند.
- ر. ک. .
- Social problem ر. ک.
- Scientific socialism سوسیالیسم علمی
- Socialism ر. ک. .
- Scientism دانش زدگی
- ۱- مفهومی مستهجن است و اعتقاد کسانی را می رساند که می گویند دانش می تواند تمامی مسائل ارزشی و نحوه اجرا و تحقق آنان را در حیات انسانی حل کند، در حالیکه دانش می تواند تاحدودی و بر اساس مشاهدات تجربی به پیش بینی و کنترل رفتار انسانی نایل آید. این گرایش سخت مورد انتقاد نویسندگان جدید قرار گرفت، چه دنیای هستی چندان پیچیده است که تنها با استدلال، منطق و خردجویی شناخته شدنی نیست. شاید بتوان این دو بیان مولوی و حافظ را در برابر اندیشه علم زدگان که از جهتی با اثبات گراییان (positivism) و از جهتی دیگر با خرد گراییان (Rationalists) محض همسایگی دارد، قرار داد :
- مولانا:
- پای استدلالیان چو بین بسود
پای چو بین سخت بی تمکین بود
- یا این بیت از حافظ:
- حدیث از مطرب و می گوی و راز دهر کمتر جوی
که کس نگشود و نگشاید به حکمت این معمارا
- نوعی زندگی شبیه چادر نشینی که در آن مردمی محل اقامت خودشان را همزمان با تغییر فصول در چارچوب سرزمین کوچکشان به هردلیل تغییر می دهند.
- ر. ک. .
- Nomadism
- دفن دوم Second funeral
- مراسمی که در جریان آن استخوان مرده بعد از مدتی بیرون آورده شده و سپس به خاک سپرده می شود.
- تماس دومین Secondary contact
- در برابر تماسهای نخستین، تماسی اجتماعی که در آن فقط جزیی از وجود فرد جلب می شود، فاقد صمیمیت و گرمای انسانیست.
- ر. ک. .
- Contact
- انحراف ثانوی Secondary deviance
- این مفهوم در توصیف شرایطی به کار می آید که با منحرف شناخته شدن فردی به جهت انحراف آغازین (Primary deviance) او پدید می آید. فردی که در چنین وضع دشواری قرار می گیرد، از جانبی مورد طرد اجتماعی (Ostracism) به صورت نهان یا آشکار است؛ از جانب دیگر، گرایش جنایی او بیشتر است، چون دیگران در رابطه با او انتظار بروز عمل جنایی از او دارند و او از این انتظار
- ر. ک. .
- Deviance
- گروههای ثانوی Secondary Groups
- ر. ک. .
- Groups
- چادر نشینی فصلی Seasonal nomadism

- ر. ک. Primary sector/ Tertiary sector,
 نیازهای ثانوی Secondary needs
 در برابر نیازهای نخستین که اساسی و طبیعی شمرده می‌شوند. به نیازهایی اطلاق می‌شود اغلب کاذب، لایتنها و ناشی از تمدن جدید صنعتی.
- ر. ک. Esoteric/communion
 نهان انجمن Secret society
 انجمنی متشکل از تعدادی عضو (معمولاً مرد)، نهانی، بسته، با آداب و مراسمی خاص و معمولاً با تعداد اعضایی نه چندان زیاد.
- ر. ک. Sect
 فرقه
 از واژه لاتینی (Secta) به معنای راه، طریق عمل، نظام رفتار گرفته شده است. در برابر اعتقاد به مبانی یک آئین یا راست-دینی (Orthodoxy)، فرقه‌گرایی شامل اندیشه و عمل کسانی می‌شود که محدود از نظر کمی، منفک از بدنه اصلی آئین و اکثر گذرا هستند. می‌توان از فرق دینی، سیاسی، یا اجتماعی نام برد.
- فرقه‌گرایی، عضو یک فرقه Sectarian
 فرقه‌گرایی Sectarianism
 شهرقطاعی Sectorial city
 ساخت شهری است بر پایه قطاع (Sector) که در برابر دیگر ساختهای شهری نظیر هم مرکز و هسته‌ای قرار می‌گیرد.
- نظریه قطاع Sector theory
 بر اساس اندیشه صاحب‌نظران معتقد بدان، نظیر برگس (E. W. Burgess) و همچنین پارک (R. E. Park) تمایل یک شهر به رشد در جهت راههای ارتباطی-مهم است. محلهای مسکونی جدید در حاشیه محله‌های قدیمی تر که دارای همان وضع طبقاتی هستند،
- روابط ثانوی Secondary relations
 در برابر روابط شخصی، مستقیم، چهره به چهره و ... که اصطلاحاً روابط نخستین خوانده می‌شود؛ روابط ثانوی معمولاً قراردادی، رسمی و تابع الگوهای استاندارد شده هستند. مانند روابط نظامیان در یک واحد ارتشی.
- بخش دوم Secondary sector
 در برابر بخش اول که شامل کشاورزی، معادن، جنگلداری است و همچنین بخش سوم که شامل خدمات است، بخش دوم به فعالیتهایی اطلاق می‌شود، نظیر صنایع و حمل و نقل و ...

- بنا می‌شوند، این نوع توسعه شهری بیش از آنکه به پیدایی حلقه‌هایی هم مرکز رشد منتهی شود به تجلی قاطع‌هایی همگون می‌انجامد.
- Secular** دنیوی، غیردینی، غیرروحانی، صدساله
- Secular cycle** دور صدساله
- گونه‌گونی با افزایش یا کاهش در حول و حوش يك روند حرکت که جهت بروز دگرگونی کامل آن يك قرن یا بیشتر ضروریست.
- Secular society** انجمن قراردادی، غیردینی
- در برابر انجمنهای دینی، مقدس یا گروهائی چون سلك.
- Sacred society** ر. ك .
- Secularity** دنیایی، غیردینی بودن
- Secularization** جداسازی دین از دنیا، دیانت‌زدایی
- (۱) فرایندی که بر پایه آن ساخت يك سازمان دینی و مقدس، به صورتی غیرمقدس، طبیعی و مادی تبدیل می‌یابد. (۲) شیوه‌ای که بر حسب آن، جدایی دین از کار سیاسی تجویز می‌شود.
- Laicism** ر. ك .
- Secularization , segmental** تفکیک جزئی دنیا از دین
- Segmental secularization** ر. ك .
- security, collective** امنیت دستجمعی، امنیت جمعی
- Collective security** ر. ك .
- Sedentary** ساکن، غیرمتحرك
- در برابر مهاجر (Migratory)؛ زندگی مبتنی بر کوچ (Transhumance). به هر يك ر. ك .
- Sedition** بلوا
- هواداری و تبلیغ شیوه‌هایی غیرقانونی جهت تغییر حکومت، یا هر قدرت مستقر و حاکم، از طریق تشبث به زور و اعمال خشونت.
- Seditious conspiracy** توطئه بلوا انگیز
- توطئه علیه قدرت حاکم با توافق‌نهایی بین اعضای گروهی چند به منظور انجام عملی غیرقانونی جهت سقوط حکومت یا هر قدرت مستقر و حاکم.
- Seduction** اغوا
- (۱) در معنای خاص، تخلف از قانون را بدین شیوه می‌رساند که مردی زنی را به روابط نامشروع با خود برانگیزد. (۲) در معنای عام به هر عملی اطلاق می‌شود که موجبات تحریف اندیشه یا عمل دیگری را فراهم آورد.
- Extramarital relation,** ر. ك .
- Fornication/ Adultery-/ Rape**

- Segmental secularization** تفکیک جزئی دنیا از دین
در جزیی از حیات ملی این تفکیک
(بین امور دینی و امور مادی و دنیوی)
صورت می گیرد، بدون آنکه نهادهای دینی
و باورها و اعتقادات انسانها خلل پذیرد.
- Segregation** جداسازی- تجزی
فرآیند یا عمل جداسازی یک گروه از
گروه یا گروههای دیگر. معیار جداسازی
می تواند دینی، نژادی، قومی، زبان و یا...
باشد. در فرآیند جداسازی، اندیشه اصلی
این است که گروهها نابرابرند، پس گروه
کهنتر باید از گروه برتر منفک شود.
Albocracy / Social - segregation / Apartheid ر.ك.
- Segregation , school** جدایی در مدارس
School segregation ر.ك.
- Segregation, Racial** جداسازی نژادی
Racial segregation ر.ك.
- Selection , Automatic** گزینش خودبه خود
Automatic selection ر.ك.
- Selection , counter** دژ گزینش
Counter - selection ر.ك.
- Selection, Mate** گزینش همسر
Mate selection ر.ك.
- Selection , Rational** گزینش عقلانی
Rational selection ر.ك.
- Selection , sample** گزینش نمونه - نمونه گیری
Sampling ر.ك.
- Selection , social** گزینش اجتماعی
Social selection ر.ك.
- Selectivity , cognitive** شناخت گزینی
Cognitive selectivity ر.ك.
- Self - abnegation** انکار خویشتن- ایثار در حد نهایی
در برابر خودخواهی (Egoism)، خودمحوری
(Egocentrism) و در معنایی فراتر از ایثار
(Abnegation) - به هر یک. ر.ك.
- Self - actualization** فعلیت یابی شخصیت
بر پایه نظر ماسلو (A. H. Maslow)
به معنای فرآیند شکوفاشدن، یا دست یافتن به
آنچه فرد بالقوه داراست.
بر پایه اندیشه مید (G. H. Mead)
فرآیند اجتماعی و انسانی شدن منبعث از
انعکاس ارزیابی خود از سوی دیگران و یا
خودآگاه (Self - Conscious) گردیدن
است. از دیدگاه کانت به معنای تحقق
خودشناسی است، در معنای دیگر جدایی از
هرآن چیزی است که از خود بیگانگی و
اسارت در برابر دیگران را فراهم آورد
(چه انسانی و چه مادی).
Appropriation ر.ك.

Self-realization / Alienation	خودانضباطى	Self-discipline
Self-admiration	خودستايى	توان يك شخص در اينكه رفتارش را
Self-analysis	خودكاوى	با هدف يا هدفهاى خود منطبق سازد. با
Intropathy / Introspection	ر. ك.	ارتقاء فرد و فرهنگى او، اين امكان فراهم
Self-concept	ديد فرد نسبت به خود	مى آيد كه او خود سوانقش را كنترل كند و
	مجموعه احساسات، ادراكات و اعتقاداتى	هنجارهاى جامعه رانه به واسطه فشار خارجى
	يك فرد در باب خود كه بر پايه دو جزء،	بلكه با نيروى درونى تحقق بخشد.
	تكوين مى يابد:	Self-expression
	۱- ويژگيهاى شخصيت (تفسير قد،	بي بندوبارى
	هوش و ...)	ر. ك.
	۲- ارزيايى ويژگيهاى شخصيت خويشتن	Self-realization-
	(Self-esteem)	permissiveness
Self-consciousness	خودآگاهى	Self-fulfilling prophecy
Self-actualization	ر. ك.	پيشگويى تأثيربخش
Self-control	خويشتندارى	آن پيشگويى كه خود جريان
	كنترل رفتار، عمل و اندیشه خود	حوادث را تحت تأثير قرار دهد، صوري از
	توسط فردى آگاه و مختار. كنترل خويشتن	آن چنين اند:
	و احراز توان آن لازمه تحقق آزادى است	۱) به هنگام انتخاب مسئولان کشور، آراء
	و خود از بلوغ ذهنى منبعث مى شود.	صاحب نظران اجتماعى كه از آنان صرفاً خواسته
	كنترل خويشتن در مواردى به منظور اجتناب	مى شود ديد خود را در باب جريان حوادث
	از آلام ناشى از لذتى كنونى صورت مى گيرد	گويند، خود بر جريان حوادث بدین صورت
	و ليك در مواردى ديگر در راه تصعيد و ارتقاء	اثر مى نهد كه بر نظر مردم اثر مى گذارد و
	انسان به سوى مراحل برين تحقق مى پذيرد.	كانديدايى خاص از اين طريق احتمالاً به
Hedonism	ر. ك.	قدرت مى رسد. ۲) در جريان تحقيق، زمانى
Self-deception	خودفريبى	كه محقق منتظر بروز نتيجه اى است كه از
Self-dependence	اتكاء به نفس	پيش حدس زده، احتمال پيدايسى آن نتيجه
Self-direction	خودراهبرى	فزونى مى يابد. ۳) در جريان انتخابات،
Inner-directed man.	ر. ك.	زمانى كه سازمانهاى سنجش افكار شانس
Cybernetics/ Riesman,		كانديدى را با توجه به افكار عمومى و
Homeostasis.		مطالعه اى كه به عمل آورده اند، عنوان مى كنند،
		اين خود بر جريان انتخابات تأثير مى گذارد.

- ر. ك. Classical school
 خودآینه‌ای Self, looking glass
 ر. ك. Looking glass self
 صیانت ذات Self-preservation
 خودپالایی Self-purification
 شکوفایی متوازن شخصیت. خودشکوفایی Self-realization
 شکوفایی متوازن شخصیت، با رشد متعادل، هماهنگی و موزون همه اجزاء، ابعاد و عناصر شخصیت.
 از این رو این مفهوم در برابر دو مفهوم دیگر قرار می‌گیرد بدین قرار:
- ۱- بی‌بندوباری Self-expression
 که می‌تواند با هر زگی، رشد ابعاد جسمانی و حیوانی شخصیت همراه شود.
- ۲- خودسرکوبی Self-repression
 که در معنای سرکوب ساختن ابعاد جسمی، زیستی و طبیعی انسان به کار می‌رود.
- ر. ك. Self-actualization
 خودشناسی - علم حضوری
 شناخت خویشتن هم از نظر جسمانی، هم از دیدگاه روانی. به زعم کانت (Kant) خودشناسی مقدمه تحقق فعلیت‌یابی شخصیت است.
- ر. ك. Self-consciousness
 Self-actualization.
 نفع شخصی Self-interest
 پایه اندیشه‌های اقتصاددانان کلاسیک است که به بیان آنان، انسان اقتصادی (Homo-oeconomicus) همواره در جستجوی نفع خویشتن است و در این طریق آگاهانه عمل می‌کند. پس باید به زعم آنان ماشین اقتصاد را آزاد گذارد یعنی به اعمال سیاست «آزاد گذارد» (Laissez-faire, Laissez-passer)
 دست زد تا هر کس با انگیزه کامل به کوشش پردازد. ثروت افراد، در نهایت ثروت جمع خواهد بود. این اندیشه سخت مورد انتقاد قرار گرفت.
- ر. ك. Autarky
 خودکفایی Self-sufficiency
 ر. ك. Intropathy, Introspection
 خودپژوهی Self-searching
 عزت نفس Self-respect

Self-sufficing farm کشتگاه خودکفا

Subsistence farm ر. ک.

Semantic differential rating instrument

ابزار نمره گذاری مبتنی بر تمایز لغوی

شناخت نظرات و عقاید دیگران است ،

بدین صورت که سعی می شود میزانی مدرج فراهم آید و درجات شدت یا تعادل نظر را به سنجش گذارد. مثال:

نظر شما در مورد ریاست جمهوری چیست؟ بسیار موافق، موافق، بسیار مخالف، بی طرف . با این شیوه شدت واکنش با دیدن واژه ریاست جمهور سنجیده می شود و بر حسب میزانی نمره گذاری می گردد.

Semantics معنی شناسی

شاخه ای است از واژه شناسی (Philology) که در آن شناخت معانی واژگان مطمح نظر قرار می گیرد. تحقیقات عقاید قابلی توسط اوزگود (Osgood) کار برد این دانش را در پژوهشهای روانشناسی اجتماعی و جامعه شناسی مشخص ساخت. او با پرسش از پاسخگویان که با شنیدن يك مفهوم اولین اندیشه ای که به ذهنشان می رسد ، بنویسید ، در صدد شناخت عقاید قابلی و فرا فکشی آنان برآمد.

socio - linguistics, Stereotypes ر. ک.

Semi شبه، نیمه، کمک

Semi-barbarism شبه توحش

Barbarism ر. ک.

Semiology مرض - نشان شناسی

در آسیب شناسی (Pathology) ، شاخه ای است که در آن به شناخت مرض - نشانها (symptoms) پرداخته می شود. به صورت (Semiotics) نیز آمده است.

Semi-static نیمه ایستای شبه ایستای

با توجه به نسبیت حرکات در پدیده های اجتماعی و با در نظر گرفتن آنکه ایستایی مطلق وجود ندارد، پس هر ایستایی (Staticism) اولاً نسبی و در مقایسه با دیگر پدیده هاست و ثانیاً همیشه معنای مستتر شبه ایستایی یا نیمه ایستایی از آن برمی آید.

Seniority قدمت خدمت

مدت زمان کار در يك واحد کار یا رشته به عنوان مبنای ارتقاء، باز نشستگی، یا کسب هر امتیاز دیگر . احتساب قدمت خدمت با سنجش میزان خدمت در يك واحد کار یا يك رشته صورت پذیر است.

Sensate حسی

به زعم پیتریم سوددکین (P. Sorokin) جامعه از مرحله آرمان گرایی به آرمان مآبی و سپس حسی می رسد. در این مرحله از تاریخ، شناخت نه بر اساس نظر، بلکه تجربه و عمل تکیه دارد، محسوسات ارزشی والا می یابند، تعادل حیات درهم می ریزد ، چون تعادل فکری انسانی از هم می پاشد، انسانی يك بعدی، ماده گرا و غیر متعادل پدید می آید، و ارزشهای حسی، جنسی، مادی و زمینی مطرح می شوند.

Sorokin ر. ک.

Sensitivity training

آگاهى آموزى

از طريق ايجاد گروهى حاصل مى شود که در جهت بهبود روابط انساني پديد آيد و بر ارتقاء آگاهى متقابل افراد از اندیشه هاى يکديگر در بين مسئولان و به طور کلى اعضاى يک سازمان تكيه نمايد. در جلسات آموزش سعى در آن مى شود که هر کس احساسات خود را آشکارا بيان دارد و ديد خود را در باب ديگران مطرح سازد تا نسبت به واکنش ديگران آگاهى يابد، به درک بهتر خود نایل آيد، همچنانکه نسبت به پويائى گروه حساستر و آگاهتر شود.

ر. ک. Self - actualization
Group/ Group - dynamics.

Separation جدائى، جدازيستی

(۱) زندگى جدای زن و مرد که معمولاً با توافق صورت مى گيرد و براساس قراردادى ناظر بر چگونگى تأمین هزینه زندگى زن و فرزندان تحقق مى پذيرد. جدازيستی بخودى- خود به معنای طلاق یا انحلال قرارداد زوجيت نيست. (۲) در معنای عام، انفکاک (اتمام مناسبات یا روابط) و یا تجزى است.

Separation, types of

انواع جداسازى- جدائى

Aspired separation جدائى مورد آرزو

De facto ~ جدائى بالفعل، جدازيستی عملى

زمانى است که هنوز مرد و زنسى به عنوان زن و شوهر رسمى و قانونى يکديگر شناخته مى شوند وليک عملاً جدا از يکديگرند.

Forced separation جدائى اجبارى

Formal ~ جدائى رسمى

Imposed ~ جدائى تحملى

Intentional ~ جدائى عمدى

Institutional ~ جدائى نهادى

(۱) جدائى ناشى از تمايز نهادها در ارکان يك کشور. (۲) تجزى نهادها از يکديگر.

Judicial ~ جدائى قانونى، جدازيستی قانونى

Legal ~ جدائى قانونى
در برابر جدائى غير قانونى (Illegal)

Planned ~ جدائى با برنامه

Racial ~ جدائى نژادى

Temporary ~ جدائى موقت
در برابر جدائى متواتر (Intermittent) و جدائى دائمى (Permanent).

Voluntary ~ جدائى به خواست
جدائى جزئى از يك جامعه یا اعضاى خانواده زن و شوهر است، بنا به خواست خود آنان.

Separatism جدائى خواهى- تجزیه طلبى

جنبشى سياسى معمولاً از جانب گروه هاى اقليت به منظور جدائى از يك ملت.

جدائى خواهى و جداسازى و تجزى (Segregation) از آن جهت تفاوت دارند

- که جدایی خواهی، جدایی گزیده از جانب مردم است و لیک تجزی جدایی تحمیلی است. به عنوان مثال، در امریکای شمالی، جدایی خواهی سیاهان تحقق نیافته است، هنوز سیاه و سفید در این کشور با هم زندگی می کنند، اما تجزی نسبی وجود دارد، بدین معنی که سیاهان از امکانات و فرصتهای کمتری برخوردارند. در مواردی نیز در محله های خاص حیات می گذرانند.
- ر. ک. Ostracism / segregation
- پی هم آیی Sequence
توالی حوادث یا پدیده ها به جهت وجود روابط علی و یا بر حسب تصادف.
- سرف Serf
در معنای خاص، در شبکه روابط فئودالی، به افرادی اطلاق می شود که به زمین وابسته اند و با آن خرید و فروش می شوند، سرف برخلاف برده جزء داراییهای شخصی ارباب به حساب نمی آید.
- ر. ک. Feudalism
- شرایط سرف Serfdom
- عمل زنجیره ای Serial action
فعل یا عملی که موجب بروز زنجیره ای از افعال یا اعمال گردد یا صرفاً در درون آن جای گیرد.
- ر. ک. Reaction
- طبقه خدمت رسان Service Class
- اصطلاحی است از رنر (K. Renner) که توسط دارن دورف (R. Darendorf) بکار رفته و تصحیح شده است. گروهی را می رساند دارای فعالیتهای غیریدی، مانند مدیران واحدهای بازرگانی یا کارمندان بالای شرکتهای خصوصی یا دولتی که از جانب واحدهای خود اعمال قدرت می نمایند، این مفهوم در بحث از تحرک اجتماعی مورد استفاده قرار می گیرد.
- جرائم خدماتی Service crimes
ر. ک. Crimes without victim
- خدمات خانگی Service, Domestic
ر. ک. Domestic service
- خدمات عمومی Service, public
ر. ک. Public service
- بخش خدمات Service sector
ر. ک. Tertiary sector
- خدمات اجتماعی Service, social
ر. ک. Social service
- مؤسسات خدماتی Service agencies
مفهومی است که مخصوصاً توسط جامعه شناسان روستایی ایجاد شده و نهادها و سازمانهایی را که در جهت خدمت رسانی به یک منطقه خاص پدید آمده اند، می رساند.
- Settlement
سکونتگاه، سکناگزینی، پیشینه اقامت (۱) در معنای عام نحوه استقرار جمعیت در جغرافیا است. (۲) آبادیها یا سکناهای حاصل از استقرار انسان را نیز می رساند. (۳) در کاربرد

- روزمره معنای دیگر نیز از آن برمی آید: مدت زمان اقامت لازم برای برخورداری فرد و خانواده اش از امکانات رفاهی.
- Resettlement** ر. ک.
- Settlement, Forms of** اشکال سکناگزینی
- Forms of settlement** ر. ک.
- Settlement patterns** الگوهای سکناگزینی
- نحوه تمهید مکانهای مسکونی در فضا توسط یک گروه است. استقرار در مکانهای مسکونی در آغاز سخت تحت تأثیر محیط و عوامل تولید خوراک بوده است. الگوهای استقرار براساس دو متغیر تنوع پذیرفته اند: (۱) درجه تداوم (Degree of permanence) (۲) درجه پراکندگی (Degree of dispersal). سکونتگاهها می توانند ساختمانهای نزدیک به هم یا محلهای مسکونی دائمی و بلیک پراکنده باشند.
- Sex discrimination** تبعیض جنسی
- ناابرابری زن و مرد در برابر امکانات اشتغال، آموزش و...
- Sex distribution** توزیع جنسی
- ترکیب یک جمعیت با توجه به جنس افراد. توزیع جنسی را یا به صورت درصد مطرح می کنند، درصد زن یا مرد در کل جمعیت و یا به صورت نسبت جنسی
- (Sex ratio) بسا نشان دادن شمار مردان در برابر ۱۰۰ زن.
- Sex offender** متخلف در امر جنسی
- متخلف در امر جنسی به دو دسته از افراد اطلاق می شود:
- ۱- کسی که عمل جنسی غیرقانونی انجام دهد، نظیر: تجاوز و...
 - ۲- کسی که تمایل به عورت نمایی (Exhibitionism) دارد، یا به صورتی دیگر هنجارهای اخلاق جنسی را به هم می ریزد.
- Exhibitionism, Rape** ر. ک.
- Sex offenses** تخلفات جنسی
- نظیر تجاوز (Rape) که معمولاً زنان قربانی آنند. تخلفات جنسی همواره خشن نیستند. بعضی نظیر عورت نمایی (Exhibitionism)، اطفاء شهوت با نگاه (Voyeurism) و مواردی از زنا با محارم (Incest) بدون دستیازی به خشونت صورت می گیرند.
- Voyeurism** ر. ک.
- Exhibitionism / Incest/ Rape. Fornication/ Extramarital relations.**
- Sex ratio** نسبت جنسی
- فرمول محاسبه نسبت جنسی یک جمعیت در زمانی خاص و مکانی معین بدین قرار است:
- $$SR = M/F \times 100$$
- که در آن M = تعداد مردان = F = تعداد

- کاردان مراجعه شود.) زنان.
- Sex ratio ر.ک: نسبت جنسى
- Sex ratio نسبت مردان در يك جمعيت معين در مقابل ۱۰۰ زن در زمانى معين.
- Sex roles نقشهاى جنسى رفتارها، تلقیات و فعاليتهاى معين شده برای زن و مرد به طور جداگانه. در جامعه‌اى که اعضاى آن به سختى بر پایه جنس تفکيک شده‌اند، رفتارى که با الگوهاى اجتماعى تطبيق نداشته باشد، سخت مجازات مى‌شود. درچنين جوامعى مرد بودن و زن بودن از آغاز تولد دو معنای متفاوت خواهد داشت. بعضى نظيرها (گارت ميد) (M. Mead) معتقدند که اين تمايز نه جلوه‌اى از طبيعت، بلکه تابعى از راه و رسم جامعه است. بدينسان به زعم او مثلاً در بين آراپشها (Arapesh) زنان و مردان همگى منفعل و پذيرايند، رفتارى ملايم دارند و تربيت کودکان را به عهده مى‌گيرند. در بين موندوگورها (Mondogamor) زن و مرد هر دو پر خاشجو، از نظر جنسى فعال و مخاصم با کودکان خويشند. بين چامبولى‌ها (Tchambuli) زنان پرکار، نسان‌آور خانه‌اند و حال آنکه مردانشان هنرپسنده، فاقد نقش مؤثر و سخن‌چين‌اند. (هر سه از اقوام ساکن در جزاير ملانزى هستند. برای اطلاع بیشتر به کتاب روانشناسى اجتماعى، اثر اتوکلاينبرگ، ترجمه عليه‌محمد
- توتم آئينى جنسى Sex totemism پيوند توتمها با جنس (زن يا مرد)، آن طور که در جنوب شرقى استراليا رايج است.
- ر. ک. Masculinity, Feminity
- Sex segregation جداسازى از نظر جنسى، تجزى مېتني بر جنس جداسازى افراد يك گروه، جامعه يا ملت بر پایه جنس.
- Sex specific divorce rate ميزان طلاق بر حسب جنس
- ر. ک. Divorce
- Sex therapy نا توانى درمانى درمان نارسايى جنسى در زناشوئى. آثار دو دانشمند با نامهاى جانسون (V. Johnson) و ماسترز (W. H. Masters) با نامهاى «پاسخ جنسى انسان» (Human sex responce) و «نارسايى جنسى انسان» (Human sexual inadequacy) در اين زمينه به رشته تحرير درآمده‌اند. معالجين از طريق جلسات متعدد و طولانى به رفع عوامل روان-تنى مانع در تحقق سائقه جنسى مى‌پردازند.
- Sex-typed behavior رفتار منبعت از جنس- رفتار جنسى به رفتارى اطلاق مى‌شود که تابع جنس (مرد يا زن بودن) است. بدینسان، دختران

Sexual behaviour

اخلاق جنسى Sexual morality

قواعد و هنجارهای تعیین کننده رفتار جنسى مورد پذیرش جامعه در زمانى معین. عدم رعایت این قواعد، غیر اخلاقى (Immoral) و یا حتى ناپهنجار تلقى مى شود. اخلاق جنسى نه مطلق بلکه پدیده اى است نسبى و وابسته به زمان و مکان معین.

ر. ک. Double standard of sexuality

Sexual promiscuity

هرج و مرج جنسى

برقرارى روابط جنسى بدون ضابطه و یا هنجار اجتماعى.

ر. ک. Promiscuity

انقلاب جنسى Sexual revolution

تغییر بنیادى روابط جنسى است که در تمامى اعصار و قرون وجود داشته اند، از يك طرف، محور معیارهای دوگانه اخلاق جنسى که زن و مرد را تابع قواعدى خاص و متمایز مى نمود و از طرف دیگر امحاء معامله انسان از این دیدگاه و مخصوصاً خرید و فروش خردسالان در بین دیگر مباحث مطمح نظر صاحب نظران انقلاب در این زمینه اند.

گونه گونى جنسى Sexual variance

برخلاف اندیشه بعضى که سائقه جنسى را غریزى مى شمردند و برای آن هدفها و شیوه هاى ثابت مى انگاشتند، نوشته های گوناگون از جمله آثار کینسى (C. Kinsey)

اکثر به عروسك، پسران به تفنگك و ... روى مى كنند. بعضى رفتار متمایز دو جنس را ناشى از طبیعت و بعضى دیگر ناشى از فرهنگ مى دانند. بعضى در راه تداوم این تفاوت تا پایان عمر انسانها تأکید دارند، درحالى که بعضى دیگر در راه یکسان سازی دو جنس تبلیغ مى کنند. ر. ک: Mead

تبغیض جنسى Sexism

تمایز قائل شدن بین انسانها به جهت تعلق جنسى آنانست. همانطور که آپارتاید (Appartheid) در خود تبغیض نژادى (Racial discrimination) را همراه دارد، یا هر تبغیض بنفع خویشان (Nepotism) به معنای رجحان بخشیدن به انسانهاى است که با فرد رابطه خویشى دارد، یا آنکه پارتنى بازی (Favoritism) جدا کردن انسانها و برتر دانستن بعضى است بجهت تعلقشان به گروه خاصى. در تبغیض جنسى نیز انسانها به دو گروه تقسیم مى شوند، آنانکه هم جنس فردند (با خرافه های جنسى مثبت) و آنانکه در جنس مخالف او جای مى گیرند. گروه اول بی هیچ دلیل موجهی، رجحان مى یابند و برتر شناخته مى شوند.

تبغیض جنسى در مواردی آشکار (Explicit) و در مواردی دیگر نهان (Latent) یا نامشهود (Implicit) است. گاه بصورت آگاهانه اعمال مى شود، گاه حالتى ناآگاه دارد.

ر. ک: Double Standard of

می‌سازد.

۲- فرهنگ شرم Shame Culture

فرهنگی است که در آن شرم بعنوان ابزاری در راه کنترل اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. فرد خاطی احساس شرم می‌کند، همانطور که اقوام و بستگان او احساس می‌کنند آبرو و وجهه اجتماعی (Social Popularity) آنان لکه دار شده است.

باید توجه داشت که اعمال این شیوه‌ها (شرم و ...) در راه کنترل اجتماعی مشروط به شرایطی است. بدین‌قرار که گروه در جوامع بزرگ شهری که روابط چهره به چهره نیست، حافظه جمعی وجود ندارد و انسان‌ها به نوعی در بی‌نامی (Anonymity) و فقدان هویت بسر می‌برند، این ابزار همواره قرین توفیق نیست. (مخصوصاً در نواحی مرکزی و پرازدحام شهر که مهاجرین در آن زندگی می‌کنند) سه عامل دیگر بدین‌قرارند:

۱- جمعی بودن جرم

چنانچه جرم فردی باشد و فقط فرد خاطی احساس شرم کند، کنترل اجتماعی (ازین طریق) از برد و بالنتیجه تاثیر کافی برخوردار نخواهد بود، از اینرو باید جرم بیش از یک نفر را در برگیرد. مهمترین این معیارها، خانواده و بستگان است. در چنین جامعه‌ای باید همه خاندان یا اطرافیان مجرم احساس شرم کنند.

۲- قدرت هنجارها

چنانچه در جامعه‌ای هنجارها (Norms) از قداست (Sacralization) کافی برخوردار نباشند و جریان درونی شدن (Internalization) و یا پذیرش قبلی آنان

نشان داد که روابط جنسی تنها بین زن و مرد نیست (هر چند که بقای جامعه بدان وابسته است) و شیوه‌های آن نیز هرگز یکسان نیستند، هدفهای عمل جنسی نیز باز یکسان نیست، (بعضی از آن تمتع، بعضی دیگر تولید مثل و ... می‌جویند).

شرم Shame

هدف اصلی هر جامعه در تمامی طول تاریخ، کنترل انسان‌ها و کوشش در راه اعمال و رعایت هنجارها و مقررات اجتماعی است. گاه این کنترل با وضع قوانین سخت صورت می‌گیرد. این شیوه با مشکلات بسیاری مواجه است که کمترین آن تامین نیروی انسانی بسیار و هم وضع قوانین دقیق است، تحقق هدف ازین طریق نیز به سختی صورت پذیر است. چه انسان‌های خاطی همواره راه‌های گوناگونی برای فرار از مجازات می‌یابند، در عین حال با این قوانین کنترل افراد در خلوت و دور از چشم و نظارت قانون و مسئولان آن غیر ممکن است، از این روست که هر جامعه در کنار و به همراه کوششهای برون‌ی و قانونی سعی در درونی ساختن کنترل دارد. دو زمینه این نوع کنترل چنین‌اند:

۱- فرهنگ گناه Guilt culture

بزع انسان‌شناسان، درین نوع فرهنگ چنان وجدان اخلاقی تقویت می‌شود که انسان‌ها به هنگام تخلف از موازین اجتماعی، احساس گناه می‌کنند و این احساس موجب استغفار از گناه مرتکب شده می‌شود و هم ترس از عذاب آن موجب عدم ارتکاب جنایت یا تخلف را فراهم

صورت نپذیرفته باشد، هرگز تخلقی موجبات بروز چنین احساسی (شرم) را فراهم نمی‌سازد.

۲- همگنی عوامل اجتماعی شدن

چنانچه در یک جامعه عوامل یا کارگزاران اجتماعی شدن (Socialization agents) دارای پیامی مشابه نباشند، باز انسانها در برابر هنجار شکنان، دیدگاهی یکسان نخواهند داشت و ابزار شرم- کنترل اجتماعی از تاثیر کمتری برخوردار خواهد بود. بعنوان مثال، چنانچه در مدرسه تخلف از امری را زشت و همالان یا دوستان نزدیک نوجوان آنرا درست بدانند، باز کنترل اجتماعی از این طریق بدشواری صورت پذیر است.

Social control

ر.ک:

Shield law

قانون حفاظ

قانونی که افرادی نظیر اطباء، حقوق دانان و ... را در برابر ابرام به برون دادن اسراری که افرادی دیگر به جهت تخصص آنان برایشان فاش ساخته اند، مصون می‌سازد.

Freedom of press.

ر.ک.

Fairness doctrine.

Shadow motivation

انگیزه‌های سایه

زمانی که انسان در برابر دو پدیده آتخنان یکسان قرار می‌گیرد که امکان انتخاب از او سلب می‌شود. انگیزه‌هایی دست دوم، گاه باطل و بی‌اثر محور عمل او می‌گردند. به عنوان مثال، فردی که در انتخابات سیاسی در برابر دو کاندیدا قرار می‌گیرد که هر دو دقیقاً یک

ارزش دارند، در انتخاب باز می‌ماند، تا آخرین دقیقه آن را به تاخیر می‌افکند و در پایان نیز انتخابش تابع عواملی نظیر دست چپ، دست راست بودن محل اخذ آراء دوستی که اتفاقاً آن روز با اوست و... می‌گردد.

تمثیل معروف در باب این تردید الاغی است. به نام بوریدان (Buridan) که در برابر دو توبره یک رنگ و یک بو و دارای یک نوع علوفه قرار گرفته و آنقدر در انتخاب دچار تردید می‌شود که از گرسنگی هلاک می‌شود.

Shils (Edvard A.)

شیلز

جامعه‌شناس امریکایی است (متولد ۱۹۱۱)، زمینه خاص تخصص او مطالعه روشنفکران است در جوامع سنتی و همچنین جوامع جهان سوم. او از جهتی رابطه روشنفکران را با قدرت مطالعه می‌کند که اثر زیر در این مضمون است:

The intellectuals and the power and other essays.

(دوشنفکران و قدرت و مقالاتی دیگر)

درین نوشته، به پیدایی فرهنگ توده‌ها و صعود افرادی از درون این فرهنگ اشاره می‌کند که خود به کناره‌نهادن روشنفکران از قدرت منتهی می‌شود. لیکن همواره چنین نیست. چه، تخصصی شدن و پیچیده شدن تصمیمات در نهایت به سر آمدن فرصت تجلی

می‌دهد و بدینسان روشنفکران به درون‌دنیای نوی فنی، صنعتی و دنیای خاص سنتها، باورها و عقاید توده‌ها راه می‌یابند. کتاب زیر بدین مضمون اختصاص دارد:

The intellectual between tradition and modernity : the Indian situation.

(دوشنفکران بین سنت و تجدد؛ وضع‌هند)
زمینه‌دیگر کارش مطالعه شرایط مأموران امنیتی در امریکا است تحت عنوان:

رنج نهانکاری (torment of secrecy)
(The) زمینه سوم، مطالعات نظری است که اثر معروف «مقدمه‌ای در نظریه عمومی عمل» (Toward a general theory of action) در این باب است.

Sib سبب

يك گروه از خویشان که بر پایه نیایی مشترك و به صورت يك خطی (پدر یا مادری) پدید آمده، برون همسر و دارای يك توتم باشند. معمولاً سبب و کلان را به طور مترادف به کار می‌برند، اما تمایز آنان در این است که سبب فاقد بعد مکانیست. برادران، خواهران و خویشانی را شامل می‌شود از يك نیا، بدون توجه به محل اقامت آنان.

Sibling زادگان

يك برادر یا خواهر، یا بطور کلی برخاستگان یا زادگان از يك پدر و مادر بدون توجه به جنس.

Sick role نقش بیمار

مفهوم از تالکوت پارسنز (T. parsons) است، او در اثرش نظام اجتماعی (Social System) که در سال ۱۹۵۱ انتشار یافت، بر نقش ویژه بیمار اشارت نمود. خصوصیات این نقش چنین‌اند:

۱- بیمار از انجام مسئولیتهای اجتماعی معمولی معاف است.

۲- بیمار بخاطر بیماریش مورد سرزنش قرار نمی‌گیرد.

۳- از بیمار انتظار می‌رود به پزشک حاذق مراجعه کند. چه، بیماری مطلوب جامعه نیست.

۴- از بیمار انتظار می‌رود، رژیم تجویز شده از جانب پزشک را رعایت کند.

۵- نظر به اینکه در جامعه صنعتی، پزشکان از انحصار حرفه‌ای برخوردارند، تنها آنان می‌توانند به این نقش مشروعیت بخشند.

آثار جنبی، تأثیرات فرعی Side effects

Silent trade معامله بی‌گفتگو

Dumb barter ر. ك.

Sigha صیغه

ازدواجی موقت (با مدتی محدود) که در آن هم مبلغ و هم زمان در آغاز مشخص می‌گردد. زن حق ارث بردن از شوهر ندارد؛ فرزندان نام از پدر می‌گردد، با پایان مدت ازدواج خود بخود فسخ می‌شود؛ نیازی به مراجعه به مراجع رسمی ندارد و جاری کردن

صیغه خاص، کوتاه و بی هیج پیچیدگی توسط
مرد شخصاً جایز است. با متعه گونگی
(concubinage) و همبالی (Cohabitation)

یکی نیست. (بدان ر. ک)

رفتار داله Signaling behavior

اساس رفتار ارتباطی حیوانات با یکدیگر

است. بعضی از انواع حیوانی رفتارهایی خاص
دارند که به عنوان علائمی بامعناهای خاص
توسط دیگران گرفته و درک می شود. به عنوان
مثال، رقص عاشقانه طاوس دلالت بر میل
جنسی دارد و نتیجه آن استقرار روابط جنسی
است. مطالعه رفتار داله و پاسخهای متقابل آن،
نشان از حساسیت نوع در زمینه ای متقابل آن،
نشان از حساسیت نوع در زمینه ای خاص دارد،
به عنوان مثال، علامت دهی در بین پرندگان از
طریق رنگ نشان دهنده حساسیت آنان به رنگ
و قدرت تمیز آنان در این زمینه است.

معناداری Significance

ر. ک. Statistical significance

الزم گزاران Significant others

به افرادی اطلاق می شود که بر فکر و
عمل فرد اثری عمیق نهند. همواره رئیس يك
سازمان جزء افراد مؤثر نیست. چه، صرفاً
اجبار صوری به اطاعت از او احساس
می شود و حال آنکه تأثیر گزاران شامل
کسانی است که بر اندیشه فرد تسلط دارند.
اشارت آنان فرد را در گون می سازد، حتی
بدون داشتن هیچ سمت ممتازی رفتار

یا نوع واکنش آنان الگوی فسرده
می شود. گاه فرد قبل از هر واکنش از خود
می پرسد، اگر او در این وضع بجای تأثیر-
گذار بود، چه می کرد و سپس با مدد از
تخیل، واکنشی به زعم خود همانند او نشان
می دهد.

ر. ک. Charisma / Reference group

آزمون معنی داری Significance test

کمتر مطالعه ایست که در آن کل جمعیت
(Universe) یا جامعه آماری مورد مطالعه قرار
گیرد، (سرشماری از جمله چنین مواردیست)،
اکثر مطالعات اجتماعی صورت بررسی
(Survey) می یابند، یعنی بر روی یک جمعیت
نمونه ویژه (Sample) صورت می گیرد و
نتایج بر کل جمعیت تعمیم می یابد. حال باید
دید جمعیت نمونه تا چه حد دارای نمایانی
(Representativeness) است. از اینرو در
جهت سنجش این پدیده (نمایا یا معرف بودن
جمعیت نمونه) آزمونهای معنی داری صورت
می گیرد. یکی از شیوه های این نوع آزمون
تکرار مطالعه است. بعنوان مثال، چنانچه مطالعه
مشکلات زنان شاغل بر روی جمعیت نمونه نتایج
مشخصی بدست داد و همان نتایج با مطالعه ای
دیگر و بر روی جمعیت نمونه ای دیگر بدست
آمد، می توان گفت، جمعیت نمونه معنی دار
است یا دارای اعتبار کافی است. هر قدر فاصله
نتایج بیشتر باشد، خطای ناشی از نمونه گیری
(Sampling error) بیشتر است.

ر. ک. Sampling

- سیاسی و کاربرد ریاضیات در علوم اجتماعی است، بعضی از آثارش بدینقرارند:
- The sciences of the artificial. Models of man: social and rational.*
- Representation and meaning. Processing system.*
- experiments with information*
- معادله ساده Simple equation
- کسر ساده Simple fraction
- نمونه تصادفی ساده Simple random sample
- ر. ک. Sampling
- جوهر ساده Simple substance
- ساده سازی Simplification
- ساده اندیشی Simplism
- گرایش به ساده نمایی و سطحی سازی مکاتب و اجتناب از اندیشه عمیق و پیچیده.
- ر. ک. Reductionism
- نظریه های ساده اندیشانه Simplistic theories
- ر. ک. Reductionism
- شبیه سازی Simulation
- مفهومی است بسیار وسیع که در زمینه های مختلف دانش دارای کاربرد است. آنچه درین نوشته بیشتر مورد توجه است کاربردهای وسیعی است که از شبیه سازی در
- زبان علامت Sign Language
- مجموعه ای از حرکات تقلیدی یا سنتی و یا قراردادی است که در ارتباط متقابل بین قبایل یا زبانهای مختلف به کار می رود. علیرغم برخی از علائم بالنسبه معمول در جهان زبان علائم نسبی است و هر علامت به عنوان نمادی از هر فرهنگ معنایی خاص را به ذهن متبادر می سازد.
- ر. ک. Communication.
- Body language.
- زیمل Simmel (George)
- فیلسوف و جامعه شناس آلمانی است. (۱۸۵۸-۱۹۱۸). او در مورد پویایی گروهی و همچنین جامعه شناسی خرد به کار پرداخت. از او نظریه هایی بدیع در زمینه های گوناگون باقی است، از جمله: در مورد اشکال گوناگون تعامل اجتماعی (با همکاری تونیس (Tönnies)، در زمینه صورت یساکرکت اجتماعی و پیدایی اشکال اجتماعی منبث از آن. آثارش بسیارند از آن جمله:
- Les problems de la philosophie de l'histoire. Philosophie de l'argent, sociologie. Culture philosophique. Le conflit des cultures modernes. Les questions fondamentales de la sociologie.*
- سیمون Simon (H. A.)
- دانشمند علوم اجتماعی در امریکا است (متولد ۱۹۱۶) زمینه خاص تخصص او علوم

روشهای پژوهش در دانشهای انسانی - اجتماعی
بعمل می آید.

پیچیدگی پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در دنیای امروز، موجبات توسل به دانش انسانی را بیش از پیش فراهم ساخته است. به عنوان مثال، اقدام خاص مورد توجه از جانب یک جامعه در شرایط فعلی جهان علیه یک کشور دیگر، تنها همان دو کشور را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد، بلکه شبکه وسیعی از انگیزه‌ها و بازتابها را به‌صورتی متسلسل فراهم می‌آورد. کوچکی دنیای امروز و همسایگی ملل به زعم فواصل بعید جغرافیایی و در عین حال عدم تعلق هر حادثه به یک محل یا منطقه ویژه، موجب می‌شود که سیاستمداران عواقب تصمیم خود را در سطحی وسیع در نظر آورند. این وضع جدید خود موجب می‌شود که عناصر بسیاری در جریان عمل مورد توجه قرار گیرند و نیروهای هر یک مورد احتساب قرار گیرد. گذشته از این با توجه به بقای تاثیر یعنی برجای ماندن اثر هر عمل در سطح ملی و جهانی و هزینه‌های سنگین هر تصمیم و عمل متعاقب آن، باید تصمیمات سیاسی - اجتماعی، هر چه بیشتر صورت علمی یابند و با احتساب نتایج و مقرون به‌صرفه بودن آنان اتخاذ شوند. این گزاره‌ها و بسیاری دیگر موجب گردیدند که شبیه‌سازی بعنوان یک روش مهم پژوهش و راهنمای عمل انسانها در سالهای اخیر سخت مورد توجه قرار گیرد. اساتید گوناگون از رشته‌های مختلف خانواده دانش انسانی بدان روی کنند و شرکتهای گوناگونی جهت کاربرد

آن پدید آیند. بدینسان، بدرستی میتوان گفت شبیه‌سازی امروز یکی از مهمترین ابزار پژوهش در دانشهای اجتماعی - انسانی است. آنرا در زمره فنون مرتبط با مشاهده میدانند، هر چند که با مشاهده ساده تفاوتی بسیار نشان میدهد. شبیه‌سازی بنوع ساختن «ماکت» یا مدل عملکرد (Operating model) است. بدین ترتیب، میتوان پدیده‌های فرضی، مرتبط با حال یا گذشته را در درون «مدل جای داد». در این مدل، واقعیت ساده‌تر ارائه میشود و عناصری از واقعیت که در آن ارائه میشود، از پیچیدگی کمتری برخوردارند. (Hermann, 1968) در شبیه‌سازی، کوشش میشود واقعیت مورد نظر ابعادی هر چه عینی‌تر باید و بدرستی میتوان گفت فرایند شبیه‌سازی تبدیل واقعیت از صورت ذهنی، کیفی و پیچیده به عینی، ملموس و ساده است. از دیگر ویژگیهای شبیه‌سازی توان کنترل و دستکاری (Manipulation) عناصر واقعیت و از طریق آن کل واقعیت است. بدینقرار، زمانی که بناسد واکنش کشوری در برابر تهاجم محتمل خارجی احتساب می‌شود می‌توان هم عناصر و هم زمانرا مورد کنترل و احیاناً تغییر قرار داد، چنانچه حمله در فلان روز صورت گیرد، مدل حاصل شده از کل واقعیت صورتی خاص می‌یابد و اگر همین حمله با تمامی عناصر آن در روز یا حتی ساعتی دیگر رخ دهد، چهره واقعیت یا مدل عملکردی آن که در شبیه‌سازی مطرح است، به کلی دگرگون خواهد شد. از دیگر ویژگیهای شبیه‌سازی، ارائه امکان تحقیق عملی در باب واقعیت مورد نظر است. حال آنکه عناصر یک واقعیت صورتی ملموس و عینی می‌یابند، میتوان با

در این نوشته به چند زمینه توجه میشود:

۱- زمینه‌های اقتصادی:

«مروزه، شبیه سازی یکی از پر قدرت ترین و در عین حال پر کاربرد ترین ابزار در تحلیل های اقتصادی است. شبیه سازی یک نظام اقتصادی به معنای آنست که شبیه یا مدلی برای آن نظام اقتصادی تعیین شود، آزمونهائی بر آن اعمال گردد و سپس نتایج حاصل از آن بر نظام واقعی تعمیم پذیرد» (Adelman: 262)

کلار کسون نحوه تصمیم گیری یک مامور بانک را از طریق شبیه سازی به تتبع گذارد. «او (مامور) با توجه به هدف و امکانات در دسترس یا بالفعل و امکانات بالقوه (Potential) به گزینش شیوه‌هائی خاص می پردازد که هر یک گامی در راه تحقق هدف بشمار می آید. همین شیوه را میتوان با رایانه نیز بسهولت انجام میشود و سپس نتایج بصورت ستانده (Output) اخذ میشود. مقایسه رویه های اعمال شده توسط کارمند و آنچه توسط ماشین (رایانه) قابل پیش بینی است، دقت شبیه سازی را میرساند» (Clarkson: 1963). از سال ۱۸۹۲ ابروین فیشر کاربرد مشابه های هیدرولیک یا شبیه سازی ابزاری را نه تنها بمنظور بدست آوردن تصویری روشن و قابل تحلیل از تعامل (فعل و انفعال) و بهم پیوستگی عناصر مختلف در تعیین قیمتها، بلکه در راه بکار بردن دستگاه بعنوان یک وسیله تحقیق و با آن به مطالعه نهادن گونه گونیهای که بدون آن (دستگاه) موفق نخواهد بود، مطرح ساخت.

سهولت بیشتری بدان روی کرد و آنرا مورد تحقیق و تتبع قرار داد. ازینروست که بنظر ناچمیاس ها (در اثرشان «روشهای تحقیق در علوم اجتماعی») «شبیه سازی را میتوان بنوعی امتداد روشهای تجربی نیز قلمداد کرد» (Nachmias: 87). گذشته ازین، از طریق شبیه سازی میتوان راههای عمل را روشتر ساخت، بطوریکه سیاستمدار بتواند با ملاحظه شرایط و نتایج مترتب بر هر عمل دست به اقدام زند.

زمینه‌های کاربردی

شبیه سازی را باید از طبیعی ترین جریان های فکری و مهمترین شیوه ها در راه روشن ساختن واقعیت، ملاحظه عینی عوامل موثر و در هر حال تجسم پدیده اجتماعی نام دانست. در جریان شبیه سازی شاهد نوعی پرتاب واقعیت بر روی یک ماکت یا حتی یک دستگاه هیدرولیک هستیم و انسانها با بازیابی مجدد این واقعیت و زدایش جهات کیفی و ابهامهای آن بهتر میتوانند آنرا شناخته ارزیابی کنند و در نهایت تصمیماتی درست در قبال آن اتخاذ نمایند.

شبیه سازی در راه پرداخت یا پردازش اطلاعات (Information Process) سخت مورد استفاده است: آدلمن در دایرة المعارف بین المللی علوم اجتماعی دراین باره مینویسد: «به جرات میتوان گفت هیچ روشی در راه شناخت و تعبیه نظریه‌هائی چند در پردازش اطلاعات همانند شبیه سازی نیست» (Adelman: 200) با این تعریف میتوان پذیرفت که شبیه سازی در همه زمینه های حیات انسانی دارای کاربرد است.

(Fisher: 44) لیکن، تا سال ۱۹۴۰ نمونه‌های مشابه هیدرولیک نظام اقتصادی پدید نیامد. فیلیپس در سال ۱۹۵۰ ماشین‌هایی را بکار برد که از پلاستیک ساخته شده بود و از خلال لوله‌های آن آب رنگین حرکت میکرد. هدف، معرفی نظریه کینز بود و اینکه چگونه تولید، مصرف، ذخایر و قیمتها در هر مورد خاص (تعیین قیمت بعنوان مثال) در جریان تعامل (کنش و واکنش یا فعل و انفعال) با یکدیگر قرار میگیرند. گذشته ازین در مواردی از نمونه‌های مشابه برقی نیز استفاده شده است.

۲- زمینه سیاسی:

بهترین نمونه شبیه‌سازی در امور سیاسی کار شرکت تمپر (Temper) است. موضوع مورد نظر جنگ سرد بود و فرضیه اساسی تحقیق چنین بنظر می‌آمد: «با شناخت خصومت تاکتیکی بین ملتها میتوان از عناصری چون میل باطنی برای تسخیر سرزمین دیگری، میزان ظرفیت نظامی، تهدیدهای شفاهی، تمایلات مرتبط با حمله متقابل آگاهی یافت» (Clemens 82): با تجسم این عناصر معادله زیر بر می‌آید:

مل باطنی برای تسخیر سرزمین دیگر X توان یا ظرفیت نظامی O خصومت تاکتیکی Y

(O = تهدید تاکتیکی)

که درین معادله: ظرفیت نظامی = انگیزه‌های تحمل هزینه‌های نظامی + انگیزه‌های تحمل فشار نظامی + ۱۰ (انگیزه‌های مالیاتی) + ۵ (تهدیدهای تاکتیکی).

۳- زمینه‌های قانونگذاری:

نمونه دیگر، مطالعه شرکت سیمولماتیک در مورد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در

سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۴ است. ۴۸۰ نفر از گروه‌های مختلف برگزیده شدند. باید نمونه نمایا یا معرف (Representative) کل جامعه آمریکا باشد، هر رای دهنده نوعی از بین ۴۸۰ نفر در مورد ۵۲ متغیر سیاسی نظیر قصد رای دادن و عقاید مرتبط با مباحث گوناگون سیاسی، مورد مطالعه قرار گرفت. هدف این بود که ملاحظه شود: «تمها» یا مباحث اساسی انتخابات، چه تاثیری بر روی رای دهندگان آمریکائی خواهد گذارد.

بعنوان مثال، چنانچه داوطلب احراز مقام ریاست جمهوری در باب جنگ خاورمیانه (بعنوان یک مساله اساسی) فلان موضع را اتخاذ کند، چه وضعی در جریان انتخابات خواهد یافت.

اصول و گزاره‌ها:

همانطور که ملاحظه میشود، شبیه‌سازی از دیدگاهی همچون «سناریو» سازی است. بدینمعنی که کل واقعیت را بر روی یک ماکت جای میدهند و بدان، مدل عملکردی اطلاق میکنند. درین کل عنصری نو وارد می‌سازند و تاثیرش را بر آن ملاحظه میکنند. از اینرو میتوان گفت که هر شبیه‌سازی بر اساس اصول و شیوه‌های زیر صورت می‌پذیرد:

۱- فرافکنی روند (Extrapolation)

بدینسان، واقعیتی در نظر می‌آید، (واکنش سیاهان آمریکا بعنوان مثال) حرکات آن در گذشته سنجیده میشود و سپس با توجه به پیشینه روانی سیاهان و واکنشهای پیشین آنان در برابر یک انگیزه و در وضعی خاص به پیش بینی واکنش احتمالی آنان در برابر اقدام خاص

مور نظر پرداخته میشود.

۲- نظم تمایلی (Tendentious Regularity)

در جریان شبیه سازی نه تنها واقعیت مورد نظر ساده تر و عینی تر مطرح میشود، بلکه احتمالات گوناگونی در مورد آن عنوان میشود. بعنوان مثال، گفته میشود، فلان فرد یا گروه در شرایط ویژه (که در داخل مدل مطرح میشود) و تحت تاثیر عوام مشخص (که باز در مدل تعیین شده اند) در برابر انگیزه ای معین (S) واکنشهایی بروز خواهد داد که به ترتیب احتمال وقوع آنان ارائه میشوند

۳- تامیت (Totality)

در جریان مدل سازی عملکردی یا عملی (شبیه سازی) کوشش میشود کل واقعی مطرح شود: این «کل» از عناصری ساختی (Structural) و هم عناصر غیر ساختی و مرتبط با اوضاع و احوال (Conjunctural) متاثر است. بدین معنی که واکنش یک فرد در یک وضعیت و در برابر انگیزه ای معین هم از ویژگیهای پایا و مستمر موجود در او متاثر است (ساختی)، هم از اوضاع و احوال آنی و زودگذر (غیر ساختی). در عین حال، کل واقعیت مورد نظر که مورد شبیه سازی قرار گرفته است، از عناصری تشکیل میشود که یک یک قابل مطالعه اند، اما هدف اصلی شناخت ترکیب آنان با یکدیگر است و کشف معنایی که از مجموعه یا کل بدست می آید.

۴- رسانائی (Conducivity)

در جریان شبیه سازی واقعیت پذیرفته میشود که عناصر تک افتاده (Isolate) در

درون مدل یا ماکت بدست آمده، اند کند. و بر عکس هر یک از عناصر یا پدیده های موجود در «کل» ساخته شده (مدل) در ارتباط متقابل قرار میگیرند. هر تغییر در یک جز موجبات بروز تغییراتی را در دیگر اجزاء و بالطبع در کل واقعیت فراهم خواهد ساخت. هادی بودن عناصر و یا غیر عایق بودن آنان را میتوان بصورت گوناگون نظیر شدت هدایت، سرعت، هدایت و سنجید.

۵- فرافکنی (Projection)

شبیه سازی زمانی موفقیت آمیز است که راهنمای عمل گردد و راه آن (مخصوصا عمل سیاسی پر مخاطره) را روشنتر سازد. از اینرو می توان آنرا تجسم واقعیت آتی قلمداد کرد که پیش بینی (Prevision) را بصورتی علمی و تا حد امکان متقن امکان پذیر می سازد، اما خطاست که آنرا نوعی پیشگویی (Prediction) بدانیم.

۶- تعیین مجموعه های فرعی

هر چند کل واقعیت مورد نظر همچون یک مجموعه (Ensemble) یا منظومه (Constellation) بهم پیوسته، پیچیده و دارای عناصر کمی و کیفی، عینی و ذهنی، حال و گذشته و بنظر می آید، لیک در درون آن می توان مجموعه های فرعی یافت که همچون یک زیر مجموعه عمل می کنند. بدین قرار، چند عنصر از واقعیت که بیشتر با یکدیگر ترکیب بیشتری می یابند، جریان هدایت اثرات در بین آنان بیشتر است و در درون کل واقعیت از وحدت بیشتر کارکردی برخوردارند، یک مجموعه فرعی یا زیرین را تشکیل می دهند.

۷- وزن دهی (Ponderation)

کار تحقیق، تاثیر عناصر وارد شده برای مرحله دیگر باقی ماند و تراکم یا انباشت پذیرند.

انواع:

— سه نوع اصلی در شبیه سازی قابل تمیز است، بدین قرار:

۱ - شبیه سازی انسانی (Man Simulation)، در این نوع شبیه سازی تعدادی از افراد در نظر گرفته می شوند، اطلاعات لازم در مورد فرد یا گروهی که باید نقش آنانرا ارائه دهند، در اختیارشان قرار می گیرد و سپس از آنان خواسته می شود در وضعی معین و در برابر انگیزه ای مشخص، واکنشهای طبیعی و درست گروه یا فرد مورد نظر را بدست دهند. همانطور که ملاحظه می شود، این نوع شبیه سازی همانند یک «بازی» (Game) بحساب می آید. شرایط این نوع شبیه سازی آزمایشگاهی است و در آن بر توان همدلی (Empathy) افراد بازیگر با صاحبان اصلی نقش تکیه می شود، نمونه بارز این نوع شبیه سازی از آن کلمن (Coleman) است. او در سال ۱۹۶۴ گروهی متشکل از ۶ تا ۱۱ نفر را تشکیل داد که در نقش قانونگذارانی چند ظاهر شدند. آنان می کوشیدند قوانینی وضع نمایند که مورد نظر منتخبین آنان باشد، پس در جریان نوعی «مبادله» یا چانه زنی با دیگر نمایندگان قرار می گرفتند. سعی می کردند، قوانینی را که دیگر قانونگذاران پیشنهاد می کنند، بر اساس میزان موافقت رای دهندگان خود مورد مخالفت سخت، موافقت مشروط یا موافقت تام قرار دهند و خود نیز در همین جریان پیچیده تبادل جای می گرفتند. بعد از پایان صحنه شبیه سازی شده

در هر مدل عملکردی ناشی از شبیه سازی، همه عناصر وزن یا توان یکسان ندارند، برخی تاثیر بیشتری دارند، بر جریان عمل موثرترند و برخی دیگر چنین نیستند. از اینرو، می توان گفت در ذهن یک رهبر سیاسی مادی در عصر حسی (Sensate) واقعیات مادی تاثیر بیشتری دارند، در حالیکه برای شناخت و ارزیابی واکنشهای یک راهبر دارای ایده اولژی معین و قوی، باید توان مباحث و پدیده های غیر مادی بمراتب بالا باشد. پس ناچار همه عناصر «ماکت» یا مدل عملکردی یک وزن ندارند. وزن یا ضریب دادن به آنان می تواند توسط خود محقق صورت یابد، یا آنکه از طریق مجموعه آراء داوران عملی شود.

بدینقرار، همانطور که ملاحظه می شود، در جریان شبیه سازی کوشش می شود از اصول مرتبط با الگوی نظری (Paradigm) استفاده شود، الگوی نظری را عبارت از پیش فرضهای اساسی، مفاهیم و گزاره ها در زمینه موضوعی خاص می دانند که در نهایت به هدایت جریان پژوهش و تشکیل نظریه ها کمک می کنند. همچنین فنونی چون تحلیل مسیر (Path analysis) در آن مورد استفاده قرار می گیرند. هر شبیه سازی خواه ناخواه برنامه ریزی شده نیز هست. بدینمعنی که هم تراکمی (Cumulative) است هم منظم (Systematic). بعنوان مثال، «زمانیکه روابط یک مجموعه از عوامل یا پدیده ها مورد توجه قرار می گیرند، می پذیریم که وارد کردن انگیزه ها یا عوامل جدید با احتساب قبلی و برنامه ریزی همراه باشد و در هر قدم یا برهه از

که در جریان آن ۸ لایحه گذاشتند، یارد شدند و یا آنکه صرفاً مطرح شدند، نمایندگان مجلس می توانستند پیش بینی کنند که آیا بار دیگر از جانب انتخاب کنندگان خود مورد گزینش قرار خواهند گرفت یا خیر.

همانطور که ملاحظه می شود، این نوع شبیه سازی، هر چند موجبات شناخت واقعی را بصورت عینی فراهم می سازد، لیک با مسائل بسیاری مواجه است که برخی از آنان بدینقرارند:

- جدائی نسبی از واقعیت:

قرار گرفتن افرادی چند در یک آزمایشگاه، خودبخود موجبات جدائی آنانرا از واقعیت فراهم می سازد و خواه ناخواه هر عمل یا واکنش آنان بعدی از تصنع و با ضرابی از فاصله با جریان طبیعی خواهد داشت.

- تجسم واکنش دیگری:

علاوه بر این، باید فرد بتواند خود را بجای دیگری قرار دهد و درست واکنش احتمالی او را در برابر انگیزه های معین بروز دهد. این فرایند بسیار دشوار نیز خود در فرسایش ابزار و کاهش کارآئی شبیه سازی تأثیری نامطلوب بر جای می گذارد. چه، از جانبی، امکان ایجاد احساس مشترک یا همدلی (Empathy) در هر شرایط ممکن نیست. بعنوان مثال کمتر کسی می تواند خود را بجای آن بسیجی قرار دهد که در صحنه نبرد با آگاهی از همه خطرات پای بر روی مین می گذارد. و از جانب دیگر، در بسیاری از موارد، کوشش تصنعی درراه ادراک دیگری به درون نگری (Introspection) منتهی می شود که بمعنای تعبیه تصنع، وضع دیگری و

خود را در آن قرار دادن (بطور تصنعی) و بروز واکنشهای احتمالی فرد مورد نظر باز با ضریب بسیاری از تصنع خواهد بود.

بنابراین، باید کوشید افراد منتخب ۱- بدور از هر نابسامانی روانی باشند. ۲- توان همانندی (Assimilation) با دیگری (آنکس که نقش او را ایفا می کنند) داشته باشند. ۳- دقیقترین واکنشهای شبیه سازی شده را ارائه دهند.

۲- شبیه سازی رایانه ای (Computer Simulation)

نمونه کلاسیک این نوع شبیه سازی را می توان در کاربنسون (Benson) یافت. وی در سال ۱۹۵۹ در راه شناخت و ارزیابی نظام سیاسی جهانی از این ابزار استفاده کرد. هدف، شناسائی یک اقدام سیاسی و ارزیابی نتایج مترتب بر آن بود. در راه تحقق این هدف، ۹ کشور از بین کشورهایی که در مناطق بحرانی جهان قرار داشتند، انتخاب شدند. ۹ عمل یا اقدام سیاسی ناشی از بحران بین المللی تعیین گردیدند و بر حسب شدت رده بندی، شدند بدینقرار: ۱- اعتراض دیپلماتیک. ۲- دستیازی به سازمان ملل (از طریق شکایت و ...). ۳- قطع روابط دیپلماتیک. ۴- تبلیغات سیاسی خصمانه. ۵- تحریر کشور دیگر (مورد منازعه). ۶- جابجائی نیروها (و آماده سازی زمینه برای اقدام نظامی احتمالی). ۷- بسیج عمومی. ۸- جنگ محدود یا موضعی. ۹- جنگ تمام عیار. در عین حال، ۴ متغیر وضعیتی (Situational Variables) برگزیده شدند، بدینقرار:

۱- قدرت ملّى که با توان بالقوه برای جنگ مشخص می شود. ۲- توزیع این قدرت. ۳- میزان قرابت یک دولت با دیگری ۴- میزان تمایل هر کشور به واکنش (در مقابل اقدام مورد نظر). بدین ترتیب، در این نوع شبیه سازی با دادن تمامی اطلاعات به رایانه از آن خواسته می شود، وضع جدید را ارزیابی کرده، نتایج مترتب بر عمل را از پیش تعیین نماید. همانطور که ملاحظه می شود، در شبیه سازی از سه جزّ اساسی رایانه (واحد حافظه، واحد عملکرد، واحد کنترل) بیش از همه واحد حافظه استفاده می شود. این واحد دستورالعملهای لازم را بصورت اطلاعات خام یا داده های اطلاعاتی (Data) که در اینجا داده (Input) خوانده می شود، اخذ کرده، ذخیره می کند و چون تمامی این دستورالعمل ها در برنامه ای خاص جای یافته اند، می توان گفت که شبیه سازی رایانه ای اساساً برنامه ریزی شده است.

۲- شبیه سازی انسانی - رایانه ای (Man - Computer Simulation)

سومین نوع شبیه سازی است. در این نوع، کوشش می شود، از امتیازات دو روش پیشین با هم استفاده شود و موانع هر یک کنار گذاشته شود.

نمونه خاص شبیه سازی انسانی - رایانه ای را در آی - ان - اس ملاحظه می کنیم. گتسگو، این تحقیق را چنین تعریف می کند: «در شبیه سازی بین المللی، اعمال و اقداماتی خاص از جانب افراد و گروهها سر می زند. افراد شرکت کننده در شبیه سازی مظهر تصمیم گیرانی هستند که در درون هر نظام سیاسی - ملّى تجلی

می کنند. یک گروه ۲ تا ۳ یا ۵ تا ۶ نفره متشکل از تصمیم گیران با توجه به منابع و امکاناتشان بعنوان یک ملت تجلی می کنند. برخی از این ملتها می توانند در مواردی بهم پیوسته یک واحد بین المللی را تشکیل دهند. بنابراین شبیه سازی (در این حد) شامل عناصری است در سه رده: ۱- افراد (تصمیم گیران) ۲- گروهها (ملت)، فوق گروهها (سازمانهای بین المللی یا وحدت ملتها)» (Guetzkow : 1963 166). در آغاز، پردازش متغیرها (Variable Process) صورت می گیرد، یعنی بعد از جمع کردن تمامی متغیرهای موثر بر روی یک ماکت که در اصطلاح ما مدل عملکردی یا عملی و یا عملیاتی باید اطلاق شود هادیها و جریانهایی هدایت مشخص می شوند، روابط گوناگون متغیرها سنجیده می شود، ترکیب متغیرها و معنای خاص آن مطمح نظر قرار می گیرد، سپس حوزه ها مشخص می شوند و ذر نهایت تمامی متغیرهای کیفی (Attributes) صورت کمی می یابند (یا با تعیین شاخصهایی بصورت کمی در می آیند) و در معادله هایی که با فرضیه ها و گزاره های پیشین (Paradigms) مرتبطند جای می گیرند.

- بعنوان مثال، در تحقیق فوق الذکر رابطه بین حاصل انقلاب در کنترل داخلی با فرمول زیر مشخص می شود: $P(SR) = 1 - K(FCIC/FC)$

که در آن $P(SR)$ بمعنای احتمال پیروزی انقلاب، $FCIC/FC$ بمعنای درصد کل نیروی حاصل از توان ملّى است که در راه کنترل داخلی بکار گرفته می شود و K مساوی با ۲ است.

شبهه سازى يکسان گرفت.

۲- مشابه سازى نمونه ها

در مواردى چند مخصوصا در جريان آزمون - آزمون مجدد (Test - retest) و بمنظور شناسائى ميزان روانى (Reliability)، گروهى (y) را در حدنهائى مشابهت با گروه اول (X) قرار مى دهيم تا ملاحظه شود آيا تکنىک تحقيقاتى بکار برده شده حائز ثبات يا روانى هست يا خير. اين عمل که هدف از آن نزديک ساختن (مشابه سازى) دو گروه بمنظور آزمون ابزار تحقيق است، هيچگاه با شبهه سازى در معنای جديد آن يکسان نيست. در عين حال، بايد پذيرفت که عمل شبهه سازى در زمره جسورانه ترين فعاليتهاى تحقيقاتى است. زيرا در آن پيش بينى علمى نتايج حاصل از يک اقدام صورت مى گيرد. اين پيش بينى از جهاتى بسيار دشوار است:

۱) انسانهائى که واکنش يا عمل متقابل (Counter - action) آنان در برابر انگيزه اى خاص مطمح نظر است، همواره بر پايه وضعى ساختى (Structural) به کار تصميم گيرى نمى پردازند. گاه اقدام يا واکنش آنان ناشى از حال و احوال خاص و بطور کلى «تجربه آنى» آنانست.

۲) عينى، ملموس و قابل احتساب ساختن وضع آنى و بر روى مدل قرار دادن آن با دشوارى خاصى مواجه است. زيرا زواياى خاص اندیشه انسانها را بسختى مى توان کمى ساخته در درون روابط رياضى جاى داد.

۳) وضعى که امروزه در نظر مى آيد با وضعى که در جريان شبهه سازى مطرح است،

همانطور که ملاحظه مى شود، هر شبهه سازى به ساختن مدل يا ماکت از يک واقعيت معين مى انجامد. پس هيچ فرمول خاص و جهانى ندارد. ضرايب آن نيز صرفا با توجه به وضع موجود تعيين مى شود. تنها هدف در آن عينى کردن واقعيت و تحليل هر چه علمى تر آنست. با ادغام انسان - ماشين يا شبهه سازى انسانى - رايانه اى، انسانها نقش تصميم گيران سياسى را بعهده مى گيرند و ماشينها نتايج خاص هر تصميم را بر روى مجموعه (Ensemble) منعکس مى سازند.

نتيجه:

شبهه سازى در زمره جديد ترين شيوه هاى پژوهش در دانشهاى انسانى - اجتماعى است. از جانبى بايد بين اين نوع از پژوهش و تکنىکهاى زير تميز قائل شد:

۱- مشابه يابى يا نمونه جاىگزين

در پانل (Panel) بعنوان يک تحقيق طولى (Longitudinal study)، جمعيتى خاص (بعنوان مثال تمامى مردمى که در يک سال در روستائى بدنيا آمده اند)، در مقاطع مختلف و منظم مورد تحقيق قرار مى گيرد و هدف شناسائى تفاوتهائى حاصل در رفتار، وضعيت و طرز اندیشه آن جمعيت نمونه نسلى (cohort) است. حال، در بسيارى از موارد، شاهد مرگ جزئى از جمعيت و يا جابجائى آنانيم، بنا بر اين ناچار بايد فرد يا خانواده مشابهى جاىگزين آن شود. درينصورت پانل ضريب حساسيت خود را از دست مى دهد و به روند پژوهى (Trend study) تبديل مى شود. اين نوع شبهه يابى و يا نمونه مشابه را نبايد با

يکى نيست. حال که پديده‌ها با سرعتى سرسام آور دگرگون مى‌شوند، پس با دادن همه داده‌هاى موجود به رايانه بايد در فاصله تحقيق تا تحقق واقعيت، اطلاعاتى جديد پيش آيد که در چارچوب «ماکت» احتساب نشده‌اند.

(۴) در دنيايى که بسوى انفجار زمان-

فضا (Time-space-explosion) به پيش مى‌رود، هر حادثه در کوچکترين واحد زمان در اقصى نقاط جهان طنين مى‌يابد و انعكاسهاى زنجيره‌اى پيچيده‌اى بر مى‌انگيزد. در گذشته هنگاميكه رئيس يك قبيله در صدد تهاجم به قبيله‌اى ديگر بر مى‌آمد، فقط به پيش بينى نيروهاى درونى آن قبيله دست مى‌زد، حال بايد همه عوامل جهاني را بطريقى در معرض ديد و محاسبه قرار دهد. پس با افزايش متغيرها، پيچيدگى رو به افزايش مدل عملكردى نيز طبيعى بنظر مى‌رسد. با اينهمه، بايد پذيرفت که شبیه‌سازى بعنوان شيوه‌اى نوپا در کار پژوهشهاى آينده‌نگر (Prospective) مطرح است. موجب گردیده است، آينده‌نگرى (Futurism) از صورت حدس و گمان بيرون آيد و کار احتساب حاصلها يا نتايج اعمال سياسى - اجتماعى در تمايت (Totality) و با احتساب ساحتهاى چندگانه (Multi-dimensional) و در يك كلام كل نگرى (Holism) دور و نزديكى با نظريه‌هاى چون نظريه گشتاست (Gestalt theory) صورت پذيرد.

بدین قرار، می‌توان گفت، شبیه‌سازی

هر چند شیوه‌ای بسیار قدیمی در حیات انسانی است، اما در دنیای نو بسیار مورد توجه قرار گرفته است. با شیوه‌هایی خاص صورت

می‌گیرد و از آن نتایجی دقیق به دست می‌آید. آنچنان که از هیچ راه یا ابزار دیگر به دست آوردنی نیست، چه، با آن واقعیت ملموس‌تر می‌شود، نتایج یک اقدام بهتر دیده می‌شود و در چارچوب یک مجموعه یا به اصطلاح مدل عملکردي هر عنصر دیده و تحليل می‌شود.

Simultaneity

همزمانی، همبودی، معیت

Synchronism

ر. ک.

Simultaneous

همزمان، همبود

Simultaneous polygamy

چندهمسری همزمان

در اصطلاح فقط چندهمسری

(Polygamy) خوانده می‌شود. يك با

افزودن «همزمان» دو نوع چند همسری را

می‌توان متمایز ساخت. در چندهمسری همزمان،

يك زن یا مرد حق دارد با بیش از يك همسر

پیوند زوجیت بندد و حال آنکه چندهمسری

ناهمزمان در نتیجه ازدواجهای مکرر پدید

می‌آید. تعدد طلاق و بی‌ثباتی خانواده به چند

همسری ناهمزمان می‌انجامد.

Sine qua non

شرط لازم

Single factorial

يك عاملی

Single cause

علت منفرد

Cause

ر. ک.

Single parent family

خانواده ناقص

- Family** ر. ك. **Situation , conflict**
 وضع مبتنى بر كشمكش - شرايط پر كشمكش
- Singular** ر. ك. **Conflict situation**
 ویژه ، استثنایى ، جزئى ، مفرد
- Singularism** فردنگرى **Situation , Group** شرايط گروهى
 نظريه‌اى در جامعه‌شناسى كه جامعه را صرفا به صورت انبوهى از افرادى مى‌بيند و معتقد به پيدايى پديده‌ خاصى با تشكيل جامعه نيست. اين بينش به سه صورت تجلى مى‌نمايد: - صورت مفرد
- فرد را تنها واقعيت اجتماعى مى‌دانند و بنا بر اين حائز بالاترين ارزش اخلاقى. پس جامعه زمانى ارزش مى‌يابد كه در ارتقاء شرايط حيات فردى كمك رساند.
- صورت معتدل
- جامعه و فرد را حائز ارزش والا مى‌شناسند و معتقدند كه آزادى و سعادت فرد و جامعه تقابل دارند.
- صورت جمعى
- جامعه را همواره همچون انبوهى از افراد مى‌بينند، بدون آنكه ذاتى خاص در آن يابند، ليكن بر برترى عملى آن بر فرد تاكيد دارند، مانند: فاشيسم، هيتلرگرایی و...
- Universalism / Harmonism** ر. ك.
- Situation** وضع، شبكه عوامل
 كليۀ عوامل داخلى يا خارجى، داراى رابطه متقابل كار كردى كه از ديدگاه رفتار يا پديده مورد نظر حائز اهميت و معنايند و در مطالعه علمى در برابر محقق ظاهر مى‌شوند.
- Situation - process** وضع- فرايند
 واژه‌اى تركيبى كه جدايى ناپذيرى جهات بالنسبه ثابت يك پديده (كه در يك برهه زمانى مورد مشاهده محقق قرار مى‌گيرد) از ديگرگونى مستمر و وقفه ناپذير آن (حتى به هنگام مشاهده و پژوهش) را مى‌رساند.
- Situation , social** شرايط اجتماعى
 ر. ك. **Social situation**
- Situational approach** رويکرد وضعى
 شيوه‌اى در ديدو تحليل مسائل (شخصى، اجتماعى) كه در آن نه يك عامل، بلكه شبكه‌اى از عوامل به هم پيوسته مورد توجه قرار گيرند.
- Skewness** عدم تقارن- كجى
 مقياسى است در سنجش عدم تقارن يك توزيع فراوانى.
- با فرمول زير سنجيده مى‌شود:
- $$sk = \frac{q_2 - q_1}{q_2 + q_1}$$
- كه در آن q_1 تفاوت چارك اول و ميانه است
 q_2 تفاوت چارك سوم و ميانه.

می آوردند و سپس به صورت ارث منتقل می ساختند.

II- آثار و نتایج:

— از نظر اقتصادی برده داری به معنای استفاده از نیروی انسانی رایگان است، لیکن بزعم هونتسکیو این امر هر چند به ظاهر فریبنده است، لیک به واقع حائز نتیجه ای عالی نیست. برده انگیزه کار را مخصوصاً به هنگام بازیابی آگاهی از شرایط خود از دست می دهد و چنانچه بتواند به تخریب سرمایه نیز می پردازد.

III- از نظر روانی، بردگی به پیدایی انواع خرافات، عقاید قالبی در جهت توجیه خود می انجامد که حتی پس از الغاء آن نیز باقی می ماند و جامعه ای دوگانه و سخت درگیر با تنازع نژادی پدید می آورد. واکنشهای گوناگون سیاهان امریکا از جمله ایجاد «پلنگان سیاه» در جهت پی ریزی قدرت سیاهان (Black power) مظهر این تنازع و خشونت های ناشی از آن است.

ر. ل. Lynching/Racism/projection

بردگی گروهی Slavery, Group

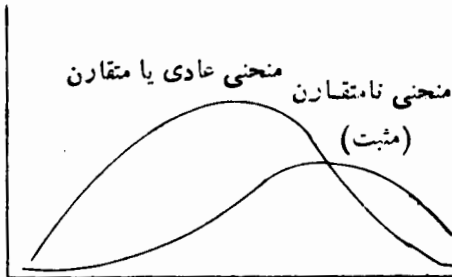
Group slavery ر. ل.

قرض بردگی Slavery, Debt

Debt slavery ر. ل.

Sluice - gates analogy

تمثیل دریچه ها



Slavery

بردگی

I- نهادی اقتصادی-اجتماعی که بر پایه آن انسانی (ارباب) از حقوق تام و مطلق مالکیت و بهره برداری از دیگر موجودات انسانی (بردگان) و بدون هیچ حد و حصر برخوردار است. در مقابل ارباب، برده حائز هیچ حقوقی نیست، هر آنچه مربوط بدوست و وظایف و تکالیف است. وظایف او تجاری و همچنین خانگی است: ۱- وظایف خانگی شامل نظافت، طبخ غذا، نگهداری خانه و در مواردی ارضاء جنسی مالک است.

۲- وظایف تجاری، معمولاً انجام زراعت یا کار در معادن و یا هر نوع خدمت سودبخش دیگر است. ریشه ها، اشکال، ماهیت بردگی و علل اقتصادی و اجتماعی آن بر حسب زمان و مکان تنوع می یابند. بردگان را از طریق جنگ، خسارت، مقروض سازی مطلق، یا فروش فرزندان و... بدست

واژه‌ای است از ماکس شلر (Max scheler) در قلمرو جامعه‌شناسی معرفتی. به نظر شلر اندیشه‌های مجرد (Ideal faktoren) همواره موجود هستند، لیکن عوامل واقعی (Real faktoren) نظیر عوامل اجتماعی-اقتصادی امکان ظهور این اندیشه‌ها را در درون دریچه‌ها و تجلی آنها را در واقعیت فراهم می‌آورند.

ر. ک. Ideal faktoren, real faktoren.

محلۀ فقیرنشین، کپرگاه Slum

پدیده‌ای است که در حیات شهرها، مخصوصاً شهرهای بزرگ تجلی می‌کند. مردمی محروم، فاقد حداقل امکانات معیشت (Vital minimum) در گوشه‌ای از شهر گرد هم می‌آیند، در خانه‌های مخروبه‌سکنی می‌گزینند و از آن محلۀ ای می‌سازند با ویژگی‌هایی به قرار زیر:

- دژ سازمانی (Disorganization) که از شاخه‌های آن تعدد جنایات (Crimes) و شدت خشونت (Violence) است.

- از هم پاشیدگی خانوادۀ (Family disintegration) که از شاخصهای آن گس‌تردگی میزان طلاق و کوی‌تاهی امید بقای زماشویی است.

- آستانه فقر (Poverty threshold) این مردم همواره در زیر معیارهایی که آستانه فقر را نشان می‌دهند قرار می‌گیرند. این

محلۀ تجلی‌گاه صور گوناگون فقر، (فقر فرهنگی، فقر اجتماعی - اقتصادی و...) می‌باشند.

ر. ک. Pauperization / poverty

Small, (Albion Woodbury)

اسمال

جامعه‌شناس امریکایی است (۱۸۵۴-۱۹۲۶) و بانی مجله جامعه‌شناسی امریکا. برخی از آثارش:

General sociology.

Origins of sociology.

The meaning of the social sciences.

Introduction to the study of sociology.

گروه‌های کوچک Small groups

ر. ک. Groups

آدام اسمیت Smith, (Adam)

متفکر اجتماعی و اقتصاددان انگلیسی است (۱۷۲۳-۱۷۹۰) او بانی مکتب کلاسیک در اقتصاد است و اثر برجسته‌اش با نام «پژوهشی در طبیعت و علل ثروت ملل» (*An inquiry into the nature and Causes of the weath of nations*) تأثیری گسترده در پیدایی این خانواده‌اندیشه (کلاسیکها) برجای نهاد.

او به آزادی اقتصادی و دخالت محدود

وسعت گروه زیاد است، میزان ذوب یا آمیزش انسانها در داخل گروه اندک است، و حال آنکه در جماعت (Community) «مای» پدید آمده از جمع انسجام بیشتری دارد. این آمیزش با ذوب فرد در داخل جمع، در سلک (Communion) آنچنان که هنجارهای جمعی به خوبی درونی می‌شوند و نوعی پیوند فوق عادی انسانها را به هم می‌آمیزد.

ر. ک. Community
Communion Mass

Social abnormality

ناهنجاری اجتماعی

ناهنجاریها یا اختلالی که در روابط یک فرد یا یک گروه با محیط اجتماعی خود و یا ساخت و کارکرد جامعه پدید آید.

ر. ک. Abnormality

Social acceptance پذیرش اجتماعی

Social accommodation

همسازی اجتماعی

ر. ک. Accommodation

Social achievement

تحقق هدفهای اجتماعی

فرایند به نتیجه رسانیدن یک طرح اجتماعی توسط شماری از افراد که با یکدیگر در انجام آن همکاری نموده‌اند.

Social acquisitiveness

وجهه‌خواهی اجتماعی

تمایل سخت به کسب پایگاه اجتماعی،

دولت در آن اعتقاد داشت و چنین می‌پنداشت ماشین اقتصاد خود به تنظیم خود می‌پردازد. با عنوان کردن مفهوم انسان اقتصادی (Homo-oeconomicus) از انسان به‌عنوان موجودی یاد می‌نمود که در جستجوی سود خویشتن است و در محاسباتش نیز کمتر دچار خطا می‌شود، اسمیت و بعضی دیگر از دانشمندان (نظیر جان استوارت میل، دیوید ریکاردو) به سرمایه‌داری لیبرال عقیده داشتند و آزادی جریان بازار (Laossez-faire) را شعار خود قراردادده بودند. آنان از جهاتی در زمره خویش‌بینان به‌حساب می‌آیند. مکتب آنان بعدها مورد انتقاداتی سخت قرار گرفت.

ر. ک. Classical school

Sociable معاشرتی

Sociability

معاشرتی بودن، روح همکاری داشتن، نحوه پیوند با گروه یا جمع

۱- در یک معنای روحیه گروهی و میزان آن را می‌رساند و با Sociality مترادف است.

۲- در معنای دیگر، چگونگی پیوند با جمع را می‌رساند، نظیر اشکال گوناگون وابستگی متقابل بین فرد و دیگری یا دیگران. همچنین اشکال گوناگونی که بر حسب میزان ذوب فرد در درون «ما» پدید می‌آید. به‌عنوان مثال، در توده (Mass) به همان نسبت که

- مبتنی بر کنش و واکنش (Interaction) است. ۲) سازگاری اجتماعی لزوماً مبتنی بر همسازی (Accommodation) است. به این سان که موجبات استقرار مناسباتی پایا و مورد قبول طرفین را فراهم می‌سازد. ۳) سازگاری اجتماعی مشارک با مبتنی بر هم پیوندی است. (Associative).
- ر. ک. Adjustment
- انبوه اجتماعی Social aggregate
- ر. ک. Aggregate
- شکوفایی اجتماعی Social anabolism
- شکوفایی یا گسترش مطلوبی که در يك جامعه از طریق جذب اندیشه‌های نو، تلقیات و همچنین الگوهای رفتاری متناسب، تحقق یابد.
- Social anthropometry
- انسان‌سنجی اجتماعی
- مطالعه کمی، مقایسه‌ای و آماری پدیده‌های انسانی (باروها و اهدافی که در انسان‌شناسی مطرح است).
- ر. ک. Anthropology
- تحلیل اجتماعی Social analysis
- کالبدشناسی اجتماعی Social anatomy
- در اصطلاح به بررسی ساخت و سازمان اجتماعی، کارکرد، وضع نسبی و همچنین وابستگی متقابل گروه‌های مختلف اجتماعی و
- تمایل سخت به کسب پایگاه اجتماعی، داشتن پیوند گروهی یا هر ارزش اجتماعی که گروه برای اعضاء خود مثبت شناخته باشد؛ با وجهه یا مردم‌پسندی (Popularity) مشته نشود. ر. ک. Acquisitiveness
- عمل اجتماعی Social action
- اقدام یا هر کوشش جمعی، به صورت آگاه یا ناآگاه، مثبت یا منفی. عمل اجتماعی مثبت شامل نهضت‌های اجتماعی - سیاسی، جهت آزادی توده‌ها، تحقق برابری در برابر نهادها، هنجارها یا قوانین، توزیع درست امکانات و مواهب اجتماعی است.
- انطباق اجتماعی Social adaptation
- گاه به غلط در معنای سازگاری اجتماعی یا همسازی به کار می‌رود و از آن برقراری روابط بین فرد و گروه مستفاد می‌شود، لیک در واقع، انطباق اجتماع-ی را باید در معنای روابط يك گروه یا نهاد با محیطی دانست که موجبات بقاء گروه را فراهم می‌آورد.
- ر. ک. Co-adaptation / Adaptation
- Social adjustment
- سازگاری اجتماعی
- استقرار مناسباتی هماهنگ که برای طرفین (فرد، گروه یا هر عنصر فرهنگی) رضایتبخش باشد. اصول سازگاری را می‌توان بدین قرار دانست:
- ۱) سازگاری اجتماعی فرآیندی متقابل

توجه خاص یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی خرد، یعنی گروه‌سنجی (sociometry) به آن معطوف گردیده است. ابتدا مورنو (Moreno) پایه‌گذار این رشته از جامعه‌شناسی در مقاله‌اش: «گروه‌سنجی در ارتباط با دیگر علوم اجتماعی» (sociometry in relation to other social sciences) به آن اشاره کرد.

Social anthropology

انسان‌شناسی اجتماعی

Anthropology

ر. ک.

Social, Anti- اجتماع-ضدا اجتماعی

Antisocial

ر. ک.

Social ascendancy صعود اجتماعی

حرکت افراد، خانواده‌ها و یا گروه‌ها در جهت مثبت بر روی سلسله مراتب قشر-بندی اجتماعی، این مفهوم در بحث از تحرك عمودی اجتماعی مطرح می‌شود و با سلطه اجتماعی (social domination) متفاوت است.

Social mobility

ر. ک.

Social assimilation

همانند‌گردي اجتماعی، همان‌گردي اجتماعی فرایندی که براساس آن گروه‌ها، افراد و فرهنگ‌های مختلف، باهم چنان می‌آمیزند که واحدی همگن را پدید می‌آورند.

Assimilation

ر. ک.

Social atmosphere جو اجتماعی

Social atom

ذره اجتماعی

این اصطلاح در جامعه‌شناسی خرد

(Microsociology) به کار می‌رود و مخصوصاً

پس از او همکار نزدیکش جینگز (Jennigs) (Helen) این اصطلاح را به تفصیل مورد بحث قرار داده چنین تعریف می‌کند: اتم‌های اجتماعی کوچکترین واحدهای اجتماعی هستند. دژد گوردیج، با انتقاد از کاربرد خاص این واژه و اصولاً هر نوع اتم‌گرایی اجتماعی (Social atomism) به نفی روشهایی می‌پردازد که شناخت جامعه را از افراد آغاز می‌کنند، بدون آنکه توجه داشته باشند که این افراد در شبکه‌ای از نظامها، بافتها و مجموعه‌های اجتماعی جای می‌گیرند. او

شناخت هیأت‌های اجتماعی را (configuration social) در تبیین علل اصلی رفتار آدمی مطرح می‌سازد. از این رو در گروه‌سنجی نیز اتم اجتماعی تنها فرد مورد مطالعه نیست، بلکه فرد در ارتباط با دیگران مورد توجه است.

ارتباطی که می‌تواند یک جهتی و یا متقابل باشد.

ارتباطی که می‌تواند یک جهتی و یا متقابل باشد.

ارتباطی که می‌تواند یک جهتی و یا متقابل باشد.

ارتباطی که می‌تواند یک جهتی و یا متقابل باشد.

ارتباطی که می‌تواند یک جهتی و یا متقابل باشد.

ارتباطی که می‌تواند یک جهتی و یا متقابل باشد.

Valence of social atom , ر. ک.

Sociometry/atomism.

طرز تلقی اجتماعی Social attitude

در اصطلاح به آن دسته از طرز تلقی‌ها اطلاق می‌شود که (۱) قابل انتقال‌اند (۲) کنش و واکنش اجتماعی را تسهیل می‌نمایند (۳) با مصالح اجتماعی منافی ندارد (۴) بر وراى منافع فردی جای دارند.

ر. ک. Attitude

اقتدار اجتماعی Social authority

ر. ک. Authority

توازن اجتماعی Social balance

(۱) شرایطی در يك جامعه که در آن عناصر گوناگون، اعم از جمعیتی یا فرهنگی درحالتی نزدیک به تعادل قرار دارند و یا آنکه چنانند که هیچیک بر دیگری سلطه یا اثری نامتوازن ندارد؛ (۲) در معنایی دیگر، توازن بین معنویت و گرایشهای مادی از آن برمی‌آید؛ به زعم سودوکین جامعه جدید با توجه مفرط انسانها به ابعاد مادی یا به اصطلاح «حسی» همراه است و از این دیدگاه توازن آن فرو ریخته است.

ر. ک. Sensate/Cultural lag

Social behaviorism

رفتارگرایی اجتماعی

ر. ک. Behaviorism

Social being موجود اجتماعی

در اصطلاح جامعه‌شناسان انسان را در مناسباتش با دیگران می‌رساند؛ موجودی که به جمع روی می‌کند تا در آن امنیت یابد و از

آفات طبیعت برهد. در مراحل بعد، پیوندش با جمع موجبات تولد فرهنگ را فراهم می‌سازد.

Social bonding پیوند اجتماعی

در شناخت گونه‌های حیوانی که گرایشهای جمعی دارند، این مفهوم تمامی طرق، شیوه‌ها یا وسایلی را می‌رساند که با آنان جانوران بایکدیگر در درون نوع خود پیوند برقرار می‌سازند و یا به حفظ آن می‌پردازند. موجوداتی بسیار صرفاً به تشکیل انبوهه (Aggregate) دست می‌زنند که در آن پیوندی بین موجودات نزدیک (جمع‌زی) نیست. ليك همه چنین نیستند. از جمله میمونهای انسان‌نما، با این همه، منظومه پیوندهای اجتماعی پیچیده و متنوع صرفاً در بین انسانها به چشم می‌خورد.

Social capillarity ارتقاء اجتماعی

از نظر لغوی به معنای حرکت ملکولهاست در درون لوله آزمایش. ليك در زبان جامعه‌شناسی به معنای حرکت صعودی انسانهاست در لابلای طبقات اجتماعی. ارتقاء اجتماعی مستلزم وجود تحرك اجتماعی است (Social mobility) در معنای اعم و تحرك عمودی (Vertical mobility) در معنای اخص. در جامعه کاستی (Caste society) یا در درون جامعه مبتنی بر سلكها (Communion) و یا مراتب (Estates) ارتقاء طبقاتی صورت نمی‌گیرد، چون در

عنوان يك مورد خاص باید مورد توجه قرار گیرد.

social

causality

علیت اجتماعی

رابطه یا پیوند منظم و منجش پذیر بین دو پدیده یا حادثه و یا سلسله ای از حوادث یا پدیده های اجتماعی در زمان و شرایط معین به صورت علت و معلول است.

— اولین پیشتازان جامعه شناسی چون

دورکیم و اسپنسر، سعی در اثبات ماهیت خاص پدیده اجتماعی و با لطمع استقلال آن از علیت فردی یا روان شناختی نمودند. بدینسان، علیت اجتماعی از نام گرایي اجتماعی (Social nominalism) و همچنین مکتب اصالت روان شناسی (Psychologism) جدا گردید و با آن تمامی مکاتب قرن نوزدهم از جغرافیا گرایي گرفته تا داروین گرایي و... مطرود گردیدند.

— پدیده دیگری در برابر دیدگاه علمی در علیت

اجتماعی، يك علت بینی (Uni-causality)

بود. بعنوان مثال، هادکس آنگاه که سخن از زیر بنا

(Infrastructure) و همچنین ماده گرایي

تاریخی (Historical materialism) و

تبیین فنی-اقتصادی (Technico-economic

explanation) امور می راند، دچار

جبرگرایی اقتصادی

(Economic determinism) گردیده و يك

علت را مرجح می شمارد. امروزه برای هر

معلول شبکه ای به هم پیوسته از علل مطرح

آنان به بیان پادتو (Pareto)، دوران برگزیدگان (Elite circulation) تحقق نمی پذیرد. ارتقاء اجتماعی از طریق برابری فرصتهای آموزشی، تعمیم عدالت اقتصادی، استقرار مکانیسمهای تسهیلی در سیلان طبقاتی (نظیر ارزش گذاری به کار و توان فردی به عنوان معیار اعتلاء) صورت پذیر است.

ر. ک. Social mobility, Elites, Social ascendancy

سرمایه اجتماعی Social capital

اصطلاحی است که گاه در معنای وسیع به کسب مسی رود و ثروت اجتماعی (Social wealth) و حتی درآمد اجتماعی (Social income) از آن برمی آید و گاه در معنای محدود که منابع و تجهیزات غیر فردی و غیر خصوصی را شامل می شود. بدین معنی، سرمایه اجتماعی آن چیزی است که با سرمایه جامعه پدید آمده و مورد استفاده همگان است (نظیر راههای ارتباطی، تجهیزات انتقال پیام و...)

Social case work

مددکاری اجتماعی موردی

شیوه ای در کمک به مردم از طریق خدمات اجتماعی، مشاوره و راهنمایی شخصی به منظور ارتقاء توانایی آنان در جهت سازگاری خانوادگی و شخصی؛ در این شیوه، فرد با تمامی ابعادش مطمح نظر قرار می گیرد و فرض بر این است که هر فرد موجودی خاص و بی همتاست؛ بنا بر این به

می‌گردد و نظریه علیت مستکسر
(Theory of multiple causation) بر
همین مبنا استوار است.

- با پیدایی کارکردگرایی، برخی سخن
از کاربرد به جای علت رانندند، این نیز
پذیرفتنی نیست. به‌زعم مک دی
(D.G. Macrae) تبیین نهادها و... با کارکردی
که به‌انجام می‌رسانند با نیازی که برای افراد یا
گروهها فراهم می‌کنند، می‌تواند جایگزین
نظریه‌ای گردد که تأکید نخستین را بر علیت
تاریخی با پذیرش مناسبات لازم همزمان (و
متداوم) می‌نماید، لیک این کار به معنای طرد
اندیشه علت یابی نیست.»

(Dictionary of social sciences
J. Gould L. Kolb(ed), P. 646).

از اینرو، می‌توان با ژرژ گسورویچ
(G. Gurwitch) گفت: علت و کار کرد دو
امر متفاوت و لیک متقارن با یکدیگرند.

در ثانی، ویژگیهای اساسی علیت
اجتماعی مطرح است که در موردش گوردیچ
به دو نکته اشارت دارد:

الف: علیت اجتماعی با قوانین اجتماعی
یا جامعه‌شناختی یکسان نیست، چه قانون
مستلزم تکرار است، در حالی که علیت می‌تواند
پیوسته‌های غیر قابل تکرار را مطرح سازد.

ب - علیت اجتماعی، برخلاف علیت در
دانش طبیعی دارای باز کیفی است، از این رو
هم تعدد علل در امور انسانی، هم ابعاد ذهنی،

کیفی و منحصر بفرد بودن شبکه علل در این
زمینه (پدیده‌های اجتماعی) موجب می‌شود که
تعمیم‌پذیری قانون در علوم انسانی محدود
گردد.

(Vocation actuelle de la
sociologie, tome 1, P. 62)

ر. ک Cause, sociological
explanation / Scientific
explanation / Probabilistic
explanation / Social laws,
Sociological laws / Tendentious
regularity / Social determinism.

علت اجتماعی Social cause
ر. ک. Social causality / Cause,
Factor / factor analysis

دگرگونی اجتماعی Social change

I - موضوع دگرگونی را باید از
مهمترین موضوعهای جامعه‌شناسی و به‌طور
کلی علم انسانی دانست. به‌طور قاطع می‌توان
گفت هیچ دانشمندی بسی توجه و یا حتی
بی‌طرف نسبت بدان نبوده و نیست. پرسشهایی
که در این بحث مطرح می‌شوند،
عمیقترین و اساسی‌ترین پرسشهای مرتبط با
این دانشها هستند: انسانها و جامعه چگونه
تغییر می‌کنند، قواعد این تغییرات کدامست،
نظرهای دانشمندان در کنترل این عوامل
چیست؟

- دگرگونی به معنای عمل گذشتن از
حالتی به حالت دیگر است. همچنین به

پروندن (proudhon) بر حرکت جوامع به سوى عدالت تاكيد مى ورزید. این جلوه از مباحث تغییر و نقاط ضعف آن را در بحث فلسفه تاریخ (Philosophy of History) مطرح کرده ایم. (بدان ر. ك.)

- نه تنها دیدگاهها در مورد مسیر دگرگونی جوامع یکسان نیست، بلکه عقاید صاحب نظران در مورد آنچه باید تغییر خوانده شود، باز متفاوت است:

به نظر گینسبرگ (G. Ginsberg) دگرگونی (واقعی) اجتماع دگرگونی در ساخت اجتماعی است، یعنی در حجم جامعه ترکیب یا توازن اجزاء جامعه، یا نوع سازمان، همچنین او دگرگونیهای هنری و پدید آمده در زبان را نیز در این زمره به حساب می آورد.

(Factors in social change

Vol I, PP: 10-9)

از جانب دیگر دز (A. M. Rose) با توجه به عمیق ترین ابعاد کیفی تغییر می نویسد: «در نهایت، دگرگونی اجتماعی را گوناگونیهای پدید آمده در ارزشها و معانی جای یافته در جامعه یا گروههای فرعی مهم در آن می دانیم».

(The use of law to induce social change, Vol VI, P: 54

در برابر دیدگاههای ساختی و ارزشی، شاهد دیدگاههای ابزاری، داروییستی و فیزیولوژیک... نیز در زمینه تغییرات هستیم.

معنای تغییر نیست که در موجود پاشی و دگرگون شده پدید می آید. دگرگونی اجتماعی هر استحالۀ را که در ساخت و کارکرد جامعه پدید آید، شامل می شود. چون هیچ جامعه ای به درستی ایستا نیست. پس دگرگونی اصل اول حیات اجتماعی است، لیک آهنگ تغییر در همه سطوح اجتماعی یکسان نیست. به زعم آگبرن (Ogburn)، پدیده های زیربنایی تمایلی بیشتر به تغییر یا آهنگی سریعتر دارند و حال آنکه رو ساخت از قبیل هنرها، ادب، سازمانها و مقررات اجتماعی در برابر تغییر مقاوم ترند و اینجاست که حرکت يك جامعه با دو آهنگ به پیدایی ناهماهنگی در درون آن می انجامد که نویسنده فوق از آن با نام تاخر فرهنگی (Cultural lag) یاد می کند.

- تمامی دانشمندان، از افلاطون تا هگل از جمله سن سیمون، بوسونه، ماکیاو، ویکو، هردر، آگوست کنت، دودکیم و پروندن، مساله تغییر جامعه را مطرح کرده اند. آنچنان که بزعم گوردیچ طرح مساله تغییر در جامعه و سیر حرکت جوامع از جامعه شناسی قدیمی تر است. لیک، هر دانشمند به طریقی این مقوله را عنوان نموده است: در حالی که آگوست کنت معتقد بود جامعه به سوی مرحله اثباتی حرکت می کند، دودکیم جامعه را به سوی تجلی همبستگی عضوی و پیدایی آزادی، برادری و برابری در حرکت می دید. هابهاس بر این عقیده بود که جامعه به سوی پیروزی خرد پیش می رود.

به این قرار، می‌توان گفت، مبحث تغییرات اجتماعی از اهم مباحث دانشهای اجتماعی انسانی است. هیچ دانشمندی را گریز از آن نیست، همانطور که هیچ پدیده‌ای بدون تغییر نخواهد بود؛ در برابر مفاهیمی چون ترقی (Progress) و مکتب اصالت ترقی (Progressivism) یا انحطاط (Decadence) و... مفهوم تغییر دارای این بعد مثبت است که فاقد ارزش گذاری است، و با دیدگاههای ارزش‌گذار اجتماعی فاصله دارد؛ همچنین، به‌زعم بسیاری مبحث تغییرات، فراگیرتر از دانش اجتماعی است؛ چه، پدیده‌های طبیعی نیز همواره در معرض دگرگونیهای تند یا آرام هستند. این ضرب‌المثل که «کوهها نیز پیر می‌شوند» حکایت از واقعیت حرکت در جهان مادی دارد؛ پس شناخت تغییرات اجتماعی به‌منظور تأثیر بر آهنگ و مسیر آن ضروری است؛ مخصوصاً که شناسنده نیز خود در معرض تغییر است و آگاهی از آن برایش اجتناب‌ناپذیر.

به بیان آسمانی قرآن مجید ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم (خداوند در قومی تغییر پدید نمی‌آورد، مگر آنکه خود دگرگونی پذیرند)؛ به این سان، شناخت تغییرات اجتماعی آغازین گام بشر در راه تأثیر بر تاریخ و سرنوشت اوست و با همین اقدام در تأثیر بر مسیر حرکت تاریخی جامعه نیز مورد آزمایش قرار می‌گیرد.

I- البته و بی‌هیچ شبهه اقدام بشر در بنای تاریخ جز در چارچوب مشیت الهی

تحقق‌پذیر نیست و خداوند خود بارها در قرآن مجید به‌صراحت خواست و مشیت خود را اعلام داشته است؛ به‌عنوان مثال آنجا که می‌فرماید: و نرید ان نمٰن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین (چنین اراده کردیم که بر آنانی که در زمین به استضعاف کشیده شدند منت نهیم و آنان را خلیفه و وارثان تاریخ قرار دهیم).

II- انواع دگرگونیهای اجتماعی دگرگونی‌موردآرزو Aspired change

دگرگونی‌فاجعه‌آمیز ~ Catastrophic
دگرگونی یا قیامی خشن، سریع و ناگهانی که در صحنه جامعه رخ دهد و پس از آن دورانی از بی‌ثباتی، بی‌سازمانی و عدم توازن اجتماعی پدید آید که در اصطلاح فاجعه می‌خوانند. در عالم طبیعت، طوفان، زلزله یا سیل و... چنین‌اند و در حیات اجتماعی، انقلابات سریع و فاقد تمهیدات

پیشین. دگرگونی خزنده ~ Creeping

دگرگونی دوری ~ Cyclical

جامعه‌شناسانی که به‌دگرگونیهای دوری یا بازگشت جامعه به‌مراحل پیشین می‌اندیشند خود به چند دسته تقسیم می‌شوند: برخی به‌دور بسته، برخی دیگر به دورهای باز، اعتقاد دارند.

دگرگونی‌درون‌زاد ~ Endogeneous

دگرگونی تطوری ~ Evolutionary

در برابر دگرگونیهای انقلابی (changes revolutionary) دگرگونی تطوری به معنای

دگرگونیهای چندجهتی

دگرگونی منفی Negative change

Permanent change

دگرگونی دائمی در برابر دگرگونی موقت گذرا، یا ناپا

با پیدایی جامعه ارتباطات جمعی، و بسط ارتباط، کمتر دگرگونی است که قابل بسط و نشر نباشند.

دگرگونی برنامه‌ریزی شده ~ Planned

دگرگونی برپایه برنامه‌ریزی در برابر دگرگونی اتفاقی، تصادفی، خودبخود و ارتجاعی

دگرگونی مثبت ~ Positive

دگرگونی عاجل ~ Precipitating

دگرگونی پیشرو ~ Progressive
دگرگونی در جهت پیشرفت.

دگرگونی کیفی ~ Qualitative

دگرگونی کمی ~ Quantitative

دگرگونی مارپیچی ~ Spiral

دگرگونی ارتجاعی ~ Spontaneous
دگرگونی بدون برنامه‌ریزی و وابسته به عواملی آنی و اتفاقی.

دگرگونی سرکوب شده ~ Suppressed

دگرگونی منظم ~ Systematic

دگرگونی تام ~ Total

در برابر دگرگونی یک-بعدی (Unidimensional) یا جزئی (Partial).

دگرگونی فنی ~ Technological

حرکت تدریجی و مداوم پدیده‌ها، نهادها و سازمانهای اجتماعی به سوی جهتی خاص است.

دگرگونی برون‌زاد Exogenous change

آن نوع دگرگونی در يك جامعه یا گروه که از عواملی خارج از آن منبث شوند. در برابر دگرگونی درون‌زاد.

دگرگونی تندآهنگ ~ Galloping

دگرگونی تکوینی ~ Genetic

مفهومی که بیشتر توسط انسان‌شناسان و تکامل‌گرایان به‌کار می‌رود و با آن به شناخت ریشه‌های اولیه نهادها و سازمانها پرداخته می‌شود. هدف، شناخت مسیر حرکت و به‌طور کلی تاریخ تکاملی انسانی است.

Institutionalized ~
دگرگونی نهادی شده

دگرگونی خطی ~ Lineal

حرکت پدیده در يك خط بدون بازگشت، انحراف و یا.... نظیر این اندیشه که خانواده با حرکت جامعه از صورت گسترده به سوی هسته‌ای پیش می‌رود، اندیشه تظور یا دگرگونی خطی جامعه با شکست مواجه شد. چه، به‌عنوان مثال، در جوامع ایلی نیز (که در مراحل پیشرفته صنعتی نیستند) خانواده هسته‌ای به‌چشم می‌خورد؛ همان‌طور که در جوامع بسیار پیشرفته صنعتی.

دگرگونی محلی ~ Localized

Multidirectional changes

Telic change**دگرگونی معطوف به هدف**

هر دگرگونی که با هدفی مشخص تمهید شود و با شیوه‌هایی منطقی صورت بندد. در برابر دگرگونیهای تصادفی، اتفاقی، ارتجالی و به‌طور کلی نامنظم.

Temporary ~**دگرگونی موقت، دگرگونی ناپایا****Universal ~****دگرگونی عام**

در برابر دگرگونی محلی، ناحیه‌ای با منطقه‌ای.

III- عوامل دگرگونی اجتماعی**الف: دیدگاههای مادی:**

تغییر را ناشی از دگرگونی روابط مادی، اقتصادی یا تابع اقلیم می‌دانند، همه مکاتب مربوط به اقتصادگرایی (Economism) و یا جغرافیاگرایی (Geographism) و ماده‌گرایی (Materialism) با همه صور و ابعاد آن، در این محدوده اندیشه می‌گنجید. به عنوان مثال، به زعم اصحاب این مکاتب کشف فلز که در پایان عصر حجر رخ داد، کهکشان‌ی از دگرگونیهای اجتماعی پدید آورد.

ب: دیدگاههای غیرمادی:

بعضی دیگر، دگرگونی اجتماعی را تابع تغییر در اندیشه می‌دانند. معتقدند زمانی که طرز تفکر انسان تغییر یافت، رنگ و معنای جهان در برابرش دگرگونی می‌یابد. پس برخورد او نیز با جهان تغییر می‌کند و از آن

جهانی تازه تکوین می‌یابد. نظریه‌های مربوط به روح‌گرایی (Spiritualism) و ایده‌آلیسم (Idealism) در این زمره‌اند.

آنجا که آگوست کنت سه مرحله در تاریخ می‌دید یا وبر (M. Weber) حرکت جهان را با تکوین مذهب پروتستانها تبیین می‌کرد و یا مودرکین نوع ایده‌اولزی و نحوه تجلی آن را محور جامعه می‌پنداشت، همین گرایش فکری را عنوان می‌کردند.

پ: در برابر این دو دیدگاه برخی نیز موضوع تغییر را با دیدگاههای فردی مطرح کرده‌اند، به‌عنوان مثال، از دید هید (M. Mead)، «بسیاری از تغییرهایی که در فراخانی تاریخ ثبت شده‌اند، به‌طور پراکنده در رفتار افراد رخ می‌دهند و سپس بتدریج به‌صورت دگرگونیهای الگویی دارای هویت درمی‌آیند.»

(M. Mead, Character formation and diachronic theory, P: 19)

دیدگاههای فردگرا در باب تغییر، در مواردی چند نه تنها تغییر را در سطح فردی می‌بینند، بلکه فرد را تنها عامل تغییر و سازنده تاریخ می‌دانند.

ت: دیدگاههای تام

امروز، تغییر اجتماعی را منبعث از یک عامل نمی‌دانند، بلکه شبکه‌ای از عوامل را در تکوین دگرگونی برمی‌شمارند. این دیدگاه از جانی نیز بر نسبت زمانی تأکید دارد، چه،

تغییر اجتماعى زمانى مى تواند منبعث از سلسله عوامل مادى باشد و زمانى دیگر از تغییرات اندیشه‌ای منشاء گیرد، به عنوان مثال، گذشتن از قرون وسطى و طلوع رنسانس از سلسله عواملی بیشتر اندیشه‌ای سرچشمه گرفت و حال آنکه حرکت جوامع جهان سوم با تطور مادى و زیرساخت و هجوم تکنولوژى خارجى در حال تکوین است. در این شیوه هر تغییر در مورد هر پدیده و در هر زمان به صورت یک مورد خاص مورد تحلیل قرار مى گیرد.

IV- دگرگونى اجتماعى و جامعه

امروزى

نظریه‌های مرتبط با تغییر هر چه باشند، جامعه جدید را همگان بستر عمیق‌ترین و سریع‌ترین تغییرات در تاریخ بشر مى دانند، در این جوامع تغییر باویژگی‌هایی چند رخ مى دهد که شاخص تجربه بی نظیر دگرگونیه‌ها به حساب مى آید، هود (E. Moore) شناسنامه تغییر در جهان امروز را در اثرش «دگرگونى اجتماعى» (۱۹۶۳) چنین خلاصه کرده است:

۱- تمامی جوامع جدید در معرض تغییراتى سریع، فراوان و مداومند.

۲- این دگرگونیها نه از نظر زمانى تك افتاده اند و نه از نظر مکان: تغییرات در زنجیره‌های پی در پی و نه به صورت بحرانیهای موقت تجلى مى نمایند و نتایج مترتب بر آنان در تمامی منطقه و عملاً همه جهان منعکس مى شود. از این نظر مى توان گفت، جوامع امروز همچون خانواده یا قبیله‌ای است

به هم پیوسته و هر تغییر بزرگ در همه جهان انعکاس مى یابد و این روند هر روز بیشتر تجلى مى یابد.

۳- نسبت تغییرات معاصر که یا برنامه ریزی شده اند و یا از نتایج ثانوى نوآوریهای عمومى منبعث مى شوند، از گذشته بیشتر است.

۴- بدینسان، برد تکنولوژى و راه بردهای اجتماعى به سرعت در حال گسترش است و اثر ویژه آن، علیرغم کهنگی بالنسبه سریع برخی از جریانها، تراکمی است.

۵- وقوع عادى تغییرات در جهان جدید، تجربه فردى و سمپتروجهات کارکردى جوامع را تحت تأثیر قرار مى دهد، این، نه از آنروست که چنین جوامعى از هر جهت پیوسته ترند بلکه عملاً هیچ جنبه‌ای از حیات نیست که از انتظار تغییر که جلوه‌ای عام دارد، معاف باشد.

(Dictionary of sociology, G

D. Michell (ed) P: 165)

ر. ک. Revolution- Evolution. Philosophy of history

منش اجتماعى Social character

پیدایی این مفهوم مبتنى است بر نظریه بعضی که معتقد به پیدایی شخصیتى خاص در هر جامعه اند. بنابراین نظریه، در هر جامعه با توجه به شرایط ویژه آن شخصیتى ویژه و متمایز از مردم دیگر جوامع تکوین مى یابد. نظریه لنتن (Linton) در مورد شخصیت اساسى (Basic personality) با این نظریه نزدیک است. دیدگاه اریک فروم (fromm)

Erich) در مورد منش اجتماعی بر روابط متقابل بین الزامات اجتماعی در یک جامعه خاص و منش اجتماعی تأکید دارد. به اینسان که فرد در یک جامعه ناچار است بر پایه الزامات آن شخصیت خود را قالب‌ریزی کند. به عنوان مثال، در یک جامعه صنعتی فرد باید پرکار، دارای انگیزه خلاقیت و تحرک باشد و این الزامات در برابر آزادی فردی قرار می‌گیرد. پس از نظر ادیک فرام تکوین منش ملی مغایر با شکوفایی آزاد انسان است.

ر. ک. National character,
Basic personality

شیمی اجتماعی Social chemistry
عنوانی است که برای گروه‌سنجی (Sociometry) به کار می‌رود. شیمی اجتماعی بر پایه نظریه اتم اجتماعی (social atom) طرح می‌شود و اتم اجتماعی بر افرادی اطلاق می‌شود که در آئین گروه-سنجی کوچکترین عنصر جمع را تشکیل می‌دهد.

ر. ک. Social atom/ Sociometry,
Atomism

دوران اجتماعی Social circulation
نوعی خاص "تحرک اجتماعی است که تحرک عمودی اجتماعی را در بر می‌گیرد و به معنای امکان حرکت ارتقایی بعضی و سقوط بعضی دیگر است.

ر. ک. Social mobility / Social
capillarity/ Pareto
طبقه اجتماعی Social class

I- از مهمترین مفاهیم جامعه‌شناسی در دنیای ماست؛ تعاریفی بسیار گوناگون و در عین حال گاه با ابعاد ایده‌آلیزیک یافته‌است. در واقع برخی جامعه جدید را جامعه طبقاتی می‌خوانند و معتقدند، در گذشته چنین نبود. یعنی نباید در جوامعی که دارای گروه‌های بسته‌اند و فاقد آگاهیه‌های اساسی، سخن از طبقات اجتماعی‌راند. مادکس مفهوم طبقه را سخت مطرح کرد و با آن نظام فکری خود را سازمان بخشید و پس از او تقریباً همه جامعه‌شناسان بنحوی با این مفهوم سرو کار یافتند، اگر هم نه به طور مستقیم، در هر صورت، به عنوان یکی از مهمترین متغیرات اجتماعی.

II- در جستجوی این سوال که طبقه چیست، تعریفی کوتاه نمی‌توان ارائه کرد. بلکه بر آنیم تا ابعاد طبقه اجتماعی را به همراه ویژگی‌های اساسی آن برشماریم:

- طبقه اجتماعی در برگرفته گروهی است عینی، با کارکردهای بسیار و دارای پایگاهی خاص در شبکه روابط تولید.

- پیدائی طبقات اجتماعی متضمن وجود تحرك اجتماعی هستند. آنجا که جامعه بسته، و یا متحجر است، با نظام‌هایی دیگر چون سلك، کاست و... مواجهیم.

- افراد يك طبقه همواره در يك محل نیستند. يك طبقه اعضایی ماوراء مرزها دارد.

- طبقات اجتماعی گروه‌هایی تحمیلی از طریق قانون نیستند. چه، هیچ قانونی در جهت تقسیم اجباری افراد بین طبقات وجود ندارد و حال آنکه در مورد کاست چنین نیست.

- طبقات اجتماعی در تعارض با یکدیگرند و هدف غایی هر یک دستیابی به قدرت و توزیع امکانات حیات برپایه ایدئولوژی طبقاتی خویش است، از این رو امکان تعلق به دو طبقه در یک زمان وجود ندارد و این تفاوت بین طبقه و گروه‌های سندیکایی است، نظام طبقاتی مخصوصاً مورد توجه مارکس است. او حتی تاریخ جهان را حاوی دو طبقه می‌داند: مسلط و زیر سلطه و حرکت تاریخ را با تنازع طبقاتی تبیین می‌کند.

- طبقات اجتماعی متضمن وجود درجانی از آگاهی هستند. بدین قرار آنان که در شرایط سخت استثمار زندگی کنند و لیک از شرایط خود در برابر استثمارگر بسی‌خبرند (بسرندگان یا مستعمره‌ها و یا...) تشکیل طبقه نمی‌دهند، تا آنجا که می‌توان گفت تکوین طبقه نه تنها مستلزم آگاهی از شرایط خود و دیگر افراد طبقه خود می‌باشد بلکه متضمن آگاهی از شرایط و امکانات دیگر طبقات نیز هست.

- طبقات اجتماعی یکسان و در يك سطح نیستند. در يك جامعه طبقاتی هر يك از طبقات اجتماعی در سلسله مراتب طبقاتی

مقام و موقع خاصی دارد و به مقتضای این مقام و موقع، امکانات و فرصت‌های خاص آنان تعیین می‌شود.

- طبقات اجتماعی قشرهایی واقعی‌اند. انسان به آنان نمی‌پیوندد، بلکه در درون یکی از آنان زندگی می‌کند.

- طبقات اجتماعی ساخت‌پذیر و در مواردی ساخت دارند، ازینرو با توده، (Mass) یا انبوهه (Aggregate) تمایز می‌یابند.

- طبقه اجتماعی دارای چندین کارکرد است، ازینرو نمی‌توان آنرا با يك بعدسنجید. تمامی آنانکه از درآمدی یکسان برخوردارند، اعضای يك طبقه نیستند، تمامی آنان نیز که تحصیلاتی برابر دارند، باز از آن يك طبقه به‌شمار نمی‌آیند، حتی آنان که از يك منزلت، یا شأن نیز برخوردارند باز عضو يك طبقه نیستند. (هاکس دیر آنان را گروه‌های منزلتی، Status group می‌داند.) در سال‌های اخیر لانسکی (D. Lenski) معیار قدرت را در تعیین طبقات مطرح ساخت. به‌زعم او اعضای يك طبقه کسانی هستند که در موضع مشابهی از نظر قدرت‌اند، چه از نظر او قدرت منشأ اعتبار و امتیاز است و پایه‌های قدرت نیز شغل، مالکیت و نیروی اجتماعی افراد است، این تعبیر يك بعدی نیز فاقد ارزش است. چه، به جهات روانی، شیوه زندگی و دیگر ویژگی‌های يك طبقه (که برشمرده شد) توجه ندارد. از اینرو باید

- طبقه را مفهومی تام (Total) دانست.
- ر.ك. Class/ Proletariat/ Bourgeoisie, Middle class/ class consciousness, Class struggle/ Upper class, Working class.
- منصب‌جو Social climber
- ۱- شخصی است که در صدد سست کردن روابط خود با آشنایان در سطح خویش و استقرار مناسباتی با طبقات بالاتر است.
- ۲) شخصی که روابطش را با دیگران چنان تنظیم کند که به ارتقاء او انجامد.
- دار و دسته اجتماعی Social clique
- گروهی مثلاً در يك محل که اعضای آن روابطی نزدیک با یکدیگر برقرار کنند، از ورود دیگران در جمع خود مانع شوند، یکدیگر را یکسان و محرم شناسند و در صدد تحقق هدفایی چند با مدد هم برآیند.
- به هم پیوستگی اجتماعی Social cohesion
- ضامن ثبات سازمان اجتماعی است، فرهنگ جامعه‌شناسی فرچایلد آن را با همبستگی اجتماعی (Social solidarity) مترادف و یا دژ سازمانی اجتماعی (Social disorganization) متضاد میداند.
- ارتباط اجتماعی Social communication
- ر.ك. Communication
- صلاحیت اجتماعی Social competency
- از نظر اجتماعی، صالح بودن از دیدگاه کلی، نقش خود را درست ایفا کردن و از پایگاه خود آگاهی داشتن است؛ اما، صلاحیت همواره در رابطه با متغیری ویژه سنجیده و مشخص می‌شود. ازینرو هرگز هیچکس در برابر تمامی پدیده‌ها دارای صلاحیت نیست.
- ر.ك. Meritocracy
- رقابت اجتماعی Social competition
- ر.ك. Competition
- ترکیب اجتماعی Social composition
- در جمعیت‌شناسی، ساخت درونی جامعه با توجه به خاستگاه جغرافیایی، زبان، دین، ملیت و دیگر ویژگی‌های مردم آن تعیین می‌شود.
- هیأت اجتماعی Social configuration
- ر.ك. Configuration
- کشمکش اجتماعی Social conflict
- فقدان وفاق یا اجماع اجتماعی، تعدد منافع و احتمالاً کاستی در فرصتها و ندرت در امکانات را می‌رساند. از نظر کوزر (Lewis . A . Coser) کشمکش اجتماعی می‌تواند تنازع برای منزلت، قدرت و منابع نادر و یا ارزشها باشد و هدف غایی کشمکش کنندگان نه تنها کسب ارزشهاست، بلکه آشکارا یا بطور ضمنی سعی در بر انداختن رقیب نیز دارند.
- آگاهی اجتماعی Social consciousness

بسیاری، آگاهی اجتماعی را گام نخست در راه دگرگونی اجتماعی می‌دانند. تازمانی که در برابر وضعی تثبیت شده، هر کس بنحوی سعی در گذران حیات داشت نه قیامی صورت می‌گیرد و بالطبع نه آنکه دگرگونی خاصی پدید می‌آید. ولی با آگاهی انسانها از وضع خود و دیگران، خواست تغییر در اذهان تجلی می‌یابد و متعاقب آن اقدام در راه دگرگون سازی واقعیت موجود رخ می‌دهد.

ر. ك. Kind consciousness

اجبار اجتماعی Social constraint
در اصطلاح به نوعی کنترل منفی اطلاق می‌شود که به هر صورت و به هر منظور صورت پذیرد و موجبات انجام فعل و یا ترك آن را از جانب دیگری و علیرغم خواست او فراهم کند.

تماس اجتماعی Social contact
از ریشه لاتینی Cum به معنای با و Tactus در معنای «لمس کردن» گرفته شده است. گاه آن را برخورد اجتماعی ترجمه کرده‌اند و حال آنکه در تماس لزوماً تنش وجود ندارد. واژه‌ای گسترده است که هم در معنای تماس فیزیکی، هم در معنای تماس فکری و اندیشه‌ها به کار می‌رود، از این رو، انواع گوناگونی می‌یابد.

الف: از دیدگاه هدف:

تماس معطوف به هدف Purposive contact

تماس بازتابی Reflexive ~

ب: از دیدگاه تداوم:

تماس تصادفی Accidental contact

تماس نهادی شده ~ Institutionalized
پ: از دیدگاه تعداد:

تماس فردی Individual ~

تماس گروهی Group ~

تماس جمعی Collective ~

ت: از دیدگاه مجرا یا واسط:

تماس مستقیم Direct ~

تماس چهره به چهره Face-to-face ~

تماس غیرمستقیم Indirect ~

تماس نمادی Symbolic ~

ج: از دیدگاه محرك:

تماس خودبخود یا Spontaneous ~
ارتجالی

تماس برانگیخته Induced ~

تماس اجباری Coerced ~

چ: از دیدگاه محتوی:

تماس عاطفی Affective ~

تماس فیزیکی Physical ~

تماس روحی Spiritual ~

گذشته ازین، با تعدد گروههای اجتماعی تماس نیز صور و نامهای خاصی می‌پذیرد، نظیر تماس مذهبی، تماس نژادی، تماس بین‌المللی و...

واگیری اجتماعی Social contagion

در فارسی سرایت اجتماعی نیز برگردانده شده است؛ بسیاری از وقایع اجتماعی نظیر

شايعات، ترسهاى جمعى، هذيانهاى جمعى، بزودى تسرى مى يابند و جز بعضى، بسيارى در برابر آنان مقاوم نيستند.

در تسرى عدم آگاهى، سرعت پذيرش و فقدان اندیشه به چشم مى خورد. در مواردى كه لوبن (G. Le Bon) به عنوان انبوه خلق (Crowd) مى خواند، تسرى وقايع اجتماعى مى تواند افراد عادى، بهنجار را چنان متأثر سازد كه تعادل خود را براى زمانى از دست دهند و به اعمالى عجيب و غير منتظره دست يازند.

مثله كردن (Lynching) سياهان در اين حالات روانى صورت مى گيرد. در اين حالت، واگسبرى صورت آلوده سازى (Contamination) مى يابد، ليك، سرايت همواره چنين منفى نيست، بلكه مى تواند موجبات اشاعه هنجارهاى اجتماعى و نيز پذيرش آنان را فراهم كند.

ر. ك. Crowd/Collective behavior, LeBon

محتواى اجتماعى Social content

اصطلاحى است مبهم كه مخصوصاً توسط جامعه شناسان امريكايى بكار مى رود. از آن مجموعه باورها، احساسات، ارزشها، طرز تلقى ها، اشكال كنش و واكنش اجتماعى مستفاد مى شود.

قرارداد اجتماعى Social contract

I- در جامعه شناسى سياسى بسيار مطرح

است. آلتوزيوس (J. Althusius) به سال ۱۶۰۳ جامعه را از ديدگاه قرارداد اجتماعى بين شهروندان مطرح مى كرد. چه، به زعم او جامعه پاسخى به نيازهاى طبيعى انسانهاست. او نه تنها روابط انسانها را با يكديگر در چارچوب جامعه قراردادى مى خواند، بلكه رابطه دولت و انسانها را نيز تابع قرارداد مى دانست. همچنين توماس هابز (Thomas Hobbes) با طرح نظريه حقوق طبيعى انسان موضوع قرارداد اجتماعى را مطرح كرده معتقد است: در آغاز انسانها از حقوق طبيعى خود صرف نظر نموده، با اختيار و در كمال آزادى آن را به حاكمى تفويض كردند. اما، اين كار را بنحوى مطلق و بدون هيچ ضابطه و حدود حصر به انجام نرساندند. عقايد جان لوك (John Locke) نيز در همين جهت است؛ او نظريه حقوق طبيعى مرتبط با مالكيت را مطرح كرد و پايله هاى انقلاب ۱۶۸۸ و آغاز اندیشه هاى سياسى جديد را ريخت. براساس اندیشه جان لوك، انسان بر آن جزء از طبيعت كه با كارش درآميخته است، حقوقى داراست به شرط آنكه طبيعت به فراوانى آن را در اختيار گذاشته باشد. ليك، كار هيچ فردى نمى تواند موجبات تملك همه چيز را فراهم كند، همان طور كه در برخورددارى از طبيعت نيز هر كس بايد به جزئى اكتفا كند؛ تا ديگران نيز بتوانند از آن بهره گيرند»

(Dictionary of sociology

G. D. Mitchell (ed) P. 166

هانرى مين (Henry Maine)، بر
همين سياق اعتقاد دارد كه جوامع از
صورت جامعه مبتنى بر پاىگاه (Status) به
جامعه مبتنى بر قرارداد تطور مى يابند.

(cit. P: 166)

ليك، مفهوم قرارداد اجتماعى با
اندیشه‌هاى نويسندگان فردگرای قرن ۱۸ و ۱۹
اروپا رواج يافت. روسو (J. J. Rousseau)،
اثر معروفش «قرارداد اجتماعى» را به سال
۱۷۶۲ منتشر كرد. و در آن اعتقاد خود را
مبنى بر اينكه انسانها در ازاء صرف نظر كردن
از برخى از حقوق طبيعى خود، آزادى اخلاقى
و مذهبى كسب مى كنند و به تمتع از مواهب
ناشى از جامعه دست مى يابند، مطرح ساخت.
همين اندیشه‌اش از جانب اسپنسر
(H. Spencer) به اين صورت عنوان مى شود كه
انسانها در ايجاد مناسبات با يكديگر آزادند و
چون آزادند، پس به ميل خود مواهب جامعه
را در برابر رها ساختن جزيى از آزادى خویش
مى پذيرند، حتى دولت نيز به زعم هبررت
اسپنسر، تا آنجا مطلوب است كه قراردادهای
حقوقى را (كه انسانها به ميل به آن تن در
داده‌اند) اعمال كند.

درمقابل، ددكيم (E. Durkheim)

بر عنصر غير قراردادى در حيات اجتماعى
تاكيد داشت. او معتقد بود كه قبل از پيداى
قراردادهای اجتماعى، ارزشهای مشترك به
عنوان پاىگاه نظم اجتماعى وجود داشته‌اند.
دوركيم به وجدان جمع اعتقاد داشت. (وجدان
جمع محور اندیشه‌هاى او به حساب مى آيد.)

ليك ديويدهيوم (David Hume)،
صريحاً با عقايد مبتنى بر قرارداد اجتماعى
مخالفت مى ورزید. او بر اين عقیده بود كه
دولتها نه براساس قرارداد اجتماعى، بلكه با
تكيه بر فتح و غلبه به قدرت رسيده‌اند، اما
بقاى آنان با خواست مشترك انسانها
صورت پذيراست.

II- در قرون جديد، اسمال
(A. W. Small) اين مفهوم را بار ديگر
مطرح كرد و نوشت: «قرارداد اجتماعى
شامل شيوه‌هاى گوناگونى است كه انسانها
براساس آن با يكديگر پيوند مى بندند.

(General sociology ,
P: 485)

بورگس (W. Burgess) و پارک
(E. Park) نيز مسأله قرارداد اجتماعى را مطرح
كرده مى نويسند: «قرارداد را مى توان مرحله
آغازين كنش و واكنش اجتماعى و همچون
مرحله‌اى آماده كننده مراحل بعد دانست».

(Introduction to science of
sociology, P: 282)

III- بدینسان، مفهوم قرارداد اجتماعى،
كاربردهاى متمایز خود را يافت. زمانى
بعنوان محور جامعه و منشأ تكوين آن مطرح
شد، همه نهادها، سازمانها و حتى حكومت
با آن تبیین شد؛ سپس، رواج كمترى يافت و
حتى ترديدهايى نيز در باب آن عنوان گرديد.
قرن بيستم شاهد بازگشت به اندیشه پيشينيان

و بانیان جامعه‌شناسی بود، اما، نه به همان صورت قبل: قرارداد اجتماعی نه به عنوان محور جامعه و علت پیدایی آن، بلکه عاملی در راه پیوند انسانها مطرح شد و حتی در مواردی چند آن را مرحله‌ای خاص در حرکت جامعه پنداشتند.

کنترل اجتماعی Social control

به مجموعه شیوه‌ها، تدابیر و وسایلی اطلاق می‌شود که یک جامعه، یا یک گروه در راه تحقق اهداف و هدایت افرادش به رعایت آداب، عادات، شعائر، مناسک و هنجارهای پذیرفته خود بکار می‌گیرد.

کنترل اجتماعی از یک دیدگاه به دو صورت امکان‌پذیر است:

۱- از طریق فشار اجتماعی (Social pressure)

با وادار نمودن انسانها به قبول هنجارها و رعایت آنان در عمل صورت می‌گیرد. ابزار آن قوانین، مقررات و ضامن اجرای آن قدرت مسلح است.

این شیوه به واقع ضعیف‌ترین طریق تحقق کنترل اجتماعی است. چه، بسیار آسیب‌پذیر است، اکثر در عمق وجود انسانها رسوخ نمی‌کند، درونی‌شده (Interiorized) نیست و چون فاقد بعد اعتقادی است، واکنشهای منفی نیز پدید می‌آورد. از اینروست که جامعه یا گروه در صدد تعبیه شیوه‌هایی دیگر بر می‌آید.

۲- از طریق اقناع (Persuasion)

با رسوخ به عمق اعتقادی انسانها، با

دگرگون‌سازی جهان‌بینی افراد (Weltanschauung) و با تأثیر بر جهان عقیدتی، مرامی و اندیشه اعضا، جامعه یا گروه می‌تواند هر عضو را نه تنها مؤمن به هنجارها و ارزشهای مقبول خود کند، و ویرا به رعایت آنان وادارد، بلکه او را حافظ و نگاهبان تمامی پذیرفته‌هایش سازد.

ميثاق اجتماعی Social convention

سلسله هنجارهایی هستند که جامعه در جهت جریان درست خود، خواهان مراعات آنان از جانب افراد است. این هنجارها خود ناشی از توافقی الزام‌آور بین اعضا یک جامعه و یا یک عضو با جامعه خویش هستند. تفاوت قانون و ميثاق در آن است که قوانین دارای ضمانت اجرائی، حقوقی هستند و حال آنکه در صورت عدم تحقق ميثاق وجدان جمع به صورتهای دیگری به تنبیه فرد خاطی می‌پردازد که از آن جمله است تحریم، طرد، و یا حتی کاربرد بعضی مجازاتهای اقتصادی.

بحران اجتماعی Social crisis

در برابر بحران اقتصادی، مقطعی از تاریخ که در طی آن وضعی خاص و غیر متعارف پدید می‌آید و سیر طبیعی حوادث را مختل می‌کند.

ر. ک.

داروین اجتماعی Social darwinism

آئینی است در اندیشه‌های اجتماعی که اصول مطرح‌شده توسط چارلز داروین را

در کتابهای «منشأ انواع» و «حراست از نژادهای پوتر در قناذع بقاء» در امور انسانی واجتماعی اعمال پذیر می‌داند. موضوع اصلی در این مکتب گزینش برای بقاء است. جهان همچون صحنه‌ای پر کشمکش تلقی می‌شود که در هر آن هر موجود، هر گروه یا جامعه در جریان نبرد برای باقی ماندن قرار می‌گیرد. گومپلودیتز (Gumplowitz) که در آغاز بدین مکتب پیوست و سپس از منتقدان آن شد، تعارض نژادها را مطرح کرد و بقاء آنان را متضمن اصلح بودن یعنی انطباق بیشتر با محیط دانست. کیت (Sir Arthur Keith) در سال ۱۹۳۱ بر تنازع گروهها به طور کلی نظر کرد و نقش خرافات را در توجیه تعارض و همچنین ایجاد شکاف و در نهایت کشمکش بیشتر بین آنان یادآور شد. والتر بیك‌هات (Walter Bagehot) بر آنچه گزینش در بین چند جامعه (Inter-social selection) خوانده می‌شود تاکید نمود و کشمکش بین ملتها را مطمح نظر قرار داد. (در مقابل مبارزه بین افراد که به گزینش درون-اجتماعی (Intra-social selection) معروف است اندیشه تنازع مداوم تصویری خشن از انسان، جامعه و محیط پیرامون بدست می‌دهد. مکتب انسانی-جامعه‌شناختی، (Anthropo-sociological) آسون (O. Ammon) و لاپوژ (B. Lapouge) که اصول خود را بر همین گزاره بنا نهاد، موجبات بروز بی‌رحمی‌های امپریالیسم قبل از جنگ جهانی شد.

ر. ک. Darwinism/ Social conflict

انحطاط اجتماعی Social decadence

این اصطلاح مخصوصاً در تعبیر فرار و نشیب جوامع در سیر تاریخی آنان مطرح می‌شود. بدینسان مونتسکیو نام یکی از کتب معروف خود را «علل عظمت و انحطاط دوم قدیم» نهاد که در آن عوامل اجتماعی انحطاط مطرح می‌شوند که مهمترین آنان، به نظر مؤلف سقوط اخلاق اجتماعی (Social morality) است.

ر. ک. Decadence

Social demoralization

روحیه‌زدایی اجتماعی

ر. ک. Demoralization

تهی‌سازی اجتماعی Social depletion

طرد یا ترك عناصر اصلی يك گروه، يك جمع یا جامعه که موجبات فقدان کارآیی آن را فراهم کند مانند ترك روستاها به هنگام مهاجرت وسیع توسط جوانان و نیروهای فعال.

Social deterioration

زوال اجتماعی- وخامت اجتماعی

فرایندی در يك گروه، يك ملت یا جمع در جهت زوال یا وخامت که به امحاء وفاق همیاری و... انجامد.

جبر اجتماعی Social determinism

این اعتقاد که رفتار انسانی در چارچوب دنیای پیرامون شکل یافته تکوین می‌پذیرد. بر پایه این عقیده، زمانی که فردی تولد می‌یابد

(F. Znaniecki) می نویسند: «سازمان شکنی اجتماعی را می توانیم به طور خلاصه، کاهش تاثیر مقررات موجود بر رفتار اجتماعی اعضای گروه تعریف کنیم.»

(*The polish peasant in Europe and America*, Vol4, P: 2)

برخی بر تغییر به عنوان عامل بی سازمانی اجتماعی تاکید دارند، برخی دیگر از دیدگاه گسست در ارزشهای اصلی و معیارها بدان می نگرند.

ر. ک. Anomie/ Social organization

فاصله اجتماعی Social distance

I- این اصطلاح توسط پارک (R. E. Park) و برگس (E.W. Burgess) در معنای کشش یا طرد متقابل از نظر عاطفی بین دو فرد یا گروه به کار رفت. تعریفی که آنان از تمایلات مبتنی بر کشش یا دفع می دهند، چنین است: «چنانچه بجای آنکه این دو تمایل غیرپیوسته محسوب شوند، پاسخهایی متضاد نسبت به وضعی بحساب آیند که در آن تمایل به ایجاد ارتباطی مطلوب، دستخوش تمایل به اجتناب از ایجاد چنین ارتباطی شود، در آن صورت پدیده فاصله اجتماعی حاصل آمده است.»

(*Introduction to the science of sociology*, P: 440)

در این معنی، فاصله اجتماعی مخصوصاً در گروه سنجی (Sociometry) به کار رفته

همچون لوحی نانوشته است، پس خوبی و بدی و شکست و توفیق او تابع محیط پیرامون است که شامل خانواده، جمع دوستان، همکاران و به طور کلی جامعه و فرهنگ است.

ر. ک. Determinism/ Economic determinism.

Social diagnosis

تشخیص بیماری اجتماعی شناخت و تعیین علل و عوامل اساسی که زمینه مسائل اجتماعی را ساخته اند، به منظور فهم، و تمهید وسایل درمان اجتماعی آنان.

ر. ک. Semiology, Social pathology

انضام اجتماعی Social discipline

کنترل و هدایت رفتار فرد از جانب خانواده، گروه، یا جامعه در جهت تنسيق و سامان يابی آن.

Social discrimination

تبعیض اجتماعی رفتار نابرابر با افراد یا گروههایی اساساً برابر. تبعیض می تواند صورت رسمی یا بد (قانونی) و یا آنکه از خرافات، بقایای سنن و... ناشی می شود و به طور غیررسمی اعمال گردد.

Social disorganization

سازمان شکنی اجتماعی، دژ سازمانی اجتماعی فرایند یا نتیجه حاصل از ضعف، گسست یا اضمحلال سازمانهای اجتماعی است. توماس (W. I. Thomas) و ژنانیخی

است و دانشمندانی چون بوگاردوس (E. S. Bogardus) مقیاسهایی چند برای سنجش آن ساخته اند. به عنوان مثال، زمانی که از شخصی می پرسیم آیا دوست دارد با فلانی ازدواج کند، دوست باشد، آشنا باشد و یا کار کند؛ در هر مورد به شدت عاطفی خاصی برمی خوریم. (آنکس که می گوید دوست دارد با دیگری ازدواج کند معمولاً حداقل عواطف را نسبت بدو داراست و حال آنکه چنانچه فقط دوست داشت آشنای او به حساب آید، از شدت عاطفی کمتری نسبت به او برخوردار است). همچنین، می توان همین شدت عاطفی را با بکار بردن کلماتی چون بسیار، کم هیچ و... مشخص کرد.

II- در معنای دیگر (عصام) فاصله

اجتماعی به معنای تمایز پایگاه اجتماعی بین دو فرد یا گروه است که به دو صورت واقعی و مدرك قابل تقسیم است:

چنانچه فرض کنیم مردم هم از پایگاه اجتماعی خود آگاهند، هم از پایگاه اجتماعی دیگران در سلسله مراتب اجتماعی، تفاوت بین این پایگاهها، فاصله اجتماعی مدرك (Perceived) خوانده می شود، در برابر فاصله اجتماعی واقعی. در سنجش فاصله اجتماعی مدرك، از افراد می پرسیم، تصور می کنید، چه کسانی از نظر اجتماعی با شما هم پایگاهند، چه کسانی با شما از نظر پایگاه اجتماعی نزدیکند، چه کسانی از شما فاصله دارند. و چه کسانی با شما فاصله بسیار زیاد دارند؟

پاسخهای فرد ادراك او را در باب وضع اجتماعی فرد مشخص می دارد. پایگاه اجتماعی مدرك با پایگاه اجتماعی واقعی همواره یکی نیست.

ر. ك. Social Interaction,

Symbolic interaction

سائق اجتماعی Social drive

اصطلاحی عام و دربر گیرنده انواع محرکات در رفتار انسانی (نظیر آرزوها، خواستها و...) که در جریان کنش متقابل اجتماعی دگرگونی می پذیرند. سائقهای اجتماعی از عواملی بسیار، چون نیازهای زیستی، شرایط ارثی و یا تجربه زمینه های فرهنگی شخصیت ناشی می شوند؛ بسیاری، با توجه به ابعاد چهارگانه غرایز (آموزش ناخواهی، تغییر ناپذیری، یکسانی در نقاط مختلف، کوری و عدم آگاهی) واژه سائق را بجای آن در مورد انسانها بکار می برند.

Social dynamics

پویایی شناسی اجتماعی

نیروها و فرایندهای درگیر در جریان دگرگونیهای اجتماعی، همچنین دانش یا مطالعه نیروهای انسانی که در پویایی اجتماعی تاثیر دارند.

ر. ك. Group dynamics

محیط شناسی اجتماعی Social ecology

شاخه ای از دانشهای انسان که در آن:

- (۱) ساخت و کارکرد فضاها، مسکونی انسانها
- (۲) توزیع جغرافیایی- فضایی عوامل و

متغیرات اجتماعی (موثر بر رفتار و اندیشه افراد)، مورد توجه قرار می گیرد.

ر. ک. Ecology/ Human ecology

Social engineering

مهندسی اجتماعی

در قلمرو جامعه‌شناسی کاربردی، به اعمال نظریه‌های علمی در زمینه‌های خاص اجتماعی اطلاق می‌شود. مهندسی اجتماعی در قلمرو جامعه‌شناسی خرد بسیار و به راحتی صورت پذیر است (به عنوان مثال، رئیس کارگاهی از دانشمندان اجتماعی می‌خواهد تا به تنسيق سازمانش پردازند، آنچنانکه بازده ارتقاء یابد، روابط انسانی بهبود پذیرند و...) اما در جامعه‌شناسی کلان، کاربرد مهندسی اجتماعی با موانع بسیاری مواجه است. زیرا، در این زمینه، دستکاری همه عناصر به جهت وسعت آنان دشوار است، همانطور که مباحث ارزشی آمیخته با هر نظریه مانع اعمال آن همانند علوم طبیعی است. بعنوان مثال، اندیشه واد (L. F. Ward) در مورد امکان پذیری تمهید غایت اجتماعی (Social telesis) در جهت تمهید ابزار ارتقاء و بهزیستی همگان از طریق کنترل و هدایت انرژیهای جامعه‌شناختی بسوی سازمانهای اداری و دولتها، مخصوصاً آنجا که با برنامه‌ریزی مرتبط است، مورد پذیرش همگان نیست.

Social environment

محیط اجتماعی

مجموعه‌ای به هم پیوسته، متشکل از نهادها، سازمانها و تاسیسات اجتماعی، افراد، گروهها و... که منظومه محیطی انسان را تشکیل می‌دهند و بر رفتار وی تاثیر می‌نهند.

ر. ک. Ecology

Social epidemic

Epidemic

Social equilibrium

تعادل اجتماعی

I- فرهنگ علوم اجتماعی تعریف زیر را از این واژه بدست می‌دهد: «در معنای وسیع، تعادل نوعی توازن بین چند پدیده اجتماعی مرتبط با یکدیگر است. این توازن می‌تواند ایستا یا پویا، آشکار یا نهان، عینی یا ذهنی باشد.»

(Dictionary of social sciences

J. Gould, ... (ed), P. 654)

پس، تعادل اجتماعی، آن وضع، حالت یا شرایط اجتماعی است که در آن عناصر تشکیل‌دهنده در وضعی متوازن نسبت به یکدیگر قرار گرفته باشند. هر تعادل اجتماعی، صورتی موقت دارد و با فرو ریختن آن بناچار، تعادلی نو پدید خواهد آمد.

II- اولین بار اسپنسر (H. Spencer)

بود که به این مفهوم اهمیت بخشید. بعد از او پارتو (V. Pareto) بیش از دیگران بدان توجه نمود. سودکین (P. Sorokin) پنج کاربرد متمایز این اصطلاح را بدینسان

هیچ نظام اجتماعی کاملاً متعادل و یکپارچه (Integrated) دیده نمی‌شود.

(The social system, P. 298)

برخسی دیگر چون لندبرگ (G. A. Lundberg) با توجه به نقطه نظر محقق و همچنین پایگاه ارزشی او، دو گونه تعادل پویا و ایستا را از هم متمایز می‌کنند: هنگامی که عناصر یک نظام در ارتباطی متوازن بکار می‌پردازند، از تعادلی ایستا برخوردارند و آنگاه که تمامی عناصر نظام به صورتی هماهنگ و متوازن با آهنگی باز هم متوازن بسوی هدفی خاص حرکت می‌کنند، دارای تعادلی پویا هستند.

ر. ک. Functionalism

علم اخلاق اجتماعی Social ethics

دیدنی از اخلاق که هدف از آن، قبل از همه، هدایت عملی انسانهاست در مواجهه با مسائل خاص اجتماعی.

ر. ک. Social control

شادمانی اجتماعی Social euphoria

مفهومی است از «ادکلیف براون (A. R. Radcliffe - Brown) به هنگام بحث از حقوق ابتدایی. به نظر وی، آنگاه که در جوامع ابتدایی خطایی از جانب فردی رخ می‌دهد، حالتی از ناشادمانی اجتماعی (Social dysphoria) به افراد دست می‌دهد که با مجازات مجرم، این حالت جای خود را به شادمانی اجتماعی می‌دهد.

مطرح می‌کند: (۱) حالتی از آرامش در پدیده اجتماعی. (۲) توازن موقت در یک پدیده اجتماعی. (۳) محدودیت یا منع متقابل بین نیروهای اجتماعی. (۴) سازش و هماهنگی-پذیری پدیده‌های اجتماعی. نظیر ارضاء نیازهای شخصی در چارچوب نظامی اجتماعی (۵) تمایل یک نظام اجتماعی به بازگشت به پایگاه قبلی اش (در صورت وجود اختلال) یا حراست از روند یا سطح طبیعی اش. (نظیر ثبات کوتاه مدت روشهای تولید کارگران در مقابل نوآوریهای فنی و مدیریت).

(Social and cultural dynamics
Vol4, PP. 677. 93)

هومنز (G. . . Homans)، تعادل رادر یک مجموعه با دیدی کارکردی مطرح کرده بر اثر آن در آهنگ دیگر گونی تاکید دارد. «یک نظام اجتماعی زمانی در حال تعادل است که وضع عناصری که داخل نظام می‌شوند و همچنین پیوستگی متقابل عناصر موجود در داخل نظام چنان است که هر تغییر کوچک در یک عنصر موجبات بروز دیگر گونی در عناصر دیگر را فراهم می‌کند و این خودمیزان و آهنگ تغییر را تقلیل می‌دهد.»

(The human group, P. 303)

III- مبحث، تعادل به جهت پیوند آن با قضاوتهای ارزشی گسترده‌ای چشمگیر دارد؛ از اینرو، پارسنز (T. Parsons) از همین دیدگاه معتقد است که «حالت تعادل، مقیاسی نظری است و در واقعیت تجربی،

دردکیم این امر را ناشی از تفکر مردم ابتدایی می‌داند که جرم را از يك طرف عملی نه فردی بلکه جمعی می‌دانند و از طرف دیگر چنین می‌پندارند که با ارتکاب جرم احتمال وقوع حوادث شومی می‌رود. در چنین جامعه‌ای، باز به زعم دردکیم مجازات نیز خشن و نه در جهت جبران مافات است، از اینرو او معتقد است در چنین زمینه‌های اجتماعی حقوق نه تدارکی بلکه سرکوبگر (Repressive) هستند.

ر. ک. Social dysphoria

Social evolution

تطور اجتماعی- تکامل اجتماعی

۱) دگرگونی پدیده‌های اجتماعی است، بدون آنکه در آن جهش، گسست و یا هر نوع انقطاع در تسلسل پدیده‌ها رخ دهد. از اینرو، بعضی فرایند تطور اجتماعی را کم و بیش همانند تطور زیستی می‌دانند. باید بین تطور و ترقی از سویی و تطور و انقلاب از سوی دیگر تمایز قائل شد. ۲) از دیدگاه کسانی که معتقد به حرکت جامعه انسانی در جهتی خاص هستند، این مفهوم بعد غیرارزشی خود را از دست می‌دهد و معنای تکامل از آن برمی‌آید.

ر. ک. evolutionism/ Philosophy of history/ Cumulative evolution

Social expectation

هر پایگاه اجتماعی با انتظار اجتماعی

خاصی پیوسته است، آنچنانکه عدم ایفای نقش‌های منتسب بدان پایگاه موجبات عدم پاسخ به انتظار جامعه و بالطبع واکنش‌هایی چون تعجب و... را فراهم می‌کند.

ر. ک. Rising expectation.

Social roles.

Social exploitation

بهره‌کشی اجتماعی

ر. ک. Exploitation

Social fact

امر اجتماعی

مفهومی است از امیل دورکیم (E. Durkheim)

که در اثرش با نام «قواعد روش جامعه‌شناسی»

(The rules of the sociological

method) عنوان شد. با این مفهوم، دورکیم

پدیده‌هایی را مشخص می‌کرد که از قلمرو

فردی جداست و موضوع مطالعه جامعه‌شناختی

را تشکیل می‌دهد. ویژگی‌های امر اجتماعی

بزم او چنین‌اند:

۱- خارجی بودن (Exteriority)

بدین معنی که امور اجتماعی خارج از

افرادند و بدینسان عمری نیز بر ورای عمر

يك يك افراد دارند.

۲- استمرار (Continuity)

امور اجتماعی عمری بر ورای عمر يك يك

انسانها دارند. از نسلی به نسل دیگر منتقل

می‌شوند؛ از پیوند بین نسله‌ها حراست می‌کنند

همانطور که موجبات احراز هویت قومی را

فراهم می‌کنند.

- ۳- اجبار (Constraint) ر. ك.
 بدین معنی كه عدم تحقق آنان فرد را با
 مشكلاتی چند مواجه می كند. به عنوان مثال ،
 يك فرد می تواند با كنترل خواستهای جسمانی
 سر از ازدواج باز زند ولیك پس از چندی
 با فشار اجتماعی مواجه می شود. تا آنجا كه
 او را فردی غیر عادی می پندارند و در نهایت
 دچار طرد اجتماعی (Ostracism) می شود.
 ر. ك. Durkheim
- Social fermentation تهییج اجتماعی
 فرایندی خاص در بین افراد يك ملت ،
 يك جمع یا گروه كه در آن معمولاً نارضایی
 از وضع موجود شدت یافته و خواست تغییر
 تبلور می پذیرد. این فرایندی تواند سر آغاز
 حرکت انقلابی باشد.
- Social function كارکرد اجتماعی
 سلسله فعالیتهایی كه توسط گروهی
 سازمان یافته و یا هر جزء یا عنصر اجتماعی
 صورت پذیرد.
- Functionalism/ Function ر. ك.
 Eufunction/ Dysfunction
- Social genesis تكوین اجتماعی
 پیدایی پدیده ای اجتماعی اعم از سازمانها،
 نهادها و یا مناسبات اجتماعی و دگر گونی
 آنان در هر جهت.
- Social gravity, law of قانون جاذبه اجتماعی
 ر. ك. Law of social gravity
 گروه اجتماعی Social group
 ر. ك. Group
 راهبری اجتماعی Social guidance
 در اصطلاح، به هدایت فرد در جامعه
 توسط نهادها و سازمانهای اجتماعی اطلاق
 می شود. راهبری اجتماعی زمانی به درستی
 صورت پذیر است كه از نهادهای آغازین
 (ازدواج ، خانواده) شروع شود، سبب
 بلوغ اجتماعی فرد گردد و موجبات
 درونی شدن قوانین اجتماعی را در بین افراد
 فراهم كند.
- Social heredity وراثت اجتماعی
 انتقال ویژگیهای خاص يك جامعه از
 نسلی به نسل دیگر است. بدین قرار هر نسل
 وارث میراث اقتصادی خاصی است كه از
 نیاكانش برجای مانده اند. چنانچه حرکت
 طبیعی جامعه با مانعی خاص مواجه نشود،
 هر نسل باید به غذای بیشتر این میراث مدد
 رساند و خود عاملی در راه تكامل انسانیت
 قلمداد شود.
- Social heritage میراث اجتماعی
 مجموع عادات، آداب و سنن اجتماعی
 و همچنین اندیشه هایی كه از گذشتگان به ارث
 می رسند. در برابر مفهوم وراثت اجتماعی كه
 مخصوصاً بر ابعاد مادی-ابزاری و اقتصادی
 تأکید دارد، این مفهوم بیشتر بر جهات فكري
 و معنوی ناظر است.

Social hierarchy**سلسله مراتب اجتماعى**

رده‌بندی افراد يك جامعه یا ارزشها و یا گروههای اجتماعى است براساس معیارهایی چند. چنین جامعه‌ای را دراین صورت، جامعه مبتنى بر سلسله مراتب (Hierarchical society) می‌خوانند.

– رده‌بندی انسانها گاه منبث از وراثت و خاندان است که در آن صورت سلسله مراتب کاستی پدید می‌آید و صورتی سخت متحجر، غیر انسانی و تغییرناپذیر دارد.

– رده‌بندی انسانها، در مواردی صورت عقلانی می‌یابد و افراد به جهت شایستگی یا توان کار منزلت یا امکانات بیشتر می‌یابند. این گونه سلسله مراتب در حکومت شایستگان (Meritocracy) صورت وقوع می‌یابد.

– گذشته از این در سطح روانشناسی افراد نیز شاهد نوعی دیگر از سلسله مراتب هستیم.

در هر جامعه، انسانها پدیده‌های پیرامون خود را بر پایه جهان‌بینی و باورهایشان رده‌بندی می‌کنند.

سلسله مراتب شغلی (Occupational-

hierarchy) نیز از اهمیت خاصی در هر جامعه برخوردار است و هر جامعه این سلسله مراتب را به صورتی پویا تنظیم می‌کند. زمانی که جامعه صورت معنوی دارد، مشاغل خاص مرجعند و زمانی که جامعه به حد حسی یا مادیگری تنزل کند، سلسله مشاغل دیگر ترجیح می‌یابند.

Social stratification

ر. ک.

Social homogeneity**همگنی اجتماعى**

یکدستی و تجانس اعضا يك گروه، جمع یا جامعه را از دیدگاه زبان، قوم، دین، نژاد و... می‌رساند. در برابر ناهمگنی اجتماعى (Social heterogeneity).

Social hygiene بهداشت اجتماعى

جزئی است از مددکاری اجتماعى در ارتباط با کنترل فحشا، امحاء بیماریه‌ای مقاربتی و...

Socialized medicine.

ر. ک.

Sociology of medicine**Social ideals** آرمانهای اجتماعى**Social immobility****عدم تحرک اجتماعى**

جامعه‌ای مبتنی بر تحجر طبقاتی و عدم تحقق دوران سرآمدان (Elite circulation). در این جامعه وراثت و خاندان تعیین کننده، امکانات و فرصتهاست.

Social mobility

ر. ک.

Social inequality نابرابری اجتماعى

شرایطی که در آن اعضا مختلف يك جامعه درآمد، شأن، امکانات و فرصتهای متفاوتی دارند. نابرابری اجتماعى در همه جوامع دیده شده است و حتی بعضی از جوامع حیوانی نیز حائز آنند، از اینروست که اندیشه متفکران را از آغاز تاریخ بخود مشغول داشته

است. ارسطو نظام نابرابرى را در حدى معقول اجتناب ناپذیر می دانست. دیگران مانند توماس هود (T. Morus)، کامپانلا (Campanella) از دیدگاهی دیگر در صدد استقرار جامعه‌ای دیگر (در تخیل یا عمل) برآمدند.

نتایجی که امروزه از مباحث مربوط به برابری اجتماعى یا نابرابری اجتماعى گرفته می شود، بدین قرارند:

— نابرابری انسانها امری اجتناب ناپذیر در هر جامعه و در طول تاریخ است؛

— نابرابری انسانها در سطح اجتماعى تا حدود زیادی از نابرابری استعدادها و هم نایکسانى کار و تلاش آنان مایه می گیرد.

— علیرغم این دو واقعیت هر جامعه در صدد آن است تا از بروز شکاف (تعمیق نابرابریها)، اجتناب ورزد.

— پیدایی شیوه‌هایی چند نظیر، تفویض کمکهای دولتی (Subsidy)، توزیع عادلانه تر درآمدها

(Income redistribution)، بازتساختن نظام آموزشی (با ارائه بورسهای تحصیلی، رایگانى آموزش و...) در همین جهت (کاستن از شدت نابرابریها) نوید می دهند.

— جامعه به کلی برابر و اینکه هر کس باید نه براساس تلاش، کار و تخصص بلکه فقط بر پایه نیازهایش از مواهب جامعه برخوردار شود، با واقعیت انطباق ندارد حتی زمانی که جوامعی (جوامع اسکاندیناو) در راه تأمین

بیشتر برابری انسانها، فاصله امتیازات مشاغل را کاهش دادند، انگیزه احراز مشاغل دشوار که نیازمند سالهای طولانی آموزش هستند از بین رفت.

— نباید مسأله عدالت را با نابرابری آمیخت. چنانچه معلمی به تمامی شاگردانش علیرغم تمایز کار و توان کاری آنان نمره‌ای یکسان دهد، آنان را برابر انگاشته است ولیک ممکن است عدالت را زیر پا گذاشته باشد.

— آنچه مهم است، تأمین حداقل معیشت (Vital minimum) برای هر شهروند يك جامعه است. همه کسانی که خدمتسى به عهده دارند، دارای منزلتی والا به حساب مى آیند و لذا می بینیم که هم از شکاف مادی و هم از فاصله وسیع ارزشى بین مشاغل کاسته می شود. تا آنجا که ساکنان يك سرزمین با یکدیگر تجانسى کارآ یابند.

ر. ک. Egalitarianism, Social disparity, Equalitarianism, Social stratification Social inertia

گرختی اجتماعى - رخوت اجتماعى

۱) عدم پذیرش دگرگونیهای اجتماعى و قبول و ادامه روشهای کهن و نامنتبط با حیات اجتماعى (نو بیزارى Misoneism) ۲) آهنگ بطئ حرکت اجتماعى و پیدایی ایستایی اجتماعى.

ر. ک. Indifference, Apathy منع اجتماعى Social inhibition

معیارهایی که جامعه در جهت بازدارى افرادش از دست زدن به بعضى شیوه‌های

رفتاری وضع کرده است.

بی‌ثباتی اجتماعی Social instability

شرایطی اجتماعی که در آن عناصر تشکیل‌دهنده در حالت عدم تعادل، ناپایداری و تعارضند.

Social institutions

نهادهای اجتماعی

Institutions ر. ک.

Social insurance بیمه اجتماعی

تضمین جامعه بر حمایت از افراد در شرایطی چون بیکاری، مرض، حوادث، سالخوردگی و...

Social integration

یکپارچگی اجتماعی- ادغام اجتماعی

فرایند جای‌یابی اقوام، طبقات و... در يك مجموعه یکپارچه. در برابر از هم پاشیدگی اجتماعی (Social disintegration)

این واژه به‌صورتی حرکت، پیوند و زنده‌بودن پدیده‌های اجتماعی را با طرح عناصری که با یکدیگر می‌پیوندند، می‌آمیزند و کلی یگانه پدیدمی‌آورند، می‌رسانند.

II- پارسنز (T. Parsons) در اثرش

«ساخت عمل اجتماعی»

(The Structure of social action)

با این دید یکپارچگی اجتماعی را از دیدگاه نقشهای اجتماعی و هم عمل اجتماعی مورد مطالعه قرار داده است. بزعم او، چگونگی پذیرش و تحقق نقشهای اجتماعی، میزان

ادغام فرد را در گروه و یگانگی ویرا در آن و با دیگر عناصر متشکل آن، می‌رساند. از اینرو، پارسنز دو نوع ادغام را از یکدیگر منفک می‌سازد:

۱- یکپارچگی صوری (Formal

integration) که پیوند سطحی عناصر را در يك مجموعه می‌رساند.

۲- یکپارچگی واقعی Real integration

که مستلزم پیوند عمقی، اساسی و پایای عناصر در يك مجموعه است.

باز به‌زعم پارسنز تحقق یکپارچگی

کامل اجتماعی (Perfect social-

integration) مستلزم دو امر است: ۱) عناصر

دستوری حاکم بر رفتار فرد در يك جامعه، نظامی همساز پدیدآورند و کنترل جامعه را بر فرد مؤثر نمایند. ۲) جامعه، مورد تبعیت قرار گیرد و این (یکپارچگی کامل اجتماعی) در برابر بی‌هنجاری قرار می‌گیرد که دورکیم بدان اشارت دارد. از اینرو، پارسنز به نوع دیگری از یکپارچگی اشاره می‌کند که نام یکپارچگی-دستی (Normative integration)

دارد و آن بدین معناست که محرکات فرد با هنجارهای اجتماعی در آمیزند، هماهنگ شوند و به عبارت دیگر، نظام دستوری جامعه مورد پذیرش قبلی قرار گرفته تابع فرایند درونی- سازی (Internalization) شود.

همین بعد از یکپارچگی اجتماعی که

- عدالت اجتماعی** Social justice
مفهومی وسیعتر از عدالت اقتصادی است و شرایطی را می‌رساند که در آن هر عضو جامعه بر مبنای میزان کارش، امکانات فکری و جسمانی از فرصت‌های متناسب در راه گسترش و شکوفائی تواناییهای خود برخوردار می‌شود.
- فرسودگی عناصر اجتماعی** Social katabolism
مرحله فرسودگی عادی عناصر تشکیل دهنده يك جامعه است که باید با فرایند جذب اندیشه‌های نو، شکوفایی عناصر جدید اجتماعی (Social anabolism) نو سازی شود.
ر. ک.
- تأخر اجتماعی** Social lag
عدم تغییر متناسب نهادها، سازمانها، عقاید و تلقیات يك جامعه به هنگام و هماهنگی با دگرگونیهای فنی. مفهوم عمیق تر آن تأخر یا دیرکرد فرهنگی (Cultural lag) است که آگبرن (Ogburn) عنوان کرد.
ر. ک.
- قوانین اجتماعی** Social laws
رابطه علی، قابل تکرار، پیش‌بینی پذیر و منظم بین پدیده‌های اجتماعی که اعتبار آنان با مشاهدات مکرر سنجیده شده باشد. قوانین اجتماعی از اصول متعارف (Axioms)، که اموری خود بخود بدیهی و از نظر منطقی حائز ارزشند و ارزشی گاه
- موجبات پیدایی وفاق (Consensus) بین فرد و جامعه و در نهایت يك افراد را بایکدیگر فراهم می‌کند، از دیدی دیگر، مورد توجه ویلیامز (R. M. Williams) قرار گرفته است. زمانی که او ارزشهای پذیرفته و مشترک جامعه را به عنوان آن روی سکه یکپارچگی و عناصر یگانگی آفرین می‌نگرد، «به نظرش یکپارچگی وضعی بیش از يك توازن قدرت و یا وابستگی متقابل نمادی را مشخص می‌دارد. و جامعه‌شناسی جدید در صدد آن است که این پدیده را با بررسی نوع و گستره ارزشهای مشترک در يك نظام اجتماعی و جهت آنان، بازشناسد. گزاره اصلی این است که یکپارچگی يك جامعه را می‌توان از دیدگاه پذیرش دستورات و رعایت منهیات در زمینه رفتار، ارزشها و باورها توسط انسان تعریف کرد.»
- (American society, A sociological interpretation, P: 517)
- تعامل اجتماعی** Social interaction
Interaction ر. ک.
- تفحص اجتماعی** Social investigation
مفهومی وسیع که انواع گوناگون پژوهشهای اجتماعی (از عمیق و تعلیلی تا توصیفی و...) را دربر می‌گیرد.
- تک افتادگی اجتماعی** Social isolation
Isolation ر. ک.

جهانی دارند، تمایز می‌یابد. پیچیدگی و تنوع پدیده‌های اجتماعی، عدم تکرار شرایط اجتماعی در پیدایی پدیده‌ها متعدد علل و همچنین بعد کیفی خاص آنان، موجب آن شده است که امروزه بیشتر جامعه‌شناسان (نظیر گودینج) بجای قوانین جهان شمول از نظم تمایلی سخن گویند.

ر. ک. Sociological laws,
Tendentious regularity.

Social legislation

مقررات تأمین بخش اجتماعی

این واژه را در آغاز ویلیام (William) در سال ۱۸۸۱ در آلمان در جهت تشویق بیمه‌های اجتماعی بکار برد. با این واژه قوانینی مطمح نظر قرار می‌گیرند که هدف از آنان حمایت از گروه‌هایی است که نظر به سن، نژاد یا بیماری و... قادر به تأمین شرایطی مطلوب برای خود نیستند.

Social maladjustment

دژ سازگاری اجتماعی

هر نوع مناسبات بین افراد، گروه‌ها، یا جوامع یا عناصر اجتماعی - فرهنگی که موجبات عدم ارضاء نیاز متقابل یا آسیب به وضع هر یک را فراهم سازند.

ر. ک. Maladjustment

Social maturity اجتماعی بلوغ

رشد موزون ذهنی در جهت بسط قابلیت‌های اجتماعی بهنگام تحقق بلوغ اجتماعی است

که افراد يك جامعه می‌توانند تحقق مردم‌سالاری را به نحوی مطلوب موجب شوند.

Social metabolism

متابولیسم اجتماعی

اصطلاحی است جدید، اخذ شده از دانش‌های طبیعی و معمول در جامعه‌شناسی آمریکا و از آن توازن میان ستانده یا هر آنچه در تولید بکار می‌آید (نظیر مواد اولیه دستمزد، انرژی، و...) و بازده در اقتصاد اجتماعی برمی‌آید.

ر. ک. Open system theory

Social mind روح اجتماعی

وحدت ذهنی یا حیات ذهنی و جمعی يك گروه اجتماعی. این اصطلاح هر چند قدیمی، توسط دورکیم از نو مطرح شد و شهرت یافت؛ با مفاهیمی چون وجدان جمع، تصورات جمعی و... نزدیک است.

ر. ک. Collective conscience

Social mindedness

روحیه‌پذیری اجتماعی

طرز تلقی متمایل به احساس مسئولیت در جهت حل مسائل و بهبود شرایط اجتماعی با آگاهی از آن شرایط، علل گوناگون آن و اطمینان به وجود راه حلی برای آن. از مفهوم روحیه اجتماعی (Social spirit) از آنرو متمایز است که در واژه اخیر آمادگی در حل مسائل اجتماعی موجود است بدون آنکه لزوماً با آگاهی، شناخت علل و اطمینان به وجود راه حلی در آن قرین باشد.

Social mobility تحرك اجتماعى Social movement

امكان حرکت انسانها در لابلای سلسله مراتب طبقاتی يك جامعه. پس تحرك اجتماعى در جامعه‌ای تحقق می‌یابد که از سویی در آن نابرابری موجود است و از سوی دیگر درصد کاهش تعلق انسان به میراث و خاندان و تکیه بر سعی و استعداد انسان برآمده‌اند. تحرك اجتماعى به دو صورت افقی (Horizontal social mobility) و عمودی (Vertical social mobility) تقسیم می‌شود. در حالت اول هر حرکت، به معنای تغییر پایگاه اجتماعى بدون ارتقاء و یا سقوط است، و حال آنکه در تحرك عمودی سیلان واقعی به صورت حرکت صعودی و یا سقوط دیده می‌شود.

Social capillarity, ر. ک.

Social ascendancy, Elites

Social modernization نو سازی اجتماعى

فرایند تغییر در يك جامعه یا سازمان و یا نهاد اجتماعى و تبدیل آن از صورتی سنتی به صورت جدید را می‌رساند.

Social molecule مولکول اجتماعى

مفهومی است در گروه‌سنجی. مولکول اجتماعى از پیوند اتمهای اجتماعى (افراد درگیر در شبکه روابط اجتماعى) پدید می‌آید. ساده‌ترین مولکول يك جفت (Dyad) خوانده می‌شود.

Dyad/ social atom ر. ک.

نهضت اجتماعى- حرکت اجتماع

I- حرکت یا عملی منجیده با درجاتی از تداوم، کاملاً یا تا حدودی سازمان یافته، با اهدافی بالنسبه معین و متوجه به ایجاد دگرگونی در جهتی مشخص. در نهضت اجتماعى، هدف می‌تواند متوجه تغییر، نگاهداری (به صورتی معین)، جایگزینی و یا اضمحلال کامل نظم موجود در فراخنای زمانی بالنسبه تعیین شده باشد.

II- از برجستگان دانش اجتماعى که بدین پدیده اجتماعى توجه نمودند، باید از بلومر (H. Blumer) نام برد. او نهضتهای اجتماعى را چنین تعریف می‌کند: «يك نهضت اجتماعى، کوششی است جمعی جهت دگرگون سازی حوزه یا جزئی مشخص از روابط مستقر در يك جامعه و یا به منظور پدید آوردن تغییری بزرگ و هدایت نشده در روابط اجتماعى با مشارکت (در مواردی نیز ناآگاه) گروه بسیاری از افراد»

(Collective behavior, in J. B. Gittler (ed), Review of sociology P: 145

پیدایی و تداوم هر نهضت اجتماعى مستلزم ۱) تمهید و ارائه يك ایده اولزی و مجراهای اجرایی است که موجبات برخورد ایده اولزی را با واقعیت فراهم سازند و تحقق آنرا در عمل تضمین نمایند. ۲) تمهید و ارائه سلسله‌ای از مراسم، عادات و آداب خاص

و مستمر است که موجب تجدید حیات آنرا فراهم سازند، قوام آنرا در فواصل زمانی معین تأمین نمایند و از فراموشی آن در اذهان جلوگیری کنند. ۳) رهبری شایان توجهی است که تجسم آرمان نهضت و راهبر همه ارکان نهضت باشد. مفهوم نهضت‌های اجتماعی فراگیرتر از نهضت‌های سیاسی است. هر چند که در مواردی چند برخی از دانشمندان، نظیر هربرل (R. Herberle) تحت همین عنوان، صرفاً از نهضت‌های سیاسی یاد می‌نماید.

(Social movement , an introduction to political sociology)

جهش اجتماعی Social mutation

مفهوم جهش از زیست‌شناسی اخذ گردیده و به معنای دگرگونی سریع، بنیادی و کارآ در ساخت اجتماعی است؛ آنچنانکه تسلسل تاریخی پدیده‌ها گسسته شود و بعد از جهش حیاتی نو آغاز شود.

ر.ک. Revolution

بهم‌پیوستگی اجتماعی Social nexus

پیوستگی متقابل گروه‌ها و افراد از طریق وابستگی متقابل، تفاهم و یا خاستگاه مشترک اجتماعی.

Social nominalism

نام‌گرایی اجتماعی

I- در برابر کل‌نگری (Holism) و همچنین واقع‌گرایی (Realism) عدم‌پذیرش ماهیتی خاص و مستقل برای هر کل اجتماعیت.

بر این اساس در این مکتب موضوع مورد مطالعه فرد تلقی می‌شود. همچنین، در آن، مفاهیم جامعه‌شناسی همچون نام‌های صرف برای مجموعه‌هایی مرکب از افراد شناخته می‌شوند.

II- بسیاری از دانشمندان در دام چنین اندیشه‌ای گرفتار آمدند. تمامی آنان که بر مکتب اصالت روانشناسی (Psychologism) تأکید کردند، نظیر تارد، گیدینگز و... با تبیین همه‌چیز در چارچوب روانشناسی، به نوعی روانشناسی‌گرایی (اغراق در اهمیت و وسعت روانشناسی) دچار شدند، از آن جمله‌اند. کوشش بانیان جامعه‌شناسی در اولین گام‌هایی که در راه ایجاد این دانش برمی‌داشتند، بر استقلال جامعه در برابر افراد، پدیده اجتماعی در برابر پدیده‌های فردی و تأکید بر ماهیت ویژه پدیده‌های اجتماعی بود. کوششی که هربرت اسپنسر در اثرش «اصول جامعه‌شناسی» در این زمینه مبذول داشت یا دورکیم در تمامی آثارش، از جمله «قواعد دوش جامعه‌شناسی» بکار بست در همین جهت صورت یافت. از همین روست که در روزگار ما سودکین در برابر تجربه‌گرایی و حتی تقلیل جامعه‌شناسی به آمار صرف در امریکا، لازم می‌بیند باز بدان اشاره کند. او نام‌گرایی اجتماعی را با مفردنگری جامعه‌شناختی (Sociological singularism) یکسان می‌پندارد و مکتب اخیر (مفردنگری جامعه‌شناختی) را نوع خاصی از نام‌گرایی در جامعه‌شناسی تلقی نموده می‌نویسد:

«مفردنگری جامعه‌شناختی دیدگاهی است که براساس آن هر جامعه از نظر هستی‌شناسی (Ontologism) صرفاً مجموعه‌ای از افرادش شناخته می‌شود و بخودی‌خود واقعیتی ندارد.»

(P. A. Sorokin: *social and cultural dynamics*, Vol2, P. 263)

از جانب دیگر پارک (R. E. Park) و بولگس (E. W. Burgess) بر این عقیده‌اند که «روانشناسی اجتماعی که در آن استقلال فرد مورد تأکید قرار می‌گیرد و یا آنکه بنظر چنین می‌رسد، مظهر نام‌گرایی اجتماعی است و حال آنکه عکس آن واقع‌گرایی که روانشناسی جمعی مظهر آن است بر کنترل گروه بر فرد یا بطور کلی، کل بر اجزاء تأکید دارد.»

(*Introduction to the science of sociology*, P. 41)

ر. ک. Psychologism/ Nominalism.
Methodological nominalism

غیر اجتماعی Social, non-
Non-social ر. ک.

هنجار اجتماعی Social norm

شیوه‌های رفتار، عمل، یا اندیشه که در جامعه‌ای پذیرفته شده و انطباق با آنان با فرایند اجتماعی شدن فرد تحقق می‌پذیرد. عدم رعایت هنجارها موجبات بروز واکنشهایی چند همچون تعجب و گاه فشار و یا الزام اجتماعی را فراهم می‌سازد.

ر. ک. Norm/ sociological norms

هسته اجتماعی Social nucleus

واحد مرکزی، اساسی و کانونی در داخل يك جامعه که حاوی جوانه‌هایی از اندیشه (اندیشه‌های) نو و یا نظم‌ی نوین باشد.

تقابل اجتماعی Social opposition

از صور تعامل اجتماعی تفرقه‌آمیز (Dissociative social interaction) به حساب می‌آید و تجلیات آن ستیز اجتماعی (Social conflict)، رقابت اجتماعی، تنازع (Struggle) و در نهایت احتمال بروز کشمکشهای گاه مستمر اجتماعی است.

ر. ک. Interaction

ارگان اجتماعی Social organ

عنصر یا جزئی از جامعه که همچون عضوی از اعضاء آن با کارکردی مشخص به حساب آید. این مفهوم در مکتب انداموش انگاری (Organicism) بکار می‌رود که در آن جامعه را همچون موجودی زنده می‌بینند. بدان ر. ک.

Social organization

سازمان اجتماعی

۱- يك سازمان اجتماعی به عنوان واحدی دارای کارکرد، از عناصر و اجزایی تشکیل می‌شود که همگی در جهتی خاص (کارکرد) تنظیم گردیده‌اند. از این دیدگاه، سازمان دارای ساخت است؛ و ویژگی‌هایی فراتر از مشخصه‌های يك اجزاء متشکله نشان می‌دهد.

۲- يك سازمان همواره داراى يك هدف
نست. تعداد اهدافى كه يك سازمان به منظور
تحقق آنان پديد مى آيد، هيچ محدوديت ندارد.
به عنوان مثال، يك دانشگاه مى تواند براى
آموزش جوانان، معالجه بيماران، (باواستگى
بیمارستانها بدان)، اکتشافهاى علمى و ...
پديد مى آيد.

۳- عناصر تشكيل دهنده يك سازمان نيز
همواره همگون، يكسان يا همانند نيستند،
بلكه تنوع، تكرار و پيوند متقابل آنان، شكل
سازمانى را مى سازد و بناى آن را
پديد مى آورد.

۴- در شناخت ماهيت و كارآيى يك
سازمان شمار افراد آن و يا شرايط طبيعى كار
اهميتى آنچنان ندارند؛ هرچند كه بيشك هر
يك از اين عوامل مطمع نظر قرار مى گيرند.
به عنوان مثال، مطالعه يك بيمارستان، مستلزم
بررسى هدفهاى آن، ملاحظه ساخت درونى
كه جهت تحقق اين اهداف بكار گرفته و
همچنين ابزار و شيوه هاى است كه در همين
جهت بكار مى آيند؛ همانطور كه سنجش
انگيزه هاى اعضا، ميزان علايق آنان به
هدفهاى سازمان و يا آگاهى آنان از اين اهداف
و پذيرش درونى (Internalization)
هنگامهاى جمعى دربررسى سازمانها مطمع نظر
قرار مى گيرد.

۵- نبايد تصور شود كه همواره سازمانها
جنبه رسمى و قانونى دارند، چه، سخن از
سازمان جانپان (مافيا) نيز به ميان مى آيد.
همانطور، نبايد تصور كرد كه سازمانها همواره

آشكارند؛ چه، در بسيارى از موارد، بهر
علت، سازمانى مخفى است اما با تمام دقت
تنظيم يافته است.

ر. ك. Social disorganization.

Industrial organization.

Organizational man.

Dual organization.

Criminal organization.

Social orientation

جهت يابى اجتماعى

مسير عمومى اندیشه و عمل يك گروه
اجتماعى است كه با ارزشهاى حاكم يا فلسفه
اساسى گروه تعيين مى شود، شرط لازم در تحقق
مطلوب راهبرى اجتماعى
(Social guidance) است.

Social origin

خاستگاه اجتماعى

۱) منشاء، سرچشمه، يا منبع اجتماعى
يك سنت، عمل يا اندیشه. ۲) منشاء يا پايگاه
اوليه يك فرد يا گروه اجتماعى. از اينرو
در برابر خاستگاه جغرافيايى، خاستگاه
اجتماعى در معنای منشاء اوليه اجتماعى بكار
مى آيد.

Social origins

پديده هاى نخستين اجتماعى

اولين صورت اشكال پديده هاى اجتماعى
كه بزم بعضى پديده هاى جديد اجتماعى
دنباله و در تداوم آنند. در برابر مكاتبى چون
ساخت گرايى و كار كردگرايى كه در پى
شناخت پديده هاى نخستين نيستند، برخى چون

پدید می‌آورد که در بخشهای تولیدی جذب نشده‌اند، هرچند جزء جمعیت فعالند، بناچار با ولگردی، بیکارگی و گاه بیکاری پنهان حیات می‌گذرانند. اینان حاشیه‌نشینان شهری، یا بیکاره‌ها (Lumpen-proletariat) را پدید می‌آورند. (بدان ر. ک.)

Parasite

تساوی اجتماعی Social parity

از مفهوم Pair در معنای زوج اخذ گردیده و یکسانی انسانها را می‌رساند. در برابر نایکسانی اجتماعی (social disparity)

تساوی اجتماعی به‌صور مختلف مورد توجه قرار گرفته است. ۱) برخی با عدم پذیرش تفاوت‌های بین انسانها، به نوعی برابری (Egalitarianism) پرداخته‌اند. ۲)-

برخی دیگر، فقط تساوی در برابر قانون را مطرح ساخته‌اند. ۳) درحالی که بسیاری دیگر را عقیده براین است، تساوی صرف در برابر قوانین کافی نیست. چه، همه می‌توانند در برخورداری از موهبت یا فرصتی اجتماعی از نظر قانون برابر شناخته شوند، بدون آنکه امکان برابر در دستیابی بدان داشته باشند، پس، بسزما اینان، باید عدالت اقتصادی، امکانات تحرک اجتماعی، برخورداری از فرصتها در ارتقاء فرهنگی، به‌همراه برابری در برابر قانون مطرح شوند. ۴) برخی دیگر بدون آنکه تماسی با واقعیت یابند و یا آنکه پس از سرخوردگی در برابر واقعیت، بنوعی برابری بین انسانها اندیشیدند که نه تنها واقعیت ندارد بلکه قابل تحقق در واقعیت نیز

تکامل گسرایان، شناخت عمقی پدیده‌های موجود را بدون شناسائی سابقه آنان غیرممکن می‌دانند و تفاوت اصلی علوم انسانی را از علوم طبیعی در این می‌دانند که در علوم انسانی، هرگز کهننگی به‌صورتی که در علوم طبیعی پیش می‌آید مطرح نیست (به‌عنوان مثال زمانی که اختراع تازه در تلفن پیش می‌آید، دیگر تلفنهای قدیمی به هیچ کاری نمی‌آیند در حالیکه در امور اجتماعی چنین نیست.)

تجبر اجتماعی Social ossification

سخت شدن سنتها، عادات یا الگوها و قوانین اجتماعی است، آنچنانکه در برابر روندهای تازه مقاومت ورزند و تأخر یا دیرکرد اجتماعی را بیار آورند.

Cultural lag

انگلی اجتماعی Social parasitism

زمانی است که فرد یا گروهی سربار دیگران شود و از دسترنج آنان حیات بگذرانند. صور خاصی از انگلی اجتماعی پدید می‌آید: ۱) زمانی استفاده از کار دیگران ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، مانند کودکان و پیران که بناچار بر دوش جمعیت فعال جامعه قرار می‌گیرند. ۲) زمانی استفاده از حاصل کار دیگران نامشروع است و با بهره‌کشی (Exploitation) ترادف می‌پذیرد، در این صورت، انگلی صوری واقعی و هم ارادی دارد. ۳) زمانی استفاده از نیروی کار دیگران واقعی ولی غیرارادی و غیر طبیعی است؛ مهاجرت دستجمعی روستائیان به شهر، افرادی

نیست. اینها را در زمره سوسیالیستهای
تخیلی، رؤیا گرایان و بالاخره اصحاب مکتب
ناکجا آباد شناخته اند.

ر. ک. Socialism/ Utopianism.

Egalitarianism/ Equalitarianism.

social stratification

Social pathology

آسیب شناسی اجتماعی

مفهوم آسیب شناسی از علوم زیستی
گرفته شده است. مطالعه بسی سازمانها،
آسیبهای اجتماعی نظیر فقر، بیکاری، تبهکاری
و... همراه با علل و عوامل و شیوه های درمان
آنان و همچنین شرایط بیمار گونه و نابهنجار
اجتماعی است. مفهوم دارای گستره ای بسیار
وسیع است، از ابعاد ارزشی فراوانی نیز
برخوردار است اما در مورد قلمرو آن اتفاق
نظر نیست. از همین روست که به عنوان مثال،
لمرت (E. M. Lemert) در اثرش به همین
نام (۱۹۵۱) بررسی رادیکالها و به طور کلی
رادیکالیسم را نیز در همین زمینه قرار می دهد.
همچنین کارکرد گرایان به هنگام طرح تمامی
امور دارای دژکارکرد (Dysfunction)،
آنان را در همین قلمرو جای می دهند.

ر. ک. Drug addiction

Delinquency/ Deviance,

Pathology/ Alcoholism.

Criminology.

ادراك اجتماعی Social perception

این مفهوم در تاکید بر ابعاد اجتماعی
ادراك بکسار آمده است. بدینسان، نظر به

اینکه زمینه ذهن مشحون از تجربه های
اجتماعی است و از برخورد امر یا شیء
خارجی با این زمینه، ادراك رخ می دهد؛
پس ادراك گذشته از آنکه يك پدیده روانی است،
به درستی به عنوان پدیده ای در حوزه
روانشناسی اجتماعی، جامعه شناسی روانشناختی
و حتی جامعه شناسی مورد مطالعه قرار می گیرد.
محیط پیرامون فردی تواند چنان انگیزه هایی
در او پدید آورد که بسیاری از پدیده های
پیرامون خود را اساساً ادراك ننماید و حال
آنکه برخی دیگر از پدیده ها یا اشیاء یا
اندیشه هایی که او را در بر می گیرند باشند
و دقت تمام ادراك نمایند؛ از اینرو مفهوم
ادراك تفاوتی (Differential perception)
با ادراك تفاضلی وضع گردید که در آن بر
گزینشی بودن پدیده ادراك و تمایز ادراك
انسانها از يك پدیده و حتی تمایز ادراکی
يك انسان از يك پدیده ویژه و مشخص در
شرایط متفاوت تأکید می شود. بر همین سیاق
دیگر مباحثی نیز که در سابق صرفاً در حوزه
روانشناسی مورد مطالعه قرار می گرفت به
زمینه های جامعه شناختی راه یافت. به عنوان
مثال، مودیسی هالباکس (M. Halbwachs)
با آثارش «حافظه اجتماعی» و همچنین
«قالبهای اجتماعی حافظه» بر ابعاد سخت
اجتماعی حافظه تأکید نمود.

Social phenomena

پدیده های اجتماعی

وقایع یا حوادث و یا هر امر اجتماعی
که قابل توصیف و تبیین علمی باشد.

پدیده‌های اجتماعى موضوعات دانش اجتماعى هستند.

Phenomena ر. ک.

فلسفه اجتماعى Social philosophy

شبکه ارزشهای پذیرفته و اساسی که هم تعبیر و تفسیر داده‌ها را ممکن می‌سازد و هم تعیین‌کننده مسیر حرکت اجتماعى وحتی در مواردی دانش اجتماعى هستند. بدینقرار، هیچ برنامه‌ریزی اجتماعى، هیچ خط مشى سیاسى و بطور کلی هیچ اقدام در سطح جامعه‌شناسى کلان بدرستى صورت پذیر نیست مگر آنکه فلسفه اجتماعى آن جامعه معین شده باشد؛ ازین دیدگاه، فلسفه اجتماعى زیربنای سازمان جامعه است، همانطور که کلید فهم پدیده‌های خاص اجتماعى بحساب می‌آید. وجود يك فلسفه اجتماعى مشخص موجب هماهنگی و همگنی نهادها، سازمانها و بطور کلی تمامی تأسیسات يك جامعه است.

فاز اجتماعى Social phase

هر مرحله که در طى آن يك فعالیت اجتماعى صورت می‌پذیرد. هر برنامه‌ریزی اجتماعى به معنای تقطیع فعالیتها، حرکت گام به گام بسوی هدف و در نتیجه تعیین فازهای اجتماعى است.

فیزیک اجتماعى Social physics

اصطلاحی است از اگوست کنت (A. Comte) وی در ابتدا جامعه‌شناسى را بدین نام می‌خواند. معانى نهفته دراین مفهوم، گویای گرایشایی است از قبیل:

– اثبات گرایی یا مکتب اثباتى (Positivism) که دقیقاً کنت از بنیانگزاران و پیروان آن بود.

مکتب مکانیکی Mechanicism

که اصحاب آن درصدد تبیین جهان با قوانین مکانیک برمی‌آمدند و با مکتب اثباتى تشابهاتی دارد.

– مکتب کلاسیک Classicism

که شامل کلاسیکها در جامعه‌شناسى می‌شود. اینان با خوش بینی تمام، ناشی از بازیابی قوانین طبیعى، در جستجوی یافتن قوانین خاص رفتار انسان بودند؛ پس هم نشانی از خوش بینی (Optimism) درخود داشتند، هم به قوانین کلی (General laws) می‌اندیشیدند، هم بین علوم طبیعى و انسانی نزدیکی احساس می‌نمودند.

ر. ک. Social chemistry, Positivism/ Mechanicism. Behaviorism

Social planning

برنامه‌ریزی اجتماعى

این واژه در سالهای اخیر، مخصوصاً در امریکامحتوایی سوسیالیستی یافته و طرفداران فردگرایی و سرمایه‌داری لیبرال را به واکنش واداشته است.

کشاکش اجتماعى Social polarity

تناقض نیروها، تضاد و کشمکش آنان بایکدیگر آنچنانکه تعادل نظام را به هم ریزد

گاه فشار اجتماعی موجبات تأثیر بر جهان احساسی انسانها را فراهم می‌سازد.

Social policy

سیاست اجتماعی- خط‌مشی اجتماعی

دیدنی منتظم، پایا و منبعث از فلسفه اجتماعی در باب راهبری جامعه، کنترل و تنسيق آن. از جمله سیاستهای اجتماعی عبارتند از اشتراک‌سازی (Collectivization)، تمرکز بخشی (Centralization)، بازسازی و تجدید حیات (Regeneration).

Social potential

توان اجتماعی بالقوه

توان یا ظرفیت هر نهاد، سازمان و یا گروه اجتماعی در اثر بخشی بر نوع، آهنگ، جهت و نحوه بروز دیگر گونی اجتماعی. با مفهوم توان (Valence) یکی نیست. بدان د.ک.

Social potentiality

میزان توان اجتماعی

Social pluralism

چندگرایی اجتماعی

Pluralism

د.ک.

Social pressure

فشار اجتماعی

(۱) نیروهای بالفعل یا بالقوه اجتماعی در جهت کنترل اندیشه رفتار یا عمل انسانها و یا هدایت آن در مسیری خاص (ص ۲۰) در معنای اخص، فشار اجتماعی بر افکار عمومی اطلاق می‌شود. بسیاری در این اندیشه‌اند که

Social problem

مسأله اجتماعی

I- شرایط یا وضعی عینی، یا ذهنی، کوتاه مدت یا دراز مدت، عاجل یا غیرعاجل، بی سابقه یا دارای سابقه ای دیرین (مزمین) واقعی یا خیالی که در حیات اجتماعی پدید آید و شمار معتابیهی از انسانها را دربر گیرد. با مسأله یا مسائل جامعه شناختی از آن رو تباین دارد که مسائل اخیر مرتبط با معرفت‌اند، زمانی پدید می‌آیند که رابطه بین دو یا چند پدیده ناشناخته است- و حال آنکه «مسأله اجتماعی زمانی پدید می‌آید که وضع موجود از وضعی که با توجه به ارزشهای چندمرجع شناخته می‌شود؛ انحراف پذیرد.»

(L. Wirth: Contemporary

Social problems P: 4)

II- با توجه به گستردگی مفهوم، آن چنانکه از سطور بالا برمی‌آید و همچنین ابعاد ارزشی خاص آن، هر کس پدیده یا پدیده‌هایی را در زمره مسائل اجتماعی برمی‌شمارد؛ به عنوان مثال، صورتی که دز (A. M. Rose) از مسائل اجتماعی مطرح می‌سازد، چنین است: او «مسائل اجتماعی دراز مدت در جامعه غربی را بزه کاری جوانان، جنایت، اعتیاد مزمن به مشروبات الکلی، طلاق، خودکشی، نابسامانی روانی، بیکاری، فساد در دولت، وضع مسکن، تبعیضات، خرافات، حلبی آبادها و... می‌داند.

(*Sociology, the study of human relations* P: 452)

III- در زمینه علل و عوامل بروز

مسائل اجتماعی نیز نظرها یکسان نیست. برخی چون آگبرن (F. Ogburn) بر تاخیر فرهنگی (Cultural lag) تأکید می‌ورزند. برخی دیگر چون دورکیم (E. Durkheim) نظریهٔ خلاء اجتماعی را مطرح می‌سازند و یا بر بی‌هنجاری (Anomie) تأکید دارند، بسیاری بر از خودبیگانگی به عنوان عامل اصلی تأکید می‌ورزند. هرمان (A. P. Herman) در اثرش «دیگرگی بر مسائل اجتماعی» می‌نویسد: «زمانی مسائل اجتماعی پدید می‌آیند و نیز مسائل موجود تشدید می‌شوند که جامعه ابزارهای دگرگونی را پدید می‌آورد یا می‌پذیرد، بدون آنکه بتواند نتایج مترتب بر آنان را درک یا پیش‌بینی نماید و وسایل لازم جهت برخوردی درست با آنان را تعبیه نموده باشد.»

(*An approach to the social problems*. 1949)

Cultural lag/ Durkheim, ر. ک. Alienation.

فرآوردهٔ اجتماعی Social product

محصول جمع یا نتیجه عینی، ملموس و یا غیرملموس کار یک واحد اجتماعی.

ترقی اجتماعی Social progress

دگرگونی اجتماعی یا هر حرکت

اجتماعی در جهت هدفی مقبول و یا مورد آرزو. باید توجه داشت که:

— جامعه از پاگردها، لایه‌ها و قشرهای گوناگون تشکیل شده و ترقی آن در همه این سطوح با یک آهنگ نیست.

— تمامی عناصر متشکله جامعه لزوماً در یک جهت حرکت نخواهند کرد، بنابراین می‌توان گفت جامعه‌ای می‌تواند از جهتی به ترقی نایل آید و از جهت یا جهاتی دیگر سقوط نماید. (اشپنگلر در اثرش سقوط غرب از ترقی مادی و انحطاط معنوی جوامع غربی یاد می‌کند).

— مفهوم ترقی اجتماعی دارای بار ارزشی، عاطفی و ذهنی است، بنابراین باید پذیرفت که همواره عقایدی یکسان در باب آن وجود نداشته باشد (آنچه را که یکی ترقی می‌داند، دیگری سقوط خطاب کند).

— ترقی اجتماعی، نسبی است و همواره در مقایسه با مقیاسهای زمانی و مکانی برآورد می‌شود.

بدینسان، معیارهای ترقی اجتماعی، اهداف آن و شیوه‌های وصول بدان را باید در چارچوب فلسفه اجتماعی شناخت.

ر. ک. Progress/ Progressivism. Philosophy of history/ Decadence

نشر اجتماعی Social propagation

نشر یا پخش اندیشه‌ها، آرمانها و باورها در بین افراد و گروههایی چند؛ با مفاهیم اشاعه (Diffusion) و هم تسری اجتماعی

(Social contagion) نزدیک است (بدان)

ر. ک.

Diffusionism

ر. ک.

Social prophylaxis

پیشگیری اجتماعی

جلو گیری از بروز وقایع سخت، یا هر آسیب اجتماعی با اقدامات پیشین.

Social protoplasm

کانون نوآر اجتماعی

واحد یا عنصری کوچک، بهم پیوسته در درون یک جامعه یا خارج از آن که حاوی جوانه های اندیشه های نو و سازمان نوین اجتماعی است.

Social provision امکانات اجتماعی

هر آنچه جامعه در شکوفایی یا بطور کلی رفاه افراد تقبل می نماید. (ایجاد راه، تامین آب، برق، مدرسه و...). این امکانات می تواند صرفاً در جهت بقا زیستی افراد ارائه شوند، یا آنکه ابعاد هنری و فرهنگی یا بند. هزینه آنان می تواند توسط استفاده کنندگان مستقیماً تامین شود یا آنکه بطور غیرمستقیم از طریق مالیاتهای عمومی.

Social psychiatry

روانپزشکی اجتماعی

واژه ای است جدید که بر مطالعاتی چند در قلمرو بهداشت روانی اطلاق می شود. این مطالعات از آنجا آغاز شد که بسیاری از روانکاوان بر آن شدند که بر محیط اجتماعی پیرامون فرد در شناخت نابسامانیهای

روانی او تاکید بیشتر نمایند.

Labeling theory

ر. ک.

Community psychiatry.

Social psychology

روانشناسی اجتماعی

I- مطالعه دنیای روانی انسانهاست با توجه ویژه به زمینه های اجتماعی آنان؛ همچنین شناخت فعل و انفعال (تعامل) افراد در داخل گروههاست. در روانشناسی اجتماعی پیدایی «من اجتماعی» و تکوین آن و همچنین تطابق انسانها با یکدیگر مطرح نظر قرار می گیرد. روانشناسی اجتماعی دانشی است که از پیوند دانشهای گوناگون مخصوصاً جامعه شناسی، روانشناسی و مردم شناسی پدید آمده است. برجهات کاربردی و عملی تأکید فراوان دارد. شیوه های مبتنی بر هم سنجی (Comparative) را بسیار مورد استفاده قرار می دهد؛ همانطور که مطالعات گوناگون بر روی گروههای کوچک در آن بسیار رایج است.

II- با توجه به قرار گرفتن این دانش

در تقاطع چند دانش اساسی، نظر دانشمندان نیز در مورد محدوده مطالعات آن متفاوت است. دانشمندی چون هابهاوس (L. F. Hobhouse) و مک دوگال (Mac Dougall) محدوده این دانش را بطور خلاصه چنین عنوان می کنند:

(۱) بنابر نظر هابهاوس، دو مساله اساسی که در برابر این دانش قرار دارند، عبارتند

— اثرات اجتماعی بر حافظه، ادراک و انگیزه‌ها.

— عقاید، عقاید جمعی، خرافات، عقاید قالبی (Stereotypes) و آمادگیهای روانی (Attitudes) و افکار عمومی.

— رهبری و شیوه‌های خاص آن: اقناع، الزام و...

IV- به‌طور کلی دو دیدگاه اساسی در زمینه این دانش وجود دارد: الف) آنانکه تمایل بیشتری به روانشناسی و شاخه‌های خاص آن دارند. ب) آنانکه بسوی جامعه‌شناسی گرایش بیشتر دارند؛ گروه اول خود به‌سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- آنانکه انسان را همچون موجودی می‌دانند تابع نیازهایی نامشخص و در برابر محیطی که این نیازها را ارضاء یا رها و یا سرکوب می‌سازد. این مکتب رفتارگراست و درصدد بازیابی نظریه‌ای در باب رفتار اجتماعی انسان. از معروفترین طرفداران آن اسکینر (B. F. Skinner) است.

۲- آنانکه بر فرد همچون موجودی می‌نگرند که در برابر دیگران به‌نحوی عمل می‌کند که به‌نظر خودش بهترین شیوه در راه انطباق او به‌عنوان يك «اورگانیزم» با محیط پیرامون است. اینان را روانشناسان گشتالات می‌خوانند و کودت لوین (Kurt Lewin) از سرآمدان آنان است.

۳- آنانکه رفتار انسان را با توجه به انگیزه‌های خاص فرد در برخورد با جهان اجتماعی کم‌وبیش حرمان انگیز پیرامونش تحلیل می‌نمایند. این دیدگاه روانکاوانه‌است

از: الف: عناصر مشخصه ذهن انسان که روابط اجتماعی انسان را تعیین می‌کند، کدامند؟
ب: روابط اجتماعی چگونه بر ذهن اثر می‌نهند و تمایلات طبیعی را رشد بخشیده یا دگرگون می‌سازند؟

۲) دیدگاه دوگال بعنوان یکی از پیشگامان این رشته در زمینه محدوده کار روانشناسی اجتماعی از این نظر موجزتر است: بزعم او «مسأله اساسی در روانشناسی اجتماعی (صرفاً) اخلاقی نمودن فرد توسط جامعه‌ای است که در آن تمایلات خودخواهانه محض قوی‌تر از گرایشهای دیگرخواهانه تجلی دارند».

(Social psychology, P. 16)

III- از نظر موضوعی، یعنی مطالب و موضوعاتی که در قلمرو این دانش قرار می‌گیرند؛ باز عقاید یکسان نیست، لیک، به‌طور کلی می‌توان گفت اهم مباحث آن بدینقرارند:
— اجتماعی شدن که با پذیرش و جذب دانسته‌ها، آداب و سنن اجتماعی توسط افراد ارتباط دارد؛ همچنین، فرایند هم‌نوایی و جذب هنجارهای اجتماعی.

— تنوع رفتار انسانی با توجه به شرایط اجتماعی که با ادراک، به یادسپاری و انواع رفتار عقلانی و عاطفی ارتباط می‌یابد.
— بینشی که هر کس در باب فرد انسانی و آگاهی که در مورد خویشتن دارد.

— تعامل بین انسانها، شیوه‌ها، جریانه‌ها و وسایل آن (نظیر زبان و ابزار ارتباط جمعی)
— مباحث روانشناسی جمعی که با تشکیل، جریان و گسترش حالات عاطفی در جمعه مرتبط است.

- و به دو جزء ۱) فروید گرایی راستین
(orthodox freudism) ۲) و مکانیستی چندی که
با الهام از فروید اما با تفاوتی به رهبری
یونگ، فرام و ... پدید آمده اند، تقسیم
می شود.
- گروه دوم، یعنی آنانکه در روانشناسی
اجتماعی به جامعه شناسی تاکید بیشتر دارند،
مکتب تعامل نمادی را بنیان نهاده اند.
- ر. ک. Symbolic interactionism.
Communication/ Public opinion.
Attitude/ Stereotype/ opinion.
Interaction/ Personality/ Group
dynamics/ Socialization.
- و واقع گرایی اجتماعی Social realism
ر. ک. Realism
- Social reconstruction
بازسازی اجتماعی
سازماندهی مجدد يك جامعه در کلیت و
هم ابعاد آن.
- تفریح اجتماعی Social recreation
ر. ک. Recreation
- اصلاح اجتماعی Social reform
ر. ک. Reform
- Social reorganization
سازماندهی مجدد اجتماعی - بازسازمانی
اجتماعی
استقرار نظامی نو در مناسبات و بنیان
ارزشهای تازه در يك گروه یا جامعه، مخصوصاً
بعد از يك دوران بی سازمانی یا دگرگونی
- سریع اجتماعی.
- تحقیق اجتماعی Social research
ر. ک. Research
- منابع اجتماعی Social resources
تمامی انسانها، سازمانها، نهادها یا هر
آنچه در جهت رفاه مردم يك جامعه و حل
مشکلات آنان پدید آمده و در خلال قرون غنا
و ارتقاء یافته است. امروزه بر منابع انسانی
به عنوان مهمترین، پایا ترین و غنی ترین ثروت
ملی تاکید دارند. از اینرو به اصطلاح آلفرد
سوی (A. Sauvy) بیشترین هزینه ها را در
راه آماده سازی انسانها (از طریق آموزش)
مصرف می نمایند.
- ممانعت اجتماعی Social restraint
۱) کنترل منفی اعمال شده در داخل
يك گروه یا جامعه. ۲) شرایطی که
در آن بعضی از اشکال نفسی، یا نهی و یا
منع توسط گروه یا جامعه بر افرادش تحمیل
می شود.
- ر. ک. Social inhibition
- Social retrogression
واشت اجتماعی-پس روی اجتماعی
در برابر پیشروی اجتماعی
(Social progression) است. واپس گرایی
سیر قهرایی در ارزشها، اندیشه ها و چگونگی
شکل گیری نظام اجتماعی است.
- نقشهای اجتماعی Social roles

از اهم مباحث در جامعه‌شناسی، روانشناسی انسانشناسی و بسیاری دیگر از شاخه‌های دانش انسانی است. آنچه‌آنکه بدرستی می‌توان گفت هیچ‌یک از این دانش‌ها فارغ از این مبحث نیست. نقش‌های اجتماعی به زبان ساده، تجلی‌گاه شخصیت و روزنه‌ای در برونی‌سازی محتوای آنند. از دیدی دیگر، نقش‌های اجتماعی رفتارهایی مورد انتظار جامعه‌اند که پیرامون يك وضع اجتماعی (Social position) جای دارند.

I- نظریه‌ها:

الف: در روانشناسی اجتماعی بحث از نقش‌های اجتماعی توسط هوبرت مید (G. H. Mead) آغاز گردید. از نظر وی، جامعه، رشد شخصیت و ارتباط با دیگران، در ارتباط متقابل با یکدیگرند. از این دیدگاه، توانایی ایجاد ارتباط با دیگران، به معنای برخورداری از توانایی احراز نقش دیگر است. مید، این مفهوم را در جهت حل مسأله ارتباط بین «من‌ها» بکار برد. به نظرش اساس هر ارتباط و در نهایت هر جامعه احراز توان ایفای نقش‌هایی است که توسط دیگران و در ارتباط با ما صورت می‌پذیرد. مثالی که در این جهت ارائه می‌نمود، يك دسته ورزشی بود که هر يك از اعضا آن در جریان مسابقه جای خود را با دیگری عوض نمایند و به عبارتی بتوانند خود را بجای دیگری قرار دهند.

اندیشه مید در این مورد در اثرش

«ذهن، من و جامعه» (Mind, Self and Society, 1934) مطرح گردیده و بر محور رابطه بین نقش و من اجتماعی دور می‌زند. به بیان دیگر، هدف او شناخت فرایند است که از خلال آن کودک به صورت يك موجود اجتماعی درمی‌آید. مید معتقد است سه مرحله اساسی در رشد من اجتماعی کودک و در نهایت یادگیری نقش‌های اجتماعی توسط وی وجود دارند: (۱) تقلید کورکورانه، (۲) بازی فردی، (۳) بازی گروهی.

در این دیدگاه تمامی فرایند اجتماعی شدن از آغاز با پدیده نقش‌ها و ایفای آن می‌آمیزد، از اینرو بزعم ژرژ گورویچ «این نقطه نظر هر چند عمیق و لیک اغراق آمیز است. چه، تمامی فرایند ارتباط و حتی جامعه رادر نقش‌ها دیده است. در این دیدگاه فراموش می‌شود که این نقش‌ها و رابطه‌ها، جز بر اساس «ما‌ها»، گروه‌ها، مجموعه‌هایی که هم‌چارچوب مبادله نقش‌ها هستند و هم خود نقش‌هایی می‌پذیرند، صورت پذیر نیستند.»

(G. Gurvitch, Vocation
actuelle de la sociologie, Tome 1
P: 84)

ب: بادر نظر گرفتن همین جهات منفی و به منظور ارائه تعریفی درست از نقش‌های اجتماعی، انسان‌شناس امریکایی لیتن (R. Linton)، با توجه به مفهوم پایگاه اجتماعی (Social status) سعی در ارائه تعریفی وسیع از نقش‌های اجتماعی نموده است.

از نظر لیتن (R. Linton) «پایگاه عبارت است از مجموعه‌ای از حقوق و وظایف و نقش عبارتست از جنبه پویای یک پایگاه، بدین معنی که اعمال حقوق و وظایف، ایفای نقش خواهد بود»

(The study of man

, PP : 113 - 4)

این تعریف از نقش اجتماعی مورد قبول پارسونز (T. Parsons) و همچنین رادکلیف براون (R. Radcliffe-Brown) نیز قرار گرفته است.

اما باید گفت، این تعریف از جانبی بسیار ساده‌اندیشانه و از جانب دیگر بسیار کوتاه، محدود و سطحی می‌نماید. به زعم گوردیچ (G. Gurvitch) «لیتن با این تعریف که از نقش اجتماعی می‌دهد، نقشهای اجتماعی را با حقوق ذهنی» و پایگاه را با «حقوق عینی که از قزنها قبل حقوقدانان می‌شناسند، یکسان شمرده است»

(G. Gurvitch, P : 86)

ازینرو، لیتن در اثری دیگر با نام زمینه فرهنگی شخصیت (The cultural background of personality, 1946) که به همراه کاردینر (Kardiner) تهیه می‌نمود، می‌نویسد: «نقشها اجزاء لاینفک عناصر فرهنگی فردند و... این مفهوم مجموعه کلی الگوهای فرهنگی پیوسته با پایگاهی خاص را می‌رساند. پس، شامل طرز تلقی‌ها، ارزشها و رفتارهایی می‌شود که جامعه بر هر یک یا تمامی افرادی که این پایگاه را احراز نموده‌اند، تفویض می‌دارد.

حتی، این مفهوم می‌تواند تا آنجا بسط یابد که انتظارات مشروع افراد را در برابر رفتار دیگرانی با پایگاههای اجتماعی دیگر در درون همان نظام نیز شامل شود» (G. Gurvitch, P : 85)

این تعریف بغایت وسیع (در برابر محدودیت تعریف اولش) مفهوم را همانطور که سودرکین (P. Sorokin) در اثرش «جامعه، فرهنگ و شخصیت» (۱۹۴۷) مطرح کرده، فاقد دقت و کارایی می‌سازد.

پ - نظر زنائیچ (F. Znaniecki)

در باره نقشهای اجتماعی بین دیدگاه مید از طرفی و دید لیتن از طرف دیگر قرار می‌گیرد، او برای نقشهای اجتماعی دو جنبه قائل است، جامعه‌شناسی و روانی - اجتماعی همچنین او برای نقش اجتماعی ابعاد بسیار متنوع می‌بیند، چه، از نظر او پیدایی، و ایفای نقش، ابعاد زیستی، فرهنگی، اقتصاد و به طور کلی اجتماعی دارند. او نه تنها نقشهای اجتماعی را در سطح فردی می‌بیند، بلکه برای گروههای اجتماعی نیز نقشهایی قائل است و اثرش با نام «نقش اجتماعی اهل معرفت» (۱۹۴۰) با هدف نشان دادن نقش اجتماعی روشنفکران و دانشمندان در جوامع گوناگون پدید آمد.

ت: نظرات مودنو (J. Moreno) نیز در مورد نقشهای اجتماعی از جهاتی بسیار جالب و بحث‌انگیز بوده است. مودنو در توافق با مید، بر این اعتقاد است که بازی نقش قبل از پیدایی «من» رخ می‌دهد و «من» از نقشهای

اساسى نقش‌هاى اجتماعى را مى‌توان بدین قرار برشمرد:

۱) نقش‌هاى اجتماعى پدیده‌هائى نه فردى، بلکه دقیقاً جمعى هستند. ۲) در هر جامعه و هر زمان گروه‌هاى اجتماعى نقش‌هاى یى و یژه برعهده دارند. پویایی جامعه و گروه‌ها را مى‌توان با توجه به دگرگونی نقش‌هاى آنان سنجید. ۳) هر نقش با انتظاری خاص از جانب دیگران همراه است و عدم ایفای درست آن موجبات تعجب دیگران را فراهم مى‌سازد. ۴) تعدد نقش‌هاى انسان در همه جوامع وجود داشته است، اما جامعه جدید با تعدد حرف و سمت‌ها، بر شمار نقش‌ها افزوده است. ۵) تنوع نقش‌ها امری طبیعی است و برگوناگونى پایگاه‌هاى اجتماعى متكى است ولی، تخالف نقش‌ها مشکل‌آفرین است و اصطلاح کشمکش نقش‌ها (Role conflict) را جامعه‌شناسان آنگلو ساکسون به‌همین منظور و در جهت شناخت عواقب اجتماعى و روانى و حتى اقتصادى ناهمسازی نقش‌هاى اجتماعى بکار برده‌اند. کشمکش نقش‌ها از دو سو برای فرد و جامعه مشکل‌بار مى‌آورد: ۱) از نظر فردى. تخالف نقش‌ها و بالطبع کشمکش بین آنان آمادگی ذهنی مداوم را ضرورى سازد. به‌عنوان مثال، يك خانم که در عین حال در خانه يك زن-مادر و در بیرون مدیر يك سازمان است، با دو شبکه از نقش‌هاى متخالف مواجهه است. در بیرون و بهنگام اداره سازمانش، باید بتواند فرماندهی مقول و کارآ باشد، از اینرو، استجکام شخصیت و قدرت

اجتماعى منبعث مى‌شود. او در اثرش «مبانی گروه‌سنجی» بر این نکته تأکید مى‌نماید که نقش‌هاى اجتماعى جدا و تک افتاده نیستند، بلکه خوشه یا شبکه‌ای را تشکیل مى‌دهند، براساس نظر او نقش‌ها مهمترین و تنها عامل در تعیین فضای شخصیت‌اند.

بزم مودنو، يك نقش زمانى به‌صورت يك نقش اجتماعى درمی‌آید که در يك زمینه اجتماعى قرار گیرد. ایفای نقش موجبات تجلی شخصیت را فراهم مى‌کند و از این دیدگاه نحوه ایفای نقش روزنه‌ای بر شناخت شخصیت افراد است. او تا آنجا پیش مى‌رود که ایفای نقش دیگری را همچون وسیله‌ای در راه نقش درمانى (Role therapy) مى‌داند. واژه نقش‌بازی (Role playing) را نیز او به‌همین منظور ابداع کرده است و آنرا قبول نقش دیگری مى‌داند به‌طور موقت و در جهت افزایش احساس مشترك (Empathy). به‌عنوان مثال، يك معلم در نقش شاگرد و يك شاگرد در نقش معلم ظاهر مى‌شوند تا هر دو مسائل یکدیگر را بهتر درک کنند. او نقش درمانى و نقش بازی را در راه بهبود هم روابط فردى و هم افزایش وفاق اجتماعى (Social consensus) پیشنهاد مى‌نماید.

II- ویژگی‌ها:

الف - از تعاریف بالا و همچنین نظریه‌هاى گوناگونى که در مورد نقش اجتماعى مطرح گردید، پیچیدگی نقش‌هاى اجتماعى، تعدد آنان و همچنین اهمیت محث نقش اجتماعى در دانش اجتماعى بر مى‌آید؛ چند مشخصه

مدیریت اقتضا می‌کند که افراد خاطی را جزا دهد. در حالی که در خانه و بعنوان همسر، او باید مشحون از عواطف و هم پذیرای دستورات رئیس خانه باشد. کوچکترین اشتباه و فراموشی نقشهایش در خانه و بیرون به تنازع می‌انجامد. (۲) از نظر اجتماعی، تخالف نقشها و کشمکش مترتب بر آن، موجبات بروز تخالف بین انسانها و گروهها و به خطر افتادن وفاق اجتماعی را فراهم می‌سازد.

— هودنو در تشریح پیوست نقشها، مفهوم نقش خوشه (Role cluster) را وضع کرده. مرتن (R. K. Merton) در اثرش با نام «نظریه اجتماعی و ساخت اجتماعی» مفهوم «زنجیره اجتماعی» را در جهت نشان دادن همین تعدد و در عین حال پیوستگی نقشهای اجتماعی بکار برده است و از آن مجموعه به هم پیوسته‌ای از نقشها را پیرامون یک پایگاه مستفاد می‌دارد. به عنوان مثال، یک پزشک در برابر بیمارانش نقشی به عهده دارد، همانطور که در برابر همکارانش، افراد مافوقش، زیردستانش و...

به زعم گوردیچ، مبحث تعدد نقشهای اجتماعی خط بطلان بر خوی شناسی (Characterology) می‌زند؛ چه، در این دانش، تعدد جوانب یک انسان با توجه به نقشهایی که در شرایط مختلف ایفا می‌نماید، فراموش می‌شود. همچنین بحث نقشها، از همین دیدگاه نسبیست مفاهیمی چون محافظه کار (Conservative)، انقلابی و... واهی و ساند.

خاص با توجه به نحوه عملش در شرایطی با توجه به دیگر افراد و یا دیگر گروهها سخت انقلابی می‌نماید و حال آنکه همین فرد یا گروه در شرایطی دیگر و در برابر گروه یا فردی دیگر ممکن است سخت محافظه کار جلوه کند. علاوه بر این، از همین دیدگاه در برابر نقشهای اجتماعی بر می‌آید که رهبر یا آنچه مورنو (Moreno) و جنینگر (Jennings) فرد محور (As) می‌خوانند، یعنی آنکه در یک جمع بیش از همه مورد علاقه دیگران است و شبکه‌ای بسیار مترکم از ارتباط با دیگران تشکیل می‌دهد، در گروهی دیگر می‌تواند یک فرد منزوی باشد. (همانطور که یک فرد به عنوان معلم در کلاسش و به جهت نقشش سخت تابع انتظام کلاس است، در حالی که هم او در کلاسی دیگر به عنوان شاگرد ممکن است رعایت نظم نکند.

ب: نقشهای اجتماعی در عمل بصورتی یکسان اعمال نمی‌شوند. در حقیقت الگوی آرمانی یک نقش که توسط جامعه وضع می‌شود، به هنگام عمل با شخصیت فرد می‌آمیزد و در هر فرد چهره‌ای خاص بخود می‌گیرد، همین نظر را با دیدگاههای بالنسبه متفاوت می‌توان دید:

— گفمن (E. Goffman) با اصطلاح فاصله‌گیری از نقش (Role distance) از آن یاد می‌کند. به نظر او، فاصله‌گیری با نقش، مظهر تجلی شخصیت فردی است. مثالی که گفمن بدان اشارت دارد، چرخ فلک بلزی کودکان است. بدین قریب که کودکان تمایل

دارند فقط سوار اسب چوبی شوند ، بلکه حرکاتى به ظاهر زائد نیز نشان مى دهند. این حرکات نشان از فاصله گیرى با نقش دارد و مظهر آن است که کودک در نظر ندارد، فقط به سوارى ساده بر اسب چوبى پردازد، بلکه انگك خاص شخصیت خود را نیز بر آن مى زند.

– نیوکمب (T. M. Newcomb) مفهوم رفتار نقش (Role behavior) را در همین زمینه بکار مى برد و در اثرش «روانشناسى اجتماعى» (۱۹۵۱) با رد تعاریف مودنو و نزدیکى با تعریفى که لیتتن از نقش اجتماعى ارائه مى دهد، بین نقش رفتارى یا آنچه در سطح جامعه تعبیه و پذیرفته شده است با رفتار واقعی (Actual behavior) تمایز قائل مى شود. بدینسان تمام معلمین مفروض به داشتن نقشهائى مشابهند، اما هیچکدام مانند دیگرى به ایفای آنان نمى پردازد و هر کلاس درس رنگى خاص مى یابد.

از همین رو ساربین (T. R. Sarbin) در اثرش با نام «نظریه نقش» (Role theory) که در مجموعه کتاب روانشناسى اجتماعى (Hand-book of social psychology, volume 1, 1959) به رهبرى لیندزى (G. Lindzey) منتشر ساخته مفهوم تصویب نقش (Role enactment) را با دید خاص خود مطرح مى سازد. بنظرش ایفای نقش توسط فرد هر چند با هنجارهای وضع شده از جانب جامعه در همین نقش

تشابه دارد ولى این دو یکسان نیستند و، این نایکسانى بدعالمى گوناگون رخ مى دهد. نظیر ، عدم برداشت یکسان از هنجارهای اجتماعى، امکانات گوناگون و نایکسان افراد، فرایند نایکسان اجتماعى شدن و ... از اینرو، وضع نقش یا نقش گذارى با انجام یا تحقق نقش (Role performance) تمایز دارد و جزء اعظم فرایند اجتماعى شدن نقش آموزى (Role training) است از طریق نزدیک شدن هر چه بیشتر نقش آرمان و اجرای نقش در عمل.

– مرتن (R. Merton) با همین دیدگاه به نقش عواملی چند ، که موجبات تشابه نقشهائى فرد را فراهم مى سازد، اشاره نمود، از مدل نقش (Role model) یاد مى کند که خود به نقش شخصى اطلاق مى شود که رفتار، اعمال و واکنشهایش سرمشق دیگرى یا دیگران باشد. نقش پذیران بدو تأسى مى کنند و درصدد آنند تا همانند او شوند. مرتن بین فرد مرجع (Reference individual) و مدل نقش تمیز قائل مى شود. بزعم او ، در مورد اول شخص سعی مى کند، هر چه بیشتر به فرد مرجع نزدیک و تا حد امکان همانند او شود اما، در مورد دوم (مدل نقش) این تمایل شدت کمتری دارد.

اصطلاح داد و ستد نقشهها (bargaining)

(Role) نیز جلوه‌ای است از همین پدیده. نقش اجتماعى یک فرد پدیده‌ای مجرد نیست، در فرایند روزمره حیات اجتماعى شکل مى گیرد و

در برخورد با پذیرا (Passive roles). در جریان کنش متقابل اجتماعی، تمام نقشهای انسانی ملازم با انجام عمل نیست. در مواردی ترک فعل یا عدم انجام فعل در زمره نقشهای فرد به شمار می‌رود.

Ascriptive social roles

نقشهای اجتماعی منتسب - انتسابی

Aspired ~ نقشهای اجتماعی مورد آرزو

Assigned ~ نقشهای اجتماعی محول

Ideal ~ نقشهای اجتماعی آرمانی

Imaginary ~ نقشهای اجتماعی تخیلی

Imposed ~ نقشهای اجتماعی تحمیلی

Organized ~

نقشهای اجتماعی سازمان یافته

Perceived ~ نقشهای اجتماعی مدرک

Privileged ~ نقشهای اجتماعی ممتاز

Real ~ نقشهای اجتماعی واقعی

Spontaneous ~

نقشهای اجتماعی ارتجالی

Symbolic ~ نقشهای اجتماعی نمادی

Unexpected ~

نقشهای اجتماعی غیرمنتظر

Unreal ~ نقشهای اجتماعی غیر واقعی

Unstructured ~

نقشهای اجتماعی ساخت نایافته

Usual ~ نقشهای اجتماعی معمولی

Social sanction

ضمانت اجرای اجتماعی؛ باد افراه اجتماعی مجازاتهای اجتماعی

دیگران تجلی می‌کند.

در واقع، زمانی که دو نفر در جریان ارتباطی قرار می‌گیرند، فضای ارتباطی خاصی پدید می‌آید که در آن هر یک از طرفین آگاهانه یا بطور نا آگاه سعی در درک دیگری، انطباق با او و در هر حال کمک در تعادل فضای ارتباطی می‌کند.

هر چند هر فرد به طور کلی گرایش به اعمال یا ایفای نقش دارد، ولی، در مواردی چند، از عهده انجام درست نقش خویش بر نمی‌آید. کرت (H. D. Kirt) اصطلاح نقش مانع (Role handicap) را برای نشان دادن همین امر وارد علوم اجتماعی کرد. این اصطلاح، وضعی را می‌رساند که در آن به لحاظ عواملی چند فرد از عهده ایفای نقش بر نمی‌آید. بعنوان مثال، پدر یا مادر خوانده‌ها بهنگام سوگواری در مرگ فرزند خواننده خود، با تمسخر، سردی و گاه تعجب دیگران مواجه می‌شوند. در حالی که چه بسا غم آنان کمتر از پدر یا مادر اصلی نیز نباشد. این وضع موجبات بروز پدیده‌هایی چون نقش سرکوب (Role repression) و... را فراهم می‌کند.

III- انواع:

Accepted social roles

نقشهای اجتماعی پذیرفته

Achieved ~

نقشهای اجتماعی محقق

Active ~ نقش اجتماعی فعال

نقشی ملازم با فعالیت در برابر نقشهای

هر نوع تهدید به مجازات یا هر وعده پاداش که توسط جامعه یا گروه در جهت تنظیم و کنترل رفتار افراد اعمال شود. ضمانت اجرای حقوقى نوعى از ضمانت اجرای اجتماعى است.

ر. ك. Economic sanction/ sanction

دانشهای اجتماعى Social sciences

ر. ك. Science

خدمات اجتماعى Social service

در اصطلاح به كوششهای سازمان یافته اى اطلاق می شود كه در جهت رفاه محرومین بكار مى آید. مسد كاری اجتماعى- (Social work) بعد حرفه اى این كوشش را مى رسانند.

Social service exchange

دفتر خدمات اجتماعى

كانونى كه در آن نام و نشان افراد نیازمند به هر خدمت اجتماعى آمده است.

Social spiral change

دگرگونیهای اجتماعى مارپیچى

ر. ك. Social change

استاندارد اجتماعى Social standard

الگوهاىى سنجیده، آزموده و مشخص كه رفتار اجتماعى افراد با آنها مورد ارزیابى قرار مى گیرد.

ایستایی اجتماعى Social staticism

بامفهوم Sociostaticism مترادف است و در برابر پویایى اجتماعى

(Social dynamism) قرار مى گیرد.

ایستائی اجتماعى مطلق نیست. چه، هر گز هیچ گروه یا جامعه اى در سکون مطلق نمى ماند؛ با ایستایی شناسى اجتماعى یکسان نیست.

آمار اجتماعى Social statistics

داده های كمى در مورد امور و مسائل جامعه انسانی.

پایگاه اجتماعى Social status

I- این مفهوم در اصل يك اصطلاح حقوقى است و مجموع توانائیهای يك فرد از نظر حقوقى از آن بر مى آید. تعبیر معروف مین (H. S. Maine) در تطور جامع از این دیدگاه چنین است؛ بزعم او، جامعه از «پایگاه» بسوی «قرارداد» تطور مى یابد. بدین معنی كه در جریان تاریخ، جامعه از حالتی كه در آن تمامی روابط انسانها در روابط خانوادگی خلاصه می شود، بسوی شرایطی پیش می رود كه در آن روابط افراد از توافق منبسط می شود.

(Ancient law, P: 170)

در فرهنگ علوم اجتماعى گوئد پایگاه چنین تعریف شده است: پایگاه اجتماعى مشخص كننده: ۱) وضع فرد یا گروه در يك نظام اجتماعى است، با انتظار متقابل عمل از دارندگان وضعى دیگر در چارچوب يك ساخت واحد ۲) مقام فرد یا گروه است با توجه به توزیع شان در يك نظام اجتماعى و در مواردی تلویحاً با در نظر گرفتن چگونگی توزیع حقوق، مسئولیتها، قدرت و اقتدار در

چارچوب همان نظام، نظیر اصطلاحاتی چون پایگاه بالا، پائین و... (۳) مقام بلند جستن با در نظر گرفتن توزیع شأن در يك نظام اجتماعی است (همانطور که از اصطلاح پایگاه جو Status seeker به برمی آید).

(*Dictionary of social sciences*
J. Gould, L. Kolb (eds), P: 692)

از دیدگاه آگین و نیمکت، پایگاه عبارت از ارزشی است که يك جمع و (گروه یا جامعه) برای نقشی خاص قائل می شوند. ا-ح- آریان پور، زمینه جامعه شناسی، ص ۱۹۹

II- با توجه به اهمیت و سابقه تاریخی پایگاه اجتماعی، نظریه های گوناگونی توسط جامعه شناسان در مورد آن ابراز گردیده است: بزعم هاکس دیو، در مقابل وضع طبقاتی که بعدی (بیشتر) اقتصادی دارد و شانس مشخصی را در دستیابی به کالاهای، شرایط خاص مادی زندگی و انتظارات شخص از زندگی را می رساند، وضع پایگاه (Status situation) با شأن و حیثیت سروکار دارد. به بیان لنتن (R. Linton) پایگاه اجتماعی عبارت از وضعی است که يك فرد در زمانی معین و نظامی خاص احراز می کند. به نظر او، پایگاه مجموع حقوق و وظایف است (در برابر نقش اجتماعی که اعمال این حقوق و وظایف را می رساند) و پایگاه اقتصادی (Economic status) که با میزان ثروت سنجیده می شود، تنها يك بعد از پایگاه اجتماعی را می رساند. عواملی دیگر، چون نژاد، نسب، مذهب و فرهنگ که

هر يك بر حسب جامعه، اعتباری خاص به افراد می بخشند، در سنجش پایگاه اجتماعی مطرح می شوند.

(*The study of man*, P: 114)

برخی دیگر پایگاه را عبارت از ارزشی می دانند که يك جمع (گروه یا جامعه) برای نقشی خاص قایل می شوند.

III- از خلال همه این نظریات، چنین به نظر می رسد که پایگاه اجتماعی وضعی است که يك شخص، یا گروه در يك نظام اجتماعی در برابر دیگران می یابد. پایگاه اجتماعی تعیین کننده حقوق و وظایف انسانها و گروه های اجتماعی است. همانطور که روابط افراد و گروه ها را با یکدیگر مشخص می دارد. پایگاه را پایه هایی است چون آموزش، ثروت، درآمد، خانواده و ... هر جامعه بهر يك و یا چند مورد از این معیارها تأکید می کند.

همچنین جامعه جدید با تعدد وظایف و نقشها، موجبات تعدد پایگاهها را فراهم می کند. جامعه شناسان جدید سخن از تنوع و گاه تعارض پایگاهها می رانند، چند نوع عمده پایگاههای اجتماعی بدین قرارند:

Achieved social status

پایگاه اجتماعی محقق

در برابر پایگاه محول، تحقق عملی پایگاه است توسط فرد یا هر عامل و یا کار گزار اجتماعی.

Ascriptive social status

پایگاه اجتماعی منتسب

در برابر پایگاه مکتسب، پایگاهی است

تفویض شده. در پایگاههای منتسب استعداد و تلاش فرد تأثیری ندارند. درحالی که پایگاههای مکتسب با تلاش فرد بدست می آیند. از اینرو پایگاه منتسب مخصوصاً در جوامع کاستی به چشم می خوردند.

Aspired social status

پایگاه اجتماعی مورد آرزو

پایگاه اجتماعی محول ~ Assigned

پایگاه اجتماعی آرمانی ~ Ideal

پایگاه اجتماعی تخیلی ~ Imaginary

پایگاه اجتماعی ممتاز ~ Privileged

پایگاه اجتماعی واقعی ~ Real

پایگاه اجتماعی نهادی ~ Symbolic

پایگاه اجتماعی غیر واقعی ~ Unreal

پایگاه اجتماعی معمولی ~ Usual

انگیزه اجتماعی Social stimulus

انگیزه‌ای که موجبات بروز پاسخی از جانب جمع (گروه یا جامعه) را فراهم کند. انگیزه‌هایی چون حوادث طبیعی یا وقایع اجتماعی که بروز عکس العمل جمعی را موجب می شوند، می توانند چنان عمیق و موثر باشند که نه تنها عمل اجتماعی، بلکه عمل تاریخی را برانگیزند.

Social stratification

قشر بندی اجتماعی

I- از مفهوم Stratum که در اصل

بمعنای جای دادن اشیاء یا گروههایی است در يك خط ممتد (Continuum)، اخذ گردیده

است. در دانش اجتماعی، نظامی خاص مبتنی بر نابرابری اجتماعی و رده بندی گروهها و افراد بر حسب سهم آنان از دستاوردهای مطلوب و حائز ارزش اجتماعی است. ماهیت این دستاوردها در تمامی جوامع یکسان نیست. اما معمولاً قدرت، ثروت و پایگاه مطمح نظرند. اشکال عمده قشر بندی اجتماعی را کاست، طبقه اجتماعی، نظام مراتب (Estates) و نظام فئودالی می دانند.

II- قشر بندی اجتماعی، بجز در بعضی

از جوامع کوچک و فاقد کثابت که در آنسان مازاد تولید وجود ندارد و لذا امکان نابرابری نیز اندك است، در اکثر جوامع جهان دیده شده است. در بعضی از جوامع زمین منبع ثروت و نابرابری است، در بعضی دیگر، مالکیت ابزار تولید و در برخی وضع فرد در سلسله مراتب اداری و قدرت مطرح است. از اینرو، نظریه های گوناگونی در زمینه قشر بندی اجتماعی وجود دارد:

این نظریه ها را بین قدمای طبیعت گرا، نظیر افلاطون و ارسطو می توان دید، همچنان که بین داروین گرایان عنوان گردیده است. در بین معاصران، هارکس سخت بدان توجه نموده است. او حرکت جوامع را در طول تاریخ از این دیدگاه مورد توجه قرار داده است. از دیدگاه او، «مطالعه قشر بندی اجتماعی با توجه به سلسله مراتب قدرت، اعتبار و درآمد، یا از طریق شناخت گروههایی

که اعضای آنان از شانس مشترك و بالنسبه مساوى، سبك زندگى مشترك، طرز تلقى ها و ایده‌ها و ازیهای مشترك در باب خود و جامعه، آگاهی از وضع طبقاتى برخوردارند و همچنین دارای احساس تعارض اساسى با دیگر گروهها هستند، صورت پذیر است. هر چند که در همه موارد، بزعم او، اساس، تسلط بر ابزار مادى تولید است و تمامى پدیده‌های دیگر نظیر قدرت سیاسى، اعتبار، وضع گروه در برابر بازار، مشتق از همان اساس اند.

(*Dictionary of social sciences*, G. Gould & L. Kolb (eds), P: 695)
 برخلاف هازکى، هاکس دیر (M. Weber) قدرت اقتصادى را که به نظر او شکل وضع در بازار را به خود مى گیرد، از دیگر شیوه‌های قدرت، مخصوصاً قدرت سیاسى و اعتبار متمایز و مجزای مى کند. از دیدگاه وبر طبقات اجتماعى که با وضع فرد یا گروه در بازار مشخص مى شوند، احزاب که دارای ایده‌ها و ازی سیاسى هستند و در صدد کسب قدرت، و گروه‌های منزلى که اعضا آنان از اعتبار یکسان و سبك زندگى مشابه برخوردارند؛ با یکدیگر در ارتباط و همبستگی متقابلند.

در بین معاصران، دیدگاه پارسنز (T. Parsons) شایان توجه است؛ او قشر بندى اجتماعى را «رده بندى تفاضى (تفاوتى) افراد انسانى مى داند که تشکیل دهنده يك نظام اجتماعى خاص هستند و رفتار

آنان به عنوان مافوق یا مادون در برخى از جهات حائز اهمیت از نظر اجتماعى مطمح نظر است».

(*Essays in sociological theory, pure and applied*,

P: 166

پارسنز و سایر متفکران کارکردگرا نظام قشر بندى اجتماعى را به صورتى کامل، متمایز از هازکى مى بینند؛ از نظر آنان (۱) قشر بندى اجتماعى برای تمامى نظامهای اجتماعى اساسى شناخته مى شود (۲) قشر بندى اجتماعى نه بر اساس تعارض و موجد کشمکش بلکه با دیدى حاکی از وفاق اجتماعى و با کارکردى خاص مطرح مى شود. (۳) در هیچ جامعه‌ای رده بندى بر پایه يك معیار صورت پذیر نیست؛ خوبى‌ها و ندى، ثروت و قدرت معیارهای هستند که بر اساس آنان رده بندى (قشر بندى اجتماعى) صورت مى گیرد.

همچنین، قشر بندى اجتماعى از دیدگاه کارکردى توسط دیویس (K. Davis) و مود (W. E. Moore) مورد مطالعه قرار گرفته است. بزعم آنان، نابرابرى ضرورتى اجتناب ناپذیر در جوامع انسانىست. آنان که مسئولیت و توان کار بیشتر دارند و همچنین، از استعداد بیشترى برخوردارند، باید از امتیازات بیشترى نیز برخوردار شوند.

اخیراً لانسكى (G. Lenski) با توجه به دیدگاه کارکردى اظهار داشته است که هر

چند قشر بندی اجتماعی می تواند در آغاز مبتنی بر کار، توان، استعداد و وظیفه فرد باشد، اما پس از چندی تثبیت می شود و در نتیجه امتیازات بدون توجه به این معیارها و صرفاً در نتیجه وضع تثبیت شده قشر بندی توزیع می شوند. به نظر او جوامع صنعتی با پیچیدگی روزافزون و گسترش مبانی حکومت مردم، سعی در کاهش ابعاد قشر بندی اجتماعی، اضمحلال شکاف بین قشرهای اجتماعی، کارکردی ساختن قشر بندی اجتماعی، نزدیک ساختن امتیازات ناشی از قشر بندی اجتماعی با معیارهای فوق الذکر، دارند.

ر. ک. Egalitarianism

Equalitarianism/ Social class/
Caste/ Estate /Social disparity.
Lanski/ Ascriptive position.

ساخت اجتماعی Social structure
ر. ک. Structure

مازاد اجتماعی Social surplus
توان، امکان یا نیرویی که فرد یا گروه اجتماعی خاصی، علاوه بر نیازش برای بقا، از آن برخوردار است. به بیان دیگر، نیرو، توان یا هر ارزش اجتماعی است که پس از کاربرد آن به میزان ضرورت، برای گروه باقی می ماند.

ر. ک. Surplus

بررسی اجتماعی Social survey
I- مطالعه ای که بر روی جمعیت نمونه ای
نمایا (Representative) یا معرف کل جامعه

آماري و در موردی ندارد، کل جامعه صورت می گیرد. بررسیها معمولاً در زمینه های زیر انجام می گیرند:

۱- توزیع افراد مورد مطالعه با توجه به متغیری چند: مانند درصد افرادی که رئیس دولت را در مورد مسأله ای خاص تایید می کنند.

۲- شناخت مناسبات متقابل بین چند متغیر: مانند سنجش رابطه بین شغل فعلی پاسخگو و شغل اصلی پدرش در مطالعه ای که هدف از انجام آن سنجش تحرک شغلی در خلال نسلهاست.

II- بررسیهای اجتماعی از ویژگیهایی بدین قرار برخوردارند: (۱) توصیفی هستند، زیرا نه در جهت بسط نظریه ها، بلکه کاربرد آنان بکار می آیند. (۲) کمی هستند و کمتر با ابعاد کیفی در پدیده های اجتماعی سروکار دارند. (۳) با مسأله ای خاص و مرتبط با مسائل موجود جامعه سروکار دارند. (۴) در جهت کمک به اداره جامعه و علمی ساختن مدیریت اجتماعی بکار می آیند.

III- اولین پیشتازان، در راه انجام بررسیهای اجتماعی، سفرنامه نویسان و همچنین آنانی هستند که مسأله ای اجتماعی را بمنظور شناخت درست و علمی راه حل آن مطرح ساخته و در پایان کار، نتایج حاصل از بررسی را به صورت پیشنهادات خود تقدیم مسئولان جامعه نموده اند. نظیر کارهای جمعیت شناسان در قرون ۱۷ و ۱۸ یا گزارش

آرتور بونگ به مدیران کشاورزی.
 IV- هادش (D. C. Marsh)، به طور کلی سه نوع بررسی اجتماعی را در روزگاران جدید از هم متمایز می نماید: (۱) بررسی فقر که با مطالعات چارلز بوث (Charles Booth) و بادللی (Bowley) آغاز شد. (۲) بررسی محیطی که راتزل (Ratzel) و لویپله (Leplay) بدان پرداختند. (۳) بررسیهای مرتبط با کارکرد شهرها، نظیر مطالعات وارنر (Warner)، لیندز (Lynds) و ...
 بررسیهای بوث با نام زندگی، کار، مردم *Life and labour of the people* به سال ۱۸۹۷ منتشر شد. او در این اثر، ساکنان لندن را از دیدگاههای مختلف مورد بررسی قرار می دهد. مطالعاتش توصیفی است و با شیوه مشاهده همراه با مشارکت صورت گرفته است. ابعاد اساسی حیات اجتماعی را مورد تفحص قرار می دهد (نظیر درآمد، مذهب و ...). بالاخره، گروههای گوناگون اجتماعی را نظیر یهودیان، زاغه نشینان و ... به مطالعه می کشد. بادللی اثرش را با نام اعاشه و فقر (*Livelihood and poverty*) به سال ۱۹۱۵ منتشر کرد. در آن از نمونه گیری استفاده نمود و در پایان توجه مسؤلان را به این پدیده مهم (عدم برخورداری از حداقل معیشت) جلب کرد. او همچنین، توجه جامعه را به پیشگامان نهضت بررسیهای اجتماعی جلب کرد که از اهم آنان داون تری (B. S. Rowntree) است.

با مطالعه اش تحت عنوان (*York and poverty, A study of town life*) به سال ۱۸۹۹ منتشر شد.

ر. ک. Panel/ Trend study,
 Sociography/ Research.
 Cross - sectional study.
 Social investigation.

Social symbiosis

همزیستی اجتماعی تعاونی

به معنای تجانس، هماهنگی و تعاون دو یا چند موجود زنده (افراد، گروهها و ...) با یکدیگر است. آنان به تکمیل یکدیگر می پردازند، و تعامل مطلوب اجتماعی را با انطباق متقابل و پیاپی در جهت استمرار همزیستی بنامی نهادند. این مفهوم در محیط شناسی و شاخه های گوناگون آن بکار می رود.

ر. ک. Ecology/ synecology.

Human ecology/ symbiosis
 commensalism

Social symbol نماد اجتماعی

نمادی که صرفاً شخصی نیست، فقط حامل معنا یا پیامی خاص برای چند نفر به شمار نمی آید؛ بلکه در برگیرنده محتوایی است برای همه اعضای يك جامعه. با نمادهای جمعی (Collective symbols) از آنرو متفاوت است که نوع اخیر حامل ارزش یا پیام و یا معنایی برای يك جمع یا گروهی خاص است. (نظیر نهان گروهها Esoterics)

ر. ک. Symbolism/ Symbols

Social synergy

هم نیرو زائی اجتماعی

فرایندی است که براساس آن هر فرد یا گروه به صورت نا آگاه و با عمل خود به پیدایی نیروی اجتماعی مشترک می مدد می رساند.

Social system

نظام اجتماعی

I- به نظر گیتن (J. Guitton) نظام در معنای عام عبارت است از مجموعه ای از عناصر مادی و غیرمادی که از نظر منطقی و اغلب لزوماً وابسته به یکدیگرند. از اینرو، واژه نظام در دانش اجتماعی-ی با توجه به ماهیت خاص پدیده های اجتماعی درموردی بسیار بکار رود:

- مجموعه ای از نظریه ها، پیش فرضها، گزاره ها و باورها و اصولی که با یکدیگر هماهنگی داشته، مؤید یکدیگر باشند. نظام عقیدتی را تشکیل می دهند، یا به تشکیل يك نظام سیاسی می انجامند، یا موجب پیدایی نظامهای اقتصادی و... می شوند.

- مجموعه ای از عناصر که با یکدیگر چنان آمیخته اند که کلی به هم پیوسته می سازند و انجام عملی خاص را امکان پذیر می کنند باز يك نظام خوانده می شود، مانند نظام عصبی.

نظام اجتماعی در معنای اخص مجموعه ای است متشکل از کنش و واکنش تعدادی از افراد که روابط آنان با یکدیگر به طور متقابل به سوی قانونی مشترك و یا قانونیاتی به هم پیوسته جهت می یابد. بدینسان می توان از این دیدگاه شبکه به هم پیوسته مناسبات را

* در سطحی خرد (گروهها) و کلان (جوامع)

دید و به سنجش نهاد.

II- توجه به مفهوم نظام اجتماعی در آثار همه بانیان جامعه شناسی نظیر کنت، دورکیم، اسپنسر و... دیده می شود که هر يك به نحوی بدان پرداختند: ولی، جهات مشترکی در مطالعات آنان در این مورد به چشم می خورد: همگی بر ۱) پیچیدگی نظامهای اجتماعی. ۲) ابعاد خاص نظام اجتماعی و تمایز آن از آنچه پیروان مکتب اصالت روانشناسی (Psychologism) می پنداشتند (جامعه را مجموعه ای از اتمهای اجتماعی دانستن) ۳) تطور نظامهای اجتماعی ۴) بهم پیوستگی عناصر متشکله هر نظام اجتماعی. ۵) ابعاد کیفی نظامهای اجتماعی و لزوم توجه بدان، تاکید داشته اند.

III- در روزگار ماکوشهای پارسنز (T. Parsons) در تشریح مفهوم نظام اجتماعی از همه چشم گیرتر است. او مخصوصاً در دو اثرش «نظام اجتماعی» و «به سوی يك نظریه اجتماعی در باب عمل» به همراه شیلز (Shils) به تحلیل ویژگیهای اساسی هر نظام اجتماعی پرداخته است. در اثر اول، (نظام اجتماعی) در بحث از این مفهوم؛ نظرات هابز (Thomas Hobbes) را سرآغاز کار خویش قرار داده است. به عقیده توماس هابز، انگیزه اساسی انسان «قدرت جویی» است. از اینرو، انسانها اساساً در تعارض با یکدیگرند. پس، نظم فقط با وجود دولتی قوی صورت پذیر است.

در برابر اندیشه هابس، پادسز با استناد به نظریه‌های دورکیم و ماکس وبر بر نقش هنجارها و ارزشهای اجتماعی در حیات انسانها تأکید نموده می‌نویسد: نظام اجتماعی شامل تعداد افرادی است عامل که در وضعی دست کم دارای جنبه‌ای محیطی و فیزیکی، در حال کنش و واکنش با یکدیگرند. انگیزه این عاملها (مشارکین در حیات اجتماعی) دستیابی به نوعی رضایت متناسب است و رابطه آنان با وضعی که در آن جای دارند (که خود نیز جزئی از آن به‌شمار می‌آیند) از طریق نمادهایی که توسط فرهنگ جامعه ساخت یافته و هم معنایی مشترک پذیرفته‌اند، تعیین و تعریف می‌شود»

(*The social system*, PP: 5-6)

و در اثر دومش (به‌سوی یک نظریه کلی در باب عمل) مفصل‌ترین و دقیق‌ترین تعریف خود را از این مفهوم به‌دست می‌دهد: به نظرش «یک نظام اجتماعی یک نظام عمل است و دارای ویژگیهای زیرین: ۱) «شامل فرایندی است بر مبنای کنش و واکنش بین دو یا چند نفر عامل (شرکت‌کنندگان در حیات اجتماعی). فرایند کنش و واکنش خود بخود کانون توجه مشاهده‌کننده است. ۲) وضعی که عاملین (یا شرکت‌کنندگان در حیات اجتماعی) به‌سوی آن هدایت می‌شوند؛ عاملین دیگری را در بر می‌گیرد و این عاملهای دیگر (یا دیگران) محور توجه قرار می‌گیرند و اعمال دیگری بدعنوان داده مورد اعلان نظر قرار می‌گیرد. جهت‌گیرهای

متعدد دیگری (فرد دیگر) می‌تواند هدفهایی باشد که باید مورد توجه قرار گیرد، یا وسایل و ابزاری در خدمت این اهداف بشمار آید. پس جهت‌گیرهای دیگری (فرد دیگر) می‌تواند مورد داوری ارزشی قرار گیرد. ۳) در یک نظام اجتماعی، عمل اجتماعی متقابلاً وابسته و تا حدودی هماهنگ وجود دارد که در آن هماهنگی تابعی است از ارزشهای مشترک یا اهداف جمعی و اجتماعی بر سر انتظارات دستوری و شناختی.»

(*Toward a general theory of action*, P: 55)

IV- باید در عمل و به‌هنگام تحلیل داده‌ها، بین سه مفهوم نظام اجتماعی، نظام فرهنگی و همچنین نظام شخصیت تمیز گذارد: «در حالی‌که نظام شخصیت (Personality system) آن جهات (جنبه‌های) شخصیت انسانی را که کارکرد یا عمل اجتماعی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد در بر می‌گیرد، نظام فرهنگی تمامی باورهای موجود، نظامهای عینی، ارزشی و وسایل نمادی ارتباطی را شامل می‌شود، نظام اجتماعی از این دیدگاه با اشکال و شیوه‌های عمل متقابل و سازمانی، نظیر ساخت اقتدار در یک سازمان یا تقسیم کار کردها در یک خانواده، مرتبط است.»

(*Dictionary of sociology*, G. D. Mitchell (ed) P: 193)

ر. ک. Structure/Functionalism, Gestalt

هدف‌جویی اجتماعی Social telesis

گزینش آزادانه و آگاهانه ارزشها یا آرمانهایی است از جانب جامعه و متعاقب آن بکارگیری هوشمندانه وسایل و ابزار و اتخاذ شیوه‌هایی سنجیده در راه تحقق آن ارزشها یا آرمانها که به صورت هدف درآمده‌اند. اصطلاحی است از لستراد که با آن اعتقاد خود را به لزوم آگاهی افراد و سپس تعیین اهداف سنجیده در برنامه‌ریزی اجتماعی مطرح می‌کند. ر.ک: ward

غایت‌شناسی اجتماعی Social telics

آرمانی‌سازی آگاهانه و کوششهایی که براساس توافق جمعی ذی نفوذ جهت بهتر- سازی شرایط اجتماعی به عمل آید.

نظریه اجتماعی Social theory

۱) در معنای وسیع، نظریه اجتماعی هر تمهید در مورد پدیده‌های اجتماعی است که موجبات پاسخ به کنجکاوی بشر را در برابر حوادث اجتماعی فراهم آورد و پدیده‌های به ظاهر متنوع و ناشناخته را در درون مجموعه‌ای کار آجای دهد. از این دیدگاه، باید نظریه‌های اجتماعی سابقه‌ای بسیار طولانی داشته باشند. ۲) در معنای دقیق‌تر و با در نظر گرفتن تمایز بین فلسفه اجتماعی و نظریه اجتماعی باید گفت، نظریه اجتماعی کوششی است در راه تمهید مجموعه‌ای منظم، به هم پیوسته و معنی‌دار، متشکل از گزاره‌ها، پیش‌فرضها و اصولی که در راه تبیین امور و وقایع اجتماعی به طور علمی پدید آید. ۳) با آنچه گفته شد، نظریه‌های اجتماعی در معنای عام، همچون ضرورتی در راه آرامش روانی

انسانهاست. اولین انسانها نیز در برابر انواع گوناگون وقایع اجتماعی در محیط پیرامون نمی‌توانستند بسی تفاوت مانند، پس نظریه‌های اجتماعی به کمکشان می‌آمد حوادث پراکنده را مرتبط به یکدیگر می‌ساخت و علت یا عامل آنانرا معرفی می‌کرد و بطور موقت تعادل روانی آنانرا فراهم می‌ساخت. با پیدایی علوم جدید اجتماعی، نظریه‌های اجتماعی در معنای دوم مطرح گردید.

ر. ک. Middle range theories.

Theory. Sociological theory.

Strategic theory.

زمان اجتماعی Social time

از مهمترین و جالب‌ترین شاخصهای شناخت پدیده‌های اجتماعی است؛ زمان بشر پدیده‌هاست، چون هر امر یا واقعه اجتماعی در درون آن جاری می‌شود؛ با شاخص زمان اجتماعی، سرعت حرکت پدیده‌ها شناخته می‌شود، همانطور که ماهیت آنان از جهانی دیده و سنجیده می‌شود. (ژ. گودویچ (G. Gurvitch) یکی از معروفترین جامعه‌شناسانی است که این مفهوم را دقیقتر، حساستر و ظریفتر شناخته و در اختیار محققین اجتماعی قرار می‌دهد. بعضی از اندیشه‌های وی در این زمینه چنین‌اند:

I- تعدد زمانهای اجتماعی و نسبیّت آنان:

Multiplicity of social times

تعدد زمانهای اجتماعی

نه تنها در سطح جامعه‌شناسی کلان (Macrosociology) بلکه در سطح جامعه -

شناسى خرد (Microsociology) يك زمان اجتماعى وجود ندارد. بايد از زمانهاى اجتماعى سخن راند، بدینسان زمان اجتماعى خانواده، سندیکا، کارخانه، مدرسه و ... با یکدیگر یکسان نیست. همچنانکه زمان اجتماعى جامعه فرانسه با نروژ متفاوت است و زمان اجتماعى جوامع در حال توسعه از زمان اجتماعى کشور پیشرفته متمایز است.

- نسبیت در زمان اجتماعى

Relativity of social time

از همین روست که می توان گفت زمان اجتماعى همچون دیگر پدیده های اجتماعى صورت مجرد یا مطلق ندارد و درچارچوب زمینه اجتماعى تکوین می یابد.

Forms of social times

II- اشکال و صور زمانهای اجتماعى:

۱- زمان اجتماعى عینى و واقعى: که بستر جریان حیات اجتماعى است.

۲- زمان اجتماعى ذهنى: یا آنچه در ذهن فرد در رابطه با زمان واقعى اجتماعى می گذرد.

۳- زمان اجتماعى فردى: یا زمانى که حیات فرد در آن جریان مى یابد و تجربه فردى از زمان اجتماعى را موجب مى شود.

۴- زمان اجتماعى آرمانى یا مورد آرزو یا آنچه به نظر افراد زمان مطلوب شناخته مى شود و در مسیر آمال آنان است.

۵- زمان متأخر:

شاخص جوامع فتودال و گروههای

بسته است و حالتى را می رساند که حرکت گروهى یا اجتماعى بسیار کند صورت مى گیرد. زمان واقعى یا «حال» تجلى یافته اما گروه یا جامعه در گذشته زندگى می کند. ۶- زمان دورى:

زمانى است که در آن نه پیشروى (Progression) و نه واگشت (Retrogression) دیده مى شود. جامعه یا گروه، علیرغم حرکت، درجای خود مى ماند. این زمان اجتماعى شاخص جوامع باستانی است.

۷- زمان بطى و کند گذر:

جوامع یا گروههاى را مشخص مى نماید که حرکتى بسیار کند دارند. در آنان امروز عکس برگردان دیروز و همانند فردا است. یعنى گذشته در حال و آینده تداوم می یابد. این چنین زمانى معمولا با نویبیزارى (Misoneism) که حالت روانى قابل مشاهده در بسیاری از جوامع است، مترادف می شود.

۸- زمان چشم فریب

در جوامع یا گروههاى تحقق می یابد که به ظاهر آرام و حاوى زمان کند گذرمى نمایند، اما در بطن خود جریاناتى تند مى پرورند که همچون آتشفشان انفجارى را موجب مى شوند. ۹- زمان اجتماعى با تپشهای نامنظم.

۱۰- زمان اجتماعى پیشرو:

در این حال، آینده هر لحظه حاضر است. انسانها در حال زندگى می کنند؛ ولی اندیشه آنان در فردا و آینده سیر مى نماید. این

زمان در جوامع انقلابى یا آینده گرا تحقق مى یابد.	Value	ر. ك.
۱۱- زمان انفجاری:	Social vicinity	قربان اجتماعى
حد نهایی حرکت را مى رساند . جامعه یا گزوه در شور و جذبه خلق و ابداع حیات مى گذراند و آینده به کلی از دیروز تمایز دارد.		در قشر بندی اجتماعى ، صور نابرابرى اجتماعى را مى رساند. نزدیکی انسانها از نظر دستیابى به فرصتهای اجتماعى و با ارتقاء طبقه متوسط به کاهش فاصله اجتماعى و در نهایت کم شدن شکاف طبقاتى مى انجامد.
Social total phenomenon	Social welfare	رفاه اجتماعى
پدیده اجتماعى تام	Social will	خواست اجتماعى
ر. ك.	Social work	مددکاری اجتماعى
Totality of social phenomenon	Social services	ر. ك.
Social tradition	Social work , family	مددکاری اجتماعى خانوادگى
سنت اجتماعى	Family social work	ر. ك.
Tradition	Social work , psychiatric	روان-مددسرانى
Social transformation	Psychiatric social work	ر. ك.
مشتار اجتماعى- تبدیل اجتماعى	Socialism	سوسیالیسم
Social change		I- در فرهنگ آكسفورد در تعریف سوسیالیسم آمده است: «سوسیالیسم نظریه یا خط مشى ایست كه مالكیت یا كنترل ابزار تولید (سرمایه، زمین، دارائی و...) را توسط كل جامعه و اداره آنان را به نفع همگان توصیه و تجویز مى كند». برخى دیگر، آن را فلسفه ای اجتماعى-اقتصادى مى خوانند كه براساس آن مالكیت وسایل تولید (مواد، زمین، ابزار و...) صورتى دستجمعى یافته
Social transmission		
انتقال اجتماعى		
(۱) فرایند انتقال محتوای يك فرهنگ از نسلى به نسل دیگر ؛ از طریق شیوه هاى چون تقلید، آموزش و ... (۲) فرایند انتقال عناصرى از يك فرهنگ به فرهنگ دیگر، از طریق تماس فرهنگى.		
Acculturation		ر. ك.
Social universalism		
جمع نگرى اجتماعى		
Universalism/ Singularism		ر. ك.
Social realism.		
Social values		ارزشهای اجتماعى

و یا دست کم از صورت تنها خصوصی خارج می شود.

II- چنين به نظر مى رسيد كه واژه سوسيالیسم در آغاز در سال ۱۸۰۳ در ایتالیا بكار رفته باشد. سوسيالیست به پیروان آئین دوپرت ادن (Owen) در مورد شرکت های تعاونی اطلاق می شد. در سال ۱۸۳۲ نشریه گلوب (Le Globe) این مفهوم را در معرفی پیروان من سیمون بكار برد. از همان آغاز، سوسيالیسم در برابر فردگرایی از سویی و سرمایه داری لیبرال از سوی دیگر شکل گرفت، اما، در مورد حدود مبارزه با فردگرایی و سرمایه داری، نظر بانیان سوسيالیسم یکسان نیست؛ همانطور كه شیوه های تحقق این هدف ناپكسان است؛ در حالی كه پرودن بر بازگشت به اقتصادی ساده تر كه در آن تولید توسط گروه هایی غیر متمرکز و كوچك صورت پذیرد، تأكید داشت. دیگر پیشانان سوسيالیسم نظیر من سیمون، هارکس، آدن و فودیة انقلاب صنعتی و دستاوردهای آن را پذیرفته، تأثیر بر نیروها و ابزار تولید را مطمح نظر قرار دادند. علاوه، براین، سوسيالیستها فرد را نه به عنوان يك موجود با اصالت نخست، بلكه عضوی از جامعه در نظر گرفتند كه بخودی خود اصالت نمی یابد، بلكه اصالتش از جامعه منبث می شود و اهداف جامعه مقدم بر افراد است.

در مورد مبارزه با سرمایه داری نیز سوسيالیستها تمایزات خاصی یافتند. از طرفی بر اساس اندیشه ماركس گرایان حذف

كامل مالكیت خصوصی و حتی توزیع درآمدها نه بر اساس كار و تخصص، بلكه نیاز مطرح گردید، و از سوی دیگر، اندیشه سوسيالیستهای اصلاح طلب در انگلیس، فقط به جلب توجه دولت به طبقات زحمتكش، معطوف شد. با اینهمه تأکید مفرط بر جدائی معیارهای ارتقاء از انتساب خانوادگی، تکیه بر كار و ارائه شانس ارتقاء به همگان، پایه های سوسيالیسم بر ورای تفاوت های آن به حساب آمد.

III- از اینرو است كه در لواء این مفهوم خانواده های گوناگون اندیشه تبلور یافتند كه برخی از انواع آنان چنین اند:

Agrarian socialism

سوسيالیسم زراعی

آن آئین در اندیشه اجتماعی كه به زعم لیپست (S. M. Lipset) ۱) در بین روستائیان شكل گرفته است و در بین آنان بسط می یابد. ۲) در جهت حراست از منافع روستائیان و ارتقاء آنان قوام می پذیرد. ۳) ارزش كارآنانی را كه بر روی زمین كار می کنند، متبلور می سازد.

سوسيالیسم متمرکز Centrist socialism

Communist socialism

سوسيالیسم كمونیستی

Communism

ر. ك.

Christian socialism

سوسيالیسم مسیحی

نوعی خاص از سوسيالیسم مبتنی بر عقاید مذهبی در انگلستان است كه در آغاز

خودمختار يك اقتصاد مبتنى بر برنامه‌ريزى از طريق كنترل موثر آن توسط كارگران و مصرف كنندگان كه موجبات محدودسازى قدرت سياسى و ايجاد نوعى تعادل را فراهم آورد.

سوسياليسم مى National socialism
از نظرتارىخى به حزبى اطلاق مى‌شود كه در سال ۱۹۲۰ برپايه نظرات آدولف هیتلر (Adolf Hitler) بنیان یافت و از سال ۱۹۳۳ به عنوان حزبى قدرتمند در نظام سياسى آلمان تا پایان جنگ دوم جهانى شناخته شد.

خطوط اصلى اين آئين چنين‌اند:

قوم محورى تا حد بيگانه بيميزارى (xenophobia) و مى‌گرانى افراطى (Chauvinism)؛ هیتلر آلمانى را برتر از همه مى‌داند و پان ژرمنىسم (Pan-Germanism) را تجويز مى‌نماید.

— نژادپرستى، در اين مرام، يهودى مطرود است و يهودستيزى (Anti-semitism) از پايه‌هاى آن است؛ همانطورى كه آريان‌نژاد برتر دنيا شناخته مى‌شود.

— توسعه‌طلبى (Expansionism). مفهوم فضاى حياتى (Vital space) دست-آوىزى براى هیتلر بود تا جهان را به جنگ كشد و با برانگيختن جنگ جهانى دوم بيش از ۲۰ ميليون انسان را به مرگ كشاند.
— فاشيسم (Fascism) كه در آن دولت مظهر حيات مى است.

قرن ۱۹ پا گرفت و كوشش در راه ريشه‌كنى فقر، جهل و بيمارى را مطمح نظر قرارداد.

Competitive socialism

سوسياليسم رقابتى

نظامى مبتنى بر سوسياليسم در معنای اشتراكى بودن وسايل اساسى توليد از يك سو و ايجاد رقابت در جهت ايجاد انگيزش براى كار بيشتر و بهتر و كاربرد حداكثر توان و استعداد انسانها از سوى ديگر.

سوسياليسم مردمى ~ Democratic
نوعى خاص از سوسياليسم است كه در آن برنامه‌ريزى متمرکز به صورت گسپلان (Gosplan) سورتسى غير متمرکز مى‌يابد، اشتراكى كردن اقتصاد به صنايع اساسى اختصاص مى‌يابد و به امحاء كامل انگيزه‌هاى سودجويانه پرداخته نمى‌شود...

ر. ك. Revolution

سوسياليسم فابيانى ~ Fabian

ر. ك. Fabianism

~ Fourier

سوسياليسم برپايه عقايد فوريه
با تعبير Fourierism نيز از آن ياد مى‌كنند. اين نوع سوسياليسم منسوب است به شارل فوريه انديشمند فرانسوى.

سوسياليسم صنفى ~ Guild

روندى در نهضت كارگرى انگليس كه مخصـوصاً در سالهاى بين ۱۹۲۶-۱۹۱۶ رواج يافت و هدف از آن سازمان‌بندى

می دهد.
۲- با توجه به اجتناب ناپذیری آنان و فقدان جانشین، کوچکترین کاهش در کمیت آنان (نظیر صنایع فولاد) موجبات افزایش سریع بهای آن را فراهم می کند.

سوسیالیسم قبیله ای Tribal socialism
سوسیالیسم خیالی ~ Utopian
بر پایه اندیشه کسانی چون توماس مود (T. Morus) و کامپانلا (Campanella) و

به طور کلی رؤیا گرایان متمایل به سوسیالیسم شکل گرفت، با وضع مفهوم سوسیالیسم علمی، مارکس معتقد بود که در برابر این اندیشه های غیر واقعی و غیر علمی، مکتبی عینی و علمی وضع کرده است.

ر. ک. K. Marx

ر. ک. Utopianism

جامعه سوسیالیست Socialist society

ر. ک. Socialism

اجتماعی شدن Socialization

I- فرایند آموزش ارزشها، تشکل طرز تلقیها و فراگیری رفتارهای مناسب با

هنجارهای پذیرفته يك جامعه. با تحقق فرایند اجتماعی شدن، فرد هویت یا «من» اجتماعی می یابد، همچنین دانستیهای ضرور و پیشین را

جهت انجام درست نقشهای اجتماعی کسب می کند. در فرهنگ علوم اجتماعی در تعریف آن آمده است: «اجتماعی شدن در روانشناسی

اجتماعی فرایندی را می رساند که از طریق آن فرد با اکتساب رفتاری که گریزناهی پستند، یاد می گیرد تا با آن سازگاری یابد».

۱- افزایش بهای آنان با توجه به نیاز

میرم جامعه همه قیمتها را تحت تاثیر قرار

می دهد.

۲- با توجه به اجتناب ناپذیری آنان و فقدان جانشین، کوچکترین کاهش در کمیت آنان (نظیر صنایع فولاد) موجبات افزایش سریع بهای آن را فراهم می کند.

سوسیالیسم قبیله ای Tribal socialism

سوسیالیسم خیالی ~ Utopian

بر پایه اندیشه کسانی چون توماس مود (T. Morus) و کامپانلا (Campanella) و

به طور کلی رؤیا گرایان متمایل به سوسیالیسم شکل گرفت، با وضع مفهوم سوسیالیسم علمی، مارکس معتقد بود که در برابر این اندیشه های غیر واقعی و غیر علمی، مکتبی عینی و علمی وضع کرده است.

ر. ک. K. Marx

ر. ک. Utopianism

جامعه سوسیالیست Socialist society

ر. ک. Socialism

اجتماعی شدن Socialization

I- فرایند آموزش ارزشها، تشکل طرز تلقیها و فراگیری رفتارهای مناسب با

هنجارهای پذیرفته يك جامعه. با تحقق فرایند اجتماعی شدن، فرد هویت یا «من» اجتماعی می یابد، همچنین دانستیهای ضرور و پیشین را

جهت انجام درست نقشهای اجتماعی کسب می کند. در فرهنگ علوم اجتماعی در تعریف آن آمده است: «اجتماعی شدن در روانشناسی

اجتماعی فرایندی را می رساند که از طریق آن فرد با اکتساب رفتاری که گریزناهی پستند، یاد می گیرد تا با آن سازگاری یابد».

(*Dictionary of social sciences*
J. Gould (L. Kolb (eds), P. 672)
خانواده، گروه، همالان، مدرسه، وسایل
ارتباط جمعی، عواملی در جریان اجتماعی
شدن انسانها. فرایند اجتماعی شدن را از
دو دیدگاه بدین قرار مورد بررسی قرار
می دهند:

– دیدگاه فردی

از دیدگاه فردی، فرایند اجتماعی شدن به
معنای گسترش «من اجتماعی» است از طریق
آموزش، پیش بینی، ارزیابی و بسط تجربه
آگاه در رفتار خویش. مید (G. H. Mead)
و همچنین کوولی (C. H. Cooley) صاحب نظرانی
هستند که اجتماعی شدن را از این دیدگاه
مورد سنجش قرار داده اند.

– دیدگاه اجتماعی

از این دیدگاه اجتماعی شدن فرایند
انتقال میراث فرهنگی و تداوم آن از این
طریق است. جامعه باقی نمی ماند مگر آنکه
بین اعضاء نوعی وفای در شیوه های اصلی
عمل و اندیشه به وجود آید و در خلال قرون
تداوم پذیرد.

II – با توجه به گستره اش، مفهوم
اجتماعی شدن از دیدگاه های گوناگون مطرح
گردیده است:

از جانبی، برخی چون نیوکمب
(T. M. Newcomb)، اجتماعی شدن فرد را
با آموزش اجتماعی مترادف می دانند، از
جانب دیگر، به زعم چادسنز، قانون اصلی در

فرایند اجتماعی شدن، پذیرش قلبی فرهنگی
است که کودک در آن متولد شده است... پس
راه مؤثر در اجتماعی شدن قرار گرفتن در
وضع اجتماعی است که در آن اشخاص
قدرتمند و مسؤول خود در نظام ارزشی فرهنگ
مورد نظر جذب گردیده اند، هم به خاطر آنکه
آنان فرزندان یک نظام اجتماعی
نهادی شده را تشکیل می دهند و هم آنکه
الگوها از قبیل به صورتی مطلوب در شخصیت
خود آنان جای یافته اند.

(Parsons, P., Bales, R. F., *family, socialization and interaction-process*, p. 17)

همچنین، از نظر فروید، اجتماعی شدن
فرایندی است که از طریق آن کودک هنجارهای
والدین را به صورتی عمقی می پذیرد و به
کسب فراخود (Superego) یا نفس لواحه
می پردازد.

ر. ک. Feral child/ C. H. Cooley.

G. H. Mead.

Resocialization. Desocialization.

Nationalization

Socialization, Adult

اجتماعی شدن بزرگسالان

ر. ک. Adult socialization

Socialization, anticipatory

اجتماعی شدن پیشین

ر. ک. Anticipatory socialization

Socialization, political

اجتماعی شدن از نظر سیاسی

ر. ک. Political socialization

Socialization agents**کارگزاران اجتماعی شدن**

انسانها، سازمانها، یا هر نوع وسایل یا ابزاری که موجبات اجتماعی شدن فرد را فراهم می آورند، یا تحقق آن را تسهیل می نمایند. بدینسان، خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی از عوامل اساسی در اجتماعی شدن انسانها محسوب می شوند.

Socialized drive**سائق اجتماعی شده**

سائقی که تحت تاثیر تجربه اجتماعی قرار گرفته و با هنجارهای اجتماعی سازگاری یافته است. در فرایند اجتماعی شدن سائقها شاهد برخورد فرهنگ و طبیعت هستیم.

Drive

ر. ک.

Socialized medicine**طب اجتماعی**

مفهومی گسترده که از آن همگانی شدن بهداشت، فراهم ساختن امکانات و دسترسی تهیدستان به تسهیلات بهداشتی، مستفاد می شود.

Sociation**جامعه زیستی**

مفهومی که همه روابط متقابل انسانی یا تعامل اجتماعی در چارچوب زمینه اجتماعی از آن برمی آید.

Societal**مربوط به جامعه- جامعه ای**

آنچه با جامعه یا گروهی بزرگ مربوط است. با اجتماعی (Social) از اینرو متمایز است که در آن توجه به ساخت و کارکرد کل جامعه مطرح نظر است. در آغاز، این مفهوم

توسط کِلر (A. G. Keller) بکار رفت، پس از او هرتزلر (J. O. Hertzler) به تعریف آن بدین قرار پرداخت: «این مفهوم عمل اجتماعی افراد و گروهها را از اینرو که در جهت ساختن- کارکردی، سازمانی و عملیاتی یک اجتماع انسانی یا جامعه مداخله دارند، می رساند.»

(Society in action, P. 6)

Societal control**کنترل جامعه**

نوعی کنترل اجتماعی که در آن کل جامعه به کار افتد و از هر جهت رفتار اعضاء را زیر نظر و کنترل گیرد.

Societal development**توسعه جامعه**

توسعه نه در یک ضلع یا لایه اجتماعی بلکه فراگیر و در کل جامعه و شامل تمامی امور اجتماعی در هر سطح.

Development

ر. ک.

Societal forces**نیروهای جامعه**

شبکه ها یا منظومه های چندین بعدی، پیچیده، سازمان یافته و در مواردی تاریخی که مظهر کل جامعه اند و حرکات تاریخی آن را موجب می شوند، نظیر انسانس، انقلاب صنعتی و...

Social forces

ر. ک.

Societal phenomena**پدیده های جامعه**

پدیده هایی که با ساخت و کارکرد کل جامعه مرتبط اند. در برابر پدیده های اجتماعی که

مى تواند در ارتباط با روابط فردى نيز باشند.

Phenomena ر. ك.

Societal processes

فرایندهای جامعه

آن فرایندهای اجتماعى که دگرگوئیهای حاصل از آن پیدایى ساخت و کارکرد جامعه را به عنوان يك کل موجب مى شوند.

Societal technician

تکنیسین اجتماعى

متخصص ساده (معمولى و نهعالى) در حل مشکلات فرد یا گروهى، تسهیل ساز گارى متقابل گروهها (نظیر مشاور روابط عمومى، مشاور در محیطهای کار صنعتى و...) تکنیسین، دانشهای جامعه را در عمل پیاده مى کند. از این جهت با دانشمند یکسان نیست.

Clinical sociology, ر. ك.

Social work.

psychiatric

Society جامعه

I- علیرغم کاربردهای فراوانش، این مفهوم هنوز تعریفى مورد اتفاق نیافته است. جامعه چیست و معیارهای تمایز آن از گروه، انبوهه (Aggregate)، توده و انبوه خلق کدامست؟ بانیان جامعه شناسى در تعریف این مفهوم و تمایز آن از مفاهیم نزدیک، با مشکلات اساسى مواجه بودند. کوششهای اساسى هربرت اسپنسر (H. Spencer) در اثرش «اصول جامعه شناسى» و امیل دورکیم (E. Durkheim) در «قواعد دوش

جامعه شناسى»، صرف اثبات این واقعیت گردید که جامعه تنها به معنای جمعى از افراد نیست؛ بلکه واقعیتى است متمایز با ویژگیهای خاص. اسپنسر برین عقیده بود که ویژگی خاص جامعه همکاری بین اعضا آن است. این معیار در نظر بسیاری تبلور یافته است. از آن جمله سامنر (W. G. Sumner) و کِلر (A. G. Keller) که در تعریف جامعه مى نویسند: «جامعه عبارت از گروهى از افراد است که با یکدیگر زندگى تعاون آمیزی دارند، تا از این طریق، تأمین معاش نموده، نوع خود را تداوم بخشند.»

(The science of society P: 7)

همچنین، گینسبرگ (M. Ginsberg) بر وحدت رفتار، یا بسزعم لیتنن «وحدت و اشتراك شخصیت اساسى» تاکید نموده، چنین تعریفى از جامعه ارائه مى دهد: «جامعه شامل مجموعى از افراد است که با یکدیگر بر اساس روابط یا شیوه های خاص رفتارى که آنان را از دیگران (آنانکه دارای چنین روابطى نیستند یا رفتارى مشابه ندارند) متمایز مى سازد، وحدت یافته اند»

(Sociology, P: 39)

لیکن، همکاری، وحدت و ویژگیهای اساسى شخصیت، تمایز از دیگران (اعضاء جوامع دیگر)، در تعریف جامعه كافى به نظر نمى رسد، از اینرو، لیتنن (R. Linton) مى نویسد: «جامعه شامل گروهى از افراد است که با یکدیگر در جریان طولانى زندگى

کار می کنند؛ جامعه دارای سازمان است و افراد متعلق بدان نیز خود را از آن می دانند.

(*The study of man*, P: 91)

II- پس، جامعه متشکل از گروهی از انسانهاست که با یکدیگر حیاتی مبتنی بر پیوند، همکاری و تعاون می گذرانند؛ همچنین جامعه دارای سازمان است؛ گذشته از این، در شناخت ویژگیهای جامعه بر ابعاد دیگری نیز تأکید شده است:

- قلمرو فضایی

وجود بستری جغرافیایی ضرورتی حیاتی در تکوین و شکل یک جامعه است.

- تداوم

بر خلاف انبوه خلق و یا هر سنخ از گروههای موقت، جامعه از ثبات، تداوم و پیوستگی نسبی در خلال زمان برخوردار است.

- روابط پیچیده اجتماعی

بر خلاف انبوهه (Aggregate) که صرفاً جمعی از افراد فاقد تعامل را شامل می شود، جامعه مستلزم پیدایی شبکه ای پیچیده از روابط متقابل بین افراد است که خود بر تقسیم کار، تخصص و ... منتهی می شود.

- تقسیمات درونی

کمتر جامعه ای را می توان یافت (به جز صور اولیه کلانها یا هورد) که در آن همگنی کامل بین افراد باشد، انواع قشر بندیهای اجتماعی، مبنای نا همگنی، نابرابری و ناپیکسانی انسانها یند.

از دیدگاهی دیگر، برخی تعریف جامعه

را با توجه به شرایط پیشین تشکیل آن مطرح ساخته اند:

در اثر برجسته اش با نام «پیش شرطهای کارکردی یک جامعه» (*Functional prerequisites of a society*) (E. F. Aberle)، پیش شرطهای لازم را در تشکیل جامعه چنین می داند:

۱- تمهید مناسبات درست با محیط و همچنین پیدایی تعادل جمعیت از نظر جنسی
۲- تفکیک نقشها و تفویض آنان ۳- پیدایی یک نظام ارتباطی ۴- توجه به جهاتی مشترک و متکمی بر شناخت ۵- تجویز شیوه ها و روشهایی جهت تحقق هدفهای جمع
۶- انتظام شیوه های تجلی عواطف ۷- وجود یک نظام در اجتماعی شدن افراد ۸- تعبیه شیوه های مؤثر در کنترل اشکال رفتاری مخمل نظم.

III- با توجه به تعریف جامعه و ویژگیهای اساسی آن، باید بین اجتماع و جامعه از سویی و جامعه با گروههای دیگر تمیز قائل شد. نظریه تونیس (F. Tönnies) مبتنی بر تمایز بین جامعه و اجتماع از همه معروفتر است. او جامعه یا جامعه صوری (Gesellschaft) را مبتنی بر اراده اندیشیده، روابط صوری و قراردادی بین انسانها می داند و حال آنکه آنچه (Gemeinschaft) می خواند و در فارسی اجتماع یا جامعه معنوی ترجمه شده است، ناشی از اراده اورگانیک و پیوند عاطفی بین انسانهاست. هر چند او به صراحت متذکر نمی شود که

حرکت جوامع انسانی از اجتماع به سوی جامعه است ولیک به نظر می‌رسد که او براین عقیده است که از جوامع کوچک، با روابط چهره به چهره اجتماع به سوی جوامعی بزرگ ناهمگن، دارای ارتباطات با واسطه (جامعه) در حرکت هستیم.	Primitive societies	ر. ک.
	Society, sacred	سلك روحانی
	Sacred society	ر. ک.
	Society, science of	دانش جامعه
	Sociology	ر. ک.
	Society, secret	نہان انجمن
	Secret society	ر. ک.
	Society, secular	انجمن غیردینی
	Secular society	ر. ک.
	Society, static	جامعه ایستا
	Static society	ر. ک.
	Society, Traditional	جامعه سنتی
	Traditional society	ر. ک.
	Sociodynamic law	قانون جامعه پویایی
		قانونی در گروه سنجی است بر این مبنا که هر فرد با دیگری متفاوت است و در هر گروه نیز هیچ فردی در پایگاهی یکسان با دیگری نیست.
	Sociometry	ر. ک.
	Sociodynamism	جامعه پویایی
		در ——— روان پویایی (Psycho-dynamism) و متضاد با (Sociostaticism).
	Group dynamics	ر. ک.
	Socioeconomic status (S. E. S)	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
		این مفهوم نه تنها وضع اقتصادی، بلکه قدرت، نحوه زندگی، فعالیت‌های خاص در
جامعه از دیدگاه عناصر تشکیل دهنده		
Component society		ر. ک.
Society, conspiritual		
جامعه توطئه آمیز		
Conspiritual society		ر. ک.
Society, constituent		
جامعه از نظر تشکیلاتی		
Constituent society		ر. ک.
Society, Folk		جامعه قومی
Folk society		ر. ک.
Society, Functional		جامعه کارکردی
Functional society		ر. ک.
Society, Industrial		جامعه صنعتی
Industrial society		ر. ک.
Society, organic concept of		
مفهوم انداموش انگاری جامعه		
Organic concept of society		ر. ک.
Society, patriarchal		جامعه پدرسر
Patriarchy		ر. ک.
Society, primitive		جامعه ابتدایی

- تبیینی (Explanatory) یا عمقی نیست ، پدیده‌ها را تشریح می‌کند، بدون آنکه شبکه علی (Causal network) موجود آنان را بیابد، یا آنکه درصدد بازیابی همبستگیهای علی (Causal correlations) بین آنان برآید.
- با این حال، جامعه‌نگاری در توصیف مراسم، عادات و رسوم جوامع حائز اهمیت است، برای پژوهشگران تحلیل‌گر مواد اولیه را فراهم می‌سازد. گام نخست در تحلیل کیفی پدیده‌هاست.
- این مفهوم بیشتر توسط تونیس (F. Tönnies) بکار رفت و او خود آن را از آثار اشتاین هتز (R. Steinmetz) گرفت که در زمینه شرایط زندگی در جوامع متمدن صورت می‌گرفت. از جمله آثار تونیس در این مقوله، بردیهایی است که در زمینه اعتصاب عمومی در بندر هامبورگ بین سالهای ۱۸۹۶ و ۱۸۹۷ تهیه نمود و در آن به تشریح تأثیر قدرتهای گروهی پرداخت، همچنین او با همین شیوه به توصیف فعالیتهای جنایی و توزیع جنایتکاران در شمال آلمان پرداخت.
- ر. ک. Social survey/ Descriptive sociology/ Causality, Sociology, Explanation
- زبان‌شناسی اجتماعی Sociolinguistics
- مطالعه روابط متقابل زبان و جامعه و چگونگی تحول زبان همراه با دیگر گونی زمینه‌های اجتماعی است. لایو (Labov)
- گذران فراغت، زمینه آموزشی، محل اقامت و... را در بر می‌گیرد.
- ر. ک. Social status
- حوزه‌های اقتصادی - اجتماعی Socio-economic, zone
- ر. ک. Concentric zone theory
- جامعه‌زایی Sociogeny
- ر. ک. Ward
- جامعه‌زاد Sociogenic
- آنچه منتج و منبع از تجمع انسانها به صورت جامعه باشد. در برابر روان‌زاد (Psychogenic) و بدن‌زاد (Vicerogenic) (به هر يك ر. ک.)
- گروه‌نما Sociogram
- در گروه‌سنجی با توزیع پرسشنامه‌هایی از افراد گروه خواسته می‌شود بگویند با کدام شخص یا اشخاصی مایلند کار کنند، یا استراحت کنند و... و با کدام شخص یا اشخاصی حاضر نیستند کار یا استراحت کنند... با استخراج پرسشنامه شبکه پیوندهای عاطفی داخل گروه به دست می‌آید و مشخص می‌شود پایگاه هر فرد در درون گروه چگونه است. تصویر فضایی این شبکه روابط عاطفی بر روی صفحه‌ای گروه نمایش.
- ر. ک. Sociometry
- جامعه‌نگار Sociographer
- جامعه‌نگاری Sociography
- توصیف پدیده‌های اجتماعی (کمی و کیفی، عینی یا ذهنی) بدون کوشش در تبیین آنان است. جامعه‌نگاری دارای جهات

ر. ک. Social survey. Research

Sociological law

قانون در جامعه‌شناسی

قوانین خاص اجتماعی است که از دید جامعه‌شناختی مطرح و سنجیده می‌شوند. با توجه به پیچیدگی، تعدد ابعاد، نسبیّت و همچنین ابعاد ذهنی و کیفی در پدیده‌های انسانی، سخت می‌توان قوانینی از نوع قوانین علوم طبیعی در جامعه‌شناسی به طور اخص یافت. از اینروست که به‌زعم گوردیچ (G. Gurvitch) تنها قوانین معتبر در جامعه‌شناسی قوانین احتمالات‌اند. این قوانین آماری نیز جز در قلمروی محدود مانند جمعیت‌شناسی، روابط انسان و محیط و به‌طور کلی رفتار عینی قابل پذیرش نیستند، به‌طور کلی باید گفت، رفتار انسان پیچیده‌تر و آگاهانه‌تر از آن است که در بند نظم سخت قوانین علی مانند علوم طبیعی بگنجد. گوردیچ با توجه به این واقعیت می‌گوید چه بهتر که رفتار انسانی چنان آزادانه صورت می‌گیرد که تابع بند علیت تغییرناپذیر نیست، اگر می‌توانستیم رفتار انسانی را عیناً پیش‌بینی کنیم یا فردای جامعه‌ای را عیناً تعیین نماییم، پس آزادی انسان در عمل و ساختن تاریخ خویشتن چگونه جامه عمل می‌پوشید؟

ر. ک. Social laws/ Scientific explanation

Sociological problem

مسأله جامعه‌شناختی

نشان می‌دهد که محتوای واژگان درج‌شده متفاوت تمایز می‌یابد، همچنانکه شرایط بیان (رسمی یا غیر رسمی) در نوع سخن اثر می‌نهد. در همین سیاق می‌بینیم در زبان ما نیز واژگانی چون «معرفت» با توجه به سطح فرهنگ افراد محتوایی بسیار متمایز می‌یابد، از دیدگاهی دیگر، نوع سخن تابعی است از شرایط و مقتضیات بیان. به‌طور کلی، زبان را منبعث از جامعه می‌دانیم، پس تابع اجتماع است و تطوّرپذیر با دیگر گویهای اجتماعی.

Sociological explanation

تبیین جامعه‌شناختی

شناخت پدیده‌های اجتماعی نه با توصیف (Description) آنان، بلکه از طریق تحلیل علی (Causal analysis) با بررسی شبکه علی تعیین‌کننده واقعیات اجتماعی.

ر. ک. Probabilistic explanation,

Scientific explanation

Explanation

Sociological interpretation

تفسیر جامعه‌شناختی

تحلیل و تبیین وقایع اجتماعی با روشهای جامعه‌شناختی.

Sociological investigation

تقصص در جامعه‌شناسی

پژوهش اجتماعی در چارچوب محدودهای خاص و با کاربرد روشهای پذیرفته‌دانش اجتماعی.

پدیده‌هایی ناشناخته در قلمرو جامعه‌شناسی که فرضیه‌های مربوط بدان پذیرفتنی نیست و نظریه‌های تعبیه شده در باب آن قابل دفاع نیست. با مسأله اجتماعی یکسان شمرده نشود.

ر.ك. Social problem

Sociological reductionism

تقلیل گرایی در جامعه‌شناسی

شیوه‌ای است خاص در استدلال علمی در قلمرو جامعه‌شناسی؛ در این طرز اندیشه، عوامل اصلی تعیین کننده پدیده‌ها به صورتی عمقی دیده نمی‌شوند. چه، از یکسو تعدد عوامل و ابعاد کیفی آنان شناخته نمی‌شود، از سوی دیگر پیوند متقابل عوامل با یکدیگر مورد بررسی قرار نمی‌گیرند.

ر.ك. Reductionism/ Psychological reductionism.

Sociological theory

نظریه جامعه‌شناختی

I- «يك نظریه جامعه‌شناختی، بیانی است منظم و با زبانی مجرد به منظور تبیین پدیده‌های خاص جامعه شناختی»

(Dictionary of social science , G. Gould, L. Kolb(eds), P. 675)

II- از نظر برد دو دیدگاه اساسی و متمایز در باب نظریه‌های جامعه‌شناختی قابل شناخت‌اند:

۱- از دیدگاهی نظریه جامعه‌شناختی، بعنوان وسیله‌ای در راه تبیین کلی و فراگیر

در تحلیل پدیده‌های اجتماعی مطرح می‌شود. نظیر نظریه تطور اجتماعی اسپنسر، حتی به نظر پارسنز (T. Parsons) «نظام نظری که برای جامعه‌شناسی اساسی است باید از دانش جامعه‌شناسی نیز وسیعتر باشد. یعنی باید نظریه نظام‌های اجتماعی باشد»

(Essays in sociological theory

P. 4)

نظریه‌های بزرگ دارای ویژگیهای زیرین‌اند:

- دارای درجات بسیاری از تعمیم‌اند (Generalization) و از این جهت با نسبیّت (Relativity) و جامعه‌شناسی افتراقی یا تفاوتی (Differential sociology) تمایز می‌یابند، مخصوصاً بر تجربید (Abstraction)، قیاس (Deduction) و به‌طور کلی استنتاج غیر تجربی اتکاء دارند.

- در جامعه‌شناسی جدید کمتر طرح می‌شوند و باید نظریه پردازان بزرگ (Grand theorists) را بیشتر در گذشته‌های جامعه‌شناسی جست؛ فلاسفه تاریخ همگی در این جهت کوشیدند و دوران رمانتیسم جامعه‌شناسی مشحون از نظریه‌های آنان است. نظیر قانون حالات سه گانه (از اگوست کنت)

۲- نظریه‌های جامعه‌شناختی بتدریج بعدی محدود یافته‌اند، «ذ (A. M. Rose) چنین گونه‌ای از نظریه‌های جامعه‌شناختی را محدود خواننده در تشریح آن می‌نویسد: «يك نظریه محدود مجموعه‌ای به هم پیوسته

از تعاریف، پیش فرضها و گزاره‌های عمومی است که موضوعی معین را که از آن سلسله فرضیه‌هایی مشخص، قابل سنجش، و همساز به طور منطقی تبیین می‌شوند، در برمی گیرد»

(*theory and method in the social sciences* P: 3)

چنین نظریه‌هایی را مرتن (K. Merton) نظریه با برد متوسط (Middle range theory) می‌خواند و در تعریف آن می‌نویسد: «نظامهای کامل (نظری) اجتماعی امروز، همانند نظامهای کامل نظری در طب یا شیمی در گذشته، باید جای خود را به نظریه‌هایی محدودتر، لیسک با توجه بیشتر به زمینه‌های خاص و با برد متوسط دهند. از هیچ فردی نمی‌توان توقع داشت که نظام نظری کل‌نگر بنا دارد و راه حل مسائل اجتماعی و جامعه‌شناختی را تماماً به دست دهد. دانش، حتی دانش جامعه چنان ساده نیست. جامعه‌شناسی به همان نسبت به پیش خواهد رفت که اصل در آن بسط نظریه‌های با برد متوسط باشد و چنانچه توجه به نظریه‌های وسیع معطوف گردد دچار یاس و حرمان خواهد شد. من اعتقاد دارم که کار اصلی ما امروز بسط نظریه‌های خاص و قابل اعمال در محدوده خاصی از داده‌هاست.»

(*Social theory and social structure*, PP: 7-9)

بدینسان، نظریه‌های وسیع که در آغاز پیدایی جامعه‌شناسی مطرح می‌شدند، جای

خود را بیشتر به نظریه‌هایی محدود و با توجه به چارچوب زمان و مکان بخشیدند.

III- از نظر تأیید یا تأکید مفروضه بزرگ عامل در دانش جامعه، انواعی گوناگون از نظریه‌ها پدید آمدند:

بعضی نظریه‌های خود را بر پایه روانشناسی افراد نهادند؛ درحالیکه دورکیم (E. Durkheim) بر واقعیت خاص اجتماعی تکیه داشت و معتقد بود این واقعیت حاصل جمع افراد نیست، بلکه ترکیبی است خاص، بعضی چون زیمل (G. Simmel) بر شناخت افراد جهت تبیین وقایع اجتماعی توجه کردند، بعضی دیگر بعدی چون جغرافیا را عامل تعیین کننده پدیده‌های اجتماعی خواندند و از آن جغرافیاگرایی (Geographism) پدید آمد با بانیانی چون راتزل (Ratzel) لوپله (Léplay). دیگران مکتب زیستی (Biologism) را مطرح ساختند، باز بعضی دیگر واقعیت اجتماعی را در تنازع بی‌امان بین اقویا و ضعف‌افزاینده و از آن داروین‌گرایی اجتماعی (Social Darwinism) نشأت گرفت، در نظریه‌های ابزارگرا، دانشمندانی چون وبلن (Veblen) در امریکا یا لودوآ گوردان (L. Gourhan) در فرانسه زیر ساخت فنی را عامل اساسی در تبیین جامعه دیدند.

IV- با توجه به بینش اجتماعی نیز نظریه‌های جامعه‌شناختی صورتی چند یافتند: نظریه‌هایی چون ساخت‌گرایسی (Structuralism)، کارکردگرایسی

(Functionalism)، انداموش انگارى
(Organicism) و... با رویکرد خاص
نویسندگان در برابر پدیده‌های اجتماعى
تکوین یافتند. (بهريك ر. ك)

ر. ك. Geographism/ Theory.
Social theory, strategie Theory

Sociological trends

روندهای جامعه‌شناختی

مسیر دگرگونیهای امور و پدیده‌های
اجتماعی. روندها می‌توانند فرضی (با استنتاج
قیاسی Extrapolation) یا موجود و یا
تخیلی باشند.

ر. ك. Tendentious regularity

Sociologism

مکتب جامعه‌شناسی- جامعه‌شناسی گرائی

اندیشه‌هایی به صورت‌های گوناگون
تجلی یافته و صفت ویژه همگی آنان، انتساب
نوعی تفوق نادرست به جامعه‌شناسی در برابر
دیگر اعضای خانواده علم انسان است. این
گرایش‌ها را باید به‌زعم گودویچ (Gurvitch)
صورت‌های مشخصی از امپریالیسم علمی،
استیلاجویی (Hegemonism) و تبعیض در
بین شاخه‌های علم انسان دانست، این گرایش
فکری مخصوص جامعه‌شناسان جدید نیست،
بلکه بانیان جامعه‌شناسی نیز نظیر دودکیم
بدان روی آوردند، باز این گرایش تنها

مخصوص جامعه‌شناسان نیست، بلکه شاخه‌های
دیگری از علم انسان نیز بدان سوق یافتند،
مانند روانشناسی گرائی (Psychologism)
و...

چنین گرایش‌هایی را در صحنه دانش
باید از خودمرکزی و خودبزرگ‌بینی متأثر
دانست.

ر. ك. Economic determinism/
Economism

جامعه‌شناسی^۱ Sociology

دانشی در خانواده علم انسان که هدف
از آن شناخت علمی ابعاد اجتماعى پدیده‌های
حیات است. این مفهوم در آغاز توسط
اگوست کنت وضع گردید. کنت، در ابتداء،
کوشید تا دانشی نو بر پایه دانشهای طبیعی بنا
کند. بدینسان جامعه‌شناسی را همچون
فیزیک اجتماعى (Social physics)
می‌دانست و مکتبی که او بنا نهاد با نام
اثبات‌گرایی (Positivism) درست‌درهمین
جهت پا گرفت.

I- پایه‌گذران: از بین قدیمی‌ترین
صاحب‌نظران، می‌توان افلاطون، ارسطو،
سنت‌اگوستین، سنت توماس، ابن‌خلدون و
هاکیاول، هابس، لاک، بوسوئه، روسو،
کندرسه، کتله، مونتسکیو و بسیاری دیگر
را نام برد که به‌مسائل جامعه انسان‌خواه از

۱- مقاله جامعه‌شناسی (نوشته فوق) انمکاسی از دیدگاه‌های ژان کازنو

است. کازنو، ژان، پیدایی و تکوین جامعه‌شناسی، مترجم باقرساروخانی، مجله پژوهشکده،

تهران، ۱۳۵۷، ۳، ۴، ص ۵۱-۶۳

دیدگاه تاریخ یا فلسفه تاریخ، و خواه از نظر گاههای فلسفی، سیاسی، قضائی و اقتصادی نگریسته‌اند.

کسانى را که از جمله پایه‌گذاران جامعه‌شناسى مى‌خوانند، عبارتند از: سن‌سیمون (Saint-Simon) که به‌نظر دودکیم اولین کسی بوده‌است که جوامع انسانی را همچون واقعیتی خاص و متمایز از دیگر وقایع در نظر آورده‌است. بعد از او، باید از آگوست کنت (A. Comte) سخن گفت که کلمه جامعه‌شناسی را ابداع کرد تا علمی واقعی را پایه‌گذارد که به‌نظر وی مطالعه اثباتی مجموعه قوانین اساسی و خاص پدیده‌های اجتماعی است. علاوه بر این، باید از کارل مارکس (K. Marx) یاد کرد، او با نشان دادن اهمیت کشمکش طبقاتی در تطور جوامع و با تأکید برین نکته که هر امر اجتماعی کلی خاص را تشکیل می‌دهد و همواره چیزی فراتر از اجزاء خودداراست و در عین حال، با روشن ساختن فعل و انفعال بین زیرساخت (مخصوصاً شرایط اقتصادی) و عوامل روساختی (با تأکید بر ایده‌آولوژی) چشم‌اندازهای تازه‌ای برین علم گشود. این بینشها مبداء تحقیقات نویسی در کشورهای سوسیالیستی شده‌اند که صرفاً با مطالعه آثار مارکس قابل فهم خواهند بود. بر نام این سه تن باید نام الکسیس دودوکویل (A. Tocqueville) که در جامعه‌شناسی سیاسی بکار پرداخت و فردریک لاپل (F. Leplay) را افزود.

بعد از پایه‌گذاران، باید از دومولف یاد کرد که جامعه‌شناسی را به‌عنوان علمی خاص و مستقل در بین سایر علوم منزلت بخشیدند. این دو، یکی هربرت اسپنسر (H. Spencer) و دیگری امیل دورکیم (E. Durkheim) است. نفر اول اصول تبیین جامعه‌شناسی را بیش از اندازه با اصول تصور آمیخت (مخصوصاً در کتابش «اصول جامعه‌شناسی» اما تأثیر او هنوز هم به‌طور ضمنی در جامعه‌شناسی معاصر احساس می‌شود و دیگری یعنی دورکیم بی‌شک اولین الگوی مطالعات اجتماعی را به‌صورت علمی عرضه کرد.

جامعه‌شناسی به‌عنوان یکی از مهمترین علوم انسانی نه‌تنها از طریق افکار دورکیم قوام یافت، بلکه گروهی محقق و دانشمند بر گرد او جمع شدند و به‌سهم خود این علم را رونق بخشیدند. حاصل کار این گروه «سالنامه جامعه‌شناسی» است که در سراسر جهان رجحان مکتب جامعه‌شناسی فرانسه را به‌ثبوت رسانید.

در تکمیل فهرست اسامی شاگردان دورکیم، باید نامهای دیگری افزود. از میان آنان، مخصوصاً باید از بوگله (Bouglé) - مولف اثری در زمینه کاستهدار هند (فوکونه P. Fauconnet) - با رساله‌اش در زمینه مسئولیت (سیمیانند F. Simiand) - متخصص در جامعه‌شناسی اقتصادی) - لوی پرول (جامعه‌شناسی قضائی) - مادل گرانه (که آثارش در زمینه جامعه‌شناسی چین معروف است) - دژنه (به‌مناسبت مطالعاتش در جامعه

یونان) و هالبواکس (مؤلف چندین اثر در زمینه طبقات اجتماعی، حافظه جمعی و خودکشی) یاد کرد.

در همین دوران که در فرانسه جامعه‌شناسی مکتب دودکیم درخشش می‌گرفت، در کشورهای دیگر نیز زمینه‌های تازه‌ای گشوده می‌شد که خود به گسترش جامعه‌شناسی انجامید. امکان یادآوری نام همه کسانی که در این کشورها به گسترش جامعه‌شناسی کمک کردند نیست. لیک، درین جافقط به ذکر نام آنانی می‌پردازیم که در تحول این مهم گامهایی بلند برداشتند و شناخت آثار آنان بر هر محقق ضروریست.

در اجرای این منظور، باید به آثار فردیناند تونیس (F. Tönnies)، ماکس دیو، ماکس شلر (M. Scheler) در آلمان، پارتو (Pareto) در ایتالیا و مالینوفسکی (Malinowski) اشاره کرد.

II- مکاتب و مسیرهای جامعه‌شناسی

معاصر:

اندیشه‌های کنت؛ بعدها از جهاتی بسیار مورد انتقاد قرار گرفت، پدیده‌شناسان، به تفکیک علوم طبیعی از علوم انسانی پرداختند. هواخواهان جامعه‌شناسی تفاوتی نظیر گورویچ به انتقاد از فلسفه تاریخ و قوانین حالات سه گانه که کنت بدان اعتقاد داشت پرداختند. به طور کلی، باید گفت جامعه‌شناسی معاصر با بینشها و تفکرات گوناگون مواجه است. این تعدد گوناگونی امروزه بیشتر از قرون پیشین به چشم می‌خورد؛ تا آنجا که ممکن

است تصور رود که جامعه‌شناسی دستخوش بحران ناشی از رشد گردیده است. زیرا، عقاید و نظرات متعارضی بین صاحب نظران آن دیده می‌شود. با این همه، احتمال می‌رود که تعدد نظرات در نهایت به غنای تدریجی و عمق بیشتر هر یک از آنان منتهی شود و واقعیت اجتماعی در تمامی وجوهش از این طریق شناخته خواهد شد. در شرایط کنونی، به سختی می‌توان جامعه‌شناسی را صرفاً از دیدگاه چند مکتب دریافت، مضافاً بر اینکه، چنین مکانی رسمی وجود ندارند و صرفاً تجانس فکری چند مؤلف با یکدیگر نام مکتب به خود گرفته است و این تجانس هیچگاه به معنای اضمحلال استقلال و شخصیت هر یک از آنان نیست. در بعضی از موارد، حتی باید به جای صحبت از مکتب، سخن از جریانهای فکری راند که گاهی از مولفی تأثیر گرفته و روش و یا بینش خاصی را بوجود آورده است. در این مقاله کوشش خواهیم کرد به ذکر یکی از جریانهای مهم فکری پردازیم.

جامعه‌شناسی کمی و جامعه‌شناسی تجربی

Quantative and Empirical sociology

در امریکا، تحقیقاتی گوناگون به منظور شناخت روابط پدیده‌های اجتماعی به صورتی عینی و تجربی همچون علوم طبیعی به عمل آمده است. از طرفی مکتب اصالت رفتار (Behaviorism) با مطالعات «مید» (H. Mead) (مخصوصاً در کتابش «دوان، خود، جامعه») رونق گرفت و از طرف دیگر،

مطالعات مربوط به مردم‌نگاری با توصیف دقیقی که از پدیده‌های اجتماعى ارائه داد، این جهت اندیشه را تقویت نمود. نظریه اینکه رفتارهای جمعی را قطعاً نمی‌توان با تعبیه قانون و یا هر ابزار خاص علوم طبیعی سنجید، علم آمار به کمک طلبیده شد. کوشش گردید تا با قبول آزادی فرد در روابط اجتماعى به تحلیل علی رفتارهای جمعی خواه کلی و یا جزئی با استفاده از ابزار منطقی نظیر آمار پسرداخته شود و این راه مورد تجویز عقل سلیم نیز بود، زیرا به‌عنوان مثال، می‌پذیریم که روزهای آخر هفته راهها شلوغ‌ترند، لیکن چنین امری مانع قبول آزادی افراد در خروج از خانه و یا ماندن در آن در این روزها نیست، پس مسئله صرفاً احتمالی و آماریست.

از جانب دیگر، روانشناسی اجتماعى، ما را در شناخت گروههای کوچک کمک نمود و این امر، خود به تقویت جهات عینی و کمی تحلیلهای ما از رفتارهای جمعی انجامید. بینشهای کمی و تجربی در جامعه‌شناسی به‌عنوان علمی که در صدد تعبیه ابزارهایی دقیق همچون علوم طبیعی است، ما را دست‌کم در قلمرو آمار و اعداد بزرگ به‌سوی کشف نظمى مستمر در وقوع یا عدم وقوع پدیده‌ها کشانید که خود متضمن قبول اصل موجبیت در علم انسان است. بدین قرار و از این دیدگاه، قوانین علی پذیرفته می‌شوند، همچنانکه همبستگیهای کارکردی مقبول می‌افتند. ترجمه پدیده‌های

اجتماعى به‌زبان آمار و ریاضیات، موجبات مقایسه بهتر داده‌ها را فراهم می‌آورد، ابعاد ذهنی اسناد و داده‌ها را از بین می‌برد و متغیرها را به‌نحوی مشخص می‌سازد که روابط بین آنان به دقت سنجیده می‌شود.

جامعه‌شناسی تجربی در عمل کوششهایش را در دو جهت متمرکز می‌سازد: باید ابزارهای ریاضی و آماری را با پدیده خاص مورد مطالعه منطبق ساخت و چنین هدفی مستلزم تمهید سلسله روشهای دقیق است که بدون آن هیچ نوع پیشرفتی در این جهت حاصل نخواهد شد. در مورد روشها باید به کتاب «لازارسفلد» (Lazarsfeld) یعنی «فلسفه علوم اجتماعى» اشاره کرد. کتاب «دیموکودون» (R. Boudon) تحت عنوان «روشهای جامعه‌شناسی» و همچنین کتاب دیگرش به نام «تحلیل ریاضی امور اجتماعى» نیز در این مورد حائز اهمیت است.

از جانب دیگر، جامعه‌شناسی نمی‌تواند پیشرفت نماید، مگر زمانی که داده‌های آماری دقیق و متعدد فراهم آیند و محققین این داده‌ها را در بسایگانی‌های سازمانها و موسسات گوناگون بیاوند. بعضی از این اسناد به راحتی ارائه نمی‌شوند، اما بعضی دیگر، به‌سهولت در دسترس قرار می‌گیرند. تاکنون امکان دستیابی به این داده‌ها موجبات گسترش تحقیقات تجربی را فراهم آورده است، همچنانکه چگونگی این امکانات گزینش موضوعات تحقیق را نیز تحت تأثیر قرار داده است. به‌عنوان مثال، باید پذیرفت

پرسشنامه، یکی از مظاهر جامعه‌شناسی تجربی است.

دراختیار داشتن اسناد و مدارك دقیق و مستند، داده‌های به‌دقت حاصل شده، و ابزار آماری و ریاضی دقیق و حساس، هیچیک بخودی‌خود کافی نیست. باید علاوه بر این، مسائل را به‌دقت طرح کرد، فرضیه‌ها را به درستی عنوان نمود، شاخصها، قوالب و معیارها را به‌دقت برگزید و تمامی این کوششها زمانی با موفقیت همراه است که محقق دارای قدرت ابداع و استعدادی شخصی باشد که هیچگاه مغایر با عینیت نیست، اما از پیچیدگی پدیده‌های اجتماعی حکایت دارد.

جامعه‌شناسی کمی و تجربی در آمریکا کمی قبل از جنگ دوم جهانی و در دوران بیست ساله بعد از آن، جهشی چشمگیر یافت. اثر برجسته‌ای که نمونه‌ای عالی چنین مطالعاتی است، به نام «مرباز آمریکایی» خوانده می‌شود. این تحقیق که در مورد رفتار، عقاید، و حالات روانی سربازان آمریکایی در زمان جنگ به نگارش درآمد، حاوی اطلاعاتی وسیع است و از دیدگاه روش‌شناسی نیز حائز اهمیت می‌باشد.

زمانی بعد از آن، جامعه‌شناسان آمریکا را ساده‌گرا خواندند. اعتقاد عمومی بر این بود که در هر تحقیق پرسشنامه‌ای تهیه می‌نمایند، آن را بر روی جمعیت نمونه مشخصی اعمال می‌کنند و بعد از آن با استفاده از روشهای آماری و ریاضی، داده‌های

اگر جامعه‌شناسی قضایی پیشرفت معتنا بهی داشته است، بدین علت بوده است که دستیابی محققین به آمار مربوط به خودکشی و کژ رفتاری ساده‌تر بوده است و «دورکیم» به‌همین جهت اولین الگوهای چنین بررسیهایی را در کتابش موسوم به «خودکشی» ارائه داده است. از مدتها قبل سخن از ایجاد بانک داده‌ها است که در آن اطلاعات اجتماعی تمرکز یافته و سهولت در اختیار هر محقق قرار گیرد. در پاریس، «مرکز مطالعات جامعه‌شناسی» در این جهت گامهایی برداشته است. از جانب دیگر، مذاکراتی در جریان است تا «موسسه ملی آمار و مطالعات اقتصادی» نیز داده‌های وسیع خود را سهولت در اختیار محققین قرار دهد.

جامعه‌شناسی تجربی از نظرخواهیهای متعددی نیز که توسط سازمانهای گوناگون خصوصی (I.F.O.P.) و یا (S.O.F.R.E.S) در فرانسه صورت می‌گیرد و بعضی از نتایج آنها بعد از اجازه از دستگاههای ذینفع منتشر می‌شوند، استفاده نموده است. داده‌های حاصل از نظرخواهیها و یا بررسی رفتارها، در واقع اسناد و مدارك عینی و قابل دستیابی برای محقق می‌باشند.

پرسشنامه‌ها که موجب ثبت عقاید نیز می‌گردند، آغاز مناسبی در بررسیهای مربوط به حالات روانی هستند، لیک عینیت محض و مطلق در شناخت مستقیم پدیده‌های رفتاری (مانند خودکشی، تمایل مصرف و ...) را ندارند، با این‌همه مطالعه رفتار با استفاده از

حاصل از این بررسیها را بدون برخورداری از مجموعه‌ای نظری منتشر می‌سازند.

به نظر می‌رسد که در انبوه چنین مطالعاتی، جامعه‌شناسی با چند نسخه از پیش ساخته با تمامی پدیده‌ها روبرو می‌شود، آنان را مثله می‌نماید و سپس اموری بدیهی را با زبان ریاضی بیان می‌دارد و در نهایت چنین می‌پندارد که همه چیز را به طور دقیق و عینی سنجیده و شناخته است.

«پیتريسم سوروکين» که خود در چند اثر به جامعه‌شناسی تجربی رو می‌آورد، انتقادی سخت بر افراط جامعه‌شناسان امريكايی در این راه به نگارش در آورده است و چنین افراطهایی را در امريكا «جنون كميت و آزمون» خوانده است («سوروكين»، تمایلات و سرخوددگیهای جامعه‌شناسی در امريكا).

با این همه، باید پذیرفت که تحقیقات تجربی و کمی، موجبات پیشرفت جامعه‌شناسی را فراهم می‌آورند و آن را از مباحث انتزاعی و نظری‌رهای می‌بخشد لیک این پیشرفت بسی شك کند خواهد بود و صرفاً جهانی از زندگی اجتماعی را دربر خواهد گرفت که پاسخگوی تمامی کوششهای جامعه‌شناسان نیست. در واقع، همان طور که گورو-یچ و مرتن به خوبی نشان داده‌اند، تحقیق تجربی، هر چند نمی‌تواند زندگی اجتماعی را در همه وجوهش به طور عینی بسنجد. اما آغازی مطلوب بر استدلال نظری است و با تمهید مبانی عینی وسیله‌ای مقبول

در جهت سنجش نظریه‌ها فراهم می‌سازد.

Sociology, Applied

جامعه‌شناسی کاربردی

Applied sociology ر. ک.

Sociology, Biological

جامعه‌شناسی زیستی

Biological sociology ر. ک.

Sociology, clinical

جامعه‌شناسی بالینی

Clinical sociology ر. ک.

Sociology, comparative

جامعه‌شناسی مقایسه‌ای

Comparative sociology ر. ک.

Sociology, critical

جامعه‌شناسی انتقادی

Critical sociology ر. ک.

Sociology, Depth (In)

جامعه‌شناسی عمقی

Depth sociology (In) ر. ک.

Sociology, Experimental

جامعه‌شناسی آزمایشی

Sociology ر. ک.

Sociology, Economic

جامعه‌شناسی اقتصادی

Economic sociology ر. ک.

Sociology, Folk

جامعه‌شناسی قومی

Folk sociology/ Folklore ر. ک.

Sociology, Formal

جامعه‌شناسی صوری

Association ر. ک.

- Sociology, Historical** جامعه‌شناسى تاريخى
Historical sociology ر.ك.
- Sociology, Humanist** جامعه‌شناسى انسان‌گرا
Humanist sociology ر.ك.
- Sociology, Industrial** جامعه‌شناسى صنعتى
Industrial sociology ر.ك.
- Sociology, Interpretative** جامعه‌شناسى تائىلى
Interpretative sociology ر.ك.
- Sociology, Macro-** جامعه‌شناسى كلان
Macrosociology ر.ك.
- Sociology, Medical** جامعه‌شناسى پزشكى
Medical sociology ر.ك.
- Sociology - Meso** جامعه‌شناسى ميانه
Meso-sociology ر.ك.
- Sociology, Micro** جامعه‌شناسى خرد
Micro-sociology ر.ك.
- Sociology, Military** جامعه‌شناسى نظامى
Military sociology ر.ك.
- Sociology of art** جامعه‌شناسى هنر
 مطالعه ابعاد گوناگون هنر است در بطن جامعه و به عنوان حاصل يا فراورده‌اى اجتماعى. از اين قرار بسيارى جهات در زمينه‌هاى تحقيق گشوده مى‌شوند:
- شناخت هنرمندان، زمينه‌هاى حيات آنان و علل گرايشان به قلمرو هنرى.
- سازمانها، نهادها و تاسيسات هنرى..
- مشتريان هنر، زمينه‌ها، انگيزه‌ها و علايق آنان.
- ارزشهاى اجتماعى در رابطه با هنر.
- بدينسان هنر نه تنها ساخته افكار و اندیشه‌هاى مردم، بيان مسائل، نيازها و خواسته‌هاى آنان شناخته مى‌شود، بلكه خود مؤثر بر جامعه و راهگشاى آينده‌اى ديگر بر مردمان خواهد بود.
- Sociology of education** جامعه‌شناسى پرورش و آموزش
- I- شاخه‌اى از جامعه‌شناسى است كه در آن به مطالعه نهادها و سازمانهاى آموزشى پرداخته مى‌شود؛ دست‌اندركاران آموزش و فراورده‌هاى نظام آموزشى مورد تحليل قرار مى‌گيرند. روابط بين جامعه با نهادها، سازمانها و شيوه‌هاى آموزشى مطمح‌نظر است. همانطور كه طبقات اجتماعى از ديدگاه توان دستيابى آنان به نهادهاى آموزشى مورد توجه قرار مى‌گيرند. چه، عليرغم مردمى شدن آموزش. باز هر طبقه، سنن، مراسم و امتيازات خود را از طريق آموزش منتقل مى‌سازد و آموزش همچون ابزاری در انتقال مزايای طبقاتى در خلال نسلا به شمار مى‌رود (به عنوان مثال، هم اکنون در انگليس، امكان دستيابى به دانشگاه براى يك كودك از طبقه متوسط شش برابر

بر هر آنچه می‌داند که در قلمرو جامعه‌شناسی بافرهین یا فرایند اجتماعی شدن در ارتباط است و هر آنچه که در آموزش بتواند مورد تحلیل جامعه‌شناختی قرار گیرد».

(*Sociology of education: a definition*, vol 14, P: 11)

III- با توجه به تعریفش و محدوده‌های وسیعی که هر يك از دانشمندان بر آن قائل شده‌اند، باید گفت، جامعه‌شناسی پرورش و آموزش، از اساسی‌ترین رشته‌های جامعه‌شناسی است. هیچ پدیده‌ای بدون توجه بدان قابل بررسی نیست و هیچ جامعه‌ای در جهان فارغ از آن نمی‌تواند باشد. باید گفت آموزش به صورت غیررسمی اولین گام‌های انسان را در اولین جوامع انسانی هدایت نمود و در جهان جدید با بسط عظیم وسایل ارتباط جمعی، دیگر باید سخن از شهرآموزش راند. چه، دیگر تنها آموزش در انحصار نهادهای آموزشی نظیر مدرسه نیست و بشر در تمامی عمرش می‌آموزد و تأثیر می‌پذیرد. زیرا آموزش دیگر خاص هیچ دوره‌ای از حیات نیز نیست.

۷. لک. *Socialization/ Mass media, Education.*

Sociology of family

جامعه‌شناسی خانواده

۷. لک. *Family/ Marriage*

Sociology of history

جامعه‌شناسی تاریخ

۷. لک. *Historical sociology*

طبقه کارگر است).

در معنای وسیع کلمه، جامعه‌شناسی پرورش و آموزش، فرایندآموزش را از دیدگاه جامعه‌شناختی مطرح می‌سازد و بدان به عنوان ابزار انتقال فرهنگ می‌نگرد.

II- ماکس وبر به طرح گونه‌شناسی جامعه‌شناختی هدفها و ابزارآموزشی پرداخت. همچنین دوکیم در اثرش «جامعه‌شناسی و آموزش» با دیدی کارکردی به آموزش نگریست. با اینهمه باید گفت، این رشته از سال ۱۹۱۸ در امریکا بسط یافت و بدان به عنوان نام دیگری برای اجتماعی شدن (*Socialization*) در معنای وسیعش نگریسته شد. در این جهت برادن (F. J. Brown) به نقل از دادسن (D. W. Dodson) می‌نویسد: «جامعه‌شناسی پرورش و آموزش به اثر کل محیط فرهنگی که در آن و از خلال آن تجربه اخذ گردیده و سازمان می‌یابد توجه دارد. در این رشته به هر بحث توجه می‌شود، لیک، آن را به عنوان جزیی کوچک از يك کل می‌بینند. جامعه‌شناسی پرورش و آموزش مخصوصاً در صدد آن است که دریابد چگونه می‌توان فرایند آموزشی را تحت تأثیر قرار داد. (کنترل اجتماعی) و موجب رشد بهتر شخصیت گردید».

(*Educational sociology* .

P: 361)

از جساب دیگسر، پروک آور (W. B. Brookover) در مقاله‌ای به همین نام، جامعه‌شناسی پرورش و آموزش را مشتمل

Sociology of knowledge

جامعه‌شناسی معرفت

I- شاخه‌ای است از جامعه‌شناسی که در آن موضوعاتی چون شناخت فرایندی که موجب پیدایی دانش در فرهنگی خاص می‌گردد و شکوفایی آن را باعث می‌شود، همچنین سازمانهای مرتبط با دانش و تأثیر و تأثر بین دانش و جامعه و زمینه‌های تکوین صاحبان دانش درین شاخه، عنوان می‌شوند. در این دید، دانش به معنای جامع کلمه در نظر گرفته می‌شود و اسطوره‌ها، عقاید، اندیشه‌ها و علوم را شامل می‌شود.

II- دورکیم (E. Durkheim) اثرش «توقم آیینی» (Totemism) اظهار نمود که قالبهای اندیشه (زمان، مکان، جهت) تماماً توسط جامعه پدید می‌آیند، اما اندیشه‌ها نیز به سهم خود، به عنوان واقعیتی تازه در عالمی خودمختار بر جامعه اثر می‌نهند. همچنین او با ایجاد فصل جدیدی در مجموعه سالنامه جامعه‌شناسی (Année sociologique) که به طور منظم توسط او منتشر می‌گردید با نام «شرایط اجتماعی دانش» باب این رشته را گشود، با اینهمه هاکس شلر، با اثرش تحت همین نام (جامعه‌شناسی معرفت آغازگر واقعی و اصلی این رشته به حساب می‌آید. از دیگر کلاسیکهای این رشته، کادل هارکس (K. Marx) را باید نام برد. هارکس دانش را محصول جامعه می‌داندست. بزعمش، دانش متأثر از روابط طبقاتی است، کشمکشهای طبقاتی به انحراف مسیر دانش منتهی می‌شوند

و راهی غیرطبیعی برای دانش باز می‌کنند. هارکس و انگلس بر این اعتقاد بودند که تمامی دانش با منافع آگاهانه یا ناآگاه طبقات در حال کشمکش چه، استثمارگر، چه استثمار شده انحراف یافته، درجهتی هدایت شده است و این انحراف را می‌توان در جوامع گذشته ملاحظه کرد. پس به عقیده آنان دانش در جامعه بی‌طبقه اصالت می‌یابد. مارکس در اثرش گفتاری در نقد اقتصاد سیاسی می‌نویسد:

«در تولید اجتماعی که توسط انسانها صورت می‌یابد، آنان وارد روابط مشخصی می‌شوند که اجتناب‌ناپذیر و مستقل از اراده آنان است و این روابط تولیدی با مرحله معینی از رشد قدرت تولیدی مادی مرتبط است. مجموعه این روابط تولید، ساخت اقتصادی جامعه را تشکیل می‌دهد، شالوده‌ای واقعی است که روساختهای سیاسی و حقوقی بر روی آن جای می‌گیرند و اشکال مشخصی از آگاهی اجتماعی در ارتباط با آنند. شیوه تولید در حیات مادی تعیین‌کننده خصلت کلی فرایندهای سیاسی، اجتماعی و معنوی حیات است. این آگاهی انسانها نیست که تعیین‌کننده زندگی آنان است، برعکس، حیات اجتماعی آنان آگاهی آنان را تعیین می‌نماید.»

(A contribution to the critique of political economy, P: 11)
این مواضع صریح مارکس درباره حیات ذهنی انسان و همچنین خاستگاه آگاهی

و دیدش در باب دانش به عنوان محصول جامعه بعدها مورد تفسیر و سمیع مارکس گرایان قرار گرفت.

— هانهایم (Karl Mannheim) بعد از هارکس و متأثر از اندیشه‌های او، از بنیان واقعی این شاخه از علم انسان است و اندیشه‌هایش در این زمینه، در کتابهای «ناکجا آباد» و «ایده‌ولوژی» و همچنین «مسأله‌هایی در باب جامعه‌شناسی معرفت» آمده است. به زعم او، دانش فرآورده اجتماعی است، لیک او برخلاف هارکس، تحقق عینیت در دانش را صرفاً در جامعه‌بسی طبقه نمی‌داند. او بین ایده‌ولوژی که به زعمش وضع موجود را توجیه می‌نماید و ناکجا آباد (Utopia) که دنیای دیگر را تصویر می‌کند، تمایز می‌بیند. در اثرش با نام ایده‌ولوژی و ناکجا آباد می‌نویسد: «جامعه‌شناسی دانش تحلیل روابط متقابل کارکردی بین فرایندهای اجتماعی و ساختها از یکسو و الگوهای حیات ذهنی، از جمله شیوه‌های دانستن از سوی دیگر است».

(*Ideology and Utopia*,
P. 238)

به عقیده او موضوع مورد مطالعه در این است که چگونه و به چه صورت در برهه‌ای مشخص از تاریخ، حیات ذهنی با نیروهای اجتماعی و سیاسی موجود مرتبط می‌گردد. در اثر فوق‌الذکر، او موضوع جامعه‌شناسی دانش را مطالعه سه نوع مشخص اندیشه می‌داند: ۱) اندیشه واقع‌گرایانه

یعنی اندیشه‌ای که به طور عملی با جامعه سازگار است و به عنوان حقیقت به کار می‌آید. ۲) اندیشه ایده‌ولوژیک و یژه گسروهای محافظه‌کار و ارتجاعی که نه بر واقعیت، بلکه بر خواست مبتنی بر جلوگیری از بروز دگرگونیها متکی است. ۳) اندیشه رؤیایی (Utopian) که ویژه انقلابیون است؛ قابل تحقق در واقعیت نیست و از اینرو غیر واقعی است. چه، نه بر قبول واقعیت، بلکه پذیرش تصویری خیالی از آن متکی است.

— پس از اینان، دیدگاههایی تازه پدید آمده که بسیاری در اینجا صرفاً به ذکر اندیشه‌های برگر (Peter Berger) و لاکمن (T. Luckman) می‌پردازیم.

این دو، به رابطه دیالکتیکی بین جامعه و اندیشه اعتقاد دارند؛ به زعم آنان، انسان فرآورده‌های اجتماعی را تولید می‌کند که خود نوعی برونی‌سازی (Externalization) است. این فرآورده‌ها، با انسان به عنوان واقعیتی عینی، برخورد می‌کنند و در نهایت در وجدان ذهنی (Subjective consciousness) انسان رسوخ می‌نمایند که خود نوعی درونی‌سازی (Internalization) خواهد بود. و از این فرایند، روابط گسترده انسان سازنده (Homo-faber) با اندیشه یا هر محصول آن، که در حقیقت مخلوق بشری است، شکلی ذهنی، کیفی و بسیار پیچیده می‌گیرد.

III — بدینسان، رشته‌ای از دانش پدید

آمد در باب زمینه‌های اجتماعی شناخت و

پدیده‌های اجتماعی مطرح می‌شوند، هر یک زبان جامعه‌اند و در جهت پاسخ به نیازهای آن تعبیه می‌شوند. پس، مطالعه شرایط وضع قوانین و شناخت واضعین آن نیز در این مبحث عنوان می‌شود.

II- هر چند اثر برجسته مونتسکیو «روح

القوانین» او را از بانیان این رشته ساخته است و لیک اصطلاح جامعه‌شناسی حقوقی به سال ۱۸۹۲ توسط انزِلوتی (D. Anzilotti) وضع گردید. برخی از صاحب‌نظران برجسته این دانش عبارتند از امیل دورکیم، ماکس وبر، ارلیخ و ژرژ گودویچ، دورکیم در صدد بود قوانین را گونه‌بندی نماید و هر گونه از آنان را با گونه‌ای از جامعه پیوند دهد. به عنوان مثال، او قوانین ردعی (Retributive) را با جوامع ابتدایی مرتبط می‌دید، همانطور که جوامع جدید یا مبتنی بر همبستگی عضوی را با پیدایی قوانین جبرانی با تدارکی (Restitutive) در ارتباط می‌دید.

ماکس وبر در اثرش با نام «اقتصاد و جامعه»، مخصوصاً ابعاد اقتصادی حقوق و قوانین را به طور مبسوط به بحث نهاد. دانشمند دیگر اطریشی است با نام ادلیخ (E. Ehrlich) که اثرش تحت عنوان «اصول اساسی جامعه‌شناسی حقوقی» منتشر گردیده است. اثر دیگر در این زمینه از ژرژ گودویچ است که تحت عنوان «جامعه‌شناسی حقوقی» به سال ۱۹۴۲ انتشار یافت. تمامی این دانشمندان حقوق را به عنوان جزئی از

در جهت تسهیل در راه کاربرد آن، به شرط آنکه دو شرط اصلی در آن رعایت گردد:

(۱) باید مطالعه این پدیده‌ها فارغ از ابعاد ارزشی و به صورت عینی صورت پذیرد «پس هدف اصلی در جامعه‌شناسی دانش به عنوان یک رشته از دانش بشر فهم منشأ ایده‌هاست و نه داوری در باب اعتبار و یا جهات سیاسی آنان.»

(W. Stark: the sociology of knowledge, ch 2)

(۲) همچنین باید از هر تعصب در باب جبر و اختیار در قلمرو اندیشه و هر نظریه غیرقابل اثبات از طریق علمی اجتناب نمود. نزدیکترین رشته با این شاخه از دانش انسان شناخت‌شناسی (Epistemology) است که برخی آن را از دیدگاهی شعبه یا جزئی از دانش اخیر می‌دانند.

ر. ک. Mannheim/ Epistemology, Dialectic

Sociology of language

جامعه‌شناسی زبان

Sociolinguistics ر. ک.

Sociology of law

جامعه‌شناسی حقوقی

I- مطالعه حقوق و نهادهای حقوقی است در چارچوب زمینه اجتماعی. از سویی با مطالعه تحلیلی قوانین حقوقی متمایز است و از سویی دیگر با شناخت حقوق از دیدگاهی فلسفی. از این دیدگاه، قوانین به عنوان امور اجتماعی قابل ملاحظه و هم جزئی از

جامعه، نمادی از حرکت اجتماعى و بنوبه خود عنصرى مؤثر بر ارکان اجتماعى عنوان مى نمایند.

ر. ک. Durkheim/ Gurvitch/
Punishment/ Criminology/ Crime.
Deviance/ Restitutive law.
Retributive law penology

Sociology of leisure

جامعه‌شناسی فراغت

Leisure از واژه لاتینى Licere به معنای اجازه داشتن، مجاز بودن گرفته شده است و دومازدیه (J. Dumazedier) آن را چنین تعریف می‌کند: «گذران اوقات فراغت مجموعه فعالیت‌هایی را دربر می‌گیرد که شخص به‌میل خود، خواه برای استراحت، خواه برای تفریح و خواه برای گسترش اطلاعات آموزش شخصی، یا مشارکت آزاد اجتماعى و یا کاربرد توانش در خلاقیت در زمانى فارغ از تعهدات شغلی، خانوادگی و اجتماعى به‌عهده می‌گیرد» (فرهنگ علوم اجتماعى، آن بیرو، ترجمه باقر ساروخانی، ص ۲۰۳) تعدادی اضلاع فعالیت دولتها در جهان امروز و مسئولیت خاص دستگاههای دولتی در گسترش امکانات انسان در اوقات آزاد، نشان‌دهنده بعد سیاسى خاص اوقات فراغت خواهد بود.

اصطلاحاتى چون کار و فراغت، پوشاننده همه فعالیت‌های انسان نخواهد بود و بسیاری از اعمال انسان در بین کار و فراغت اند، زیرا کار و اشتیاق در آنان به هم مى‌آمیزند. گذران اوقات فراغت نیز به معنای عدم فعالیت محض نیست، بلکه کار آترین و پرکارترین فعالیت‌های انسان مى‌تواند در هنگام اوقات فراغت او صورت پذیرد، بنابراین آنچه لحظات کار و فراغت را از یکدیگر متمایز می‌کند، حاصل فعالیت و یا ظاهر آن نیست، بلکه بعد ذهنی و درونی عمل است. از اینرو، جامعه‌شناسی اوقات فراغت وابستگی خاصی با روانشناسی خواهد یافت و با توجه به این علم و آورده‌های آن می‌توان، لحظات کار و فراغت را نه به‌عنوان لحظه‌هایی متضاد و متعارض، بلکه مکمل تلقی نمود، و کوشید تا لحظات کار با ایجاد انگیزه‌های روانی به‌سوی لحظه‌های فراغت حرکت نماید، از این دیدگاه و در صورت تحقق چنین هدفی، می‌توان به‌حجم کلی لحظات فراغت با پیدایی ساعات نامریسی آن افزود.

چگونگی رفتار انسان در هنگام گذران اوقات فراغت، هیچگاه به‌دقت شناخته نخواهد شد، مگر زمانی که ساخت خانوادگی و ارزشهای مقبول اجتماعى تحلیل شود و

۱- مباحث فراغت در این صفحه‌های و قسمتی از صفحه بعد خلاصه‌ایست از نوشته زیر،

ساروخانی (ب)؛ جوانان و گذران فراغت، گزارشی از کنفرانس بین‌المللی در مورد

کودکان و جوانان. فرهنگ و زندگی، ۱۳۵۲ تهران، ۱۰، ص ۱۷۱-۱۷۵

از این جهت نیز رابطه پدیده فراغت با سایر ارکان اجتماعى ملاحظه مى شود.

بدین ترتیب وبا توجه به تعدد ابعاد این پدیده جا دارد، هر تحقیق در زمینه گذران اوقات آزاد باتجمع متخصصین در رشته های مختلف صورت گیرد و نتایج حاصله از هر بررسی در رشته های گوناگون فعالیت به کار آید.

جامعه جدید را مصادف با تجلى «تمدن فراغت» دانسته اند، افزایش سالهای تحصیل، دیررسى ورود انسان به بازار کار و افزایش سن ازدواج، دورانى خاص در زندگى انسانها پدید آورده است که جوانى خوانده مى شود، دیگر انسان جدید از کودكى مستقیماً به بزرگسالى قدم نمى نهد، بلکه سالهائی چند در زندگى او تجلى مى یابد که با فقدان و یا کمى مسئولیت مترادف است و در آن اوقات فراغت سهمى بزرگ مى یابد. پیدایى مشاغل دولتى و مخصوصاً عدم امکان تعدد شغلى به جهت منع قانون و یا عدم نیاز مادى، ریتم خاصى در زندگى انسانها پدید آورده است که در آن میزان وسیمى از زمان آزاد مى تواند موجب تحقق عالیتترین هدفهای انسانى را فراهم آورد و چنانچه صرفاً در اختیار بخش خصوصى قرار گیرد، ضرورتاً جلوه گاه تجلى همه آرمانهای انسانى نخواهد بود.

در این زمینه مطالعاتى که باتکنیک بودجه زمان فراهم آمده اند، جهات مثبت بسیار دارند:

از جمله، مى توانند، تصویر جامع فعالیت انسان را در مقطع محدود زمان نشان دهند. از این طریق، مى توان، تمایز و حتى تضاد فعالیتها را که مستلزم احراز نقشهای متنوع و گاهى متعارض است، شناخت، حجم زمان آزاد را در زمینه کلی فعالیتها باز یافت، این تکنیک بهترین وسیله جهت مقایسه تصویر فعالیتها در زمان و در بین جوامع خواهد بود. لیکن، این ابزار تحقیق، فقط تصویر زمانى کوتاه را بدست مى دهد و تنوع چهره فعالیت انسان در محدوده وسیع زمان با این وسیله به دست نخواهد آمد. کاربرد آن زمانى که با گروههای سروکار داشته باشیم که زمان در بین آنان مفهوم کمى دقیق نیافته است، به نتیجه نخواهد رسید. در جوامعى که بین رفتار در واقعیت و ارزشهای رسمى تعارضى وجود دارد، شبکه فعالیتها آنچنانکه از طریق این ابزار حاصل مى شود بی اعتبار خواهد بود.

به نظر ضرورى مى رسد که همراه با هر تحقیق که با اعمال این وسیله صورت مى گیرد، بررسیهای عمقى مخصوصاً با استفاده از مطالعات موردی انجام گردد که به فهم دقیق رفتار کمک نماید، اعمال تکنیکهای غیرمستقیم در بررسی رفتار انسان در اوقات آزاد با توجه به جنبه شخصى و خصوصى رفتار در این مواقع ضرورتى خاص دارد.

گذران اوقات فراغت به صورتهای گوناگون صورت مى بندد؛ زمانى فراغت فعالانه معینى با حرکت صورت مى یابد زمانى

یافته که جزئی از عادات زندگی انسانها را فراهم ساخته است. به طوری که در ماههای تیر و مرداد، از شهر بزرگچون پاریس کمتر کسی از ساکنان آن جز توریستها باقی میمانند.

— در چنین وضعی، عدم تحقق فعل یا عملی که به حسب عادات جدید باید در زمان فراغت صورت پذیرد، موجبات پیدائی حرمان را در انسانها فراهم میسازد.

پس، مطالعه سازمانهای خصوصی فراغت از اهمیتی شگرف برخوردار است؛ هم بدان جهت که نقشی مهم در گذران فراغت انسانها ایفا می کنند و هم بدان دلیل که کنترل ظریف و حساس این بخش ضرورتی حیاتی است.

بدرستی می توان گفت، چنانچه بخش خصوصی در کار تمهید فعالیتهای فراغت آزاد مانده، بزودی گذران فراغت مبدل به پدیده ای آسیب بی خواهد شد و سرمایه دارانی را جلب خواهد کرد که فقط انتفاع را مدنظر دارند و در این رهگذر از هیچ معیار اخلاقی تبعیت نمی نمایند.

علاوه بر این، مسأله گذران اوقات فراغت در این دانش در رابطه با آزادی انسانها مورد توجه قرار می گیرد. آیا بجاست که افراد يك جامعه مخصوصاً جوانان را مجبور سازیم حتماً در هنگام گذران زمان آزادفلان فعالیت را به انجام رسانند یا به فلان محل خاص روند و یا آنکه با فلان افراد ویژه باشند؟ بی شبهه چنین نیست و آزادی لازم در

دیگر چهره ای پذیرا می یابد. نظیر زمانی که به تماشای يك فیلم یا بازی می نشینیم فراغت از دیدگاه محتوای آن نیز صوری خاص می یابد، نظیر گذران فراغت فرهنگی، ورزشی، ... همانطور که باتوجه به افراد نیز به صورتهای فردی، خانوادگی و توده وار تجلی می نماید.

گذشته از این، یعنی شناخت حجم، ابعاد و به طور کلی ماهیت فراغت، در این شاخه از دانشهای اجتماعی — انسانی، سازمانهای فراغت نیز به بحث نهاده می شوند. موضوع مهم، تجاری شدن (Commercialization) فراغت در دنیای ماست، یعنی وارد شدن بخش خصوصی در دنیای فراغت انسانها. عواملی بسیار موجبات پیدایی این روند تاریخی — اجتماعی را فراهم آورده اند:

— تفكیک دقیق زمان کار از فراغت
— کاهش شیوه های سنتی گذران فراغت و در نتیجه پیدایی خلاء در زمان آزاد.
— افزایش امکانات مالی و مادی انسانها و پیدایی آنچه امروز، در جوامع صنعتی تمدن رفاه خوانده می شود.

— توجه ذهنی انسانها به زمان فراغت
آمادگی آنان در راه اختصاص بسودجای (گاه وسیع) جهت گذران فراغت.

— تسری سریع شیوه های جدید گذران فراغت و بروز نوعی عادات اجتماعی نوین در این زمینه. به عنوان مثال، تابستان به تعطیلات رفتن در جوامع صنعتی چنان بسط

بدطوری که در تحقیقی درمورد برخورد کودکان ایرانی با تلویزیون ملاحظه می‌شد که گاه بیش از ۶ ساعت در شبانه‌روز صرف تماشاى تلویزیون می‌شود (ر. ک. به کتاب ساروخانی، کودکان در برابر پیامهای فرهنگی، جلد اول صفحه ۶۴). بنابراین، ایجاد تعادل در گذران فراغت، بسط فراغت‌های فعال و بر تحرک به عنوان يك ضرورت تجلی می‌نماید.

ر. ک. Recreation/Hobby,

Avocation/Pastime

Sociology of literature

جامعه‌شناسی ادبیات

به شناخت آثار ادبی، محتوا، مشخصات و زمینه‌های روانی، اجتماعی و فرهنگی پیدایی آنان می‌پردازد، همانطور که نویسندگان این آثار، شخصیت آنان، زندگینامه‌شان و روابطی را که با محیط پیرامون داشته‌اند، به مطالعه می‌گذارد؛ بررسی مشتریان و خوانندگان این آثار، حجم طبقه اجتماعی و تمنیات آنان را نیز به انجام می‌رساند؛ تحلیل فرایند چاپ، اقتصاد و فرهنگ چاپ و کارکنان آن از دیگر مباحث این رشته است. از برجستگان این شاخه از جامعه‌شناسی باید لوکاکز (G. Lukacs) و همچنین لاونتال (L. Lowenthal) را نام برد.

Sociology of occupation

جامعه‌شناسی کار و شغل

Occupational sociology

ر. ک.

Sociology of medicine

جامعه‌شناسی پزشکی

گذران زمانی که خود بدین نام خوانده می‌شود با این نوع دستورات تمایز وحتی تضاد دارد. از اینروست که جامعه‌شناسی فراغت باز به روانشناسی و هم روانشناسی اجتماعی روی می‌نماید و از آنان در راه هدایت درونی انگیزه مدد می‌جوید. هدف این است که بدون اعمال فشار خارجی که حریم آزادی را آسیب می‌زند، چنان انگیزه‌هایی در انسانها پدید آوریم که خود به فعالیت‌هایی سالم در زمان فراغت روی نمایند. مسأله دیگر در این دانش، گسترش زمینه‌های فراغت است، چگونه می‌توان از طریق خانواده، وسایل ارتباط جمعی و مدرسه، گذران فراغت سالم را به انسانها آموخت. آنچنانکه از انجام فعالیت‌هایی چون جمع‌آوری تمبر، تهیه مجموعه‌هایی بدیع و حتی فعالیت‌های فرهنگی ظریف لذت برند و ساعتها بدان مشغول گردند. یعنی گذران زمان هم موجبات شکوفایی شخصیت را فراهم آورد و هم آنکه حاصلی مفید و بجاماندنی از آن فراهم آید. به عبارات دیگر مسأله اساسی نداشتن سالم‌سازی فراغت بلکه فعال‌سازی انسانها در گذران زمان آزاد است.

— باز موضوع دیگر، مسأله مبارزه با فراغت منفعل یا پذیرا است. پیدایی و بسط سریع وسایل ارتباط جمعی (مخصوصاً تلویزیون) موجب شده است که انسانها (مخصوصاً کودکان) ساعت‌های متوالی در حریر شبانه‌روز خود را در برابر آن گذرانند و این زمان گاه به مرزهایی خطرناک می‌رسد؛

در خلال اعصار و قرون (در حیات انسانی)
می نمایاند»

(*Religion and society*, P: 1)

III- باورهای دینی از جهاتی بسیار
حیات اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهند:
۱- از جهت آداب و سنن:
اعتقادات دینی زنجیره ای از مراسم،
عادات و آداب پدید می آورند که خود بعدی
از هستی اجتماعی می شود، تجمعات گوناگونی
را دامن می زنند و سلسله نمادهای متنوعی را
پدید می آورند.

۲- از نظر هرم قدرت:

هر چند که بعضی از تجزی امر دنیوی،
(Temporal) و روحانی، (Spiritual) و
به طور کلی مادی کردن حیات (به صورتهای
Laicism و Secularism) یاد کرده اند،
لیک، دین همواره بر هرم قدرت چه مستقیم،
چه غیرمستقیم اثر داشته است. انواع
حکومتهای منبعث از باورهای دینی (به
صورتهای Theocracy, Thearchy و...) به
شاهد این مدعاست و بسیاری در این اندیشه تا
آنجا پیش می روند که تکوین نظامهای تاریخی
را نیز منبعث از اندیشه های دینی می دانند
(و بر در اثرش اخلاق پروتستانها و روحیه
سرمایه داری).

ر. ک. Frazer/ Weber / Durkheim
Animism,
Revitalization movement,
Animalism / Religion, Sacred.
Religious sociology.

ر. ک. Medical sociology

جامعه شناسی دین Sociology of religion

I- مناسبات دین و جامعه در آن مطمح نظر
قرار می گیرد. همچنانکه شناخت اندیشه های
دینی؛ سازمانها و نهادهای دینی، مناسک و
شعائر دینی، در این رشته مورد مطالعه قرار
می گیرند. در جامعه شناسی دین از قضاوت
ارزشی اجتناب می شود. تنها سعی در
شناخت عقاید به عنوان واقعیاتی مهم و روابط
آنان با زمینه های اجتماعی است.

II- در بین آثار برجسته در این رشته،
باید از «صود اساسی حیات دینی»، نوشته
دورکیم و همچنین آثار متعدد ماکس وبر از
جمله «اخلاق پروتستانها و روحیه سرمایه داری»
نام برد. در بین نویسندگان جدید اثر داخ
(J. Wach) تحت همین عنوان حائز اهمیت
است. او اثر متقابل دین و جامعه را با این
پیش فرض آغاز می نماید «که اندیشه ها و
نهادهای دینی نیروها و سازمانهای اجتماعی
و همچنین قشر بندی اجتماعی را سخت تحت
تأثیر قرار می دهد».

(*Sociology of religion*, P: 205)

همین دیدگاه در اثر ینگر
(J. M. Yinger) تحت عنوان «دین، جامعه
و فرد» (۱۹۵۷) متجلی است.

ناتینگهام (E. K. Nottingham) در
اثرش با نام «جامعه و دین» می نویسد:
جامعه شناس دین با اعتقادات دینی به عنوان
بعدی از رفتار گروهی برخورد می نماید،
همانطور که از نظر تاریخی، نقش دین را

Secularization . Laicism.

Spiritualism. Ideology. Idealism.

Sociology of sport جامعه‌شناسی ورزش

یکی از جدیدترین شاخه‌های پذیرفته جامعه‌شناسی است، به شناخت محتوا، پویایی، ساخت، توسعه و عناصر فعالیت ورزشی به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی و همچنین روابط متقابل جامعه و ورزش می‌پردازد. تاریخچه:

پس از ۱۸۷۰ توجه به ابعاد اجتماعی ورزش رونق یافت. بعضی از بزرگان تفکر اجتماعی نظیر ماکس وبر (M. Weber) زیمل (Simmel) سامنر (W. G. Sumner) مید (G. H. Mead) و همچنین وبلن (T. Veblen) به طرح آن پرداختند. لیک تا سالهای اخیر، جامعه‌شناسی ورزش صورتی منتظم نیافته بود. بعضی از آنانکه به‌طور جدی بدان پرداختند نظیر اسکات (J. Scott) وولف (D. Wolf) آثارشان از محتوایی شایان توجه برخوردار نیست. صرفاً توجه به جامعه‌شناسی ورزشی را جلب کردند. در سالهای اخیر پیدایی مجله بین‌المللی جامعه‌شناسی در ارتقاء این دانش مؤثر افتاد.

Sociology , political

جامعه‌شناسی سیاسی

Political sociology

ر. ک.

Sociology , practical

جامعه‌شناسی عملی

Practical sociology

ر. ک.

Sociology, Quantitative

جامعه‌شناسی کمی

Sociology

ر. ک.

Sociology , Rural

جامعه‌شناسی روستایی

Rural sociology

ر. ک.

Sociology , systematic

جامعه‌شناسی منظم

Systematic sociology

ر. ک.

Sociology , urban

جامعه‌شناسی شهری

Urban sociology

ر. ک.

Sociometry

گروه‌سنجی

از نظر لغوی به معنای سنجش و اندازه‌گیری در پدیده‌های اجتماعی است. از اینرو بسیاری آنرا جامعه‌سنجی ترجمه نموده‌اند، لیک، با توجه به موضوع آن که مطالعه گروه‌هاست، بدین نام (گروه‌سنجی) خوانده شد.

I- این مفهوم باید برای اولین بار توسط کوست (A. Coste) در اثرش با نام «اصول جامعه‌شناسی عینی» عنوان شده باشد. پس از او به سال ۱۹۳۴ ژاکوب مودنو (J.L. Moreno) در اثرش با نام «چه کسی باقی خواهد ماند؟» نوشت: گروه سنجی با مطالعه ریاضی ویژگیهای روانشناسی جمعیت، کاربرد فنون تجربی و بسط روشهای کمی و نتایج حاصل از آن، سرو کار دارد» او بر «جذب (Attraction)، دفع (Repulsion) و

بی‌طرفی (Neutrality) تأکید کرد».

(Who shall survive? PP. 51-251)

او به‌عنوان يك روانپزشك اطریشی مهاجر به‌امریکا و امور خدمت در يك اردوی پناهندگان، سعی در آزاد ساختن تمایلات ارتجاعالسی (Spontaneity) در افسراد، مخصوصاً در شرایط بحرانی بود. پس از آن، همین شیوه‌ها را در راه‌گروه درمانی به‌کار گرفت. در تمامی این مراحل، او درصدد بود تا کیفی‌ترین پدیده‌های انسانی-اجتماعی را که با روابط عاطفی انسانها سروکار دارد، به‌صورت کمی مطرح سازد. بدین‌قرارد، به عنوان مثال از اعضا يك گروه خواسته می‌شود، فرد یا افسرادی را که میل دارند با او یا آنان کار کنند یا تفریح نمایند و... به ترتیب اولویت ذکر کنند، با این پاسخ‌ها و ثبت نتایج آنان گسروه‌نما (Sociogram) پدید می‌آید که در آن رهبر یا رهبران عاطفی گروه مشخص می‌شوند. افراد منزوی در گروه شناخته می‌شوند و به‌طور کلی بر ورای حیات‌صوری گروه، شبکه روابط ذهنی و عاطفی آن دیده می‌شود؛

II- پس از هودنو، واکنشهای گوناگونی در برابر این ابزار بررسی پدید آمد؛ از طرفی، روانشناسان، به فرد و گزینشهای او توجه کردند، روانشناسان اجتماعی به گروه و شبکه ارتباط درونی آن توجه نمودند. جامعه‌شناسان به شبکه وفاق اجتماعی عنایت کردند. از طرف دیگر برخی بر آن شدند که گروه‌سنجی ندرم‌منای محدود

آن، بلکه در معنای وسیعی بکار رود که اندازه‌گیری تمامی انواع روابط متقابل بین انسانها و هم حیوانها را دربر گیرد، هر چند که در آن تأکید بر سنجش خواسته‌های مرجع افراد است؛ از اینرو بین (R. Bain) گروه-سنجی را مفهومی کلی تلقی می‌کند که در آن هر سنجش داده‌های اجتماعی مربوط به روابط متقابل اشخاص مطرح می‌شود.

و. ک. Sociogram/ Moreno,

Social atom

Sociophilia جامعه دوستی

شلدون (Sheldon) در تعریف عناصر تشکیل‌دهنده شخصیت، بدان اشاره می‌کند و آنرا از جمله نیازهای انسانی می‌داند. این اصطلاح در برابر جامعه‌هراسی یا جامعه‌ناخواهی (Sociophobia) قرار می‌گیرد.

و. ک. Sociophobia

Sociophobia

جامعه‌ناخواهی-جامعه‌هراسی

در برابر مفهوم جامعه‌دوستی (Sociophilia) قرار می‌گیرد و ترس از جمع را می‌رساند. این احساس می‌تواند به گریز از جامعه یا واقعیت اجتماعی، نفی آن و یا حتی ستیز با آن انجامد. از این روست که ترجمه‌هایی نظیر جامعه‌ستیزی یا جامعه‌گریزی در برابر این واژه درست نیست.

و. ک. Sociophilia

Sociostaticism ایستایی اجتماعی

با مفهوم Social staticism مترادف

است و با Sociodynamism متضاد. هیچ

- دارد، چه ، موجود و هم قابل شناختن است.
به فارسی به صور مختلف ترجمه شده است ،
از آن جمله: خود تنهایی، من گرایی، اصالت
من.
- ر. ک. Egotatry / Egotism/ Egoism
- Somatic anthropology
انسان شناسی جسمانی
- ر. ک. Anthropology
- Somatic homogamy
همسر همسانی جسمانی-همسر همسان گزینی
از نظر جسمانی
- ر. ک. Homogamy
- Somato
تنی
- آنچه با تن در برابر روان مرتبط است
(بیماریهای روان-تنی که هم از جسم مایه
می گیرند، هم از روان)، این پیشوند در
بسیاری از واژگان علوم به کار
می رود، نظیر:
- دانش تن-جسم شناسی Somatology
- ر. ک. Psychosomatic diseases
- Sophism
سفسطه گرایی
- استدلالی است مبتنی بر مغالطه
(Fallacy) به منظور اغوا و گمراه سازی
دیگری. به فارسی آیین سفسطه یا سفسطه
آیینی و مغالطه نیز ترجمه شده است.
- ر. ک. Fallacy/ syllogism
- Sophist
سفسطه گرایی- سوفسطایی
- Sorel(Georges)
سورل
- جامعه یا گروهی به طور مطلق ایستا یا فاقد
هیچ حرکت نیست، از اینروست که امروزه
از مفهوم شبه ایستا (Semi-static) بیشتر
در راه شناخت حرکت بطبی اجتماعی استفاده
می شود.
- ر. ک. Misoneism / Sociodynamism
- Social time
- Sodomy
انحراف جنسی
- مفهومی گسترده که هم شامل روابط جنسی
بین انسان و حیوان می شود، هم روابط جنسی
بین زن و مرد را به طریقی غیر طبیعی می رساند
و هم روابط جنسی غیر طبیعی بین افراد هم-
جنس از آن بر می آید. رضایت هریک از طرفین
دال بر براءت دیگری و یا خود وی نیست.
- ر. ک. Lesbianism/ Homosexuality.
- Solidarity
همبستگی
- به هم پیوستگی (Cohesiveness)
درونی یک گروه . پیوند افراد یک جمع با
عناصر اصلی وحدت بخش آن.
- Solidarity , mechanical
- همبستگی ماشینی- همبستگی مکانیکی
- ر. ک. Durkheim
- Solidarity, organic
- همبستگی عضوی
- ر. ک. Durkheim
- Social solidarity
ر. ک.
- Solipsism
من آئینی
- به معنای آن است که فقط «من» اصالت

نظریه پرداز فرانسوی است (۱۹۲۲ - ۱۸۴۷) هرچند در آغاز به تحصیلات منظم جامعه‌شناسی پرداخت؛ لیکن در این دانش از روزنه عمل تبصر یافت؛ نظریه‌های سورل در اندیشه سوسیالیسم موثر افتاد؛ او همواره در صدد احتراز از محافظه‌کاری برآمد و حرکت سریع را پیشنهاد نمود.

با دورکیم (Durkheim) از جهاتی چند مخالفت ورزید. از جمله آنکه به زعم وی دورکیم نوعی دموکراسی محافظه‌کارانه را توصیه می‌نماید. چه، او مجموعه اجتماعی را کلی منتظم و منطقی می‌شناسد و از این طریق، اهمیت نبرد طبقاتی و همچنین عللی کوچک را که موجب حرکات سیسیع در تاریخ می‌شوند نادیده گرفته است.

از سورل آثار بسیار باقی است که از آن جمله‌اند دو اثر زیر:

- *Les Illusions du progrès,*
- *Reflexions sur la violence*

سوروکین (Sorokin (Pitirim. A)

جامعه‌شناس روسی الاصل ساکن امریکا است (۱۹۶۹ - ۱۸۸۹) آثارش بسیار و اندیشه‌هایش متنوع و بدیعند؛ او با الهام از اندیشه‌های تاریخی تاین بی (A. Toynbee) و اسپنگلر (O. Spengler) نظریه دگرگونی دوری (Cyclical change) را در پدیده‌های اجتماعی مطرح ساخت. به نظرش جامعه از آرمانی به آرمان مآبی و سپس حالت حسی روی می‌نماید.

سوروکین با الهام از اندیشه‌های فروید (S. Freud)، پارتو (V. Pareto) و پاولوف (I. Pavlov) به تهیه اثرش جامعه‌شناسی انقلاب (*Sociology of revolution*) دست زد که در آن نشان می‌دهد چگونه عمل انسانی همواره تابع محاسبات عقلانی و مصالح نیست. او کشمکشها و تنازعات را جزئی از ساختمان جامعه می‌داند، بجای آنکه صورت تصادفی داشته باشند. بعضی از آثارش چنین‌اند:

Social mobility; Sociological theories of our time; Basic Trends of our time; Social and cultural Dynamics; Sociology of revolution; Crime and punishment; Heroic act and reward; Society, culture and, personality

Sororal polygyny

چند خواهر زنی

نوعی چند زنی است که در آن همسران یک مرد، خواهران یکدیگرند. در برابر چند برادر شوهری (Fraternal polyandry) که در آن همسران یک زن با یکدیگر برادرند. ر. ک.

Adelphic polygyny

Sororate

سودورا

زناشویی با خواهر زن-خواهر زن همسری قاعده‌ای است که بر پایه آن مرد مجاز و یا در مواردی مجبور به ازدواج با خواهر

مورد محاکمه قرار گیرند.)

۳- حاکمیت مردم People sovereignty

حقوق و امتیازات انتقال ناپذیر فرد است در برابر دیگران و قدرتهای سیاسی.

تخصص گرایی Specialism

توجه مفرط به تخصص و بسط آن در دنیای امروز است؛ با گسترش وسیع تخصص، حکومت متخصصان یا صاحبان فنون (Technocrats) نیز مورد توجه قرار می گیرد.

ر. ک. Technocracy / Specialization

ویژگیها- کالای ویژه Speciality

به صورت Specialty نیز نوشته شده است.

تخصص- تخصص یابی Specialization

به احراز مهارت ویژه در سطوح عالی اطلاق می شود.

I- تخصص می تواند صورتهای زیرین را یابد:

- در سطح افراد: از صور اساسی حیات اجتماعی است و توزیع وظایف را موجب می شود، بر سر نوشت فردی اثر می گذارد و موجبات انجام نوع ویژه ای از کار و احراز مهارتی خاص را توسط افراد فراهم می سازد.

- در سطح ملتها: هر ملت می تواند با توجه به ویژگیها و امکانات جغرافیایی خود، همچنین تجربیات انباشته و نسوع علایق مردمش در تولید کالائی خاص تخصص یابد،

جوانتر همسر خویش و یا یکی از خواهران او پس از مرگ همسر است. در مواردی نیز خانواده زن ملزم به ارائه دختری بجای دختر فوت شده اش می باشد. این رسم مانند لویرا و یا بهارث بری بیوه شایع نیست.

بزعم شاپرا (I. Schapera) چنانچه والدین از رفتار شوهر با دخترشان راضی نباشند می توانند دختری دیگر به عنوان جانشین به خانه همان داماد نفرستند.

(Married life in an African tribe, P. 324)

ر. ک. Widow-inheritance/marriage

Levirate/Sororal polygyny

حاکمیت Sovereignty

تفوق قاطع و همه جانبه يك قدرت، گروه یا نظام حقوقی است. سه گونه آن بدین قرارند:

۱- حاکمیت قضایی Juridical sovereignty

تفوق يك نوع از قوانین بر دیگر قوانین است (نظیر تفوق قوانین بین المللی به قوانین ملی)

Political sovereignty

۲- حاکمیت سیاسی

تفوق بلامنازع يك دولت در چارچوب مرزهای ملی است. يك دولت می تواند دارای حاکمیت سیاسی باشد و ليك فاقد حاکمیت قضایی (زمانی که کاپیتولاسیون اعمال شود و براساس آن اتباع خارجی به هنگام هر خطا صرفاً توسط مراجع قانونی کشور خویش

بسیار پایین جامعه نیز رسوخ خواهد کرد».

(*The wealth of nations*,

1st edn. 1776 P. 12)

- در دیکم با اثر برجسته اش تحت

عنوان «در تقسیم کار (اجتماعی)» از پیدایی تخصص به عنوان عاملی در راه پیدایی و بسط همبستگی عضوی در جامعه جدید یاد می کند. آنگاه که انسانهایی چند در راهی خاص به آموزش و احراز تخصص دست می زنند، همچون عضوی از جامعه خواهند بود و ارتباطی متقابل مبتنی بر نیاز متقابل بین آنان و جامعه پدید می آید.

- از دیدگاه میزان کار، حجم و سختی

آن، بسیاری تقسیم کار و تخصص را مطمع نظر قرار دادند: فریدمن (G. Friedmann) با اثرش «کار جزء جزء» (*Travail en Miettes*)

کار ماشینی و آثار آن بر حالات روانی کار گزاران را به تحقیق نهاد، همچنانکه اسمیت در اثرش «تکنولوژی و نیروی انسانی» (*Technology and Labor*) و اسکات (W. H. Scott) با اثری تحت عنوان «تغییر فنی و روابط صنعتی» (*Technical change and industrial relations*)

به همین زمینه توجه نمودند. در نهایت، بسیاری بر این نکته اساسی توجه کردند که چنانچه پیدایی تخصص و تقسیم کار در خدمت انسان قرار گیرد، می تواند به آزادی، رهایی او از کارهای سخت، کاهش زمان کار و پیدایی

این نظریه اقتصاددانان کلاسیک است نظیر آدام اسمیت، دیوید ریکاردو و مستلزم کنار گذاشتن حمایت گرایی (Protectionism) یا ایجاد مرزهای اقتصادی.

- در سطح واحد کار:

پیدایی کار زنجیری بر مبنای تقسیم کار و احراز تخصص تحقق می یابد و به ارتقاء کمی و کیفی تولید منتهی می شود.

II- تخصص از عللی بسیار منشأ می گیرد

که از آن جمله اند:

- گسترش سترگ دانسته ها، آشنانکه هرگز یک انسان نمی تواند در حد عالی ادعای توانایی در همه رشته ها را نماید.
- تعدد نیازها با پیدایی نیازهای ثانوی و گاه کاذب.

- تقسیم کار اجتماعی، که خود عاملی است نه تنها در تخصص بلکه در راه بسط دانش انسانی.

III- با توجه به اهمیت این پدیده در

حیات اجتماعی مخصوصاً در دوران جدید، توجه بسیاری از صاحب نظران اجتماعی به نتایج حاصل از آن برای جامعه و فرد جلب شده است:

- آدام اسمیت (A. Smith) با در نظر

گرفتن نتایج ناشی از تخصص و تقسیم کار از دیدگاه اقتصادی در اثرش «ثروت ملل» می نویسد: تعدد فوق العاده پدیده های تولیدی در یک نظام مبتنی بر تقسیم کار، موجبات غنای عمومی را فراهم می سازد که به سطوح

آنچه دومازديسه تمدن فراغت مى خواند
 بيا نجامد. در غير اين صورت انواع گوناگون
 آسيبهاي رواني، اجتماعي، فرهنگي و اخلاقي
 با اين پديده تجلى خواهند نمود كه نمونه هاي
 آن را مى توان در دانش گرايي (Scientism)
 بي هنجاري (Anomy)، فن سالاري (Technocracy)
 (Alienation)، ملاحظه كرد. (به هر يك ر. ك.)

ر. ك. Durkheim, Ricardo,
 Division of labor, International
 division of labor
 Specialized capital
 سرمايه تخصصي

سرمايه اي است كه صرفاً در يك شاخه
 توليد (يا مجموعه به هم پيوسته اي) به كار
 آيد.

ر. ك. Capital
 اسپنسر Spencer (Herbert)

فيلسوف انگليسي است (۱۹۰۳-۱۸۲۰)
 هر چند تحصيلات منظمي نداشت، ليك با
 اندیشه، استعداد و كار بسيار، توانست آثاري
 بديع پديد آورد و اندیشه هايي نو به جهان
 دانش عرضه كند. در آغاز همانند دوركيم
 (Durkheim) و كنت (Auguste Comte)
 ويژگي خاص پديده اجتماعي را به اثبات
 رساند. او جامعه را صرفاً مجموعه اي از
 افراد نمي دانست، بلكه پديده ديگر و موضوع
 خاص جامعه شناسي مي دانست. او در انگلستان
 و حتي امريكا شهرت يافت. قبل از داروين،
 نظريه تطور را ابراز نمود. قانون جهاني

تطور به نظرش حركت از همگني به سوي
 ناهمگني است. همبستگي كار كرده عناصر
 را مطمح نظر قرار داد. به عنوان مثال به نظر
 وي نظامي گري با انقياد زن همراه است،
 همانطور كه جامعه استبدادي با شيوه ها و
 آداب خاص و دقيقی در خانواده قرين است.
 بعضي از اندیشه هايش چنين اند:

۱- او از بانيان اورگانيسم گرايي يا
 انداموش انگاري (Organicism) است. بدينسان
 كه جامعه را همچون يك تن مي شمارد كه هر
 گروه، هر تخصص به منزله يكي از اندامهاي
 آن است. ارگانيسم گرايي از پايه هاي كار كرد-
 گرايي (Functionalism) به شمار مي آيد.

۲- همچنين، او از بانيان مكتب اصالت
 تكامل (Evolutionism) در علوم اجتماعي
 است. به نظرش جوامع بشري از صورت
 يكنواختي آغاز مي كنند سپس گسترده،
 پيچيده و متنوع مي شوند. درست همانند
 يك دانه گياه كه از سادگي به تعقد، تكثير و
 تنوع پيش مي رود، يا يك قطعه انسان كه با
 حركت در بستر زمان، گسترده تر، پيچيده تر،
 متكثر و متنوع مي شود.

۳- او از متفكريني است كه در آغاز
 سرمايه داري بدان با خوش بيني نگريست.

برخي از آثارش چنين اند:

Development hypothesis;
 Descriptive sociology; Principles
 of sociology (در دو جلد)

- First principles, Social statics, System of synthetic philosophy* (در ۱۰ جلد)
 ر. ک. Evolutionism/Organicism
 Sociology
 Sphere of influence حوزه نفوذ
 در روابط بین الملل فضایی جغرافیایی-سیاسی است که دولتی (۱) ادعای امتیازاتی در آن دارد. (۲) یا عملاً در آن به اعمال نفوذ می پردازد.
- Spiralist ارتقاء مارپیچی
 مفهومی است از بِل (C. Bell) که با آن ارتقاء مارپیچی کارمندان سازمانهای دولتی را مشخص می دارد. این ارتقاء مرحله به مرحله و منظم متضمن جابجائی مستمر کارمند است در داخل کشور و یا حتی خارج از آن.
 شیوه زندگی و ارتقاء شهرنشینان آزاد (Burghers) که در یک محل اقامت می گزینند، بسیار کم جابجا می شوند و بکاری جدا از دولت یا حتی شرکتهای بزرگ مشغولند، نوع دیگری از گذران حیات و اکثر نقطه مقابل حیات کارمندی را می رساند.
 ر. ک. Bureaucracy
- Spiritism روح باوری
 اندیشه ای که بر طبق آن ارواح در جریان عالم مؤثرند، به عنوان عاملی در حوادث به شمار می روند و احضار ارواح یکی از شیوه های تماس با این عوامل موثر به شمار می رود.
 ر. ک. Mana/ Animism/ Animatism
 Revitalization movement.
 روحیه خانوادگی Spirit, Familiar
 ر. ک. Familiar spirit
 روحیه جمعی Spirit, public
 ر. ک. Public spirit
 فرهنگ معنوی Spiritual culture
 در برابر Material culture.
 ر. ک. Culture
 Spiritual decadence انحطاط معنوی
 گاه در معنای سقوط اخلاقی، در مواردی به معنای انحطاط تعلقات مذهبی و گاه در معنای سقوط ارزشهای انسانی به کار می رود.
 ر. ک. Decadence
 روح گرایی Spiritualism
 آئینی در اندیشه که روح را جدا از ماده می شناسد و آنرا به عنوان تنها واقعیت می پذیرد.
 ر. ک. Spiritualistic school
 Spiritualistic school مکتب معنویت گرایان - روح گرایان
 مکتبی است خاص که در آن توجهی مفرط به افکار و عقاید در تکوین و حرکت تاریخ معطوف است. آنگاه که بنیانگذار جامعه شناسی اگوست کنت (Auguste Comte) سخن از

سه مرحله (الهی، فلسفی و اثباتی) می راند و معتقد بود که در هر دوران همه چیز بر اساس فکر انسان شکل می گیرد و همه جهان هستی انعکاس یا، جلوه‌ای از طرز فکر انسان است، به واقع به مکتب روح گرایان روی نموده بود. آنگاه که سودوکیین (Pitirim Sorokin) سخن از حرکت جوامع از مرحله آرمان گرایی به آرمان مآبی و سپس حسی به میان می آورد، باز بدین مکتب می پیوست؛ این مکتب در برابر ماده گرایان، مطلوبیت گرایان و لذت گرایان قرادمی گیرد. ر. ک. Materialism / Philosophy of history / Hedonism Utilitarianism.

Sponsored mobility

تحرك راهیاب

در بحث از تحرك اجتماعى و احراز مقامات كلىدى جامعه در عین تضمین دوران برگزیدگان (Elite Circulation) یعنی از بین بردن تعقد تا تصلب (Sclerosis) در شرایان های جامعه، سخن از برابری فرصتها در انطباق با نظامی است فلسفی با نام برابر خواهی (Egalitarianism). هر جامعه در عین وابستگی به چنین اصلی، باید در صدد آن باشد که استعدادهای درخشانرا با تربیتی ویژه آماده تصدی مسئولیتهای حیاتی سازد. درین رهگذر، دو نظام تحرك سبقت جویانه (Contest mobility) و تحرك راهیاب از یکدیگر تمایز می یابند. زمانیکه جامعه ای بمنظور بازیابی

استعدادهای درخشان از آغاز نظام آموزش، دانش آموزان برجسته را شناسائی و سپس از دیگران جدا ساخته در مدارس خاصی تربیت کند، بدان تحرك راهیاب اطلاق می شود. این نظام (که در انگلستان معمول گردید)، هر چند دموکراتیک، مورد قبول همگان نیست و در برابر آن نظامی مطرح می شود که در آن جوانان هر چه بیشتر با یکدیگر ادامه تحصیل می دهند و جدائی آنان در آخرین مراحل آموزشی و با توجه به میزان توان یا استعدادشان صورت می پذیرد. اصطلاح از ترنو (R. H. Turner) است.

Spontaneous abortion

سقط جنین ارثجالی

ر. ک. Abortion

Sport, sociology of

جامعه شناسی ورزش

ر. ک. Sociology of sport

Stabilization

تثبیت

Stabilized population

جمعیت تثبیت شده

ر. ک. Population

Stages of economic growth

مراحل رشد اقتصادی

از دیدگاه روستو (W. W. Rostow) رشد اقتصادی در هر جامعه از پنج مرحله می گذرد:

- ۱) جامعه سنتی (۲) جامعه قبل از خیز اقتصادی
- ۳) خیز اقتصادی (Take off) (۴) کشش

استانداردسازی	Standardization	به‌سوی بلوغ ۵) مصرف انبوه در سطح عالی.
استاندارد کردن	Standardize	Standard deviation
با معیاری سنجیدن، نظیر آزمونهایی که با نام آزمونهای استاندارد شده (Standardized tests) معروف است و در آن به‌سنجش ویژگیهای بی‌چون‌هوش و... پرداخته می‌شود، آزمونها بر روی گروههای زیادی با متغیرات مشخص (نظیر سن و...) انجام می‌شود و سپس با در نظر گرفتن معیار به‌دست آمده، هوش یا سن عقلی دیگر کودکان را با آن حساب می‌کنند. پس، در جریان استاندارد کردن هر پدیده (روانی، مادی و...) چند اقدام بدین‌قرار صورت می‌پذیرد:	انحراف معیار برخلاف میانگین و میانه که درجات تمایل به مرکز را می‌رسانند، انحراف معیار درجات گریز از مرکز و ناهمگنی را نشان می‌دهد. شیوه محاسبه آن چنین است:	
		$S = \sqrt{\frac{\sum_i (X_i - M)^2}{N}}$ که در آن: انحراف معیار S، میانگین M، تعداد اقلام N، انحراف اقلام X_i، تفاوت بین انحراف هر رقم از توزیع با میانگین $(X_i - M)$
		Standard, Moral استاندارد اخلاقی
		Moral standard ر. ک.
		Standard, social استاندارد اجتماعی
		Social standard ر. ک.
		Standard of living استاندارد زندگی
		سطح زندگی با دیدی مقایسه‌ای و با در نظر گرفتن حداقل معیشت است. استاندارد زندگی تابع هدفهایی است که گروهی سعی در رسیدن بدان دارد. با هزینه زندگی وهم سطح زندگی (Life level) مشبه نشود.
		Vital minimum ر. ک.
با معیاری سنجیدن، نظیر آزمونهایی که با نام آزمونهای استاندارد شده (Standardized tests) معروف است و در آن به‌سنجش ویژگیهای بی‌چون‌هوش و... پرداخته می‌شود، آزمونها بر روی گروههای زیادی با متغیرات مشخص (نظیر سن و...) انجام می‌شود و سپس با در نظر گرفتن معیار به‌دست آمده، هوش یا سن عقلی دیگر کودکان را با آن حساب می‌کنند. پس، در جریان استاندارد کردن هر پدیده (روانی، مادی و...) چند اقدام بدین‌قرار صورت می‌پذیرد:		
- شناخت پدیده مورد نظر از هر نظر، مخصوصاً با توجه به متغیرات اساسی مورد نظر.		
- هم‌سنجی پدیده، به‌صورتی کامل یا با انتخاب نمونه‌ای نمایا (Representative)		
- استخراج ویژگیهای اساسی، قواعد و شرایط حاکم بر پدیده مورد نظر.		
- گزینش قاعده‌ای خاص به عنوان معیار.		
- تعمیم معیارها و مقایسه گروههای دیگر با آنان.		
به‌عنوان مثال، زمانی که سخن از تحقیق در باب ضریب هوشی (I. Q) می‌رود؛ در آغاز هوش را از طریق نموده‌های آن به مطالعه می‌نهند، سپس، جلوه‌ها یا نموده‌های هوشی را بین گروههای مختلف مقایسه		

می کنند، سپس، به تفکیک جمعیت (مثلاً بر اساس سن) پرداخته، نمودارهایی را معرفی می کند. از کودکان (به عنوان مثال) گزیده و معرفی می نمایند. در نهایت دیگر کودکان را با توجه به معیارهای بدست آورده مورد سنجش قرار می دهند و سن عقلی آنان را در مقایسه با سن طبیعی (جسمانی) آنان تعیین می نمایند.

Standardized fertility rate

میزان باروری استاندارد شده

شمار متوسط فرزندان زنده به دنیا آمده در گروههای سنی و در بین زنان در سن فرزندآوری را در يك جمعیت (که به عنوان استاندارد برگزیده شده است) و در جریان یکسال معین می رساند.

Fertility ر. ک.

Standards, labor استانداردهای کار

Labor standards ر. ک.

State ایالت - دولت - حالت - وضع

I - دولت را نهادی سیاسی - حقوقی

می دانند که در رأس هرم قدرت در يك کشور جای می گیرد. يك دولت از حاکمیت (Sovereignty) برخوردار است. یعنی حائز قدرت قانونی به منظور اضمحلال بی نظمی و یا مقاومت است.

II - از بین معیارهای ممیزه دولت،

قدرت مشروع (Legitimate power) بیش از همه مطرح شده است. این اصطلاح توسط ماکس وبر مطرح شد و بسیاری با تکرار

همان و برخی با واژگانی دیگر همین معنی را مطرح کردند. به زعم هک آیورد (N. MacIver) و پیچ (C. H. Page) «دولت از دیگر تاسیسات به جهت دارا بودن قدرت نهایی در ایجاد اجبار متمایز است». (Society, An Introductory Analysis, P. 456)

همون معیار، یعنی دارا بودن قدرت قانونی، به صورت دیگری از جانب گینسبرگ (M. Ginsberg) به هنگام بحث از منشأ دولت مطرح می شود: «حداقل می توان گفت، در تمامی جماعاتی که حمایت از اعضا و اعمال قوانین عمومی، وظیفه سلسله ارگانهای شمرده می شود دولت وجود دارد. آنجا که مقررات با عمل جمعی اعمال نمی شوند و یا در آن حمایت از افراد به عهده خویشان آنان و یا گروههای دیگر و یا حتی رؤسای است که از اقتدار مشخصی نیز برخوردار نیستند. دولت وجود ندارد.»

(Sociology, PP. 144-8)

در کنار معیار فوق، برخی دیگر، معیارهایی دیگر در تمیز دولت ارائه کرده اند. از جمله لاسول (H. D. Lasswell) و کلاپلان (A. Kaplan) در اثرشان «جامعه و قدرت»، علاوه بر آنکه دولت را گروه دارای حاکمیت در سرزمینی معین می دانند؛ چهار معیار دیگر برای دولت قائلند: ۱) استقلال ۲) ملت ۳) سرزمین ۴) حکومت. پس، سازمانهای جهانی (نظیر سازمان ملل) دولت نیستند، همانطور که

مستعمرات و...

III- از نظر لغوی نیز باید بین دولت و حکومت از سوئی و دولت و جامعه از سوی دیگر تمیز قائل شد. به زعم بالارد (Ballard) «حکومت مکانیسمی است که دولت از طریق آن عمل می کند» و یا بزعم ویلیامز (R. M. Williams) «حکومت گروه دارای قدرت مشروع است و حال آنکه دولت ساختی است که از طریق آن فعالیت های جامعه معین و منتظم می گردد».

(*American society , a sociological interpretation*, P.202)
در تمیز جامعه و دولت نیز باید گفت، دولت جزئی از جامعه است و نه کل آن. از دیگر نهادهای اجتماعی نیز دولت ازاپرو متمایز می شود که هر یک از آنان کار و مسئولیتی خاص دارند و حال آنکه دولت مسئولیت تمامی آنان را به عهده دارد.
IV- تعداد کمی از اندیشمندان بر پدیده دولت به عنوان عنصری غیر لازم و حتی مضر در راه شکوفایی شخصیت تأکید نموده اند. حکومت ناگرایان (Anarchists)

از آن جمله اند. بسیاری دیگر بر ضرورت دولت تأکید دارند و لیک در جهت محدود سازی افراطی قدرت آن تأکید می نمایند. اینان را باید در زمره مفردنگران (Singularists) فردگرایان (Individualists) و مواردی چند، انسانگرایان (Humanists) تلقی کرد؛ مثلاً اندیشه بسیاری از اینان پذیرش دولت به عنوان

واقعیتی اجتناب ناپذیر است و لیک، اصالت را به افراد و نه به دولت منتسب می دارند، نمونه چنین اندیشمندانی ژان ژاک روسو (J. J. Rousseau) است که در اثرش «قرارداد اجتماعی» سخن از وضع تلویحی قراردادی بین افراد و جامعه رانده است که براساس آن فرد به اختیار از بسیاری از حقوق خود (به استثنای حقوق طبیعی) می گذرد تا از امتیازات گذران حیات در جامعه سود برگیرد. نمونه دیگر اندیشه های هابز (Hobbes) است که به طور کلی دولت را به عنوان هیولایی لازم برای گذران زندگی در جامعه تلقی می نماید. لیک در برابر این اندیشه ها، نظرات جامعه گرایان فراطمی قرار می گیرد که اصالت را نه بر فرد بلکه به جامعه و نماینده آن یعنی دولت می دهند. تجلی کامل این نوع نظرات در پیدایی فاشیسم صورت یافته است که براساس آن دولت قدرتی فزاینده می یابد، بر همه ارکان هستی سلطه می جوید و حیات فرد در خدمت آن به عنوان نماینده تام الاختیار جامعه قرار دارد.

ر. لک. Etatism/ Dirigism
Interventionism/ Fascism,
Hobbes/ Rousseau/ Government,
Anarchism/ Communism,
Social control/ Social contract,
Authority.

جامعه بی دولت Stateless society

- جامعه‌ای فاقد مکانیسم تبلور یافته
قدرت. در آن وظایف حکومت توسط افراد
به عنوان سمتی که در شبکه خویشاوندی و
یا... دارند تقبل می‌شود.
ر. ک. Communism/ Anarchism.
برنامه‌ریزی دولتی State planning
ر. ک. Etatism
سوسیالیسم دولتی State socialism
ر. ک. Socialism
تمدن ایستا Static civilization
در اصطلاح به جامعه‌ای اطلاق می‌شود
دارای اعتلاء فرهنگ، درحالی‌که از تعادل و فاقد
مکانیسم‌های درونی تغییر. در برابر تمدن پویا
(Dynamic civilization) - (بدان ر. ک)
تعادل ایستا Static equilibrium
ر. ک. Social equilibrium
جامعه ایستا Static society
جامعه‌ای با نسبه فاقد مکانیسم‌های اساسی
دگرگونی بخش. باید توجه داشت که هرگز
جامعه‌ای به طور مطلق فاقد دگرگونی درونی
نیست. در برابر جامعه پویا
(Dynamic society) (بدان ر. ک)
ر. ک. Misoneism
ایستایی اجتماعی Staticism, social
ر. ک. Social staticism
Stationary population جمعیت متوقف
ر. ک. Population
Statism دولت‌گرایی
ر. ک. Population
Etatism, Dirigism ر. ک.
Statist متخصص آمار
Statistic, criminal آمار جنایی
ر. ک. Criminal Statistic
Statistical hypothesis فرضیه آماری
گمانی است در مورد چگونگی
متغیری ناشناخته، یک مثال از فرضیه آماری
چنین است: «احتمالا باید بین میزان سواد و
درآمد رابطه‌ای نباشد». یکی از مهمترین
انواع فرضیه آماری. فرضیه صفر
(Null hypothesis) است که شاخص عدم
رابطه است (در مثال بالا رابطه‌ای بین آموزش
و درآمد نیست) همواره این امکان هست که
فرضیه صفر درست باشد و زمانی که محقق
به نادرست آن را رد کند، خطائی از نوع
اول (Type 1 error) خوانده می‌شود لذا توانی
در رد فرضیه صفر، خطای نوع دوم
(Type 2 error) خوانده می‌شود.
ر. ک. Hypothesis
Statistical inference استنتاج آماری
تعمیم نتایج حاصل از یک یا چند
جمعیت نمونه است بر کل جمعیت یا جامعه
آماري (Statistical universe).
ر. ک. Extrapolation
Statistical population جمعیت آماری
ر. ک. Population

Statistical probability	آمارشناس	Statistician
احتمال آماری	علم آمار	Statistics
با تقسیم شمار حوادثی از يك سنخ بر کل حوادثی از هر سنخ که قابل وقوعند احتساب می‌شود.	آمارشناسی جنایی	Statistics, criminal
به‌عنوان مثال، اگر جمعیتی شامل سه جمهوریخواه، پنج دموکرات و دو فردمستقل باشد و از کسی خواسته شود يك نفر را به‌طور تصادفی برگزیند، احتمال گزینش يك جمهوریخواه $\frac{3}{10}$ یا 0.30 است.	ر. ک.	Criminal statistics
	آمار حیاتی	Statistic, vital
	ر. ک.	Vital statistic
	ناهمسازی پایگاهی	Status inconsistency
Statistical significance	مفهوم از لنسکی (G. Lenski) است، در اثرش «تبلور پایگاهی، بعدی غیر عمودی در پایگاه اجتماعی.» بنظر او، در جامعه‌ای پیچیده نظیر جوامع صنعتی امروز، بسیاری از انسانها در وضعیت خاصی قرار می‌گیرند: با تحصیلاتی ممتاز که مظهر پایگاهی بالاست و می‌تواند بطور بالقوه موجب پایگاهی برین باشد، مشاغلی پایین و با حقوقی پایین را احراز می‌نمایند. در نتیجه دو راه در برابر فرد گشوده می‌شود، یا آنکه باکل نظام در ستیز افتد و تغییراتی بنیادی را طلب کند، و یا آنکه دست به تغییر وضع خود زند و پایگاه شغلی را به‌ترتیب با پایگاه آموزشی همساز سازد. این راه را او (لنسکی) تبلور پایگاهی (Status Crystallization) می‌خواند.	
معنای آماری	ر. ک.	Social status
دلیل براینکه احتمال درستی فرضیه صفر ناچیز است. زمانی که يك محقق می‌گوید نتیجه به‌دست آمده از نظر آماری در سطح 0.05 معنادار است؛ این بدان معناست که در يك نمونه آماری با حجم نمونه موجود و یا بزرگتر احتمال درستی فرضیه صفر کمتر از 0.05 است، پس او به رد آن می‌پردازد.	وضع تأهل	Status, Marital
نظریه آماری	ر. ک.	Marital status
نظریه‌ای مبتنی بر حداکثر استفاده از آمار در پژوهشهای انسانی و اجتماعی.	پایگاه اجتماعی	Status, social
ر. ک.	ر. ک.	Social status
Behaviorism/ Positivism,		
Mechanicism/ Quantophreny,		
Testomania/ Sorokin.		
جامعه آماری		
Statistical universe		
کل جمعیتی که از آن جمعیت نمونه استخراج می‌شود.		
ر. ک.		
Sampling		

خانواده ستاکی Stem Family

در لغت، ستاک بمعنای شاخه درخت است و از آنجهت این نوع خانواده بدین نام خوانده می شود که تجمع و پیوند اعضا را با یکدیگر همچون شاخه های یک درخت میرساند. در آغاز توسط لوپله (Leplay) عنوان گردید و اشارات او به خانواده هائی در جنوب غربی فرانسه بود که سه نسل (جد، پدر و فرزندان را در خود جای می داد) و امروزه در دو معنای بالنسبه متفاوت بکار می آید:

(۱) نوعی خانواده گروهی و وسیع است با ویژه گیهای زیر:
عدم تقسیم مایملک خانواده (زمین) و کار اعضاء بر روی آن.

- وجود رئیسی که می تواند پسر ارشد (نظام Primogeniture) و یا پسر کوچک (Ultimogeniture) خانواده باشد و توسط پدر بزرگ برگزیده می شود. او باید زوجی تشکیل دهد (با دختری از ستاکی دیگر و یا از طریق مبادله خواهران) و هم اوست که تداوم خانواده ستاکی را تضمین می نماید. سایر فرزندان (پسر یا دختر)، باید یا خانواده را ترک گویند (در صورت تمایل به ازدواج) و یا آنکه مجرد قطعی (Celibacy) گزینند و مجاز به ماندن در خانواده ستاکی شوند.

- وجود و پذیرش سنت پدرسری، پدر سالاری و به تبع آن مرد سالاری (Androcracy).

عدم پذیرش نظام مالکیت مشاع (بر خلاف گروه، خانواده جمعی پدرسر). چه در خانواده ستاکی، عملاً فرزند ذکور بزرگ یا کوچک که از جانب پدر برگزیده شده است،

مالک اموال خانواده بحساب می آید و دیگران یا باید به ترک خانه پردازند یا در خدمت او مجرد گزینند و کار کنند.

- تکوین و بسط مادر مکانی بصورت زن مکانی یا دامادی سرخانه، بطوریکه فرزندان پسر دیگر چنانچه قصد ازدواج کنند، ناچار به خانه همسر خود عزیمت نموده، آنجا اقامت گزینند.

- وجود و پذیرش کارکنان خانوادگی: تمامی فرزندان دیگر در خدمت فرزند اول یا آخر که برگزیده شده است، قرار می گیرند و ازینرو علیرغم مشارکت جزئی در اتخاذ تصمیمات اساسی، بعنوان خدمه خانواده یا کارکنان فامیلی شناخته می شوند.

(۲) در خانواده های جدید نیز این مفهوم بنحوی قابل طرح است: زمانی که فرزندان از خانواده جدا می شوند، ترک خانه همواره بمعنای قطع رابطه با آن نیست. در مواردی (از جمله در بین کشاورزان ژاپنی) فرزندان بظاهر جدا از خانواده، رشته های پیوند خود را با آن حفظ کرده و در تمام مراسم و در هر لحظه که ضرورت خانوادگی اقتضا کند، گرد هم می آیند و در خانه حضور می یابند و در حقیقت علیرغم فاصله مکانی، چنین بنظر می آید که عضو خانواده اند و در تصمیم گیریهای آن مشارکت دارند.

همانطور که ملاحظه می شود، در هر دو معنی، خانواده ستاکی بین خانواده هسته ای از یکسو و خانواده بزرگ و گسترده از سوی دیگر جای می گیرد.

Family, Marriage, zadrouga
family Primogeniture

گام مرحله نا- نائى Step
 در جامعه‌شناسى خانواده پیشوندی است که روابطی خاص درخویشی را می‌رساند. مرگ، یا طلاق یا تعدد زوجات ایجاد کننده این شبکه روابط است، نظیر فرزند نائى (Step-child) ناپسری (Step son) نادرختی (Step daughter) ناپدری (Step father) والدین نائى (Stepparents)

و...

عقاید قالبی^۱ Stereotypes

در تعریف آن می‌توان چنین گفت: عقاید قالبی تصوراتی هستند کلی و بی‌انعطاف که در ذهن انسان جای می‌گیرند و در قضاوتها مورد استفاده واقع می‌شوند. بی‌تردید، داوریهایی که بر چنین تصورات و عقایدی استوارند با واقعیت ارتباط محسوسی ندارند. آنان سطحی هستند و غالباً نادرست. شخصی که در ذهن خود تصویری از ملتسی می‌سازد و آن را بر همه افراد آن ملت صادق می‌داند، دستخوش عقاید قالبی است و قضاوتهایش سریع، کلی و سطحی است. از تعریف عقاید قالبی چنین برمی‌آید که این پدیده‌ها با فرد، از طرفی، و با اجتماع، از طرف دیگر، سروکار دارند. به بیان دیگر، عقاید قالبی از طرفی برپایه

تعمیم استوارند، و از طرف دیگر برحسب فرهنگ هر جامعه فرق می‌کنند و رنگ و صورت ارزشها، قوالب و ملاکهای آن جامعه را به خود می‌گیرند.

این تصورات که ذهن انسان را اشغال می‌کنند و قضاوتهایی را بجای می‌آورند، از نظر روانی و اجتماعی اهمیت خاصی دارند، زیرا رابطه گروههای يك جامعه و، در نتیجه، هم‌بستگی و تضاد عناصر اجتماعی به چنین عقایدی وابسته است. آلپورت و پستمن با تحقیق جالبی اثر چنین عقایدی را در فکر افراد نشان داده‌اند. این دو دانشمند تصویرهای يك مرد سفیدپوست و يك مرد سیاه‌پوست را در معرض مشاهده قرار دادند. در تصویر، سفیدپوست تیغی بر کمر آویخته بود. اولین کسی که این تصویر را می‌دید باید آنچه را که مشاهده کرده با نفر دوم در میان گذارد و او نیز به نوبه خود آنچه را که شنیده برای نفر سوم بگوید و بدین ترتیب تا نفر دهم این کار ادامه یابد. آنگاه دانشمندان مزبور از نفر دهم خواستند که آنچه را شنیده است، بیان کنند و نتیجه‌ای که بعد از يك سلسله آزمایشها به دست آوردند، چنین بود: در يك صد آزمایش، پنجاه بار نفر دهم هر آزمایش تیغ را بر کمر مرد سیاه‌پوست بسته می‌دانست،

۱. - این مقاله برآیند نیست از سه نوشته زیر،

ساروخانی (ب): تحقیقی در عقاید قالبی گروهی از دانشجویان ایرانی درباره ملیتهای مختلف، مجله علوم تربیتی، ۱۳۵۲. تهران. ۲، ۳، ۴، ص ۳۷-۱۹.

ساروخانی (ب): عقاید قالبی، نامه علوم اجتماعی، ۱۳۴۸، تهران ۳، ص ۱۱۱-۱۱۸.

saroukhani (B) : stereotypes, paris. sorbonne. 1968

یعنی تحت تأثیر عقاید قالبی و تصورات خود واقعیت را تحریف می نمود.

علاوه بر این، عقاید قالبی موجب همبستگی و یا تضاد و اختلاف بین ملت‌ها می شوند. به عقیده اتوکلائیبرگ عقایدی که آلمانی‌ها در باره لهستانی‌ها داشتند، تا حد زیادی حمله نازی‌ها را به این کشور تسهیل کرد.

منشاء عقاید قالبی

به نظر هیس (C. M. Macé)، عقاید قالبی بر بقایای مشاهداتی چند بسرقرار می شوند. باید گفت که عقاید قالبی مستلزم اطلاع هستند. همانطوری که پروترو در آزمایشی نشان می دهد، هنگامی که سخن از کشوری دورافتاده، چون ایرلند، به میان می آید، کمتر کسی تصویری از آن در ذهن دارد، زیرا اطلاع یافتن از آن برای کمتر کسی میسر بوده است. بیتن (J. A. Bayton) چنین می پندارد که عقاید قالبی به وسیله تبلیغات و تماس شخصی به وجود می آیند. اگر بپذیریم که تبلیغات شامل همه وسایلی می شود که اندیشه و یا عقیده‌ای را به فردی عملاً می قبولانند، باید بگوییم که گاهی نیز عقاید ما ناشی از سخنانی بی هدف و منظور است. پس، عقاید قالبی از همه وسایل و افرادی که با انسان سروکار دارند، ناشی می شوند. لیکن توضیح این مطلب بجاست که میزان تأثیر این وسایل و انسان‌هایی که شخص رادر شرایط گوناگون احاطه می کنند، در کودکی بیش از همه ادوار زندگی است، زیرا در این دوره، که دوران فرهنگ پذیری و اجتماعی شدن انسان است، ذهن کودک برای قبول هر

نوع اندیشه و پنداری آماده است. در صورتی که بعدها، هنگامی که قالب‌های فکری جوان و فرد بزرگسال شکل می گیرند، هر اندیشه نو، مخصوصاً هنگامی که با عقاید قبلی شخص متضاد باشند، با مقاومت روبرو می شود.

در این خصوص که عوامل مادی یا انسانی و تماس‌های شخصی یا شنیده‌ها کدامیک در پیدایی عقاید قالبی مؤثرترند، سخن بسیار است و شاید بهتر از همه این باشد که در خصوص هر عقیده تحقیقی بشود تا تأثیر عینی هر یک از این عوامل آشکار شود. آنچه فعلاً می توان گفت این است که عموماً عقاید رایج در یک فرهنگ بیش از همه معلول جریانات کلی اجتماعی و محتویات وجدان جمعی است.

صحت و سقم عقاید قالبی

آیا عقاید قالبی دال بر واقعیت‌اند یا پایه‌های نااستوار آنها مانع وجود هر گونه حقیقتی در آنهاست؟ پروترو، ضمن تحقیقاتی چند، ملاحظه کرد صفاتی که دانشجویان برای آلمانی‌ها، امریکایی‌ها، یا ایتالیایی‌ها به کار می برند، در همه کشورها شباهت تام دارد. بنابراین، به نظر او، باید گفت چنین وحدتی دال بر وجود حقیقتی در عقاید قالبی است. محقق مزبور در همین زمینه می گوید: مقایسه عقاید قالبی انگلیسی‌ها و لبنانی‌ها با تحقیقات کاتز (Katz) و برالی (Braly) در برنستن، نشان می دهد که تا چه حد له یا علیه هر ملت عقاید یکسانی در جهان موجود است. با این همه، بجاست اضافه شود که صرفاً وحدت نظر نمی تواند نشان-

دهنده واقعت باشد. زیرا صفتی که احتمالاً به ملتی منتسب می شود کلی و همه جانبه نیست، بلکه فقط جنبه ای از واقعت را بیان می کند و صفت دیگری می تواند همین واقعت را با دیدی دیگر و از گوشه ای دیگر توصیف نماید بدون آنکه بین این دو تضادی باشد. مثلاً، می توان گفت فردی قوی و در عین حال ترسو است. به عبارت دیگر، قوت و ترس مانعة الجمع نیستند، و اگر عده ای ملتی را ترسو خطاب کنند و عده دیگر همان ملت را قوی بدانند، نمی توان گفت این دو گروه در توصیف آن ملت تضاد دارند. از جانب دیگر، نمی توان همیشه وحدت نظر افراد را به عنوان ملاکی که درستی مطلبی را اثبات می کند پذیرفت. زیرا ممکن است همه افرادی که در انتساب صفتی به ملتی وحدت نظر دارند، متأثر از اوضاع واحدی باشند و در نتیجه نمی توان به بی طرفی افرادی که در آن اوضاع واقع شده اند اطمینان کامل داشت. به طوری که ملاحظه می شود، صحت و سقم عقاید قالبی را به سختی می توان مشخص کرد. به همین سبب است که نظرات گوناگون و گاهی متناقض در این زمینه ابراز گردیده است. در مقابل، جانسون با بررسیهایش معتقد به وجود حقیقتی در عقاید قالبی است و کلایپرگ با اتکاء به تغییر سریع این عقاید، مخصوصاً بر حسب مقتضیات گوناگون زمانی و منافع شخصی، صحت آنها را مورد تردید قرار می دهد.

در زمینه عقاید قالبی از بیست سال پیش بررسیهای علمی آغاز شده است و باید در

انتظار بررسیهای دیگری باشیم تا بتوان در این باره نظری قاطع داد. فعلاً آنچه می توان کرد این است که باید با دیدی تفاوت گذار بدانها نگرست، یعنی دور از هر قضاوت کلی، ابتدا به شناخت هر عقیده قالبی پرداخت و ریشه اساسی آن را تشخیص داد و آنگاه از صحت و سقم هر يك از آنها سخن گفت.

نحوه برخورد با عقاید قالبی

سوال اصلی اینست که عقاید قالبی چگونه اند و وظیفه علم در قبال آنان چیست؟ همانطور که اشاره شد، عقاید قالبی بر اساس تعمیم استوارند و تعمیم یکی از مشخصات برجسته فکر انسانی است، لذا ذهن انسان همیشه بدان نیازمند است. پس تنها موضعی که دانش اجتماعی و انسانی می تواند در برابر آنها بگیرد، هدایت افراد در مسیری است که روشن بینی بیشتری کسب نمایند. زیرا عقاید قالبی بر تعمیمی استوار است که بر استقراء منظم و تجربیدی بجا متکی نیست، بلکه از شایعات منشاء می گیرند و بجاست در صحت آنها تردید شود. بنابراین، نقش دانش ایجاد روحیه ای در فرد است که، اولاً، در صحت عقاید خود، و مخصوصاً عقایدی که سخت و متحجر گردیده اند و بنیان صحیحی ندارند، تردید کند، ثانیاً، افراد يك ملت و یا يك گروه را کاملاً یکسان نپندارد. زیرا در داخل هر گروه افرادی با استعدادها و تواناییهای متفاوت وجود دارند و درباره هر يك از آنها باید جداگانه قضاوت کرد.

تغییرات عقاید قالبی

تغییرپذیری صفت مشخصه هر پدیده اجتماعی است و عقاید قالبی از این قانون سرکنار نیستند. اما آنچه بیشتر موردنظر است، این است که بینیم این تغییرات با چه سرعتی صورت می‌پذیرند. عده‌ای بر این عقیده‌اند که عقاید قالبی با سرعت دگرگون می‌شوند، درحالی‌که جمعی دیگر از دانشمندان را عقیده بر این است که این عقاید، همچنان که از نامشان برمی‌آید، چنان سخت و غیر قابل تغییرند که دگرگونی آنها با انفجار توأم است. نتیجه‌ای که از همه این تحقیقات به دست می‌آید این است که باز هم باید با دیدی تفاوت‌گذار به این پدیده نگریست. عقاید قالبی هرچند تحجری مخصوص دارند، لیکن در مقابل محرکات خارجی، آن‌چنان که تصور می‌رود، مقاومت ندارند. امروزه دیگر سخن از انفجار آنها راندن بجا نیست. عوامل و محرکات خارجی عقاید قالبی را تغییر می‌دهند و این عقاید نیز به نوبه خود در وقایع دنیای خارج تأثیر می‌کنند، زیرا مقدم بر رفتارند و نوع و مسیر رفتار را تعیین می‌کنند. بدین ترتیب، باید سخن از تأثیر و تأثر متقابل وقایع اجتماعی و عقاید قالبی راند.

هنگامی که بحث متوجه تغییرات عقاید قالبی می‌شود، سؤالی دیگر مطرح می‌گردد و آن این است که چه عامل و یا عواملی در این تغییر مؤثرند و کدامیک از آنها در

دگرگونی این عقاید بیشتر تأثیر می‌گذارد؟ به‌طور کلی، می‌توان این عوامل را به دو دسته تقسیم کرد: عوامل فردی و عوامل کلی و دسته جمعی. عوامل فردی آنهایی هستند که مستقیماً با فرد تماس دارند، درحالی‌که عوامل کلی و جمعی شامل همه رویدادهای گذشته و حال و همه جریانات کلی وجدان جمعند که فرد را احاطه کرده و قالبهای فکری او را به‌نحوی تنظیم می‌کنند و یا، به گفته کاردینر (Cardiner) و لپنتن (Linton)، شخصیت اساسی او را می‌سازند. بعضی از دانشمندان، چون جیمز (James) و تنن (Tenen)، بر روی عوامل فردی تکیه می‌کنند. عقیده آنها این است که تماس فرد با اعضای گروههای دیگر به عقاید او درباره این افراد شکل می‌دهد، اما محققان دیگری چون پروترو، منیز (Meenes) و کلاینبِرگ چنین می‌پندارند که فرد و عقاید فرد بیشتر نتیجه معتقدات عمومی يك جامعه است.

نتیجه‌ای که از همه این تحقیقات به دست می‌آید باز هم ما را به قبول دیدی تفاوت‌گذار دعوت می‌کند. بجاست پیش از اظهار عقیده کلی در این خصوص، به شناخت دقیق هر يك از عقاید قالبی پردازیم و ریشه و منشأ آن را تعیین کنیم و معلوم کنیم که کداميك از عوامل در پیدائی و تطور آن بیشتر تأثیر داشته‌اند. چنین بینشی امروزه بیش از پیش رایج است. هندر وقتی می‌خواست علل دگرگونیهای را که در عقاید اروپاییها نسبت به اهالی امریکای شمالی

داشته‌اند مطالعه کرد و قوالب فکری آنها را بررسی نمود. سنت روانکاوی در این مورد مقبول دانشمندان امروزی است. آنان حتی به گذشته زندگی افراد می‌نگرند، عقده‌های روحی و بالاخره ساختمان درونی وجدان ناآگاه آنها را تحلیل می‌کنند. در چنین پژوهشی، که به حق می‌توان آن را ژرف‌انگر (intensive) خواند، قلمرو هر عامل در میدان وسیع عقاید قالبی مشخص می‌گردد.

چنین اندتایجی که امروزه دانش اجتماعی و انسانی در این مورد به دست می‌دهد. ملاحظه می‌شود که چگونه این دانش از قانون‌سازپای کلی و عمومی به مطالعه دقیق هر پدیده و ارزیابی علل و ریشه‌های مخصوص آن پرداخته است. چنین تحولی ناشی از این واقعیت است که هر پدیده ساخت و مشخصات مخصوص به خود دارد و صرفاً پس از شناخت یکایک واقعیتها می‌توان به ارتباط آنها توجه کرد و ساخت (Structure) کلی آنها را در بافت و الیاف مشترکی که آنها را بهم می‌پیوندند، باز شناخت و مخصوصاً به دریافت آن چه در این میدان مولود امیال درونی و یا، به قول عده‌ای، کششها و باقیابی است که وحدت روحی انسانها را تامین می‌کند و به رفتار اجتماعی آنها ساخت کلی مشترکی می‌دهد، پرداخت.

تأثیر در عقاید قالبی

آخرین سؤالی که در این زمینه مطرح می‌شود، چگونگی امکاناتی است که دانش امروزی

پیدا شده بود در یابد، بجای هر نوع کلی بافی ابتدا با مطالعه تاریخ مشترک اروپا و امریکا و حوادث اخیر جهانی که امریکا را به صحنه‌های سیاست بین‌المللی کشانید، به شناخت دقیق این علل توجه کرد. هنگامی که کوسما علل اساسی تغییر عقیده کاناداییها را نسبت به انگلیسیها بررسی می‌کرد، بدون اینکه قبل از مطالعه دقیق این عقاید قانونی کل وضع کند، ابتدا به شناخت ریشه‌های تاریخی و کنونی عقایدی که کاناداییها در مورد انگلیسیها داشتند، پرداخت و آنگاه با ملاحظه تغییرات جهانی و توجه به رویدادهایی که با دخالت انگلستان صورت گرفته است، علل دیگر گونی عقاید کاناداییها را در باره انگلستان بیان نمود.

از جانب دیگر، امروزه عقیده همه بر این است که هر پدیده، مخصوصاً پدیده‌هایی چون عقاید قالبی که، از طرفی، با روان افراد و، از طرف دیگر، با نظامهای اجتماعی سروکار دارند، نتیجه عوامل و محرکات گوناگون هستند. در عرف جامعه‌شناسی می‌گویند، هر پدیده مولود چند علت است و یک عامل به تنهایی نمی‌تواند موجد و مولد آن باشد. برای تبیین هر نوع تغییر در عقاید قالبی ابتدا باید به شناخت زمینه اجتماعی آنها پرداخت، رویدادهای جدید اجتماعی را بررسی کرد، دیگر گونی آنچه را که دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، «وجدان جمعی» می‌خواند، به دقت مطالعه نمود، آنگاه زمینه روحی افرادی را که چنین عقایدی ابراز

خارجی که همچون کانالی رفتار افراد را در جهتی معین هدایت می کنند تاثیر کرد و این همان نظری است که دورکیم در مورد نیروی مقاومت ناپذیر «امور و نهادهای اجتماعی» عنوان می کرد.

چنین نظریاتی را، که در ظاهر گوناگون و شاید متناقض جلوه کنند، می توان به آسانی تلفیق کرد. چنین تلفیقی را در تحقیقاتی که به تازگی انجام می شود می توان به خوبی یافت. به عنوان مثال، می توان از نتایج تحقیقات استمبر درباره تربیت، که به سال ۱۹۶۱ منتشر کرد، سخن گفت. اومی گوید، تربیت در ترویج ارزشهای معنوی و آزادی خواهی موقعی تاثیر می کند که در طرز تلقی های جمعی (collective attitudes) و شکل ظاهری اجتماع از نظر تلقین عقاید در مسیری باشند که تربیت بدان متوجه است. استمبر تاکید می کرد که تاثیر تربیت بخودی خود انکار ناپذیر است، لیکن این تاثیر در مقابل نیروهای فرهنگی و نهادی که مسیری دیگر برای عقاید و در نتیجه رفتار افراد تعیین می کنند، جنبه موقت دارد. بی تردید، چنین مطلبی اهمیت زمینه اجتماعی و ساخت نهادهای سازمانها و نظام های اجتماعی را در دگرگونی مشخصات روانی افراد نشان می دهد. از جانب دیگر، اهمیت آنچه را که در اصطلاح جامعه شناسی «هماهنگی اجتماعی» می گویند آشکار می سازد و روانشناسان نیز لطمه هایی را که عدم هماهنگی دستگاه های اجتماعی به بار می آورد، از جمله تعویق شکل پذیری

برای تغییر مطلوب این عقاید پیشنهاد می کند. آیا اصولاً می توان عمداً چنین عقایدی را دگرگون کرد؟ استمبر، پس از تحقیقاتی چند، بدین ترتیب به این سؤال پاسخ می دهد:

۱- به نظر او، تاثیر تربیت بر عقاید قالبی انکار ناپذیر است. هر قدر سطح فرهنگی بالا رود، به همان نسبت نیز از عقاید قالبی کاسته می شود و انعطاف آنها افزون تر می شود و در نتیجه، این عقاید در احکام و افعال انسانی تاثیر کمتری می کنند.

۲- افراد با سواد کمتر عقیده ای خاص را بر همه سیاهان تعمیم می دهند. به عبارت دیگر، دید «تفاوت گذار» بیشتری در افراد به وجود می آید و افراد روشن بینتر می شوند، یعنی، از طرفی، توانایی درک واقعیت را پیدا می کنند و از طرف دیگر، از نوع و منشاء عقاید قالبی خود آگاه می شوند.

۳- تربیت بیش از تماس با سیاهان با فرهنگ در دگرگونی عقاید سفیدپوستان مؤثر است.

از جانب دیگر، پیازه پیشنهاد می کند که تربیت وظیفه دارد جهان بینی کودکان را وسعت بخشد، یعنی بجای کوشش در ایجاد علائق ملی، پیوندهای جهانی را محکم کند. بالاخره، تاثیر تربیت برای دگرگون کردن عقاید قالبی مورد تایید بنلهم و جانسوویتز است، ولسی عقیده همه محققان چنین نیست. بد نظر دویچکر (Duijker) و فریجدا (Frijda) برای از بین بردن عقاید منفی باید، پیش از توجه به تربیت، کوشید تا بر شرایط داخلی و

شخصیت و بعدها تعدد آن را، یادآوری کرده‌اند.

بدینقرار، با مسأله‌ای مواجه می‌شویم که از ذهن انسانی مایه می‌گیرد و جهان هستی را سخت تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌درستی باید با اتوکلاپیگ گفت، چنانچه عقاید قالبی مردم آلمان و نازیها نبود، جنگ جهانی به‌وقوع نمی‌پیوست.

(*Saroukhani stereotypes*,
P. 301)

Stereotype, personality

شخصیت تخمینی

Personality stereotype ر. ک.

Stereotype response پاسخ قالبی

پاسخی خشک، سخت، مبتنی بر عقایدی غیرقابل ایقان در برابر انگیزه‌ای معین.

Stereotyped response

پاسخ قالبی شده

واکنش یا عکس‌العملی به غایت ساده و مبتنی بر عقیده‌ای قالبی.

Sterile period دوران نازایی

Sterility نازایی

Sterilization عقیم‌سازی

سیاست یا عمل جلوگیری از تولید مثل است. این سیاست درمورد بیماران دارای صرع، بیماران روانی و یا هر نوع بیماری قابل انتقال از طریق وراثت اعمال می‌شود. در مواردی چند نیز از آن جهت کاهش موالید

سود می‌برند. شیوه خاص آن عمل جراحی است که درمورد مرد با سهولت بیشتر و در مورد زن با دشواری صورت می‌بندد.

ر. ک. Eugenics, Contraception

Stigma

شاخص جمعی جنایت‌پیشگی - انگ

نقص جسمانی یا ویژگی‌هایی چند که بعضی چون لوبروزو آنان را علایم جانپان با لظرفه می‌دانند.

ر. ک. Criminology/ Physical anomalies

Stimulation

برانگیزی

تحریک عضو حسی یا نظام عصبی به‌طور کلی توسط شیء یا وضعی خارج از نظام یا عضو حسی. شناخت مکانیسم تحریک در بررسیهای واکنش، رفتار یا عمل حائز اهمیت است.

Stimulation, Group

برانگیزی گروهی - برانگیختگی گروهی

Group stimulation ر. ک.

Stimulation, Non-social

برانگیختگی غیر اجتماعی

Non-social stimulation ر. ک.

Stouffer (Samuel andrew)

استوفر

دانشمند علوم اجتماعی در امریکا است (۱۹۶۰-۱۹۰۰) در آغاز به جمعیت‌شناسی روی کرد، سپس به روابط اجتماعی توجه نمود

و رئیس آزمایشگاه روابط اجتماعی در
هاروارد گردید، به کار گروه سنجی سخت توجه
نمود. بزرگترین اثرش مطالعاتی در باب
روانشناسی اجتماعی در جنگ دوم بود که
در چهار جلد انتشار یافت. دو جلد اول این
اثر با نام سرباز آمریکایی شهرت یافت.
دیگر آثارش عبارتند از:

- Attitude and opinion.

Social research to test ideas.

Strategic interaction

تعامل حساب گرانه

Interaction

Strategic theory نظریه راه بردی

مجموعه‌ای از دانشهای تخصصی در
تحلیل و کنترل نیرو و یا دیگر عوامل اساسی
در شرایطی ستیز آمیز.

نظریه کلاسیک در این زمینه توسط هاهان

(A. T. Mahan) و همچنین کلوس ویتز

(K. V. Clausewitz) ارائه شده است؛

در گذشته تحلیل نیروها و اتخاذ تصمیم با

توجه به متغیرات کمتری صورت می گرفت،

لیک امروز، با گسترش نیروهای هسته‌ای و

موشکها و همچنین پیچیدگی شرایط جهانی

و وابستگی متقابل ملل، در این نظریه تمهید

مدلهای قیاسی و کاربرد ماشینهای حسابگر

در تحلیل داده‌های کمی بسیار مورد توجه

است.

Theory/ Social theory

Sociological theory

Stratification, Functional

نظریه کارکردی قشر بندی

Functional theory of
stratification

Stratification, social

قشر بندی اجتماعی

Social stratification

Stratified random sampling

نمونه گیری تصادفی مطبق

Sampling

Stratified sampling

نمونه گیری مطبق

Sampling

Stratum

قشر

جمع آن Strata.

Stress

فشار روانی

فشار روانی را عاملی مهم نه تنها در
آسوب‌های روانی، بلکه بیماری روان تنی
(Psychosomatic) می‌شناسند.

Structural anthropology

انسان شناسی ساختی

Anthropology

Structural functionalism

کارکردگرایی ساختی

شیوه‌ای است خاص در برخورد با
پدیده‌های اجتماعی. این شیوه در سالهای
۱۹۲۰ توسط انسان شناس انگلیسی، رادکلیف
براون (A. R. Radcliffe-Brown) مطرح
شد و به سرعت رواج یافت. این شیوه که
مخصوصاً در انسان شناسی باب شد و به کار
آمد، در نهایت به کارکردها و دلایل بقا و
تداوم یک ساخت اجتماعی می‌رسد.

ر. ك. Holism/Organicism/spencer.
 Gestalt theory/Structuralism.
 Functionalism.

ساخت‌گرایی Structuralism

در اصل ساخت‌گرایی به‌دومعنی به‌کار برده می‌شود: در معنایی از آن روش تحلیلی خاصی مستفاد می‌شود که در علوم انسانی به‌کار گرفته می‌شود و در معنایی دیگر، مکتبی فلسفی از آن مستفاد می‌شود. از دیدگاه اول، به‌طور معمول دو شیوه خاص و متمایز در ساخت‌گرایی وجود دارد. نوع اول در انسان‌شناسی انگلیس و توسط رادکلیف، اون (Radcliffe-Brown) و اوانس پریچارد (Evans-Pritchard) مطرح شد. با این دید، محقق درصدد شناخت و تحلیل شکل گروه برمی‌آید. این تحلیل متوجه پایگاه‌های اجتماعی است که افراد گروه یا جامعه کسب می‌کنند و همچنین ناظر بر حقوق و وظایفی (نقش‌ها) است که افراد در پایگاه خویش و در برابر دیگران ملزم به رعایت آنند. بدینسان، ساخت‌گرایی از این دیدگاه درصدد آن نیست که بدانند يك فرد چه می‌کند، بلکه سعی می‌کند بدانند که او در شرایطی خاص چه باید بکند و چگونه. در این دیدگاه، مقایسه ساخت کلی جوامع با یکدیگر مطرح نظر است.

کاربرد دوم ساخت‌گرایی با نهضت فکری گسترده‌ای که به‌تدریج در اروپا شکل گرفت، مربوط است. این نهضت را مکتب اصالت ساخت (Structuralist school)

می‌خوانند و با زمینه‌هایی در انسان‌شناسی، زبان‌شناسی، روان‌پزشکی، فرهنگ عامه و روان‌شناسی مرتبط است. بعضی از دانشمندان که بدان انسیده‌اند، عبارتند از: لوی استروس (C. Levi-Strauss)، پیازه (J. Piaget)، ژاکوبسون (R. Jakobson) و بارت (R. Barthe). آنان درصدد شناخت ساخت اساسی یا زیرین رفتارهای به‌ظاهر پراکنده و ناهمگن انسانند. دیدی کلی و کشف در زمینه رفتار آدمی دارند. بدینسان معتقدند که باید همه وقایع اجتماعی در يك تحلیل جامع شناخته و معنا شوند. استروس مثالی در این باب می‌دهد که چنین است: مردمی در امریکای سرخپوست، بینی را سوراخ کرده در آن اشیایی می‌آویزند؛ مردمی دیگر در آفریقای سیاه، صورت را حجامت می‌کنند و باز مردمی دیگر در قلب اروپای سفیدپوست؛ صنعتی گسترده در آرایش پدید آورده‌اند. آیا تمامی این رفتارهای به‌ظاهر پراکنده و ناهمگن از ریشه‌ای اساسی مایه نمی‌گیرند که همان زیبایی دوستی و گرایش به جلب دیگران باشد؟ پس در این نوع از ساخت‌گرایی، ادغام اکثر علوم چون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی مطرح می‌شود تا همه رفتارها در همه ابعادشان شناخته شوند. لوی استروس سعی در آن دارد که از ریاضی به‌عنوان زبان و هم يك وسیله اندازه‌گیری در دانش انسان استفاده نماید. به‌زعم او «بر پایه ریاضیات جدید، که در واقع به بسط نظریه‌های قدیمی می‌پردازد،

ملازمه را نباید با کمیت اشتباه کرد و (ملازمه بدون کمیت) همچنان اهمیت خود را حفظ می‌کند»

(شیبانی: نامه علوم اجتماعى ص ۳۰)
با این شیوه، محقق بجای آنکه به ماهیت پدیده‌های اجتماعى-انسانى نظر کند، زبان مشترکى (ریاضى) پدید مى‌آورد که شکاف بین علوم طبیعى و انسانى را پر خواهد کرد، از خودنگری پرهیز خواهد شد، و انسان و عملش در درون ساخت شناخته می‌شود.

بدینسان ساخت گرایان به رابطه‌ها و ارتباطات توجه دارند. همانطور که يك واژه در درون جمله معنی می‌یابد و انسان با دانستن معنای يك يك کلمات از طریق فرهنگ‌نمى تواند به معنای جمله برسد، به همانگونه نیز باید روابط بین پدیده‌های اجتماعى را سنجید. مجموعه‌ای از این روابط فشرده يك نظام (System) را پدید مى‌آورند و كسل جامعه میدان ارتباطها و انتقالهاست.

از همین رو، زبان‌شناسى بستر ساخت گرایی است، چه، زبان تنها علمى است که واقعاً کلى و ساخت‌پذیر است. فردینان دوسوسور (F. de Saussure) در تحلیل‌هایش در زبان‌شناسى از مطالعات در زمانى (Diachrony) و هم‌زمانى (Synchrony) یاد می‌کند و همین دیدگاه را در علوم انسانى به کار می‌گیرد. چه، زمانى می‌توان تصور پدیده‌ها را در خلال زمان دید و زمانى دیگر حرکت در بستر زمان را موقتاً رها ساخته و ساخت را در نظر گرفت:

یعنى ترتیب خاص همبستگی اجزاء يك مجموعه برای هدفى خاص در يك آن تاریخى و جامعه‌ای معین را مطمح نظر قرار داد.

با این خصوصیات، هر چند ساخت گرایی تجزى تصنعى پدیده‌های اجتماعى را از زمینه یا بطن آنان (نظامها) مانع مى‌شود؛ انتزاع (Abstraction) از شبکه علل رادر تبیین نادرست مى‌پندارد و لیک، همین مکتب نیز مسائلى چند با خود دارد:

— به هنگام ضرورت تحلیل کلى، مقایسه اجزاء متعلق به کل‌های متمایز با یکدیگر مشکل خواهد بود. لوی استروس خودسخن از این مشکل رانده، اذعان مى‌دارد که جامعه‌شناسى مقایسه‌ای نمى‌تواند كسل يك ساخت را با كسل ساخت دیگر مقایسه نماید و ناچار عنصرى از این را با عنصرى از آن مقایسه می‌کند.

— ساخت گرایان نیز همانند کارکرد-گرایان از حرکت تاریخى پدیده‌ها گذشته و وضع کنونی آنان را مطمح نظر قرار داده‌اند. همچنانکه ماهیت پدیده‌ها را مورد توجه ندارند.

— از دیدگاه ساخت گرایی، عمل انسان در چارچوب ساختها دیده و تبیین می‌شود؛ و سؤال این است که آیا با این دید، اصالت انسان و آزادى او در عمل مورد نفی قرار نمی‌گیرد؟ آیا مسؤولیت عمل متوجه انسان یا ساخت خواهد بود؟

از اینروست که با این مکتب، دیدى نو در باب اخلاق، حقوق و حتمى انسان طرح

می‌شود، ارزشهای نویسی پدید می‌آیند همچنانکه مبانی تازه‌ای برای علوم انسانی وضع می‌شود.

ر. ک. Structure/Levi Strauss.
Radcliffe Brown.

ساخت Structure

از واژه لاتینی Strucre به معنای ساختن گرفته شده است. از واژگان برجسته جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و به طور کلی علوم اجتماعی و انسانی است و در فارسی واژه‌هایی نظیر ساخت، شالوده، بنا، ساختمان، بنیان و مبنایافته است. ساخت عبارت است از چگونگی رده‌بندی و جای‌یابی هر يك از عناصر، اشیاء یا نیروهایی که کلی خاص را تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب، آنگاه که سخن از ساخت می‌رود؛ انسجام، همسازي، هماهنگی و بالاخره کلیت خاص يك مجموعه را در نظر می‌گیرند و ناهمگنی و تمایز آن را با مجموعه‌ای دیگر می‌سنجند. در يك مجموعه، هر يك از عناصر معنا و کارکردی چنان می‌یابد که در هنگام جدایی از بافت کلی فاقد آن است پس آن را فقط در داخل ساختی خاص می‌توان شناخت و ارزیابی کرد. در درون يك مجموعه که ساختی خاص یافته است، ورود هر عنصر دیگر، ساختی نو پدید می‌آورد، و برداشت و یا دیگر گونی هر يك از عناصر امواجی پدید می‌آورد که تمامی مجموعه‌ها متأثر می‌سازد. از اینجاست که ژرژ گورویچ (G. Gurvitch) سخن از ساخت‌دهی (Structuration)، ساخت-

زدایی، (Destructuration) و ساخت‌یابی و ساخت‌دهی مجدد (Restructuration) می‌راند.

هر مجموعه اقتصادی-اجتماعی دارای ساخت است. این ساخت دارای ورودی‌های خاص است، لیکن همواره موقت به حساب می‌آید، زیرا هر لحظه امکان دیگر گونی آن و بروز برهه‌ای نو در آن می‌رود.

این مفهوم، تنها در مورد مجموعه‌های عینی به کار نمی‌رود، بنابراین، باید سخن از ساخت‌های ذهنی نیز راند؛ آن‌طور که در دنیای واقع می‌بینیم، همه پدیده‌ها و مجموعه‌های دنیای هستی باید تابع ساختی خاص باشند که دنیای ذهنی آدمی می‌یابد و چگونگی این ساخت‌های ذهنی، ساخت‌های پدیده‌های هستی را شکل می‌بخشد.

برخی از انواع ساخت چنین‌اند:

ساخت کلی Global structure
زیرساخت Infra ~

در اصطلاح به مجموعه وسایل فنی اطلاق می‌شود که دائماً در حیات اقتصادی يك کشور مورد نیاز است. مانند نیرو، آب، برق، بنادر، راه، راه‌آهن و... در واقع اینان تجهیزات عمومی هستند که مادی و غیر منقولند و تجهیزات اجتماعی را در بر نمی‌گیرند.

زیرساخت در توسعه يك کشور مؤثر است. پایه اصلی گسترش صنعتی است. سیلان و گردش کالاها، اخبار و اندیشه‌ها را در کل جامعه باعث می‌شود. فقدان زیرساخت

- به کاهش سود نهایی سرمایه می انجامد. چه،
آنگاه که راه، راه آهن، بنادر و... موجود
نباشند، سرمایه گذاری که در نظر دارد معدنی
را استخراج کند یا واحدی تولیدی در نقطه ای
پدید آورد ناچار است شخصاً همه وسایل را
فراهم کند و این خود به افزایش هزینه ها گاه
تا سرحدات تصراف از سرمایه گذاری می انجامد.
Marx
Economic substructure ر. ک. ساخت نهان
Latent structure
Manifest ~ ساخت آشکار
Social ~ ساخت اجتماعی
در برابر مفاهیمی چون ساخت اقتصادی،
فرهنگی و... بکار می رود. در آغاز
اقتصاددانان در تبیین پدیده های اقتصادی
به کارش بردند و سپس مورد توجه جامعه شناسان
قرار گرفت.
Substructure ساخت جزئی
Economic substructure ر. ک.
Super ~ روساخت
در تکمیل مفهوم زیرساخت عنوان
می گردد. بر روی زیرساخت روساخت جای
می گیرد که شامل ایده اولوژی، نهادهای
سیاسی، قضایی، فرهنگی، مذهبی و هنری
می باشد.
به نظر صاحب نظران مکتب مارکس گرا
آنگاه که نیروی تولید با روابط تولید تناقض
می پذیرد، بحران آغاز می شود و روساخت
یکباره و یا به صورتی آرام دگرگون
می شود.
- Marx/Infrastructure ر. ک.
Structured interview مصاحبه منتظم
Interview ر. ک.
Structured observation مشاهده ساخت یافته - منتظم
Observation ر. ک.
Struggle تنازع
نوعی از تعامل اجتماعی مبتنی بر روابط
متقابل (Dissociative interaction)
Interaction ر. ک.
Struggle, Class تنازع طبقاتی
Class struggle ر. ک.
Struggle for existence تنازع برای زنده ماندن - تنازع برای بقا
مفهومی از علوم زیستی است. موجود
زنده سعی در بقا دارد و بدین منظور در صدد
انطباق با شرایط نو برمی آید، در صدد
کسب مواهب ضرور حیات است و...
نظریه داروین بر بقا اصلح
(Survival of the fittest) از آن منتج
می شود.
Social darwinism/Darwinism ر. ک.
Studies of work مطالعات کار
جامعه شناسان و روانشناسان اجتماعی
نیز همانند بسیاری از متخصصان دیگر به کار
نگریسته اند. در آغاز، بعضی به منظور افزایش
کمی و کیفی کار به مطالعه آن پرداختند.
نمونه خاص این نوع مطالعات را باید

انسانی نادرست و از نظر اقتصادی غیر مقرون به صرفه دانستند. کار از نظر آنان جزئی از وجود آدمی شناخته شد. پذیرفته شد که هر چند انسانها برای روزی و معاش به کار می پردازند. لیک تنها کارکرد کار این نیست. ارضاء روانی با احساس مفید بودن و احساس خلاقیت با دیدن حاصل کار خویشتن مورد توجه قرار گرفت. نتیجه کار جزیی از شخصیت آدمی به حساب آمد. از جانب دیگر، به منظور نشان دادن ابعاد کیفی کار و پیوندهای ذهنی انسان و کارش، هایو (E. Mayo) زمینه های روانشناسی کار را به مطالعه نهاد. مطالعات او و همکارانش در جوتون (Hawthorne) نشان داد که با محاسبات کمی که پایه اندیشه های تایلر (Taylor) و پس از او تایلورگرایی (Taylorism) است، نمی توان به افزایش کمی و ارتقاء کیفی کار دست یافت. استراحت در بین ساعات کار، تأمین هزینه های بهداشتی، توجه به فراغت سالم نیروی کار، تصحیح روابط کارگر-کارگر و کارگر-کارگر-کارفرما، بهبود شرایط محیطی کار، همگی شبکه ای از عوامل مؤثر بر کار را می سازند.

در مطالعات کار و شرایط تحقق آن تنها نباید به شناخت محیط کار-کارگران بسنده کرد، بلکه باید وضع پیشین آنان را مورد توجه قرار داد. زیرا، کارگرانی که از تخصص حرفه ای برخوردار نیستند و از مشاغل دیگر به سوی کار صنعتی روی کرده اند، بی هیچ شبهه، با آنانکه از آغاز کار صنعتی را پیشه داشته اند

بررسیهای تایلر (F. W. Taylor) دانست. او نام مطالعاتش را مطالعات حرکت-زمان (Time and motion studies) نهاد. بدینقرار که او می کوشید تا هر نوع حرکت اضافی کارگر را از بین ببرد تا هر حرکت درست در جهت تحقق کار به نحو مطلوب صورت یابد. پس از او فیلپرت (Frank. Gilbert) همین نوع مطالعات را به همراه همسرش با نام مطالعات زمان-کار (Time-Work studies) به انجام رسانید. او مفهوم اقتصاد حرکت (Motion-economy) را مخصوصاً در صنایع آجرسازی مورد مطالعه قرار داد.

این قبیل مطالعات از زمینه خاص اجتماعی منبعث می گردید که با عنوان لیبرالیسم کلاسیک مشخص می شود. در این زمینه خاص، بورژوازی عصر طلایی خود را می گذرانید. سرمایه حاکم بر همه حیات انسانها بود. فقدان سندیکاها، کارگری، استثمار، بهره کشی و بالاخره وجود ارتش ذخیره بیکاری را پدید آورده بود، پس هدف خاص سرآمدن مسلط در تولید، بهره برداری هر چه بیشتر به هر قیمت و حتی با قبول پیری زودرس عامل کار بود. لیک در قرن بیستم شرایط تغییر یافت. بسیاری نظیر پرودن (Proudhon) و مارکس (Marx) سخن از خود بیگانگی راندند و روش تیلور یا تیلوریسم را سخت به انتقاد کشیدند. حتی هنرمندانی نظیر چاپلین (در فیلم عصر جدید) بهره کشی به هر قیمت نیروی کار را از نظر

از مردم در بطن يك جامعه یا فرهنگ . گروههای سنی، قومی، و... درموردی چنان شناخته شده‌ای خاص می‌باشد که در برابر فرهنگ کل جامعه مقاومت می‌نمایند.

ر. ک. Youth culture.

Counterculture.

Sub-human control

کنترل دون انسانی

— کنترلی که نه از طریق برانگیختن محرکاتی درست صورت گیرد یا با آموزش و شکوفایی شخصیت همراه باشد. بلکه (۱) با ایجاد اجبار و حتی شکنجه همراه شود، (۲) یا آنکه به‌صورتی ظریف تحمیل انسانها را موجب گردد.

Subjectify

ذهنی ساختن - به‌حال ذهنی درآوردن

پدیده‌ای از جهان خارج را باحالت روانی خویش پیوند دادن، یا آن را با زمینه ذهنی تعبیر و تفسیر کردن.

Subjective

ذهنی

در برابر - عینی (Objective)، به معنای غیرمادی، ناملموس و درونیست. رویکرد ذهنی (subjective approach) چنانچه از حدودی تجاوز کند؛ موجبات قیاس جهان خارج را با حالات درونی خود (Introspection)، تحریف واقعیت با عقاید قالبی و تصورات خویش و بالطبع غیرعلمی بودن نتایج حاصل شده را فراهم می‌آورد.

تمایز می‌یابند. عدم مهارت گروه اول موجبات آسیب به کار آنان و در بسیاری از موارد استهلاك زودرس ماشینهای صنعتی را فراهم می‌سازد؛ مهاجرت حرفه‌ای آنان اکثر با مهاجرت جغرافیایی نیز همراه بوده است. و این خود مسأله اسکان آنان را در واحدهای کار مطرح خواهد کرد. در مطالعه‌ای که در مورد منشأ اجتماعی - جغرافیایی کارگران شهر تهران در بین سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ به عمل آمد، ملاحظه شد «دوسوم کارگران از بین کشاورزان برخاسته‌اند، کمی بیش از يك دهم کارگران از خانواده‌ای منشأ گرفته‌اند که حرفه‌ای تولیدی (پدی و غیر کشاورزی) داشته است؛ از ۲۰ نفر کارگر نمونه فقط يك نفر فعالیت پدی داشته است که نه با کشاورزی و نه با پیشه‌های سنتی مرتبط بوده است». (گروه جامعه‌شناسی شهری مؤسسه مطالعات - ترجمه ساروخانی - ب روانشناسی کار صنعتی در ایران - ص ۱۲۷)

ر. ک. Mayo, Alienation
occupational sociology
Study, cross-sectional

مطالعه چند مقطعی

ر. ک. Cross-sectional study

آزمون گروه Study group

ر. ک. Group

زیر فرهنگ - فرهنگ جزئی Subculture

بدان فرهنگ گروهی (group culture)

در مقایسه با فرهنگ کلی يك جامعه نیز اطلاق می‌شود. شیوه‌ها و مناسکی است خاص گروهی

- Objective, Intropathy, ر. ک. راه نگاهداری از کودکان بی سرپرست و وقف
Introspection می کنند، دست به تصعید زده است.
فرهنگ علوم اجتماعی، تصعید را عبارت
از «فرایندی روانی می داند که بر پایه نظریه
روانکاوان موجب خنثی سازی خواسته های
ابتدایی (سائق)، جنسی و غرایز تهاجمی و
همچنین منحرف ساختن آنان در جهت
مجره هایی که از اهداف غریزی اولیه دور
هستند، می گردد».
- (*Dictionary of social science*,
J. Gould, L. kolb (eds) P: 697)
بی هیچ شبهه، تصعید یا الاسازی، زمانی
که فرد از ارضاء عادی سائقها عاجز است،
بسیار ارزشمند خواهد بود. چه، چنین فردی
می تواند دست به اعمالی وحشیانه زند
(آغا محمدخان قاجار) و یا به طور کلی سعی
در شکستن هنجارها نماید.
- رفتار فردی که در صورت عدم امکان
ارضاء نیازها به صورت معمولی راههای فوق
عادی و آرمانی می یابد مصداق بیت زیر
است:
- چون که گل رفت و گلستان شد خراب
بوی گل را از چه جوئیم از گلاب
لیکن، آنگاه که فردی علیرغم همه
تواناییها در ارضاء معمولی نیازها، سعی در
والاسازی آنان می نماید، لزوماً معنایی بس
متعالی تر برین مفهوم می بخشد.
- II- در بین کیمیا گران، تصعید به معنای
تبدیل پدیده مادی از جسم سخت به گاز است.
چون درین تبدیل، جسم صورتی والاتر می یابد.
- Objective, Intropathy, ر. ک. راه نگاهداری از کودکان بی سرپرست و وقف
Introspection می کنند، دست به تصعید زده است.
- Subjective approach رویکرد ذهنی
برخورد با واقعیت مورد مطالعه آنچنانکه
برخلاف رهیافت عینی، قضاوت های ارزشی
محقق در کار تحقیق راه یابند. درین صورت
کار تحقیق ابعاد علمی خود را از دست می دهد.
با اینهمه باید گفت، با توجه به ماهیت خاص
پدیده های اجتماعی که با ابعاد ذهنی، عینی، کمی
و کیفی تجلی می نمایند. شناخت علمی آنان
تنها به صورت کمی و عینی میسر نیست، بلکه
درک کیفیت آنان با آنچه ژرژ گودویچ لزوم
توجه به ابعاد ذهنی در پژوهش های اجتماعی
می خواند، ضرورت دارد. در این معنی،
رهیافت ذهنی می تواند به عنوان برهه یا
مرحله ای در کار تحقیق تحقق یابد.
- Subjective value ارزش ذهنی
Value ر. ک.
- Subjectivism ذهن گرایی
- Subjectivity ذهنیت
- Sublimation تصعید- والاسازی- برین سازی
I- تبدیل نیروئی از يك شكل به شكل
دیگر؛ ارضاء نیازی طبیعی به صورتی دیگر
و والاتر به عنوان مثال فردی برای آرمانی
بلند از احتیاجات جسم دست برمی دارد، و
با تحقق آرمان ارضاء می گردد. بدینسان زن
زشت روی و مجردی نیز که عمر خود را در

پس هر تبدل که در جهتى والا صورت پذیرد، بدین نام خوانده می شود. فروید در آغاز و تمامی روانکاوان پس از او این مفهوم را مورد استفاده قرار دادند. به زعم فروید غرایز جنسى محرکات اصلى در اعمال ما به حساب می آیند. این غرایز که در جهت تخلیه انرژی لیبیدو از خلال تحريك جسمانى صورت می پذیرد با مقاومتهاى بسيارى مواجه می شود که یکی از آنان فرایند تصعيد است.

در جریان تصعيد، به زعم فروید غرایز طبیعى، صورتهای هنرى و متعالى مى یابند. همانگونه که غرایز تهاجمى در مبارزات و مسابقات ورزشى تجلى می یابند.

III- همانطور که ملاحظه مى شود، تصعيد با بعدى ارزشى عنوان گردیده است و در حقیقت تبدیل به احسن از آن بر مى آید. ليك، در سالهاى اخير، كوششها بيش از پيش در جهت جداسازى اين مفهوم از قضاوتهاى ارزشى وابسته بدان صورت یافته است. در جریان تبدل نیروها، که تصعيد یکی از انواع آنان است، درموردى به سختی می توان پدیده اول را درمقایسه با دومى خوب داشت؛ چه خوبى و بدى تابع معیارهای ارزشى هر فرد نیز هست و اتفاق نظر درین زمینه به آسانی حاصل نمی شود.

ر. ك. Substitution, Compensation, Mechanism.

فرا آگاهى Subliminal

هر آنچه در حدی پایین تر از آستانه

آگاهی (Threshold of consciousness) است. این بعد از حیات روانى انسان در زمینه های گوناگون مخصوصاً در تبلیغات بسیار مورد استفاده قرار مى گیرد، ازینرو نوعى خاص از آنرا آگهیهای فرا آگاه (Subliminal advertising) می خوانند. درین شیوه تصویر شیء مورد تبلیغ را فقط چنددم ثانیه در برابر دید بیننده قرار می دهند. بدینسان بدون آنکه شیء به محدوده آگاهی برسد، در ضمیر ناآگاه یادآوری می شود و فرد را ناآگاهانه بسوی آن بر مى انگیزد.

انقیاد Submission

فرایند تسلیم در برابر قدرتی است.

مادون عادی Subnormal

مادون- زیر دست Subordinate

آن کس یا آن گروه (نژاد، قوم) که حائز مرتبتى پائین تر در سلسله مراتب اجتماعى است.

زیر منطقه Subregion

جزئى از يك منطقه، زیر مناطق با توجه به همگنى نسبى تشكيل يك منطقه می دهند.

نمونه جزئى Sub-sample

ر. ك. Sampling

Subsidize (to)

از بودجه عمومى كمك بلاعوض کردن

كمك از بودجه عمومى Subsidy

كمك دولت در هزینه خدمت یا كالایى به منظور حمایت از طبقات محروم. بعنوان

- مثال بودجه‌ای که دولت در کاهش بهای قند، شکر، گندم، گوشت و... مصرف می‌کند.
Subvention ر. ک.
- Subsistence , Economy of**
اقتصاد بخور و نمیر - اقتصاد معیشتی
Economy of subsistence ر. ک.
- Subsistence farm**
کشتگاه معیشتی
 مزرعه‌ای که هدف اساسی از کار در آن، خدمات و تولید کالایی است که مورد نیاز زارع و خانواده اوست. بازار در این نوع کشت معنای چندانی ندارد، زیرا مازاد تولید چندان نیست. بدان کشتگاه خود کفا (Self-sufficiency farm) نیز گویند.
- Subsistence farming**
کشت معیشتی - کشت بخور و نمیر
 آن نوع از زراعت که در آن هدف اساسی تأمین نیازهای اولیه زارع و خانواده اوست.
- Subsistence level** **سطح معیشتی**
 سطحی از زندگی که در آن صرفاً نیازهای اولیه مرتبط با خوراک و پوشاک و پناهگاه تأمین گردد. به آن زیست در برابر زندگی نیز اطلاق می‌شود.
- Subsistence wage** **مزد بخور و نمیر**
 مزدی که حداقل وسایل معیشت را برای کارگر فراهم آورد.
- Sub - social** **دون اجتماعی**
- حاکمی از روابط بین انسانی و لیسک فاقد تعامل واقعی است. چنین روابطی در حد انبوه‌ها (Aggregates) تحقق پذیرند.
Crowd, Aggregates ر. ک.
- Sub-social control**
کنترل دون اجتماعی
 کنترلی که در جریان اعمال آن فرد یا گروهی مورد ایداء جسمانی و شکنجه قرار می‌گیرد.
Social control ر. ک.
- Substitution** **جایگزینی**
 ۱) فرایندی روانی-تنی در جهت ارضاء نیازی تنی نه به صورت معمول اما با شیوه‌هایی دیگر. ۲) ارضاء يك سائقه با سائقه دیگر، تمايز آن با والا سازی (Sublimation) یا تصعید در این است که در تصعید سطح شیوه‌های جایگزین حائز ارزش فرهنگی والا بی است. به عنوان مثال، مادری که يك بچه سر راهی را بجای فرزند از دست رفته می‌پذیرد، دست به جایگزینی زده و حال آنکه راهبه‌ای که خدمت در جذامخانه را به ارضاء سائقه جنسی یا هر نیاز عادی مرجع ساخته دست به تصعید زده است.
Sublimation ر. ک.
- Subterrean values**
ارزشهای زیرزمینی
Value ر. ک.
- Subtopia** **فرومکان - دژمکان**
 به مناطق شهری یا روستایی اطلاق می‌شود که بر اثر بدی برنامه‌ریزی صورتی زشت

- یافته و حیات طبیعی را مختل ساخته‌اند.
- Suburban** شهر اقماری
مناطق معمولاً از نظر وسعت و حجم جمعیت روستایی ولی از نظر عادات و طرز زندگی شهری. اقتصاد آنان با کار ساکنانش در شهرهای بزرگ همجوار تأمین می‌شود، بجای آنکه از صنایع محلی یا کشاورزی امرار معاش نمایند.
- Suburbanite** شهر اقماری‌نشین
- Suburbs** حومه شهری
قسمتهای حاشیه شهری که از نظر اقتصادی وابسته بدانند اما دارای حوزه اداری جدایند.
- Suburban trend** روند حومه‌ای
گرایش ساکنان شهرهای بزرگ به گریز از مراکز شهری و توجه به مناطق برونی یا اطراف شهرها که موجبات پیدایی شهرگانرا **Conurbation** فراهم می‌سازد. این روند تابع عواملی چون وسایل حمل و نقل سریع، کوشش در عدم تمرکز شهری و... می‌باشد.
- Conurbation** ر. ک.
- Subvention** کمک نقدی
کمک نقدی و رایگان دولت به سازمانها و شرکتهای نیازمند و یا کمک سازمانی یا شرکتی به افراد یا سازمانها و شرکتهای نیازمند است.
- Subsidy** ر. ک.
- Subversive activity** فعالیت خرابکاری
- نهضت سیاسی سازمان یافته که با سازمان مستقر در تنازع است، در مواردی جهت سرنگونی دولت به این شیوه‌ها دست می‌یازند.
- Guerrilla** ر. ک.
- Succession** تعاقب- توالی- پی‌آیی
(۱) در محیط‌شناسی از پی هم آمدن انواع موجودات زنده در فضای جغرافیایی است. (۲) در فرهنگ سیاسی، انتقال قدرت بطور توالی و از طریق جایگزینی‌هاست. این توالی می‌تواند بر انتخابات، بر میراث و... اتکاء یابد.
- Sufficiency , self-** خودبستگی
Subsistence farm Autarky ر. ک.
- Sufficient condition** شرط کافی
در برابر شرط لازم. به عنوان مثال در یک انقلاب نابرابری و سختی شرایط زندگی می‌تواند شرطی لازم باشد و نه آنکه در بروز انفجار انقلابی کافی؛ همچنین، در کار پژوهشهای اجتماعی در شناخت علل، می‌توان به عنوان مثال گفت بی چیزی یا فقر می‌تواند شرط لازم در راه اقدام به امر جنایی باشد، نه شرط کافی آن.
- Suffragette**
زن طرفدار برابری انتخاباتی زن و مرد
اصطلاحی که در قرن نوزدهم وضع گردید و زن یا زنانی را دربر می‌گیرد که سخت خواهان برابری زنان با مردان در زمینه انتخاباتی هستند.
- Feminism** ر. ک.

Suggestibility

تلقین پذیری

Suggestion

تلقین - القاء

در مباحث گوناگون دانش اجتماعی مطرح می شود نظیر: ۱) در روشهای تحقیق هر ابزار که جریان درست و طبیعی اندیشه پاسخگو را مانع گردد و موجبات القاء اندیشه یا مسیری خاص را در پاسخها فراهم سازد، تلقینی و غیرعلمی خوانده می شود؛ مانند سوآلهای چند جوابی با پاسخهای ازپیش ارائه شده. ۲) در جامعه شناسی ارتباطات جمعی، هر گاه سخن از تبلیغات القایی بهر صورت می رود، آسیب به حریم آزادی انسان تلقی می شود. ۳) در روانشناسی اجتماعی، مبحث تلقین با توجه به ابعاد روانی و هم اجتماعی آن جای برجسته دارد.

در تفاوت بین تقلید (imitation) و

تلقین، ویلیام اشترون (William Stern) می نویسد: «تلقین پذیری مرحله ای عالیتر و پیچیده تر از رفتار است و مستلزم تعبیر خاصی است. مثلاً هرگاه کسی دست بزند و کودک نیز همین کار را تکرار کند، می گوئیم طفل تقلید کرده است. اما اگر کسی بگرید و کودک نیز چون خیال می کند این شخص بدبخت است و گریه را آغاز کند، می گوئیم به کودک تلقین شده است»

(به نقل از روانشناسی اجتماعی، اتو کلاپنرگ، بر گردان علی محمد کاردان ص ۴۹۶)

ر. ک. Fixed alternative questions, imitation.

Suggestion, auto-

خود تلقینی - تلقین به نفس

Auto-suggestion

ر. ک.

در برابر دیگر تلقینی (Heterosuggestion) تلقین به نفس ناشی از عوامل فردی و بیشتر درونی است.

Suggestion, contra-

تلقین مخالف

تلقینی ضد تلقین پیشین. به آن (Counter suggestion) نیز اطلاق می شود.

Suggestion, crowd

القاء انبوه خلق

Crowd/suggestion

ر. ک.

Suicide

خودکشی

عملی ارادی و با قصد قبلی جهت پایان دادن به حیات خویشتن.

I- زمینه فرهنگی:

خودکشی در هر فرهنگ معنایی خاص یافته و ارزشی مثبت یا منهای می پذیرد. در اسلام خودکشی ناپسند و مبطرود شناخته می شود، در ژاپن دوران فئودالیسم و همچنین در روم باستان خودکشی مطلوب شناخته می شد. در مغرب زمین، خودکشی به عنوان يك مساله اجتماعی مورد توجه است.

II- علل:

دودکی (E. Durkhiem) به بررسی دقیق خودکشی دست زد. به زعم او دلایل حفرافیایی و یا مادی در تبیین خودکشی کافی نیستند. بعنوان مثال، در کشورهایی چون

به خود می گیرد ، می توان انواع بسیاری از خودکشی را از یکدیگر متمایز کرد:

الف: با توجه به انگیزه ها و عوامل

دورکیم در همان اثر (خودکشی) با در نظر گرفتن انگیزش درونی انسانها در اقدام به خودکشی، دو نوع خودکشی را از یکدیگر متمایز می کند:

Altruistic suicide

خودکشی دیگرخواهانه

آن خودکشی که بر اثر رجحان دیگری بر خویشتن و در راه ارضاء علایق به دیگری (دیگران) صورت تحقق پذیرد.

~ Egoistic خودکشی خودخواهانه

آن خودکشی که از خودگرایی و نفوق تمایلات خودخواهانه مایه گیرد.

ب: با توجه به تنوع درونی

چون آمار خودکشی در بین گروه های مختلف یکسان نیست، و این نایکسانی در يك جامعه و فرهنگ خاص صورتی مستمر دارد، از پندرو می توان انواعی بسیار از خودکشی چون خودکشی مردان (Male suicide) یا خودکشی زنان (Female suicide) و ...

پادکرد. باید توجه داشت این تقسیم بندی نسبی است. به این معنی که ممکن است حتی در يك جامعه در برهه ای خاص از تاریخ خودکشی به عنوان مثال نژادی دیده شود یعنی بر اثر سختی معیشت، تحمل حرمان و آلام روانی اجتماعی، سیاهان رقم ثابت خودکشی بالایی ارائه دهند، در حالی که در برهه ای دیگر از تاریخ و در همین جامعه

دانمارك و سوئد میزان خودکشی بالاست و حال آنکه در کشور دیگر همین منطقه نروژ چنین نیست. دلایل جسمی نیز در راه تبیین همین پدیده (خودکشی) کافی نیستند. به عنوان مثال، خودکشی در بین معلولین کمتر از مردم عادی است. در حالی که دلایل اجتماعی در خودکشی پذیرفتنی است. فاصله فرد از جامعه یا خلاء اجتماعی پیرامون او عامل مهمی در این اقدام است. بدینسان است که خودکشی در بین مجردين بیشتر از متاهلین است و همچنین در مذهبی که مراسم مشترك بسیار دارند و بر پیوند انسانها پیرامون رهبر مذهبی تأکید می ورزند (کاتولیکها) خودکشی کمتر از پروتستانهاست.

III- آمار خودکشی

امریکای شمالی در سالهای اخیر شاهد فزونی خودکشی است. با توجه به جنس اقدام به خودکشی در بین زنان نه برابر مردان است ولیك توفیق مردان در خودکشی سه برابر زنان است. زنان بیشتر از وسایلی چون گاز استفاده می کنند و حال آنکه مردان اغلب از اسلحه گرم سود می جویند. خودکشی در شهرها بیش از روستاهاست و همچنین افراد در سن، شغل و همچنین فصولی خاص از سال بیشتر دست به خودکشی می زنند.

IV- انواع خودکشی

با توجه به علل و عوامل گوناگونی که خودکشی را برمی انگیزند و هم با در نظر گرفتن چهره های گوناگونی که خودکشی در عمل و در بین گروه های گوناگون يك جامعه

- تشکیل می‌دهد. در اثر تغییر شرایط و بهبود نسبى زندگى
سیاهان این تمایز (بر اثر نژاد) معنسى دار
نباشد. این دو امر، هم نسبیت (Relativity)
خودکشی را می‌رساند، هم آنکه از عدم پایایی
متغییرات اساسى خودکشی در بستر يك
جامعه ویژه خبر دارد.
- Suicide, Race** خودکشی نژادى
ر. ك. Race suicide
- Sumner (William Graham)** سامنر
جامعه‌شناس و انسان‌شناس امریکایی است
(۱۸۴۰-۱۹۱۰). در آغاز به تدریس
ریاضیات و سپس کار در کلیسا پرداخت.
بعد به کار در علم انسان‌روى نمود و تدریس
و تحقیق را درین زمینه از دانش بشر تا
پایان عمر وجهه همت قرار داد.
ساختن بادیى مقایسه‌ای به پدیده اجتماعى
نگریست. به نظرش، شناخت فرهنگ انسان و
تبیین گونه‌گونى‌های آن ممکن نیست، مگر
زمانى که صورت مقایسه‌ای یا بدو در بعد زمان
و مکان دیده شود. یادداشتهای وسیعش با نام
«شیوه‌های حیات قومى» (Folkways) در
پانزده هزار صفحه با همین نظر تهیه شد و بعدها،
این یادداشتها مقدمه اثر بزرگش علم جامعه
(The science of society) را فراهم
آورد.
- Sunna** سنت
به صورت Sunnah نیز نوشته می‌شود.
جزیى از رهنمودهای دینى در اسلام است
که اساس آن را عمل یا گفتار پیامبر اکرم
- Sunnism** تسنن
- Superego** فرآخود-نفس الوامه
جهاتی از شخصیت که در برابر نفس
اماره مظهر تجلى آرمانهای اخلاقى و انسانی
است. در فارسی فرامن و... نیز ترجمه
شده است.
- Psychoanalysis, Freud** ر. ك.
- Superiority** رجحان- برترى
- Supernal** برین
- Supernatural** فراطبیعى
مفهومی است که قلمرو غیر تجربى و
ماوراء نیروهای طبیعى و جدا از قوانین
عادى حیات طبیعى را مى‌رساند. تمایز بین
مقوله طبیعى و فراطبیعى هنوز برای بسیاری
از مردم بدرستى روشن نیست.
- Super - normal** فوق عادى
در برابر عادى (Normal) و همچنین-
مادون عادى (Sub-normal)
- Superordination** تفوق
در برابر مفهوم انقیاد (Subordination)
فرایند برترى یا بسى و یا اعتلاء نسبت به
دیگران یا دیگرى است.
- Super-organic** فوق آلى
I- مفهومی است از اسپنسر (H. Spencer)
که در اثرش «اصول جامعه‌شناسى» (۱۸۷۶)
به کار رفت. هدف او تمیز بین سطوح
فرایند تکاملی است؛ تکامل در آغاز در سطح

همچنین سوردوکین در قلمرو هستی سه جهان می‌یابد: ۱) جهان مادی و غیرآلی (Inorganic) که موضوع علوم طبیعی است ۲) جهان آلی (Organic) که موضوع علوم حیاتی است. ۳) جهان فوق‌آلی که موضوع بحث در جامعه‌شناسی است. (ش. راسخ، احوال و آراء سوردوکین، نامه علوم اجتماعی صفحه ۶۳).

III- با این همه، این مفهوم امروزه، چندان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد به دلایلی از جمله: ۱) کاهش توجه به مکتب انداموش-انگاری (Organicism) و درموردی بسیار طرد آن به عنوان يك مکتب علمی که واضع این مفهوم (اسپنسر) از بسانیان آن بود. ۲) کوشش نه در راه جدایی آلی و غیرآلی، بلکه شناخت ارتباط آنان. ازینرو واژگانی چون روان-تن‌شناسی (Psychosomatic) که اثرات متقابل جسم و روان را مطرح می‌کند بیشتر مورد توجه است. همچنین «به هنگام بحث از رفتار اجتماعی انسان در برابر رفتار حیوانات مفاهیمی چون فوق زیستی (Extrabiology) و یا فوق تنی (Extrasomatic) به کار می‌رود. امروزه بر همه فرض است که فرهنگ فوق‌آلی است، چون به صورتی بلافصل از فعالیت‌های آلی افراد یا گروه‌ها منبعث نمی‌شود.»

(*Dictionary of social science*
G. Gould L. Kolb, (eds), P. 704)
و. ک. Sorokin/ Inorganic,
Organicism

غیرآلی آغاز گردید، سپس در قلمرو آلی و در نهایت در محدوده فوق‌آلی. معنای آن کنش و واکنش بین انسانها، حیوانات و حتی حشرات است با فرهنگ از دو جهت تمایز می‌یابد: ۱) در حالی که فرهنگ با ساخت آلی انسان محدودیت می‌پذیرد، فوق‌آلی چنین نیست. ۲) فرهنگ نه تنها طبیعت آلی فرد انسانی را تکامل می‌بخشد. بلکه فرایندهای کنش و واکنش اجتماعی آنان را نیز متعالی می‌سازد.

II- بعد از اسپنسر، بسیاری این مفهوم را به کار بردند، از جمله کروبهر (A. L. Kroeber) که می‌نویسد: فوق‌آلی فقط بدین معناست که زمانی که ما فرهنگ را در نظر می‌آوریم. با چیزی سروکار داریم که آلی است، لیکن باید به عنوان چیزی بیش از آلی به حساب آید... هیأت یامجموع فرهنگ، نهادها، اعمال و افکاری که تشکیل دهنده آنند، دارای مداومندولی می‌توان آنان را در راه دگرگونی آرامشان بر ورای جامعه یا خارج از جوامعی که از آن منبعث می‌شوند، در نظر آورد.

(*Anthropology*, PP: 253-4)

ازینرو، از دیدگاه او زمانی که گفته می‌شود فرهنگ فوق‌آلی است، این نه به آن معناست که غیرآلی، غیر اجتماعی و غیر مرتبط با افراد است؛ درحالی که اساس فرهنگ یا تمدن امورآلی هستند و فوق‌آلی نشان‌دهنده استقلال فرهنگ نه تنها از حیات فرد، بلکه از حیات گروه است.

Super-social control**فراکنترل اجتماعی**

کنترل اجتماعی شدید توسط صاحبان قدرت که، زمام امور را در دست دارند ولی در بیم سقوطند؛ شدت کنترل، حرکات نامنظم و پیش‌بینی نشده، دستیازی به هر شیوه (از جمله شکنجه، سرکوب، ایجاد بازداشتگاه‌های جمعی) از ویژگی‌های آن است.

ر. ک. Sub-social control/ Social control.

Superstition عقاید خرافی

عقیده‌ای باقی مانده از گذشته و فاقد جهات عینی و یا هر اساس توجیهی.

ر. ک. Stereotype, prejudice

Superstructure**روساخت**

ر. ک. Structure

Suppression سرکوب آسمانه

(۱) در روانپزشکی، به معنای منع سخت ولیک آگاهانه يك عمل یا عقده است. با Repression از آن رو تفاوت دارد که در واژه اخیر نه تنها عقده بلکه مقاومت نیز صورتی ناآگاهانه دارد. (۲) منع فعالیت‌های سیاسی از جانب گروه حاکم.

ر. ک. Repression

Supremacy تفوق

تعالی فرد یا گروهی از افراد در برابر دیگران. دلایل یا علل تفوق ممکن است نیرو، قدرت و یا عوامل فرهنگی و ذهنی باشد.

Surplus**مازاد اضافی**

آنچه پس از پاسخ به نیاز یا خواست باقی می‌ماند. (نظیر مازاد تولید، مازاد اجتماعی و...)

Surplus economy**اقتصاد حائز مازاد**

شرایطی است که در آن منابع طبیعی به حد کافی وجود دارند و همچنین وسایل فنی لازم جهت بهره‌برداری و توزیع آنان نیز وجود دارند؛ به طوری که هر کس از امکاناتی فراتر از حداقل لازم جهت ادامه حیات برخوردار است. در چنین شرایطی، تمایز اجتماعی با تجلی طبقات اجتماعی پدید می‌آید و آغازی در راه نابرابری انسانها چه از نظر ثروت، قدرت یا اعتبار اجتماعی خواهد بود.

ر. ک. Pain economy/ Social stratification/ Economy of subsistence

Surplus population**جمعیت اضافی**

ر. ک. Overpopulation

Surplus , social**مازاد اجتماعی**

ر. ک. Social surplus

Surplus value**ارزش اضافی**

در اصطلاح ماركسی و ماركس‌گرایان در يك معنی تفاوت بین مزدکارگرو ارزش کالا و خدمات حاصل شده است. بدین قرار ارزش اضافی می‌تواند از عناصری بسیار مایه‌گیرد؛ به عنوان مثال، زمانی که گروه

وسیعى از کارگران در يك واحد کار گردمی آیند و به انجام کار واحدی با يك هدف مشخص می پردازند، بجهت پیدائی تقسیم کار، کار زنجیری و هم کاهش خستگی بر اثر جمعی بودن کار، حجم تولید بیش از میزان کاری است که توسط يك يك افراد می توانست فراهم آید. این مازاد ارزش اضافی ناشی از کار جمعی خوانده می شود.

Survival

بقا

I- (۱) تداوم نسبی و محدود هر موجود زنده در چارچوب زمان و مکان (۲) تداوم هر عنصر فرهنگی با کارکردهایی کاهش یافته و دگرگون شده علیرغم از بین رفتن شرایطی که پیدایی آن را موجب شده اند.

II- تایلر (E. B. Tylor) بیش از همه بدان توجه کرد. او بقاء را عبارت از رسوم، عادات و عقایدی می دانست که "با نیروی عادت تداوم یافته، در شرایط تازه ای از جامعه و متمایز از شرایطی که در آن پدید آمدند، دیده می شوند و به عنوان دلایل و مثالهایی از شرایط قدیمی يك فرهنگ که از خلال آن فرهنگی نو پدید آمده است، تجلی می نمایند.

(Primitive culture, P: 16)

موضوع بقا نه تنها از دیدگاه پدیده های باقیمانده و شمار آنان در يك فرهنگ مطرح می شود، بلکه بسیاری در صدد بازیابی آهنگ و حجم بقا در يك فرهنگ و به طور کلی پاسخ به این سئوالند که «چگونه و چرا بقاء صورت می پذیرد». ازینرو باین بحث هارت

(Marett) سخن از تبدل Transformation) یا گشتار و جابجایی (Transposition) می رانند. بقاء در معنایی چنین وسیع در متن مکتب تکاملی داورین جای می گیرد.

Survival of the fittest

بقای اصلح

این عبارت از هربرت اسپنسر است. به معنای فرایندی ازگزینش طبیعی. در داروینسم اجتماعى معنایش قلب شد و از آن بقای خشن ترین، مهاجم ترین موجودات مستفاد گشت. به طور کلی در بین تکامل گرایان به معنای بقای انسانهایی است قوی تر، دیگر خواه تر و همیار تر.

ر. ك. Darwin/ Struggle for existence.

Survival value ارزش بقاء بخش

هر صفت یا ویژگی که دارنده اش رادر تنازع بقاء یاری دهد. این مفهوم جزئی از نظریه بقاء اصلح در داروینسم است.

Syllogism قیاس صوری

استنتاجی است به این صورت که در آن مقدمه صغری و کبری (Premise) از پی هم چیده شوند و سپس نتیجه بدست آید، مانند: هراسان میراست. سقراط انسانست. پس سقراط میراست.

با Formal logical procedure مترادف است.

ر. ك. Premise

قیاس صوری غلط Syllogism. false
ر. ك. False syllogism

Symbiosis همزیستی- تعاونی

روابط متقابل ناشی از زندگی در قلمرو جغرافیایی مشترک بین انواع گوناگون حیرانی که صورتهای گوناگون از جمله معارضه، تبادل خدمات (نظیر حیات مورچگان) می یابد. این واژه در توصیف مناسبات بین انسانها و سازمانها در يك قلمرو طبیعی نیز به کار می رود؛ مانند همکاری متقابل صاحبان هتلها در يك خیابان از يك شهر بزرگ.

Commensalism ر.ك.

Symbiosis , Industrial

همزیستی تعاونی صنعتی

Industrial symbiosis ر.ك.

Symbiosis , social

همزیستی تعاونی اجتماعی

Social symbiosis ر.ك.

Symbol نماد

I- از ریشه یونانی (Sumbiolon) در

معنای نشانه و علامت گرفته شده و در فارسی تعبیری چون نمون، نمود کار و کنایه یافته است. بدرستی می توان گفت يك پرچم نمادی است که ویژگیهای ملتی را می رساند. در مراسم ملی، هر عمل نمادی است که از روزگاران پیشین برجای مانده و مظهر ابدیت يك قوم، ملت یا نژاد است و موجد پیوند نسلهای آن در خلال قرون. بدینسان، واژگان نیز هر يك نمادند. نمادها از دو دیدگاه قابل مطالعه اند:

۱- در معنای محدود کلمه، نماد جلوه ای

است عینی که واقعیت مجردی را مجسم می دارد. بدعبارت دیگر، نماد نشان یا علامتی است که برای تجسم واقعیتی غیرمادی به کار می رود.

۲- در معنای کلی، نماد به معنای نشانی

است قراردادی، نسبی، تابع شرایط محیطی ویژه و حامل معنا یا پیامی خاص. در این معنی، نماد می تواند نه تنها ترجمان پدیده های ذهنی یا مجرد باشد، بلکه هر پدیده (اعم از عینی یا ذهنی) را برساند و در فرایند ارتباطات انسانی به کار آید.

از دیدگاه جامعه شناسی، نمادها جلوه هایی

هستند عینی از معناهایی که توسط همه یا بعضی از اعضاء جامعه شناخته شده اند؛ تمایز یا تشابه بین دال و مدلول و روابط متقابل آنان، از مباحث جامعه شناسی در این زمینه است.

دو صفت ویژه نماد: عمدی بودن و

قراردادی بودن آن است، رابطه نماد با موضوع آن همیشه رابطه طبیعی نظیر دود و آتش نیست پس نماد قراردادی است؛ نماد در جهت هدفی خاص و برای ارائه پیام یا معنایی وضع می شود، پس عمدی است.

II- در بین مشاهیر علوم انسانی- اجتماعی

تأثیر اندیشه هید (G. H. Mead) در این زمینه بسیار بوده است.

او بر ماهیت نمادی هر رفتار آگاهانه و هوشمندانه تأکید دارد. «به نظرش اگر

«مفهوم من» از طریق واکنش در برابر افعال خویشتن از دیدگاه آنانکه با آنان در جریان کنش و واکنش قرار می گیریم، تشکیل می پذیرد؛ این امر صرفاً از طریق اتخاذ نقش «دیگری» تعمیم یافته» در جریان کاربرد نمادهای معنی دار صورت پذیر است.»

(*Mind, self and society* ,

P. 156)

و با انسان، نماد بیش از يك انگیزه جاننشین است، بیش از يك محرك صرف برای يك پاسخ شرطی یا انعکاسی است. چه، انعکاس شرطی، یعنی پاسخ به يك محرك جاننشین صرف، نیاز به آگاهی ندارد و حال آنکه پاسخ به يك نماد متضمن آگاهی است. (همان اثر، صفحه ۱۲۲)

Socialization

ر. ك.

Symbol, social

نماد اجتماعی

Social symbol

ر. ك.

Symbolic behavior

رفتار نمادی

آن رفتار که تظاهر عینی آن حاوی معنای خاصی است و هر حرکت به عنوان جلوه ای از آن معناها به ظهور می رسد.

Symbolic contact

تماس نمادی

تماس از طریق وسایل یا ابزار نمادی

(نظیر زبان).

Symbolic interaction

تعامل نمادی

Interaction

ر. ك.

Symbolic patterns

الگوهای نمادی

آن نمادها که با ارزشهای فرهنگی پیوند می یابند و این ارزشها را صورتی محسوس می بخشند. الگوهای نمادی در زمینه های اخلاق، مذهب و قانون تجلی می کنند و به معنی دخالت معنویات در حیات اجتماعی هستند. در این حال نمادها بعنوان محمل ارزشها موجبات پیوند بین دنیای غیر ملموس (ذهنی، کیفی، روانی) با دنیای ملموس (عینی) را فراهم می سازند.

Symbolic personality

شخصیت نمادی

مجموعه ای از صفات و ویژگیها که در قالب يك شخصیت واقعی یا ایده آل یا اسطوره ای، تجسم یافته، بر رفتار جمع بهر صورت (قبیله، گروه، جماعت) و در هر جهت (منفی یا مثبت) اثر می نهد.

Symbolism

نمادگرایی

کاربرد يك نماد یا دال (دالالت کننده) که معمولاً به صورت قراردادی، شناخته و پذیرفته شده برای نشان دادن يك امر، موضوع یا شئی نمادی شده (Symbolized) به کار می آید.

Symbolism, Mathematical

نمادگرایی ریاضی

Mathematical symbolism

ر. ك.

Sympathy

همروزی، احساس مشترك

(۱) از نظر لغوی به معنای احساس مشترك

است یا واکنش در برابر تجربیات و رفتار دیگری، آنچنانکه گویی این تجربه از آن

خود فرد است. ۲) در عرف عام، معنای احساسات مثبت (مبتنی بر توجه و مهر) از آن برمی آید.

ر. ك. Apathy/ Intropathy.
Telepathy/ Antipathy/ Empathy.
Sympodial **تطور ژنیرهای**

واژه از ولاد (Lester. F. Ward) است در جهت نشان دادن نوساناتی که در گذرگاه رشد حادث می شوند. در این نوع رشد، يك تنه، شاخه ای را پدید می آورد که خود يك محور تازه در رشد می شود. تنه آغازین به يك شبه شاخه تبدیل می شود و رفته رفته احتمالاً نابود می گردد و همین محور نیز سرنوشتی مانند محور پیشین می یابد و این فرایند به صورت دائمی، جریان رشد را در حیات نباتی می سازد. وارد این گونه رشد را به طور حیات حیوانات و جوامع انسانی نیز بسط می دهد. این نوع اندیشه در تطور، در برابر نظریه رایج انداموش انگاران قرار می گیرد.

ر. ك. Organicism/ Evolution

هم گاه- هم زمان Synchronic

پیدایی دو واقعه یا دو پدیده به صورت با یکدیگر است؛ با واژه Simultaneous در این معنا نزدیک است و به صورتهای Synchronistic, Synchronous نیز با تشابه نسبی از نظر معنایی می آید. با مفهوم در زمانی (Diachronic) یعنی شناخت پدیده ها (مخصوصاً زبان) در طول زمان متفاوت است.

ر. ك. Anachronic/ Diachronic, Chronic

هم گاهی Synchronism

Synchronization

هم گاه بودن- تقارن زمانی

هم اندیشی Syncretism

آئینی است که بر پایه اندیشه صاحب نظران آن باید درصدد بازیابی اشتراك در عقاید و کوشش در تلفیق، تألیف و پیوند عقاید گوناگون برآمد. بدینسان گوناگونیهایی بسیار از هم اندیشی می توان بازیافت. از آن جمله است:

- هم اندیشی فرهنگی که درصدد ایجاد آینده ای است از فرهنگهای گوناگون که حاوی وجوه اشتراك آنان باشد.

- هم اندیشی سیاسی؛ که درصدد تلفیق اندیشه های متناقض سیاسی و آشتی اندیشه ها است.

در معنای عام، گاه هم اندیشی به کوشش در جمع آوری عناصری ناهمگن از فرهنگها و نظامهای اندیشه ای بدون هماهنگی لازم، تعبیر می شود؛ هم اندیشی مستلزم شناخت عقاید و آیینهای دیگر، سعه صدر، ترکیب در معنای اخذ عناصری گوناگون و آمیزش آنان در جهت بنای نظامی نو است.

ر. ك. Harmonism/ Integralism

نظام سندیکایی Syndicalism

نظامی است که مخصوصاً جامعه جدید بستر تجلی آن شده است. گروههای سندیکایی را در زمره گروههای ذی نفوذ یا فشار

سندیکا تأمین منافع مادی اعضای آن است از طریق فشار بر مراکز تصمیم گیری.

— سندیکان سندیکا برخلاف حزب درصدد کسب و جلب قدرت یا احراز پست سیاسی نیست، بلکه درصدد آن است که از درآمد اجتماعی یا هر نوع امتیاز موجود سودی بیشتر نصیب خود کند.

— سندیکا دارای ایده‌آل‌زی و یانظام نظری و مرامی خاص نیست؛ جمع‌سندیکایی درصدد تأمین منافع مادی و سود بیشتر و یا منافع بیشتر است.

— برخلاف حزب که تعلق به آن دوگانه و یا چندگانه نمی‌تواند باشد، یک انسان می‌تواند در آن واحد در چند سندیکا عضویت داشته باشد. برخلاف طبقه که در آن عضویت مطرح نیست، بلکه انسان در آن زندگی می‌کند و تابع شرایط آن است، در مورد سندیکا، مسأله عضویت مطرح می‌شود. فرد می‌تواند به عضویت سندیکایی درآید و یا خیر.

— فلسفه غایی سندیکا تأمین سوسیالیسم بدون توسل به دولتی کردن و یا دولت‌گرایی (Statism) است و آن را در زمره مکانیسم‌های دموکراسی اقتصادی-سیاسی می‌دانند.

با این ویژگی‌ها سندیکاها گونه‌هایی بسیار می‌یابند. نظیر سندیکاهای کارگری، سندیکاهای کارفرمایی، سندیکای خریداران، سندیکاهای حرفه‌ای و...

Syndicalism, Revolutionary

سندیکالیسم انقلابی

ر. ك. Revolutionary syndicalism
Synecology, Human

محیط‌شناسی گروهی

ر. ك. Human ecology

هم‌نیروزی Synergistic

هم‌نیروزی Synergy

عمل مشترك و ناآگاه نیروها درجهت

تحقق هدفهایی مخصوص. در این معنی، این

واژه منظومه‌ای (Constellation) از نیروها

را مجسم می‌دارد که تماماً در یک جهت و با

کارکسری مطلوب (Eufunction) و به

صورتی کارآ (Efficient) به کار آیند و

در پایان نیرویی بزرگ از آن پدید آید.

ر. ك. Symbiosis/ commensalism

هم‌نیروزی اجتماعی Synergy, social

ر. ك. Social synergy

وضع جامع-همنهشت Synthesis

مرحله سوم سیر دیالکتیکی است که

آن را به فارسی، سنتز، هم‌نهاد، ترکیب،

جامع و تألیف نیز ترجمه کرده‌اند.

۱) يك وضع جامع، وضعی است واقعی

که بدنبال وضع و وضع متقابل پدید می‌آید.

در واقع يك وضع جامع، یا آنچه در يك برهه

از زمان، پاسخ نیازها و نشان تعادل عناصر

است دیر یا زود خود به صورت يك وضع

(Thesis) درخواهد آمد و پس از آن باید

يك وضع مقابل (Antithesis) پدید آید که

خود بناچار وضع جامع‌دیگری را طلب کند

و این جریان شدن یعنی دگرگونی مداوم حیات،

نه اجتناب‌پذیر و نه پایان‌پذیر خواهد بود؛

۲) در معنای همنهشت، این مفهوم بنی،

- ترکیب و نتیجه گیری از مجموعه ای از عناصر
به ظاهر پراکنده را می رساند.
Dialectic / Antithesis, ر. ک.
Thesis
Synthesis , creative
همنشت خلاق
Creative synthesis ر. ک.
System , cultural نظام فرهنگی
Social system ر. ک.
System , personality
نظام شخصیت
Social system ر. ک.
Systematic cause علت منتظم
Cause ر. ک.
Systematic error اشتباه منتظم
Constant error ر. ک.
- Systematic sociology
جامعه شناسی غیر ارزشی- منتظم
آن جامعه شناسی که قضاوت های ارزشی،
ذهنی و غیر علمی را طرد نماید و بنای این
دانش را بر دقت نهد.
- Systematization
صورت نظام بخشیدن- انتظام دادن
- Systems Theory نظریه نظامها
نظام نظری خاصی است که در بین سالهای
۱۹۶۰ - ۱۹۵۰ در بین جامعه شناسانی که
اندیشه های تالکوت پارسنز را مد نظر داشتند،
رواج داشت. هدف ایجاد نوعی هم سوئی بین
دانشهای زیستی و دانشهای اجتماعی- انسانی
است، بدون آنکه در معرض سقوط در انداموش
گرانی (Organicism) یا داروین گرانی
اجتماعی (Social darwinism) قرار گیریم.

T

Taboo	تابو	Tarde (Gabriel)	تارد
از زبان پولینزی در معنای حرام گرفته شده است، حرمت يك چيز، يك گياه، يك انسان، در اين معنى به جهت تقدسى است كه به آن منتسب شده است. معمولاً، بر اساس اندیشه‌هاى اوليه در جوامع ماقبل كتابت، اين انسان، شىء يا گياه داراى مانا (Mana) يا نيروى مرسوم است كه تماس با آن را خطرناك مى‌سازد. از اينرو، هر آن كس نيز كه به آن دست زند، خود خطرناك و براى جمع مضر خواهد بود.		قاضى، جرم‌شناس و روانشناس اجتماعى فرانسويست. (۱۸۴۳-۱۹۰۴) در دانش اخير، او تقليد را محور اساسى اندیشه‌اش قرار داد. بزعم او، اجتماعى شدن فرد بر پايه تقليد صورت مى‌گيرد. او اين اندیشه را تحت تاثير روان‌پزشكى به نام شاركو (Charcot) به دست آورد. اين دانشمند مطالعات بسيارى در باب تلقين پذيرى و خواب مصنوعى صورت داده بود. هر چند تارد دقيقاً اثرى منتظم در باب روانشناسى اجتماعى منتشر نكرد، ليك، او لين كتاب در اين رشته را داس (E. A. Ross) تحت عنوان «روانشناسى اجتماعى» با تاثير پذيرى از اندیشه تارد و محور اصلى آن يعنى تقليد و قواعد آن منتشر كرد. چند اثر برجسته تارد عبارتند از:	
Mana/ Totem/ Clan/sacred	ر. ك.		
Tabulation , cross	جدول متقاطع چند بعدى		
Cross tabulation	ر. ك.		
Take-off	خيز		
stages of economic growth	ر. ك.		

Laws of imitation / Social laws.

The opinion and crowd.

Fragments of future history.

Studies on social psychology.

Imitation ر. ک.

Tautology حشو قبیح

تکرار مفهوم و یا معنایی را می‌رساند، آنچنانکه نه در جهت روشن ساختن یا تاکید، بلکه به منظور اطناب صورت گیرد. در فارسی مفاهیمی چون حشو و تکرار، تکرار معلوم و... معادل این واژه به کار آمده‌اند.

Tax مالیات

سهمی از درآمد دولت که توسط افراد یا مؤسسات گوناگون تسامین می‌شود. مالیات صورتهایی بسیار متنوع می‌پذیرد نظیر: مالیات مستقیم، مالیات غیرمستقیم، مالیات تصاعدی (Progressive)، نزولی (Regressive)، تناسبی (Proportional) تدریجی (Gradual) همچنین مالیات‌های صوری چون، مالیات خرید، فروش و... می‌یابند.

Taxonomy رده‌شناسی

کوشش در راه طبقه‌بندی و تفکیک پدیده‌هاست. رده‌شناسی را نباید با تبیین (Explanation) یا گونه‌شناسی (Typology) و یا طبقه‌بندی (Classification) یکسان شمرد. (به هر یک رجوع کنید).

Tax policy سیاست مالیاتی

سیاست‌های مالیاتی بر اساس ارزشهای حاکم و نیازهای جامعه تدوین می‌شوند. به عنوان مثال، چنانچه حمایت از محرومین ارزش اساسی شناخته‌شده، افزایش مالیاتهای مستقیم بر مالیاتهای غیرمستقیم رجحان می‌یابد. تدوین درست مالیات می‌تواند ضمن پذیرش سود قانونی برای کار و سرمایه، موجبات تسطیح ثروت و جلوگیری از تراکم آن را فراهم سازد.

Taxation , progressive مالیات بندی تصاعدي

Progressive ر. ک.

Taxation , proportional مالیات بندی تناسبي

Proportional taxation ر. ک.

Taylorism تایلر گرایی

روشی که مهندس امریکایی به نام تیلور (۱۸۵۰-۱۹۱۵) پدیدآورد و هدف از آن عقلانی کردن مفرط کار به منظور اخذ حداکثر بازده است. سه اصل اساسی درین روش عبارتند از ۱) کاربرد حداکثر تجهیزات ۲) استفاده حداکثر از نیروی کار ۳) سازماندهی دقیق وظایف.

گاه تایلر گرایی را با سازماندهی علمی تولید اشتباه می‌سازند و حال آنکه چنین نیست. این روش صرفاً در جهت افزایش بی‌رویه بازده با استثمار نیروی کار پدیدآمده است. هیچ توجهی به روانشناسی کار در آن دیده

نمی‌شود. بدینسان باید آن را منبعث از سرمایه‌داری لیبرال و بی‌بندوبار قرن نوزدهم دانست که فقدان سندیکاها و مقررات حامی نیروی کار بهره‌کشی از آن را موجب شد. از این جهت امروزه تیلورگرایی معنایی نامطلوب دارد.

Studies of work ر. ک.

Technical capital سرمایه فنی

در برابر سرمایه پولی و ارزشهای منقول (نظیر سهام، حواله‌ها و...) با انباشت تجربیات فنی این نوع سرمایه هر روزه در افزایش است.

Capital ر. ک.

Technical education

آموزش فنی

Technical efficiency

کارایی فنی

از طریق سنجش میزان بازدهی که با کاربرد ابزار تولیدی خاص، در زمان معین، کار معین و نیروی انسانی ثابت به دست می‌دهد، سنجیده می‌شود. در این احتساب حیات اقتصادی کالا یا عمر نهایی آن نیز به حساب می‌آید.

Technical patterns الگوهای فنی

در برابر الگوهای نمادی و یا نمادی-فرهنگی، اصطلاح الگوهای فنی نشان‌دهنده ابعاد مادی - ابزاری جامعه و تاثیر آن بر حیات معنوی است.

Pattern variable , ر. ک.

Symbolic patterns.

Technical terms اصطلاحات فنی

Technic ways

رسوم فنی- رسوم مرتبط با فنون

در برابر مفهوم شیوه‌ها و رسوم قومی (Folkways)، به عادات و رسوم فردی یا گروهی اطلاق می‌شود که در دنیای فنی امروز

در جهت بقا و پاسخ به نیازهای اساسی پدید می‌آیند. این رسوم با سرعت پدید می‌آیند و دیرکرد سنتها را در برابر حرکت تند فنی ندارند.

Folkways ر. ک.

Technique فن

۱) در تحقیقات اجتماعی، هر روش، یعنی راه یا شیوه‌ای که در شناخت پدیده‌های اجتماعی اتخاذ می‌شود، از فزونی چندتشکیل می‌گردد. ۲) در جهان هستی، فنون مظاهریا نمودهایی هستند که توسط انسان پدید می‌آیند و انسان را در درگیری با طبیعت یاری می‌دهند.

Technique , social فن اجتماعی

Social technique ر. ک.

Technocracy

فن‌سالاری، متخصص‌سالاری

در دو معنای متمایز به کار می‌رود: ۱) حاکمیت وسایل فنی بر انسان: در این معنی به پدیده خاصی اطلاق می‌شود که مخصوصاً در عصر جدید با انباشتگی، گسترش و حضور همه جانبه و همه‌جایی وسایل فنی و ماشین تجلی یافته است. این

ابزارى (Instrumentalism) تاکيد ورزيده اند.

Technology

فن شناسى - ابزار و فنون

۱) در معنایى، مطالعه منظم ابزار، شیوه ها و روشهایى است که در شاخه های گوناگون فنون به کار می روند. ۲) در معنای دیگر، به عقیده لالاند (Lalande) به مطالعه شیوه های فنى به طور کلی و در ارتباطشان با توسعه تمدن اطلاق می شود. در این معنا، کلیه ابزار و شیوه های فنى از آن مستفاد می شود.

Teknonymy

فرزند نامى

اصطلاح از تایلر (Sir. E. B. Tylor) است؛ در برابر پدرنامى (Patronymy) و یا مادرنامى يعنى گرفتن نام از پدر یا مادر، در فرزندنامى، پدر نام خود را از فرزند مى گیرد که در اکثر موارد، نام فرزند دومى خواهد بود. در عرب با افزودن پیشوند اب (پدر) به آغاز اسم فرزند، نام پدر فراهم می شود (ابوالحسن، ابوالقاسم و...)

Teknophagy/ Patronymy

ر. ک

Telecommunication

ارتباط از راه دور

Communication

ر. ک

Telekinesis

هدایت از راه دور

در جامعه شناسى و سایل ارتباط جمعى به مواردی اطلاق می شود که فرد یا گروه های

وسایل چنان پیچیده اند که گاه موجد خود يعنى انسان را اسیر خود می سازند، آهنگ خاص خود را بر حیات او تحمیل می نمایند. با تولید انبوه، مصرف انبوه و فراوان نیز باید همراه گردد. ازینرو تبلیغات شدید تجارى، حریم آزادى انسانها را از بین می برد، انسانهای همیشه نیازمند حرمان زده و اسیر مصرف بیار مى آورد. ۲) حاکمیت صاحبان فنون: پیچیدگى فنون با خود تخصصهای پیچیده را به همراه می آورد، آنان که برین فنون تسلط دارند، آنها را به خواست خود می چرخانند و خود به صورتی در زمره صاحبان قدرت در جامعه صنعتی به شمار می روند. بعضی چون گوروچ سلطه صاحبان فنون جدید را با آزادى انسانها منافى می بینند.

Technological change

دگرگونی ابزار فنى

Change

ر. ک

Technological school

مکتب ابزارگرای

مکتبی است در اندیشه های اجتماعى که بر نقش ابزار فنى در شکل گیری حیات اجتماعى تاکید دارد و این تاکید در ذهن اندیشمندان به صورت های گوناگون مطرح می شود. جامعه شناس امریکایى آگبرن (Ogburn) از اصحاب این مکتب است؛ همانند تمامی معتقدان به فن سالاری نظیر تایلر (Taylor)، اسکات (Howard Scott) و... که هر يك به نحوى بر اولویت فنى و

انسانی به ظاهر آزاد در عمل به سویی هدایت شوند که مغایر با آزادی آنان است . تبلیغات تجاری به صورتی ظریف تحقق می یابد، چنان در اندیشه انسانها رسوخ می نماید که در عمل آزادی آنان دچار خدشه می شود. زمانی که کالاهای جدید چنان تبلیغ می شوند که فرد بی اختیار به آن دل می بندد، با اندیشه و آزادی وداع می کند، گاه حاصل کار نکرده را به ثمن بخش می فروشد و به قسط و دور باطل آن مبتلا می شود. گاه چنان دل در گرو کالا می بندد که مبادی اخلاق را نیز خدشه دار می کند.

ر. ک. Subliminal advertising
other - directed - man.

Teleology غایت شناسی
شناخت اهداف یا ارزشهایی غایی در پدیده هاست.

Telepathy توارد
تجلی اندیشه یا اندیشه هایی یکسان در ذهن افرادی که در فاصله های دور و بدون هیچ ارتباط حیات می گذرانند.
ر. ک. Empathy

Telesis هدف جویی
شیوه ای در اندیشه و عمل که بر اساس آن ارزشهایی چند به عنوان غایت تعیین می شوند و سعی در دستیابی به آنها از طریق برنامه ریزیهای منطقی و آگاهانه به عمل می آید.

دو نوع آن قابل تمیز است:

Individual telesis هدف جویی فردی

جستجو و تعیین هدف یا اهدافی مشخص و سعی در حصول آنها توسط فرد به صورتی منطقی، منظم و آگاهانه.

Collective telesis هدف جویی جمعی
رفتار آگاهانه، منظم و معطوف به هدف يك جمع كه به زعم داد (Ward) شامل عملی جمعی در هدایت، كنترل و استفاده از نیروها و منابع طبیعی يك جامعه در جهت تحقق اهداف مشخص و پذیرفته است.

دیگرگونی معطوف به هدف Telic change

Telics , Individual

هدف شناسی فردی

Individual telics ر. ک.

Telics , social هدف شناسی اجتماعی
Social telics ر. ک.

Temporalism ناپایا انگاری

در برابر مفهوم پایا نگری (Eternalism)
بهر اندیشه ، ایده اوایی یا مکتبی اطلاق می شود که بر صیوروت یا شدن و ناپایداری پدیده ها و دیگرگونی آنان در بستر زمان و مکان تاکید دارد.

Temporary marriage

ازدواج موقت

Sigha ر. ک.

Tendencies , criminal

گرایشهای جنایی

Criminal tendencies ر. ک.

Tendentious regularity

نظم تمایلی ۱

مفهومی است از ژرژ گورویچ (G. Gurvitch) که با آن امکان پیش بینی تحولات آتی جامعه نه به صورت جزئی بلکه احتمالی پذیرفته می شود. به این معنی که اگر وظیفه جامعه شناس شناخت کمی و کیفی واقعیت است و پیش بینی در علم باید به صورتی معتدل و بدون بلندپروازیهای قبلی تجلی یابد، باید پذیرفت که جامعه شناس نیز می تواند مسیر حرکت واقعیت را پیش بینی کند اما این نه به صورت حکمی اجتناب ناپذیر و سرنوشتی تقدیری و نه با تمیمی آن چنان که در چارچوب علم انسان نگنجد و به صدور احکامی ارزشی منتهی شود. بدین ترتیب، بعد از تشریح پدیده می توان مسیرهایی را ملاحظه کرد که در آینده ای نزدیک می توانند طریق حرکت آن پدیده باشند.

باید اولویت هر مسیر را شناخته سپس مشخص ساخت احتمال حرکت این پدیده در کدام مسیر بیشتر است.

جامعه شناسی جدید، در واقع، با قبول این دید تازه، به واقعیت، نسبیّت و قوانین احتمالات نزدیکتر شد.

پذیرش نظم تمایلی و یا احتمالی، در واقع آغاز مرحله ای در علم انسانی رانسان می داد که در آن تفاوت جوامع با یکدیگر

پذیرفته می شود. قدرت و درعین حال آزادی انسان در ساختن تاریخ خود مورد شناسایی قرار می گیرد، ماهیت علم انسانی از علوم طبیعی با فاصله ای که از قوانین عام و جامع طبیعی می پذیرفت، مجزای گردد؛ ودانشمند، بدین ترتیب، نه دور از واقعیت، حرکات و اشکال آن، بلکه همراه با آن و بدون انتزاع و کلیت محض و مطلق به تحقیق می پردازد.

چنانکه فرانسیس بیکن (F. Bacon) نیز معتقد است، جهت ایجاد تغییر مطلوب در واقعیت، نه در پی تحمیل افکار خیالی بر آن، بلکه باید به اطاعت از آن پرداخت و رموز آن را گردآورد.

ر. ک. Philosophy of history

تنش اجتماعی Tension, social
ر. ک. Social tension

تنش جامعه Tension, societal
ر. ک. Societal tension

رسمیت در حرفه - رسمی شدن Tenure
ثبات، رسمیت و در نهایت تامین شغلی
بعد از دورانی که فرد به عنوان آزمایشی خدمت نموده و تواناییهای خود را به ثبوت رسانیده است.

ر. ک. Occupation/ Profession.

Territoriality

۱ این نوشته، برآیندی خلاصه شده از مقاله زیر است:

ساروخانی (ب)، از فلسفه تاریخ تا نظریه نظم تمایلی، راهنمای کتاب ۱۳۵۱، تهران

گرایش به تعیین قلمرو - قلمروگزینی
از گرایش برخی از حیوانات به تعیین قلمروی خاص برای خود و دفاع از آن به تنهایی یا به صورت دسته جمعی گرفته شده و در قلمرو رفتار انسانی بسط داده شده است. قلمروگزینی به دو صورت تجلی می کند:

Home - range territory

۱- سرزمین خانگی

سرزمینی وسیع یا محدود را شامل می شود که گروهی در آن حیات می گذرانند و در برابر خارجی از آن دفاع می کنند.

Defended territory

۲- سرزمین دفاع شده

سرزمینی است نه صرفاً خانگی و یا لزوماً مورد نیاز، ولی تعیین شده از جانب حیوان (مخصوصاً نر) که آنرا قلمرو خود می داند و از آن در برابر دیگران (مخصوصاً نرها) دیگر دفاع می کند.

هر دو نوع گرایش در همه زمینه های حیات انسانی قابل تعمیم است. حتی اشارات نیز محلاتی را خاص خود می دانند، همانطور که گاه در بین اهل دانش نیز چنین است.

Tertiarization سوم گسترش بخش سوم

به معنای گسترش بخش سوم یا خدمات است. در این مرحله از دگرگونی، نیروی انسانی جامعه از بخشهای اول (کشاورزی، معادن و جنگلداری) و بخش دوم (صنایع و حمل و نقل) به بخش سوم (شامل خدمات بانکسی، بهداشتی، اداری، آموزشی، فروشنده گی، حقوقی و...) مهاجرت می نمایند.

معمولاً گسترش بخش خدمات را دلیلی بر توسعه اجتماعی-اقتصادی می دانند، لیک همواره چنین نیست. گاه در برخی از کشورهای در حال رشد، فقدان کار یا وسایل و امکانات حیات در بخش کشاورزی موجب مهاجرت نیروی انسانی را به شهر فراهم می سازد و چون در شهر نیز زیربنای صنعتی لازم جهت جذب آنان (مخصوصاً با توجه به حجم مهاجرت) وجود ندارد، بناچار، به بیکاری پنهان در لوای خرده فروشی، بلیط-فروشی و... روی می آورند. این پدیده را تورم بخش خدمات می خوانند.

ر. ۳. Tertiary sector/ secondary sector/ Primary sector

تماس سوم Tertiary contact

در برابر تماس مستقیم (نخستین)، ثانوی یا نمادی، تماس و تأثیر از طریق وسایل ارتباط جمعی است.

بخش سوم Tertiary sector

در برابر بخشهای نخستین، (کشاورزی) ثانوی (صنایع و...) بخش سوم شامل خدمات اداری، حقوقی، بهداشتی و... است.

ر. ۴. Tertiarization

آزمون Test

آزمون پذیری Testability

آزمون شیدایی Testomania

مفهوم از سودوکی (P. Sorokin) است و با آن افراط در توجه به ابعاد کمی در پدیده های اجتماعی مورد انتقاد قرار گرفته است.

- Sorokin/ Quantophreny ر. ک. **ر. ک.**
Mechanicism/ Statistical theory
- Tetrad** چهار در گروه‌سنجی به مولکول اجتماعی
متشکل از چهار نفر یا چهار اتم اجتماعی
اطلاق می‌شود.
- Sociometry/ Valence of ر. ک. **ر. ک.**
social atom, Triad/ Dyad, Moreno
- Textualism** نص‌گرایی توجه خشک و افراطی به عین متن بدون
تفسیر، تاویل یا هرکوشش در انطباق آن با
وضع موجود.
- Orthodoxy/ Fundamentalism** ر. ک. **ر. ک.**
- Thanatology** مرگ‌شناسی از Thanatos به معنای مرگ، هر
بررسی یا نظریه را در شناخت مرگ و
علل و عوامل آن می‌رساند.
- Thanatophobia** مرگ‌هراسی ترس یا نگرانی بیش از حد از مرگ.
- Thearchy** حکومت خداوند- یزدان‌سالاری **ر. ک.**
Theocracy
- Theism** یزدان‌پرستی پذیرش وجود خداوند و ستایش آن؛
در برابر لاادری‌گرایی (Agnosticism) که
شناخت خداوند را ممکن نمی‌بیند و بی‌خدایی
(Atheism) یا ضدخدایی (Antitheism).
یزدان‌پرستی می‌تواند به همه‌جا خدایی
- (Pantheism) بینجامد؛ برخی به شناخت
خداوند با اتکا بر برهان تاکید دارند، در
صورتی که بسیاری بردرک خداوند از طریق
شهود تاکیدی و رزند و بر عرفان به‌صورت‌های
Theosophy یا Mysticism. یزدان‌پرستی
در برابر بت‌پرستی، بت‌واره‌پرستی یا هر نوع
انحراف قرار می‌گیرد.
- Theology** ر. ک. **ر. ک.**
Atheism.
- Polytheism/ Agnostic...
Mysticism/ Antitheism
Theocracy/ Pantheism
Theosophy.
- Theocentrism** یزدان‌محوری **ر. ک.**
- Theocracy** دین‌سالاری حکومت رهبران دینی است در نظامی
مخالف با جدایی دین از سیاست به‌صورت‌های
(Secularization و Laicism) به هر یک
ر. ک.
- Theology** الهیات
- Theophilanthropist** خدا- انسان‌دوست
آن کس که عشق به خداوند و خدمت به
مردم و دوستی آنان را به هم آمیزد. از اینرو
و در روال این اندیشه به بیان علی (ع)
من اصبح ولم یهتم بامور المسلمین فلیس
بمسلم» (آن کس که روزی را بگذراند و

در آن در راه خدمت مسلمانان اهتمام نورد، مسلمان نیست).	و تعلیل گام نهادن و در نهایت، به ارائه نظریه پرداختن.
Humanism/ Philanthropy ر. ک.	Theory نظریه
Theosopher عارف	مجموعه نظرات منتظمی است که درباره
Theosophy عرفان	موضوعی معین به کار روند، مانند نظریه
سعی در شناخت خداوند و درک وجود	نسبیت انشتین یا نظریه گونه‌های آرمانسی
آن نه از طریق منطق و که به بیان مولوی در	ماکس ویر و یا نظریه حالات سه گانه اگوست
این رهگذر:	کنت. از دیدگاهی، نظریه پاسخی است بر
پای استدلالیان چوبین بود	یکی از ابتدایی‌ترین نیازهای بشریت. هر
پای چوبین سخت بی‌تمکین بود	انسان در برابر وقایع طبیعت یا آنچه در
بلکه با ریاضت، خودسازی و از طریق	پیرامونش می‌گذرد، نمی‌تواند بی‌تفاوت
شهود و خلسه.	بماند. از اینرو، از ابتدایی‌ترین کوششهای
Theism/ Agnostic ر. ک.	بشر، تنظیم، طبقه‌بندی و تبیین عناصر جهان
Pantheism	هستی است با ابداع نظریه. بدینسان در
Theorem قضیه	نظریه‌پردازی، به ترکیب عناصر پراکنده و
Theoretical نظری، مربوط به نظریه	تلفیق آنان در کلی هماهنگ گرداخته
به انواعی از دانش اطلاق می‌شود که	می‌شود.
از سویی در برابر انواع کاربردی	Theory Laden
(Applied) یا اعمالی (Practical) و یا	نظریه‌دار - دارای بار نظری
عملکردی (Operational) قرار گیرد و از	در برابر مفاهیم خنثی از دیدگاه نظری
سوی دیگر در برابر دانشهای تعهد‌گرای	(Theory - neutral). یا فارغ از نظریه
(Actionist) که تحقق آرمان سیاسی را از	(Theory - free) این مفهوم هر گزاره یا
راه علم می‌جویند. نظیر جامعه‌شناسی نظری،	داده اطلاعاتی را می‌رساند که دارای بار نظری
روانشناسی نظری و...	است، یا از آن (نظریه) منشاء می‌گیرد یا بدون
Theorist نظریه‌پرداز	آن بی‌معناست.
Theorization نظریه‌سازی	Theory , social نظریه اجتماعی
از توصیف فراتر رفتن و در راه تبیین	Social theory ر. ک.
	Theory , sociological

- فقدان امنیت قضایی و اجتماعی موجبات
ذخیره سازی پول توسط افراد می شود.
- ۲) ناآگاهی از جریان سرمایه گذاری:
امری که بیشتر در جهان سوم رخ می دهد و
در مواردی نیز با عامل نخست می پیوندد.
- ۳) عدم رونق اقتصاد: زمانی که ضریب
بازده سرمایه کم است و انگیزه سرمایه گذاری
نیز از بین می رود.
- ۴) نارسایی نظام بانکی: زمانی که
بانک به عنوان عامل جمع آوری سرمایه های
راکد و مخصوصاً مولد ساز آنان، از تحقق
رسالت خود عاجز ماند.
- Thesis وضع- رساله
- مرحله اول در سیر دیالکتیکی است که
آن را به فارسی بر نهاده، نهشت، نظر و... نیز
ترجمه کرده اند. وضع از این دیدگاه بر شدن
یا تغییر دلالت دارد، چه باید به دنبال آن
وضع مقابل (Anntithesis) پدید آید که آن
نیز نباید و وضع جامع (Synthesis) به
دنبالش می آید. همین وضع جامع نیز که در
برهه ای از زمان بهترین پاسخ بر نیازها و
شرایط پیرامون است، روزگاری خود به صورت
یک وضع درمی آید و باز حرکت دیالکتیکی
پدیده ها به طور نامتناها ادامه می پذیرد.
- ر. ک. Synthesis/ Antithesis,
Dialectic.
- گروه بیگانه They-group
- ر. ک. Group
- نظریه جامعه شناسی Sociological theory
- ر. ک. Theory , strategic نظریه راه بردی
- ر. ک. Strategic theory
- Theory of evolution نظریه تطور- نظریه تکامل
- ر. ک. Evolutionism
- Theory of knowledge نظریه معرفت
- ر. ک. Epistemology/ Sociology of Knowledge
- Theory of relativity نظریه نسبیت
- ر. ک. Relativism
- Theory , statistical نظریه آماری
- ر. ک. Statistical theory
- Therapy , psycho- روان درمانی
- ر. ک. Self-actualization
- Therapy , group- گروه درمانی
- ر. ک. Group Therapy
- Thesaurization کنز
- از Thesaurus به معنای گنج گرفته شده
است. به معنای عمل جمع کردن پول و
ذخیره سازی آن است، به صورتی غیرمولد
(نظیر در خم کردن پول یا نگهداری آن در
زیرزمین) به این معنی، در کنز باخارج ساختن
پول از جریان در بازار، کارکرد آن زایل
می گردد، عواملی چند موجب آنند:
- ۱) ترس از آینده: ازینرو بسی ثباتی،

Third world

جهان سوم

— کشورهایی چند که از نظر جمعیت بیشترین مردم دنیا را در خود دارند، از نظر فنی، عقب افتاده اند از نظر رشد جمعیت، شتابان؛ این کشورها در تمامی قاره های جهان پراکنده اند. برخلاف بعضی که برای این کشورها داروی سرمایه را تجویز می نمایند، سر از بردن شتابان سرمایه های کلان نیز نمی تواند به تنهایی کشوری را از جرگه جهان سوم خارج سازد. ازینرو امروزه بر تعدد ابعاد کم رشدی و پیوست آنان بایکدیگر در جهان سوم تاکید می شود.

— از نظر تاریخی، در آغاز در سال ۱۹۶۰ این مفهوم در زبان فرانسه (Tiers monde) رایج شد و کاربرد آن را به آلفرد سویی (A. Sauvy) نسبت می دهند. کتاب فانون (F. Fanon) با نام دوزخیان زمین (*Wretched of the Earth*) توجه به ساکنان آنرا برانگیخت. همانطور که کوشتهای خوزونه دوکاسترو (با آثاری چون انسانها و خرچنگها که توسط محمد قاضی به فارسی برگردانده شده و بسویله انتشارات روز چاپ و منتشر شده است) در تحلیل پدیده های آن موثر افتاد.

Underdevelopment

ر. ک.

Timology

فضیلت سالاری، مالک سالاری

از دیدگاه ارسطو بمعنای حکومت مالکان

است. درین معنی با حکومت توانگران (Plutarchy یا Plutocracy) نزدیک است. چه ثروت در شرایط مختلف می تواند زمین، ابزار صنعتی، املاک و ... باشد. از دیدگاه افلاطون این مفهوم حکومت صاحبان فضیلت را می رساند. درینصورت با حکومت صالحان (Protocracy) نزدیک خواهد بود و با نظریه دوران برگزیدگان (Elite Circulation) پارتو (Pareto) و بطور کلی شایسته گرایی (Meritism) قرابت می یابد.

ر. ک.

protocracy,

Absolutism, Timocracy.

Democracy.

Ochlocracy, Mobocracy, Totalitarianism

Monocracy, Autocracy, Despotism. Facism

Meritocracy, Stratocracy, Ruling class.

Kakistocracy. Plutocracy, Monarchy, Aristocracy

Thirsty tyrants جباران خون آشام

(۱) از نظر تاریخی، اشاره به حکومت متفندان (Oligarchy) رایج در سالهای بین ۴۰۴-۴۰۳ قبل از میلاد مسیح در یونان است. (۲) در زبان روزمره نهایت در خشونت سیاسی است.

ر. ک.

Tyranny

Tocqueville (A. de-) نوکویل

جامعه‌شناس فرانسوی (۱۸۵۹-۱۸۰۵) و از صاحب‌نظران برجسته جامعه‌شناسی سیاسی است. اندیشه‌اش بر محور اصالت فرد از سویی و دموکراسی از سوی دیگر دور می‌زند. به نظر وی، باید از طریق بسط و تحقق مردم‌سالاری، به شکوفایی فردی دست یافت. بدینسان، او مردم‌سالاری را راه‌آشتی فرد و جامعه و تحقق اصالت هر دو می‌پندارد. چه، تحقق اصالت فردی خود در نهایت به بلوغ اجتماعی و ارتقاء کل جامعه می‌انجامد که خود صلاح جامعه است. کتاب «دموکراسی در آمریکا» همچنین، «انقلاب و رژیم قبل از آن» (توسط آقای محسن ثلاثی به فارسی ترجمه شده است) از اوست.

پذیرش گروهی اندک Tokenism

جذب تعدادی اندک از اقلیت‌هاست در مدارس و سازمانهای اجتماعی با هدف آرام‌سازی افکار عمومی، پاسخ به حقوق بشر یا حقوق مدنی. ر.ك: cooptation

توماس (William Isaac) Thomas

جامعه‌شناس و روانشناس اجتماعی آمریکایی است (۱۹۴۷-۱۸۶۳). اثر برجسته توماس به همراه زنانیخی با نام «دوستایی لهستانی در آمریکا و اروپا» در پنج جلد به سال ۱۹۱۸ انتشار یافت. شیوه آن دو در این اثر، بررسی زندگینامه روستائیان مهاجر لهستانی بود. مطالعه در نوع خود از جهتی صورت طولی (Longitudinal) داشت. بدینسان که حرکت اندیشه‌ها و طرز زندگی

روستائیان را با در نظر گرفتن جابجایی‌های عینی آنان (از لهستان به اروپا یا آمریکا) مورد شناخت قرار می‌داد، از جهت دیگر، صورت موردی؛ بدین جهت که زندگی هر روستایی را به طور خاص مورد توجه قرار می‌داد. آثار دیگر توماس بدین قرارند:

-The unadjusted girl.

-Primitive behavior

-Sex and society.

اغماض-مدارا، سعه صدر Tolerance

۱) در معنای عام تحمل اندیشه‌های مخالف و احترام به عقاید دیگران را می‌رساند. ۲) از نظر علمی پذیرش نسبی و تفاوت بین اقوام و انسان‌هاست که خود به بردباری و روح علمی می‌انجامد. مفهوم مخالف آن خود مرکز، تعصب، خودگرایی و خودکامگی است.

ر.ك. Autocracy, egocentrism

تونیس Tonnies (Ferdinand)

جامعه‌شناس آلمانی است (۱۹۳۶-۱۸۵۵) اثرش به سال ۱۸۸۷ با نام جامعه و اجتماع الهام بخش بسیاری از متفکران گردید. مفاهیم Gemeinschaft (جامعه معنوی یا اجتماع) و Gesellschaft (جامعه صوری) از اوست. او بانی مطالعاتی است که اشکال حیات اجتماعی را نه ناشی از تجمع صرف و ایستای انسان‌ها یا واحدهای اجتماعی، بلکه منبعث از فعالیت و عمل انسان‌ها می‌داند که آگاهانه یا ناآگاه بدان دست

می‌زنند. به نظرش، ملت که دارای جهات تاریخی و طبیعی است از عوارض ذاتی جامعه معنوی است و حال آنکه دولت که جهاتی حقوقی و قراردادی دارد، از عوارض ذاتی جامعه صوری است.

ر. گ. Gesellschaft / Gemeinschaft

نقشه‌برداری Topography

مکان‌شناسی Topology

مکان نام‌شناسی Toponymy

شناخت وجه تسمیه، محله‌ها، شهرها یا

نواحی است.

Total institution

نهاد تام

به مجموعه‌هایی اطلاق می‌شود که به‌طور تام و کامل از محیط پیرامون مجزای شده‌اند. نمونه چنین واحدهایی، زندانها، بیمارستانها و یا واحدهای نظامی است.

Totality of social phenomenon

تامیت پدیده اجتماعی

تامیت را در آغاز کانست (E. Kant)

عنوان نمود و سپس در علوم انسانی مطرح گردید.

این اصطلاح مرکب منتسب به گورویچ

(G. Gurvitch) است که خود معتقد است

مارسل موس (M. Mauss) قبل از او از آن

به‌صورتی یاد نموده است. این اصطلاح به

معنای قبول اصول زیر است: (۱) پیچیدگی پدیده‌های

اجتماعی، (۲) تعدد اضلاع یا لایه‌ها و سطوح

پدیده‌ها (۳) وجود ابعاد کمی و کیفی، عینی و ذهنی در پدیده‌های اجتماعی (۴) نسبیّت در پدیده‌های اجتماعی (۵) اینکه پدیده اجتماعی حاصل جمع عناصر تشکیل‌دهنده نیست، بلکه از ترکیب آنان پدیدمی‌آید، با این ترکیب، عناصر تشکیل‌دهنده ویژگی فردی و جزئی خود را از دست می‌دهند و ماهیتی تازه می‌یابند. گورویچ در اثرش «داعیه‌کنونی جامعه‌شناسی» سعی در شکافتن لایه‌های پدیده‌های اجتماعی می‌نماید.

خودگامه

Totalitarian

خودگامگی Totalitarianism

در معنای محدود به رژیم‌هایسی اطلاق می‌شود نظیر نازیسم، فاشیسم که در آن بزعم موسولینی «همه چیز در دولت است، هیچ چیز علیه دولت نیست، همان‌طور که هیچ چیز خارج از دولت نیست، دولت در تامیت واقعیت ملی جای یافته است. در این نظام: (۱) هر فرد جزئی از کل جامعه است و در خدمت آن. (۲) قدرت دولت متکی بر ایده‌اولزی خاصی است. (۳) دولت قدرت خود را منبعث از توده‌ها می‌داند.

ر. گ. Absolutism/ Despotism

Fascism/ Nazism / Dictatorship.

Authoritarianism.

Totem توتم

Totemic kinship

خویشاوندی توتمی

- Kinship ر. ك.
- Totemism توتم آئینی
- آئینی است در اقوام ابتدایی که بر محدود يك پدیده طبیعی، (شیء، گیاه یا حیوان) استوار می گردد. این پدیده که آن را توتم می خوانند، نیای مشترك كلان (Clan) بحساب می آید. افراد سعی می کنند همواره قسمتی از آنان را (به عنوان مثال پر خروس چنانچه توتم كلانی این حیوان باشد) به همراه داشته باشند. با این آئین نوعی خاص از خویشاوندی شكل می گیرد که توتمی خوانده می شود و چون افراد خود را از يك نیا و هم خون می دانند، پس، ازدواج با يك دیگر را نادرست می شمارند. از اینرو كلانها برون همسر شناخته شده اند. توتم چه حیوان، چه گیاه و یا... از نظر اقتصادی حائز اهمیت است. فریزر (Frazer) بر این عقیده بود که توتم آئینی دین نیست. چون در آن خدا یا اندیشه آن دیده نمی شود، لیکن. دور کیم آن را يك دین می شمارد، چه، به نظرش در آن امر مقدس به چشم می خورد.
- Taboo/Clan/ Kinship ر. ك.
- Totemism, sex توتم آئینی جنسی
- Sex totemism ر. ك.
- Touraine (Alain) تورن
- جامعه شناس معاصر فرانسوی (متولد ۱۹۲۵) و یکی از برجسته گان جامعه شناسی کار است. بعضی از آثارش عبارتند از:
- L'évolution du travail ouvrier aux usines renault.*
- Sociologie de l'action.*
- La conscience ouvrière.*
- La société post-industrielle.*
- université et société aux Etats-unis.*
- Travail en miettes.*
- Town شهر
- در برابر انواع دیگر (۱) شهر (City) (۲) ابر شهر (Super city) (۳) مادر شهر (Metropolis) (۴) شهر مرکزی (Central city) (۵) شهر اقماری (Satellite city)، شهرک متشكل از تعدادی نسبتاً اندك از جمعیت است (بین ۵۰۰ تا ۲۵۰۰ نفر).
- Metropolis/ Super city, ر. ك.
- Central city/ Megapolis,
- Satellite city/ Sectorial city.
- Trade, silent معامله بی گفتگو
- Dumb barter ر. ك.
- Trade unions اتحادیه های کارگری
- وحدت صاحبان نیروی کار جهت حمایت از حقوق و منافع آنان، مخصوصاً در زمینه های دستمزد، ساعات کار، تامین شغلی، رفاه و ...
- Trade union democracy مردم سالاری در اتحادیه های کارگری
- پذیرش اصول مردم سالاری سیاسی در چارچوب اتحادیه های کارگری، از جمله عدم تبعیض در پذیرش اعضا، عدم اخراج بدون دفاع و...

- Democracy / Syndicalism ر. ک. Weber , Authority ر. ک.
 Tradition سنت Traditional economy اقتصاد سنتی
 از ریشه‌ای لاتینسی درمعنای «انتقال»
 گرفته شده است. ازینرو سنن در اصل محمل
 میراث يك قوم جهت انتقال آن از نسلی به
 نسل دیگرند و در دومعنا به کار می‌روند:
 الف- دريك معنا، سنتها شامل مجموعه آداب
 و سنن، اعتقادات، ارزشها و تمامی تجربیات
 يك مردمندو راههای آزموده حیات اجتماعی
 به حساب می‌آیند؛ از ویژگیهای آنان اینکه:
 (۱) سنن مظهر هویت يك قوم، يك ملت، یا
 يك گروهند. افراد جمع شناسنامه جمعی خود
 را با این سنن می‌یابند. (۲) و از این جهت
 موجبات هم وحدت قومی و هم تداوم و
 استمرار آن را فراهم می‌سازند. (۳) موجب
 پیوند نسلها درخلال اعصار و قرن می‌شوند.
 (۴) انباشت پذیر و تراکم یابنده اند. ب) در
 معنای مذهبی، این واژه گفته‌ها و رفتاراولیاء
 خدا را می‌رساندکه نسلهای گوناگون را
 راهنماست.
 Tradition , group سنت گروهی Group tradition ر. ک.
 Traditional-directed-man انسان سنت رهبر
 Other-directed-man ر. ک.
 Riesman
 Traditional authority اقتدار سنتی
 Weber , Authority ر. ک. Traditional economy اقتصاد سنتی
 اقتصادی مبتنی بر مصرف ناچیز، تولید
 اندك، قدرت فنی غیرقابل توجه، تخصص ناچیز،
 تقسیم کار ابتدایی. به نظر دودکیم، برای
 اقتصاد همبستگی مکانیکی سلطه دارد.
 Mechanical solidarity ر. ک.
 Economy of subsistence. جامعه سنتی
 در اصطلاح به جامعه‌ای اطلاق می‌شودبا
 ویژگیهایی چند، نظیر: (۱) فقدان یا ناچیز-
 بودن ابزار تولید. (۲) تکیه بر سنتها، به
 عنوان شیوه‌هایی جاافتاده در تنسیق حیات
 اجتماعی. (۳) گرایش اندك به دگرگونی
 اجتماعی (۴) اتکا به زمین و کشاورزی به
 عنوان منبع اساسی ثروت و...
 Traditionalism سنت گرایی
 (۱) طرز تلقی یا فلسفه‌ای که نهادها،
 سازمانها و یا باورهای اجتماعی را از آنرو
 ارج می‌نهد که از گذشته برجای مانده و در
 طی قرون و اعصار موردآزمون قرار گرفته‌اند
 (۲) در زمینه‌های دینی آن جریان فکری که
 روایات و احادیث گذشته راملاك عمل می‌داند
 و تعقل و انتقاد را امور ثانوی می‌شمارد.
 Training group (T. group) گروه آموزشی
 ر. ک. Group

Trait complex

مجموعه فرهنگی کارآ

شماری از ویژگیهای فرهنگی که با یکدیگر پیوند خورده مجموعه‌ای کارآ می‌سازند. به عنوان مثال، یک کمان، یک عنصر فرهنگی است ولی بخودی‌خود کارآ نیست، مگر زمانی که با تیر پیآمزد تا از آن در شکار و جنگ سود برگرفته شود. بدین‌قرار یک کمان، یک ویژگی فرهنگی است و تیر و کمان باهم مجموعه‌ای کارآ می‌سازند.

Cross cultural fertilization ر. ک.

Trait , cultural ویژگی فرهنگی

Cultural trait ر. ک.

Trait , culture خصیصه فرهنگی

Culture trait ر. ک.

Trait , Dominant ویژگی غالب

Dominant trait ر. ک.

Transcendental متعالی، فراتجربی

مفهومی از کانت در معنای فوق حسی و ماوراء تجربی.

Transcendental cognition

معرفت برین

Mysticism/Cognition ر. ک.

Transformation تبدیل- گشتار**Transformism** تبدیل‌باوری

اندیشه‌ای که بر اساس آن حرکت در ذات پدیده‌هاست، تبدیل قانون حیات است و در جریان مستمر آن اشکالی نو ویا انواعی

تازه پدید می‌آیند.

Evolutionism ر. ک.**Transhumance** کوچ

جابجایی فصلی‌عشایر، به منظور بازایی شرایط مساعد جغرافیائی. برخلاف مهاجرت که بدون بازگشت به حساب می‌آید، کوچ حرکتی دوری و بازگشت‌پذیر است.

Exodus, Migration/ Tribe ر. ک.

Transient گذرا**Transition , zone of** منطقه گذر

Zone of transition ر. ک.

Transitional period

مرحله‌گذر- مرحله انتقالی

(۱) به هر مرحله گذرا در جریان فرایند تطور اطلاق می‌شود. (۲) در جامعه‌شناسی توسعه، مرحله‌ای را می‌رساند که در آن بی‌ثباتی، حرکت تند، جا نیفتاده بودن اوضاع حادث می‌شود.

Transmigration تناسخ

با مفهوم Metempsychosis به صورت مترادف به کار می‌آید. (بدان ر. ک.)

Transmigrationism تناسخ‌باوری

اعتقاد به انتقال روح یک انسان یا یک حیوان به هنگام مرگ به جسم دیگر.

Transmission انتقال**Transnormal** فراعادی

Normal, Abnormal, ر. ک.

Subnormal

Transvestism

تمایل به جامه جنس دیگر
با دو جنس یکنایى (Unisex) مشتبّه
نشد - بدان ر. ک.

Trend , Dysgenic

دژ روند - روند تباه کننده نسل
Dysgenic trend ر. ک.

Trend, population روند جمعیتی

Population trend ر. ک.

Trends, social روندهای اجتماعی

Social trends ر. ک.

Trends, sociological

روندهای جامعه شناختی
Sociological trends ر. ک.

Trends, urban روندهای شهری

Urban trends ر. ک.

Trend study روند پژوهی

نوعی خاص از مطالعات طولی
(Longitudinal) است و از جهاتى شبیه
پانل (Panel) ؛ تمایز این دو در این است

که در روند پژوهی برخلاف پانل جمعیت
نمونه واحدی در فواصل زمانی مودم مطالعه
قرار نمی گیرد، بلکه تحقیقی یکسان بر روی
جمعیت هایی مشابه در فواصل زمانی صورت
می پذیرد. مطالعات گالوپ (Gallup) در
نظرخواهیها معمولاً با چنین شیوه صورت
می گیرد؛ همانطور که مشکل اساسی به هنگام
کاربرد پانل در تحقیقات اجتماعی شرطی-
شدن در برابر پانل (Panel conditioning)
است (بدین معنسی که چون جمعیت نمونه

چندین بار و در فواصل معین زمانی مورد
مطالعه و سؤال قرار می گیرد، احیاناً جریان
طبیعی رفتار را از دست می دهد یا در برابر
پرسشگران آشنا شده پاسخهایی نادرست یا
تحریف شده ارائه می نماید.) مشکل اساسی
در مطالعه مرتبط با روند پژوهی عدم امکان
گزینش فرد یا خانواده و یا مورد دیگری
است که تمامی مشخصات مورد یا نمونه ای
که حذف شده یا امکان دستیابی به آن نیست
دارا باشد.

Panel ر. ک.

Triad سه پایه

در گروه سنجی، به مولکولی اطلاق
می شود متشکل از سه اتم اجتماعی . اتم
اجتماعی را فردی که در ارتباط با دیگران
است، تشکیل می دهد؛ چنانچه مولکول
اجتماعی از دو نفر تشکیل شود، دو پایه
(Dyad) و در صورتی که از چهار اتم پدید
آید، چهار پایه (Tetrad) خوانده می شود.
Sociometry ر. ک.

Trial marriage زناشویی آزمایشی

۱) در برخی از جوامع ابتدایی،
رسمی را می رساند که براساس آن چنانچه
ازدواج به تولد فرزندی نینجامد، رسمیت
نمی یابد. ۲) در جوامع صنعتی نیز ازدواج هایی
را می رساند که در آن زوجین توافق می نمایند
که تا زمانی که هر دو نخواهند ، ازدواج
آنان از حالت آزمایشی به رسمی تبدیل
نگردد. زناشویی آزمایشی با همبایینی
(Cohabitation) از اینرو متفاوت است که

در نوع اخیر، قرارداد آتی و احتمالی
زوجیت نیز مفروض نیست.

ر. ك. Marriage. Concubinage

قبیله Tribe

(۱) گروهی اجتماعی دارای يك سرزمین
معین، زبانی خاص، فرهنگی همگن و مشخص،
سازمانی خاص و احساس مشترك همبستگی
نسبتاً نیرومند.

True rate of natural increase

میزان افزایش حقیقی جمعیت
افزایش جمعیت بدون آورده خارجی
(مهاجرت) و صرفاً از طریق فزونی باروری بر
مرگ و میر در جمعیت ثابت. میزان افزایش خود
جوش (Intrinsic rate of natural Increase)

نیز خوانده می شود:
می شود.

گونه فرهنگی Type, culture

ر. ك. Culture type

گونه آرمانی Type, Ideal

ر. ك. Ideal type

گونه فردی Type, Individual

ر. ك. Individual type

گونه شخصیت Type, personality

ر. ك. Personality type

گونه اجتماعی Type, social

طرز تلقی نوعی Typical attitude

(۱) آن طرز تلقی است که بیش از همه
در يك گروه، یا يك فرد به چشم می خورد.
(۲) آن طرز تلقی که مظهر فرد یا گروه

خاصی است. در این معنی با طرز تلقی
نمایا (Representative attitude)
مترادف است.

گونه شناسی Typology

تقسیم بندی و تنظیم داده ها است با توجه
به مشخصات آنان و بر پایه معیار یا معیارهایی
خاص. این معیارها می توانند عینی، ساده و
غیر متعدد باشند (نظیر سن، جنس، نژاد) یا
ذهنی (نظیر ایده اولژی، عقیده ای خاص و...) در
همه علوم، مخصوصاً علم انسان گونه شناسی
اهمیت بسیار دارد؛ فلاسفه تاریخ جوامع
را به انواعی چند تقسیم می کردند؛
روانشناسان، انسانها را به انواعی چند تقسیم
می نمایند؛ برخی دیگر، گونه های موضوعی
ارائه نمودند (نظیر دور کیم که به هنگام بحث
از خود کشی، آن را به نوع: خود کشی ناشی
از بی هنجاری، خود کشی ناشی از
دیگرخواهی، خود کشی خود خواهانه
تقسیم نمود). در هر گونه شناسی، اصول زیر
باید مراعات گردد: (۱) جامعیت
(Exhaustiveness) هر گونه باید به طور
مصرح، تعریف شده و دارای همه ابعاد لازم
جهت در بر گیری همه عناصر مربوط به خود
باشد. (۲) مانعیت متقابل - Mutual
(exclusiveness) هر نوع باید تعدادی خاص
از عناصر مورد نظر را در بر گیرد و داده های
مربوط به آن در هیچ رده دیگر جای
نگیرند.

ر. ك. Constructive typology

جبار کشی Tyrannicide

Tyrannize	جبار	آمیخته باخشونت را از جانب هر مافوق در هر زمینه (خانواده، مدرسه و...) می‌رساند.
(۱) واژه در اصل از یونان باستان اخذ گردیده است. در آن زمان جبار به رئیسى اطلاق می‌شد که قدرت را در شهری آزاد غصب کرده باشد. (۲) امروز به هر حاکم یا رئیس خـونخوار و مستبد اطلاق می‌شود. (۳) در معنایی باز وسیعتر هر نوع سرکوب	ر. ک. Despotism/ Autocracy, Totalitarianism/ Dictatorship.	
	Tyrant, thirsty Thirsty tyrant	جبار خون‌آشام ر. ک.

U

Ubiquity

همه‌جایی

از نتایج ناشی از همه‌جایی وسایل ارتباط جمعی چنین‌اند:

در جامعه‌شناسی ارتباطات، حضور در

چندبعدی شدن نهادها یا سازمانهای

همه‌جا و در یک زمان وسایل ارتباط جمعی را

اجتماعی: بدینسان، با برخورد جامعه با

می‌رساند. یک وسیله ارتباطی نظیر رادیو در

وسایل ارتباط جمعی (علی‌الخصوص رادیو و

آن واحد در نقاطی بسیار حاضر است. این

تلویزیون) همه واحدهای اجتماعی بعد یا

ویژگی، انفجار فضا (Spatial explosion)

ابعادی نو می‌یابند. به‌عنوان مثال، دیگر

نیز خوانده می‌شود. با مفهوم همه‌جا حاضری

قهوه‌خانه تنها محل خوردن چای و دیدن

(Omnipresence) مترادف است.

دوستان نیست، بلکه می‌توان در آن به‌آموزش

ژان کازنو، نام اثر معروفش را جامعه

نیز پرداخت، از اخبار جهان خبر گرفت و

همه‌جایی^۱ (*The society of ubiquity*)

در هر حال فراغتی فرهنگی داشت. همانطور

گذارد و این به جهت اهمیت مفهوم در

که با ورود رادیو و تلویزیون به جامعه نو،

جامعه‌شناسی ارتباطات اجتماعی است؛ بعضی

۱- این کتاب به زبان فرانسه تهیه شده است و در آن زبان این عنوان را دارد:

La societe de l' Ubiquité

نوسط منوچهر محسنی، باقر ساروخانی به فارسی ترجمه شد. چاپ اول آن در سال ۱۳۵۶

توسط سروش و چاپ دوم آن در سال ۱۳۶۵ توسط مؤسسه اطلاعات به انجام رسید. عنوان

فارسی کتاب در هر دو چاپ بدینقرار بوده است: «جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی»

خانواده نیز تنها واحدی نیست که در آن فقط به خوردن و استراحت پردازیم؛ این ابزار ارتباطی دیوارهای خانه را شکافته در دل شب نیز به آن وارد می‌شوند. بدین ترتیب مفهوم سنتی حریم خانه از بین می‌رود و انسانها در درون آن بادیای خارچ در تماس قرار می‌گیرند، می‌آموزند و اخبار جهان را می‌شنوند.

— پیدایی مفهوم نویسی از جامعه: قبل از برخورد با وسایل ارتباط جمعی، بسیاری از جوامع در مرحله قبیله‌گرایی (Tribalism) حیات می‌گذراندند؛ به این معنی که چنانچه از فردی (اهل يك قبیله) می‌پرسیدید شما کجایی هستید، نام قبیله‌اش را بر زبان می‌آورد؛ چون قبایل زبان، لباس و سنن خاص خود را داشتند و بخوبی تشکیل‌دهنده محدوده‌های بسته از نظر فرهنگی (Cultural isolates) بودند، و حال آنکه با برخورد جوامع جدید با وسایل ارتباط جمعی و به‌جهت همه‌جایی بودن آنان، پوسته‌های قبایل شکافت و مرکز واحدی نه تنها به‌عنوان پایتخت سیاسی، بلکه کانون یکسان و یگانه فرهنگی پدید آمد. بعد از آن، هر قبیله به‌ناچار (حتی با حفظ زبان خاص خود) زبان ملی را آموخت و جامعه از سقوط احتمالی در جدایی‌طلبی ناشی از حیات قبیله‌ای نجات یافت و بدینسان مفهومی نوین از جامعه پدید آمد.

Ultimate cause علت نهایی
Cause ر. ک.

Ultra-conservatism

محافظه‌کاری افراطی

Conservatism ر. ک.

Ultra-individualism

فردگرایی مفرط

افراط در صیانت از افراد و حقوق فردی در يك جامعه، آنچنانکه نظام اجتماعی کاستی‌پذیرد یا آسیب بیند.

Rugged individualism. ر. ک.
Individualism

Ultimogeniture

رجحان فرزند آخر

حقوق و امتیازات انحصاری یا ترجیحی (Preferential) که در بعضی از فرهنگها برای فرزند آخر (مخصوصاً در میراث) قائل می‌شوند. در برابر رسم مرتبط با رجحان فرزند اول (Primogeniture) (بدان ر. ک.)

Ultra-nationalism

ملی‌گرایی افراطی

به‌زعم بعضی این تمایل جلوه‌ای از خودمرکزی است. چه، امکان ستایش مفرط از خود نیست از اینرو فرد خود را با ملت همانند ساخته با ستایش از آن، خود را ارضاء می‌نماید.

Nationalism/Chauvinism ر. ک.

Ultraist

افراطی

سرآن کس یا آن گروه یا جامعه که دارای اندیشه‌هایی غیرمتعارف است.

Extremism/Radicalism, ر. ک.
Radical sociology

Unaccommodation	ناهمسازی	Social class Consciousness	ر. ک.
Accommodation	ر. ک.	False consciousness	
Unacculturation	فرهنگ ناپذیری	Underconsumptionist	
Acculturation	ر. ک.	کم مصرف گرا	
Unadaptation	عدم انطباق	بزعیم بسیاری از جامعه شناسان، از جمله اوکنور (J. O'conor) عدم جذب کالاهای تولید شده در جوامع سرمایه داری، بسیاری از بحرانهای این نوع نظام اقتصادی را موجب می شود. بعنوان مثال، کوشش رهبران چنین جوامعی در هدایت جزئی وسیع از سرمایه ها بسوی تولید تجهیزات نظامی ناشی از همین ظرفیت کم مصرفی غیر منطبق با بیش تولیدی (Over- Production) در جوامع صنعتی است.	
Adjustment	ر. ک.	Underdeveloped countries	
Unaided recall technique	فن ناپادآور	کشورهای کم توسعه	
شیوه ای در پژوهش که در آن پاسخگو بدون هیچ واژه، علامت، شاخص یا هر آنچه اندیشه را در جهتی خاص هدایت نماید، نظارش را در مورد سوال ارائه می دهد، نظیر عقیده شما درباره سیاست چیست؟ (بدون آنکه کلمه ای در باب خوبی یا بدی سیاست عنوان شده باشد) مفهوم مقابل آن فن یادآور (Aided recall technique) است.		Less developed countries, Developing nations underdevelopment	ر. ک.
Question/ Questionnaire	ر. ک.	Underemployment	اشتغال ناقص
Unassembled mass	نوده ناهمجا	Unemployment	ر. ک.
در برابر نوده همجا (Assembled mass)		Underestimation	برآورد کم
Mass	ر. ک.	Underpopulation	کم جمعیتی
Uncivilized	غیرتمدن	در برابر مفهوم بیش جمعیتی (Overpopulation) به شرايطی اطلاق می شود که موجب می شوند در يك جامعه تعداد جمعیت کمتر از حد مطلوب گردد.	
Civilization	ر. ک.	Populationist,	ر. ک.
Unconditioned reflex	بازتاب غیرشرطی		
Conditioning	ر. ک.		
Unconsciousness	ناآگاهی		

Overpopulation

Understanding

فهم - تفهم

I - ۱) هم در معنای درك، فهم یا دریافت (دیگری) است ۲) هم در معنای (روش شناسی) ارائه نظری قابل قبول از يك وضع یا رفتار.

II - فهم یا دریافت، شاخصی در شناخت

مرزهای يك فرهنگ شناخته می شود. بزرگم دز (A. Rose) «هسته ای در فرهنگ ماست که عملاً تمامی مردمان آن را می دانند و می فهمند. این هسته شامل شناخت نسبت به رفتار در برابر مردم دیگر و اشیایی است که مورد استفاده همگانند. بنا براین، هسته ای مشتمل بر دریافتهای مشترك در فرهنگ ما وجود دارد و براساس این دریافتهای، اکثر انتظاری درست از رفتار دیگران خواهیم داشت. مرزهای يك فرهنگ را باید با توجه به برد دریافتهای مشترك و در مورد اینکه مردم چگونه می توانند انتظاری درست در برابر یکدیگر داشته باشند، تعریف کرد».

(Sociology: the study of

human relations, P: 34)

III - فهم یا دریافت به عنوان يك پدیده

فردی، با میزان آموزش و هم افزایش سن ارتقاء می یابد. هادلک (E. Hurlock) در باب تکوین و ارتقاء آن می نویسد. «به هنگام تولد، کودک فهم یا دریافتی از محیط پیرامون خود ندارد. به تدریج بر اثر آموزش و بلوغ، شروع به فهم آنچه مشاهده می کند، می نماید

و بالتبجه، محیطش برای او معنا می یابد. ليك، همچنانكه دو كودك از توان ذهنی يكسانی برخوردار نیستند، با تجربیات يكسانی ندارند، دوفرد نیز نمی توانند دریافتی يكسان از وضع یا شیء خاص داشته باشند.

(Child development, P: 390)

IV - از نظر روش شناختی، مکتب

تفهیمی ویر (M. Weber) سراسر بر آن تاکید دارد. از دیدگاه وی، فهم ابزاری است اساسی در شناخت رفتار انسانی. در واقع تعدد اضلاع، پیچیدگی، جهات ذهنی و کیفی پدیده های حیات انسانی لزوم فهم آن را جهت تبیین ضروری می سازد.

ر. ك. Verstehen

تفاهم Understanding, Mutual

ر. ك. Mutual understanding

Undeveloped countries

کشورهای توسعه نیافته

ر. ك. Less developed countries

Unearned increment

اضافه ارزش بی زحمت

افزایش بهای يك دارایی یا ملك نه به جهت كوشش و سرمایه گذاری جامعه (نظیر - افزایش بهای زمین به خاطر بسط حوزه شهری).

نا ویراسته Unedited

نا فرهیخته Uneducated

نا رسته Unemancipated

بیگاری Unemployment

فقدان کار برای جمعیت دارای توان فعالیت. پیران، کسودکان، معلولین، از کار-افرادگان در زمره بیکاران به حساب نمی آیند. بنا بر تعریف دفتر بین المللی کار، تمامی افرادی که در يك روز معین در جستجوی کارند و ليك به رغم توان کار موفق به کسب آن نمی شوند، بیکار به حساب می آیند.

بیکاری به عنوان پدیده ای اساسی در حیات اقتصادی-اجتماعی، تأثیری خاص بر روان انسانها نیز دارد. بدین قرار محیط کار تنها در راه ارتزاق انسانها سودبخش نیست، بلکه محلی است که در آن با جامعه می پیوندند، احساس مفید بودن می کنند و به طور کلی ابعادی نوین می یابند. از اینروست اهمیت خاص بیکاری و مضار وسیع آن به عنوان بسای جوامع جدید صنعتی.

انواع بیکاری:

Creeping unemployment

بیکاری خزنده

Cyclical ~

بیکاری دوری

Chronic ~

بیکاری مزمن

Disguised ~

بیکاری پنهان

Entry ~

بیکاری ناشی از فقدان تجربه و مهارت زمانی است که کارگران با مهارت کمتر و تجربه ناچیز در برابر رقبای مجرب و ماهر دچار بیکاری می شوند.

Frictional ~ بیکاری اصطکاکی

ناشی از عدم تعادل عرضه و تقاضای

نیروی کار در سطح مناطق است. در منطقه ای که سرمایه گذاری صنعتی صورت گرفته است، با کمبود نیروی کار و در منطقه عقب مانده با فزونی نیروی کار و کاستی عرضه کار مواجه هستیم.

Partial ~

بیکاری جزئی

Permanent ~

بیکاری دائمی

Precipitating

بیکاری عاجل

Raging ~

بیکاری حاد

Residual ~

بیکاری رسوبی

بیکاری کسانی است که به علت کبر سن و یا ضعف و یا از کار افتادگی بهره وری کار آنان مقرون به صرفه نیست.

Seasonal ~

بیکاری فصلی

Stagnant unemployment

بیکاری ایستا

Structural ~

بیکاری ساختی

Suppressed ~

بیکاری سرکوب شده

Technological ~

بیکاری فنی

Temporary ~

بیکاری موقت

Total ~

بیکاری تام، بیکاری همه جانبه

Unemployment compensation

مستمری بیکاری

تعیین و ارائه مزایای خاص مالی برای تمامی افرادی که امکان اشتغال ندارند، در جستجوی آن نیز هستند و ليك بدان دست نمی یابند.

Uneven development**توسعه ناهموار**

با توجه به پیچیدگی فرایند توسعه، این مفهوم وضع گردیده بقای نظامهای پیشین و سنتی را می‌رساند، مفاهیمی چون توسعه نابرابر (Unequal development) و یا توسعه ترکیبی (Combined development) نیز در همین راستا بکار آمده‌اند. کاربرد آن توسط تروتسکی و لنین نیز لحنی ویژه بدان بخشیده است، بنظر این دو، توسعه سرمایه‌داری مسیری صاف و همواره ارتقائی (از جامعه سنتی بسوی جامعه جدید) ندارد. اغلب ساختهای اجتماعی ماقبل سرمایه‌داری باقی می‌مانند و حتی با رشد اقتصاد سرمایه‌داری تقویت می‌شوند که در نتیجه آن فرایند رشد صورتی متناقض و پیچیده می‌یابد. (Abercrombie : 223)

ر.ک: Growth , Development

توسعه ترکیبی Combined development

ر.ک: Uneven development

توسعه نابرابر Unequal development

ر.ک: Uneven development

Unfocused interaction

تعامل غیرگانونی

ر. ک. Interaction

Unidimensional یک بعدی**Unidirectional یک جهتی****Unification یکپارچه سازی****Unifying principles****اصول وحدت بخش****تبار یک سویه Unilateral descent**

ر. ک. Descent/ Bilateral descent

یک تباری Unilineal

در برابر نظامهای دوتباری در خویشاوندی (Bilineal). یک تباری می‌تواند به صورت پدرتباری یا مادر تباری تجلی کند. به عقیده فورد (D. Forde) یک تباری در جوامعی که میزانی از ثبات و تراکم (فرهنگ) و بالنتیجه تقسیم وظایف بر حسب جنس و میراث پدیده آمده، رخ می‌دهد.

یک مکانی Unilocal

در برابر دو مکانی (Duolocal) و همچنین نو مکان (Neolocal) یک مکانی می‌تواند، به صورت پدرمکانی (Patrilocal) و یا مادرمکانی (Matrilocal) تجلی نماید (به هر یک ر. ک.)

Unimplementable research

پژوهش ناکاربردی

ر. ک. Research

Unimplemented research

پژوهش ناکاربرده

ر. ک. Research

Unimproved بهبود نیافته**Uninhibited منع نشده**

ر. ک. Inhibition

Uninstructed ناآموخته

Unintentional abortion

سقط جنین غیر عمدی

Abortion ر. ک.

Uninterrupted change تغییر بی‌گسسته

از دیدگاه تکامل‌گرایان، حرکت پدیده‌های اجتماعی در بستر تاریخ، زنجیره‌ای پیوسته (Continuum) پدیدمی‌آورد. این دیدگاه با نظر آنانی که به جهش (Mutation) می‌اندیشند، متباین است.

Union , Industrial اتحادیه صنعتی

Industrial union ر. ک.

Union , labor

اتحادیه کارمندان، اتحادیه کارگران

Labor union ر. ک.

Union , Ritual

آمیزش مبتنی بر شعار

Ritual union ر. ک.

Union , Trade اتحادیه کاری

Trade union ر. ک.

Uniqueness , Marginal

یکتایی نهایی

Marginal uniqueness ر. ک.

Unisex دوجنس یکتایی

پذیرش یکتایی زن و مرد از نظر وظایف، اخلاق جنسی، لباس و ... در برابر دیگر شیوه‌های حیات اجتماعی که در آن مردپنگی و زنانگی از یکدیگر تمایز می‌یابند.

Double standard of sexual behavior/ Sex roles/ Sex revolution ر. ک.

Musculinity / Feminity,

Transvestism.

Unitarian وحدت‌گرایی

Unitarianism وحدت‌گرایی

(۱) در آئینهای مذهبی، پذیرش یگانگی خالق عالم است، (۲) در فرهنگ سیاسی، پذیرش تمرکز و یگانه‌بودن قدرت تصمیم‌گیری است.

Monism / Pluralism ر. ک.

Unity, collective وحدت جمعی

Collective unity ر. ک.

Unity , Group وحدت گروهی

Group unity ر. ک.

Universal declaration of human

اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه‌ای که از جانب سازمان ملل متحد انتشار یافته و در آن حقوق تمامی انسانها بر روی نژادها و مرزها در ۲۸ ماده برشمرده شد.

Universal evolution تطور جهانی

خوش‌بینی بانیان دانشهای انسانی-اجتماعی، در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی نسبت به شناخت قوانین و اصول حاکم بر امور انسانی، بر تسخیر طبیعت توسط انسان از طریق شناخت قوانین آن، موجب شد که دانشمندان در این برهه از تطور تاریخی دانش، بر این تصور باشند که می‌توان همانند علم طبیعه-ی در علوم انسانی نیز قوانینی جهان‌شمول یافت.

این اندیشه بعد از آنکه دیلتای (Dilthey) تقسیم معروف خود را از دانش به علوم روانی (انسانی) و علوم طبیعی ارائه داد، مورد تردید قرار گرفت. سخن دیلتای و بعد اصحاب پینشهای تساویلی (Hermeneutics) برای این بود که حتی قوانین علی نیز در دانشهای انسانی موجود نیست. بدینقرار، و با این روند، آرام آرام، دانشمندان در قلمرو دانشهای انسانی از کوشش در راه باز یابی قوانینی جهانی باز ایستادند بر هر پدیده، کهکشانی از علل یافتند و در صد آن برآمدند که بر جامعه شناسی تفاوتی (Differential sociology) و نسبیت (Relativity) در امور اجتماعی تاکید ورزند.

ر. ک. Philosophy of history
Evolutionism

Universal principles

اصول جهان شمول

اصول کلی و عام در تبیین رفتار انسانی. فلاسفه تاریخ در صد باز یابی چنین اصولی بودند. قانون حیات سه گانه اگوست کنت چنین است؛ همچنین تمامی کلاسیکها در جامعه شناسی در این راه گام بر می داشتند؛ در دانش اقتصاد، مکتب کلاسیک، در همین سیاق، اصولی را به عنوان اصلهای جهانی پذیرفته بود (نظریه انسان اقتصادی (Homo - Oeconomicus)، به این معنی که

هر انسان در هر شرایط آگاهانه به دنبال سود خویشتن است). تا پیدائی روانشناسی تفاوتی (Differential psychology) توسط گالتن (Galton)، این دانش نیز در جستجوی آن بود تا اصولی تعمیم پذیر در همه جهان یابد؛ مکاتب خاص نیز هر يك بر محور اصلی پذیرفته و جهانی پدید آمدند. (به عنوان مثال، لذت گرایی، بر محور اصل لذت (Hedonistic principle) بنا یافت، جغرافیاگرایی بر اصل جبر جغرافیایی تکیه یافت... پیدایی نسبیت در دانشها، مخصوصاً دانش انسانی به معنای انصراف دانشمندان از این تلاشهاست.

ر. ک. Hedonism. Relativism.
Classical school. Philosophy of history.

Universalism

جمع نگری- فرقه گرایی- اصالت جامعه

۱) در جامعه شناسی، این مفهوم توسط مرتن (R. Merton) در زمینه «ارزش دستوری» دانش به کار آمده است. به این معنی که ملاحظات ملی، عقیدتی، نژادی و... نباید ارزشیابی بی طرفانه یافته علمی را مانع گردد، ۲) در معنای دیگر، به آئین گروهی از مسیحیان اطلاق می شود که نجات نه يك فرقه، بلکه همه جهانیان را هدف خود می داند. ۳) از دیدی سوم، در برابر فرد- نگری (Singularism) قرار می گیرد و به معنای پذیرش جامعه به عنوان تنها واقعیت است که خود به دو صورت افراطی و معتدل

تقسیم می‌شود: در حالت اول، هیچ اصلاتی برای فرد جدا از جامعه قائل نیستند؛ در صورت دوم، فرد از اصلاتی محدود برخوردار است.

Value freedom/ Singularism, ر.ك.
Integralism/ Harmonism/ Holism,
Agelicism/ Social realism
Durkheim/ Spencer.

Universality کلیت، عمومیت

Universalization جهان شمول‌سازی

Universe , statistical

جامعه آماری

Statistical universe ر.ك.

Unjustification عدم توجیه

Justification ر.ك.

Unobtrusive measures

سنجه‌های غیر تصدیعی

۱- سنجش رفتار انسانهاست، بدون آنکه: ۱- فرد یا افراد مورد مطالعه از آن اطلاع یابند. ۲- تعامل یا کنش و واکنش و یا تاثیر و تاثیر بین محقق و افراد مورد تحقیق پدید یابد. ۳- فرایند پژوهش موجبات بروز تغییراتی در اندیشه و یا عمل افراد مورد پژوهش فراهم سازد و یا آنکه بر اثر آگاهی پاسخگو از جریان تحقیق پاسخی غیر طبیعی (در رفتار یا بیان) ارائه شود. مطالعه بایگانی‌های فردی یا عمومی در زمره چنین پژوهشهایی هستند. همانطور که مشاهده ساده و یا بررسی رد پاهای

مادی بعنوان دلایل عملی و یا رفتار انسانها باز از جمله فنون خاص این نوع تحقیقات در قلمرو دانشهای انسانی - اجتماعی بشمار می‌آیند.

ر.ك.: Erosion measures

Accretion measures

Unsocial

غیرمشارک در فعالیتهای اجتماعی

آن کس یا آن گروه که فاقد تمایل به شرکت در فعالیتهای جمعی باشند. بامفاهیم غیراجتماعی (Asocial) یا ضد اجتماع (Antisocial) و همچنین ناهمیار (Uncooperative) اشتباه نشود.

ر.ك.: Non-social/ Asocial/ Antisocial
Subsocial

Unsocialization اجتماعی نشدن

۱) عدم تحقق فرایند اجتماعی شدن، آنچنان که فرد وسائقهایش در حالت طبیعی مانند و آموزش اساسی جهت زندگی در جمع صورت نپذیرد. در تاریخ، کودکانی که از آنان با نام کودک وحشی (Feral child) یاد شده است، به دور از جامعه و بالطبع محروم از جریان اجتماعی شدن زیستند. از بین این کودکان، معروفترین آنان، کودکی است با نام ویکتور (Victor) که او را در جنگلهای آفرین فرانسه یافتند. او همانند چهارپایان راه می‌رفت و زوزه می‌کشید. کودکانی دیگر را چون سینگ و زینک باز در چنین شرایطی یافتند. تجربه عملی در راه جدایی کودک از جامعه و به تبع آن محروم‌سازی وی از فرایند اجتماعی شدن، کودکی است

تصریح و تنظیم نشده باشد. که در هند به دستور اکبر شاه دور از جامعه

Unstructured observation

مشاهده ساخت نیافته

ر. ک. Observation

طبقه بالا Upper class

بالاترین رده در قشر بندی اجتماعی

از دیدگاهها درآمد، ثروت، تسلط بر وسایل تولید، اعتبار و شیوه زندگی.

ر. ک. Social class

حوزه شهری Urban area

فضای جغرافیایی محدودی که شاخص

آن دارا بودن جمعیتی بالنسبه زیاد و تراکم بالا است. مطالعات شاو (Shaw) در شیکاگو

به بازایی حلقه‌هایی چند در حوره شهری انجامید. بدین ترتیب که در حلقه‌های دور از

مرکز، کمترین میزان جنایت بیشترین میزان هویت فردی دیده شد و همانطور که به

حلقه‌های میانی نزدیکتر می‌شد، ملاحظه می‌نمود که به همراه افزایش تراکم، تهکاری

بسط می‌یابد، بی‌نامی و فقدان هویت انسانها رایج می‌شود و تنهایی انسانها در داخل

انبوه‌های شهر دیده می‌شود.

Urban centralization

تمرکز شهری

(۱) گرایش به جمع نمودن کسانوهای

خدمات عمومی، نظیر بانکها، پارکها، مراکز آموزشی، همچنین کارخانه‌ها و فروشگاهها در مراکز ارتباطات و حمل و نقل شهری.

(۲) انباشتگی جمعیت در حوزه‌های شهری.

ر. ک. Urban decentralization

زیست و حتی پرستارش حق سخن گفتن با او نداشت. هدف این بود که دیده شود آیا نظریه اکبر شاه مبنی بر اینکه زبان هندی ذاتی است، درست هست یا خیر.

اینها نمونه‌های نادر و محض اجتماعی نشدن در تاریخ انسانند؛ لیکن در جریان روزمره حیات نیز بسیاری از کودکان از نعمت برخورداری از خانواده‌های بهنجار و محیط اجتماعی سالم بی بهره می‌مانند، از اینروست که می‌توان به فرایند نسبی و محدود اجتماعی نشدن رسید.

ر. ک. Anticipatory socialization

Adult socialization/ Socialization
Resocialization, Feral child

Unsocialized drive

سائقه غیر اجتماعی

آن کشش، یا سائق که تحت تاثیر تجربه اجتماعی قرار نگرفته، صورتی طبیعی دارد.

ر. ک. Socialized drive

Unstructured approach

رویکرد ساخت نیافته

توجه به پدیده‌ای در جهت شناخت آن، بدون آنکه از قبل شیوه‌هایی مشخص در مورد آن تعیین شده باشند؛ به عنوان مثال، زمانی که ایزار تحقیق پرسشنامه است، پرسشها و نحوه و ترتیب آن دقیقاً معین نشده باشند و رفتار پرسشگر نیز به صورتی مشخص تعیین،

- اجتماع شهری Urban community
- فرهنگ شهری Urban culture
- ر. ک. Urbanism
- Urban decentralization
عدم تمرکز شهری
(۱) گرایش به دوری کانونهای خدمات عمومی از مراکز عمده شهری به جهت گرانی زمین، یا قوانین خاص. این گرایش موجبات اجتناب از شلوغی در مرکز شهر، شدت رفت و آمد شهری و پیدایی فرایند تشکیل شهر به صورت هم-مرکز (Concentric) را فراهم می‌سازد. (۲) فرایند جابجائی جمعیت شهری از مناطق مرکزی به حوالی یا حومه‌های شهر.
- ر. ک. Urban centralization.
- Concentric-zone theory.
- Sector theory
- محیط‌شناسی شهری Urban ecology
در اصطلاح، شناخت روابط انسان و محیط جغرافیایی در درون شهرها را (توزیع جمعیت شهری، آلودگی هوا، آب و...) در برمی‌گیرد.
- ر. ک. Ecology/ Human ecology.
- Social ecology.
- Urban managerialism
مدیر سالاری شهری
اصطلاح از پال (R. E Pahl) است: او در اثرش «شهر کی؟» این عقیده را ابراز میدارد
- که ساخت شهرهای جدید متأثر از مدیرانی است که بر سرنوشت آن حکم می‌رانند. پس، شناخت ایدئولوژی، ارزشها و بطور کلی جهان‌بینی این افراد، بطور غیرمستقیم، به معنای شناسائی ویژگیهای بنیانی شهرهای جدید است. این دیدگاه، هرچند بعدی از تطور شهری را می‌رساند (بی‌هیچ شبهه مدیران جدید شهری تأثیری اجتناب‌ناپذیر بر آن دارند)، لیکن نباید تصور رود که این مدیران قادرند بی‌هیچ محدودیتی بر شهر حکومت‌رانند و تمامی اندیشه‌هایشان را به کرسی نشانند. دموکراسی جدید، وجود افکار عمومی، وسایل ارتباط جمعی و... از استقلال آنان در عمل می‌کاهد.
- رشد شهری Urban growth
(۱) رشد جمعیت در مناطق شهری (۲) بسط مناطق شهری در فضای جغرافیایی.
- برنامه‌ریزی شهری Urban planning
- ر. ک. City planning
- نوسازی شهری Urban renewal
- قطاع شهری Urban sector
ر. ک. Sector theory
- جامعه شهری Urban society
کل جمعیت شهری در بزاير ساکنان دیگر مناطق کشور. در ایران جامعه شهری قریب به ۴۰٪ کل جمعیت را در برمی‌گیرد، در برخی از کشورها، نسبت جامعه شهری به ۷۰٪ می‌رسد. (امریکای شمالی)
- Urban sociology

جامعه‌شناسی شهری

شاخه‌ای است از جامعه‌شناسی که در آن حیات شهری با ابعاد گوناگون آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ این رشته، توجه بسیاری از دانشمندان را جلب کرد، از جمله: تونن (H. Von. Thünnen) که مفهوم مرکزگاه (Central place) را عنوان نمود با تونیس (Tönnies) که مفاهیم جامعه‌صوری و جامعه معنوی از او است. یا ذیمل (G. Simmel) که مکتب شیکاگو از او تأثیر برگرفت. این مکتب در بین سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ با دانشمندانی چون برگس (W. Burgess) و شاد (C. Shaw) پدید آمد. آنان شهرها را ناشی از فرایندی ناآگاه، بی‌برنامه و فاقد پیش‌بینی می‌دانستند. لیک عقایدشان بعدها مورد انتقاد قرار گرفت.

از برجستگان این رشته در امریکا بعد از سالهای ۱۹۳۰ ورت (L. Wirth) است که جامعه شهری را در برابر جامعه روستایی قرار می‌داد. شهرها را زمینه استقرار بیوندهای خاص گروههای ثانوی می‌دانست. او ویژگیهای اصلی شهرنشینی را تراکم، ناهمگنی، ازدیاد تحرک، تقطیع نقشهای اجتماعی می‌دانست. به زعم او بانیان اصلی این رشته، ذیمل، ماکس وبر و پارک هستند.

در انگلستان نیز بعد از همین سالها، گلاس (R. Glass) در صددرآمد جامعه‌شناسی شهری را نه به عنوان زمینه‌ای مخالف

جامعه‌شناسی روستایی، بلکه رشته‌ای خاص و مستقل ببیند، گونه‌های مختلف شهری را از هم تمیز دهد و ابعاد تاریخی در تطور شهرها را به مطالعه نهد؛ تا در نهایت تمامی این مطالعه به تدوین برنامه جامع شهری (Macroplan) انجامد.

ر. ک. Multiple nuclei theory,
Concentric zone theory/ Conurbation
Sector theory/ Urbanism/ Urban
society/ Megalopolis/ Metropolis
Urbanization/ City planning.
Zone theory/ Town/ Super city.
Satellite city.

روندهای شهری Urban trends

در مباحث آینده‌نگری (Prospective) شهرها مطرح است و در آن شناخت مسیر تطور شهرها نظیر (۱) افزایش جمعیت شهری (۲) انباشتگی جمعیت مخصوصاً در مراکز شهری. (۳) تجاری شدن گذران فراغت در شهرها، (۴) گسترش آسیبهای اجتماعی (چون اعتیاد، سرقت و...)، ... مطرح نظر قرار می‌گیرد.

Urban transportation

وسایل حمل و نقل شهری

— همه وسایل انتقال افراد و کالاها در درون شهرها یا از شهری به شهر دیگر.

Urban way of life

شیوه زندگی در شهر

مضمون از ورت (L. Wirth) است. او در مقاله‌ای تحت عنوان «شهرنشینی بعنوان شیوه‌ای از زندگی»، در مجله جامعه‌شناسی آمریکا برین ادعا که زندگی شهری ویژگی‌های خاص خود را داراست، سخت تاکید نمود این ویژگی‌ها بدین‌قرارند:

۱ - بسط روابط ثانوی (در برابر پیوندهای نخستین) و تکیون روابط قراردادی. ۲ - تقسیم کار بیشتر. ۳ - کنترل اجتماعی کمتر. ۴ - استفاده بیشتر از وسایل ارتباط جمعی. ۵ - پیدایی و بسط روابط متکی بر ابزار مادی. از دیدگاه ورت این ویژگی‌های شهری از سه عامل اساسی منشاء می‌گیرند:

۱ - شمار انسانها ۲ - تراکم آنان در حیات شهری و ۳ - ناهمگنی گروه‌های موجود در آن.

باید توجه داشت که این عقیده ورت، مورد قبول تمامی دانشمندان نیست. چه «بعنوان مثال از دیدگاه زیمل (G. Simmel) بی‌نامی (Anonymity)، ویژگی اساسی حیات شهری به حساب می‌آید.» (Abercrombie 225). گذشته از این، ۱ - نباید تصور کرد که فقط سه عامل فوق‌الذکر همه مختصات حیات شهری را فراهم آورده‌اند. ۲ - همه انواع شهری (نظیر قطاعی، متحدالمرکز، چند هسته‌ای) یک نوع شناسنامه از شهرنشینی بدست می‌دهند. ۳ - جوامع جهان همگی همان الگوی شهرنشینی جهان صنعتی را اعمال

می‌دارند.

ر.ک:

Urbanism

Urbanism

شهرنشینی

گرایش روز افزون انسانها به شهر، تراکم انسانها در فضاهایی محدود، تولد شهرهای بزرگ در قرن جدید، شیوه‌ای خاص در زندگی انسانها پدید آورد؛ که از دو دیدگاه قابل مطالعه است.

I - بسیاری شهرها را آنطور که امروز هستند، به مطالعه نهادند: ورت (Louis Wirth) به سال ۱۹۳۸ در اثری به همین نام «شهرنشینی به عنوان شیوه‌ای از زندگی» آثار زندگی شهری را بر همه ابعاد حیات انسانی بر شمرد؛ برخی از این آثار چنین‌اند:

۱) گمنامی (Anonymity). چون در انبوه شهری انسانها ناشناخته می‌مانند. شهر از دیدگاهی پناه جانیان است. در اثرش «انبوه تنها» رایزمن به بیگانگی انسانها و تنهایی آنان در بطن انبوه‌های گسترده شهری اشارت دارد.

۲) ناهمگنی (Heterogeneity). شهر بوتنه‌ای است که در آن انسانهای بسیاری گوناگون با مذاهب، رنگها و قومیت‌های بسیار متمایز باهم حیات می‌گذرانند.

۳) تقسیم کار (Division of labor) شهرنشینی وسعت نیازها، تعدد انسانها، تخصص و تقسیم کار را دامن می‌زند.

۴) روابط صوری (Formal relations) به جای روابط عمیق و دارای امتدادی که در روستا برقرار می شود، شهرها، بستر تکوین روابط جبهه ای، سطحی و به همان نسبت آسیب پذیرند. تونیس (Tönnies) این روابط را در جامعه صوری (Gesellschaft) تشریح نموده آن را در برابر جامعه معنوی (Gemeinschaft) قرار داد. مطالعات دیگر، در زمینه ویژگیهای حیات شهری، توسط دانشمندان بسیار دیگر چون سودکین (P. Sorokin)، زیمل (G. Simmel) و زیمرمن (C. C. Zimmerman) و همچنین پارک (R. Park) و اسپایمان (N. J. Spyman) به انجام رسید.

II- دیدگاه دوم، تاریخی است، برخی دیگر از دانشمندان در صدبرآمدند، تکوین شهرنشینی و فرازو نشیب آن را به عنوان یک پدیده تاریخی مطالعه نمایند. از آن جمله اند: هانری پیرن (Henri Pirenne) که در اثر برجسته اش شهرها در قرون وسطی؛ تکوین شهر و تطور آن را با تأکید بر عامل اقتصادی مطرح نظر قرار دارد. او شهرنشینی را با آغاز مرحله جدیدی در بازرگانی مترادف می دانست.

(The medieval cities: Their origins and the revival of trade

1925)

فوستل دوکولاژ (N. D. Fustel de

Coulanges با اثرش تحت عنوان شهر باستانی (La cité antique 1864)، در صد برآمد تا نهادهایی چون دین را در چارچوب شهر مورد مطالعه قرار دهد، در حالی که ماکس وبر (Max Weber) در اثرش با نام «شهر» که در سال ۱۹۲۱ منتشر گردید، در صد شناخت سازمانهای اداری در چارچوب شهرنشینی برآمد.

III- دیدگاه سوم در زمینه شهرنشینی تدوین خط ممندی است که از شهرهای بزرگ شروع می شود و در طرف مقابل حیات روستایی را در بر می گیرد، در این خط ممندی هر جمع انسانی (شهری یا روستایی) در جایی قرار می گیرد، از مهمترین طرفداران این دیدگاه، گلاس (R. Glass) است که شهرنشینی و روستانشینی را نه به عنوان دو پدیده مخالف، بلکه در زنجیره ای از تداوم می بیند.

شهرگرایی Urbanization

I- در جمعیت شناسی به معنای افزایش جمعیت شهری است، در مقابل کاهش جمعیت روستاها. بدینسان، ضریب شهرگرایی مساوی خواهد بود با

میزان افزایش مثبت جمعیت شهری
کل جمعیت

به عنوان مثال تیسدا (H. Tisdale) شهرگرایی را فرایندی در تمرکز جمعیت

می‌داند که به دو صورت احتساب می‌شود: (۱) تعداد مناطقی که تمرکز جمعیت در آن صورت می‌گیرد. (۲) و افزایش افرادی که در هر کانون تمرکز شهری زندگی می‌کنند.

II- در جامعه‌شناسی، این مفهوم در دو معنای متمایز به کار می‌رود:

(۱) برخی آن را در معنای مشخصات شهری به کار می‌برند. این معنا بیشتر در جامعه‌شناسی روستایی تجلی دارد. آنان پیدایی صفاتی چون مصرف گرایی، کاهش روابط چهره به چهره و ... را به عنوان شهری شدن روستاها تلقی می‌کنند. (۲) برخی دیگر آن را در معنای بسط و گسترش تاثیر محیط و مراکز شهری در روستاها به کار می‌برند. شهرها به عنوان کانونهای جاذبه، قلمرو نفوذ خود را به روستاها و مراکز کوچک تمرکز بسط می‌دهند.

Use value ارزش مصرفی
Value ر. ک.

Usury ربا
ربحی که در مقابل پول به وام گرفته، از جانب وام گیرنده پرداخت می‌شود. اجاره پول از زمان قدیم رایج بوده است. شرع اسلام ربا را مؤکداً حرام می‌داند.

Utilitarianism مکتب اصالت مطلوبیت

در معنای عام آن، نظریه اجتماعی و اخلاقی است که براساس آن هیچ چیز فی نفسه مطلوب نیست، جز لذت. پس نقش

قواعد اخلاقی ترغیب رفتاری است که لذت را فزونی بخشد (یا مانع پیدایی مشکلاتی بعد از لذت گردد) و موجبات اجتناب از رفتاری گردد که رنج پدید آورد.

پایه گذار این مکتب بنتام (J. Bentham) است (۱۸۳۲-۱۷۴۸). به زعم او هر انسان سعی در افزایش لذت، دستیابی به حداکثر لذت و کاهش درد و رنج دارد. پس، باید همه قوانین اجتماعی در این جهت به کار آیند. حتی دولت نیز باید محور اصلی فعالیتهايش را همین اصل قرار دهد.

Hedonism ر. ک.
Utilies تجهیزات

هر آنچه در زندگی و رفاه ساکنان يك واحد مسکونی ضروری است. (آب و برق و ...)

Utility , Diminishing

مطلوبیت رو به کاهش

Diminishing desirability ر. ک.

Utility , Marginal مطلوبیت نهایی

Marginal utility ر. ک.

Utility , Maximum

حداکثر مطلوبیت

Maximum utility ر. ک.

Utility theory of value

نظریه مطلوبیت- ارزش

در برابر نظریه کار (Labor theory) که از جانب مارکس عنوان شده است، نظریه دیگریست که بر سود استوار است.

بر پایه این نظریه هر قدر فایده يك کالا برای خریدار بیشتر باشد، برایش پول بیشتری می‌پردازد و بدینسان بهای آن کالا در بازار تعیین می‌شود. همچنانکه پیداست در این دو نظریه، به‌هنگام تعیین ارزش یا بها در یکی بر میزان کار لازم در تهیه يك کالا تأکید می‌شود و در دیگری بر بازار. در اولی بر تأمین حقوق نیروی کار تأکید می‌شود. در دومی بر سود نهایی.

ر. ك. Value/Labor theory of value/Utilitarianism.

ناکجا آباد Utopia

این مفهوم که ترجمه فارسی آن از عقل سرخ اثر شهاب‌الدین سهروردی است، از اثری به همین نام که توسط توماس مور (Thomas morus) به‌سال ۱۵۱۶ به نگارش درآمد گرفته شده است. این اثر با نام آلمان شهر توسط داریوش آشوری و ناددا افشار نادری به فارسی برگردانده شده است. ۱) در قلمرو ادبیات و علوم انسانی ساختن سرزمین خیالی و غیرواقع توسط نویسندگان است. ۲) در زبان روزمره هر اندیشه غیرواقع و غیرعملی را می‌رساند. با مفهوم آرمان شهر (Ideal city) نزدیک است.

ناکجا آبادگرایی Utopianism

گرایش به بنای سرزمین، جامعه و یا طرح هر اندیشه غیرواقعی. ناکجا آباد گرایان، در برابر واقع گرایان از سویی و ماکیاولیست‌ها

از سوی دیگر قرار می‌گیرند. آنان نه واقعیت را آن‌طور که هست می‌بینند و به طور رودررو به آن می‌نگرند و با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، (واقع گرایان) و نه آنکه درصدد دستکاری واقعیت به نفع خویش با تشبیه هر حيله برمی‌آیند (ماکیاول گرایان). ناکجا آباد گرایان، سیاهیهای زندگی واقعی انسانها را نمی‌توانند تحمل کنند و چون نمی‌توانند از راههای درست به آن پردازند، از آن می‌گریزند، به برج عاج پناه می‌برند و در آنجا به ساختن شهری خیالی که حاوی خواسته‌های رؤیایی آنان است دست می‌زنند. هر چند این شیوه اندیشه و عمل واقع‌گرایانه است و ليك، درموردی می‌تواند، راهنمای مصلحین اجتماعی گردد.

ر. ك. Morus/campanella/ Farabi Socialism.

زن مکان Uxorilocal

در برابر نومکانی و پدر مادر و یا دو مکانی، عزیمت مرد به خانه زن و زندگی در آن است. در این مورد، مکان دارای معنایی اجتماعی است و با خود نشانی از قدرت دارد. بدینقرار، يك جامعه پدر سر، حتماً پدر مکانست، همان‌طور که در مادر سری عکس آن به چشم می‌خورد.

ر. ك. Virilocal/ Neolocal, patrilocality/Matrilocal. Matriarchy/ Duolocal

V

Valence	ظرفیت، توان، ارزش	و ضعف ارتباط و گرایش است.
	از مفهوم Valentia به معنای قدرت گرفته می‌شود.	۳- نشان دوجانبه بودن ارتباط c و d و شدت گرایشهای متقابل آنان است.
Valence of social atom	توان اتم اجتماعی	۴- نشان دوجانبه بودن گرایش E و F نسبت به یکدیگر، لیک نابرابری توان با شدت گرایشهاست.
	در گروه سنجی به کار می‌رود و شدت روابط را نشان می‌دهد.	اعتبار
$O \rightarrow O$	$O \rightarrow O$	در روشهای تحقیق در جهت شناسایی رسایی ابزار پژوهش به کار می‌رود و درجات آن با این پرسش طرح می‌شود:
$x \quad y$	$a \quad b$	آیا این ابزار خاص در سنجش این پدیده ضریب اشتباهی دارد یا خیر؟
$O \rightleftharpoons O$	$O \rightleftharpoons O$	بدینسان، اعتبار ابزار تحقیق درجات اطمینان (Confidence) ماست نسبت بدان.
$C \quad d$	$E \quad F$	با روایی (Reliability) مشته نشود.
۱- نشان‌دهنده گرایش شدید x به y و شدت ارتباط یکجانبه است.	۲- نشان یکجانبه بودن روابط a و b	انواع اعتبار
		Validity , types of

Construct validity	اعتبار سازه‌ای
Content ~	اعتبار محتوی
Empirical ~	اعتبار تجربی
Face ~	اعتبار صوری
هنگامی که محقق در ارزشیابی پدیده‌ای	
بدانباری خاص توسل می‌جوید، تا حدی	
زیاد از بعد ذهنی خود مدد گرفته است؛ پس	
بد منظور بررسی ضرایب اشتباه ذهنی خود	
ناچار باید این ابزار را با دیگران در میان	
گذارد، نتیجه ارزشیابی دیگران اعتبار	
صوری را نشان می‌دهد. به عنوان مثال،	
محقق در صدد شناسایی درجات اعتقاد یک	
گروه است. پرسشنامه‌ای بدین منظور تهیه	
می‌کند، که سوآلهای آن دقیقاً درجات اعتقاد	
را می‌رسانند. بدین منظور یعنی شناخت اعتبار	
صوری، محقق به تعدادی داور مراجعه می‌کند،	
هماهنگی نظرات آنان درجات اعتبار صوری	
را نشان می‌دهد.	
Criterion related validity - ر. ک.	
Reliability	
Validity index	شاخص اعتبار
Valuable	ارزشمند
Valuation	ارزش‌گذاری
فرایند تعیین ارزش یک یا چند کالا یا	
خدمت (معمولاً با معیار پول)	

Value	ارزش
I - از بنیادی‌ترین عوامل در تعیین	
اندیشه، عمل یا اعمال فرد و همچنین	

شکل‌گیری حیات اجتماعی است. فرهنگت فلسفی لالاند (Laland) چهار معنای متفاوت در ارتباط با چهار ویژگی اشیاء از جهت ارزش‌گذاری، می‌بیند، بدین‌قرار: ۱) اینکه تا چه حد مورد آرزو و علائق فرد یا معمولاً گروهی از افراد است. ۲) اینکه تا چه حد شایستگی چنین علائقی را داراست. ۳) اینکه تا چه هدفی را برآورده می‌سازد، و بالاخره اینکه در یک گروه اجتماعی و در زمانی خاص تا چه حد، امکان مبادله آن با مقداری معین از کالایی به عنوان واحد اندازه‌گیری بها وجود دارد» (فرهنگ علوم اجتماعی از آلن بیرو، برگردان باقر ساروخانی، ص ۴۴۵)

II- انواع ارزش

Value , types of

ارزشها، باتوجه به ابعاد کیفی و پیچیده آنان صوری چند می‌یابند؛ نظیر:

Cultural values ارزشهای فرهنگی
موجبات تعالی حیات انسان را فراهم می‌سازند؛ صوری فرامادی بر حیات می‌بخشند، هرگز کهنه نمی‌شوند (برخلاف ارزشهای مادی)؛ یک اثر برجسته مانند ایلیاد هومر هر روز نو است و انسان را به عمق تاریخ می‌کشد و حال آنکه با پیدایی یک وسیله بهتر مادی، وسیله قبلی کهنه و بی‌فایده خواهد بود.

Economic ~ ارزشهای اقتصادی
آدام اسمیت (A. Smith)، دیکاردو (D. Ricardo)، و ماركس (K. Marx) بر

مسلط مى شوند.

ارزشهای حقوقی Legal values

اینگونه از ارزشها به صورت قوانین تجلی می نمایند. درحالی که ارزشهای اخلاقی فاقد ضمانت اجرا هستند، ارزشهای حقوقی دارای چنین ضمانتی هستند. در مقابل، ارزشهای اخلاقی قوی ترین و موثرترین کنترل را بر افراد اعمال می نمایند. در نهان و آشکار، تاثیر خود را حفظ می کنند، دستخوش تزویر، پول یا فشار و... واقع نمی شوند و نیازی نیز به عوامل اجرایی (پلیس و...) ندارند.

ارزشهای اخلاقی Moral ~

که صورت دستوری دارند و رفتار و اندیشه را در جهت خاصی سوق می دهند.

ارزشهای دینی Religious ~

ارزشهایی برین که معنویت را وارد حیات بشر می سازند و دارای تقدسند.

ارزشهای اجتماعی Social ~

هر آنچه اعضا يك جامعه گرامی می دارند. و در این گرامیداشت وفاق نسبی حاصل است، هنجارهای اجتماعی، مدلها، الگوهای اجتماعی و... حائز ارزشهای اجتماعی هستند که از ویژگیهای آن ژرفایی، نسبيت و تغییرناپذیری است.

ارزشهای ذهنی Subjective ~

در برابر ارزشهای عینی-Objective (values) آن معیارهای پذیرفته ذهنی و ناملموسند که در قضاوت در باب پدیده های حیات انسانی به کار می آیند.

این اعتقادند که آنچه ارزش کالایی را تعیین می کند، میزان کاری است که برایش صرف گشته است. اینان به دو نوع ارزش می اندیشند: ارزشهای مصرفی (Values in use) و ارزشهای مبادله ای (Values in exchange) ارزشی که شیء یا کالا یا اندیشه و یا خدمتی برای کسی که از آن استفاده می برد، داراست، ارزش مصرفی خوانده می شود که به آن Use value نیز اطلاق می شود. در مقابل بهایی که کالا یا خدمتی یا هر پدیده دیگر در بازار می یابد و به صورت قیمت شناخته می شود، ارزش مبادله ای خوانده می شود.

ارزشهای رسمی Formal values

سیکس - (G. Sykes) و ماتزا (D. Matza) ارزشهای رسمی را در برابر ارزشهای زیرزمینی (Subterrean values) قرار داده اند.

ارزشهای رسمی را ارزشهایی می دانند که بر امنیت، ثبات، نظم، پیش بینی پذیری کار سخت و مولد، همنوایی، برنامه ریزی درازمدت و لذت بعد از کار تاکید دارند و حال آنکه، ارزشهای زیرزمینی (Subterrean values) بر هیجان، تجربه، لذت جوئی کوتاه مدت، تحقیر کار تاکید دارند. در يك جامعه متعارف، ارزشهای رسمی بر حیات اجتماعی مسلطند و ليك در جشواره ها و تعطیلات، ارزشهای زیرزمینی سلطه می یابند. در بعضی از گروهها، ارزشهای زیرزمینی صورتی رسمی یافته بر حیات جامعه

- Value Judgement. ر. ك. صرفاً عوامل کمی را با این نام می خوانند و مفهوم خاص متغیر کیفی (Attribute) برای عناصر غیر کمی به کار می آمد. لیک امروزه، هم عوامل کمی و هم عوامل کیفی با این نام خوانده می شوند، در توجیه این گسترش معنایی، استوفر (S. A. Stouffer) چنین می نویسد: «ما مفهوم (متغیر) را در معنای متداول منطقی و ریاضی آن بدین عنوان که سلسله ارزشهایسی را می رساند، به کار می بریم. این ارزشها می توانند عددی (کمی) یا غیر عددی (کیفی) باشند. واژه (Attribute) در معنای متغیر کیفی به کار برده می شود. این تعریف وسیع از این مفهوم امروزه بیش از پیش توسط خود آمار شناسان به کار می آید.»
- (Measurement and prediction P:63)
- بزع کندال (M. G. KendaH) و باکلند (W. R. Buckland) یک متغیر معمولاً هر کمیتی است تغییر پذیر. به بیان دیگر، یک متغیر ریاضی یعنی کمیتی که ممکن است، هر یک از سلسله ارزشهایی مشخص را پیدا کند. همین کلمه را می توان در جهت مشخص کردن عناصر غیر قابل اندازه گیری نیز به کار برد. به عنوان مثال، جنس یک متغیر است. چون هر انسان می تواند به دو صورت (مذكر یا مؤنث) تقسیم شود.
- (A dictionary of statistical terms, P: 310)
- Value freedom فراغت از ارزش آزادی محقق است نسبت به ارزشها، عقاید و پیش داوریها در برابر هر مسأله یا پدیده مورد پژوهش.
- Value judgment قضاوت ارزشی Judgment of value ر. ك.
- Value orientation جهت یابی ارزشی Pattern variable ر. ك.
- Value , surplus ارزش اضافی Surplus value ر. ك.
- Value , survival ارزش بقاء بخش Survival value ر. ك.
- Variable متغیر I- هر صفت، ویژگی یا عنصر کمی یا کیفی در يك تحقیق که تغییر پذیرد و یا تغییر پذیر باشد. به عنوان مثال، جنس، همبستگی و ... هر يك در جریان تحقیق می توانند به صورت يك متغیر در آیند به شرط آنکه برخلاف عوامل ثابت (Constants) تغییر کنند یا تغییر پذیر باشند.
- II- سه ویژگی اساسی متغیرات عبارتند از:
- ۱- کمی و کیفی بودن: در مواردی چند،

۲- سنجش پذیر بودن: کیفی بودن بسیاری از متغیرها به معنای سنجش ناپذیری آنان نیست زیرا در این صورت عملاً کار تحقیق اجتماعى انسانى صورت پذیر نبود. در تاکید بر همین امر، لازارسفلد (P. F. Lazarsfeld) و بارتون (A. H. Barton)، به طور کلی، متغیر را آن چیزی می دانند که «امکان رده بندی را به دست دهد. ضمن آنکه امکان اندازه گیری در معنای دقیق آن را نیز فراهم سازد.»

(Qualitative measurement in the social sciences, P: 170)

۳- ویژگی سوم، تغییر پذیر بودن آنست. از این دیدگاه، هر مفهوم که در جریان تحقیق تغییر پذیرد، از جهتی متغیر خوانده می شود. به عنوان مثال، مرتن (R. K. Merton) مفاهیم و متغیرها را یکسان شمرده می نویسد: «مفاهیم، تعاریف آن چیزی را که باید مشاهده شود، به دست می دهند. آنان متغیرهایی هستند که باید بیشان مناسباتی ملاحظه شوند.»

(Social theory and social structure, P: 89)

انواع متغیرها: Variables, Types of:

متغیر پیوسته Continuous variable

بایسد حتماً کمی باشد، لیکن همه متغیرهای کمی پیوسته نیستند.

متغیر قابل کنترل Controllable ~

در روشهای تحقیق به متغیراتی اطلاق

می شود که کنترل آنان از سوی پژوهشگر ممکن است. در برابر متغیراتی که آنان را غیر قابل کنترل (Uncontrollable) variables می خوانند قرار می گیرد.

Controlled variable

متغیر کنترل شده

متغیر وابسته Dependent ~

به متغیری اطلاق می شود که متاثر از متغیر مستقل یا تابع آن است؛ پدیده ها در هر تحقیق با توجه به هدفهای آن می توانند متغیر مستقل یا وابسته باشند. به عنوان مثال،

سن می تواند در تحقیقی متغیر مستقل و در تحقیقی دیگر متغیر وابسته به حساب آید. چنانچه در يك تحقیق قد متغیر مستقل باشد، متغیراتی چون وزن، متغیر وابسته به حساب می آیند.

متغیر مداخل Intervening ~

متغیر مداخل عبارت است از (۱) تجرید سلسله ای از عملیات تجربی که ماهیتی مرحجاً و نه لزوماً تجربی دارند و متضمن هیچ پیش فرضی در باره وجود مجموعه هایی که فعلاً غیر قابل مشاهده اند، نیستند. (۲) عاملی آزمونی، یعنی متغیری ملموس و از نظر تجربی قابل اندازه گیری که در يك رابطه وارد می شود و می تواند در تغییر آن رابطه به کار آید.

متغیر ناآشکار Discret ~

که می تواند کمی یا کیفی باشد و از

مجموعه‌ای از واحدهای مشخص تشکیل شده است.

متغیر مستقل Independent variable

در روشهای تحقیق به متغیری اطلاق می‌شود که متغیر یا متغیرهایی دیگر از آن تأثیر برمی‌گیرد. متغیر تأثیرپذیر را متغیر وابسته می‌نامند. یک پدیده می‌تواند در تحقیقی متغیر مستقل و در تحقیق دیگر متغیر وابسته به حساب آید.

متغیر اسمی Nominal ~

متغیر ترتیبی Ordinal ~

متغیر الگویی Pattern ~

I- متغیرهای الگویی دوراهیایی است که یک فرد به هنگام عمل باید در آن دست به انتخاب زند. در آغاز، این مفهوم توسط پارسنز (T. Parsons) و شیلز (E. A. Shils) ابداع گردید و هدف از آن نیز راههای عمل، توجیه عمل پس از انجام آن و پیش‌بینی عمل اجتماعی فرد قبل از بروز آن است. این اندیشه در اثر معروف این دو با نام به سوی نظریه عمومی عنوان گردید.

(Toward a General theory of

action, 1951)

II- در اثر فوق‌الذکر دو محقق در

جستجوی دوراهیهای جهانی در برابر فرد به هنگام عمل هستند: ۱) در آغاز قبل از آنکه فرد به کاری دست زند، پاداش‌ها و حوالت‌های ناشی از عمل را بیاد می‌آورد، که پارسنز و

شیلز آن را راهیابی انگیزشی (Motivational orientation) می‌خوانند.

۲) سپس، شخص قبل از اتخاذ تصمیم نهایی در باب عمل، انتظاراتی را به حساب می‌آورد که از تجربه‌های گذشته و به هنگام تصمیم در برابر دوراهیایی که در برابر آن بخوبی عمل کرده آموخته است. و این آن چیزی است که پارسنز و شیلز آن را راهیابی ارزشی (Value orientation) می‌خوانند.

راهیابی انگیزشی، سدشکل یا شیوه می‌یابد:

1- Cognitive mode شیوه شناختی

شامل رفتارهایی است که شخص به هنگام انجام آن وجود شرایطی را ادراک می‌کند و ویژگیهای آنان و همچنین نتایج مترتب بر آنان را در ارضاء یا عدم ارضاء نیازهایش تمیز می‌دهد.

2- Cathectic mode شیوه نیازنگری

شامل رفتارهایی است که به هنگام انجام آن شخص در برابر وضعی خاص با توجه به نتایج حاصل از آن در مورد نیازهایش عمل می‌کند.

3- Evaluative mode شیوه ارزیابی

شامل رفتارهایی است که به هنگام انجام آن، شخص نیروی خود را در برابر راههای گوناگون عمل و در برابر اشیاء شناخته شده در جهت رضایت هر چه بیشتر به کار می‌گیرد. همچنین، راهیابی ارزشی نیز به شیوه‌های شناختی، ارزشیابانه و اخلاقی قابل تقسیم است.

بدینسان، پنج متغیر الگویی قابل تمیزند:

Affectivity - Affective neutrality

۱- التهاب - آرامش

با توجه به اینکه آیا عمل کننده، مشتاقانه و بسی صبرانه درصدد ارضای آنسی نیاز یا خواست خویش است، یا آنکه از آرام و قرار برخوردار است و حاضر است بادر نظر گرفتن عواقب کار، ارضاء خواست خود را بتأخیر اندازد.

Self-orientation - Collective

خودنگری - جمع نگری orientation

با توجه به اینکه آیا عمل کننده به هنگام انجام عمل صرفاً منافع خویش را در نظر می گیرد، یا آنکه به منافع جمع نظر دارد.

۳- عام - خاص Universal-particular

با توجه به اینکه آیا عمل کننده، بهنگام انجام عمل و قبل از اتخاذ تصمیم نهایی به ماهیت عمل و نتایج مترتب بر آن ازدید گاهی عام (با معیارهای عمومی) می نگرد یا آنکه به هنگام انجام عمل معیارهایی خاص و صرفاً شرایط موجود را مطلق نظر قرار می دهد.

Ascription - Achievement

۴- ماهیت مدرک - نتیجه عمل

پارسنز و شاز در مقاله ای دیگر بجای این دو مفهوم، مفاهیم چگونگی (Quality) و عملکرد (Performance) را به کار برده اند. منظور آنکه، فرد عمل کننده قبل از انجام عمل و به هنگام اخذ تصمیم، آیا به ماهیت و چگونگی

امری که در برابر آن قرار دارد می اندیشد یا صرفاً به نتیجه و حاصل کار.

Specificity - Diffuseness

۵- محدودیت و تشخیص - وسعت و عدم تشخیص

با توجه به اینکه آیا میدان مناسبات فرد و پدیده ای که در برابر آن قرار گرفته (موضوع عمل) گسترده و نامشخص اند (روابط زن و شوهر) یا آنکه خاص و محدودند (دشمنك). محققین دیگری سعی در تکمیل اندیشه پارسنز نموده اند. از جمله لیپست (S. M. Lipset) دو متغیر الگویی دیگر به آن افزوده است:

ابزاری Instrumental -

مصرفی - نهایی consummatory

با توجه به اینکه فرد به هنگام عمل هدف نهایی یا ابزار وصول به آن را مطلق نظر قرار دهد.

برابرنگر Egalitarian -

سرآمدگرایی - منزلت نگر Elitist

در صورت اول، معیار، فرد فسی نفسه خواهد بود، در حالیکه در صورت دوم، وضع یا موقعیت شخص مطلق نظر قرار خواهد گرفت. با این همه، باید پذیرفت علیرغم کوشش مولفان فوق الذکر متغیرهای الگویی صورتی نسبی دارند. در هر جامعه و یا حتی در يك جامعه طبقات، گروهها و... از یکدیگر تمایز می یابند. شاید بتوان در مراحل بعد تحقیق بادر نظر گرفتن این متغیرها، ماهیت جامعه یا گروه را بهتر شناخت.

Qualitative variable	متغیر کیفی	<i>The Engineers and price system. The theory of business enterprise. The theory of leisure class.</i>	
نظیر منزلت یا شأن اجتماعى و ... بدان	Attribute		
نیز اطلاق می شود.			
Qnantitative ~	متغیر کمی		
نظیر سن، جنس و ...			
Single ~	متغیر منفرد	Verstehen	درون فهمی
Variable factor	عامل متغیر		
Variability	تغییر پذیری		
Variety	گونه گونی		
Vassal	واسال		
Feudalism	ر. ک.		
Variation , cultural	گونه گونی فرهنگی		
Cultural variation	ر. ک.		
Vengeance . blood	انتقام خون		
Blood vengeance	ر. ک.		
Veblen (T. Bunde)	و بلن		
جامعه شناس امریکایی (۱۸۵۷-۱۹۲۹)			
او را باید از جمله جامعه شناسان انتقادی دانست؛ او مخدوماً سرآمد گرایى (Elitism) را در امریکا مورد انتقاد قرار می داد . به نظرش جامعه ای می تواند اوج گیرد که به تشویق افراد و گروه های پردازد که کار را ارج نهند، از تغییر نهانند، از تنازع و کشمکش نگریزند و بالاخره با واقعیت روبرو گردند. بعضی از آثارش چنین اند:			
		Weber/ Positivism,	ر. ک.
		Comprehensive school.	
		Understanding.	
		Vertical group	گروه عمودی
		Group	ر. ک.
		Verification	وارسی

در روشهای تحقیق، عمل مرتبط به کنترل داده‌ها و محک‌نهادن به فرضیه‌هاست به‌منظور تعیین میزان صحت و سقم آنان؛ این اقدام در سراسر تحقیق به‌طور مستمر تکرار می‌شود.

Vertical social mobility

تحرک اجتماعی عمودی

ر. ک. Social mobility

Vested interest

منافع تثبیت‌شده- منافع خاص

این اصطلاح در آغاز توسط هانری ژرژ (H. George) به‌کار رفت و از آن منافع اقتصادی یک گروه ممتاز در حفظ وضع موجود مستفاد می‌شود.

Vested interest group

گروه هم‌سود- گروه دارای منافع خاص

ر. ک. Group

Veto group

گروه وِئو

ر. ک. Group

Vicarious sacrifice

قربانی نیابتی
قربانی کردن موجودی بجای موجود دیگر
(نظیر قربانی کردن حیوان بجای انسان)

ر. ک. Human sacrifice.

Foundation sacrifice

Vice , Commercialized

فحشای تجاری‌شده

ر. ک. Commercialized vice

Vicious circle

دور باطل

پدیده‌هایی چند به‌صورت عوامل ثابت با تأثیر متقابل صورتی از دور باطل فراهم می‌آورند. به‌عنوان مثال، در شرایط کم‌رشدی، فقدان آموزش، موجب بهره‌برداری ناسازگار از طبیعت و کاستی آگاهی‌میگردد، از جانب دیگر، همین عوامل (بهره‌برداری ناسازگار از طبیعت و کاستی آگاهی) خود موجبات تشدید فقر و تداوم آن را فراهم ساخته امکانات آموزشی را کاهش می‌دهد و کم‌رشدی تداوم می‌یابد.

ر. ک. Cumulative process

Vico (Jean baptist)

ویکو

دانشمند ایتالیایی است (۱۷۴۳-۱۶۶۸) او از صاحب‌نظران فلسفه تاریخ است و حرکت همه جوامع را در بستر تاریخ در سه مرحله می‌بیند: مرحله اول عصر خدا یا نیست مرحله دوم عصر قهرمانان و سوم عصر بشریت. به‌نظر او، همه جریان هستی تابع این مراحل است. انسان در عصر بشریت مرکز ثقل هستی بشمار می‌آید، پس شکوفایی استعدادهایش تحقق می‌یابد، با آن مردم‌سالاری شکل اساسی مدیریت سیاسی می‌گردد و بالاخره همه‌نهادها و سازمانها برمحور انسان و سعادت او شکل می‌گیرند. اثر مهم او در سال ۱۷۲۵ با نام «اصول یک علم جدید» در باره طبیعت مشترک کلیه ملل به‌رشته تحریر درآمد.

ر. ک. Philosophy of history

Village

روستا

تجمع چند خانوار در فضای جغرافیایی معین و با جمعیتی معمولاً کمتر از ۲۵۰ نفر،

شاخص حیات	Vital index	که با در نظر گرفتن اشتغال غالب و یامیزان تجمع صوری چند می پذیرد، نظیر:
مرگ و میر با فرمول زیر:		
کل موالید در یکسال معین	$100 \times \frac{\text{کل موالید در یکسال معین}}{\text{کل مرگ و میر در یکسال معین}}$	
کل مرگ و میر در یکسال معین		
این شاخص را می توان با توجه به متغیراتی چند نظیر سن احتساب کرد:		
کل موالید در یکسال معین از زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله	$100 \times \frac{\text{کل موالید در یکسال معین از زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله}}{\text{کل مرگ و میر در یکسال معین بین زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله}}$	
کل مرگ و میر در یکسال معین بین زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله		
جماعت روستائی	Village community	روستای زراعی Agricultural village
اصطلاحی که در مورد روستاهای قرون وسطی که هنوز نیز به صورتی در برخی از جوامع دیده می شوند، به کار می رود. در چنین حالتی، روستا صورتی مجتمع دارد اشتغال غالب کشاورزی است، ابزار کار ساده و اولیه است و...		روستای ماهیگیری Fishing ~
ر. ک.	Rural sociology/ Rural migrants	روستای صنعتی Industrial ~
مرد مکان	Virilocal	روستای معدنی Mining ~
الزام زن به هنگام ازدواج به اقامت در خانه مرد است. در برابر زن مکان (Uxorilocal).		روستای مجتمع Incorporated ~
ر. ک.	Patrilocality ,	روستای غیر مجتمع Unincorporated ~
مرد مکان	Matrilocality .	به جهت سکونت روستائیان در کنار مزرعه مورد کشت.
سر زندگی	Vitality	
حیات بخشیدن	Vitalize (to)	
لغتنامه	Vocabulary	
حرفه - پیشه	Vocation	
فعالیتی مستمر که موجب تأمین معاش و همچنین عضویت فرد را در یک گروه حرفه ای فراهم سازد.		

Vocational guidance**راهنمایی حرفه‌ای**

کوششهایی منظم که در جهت راهنمایی مخصوصاً جوانان در انتخاب حرفه به عمل آید.

Vocational rehabilitation**نوتوانی حرفه‌ای**

کوشش در راه آموزش شیوه‌هایی خاص به معلولین جهت انجام کارهای مفید.

Vocational training**آموزش حرفه‌ای**

آموزش برای شغلی خاص که معمولاً شامل آموزش نظری و همچنین فعالیتهای عملی است.

Voluntarism**بهخواستخواهی**

۱) راه و رسم یا شیوه عمل مبتنی بر عمل داوطلبانه. ۲) نظامی که بر فعالیتهای داوطلبانه تکیه نماید.

Voluntary association**انجمن داوطلبانه- انجمن بهخواستی**

گروهی که بدون هیچ اجبار پدید آید. در برابر گروههای رسمی، جبری و تحمیلی.

Voluntary contribution

مدرسائی داوطلبانه- مدرسائی بهخواستی

Voluntary cooperation

همکاری داوطلبانه- همکاری بهخواستی

Cooperation

ر. ک.

Voluntary group**گروه داوطلبانه**

ر. ک.

Voluntary parenthood**پدر- مادری ارادی**

امکان جلوگیری از باروری و حتی تعیین شمار و فاصله سنی فرزندان، پدر یا مادر شدن را جهاتی ارادی و به خواست بخشیده است. این مفهوم را در مواردی با پدر مادری برنامه‌ای (Planned parenthood) مترادف به کار می‌برند.

Voyeurism**اطفاء شهوت با نگاه**

نوعی انحراف جنسی است که با آن، شخص با تماشای عورت دیگران یا بدن لخت و یا عمل جنسی آنان اطفاء شهوت می‌نماید. با عورت‌نمایی (Exhibitionism) یکی نیست.

Vulgar**عامیانه، مبتذل**

از واژه Vulgus به معنای عامه و مردم عامی اخذ گردیده است، در معنای مجازی، امر خشن را نیز می‌رساند.

Vulgar errors**خرافات****Vulgar materialism****ماده‌گرایی عامیانه****Vulgarism****عامیانگی****Vulgarization****عوام‌فهم‌سازی**

در برابر سرآمد گرایی (Elitism) یا تقویت فرهنگ خواص (Elites culture) کوشش در تاکید بر فرهنگ تسوده‌وار (Mass culture) است از طریق ساده کردن

مطالب علمى جهت فهم همگان.	نسبت به بیماری یا هر آسیب، آمادگی برای
Vulnerable آسیب پذیر	ابتلا به هر بیماری یا آسیب را می‌رساند.
Vulnerability آسیب پذیری	ازینرو، به آسیب‌پذیری فردی
در برابر ایمنی (Immunity) یا مصونیت،	شخصی و یا گروهی و اجتماعی تقسیم پذیر است. ر. ک. Social Pathology

W

Wage , Living	مزد کافی	(۱۹۱۳ - ۱۸۴۱). در زمره تکامل گرایان
Living wage	ر. ك.	(Evolutionists) است و همانند پیشگامان
Wage , Minimum	حداقل دستمزد	این مکتب چهار مرحله در تطور جامعه
Minimum wage	ر. ك.	می بیند بدین قرار:
Wage , prevailing	دستمزد رایج	(۱) کیهان زادی (Cosmogeny) ،
Prevailing wage	ر. ك.	(۲) زیست زادی (Biogeny) ، انسان زادی
Wage rate	میزان دستمزد	(Antropogeny) و جامعه زادی
Wage scale	مقیاس دستمزد	(Sociogeny)؛ بدینسان بشر امروزی
	سلسله معیارهایی که در طبقه بندی مشاغل	بجای آنکه همه پدیده های هستی را ناشی
	از نظر میزان دستمزد به کار می روند. انواع	از نیروهای کیهانی و سپس طبیعی بدانند؛
	کار ، میزان مهارت ، زمان کار ، مکان و	انسان و سپس جامعه را منبع و خاستگاه حیات
	خطرات کار.	اجتماعی می دانند. انسان خوب، بد، مبتکر،
Wages , Real	دستمزد واقعی	تنبل و... دیگر وجود ندارد ، بلکه جامعه
Real wage	ر. ك.	خوب، بد، مبتکر و تنبل است که چنین
Ward (Lester frank)	وارد	انسانهایی را پدید می آورد. وارد همانند
	یکی از بنیان جامعه شناسی در امریکا است	کنت (Auguste Comte) بین ایستاشناسی
		اجتماعی و پویاشناسی اجتماعی تمیز قائل

می‌شد. برخی از آثارش عبارتند از:
- Dynamic sociology.
Psychic factors of civilization.
Outlines of sociology, pure
sociology. Applied sociology.

وارنر (w) Warner

انسان‌شناس امریکایی است (۱۹۷۰-۱۸۹۸). زمینه‌های تخصص او در قلمرو انسان‌شناسی، توجه خاص به زمینه‌های اجتماعی یا انسان‌شناسی اجتماعی است. در این قلمرو، آثارش «تمدن سیاه» و «مطالعه اجتماعی قبیله‌ای در استرالیا» است. بینش اساسی او در این اثر کارکردگرایی است. پس از آن به تأسی از آثار مایو (E. Mayo) در صدد برآمد تا با کاربرد شیوه‌های انسان‌شناسی به حل مسائل جوامع پیچیده صنعتی بپردازد. نتیجه این کوشش‌های او سلسله انتشاراتی است با نام «شهر امریکایی». دو اثر دیگرش عبارتند از: «طبقه اجتماعی در امریکا»، «زندگی امریکایی: رؤیا و واقعیت».

و بر Weber (Max)

I- از برجسته‌ترین دانشمندان آلمانی است (۱۹۲۰-۱۸۶۴) او را باید از جهاتی بسیار از پیش‌تازان جامعه‌شناسی خواند. چه، او در آغاز، بعد از دیلتای (Dilthey) علوم-انسانی را از علوم طبیعی متمایز ساخت و ویژگی‌های اساسی آن را برشمارد: ۱) علوم-انسانی دارای رسالتی واحدند، چه، محور تمامی آنان یکی (انسان) است. ۲) با توجه

به ماهیت متمایز انسان از موجودات دیگر، روش‌های علوم طبیعی در علوم انسانی قابل اعمال نیستند. ۳) برخلاف علومی چون فیزیک که به قوانین کلی دست می‌یابد، (Nomothetic) در علوم انسانی نباید در صدد بازیابی قوانین کلی و جهانی برآمد. ۴) (Idiographic) عمل اجتماعی را با توجه به ابعاد ذهنی و مخصوصاً تنوع و تعدد ابعاد آن، باید فهمید. از این دیدگاه، او مکتب تفهیمی را بنیان نهاد. ۵) در علم انسان باید بر فراغت از ارزش (Value freedom) تاکید نمود. یا به بیان دیگر، باید علوم-انسانی بر مبنای بی‌طرفی اخلاقی (Ethical neutrality) قوام یابد. این امر نه به معنای بی‌تفاوتی دانشمند در برابر وقایع جامعه است، بلکه جداسازی دو نوع قضاوت (قضاوت ارزشی، Value judgement، و قضاوت واقعی Real judgement) را می‌رساند. تا کار دانش بر ورای جدلهای حزبی جریان یابد و راههای عمل روشن گردد تا آزادی انسان از قید جهل تحقق یابد.

II- با این دیدگاهها، و بر مباحث بسیاری را در دانش اجتماع به مطالعه کشاند. از مهمترین مباحث، مطالعه علل رشد سرمایه‌داری در غرب بود. در برابر بسیاری که ماهیت سرمایه‌داری را مطالعه نمودند، او برخورد سوادلی اساسی بدینقرارد مطرح ساخت: چرا سرمایه‌داری در غرب صنعتی پدید آمد و نه در سایر نقاط جهان؟ بزعم او، نه انباشت سرمایه و نه سودجویی، هیچیک عامل پیدایی سرمایه‌داری

در این نقطه از جهان نیستند، بلکه علت اصلی را باید در رنسانس و پیدائی کالون-گرایى در چارچوب مذهب پروتستانها دانست. بازیابی ریشه‌ها یا اساس اقتدار در جامعه موضوع دیگر مورد توجه او بود. اقتدار یا بر سنتها متکی است که آنرا اقتدار سنتی (Traditional authority) می‌خوانیم، یا بر فره (Charismatic authority) یا بر خرد (Rational authority) سومین زمینه مهم مورد مطالعه وچ، مطالعات موددی در مورد جوامعی چون چین، هند و اسرائیل بود. زمینه چهارم را رابطه قدرت و سیاست با دانش تشکیل می‌داد. رابطه جامعه با اقتصاد، دیوان‌سالاری و مضار آن نیز در زمره زمینه‌های بسیار دیگری بودند که مورد توجه و بر قرار گرفتند و در هر يك آثاری پدید آمد، که برخی چنین اند:

Economy and society.

Sociology and politics.

Social and economic history.

Protestant ethic and the spirit of capitalism.

Scientific methodology.

Sociology of religion.

Authority/ Ideal type ر.ك.

Bureaucracy / Comprehensive school.

We-group گروه خودی

Group ر.ك

رفاه اجتماعى Welfare , social

ر.ك. Social welfare

جهان‌بینی Weltanschauung

واژه‌ای آلمانی است، به معنای نگاه به جهان. در فرهنگ فلسفی و همچنین دانش انسانی و اجتماعی، این مفهوم تصورات، اندیشه‌ها و بینشهای انسان است در باب جهان و مقام انسان در درون آن. بسدینسان، جهان‌بینی، جهاتسی ذهنی، ارزشی، بسیار پیچیده و نسبی دارد.

احساس خودی We - feeling

احساسی جمعی است که بر اساس آن اعضاء يك گروه احساس تعلق به يك «ما» (گروه) می‌نمایند. این امر موجب می‌شود که اعضاء، گروه را از آن خود دانند.

Westermarck, (E. Alexander)

وسترمارك

متفکر و جامعه‌شناس فنلاندی است (۱۸۶۲-۱۹۳۶) آثار بسیاری در زمینه خانواده، تطور آن و همچنین جامعه‌شناسی مقایسه‌ای فراهم نمود. او با نظریه بسیاری که معتقد بودند مادری قبل از پدری پدید آمده است، مخالفت ورزید. او همچنین بر عقاید کسانی چون باخوفن و... که اختلاط آزاد یا هرج و مرج جنسی (Promiscuity) را به عنوان دوره‌ای از تاریخ بشری شناختند، مخالفت ورزید. برخی از آثارش عبارتند از:

The history of the human

marriage. Ritual and belief in Morocco. The origin and development of moral ideas.

غرب گرایی Westernism

غربی ساختن- غربی شدن Westernization

وایت White (Leslie Alvin)

انسانشناس امریکایی است (منولد ۱۹۳۰) او ابتدا به فیزیک روی آورد، سپس به روانشناسی و پس از آن به جامعه‌شناسی و در نهایت به انسانشناسی. زمینه اصلی تفکرش را تطور فرهنگ تشکیل می‌دهد. با توجه به گرایشهایش به جهاتی از مارکسیسم، او این تطور را از روزنه ماده گرایی تاریخی و با پذیرش اولویت عوامل اقتصادی مطرح نظر قرار داد. اثر برجسته اش مفهوم فرهنگ *(The concept of culture)* است که با همکاری دیلینگهام (Dillingham) پدید آمد.

White collar crime

جرم یقه سپیدان
در اصطلاح، به تخلفاتی اطلاق می‌شود که خاص طبقه متوسط است (نظیر ارتشاء؛ طفره از پرداخت مالیات و...)

White collar workers

کارگران خدماتی
در اصطلاح جامعه‌شناسی، به کسانی اطلاق می‌شود که کارشان نه بدنی است، نه آنکه به تولید کالایی عینی منتهی می‌شود.

(نظیر کارکنان دفتری، مدیران و فروشندگان)

سفید برتری White supremacy

به نظامی اطلاق می‌شود که در آن گروهی به جهت رنگ پوستشان اقلیت یا گاه اکثریتی (سیاه یا سرخ‌پوست و...) را به انقیاد کشند. مفهوم دیگر نزدیک به آن سفید سالاری (Albocracy) است. بدان ر. ک. ر. ک. Apartheid. Racism

زن بیوه بر اثر فوت همسر Widow

زنی که شوهرش را بر اثر فوت از دست داده و بار دیگر ازدواج نکرده است.

هرد بیوه بر اثر فوت همسر Widower

همسر ربایی wife - capture
ر. ک. Marriage by capture
خرید همسر wife - purchase
ر. ک. Marriage by purchase

اراده Will

در حالی که محور اصلی مکتب اختیارگرایی (Libertarianism) تاکید بر آزادی و ارجح بر اراده انسانی است، در جبر-گرایی (Determinism) و یا جبر آئینی (Necessitarianism) عکس این اندیشه رایج است (به هر یک ر. ک.)

اراده آزاد Will ' Free

ر. ک. Free will theory
Libertarianism.

Will , Group

اراده گروه - اراده گروهی
ر. ک. Group will

Will , Individual اراده فردی
Individual will ر. ک.
wish , Dominant خواست غالب
Dominant wish ر. ک.

Wissenssoziologie

جامعه‌شناسی معرفتی تام

مفهومی آلمانی است که در اصطلاح، به آن شاخه از جامعه‌شناسی معرفتی اطلاق می‌شود که شیوه‌های اندیشه همه افراد را ناشی از ماهیت گروه‌های اجتماعی که بدان تعلق دارند، می‌داند. لیکن، برخلاف مارکس گرایان که بر طبقه اجتماعی تاکید دارند، با این بینش، طرز تفکر نه تنها در طبقه اجتماعی، بلکه در گروه همسالان، گروه‌های شغلی، گروه‌های مذهبی و... تکوین یافته، رشد می‌یابد.

Women's right movement

نهیض حقوق زنان

نهیضی که در نیمه اول قرن نوزدهم پا گرفت و هدف از آن برابری مرد و زن در برابر امکانات اشتغال و دستمزد ناشی از کار و دفاع از حقوق زنان در دیگر زمینه‌هاست. هرچند جوانه‌های این نهیض ابتدا در انگلستان پدید آمد، لیک، در آمریکا بود که پیدایی و شکوفایی این نهیضها به اوج رسید.

Suffragette, Feminism ر. ک.

women's occupation

اشتغال زنان
 علیرغم اشتغال مردان، که پدیده‌ای

طبیعی شمرده می‌شود، اشتغال زن با مسائلی بسیار مواجه گردیده. از اینرو، در جوامع گوناگون اشکالی بسیار گوناگون یافت، در زمینه‌های مختلف، به‌طور نایکسانی جلوه نمود و بالاخره در طبقات اجتماعی مختلف، متفاوت گردید؛ بسیاری را عقیده بر این است که اشتغال زن با اخلاق جامعه تناقض دارد. برخی دیگر بر این باورند که خروج زنان از خانه، موجبات رقابت آنان را با مردان فراهم می‌سازد و مخصوصاً آنجا که اشتغال تام وجود ندارد، یعنی تمامی جمعیت فعال به کار مشغول نیست، اشتغال زنان موجب بیکاری بیشتر مردان می‌شود. بعضی نیز بر این اندیشه‌اند که اشتغال زنان موجب می‌شود که آنان به وظایف همسری کمتر توجه نمایند و ازدیاد طلاق از آن منشأ می‌گیرد؛ یا آنکه به وظایف مادری توجه کمتری می‌نمایند و نسل آینده از آن آسیب می‌بیند. از این‌رو با توجه به همه این نکات، باید دید، این پدیده خاص و مهم قرن ما (خروج زنان از خانه) یعنی اشتغال زن در واقعیت جهان ما چگونه تجلی کرده است:

«طبق سرشماری سال ۱۳۳۵، ۶۶۶۶۰۷۹ فرد فعال در ایران دیده می‌شود که در بین آنان فقط ۵۷۳۳۳۵ زن به چشم می‌خورد این بدان معناست که در این سال تقریباً ۹۰٪ جمعیت فعال ایران را مردان تشکیل می‌داده‌اند».

(Amani: analyse sociologique,

P: 200)

II- اشتغال زن و تفاوتهای طبقاتی:

لیک، زنان آنچنانکه از تحقیقات انجام شده برمی آید، در همه سطوح طبقاتی با گرایشهایی یکسان در برابر کار قرار نمی گیرند:

نتایجی که در کتاب زن در جامعه اثر لو (C. Lauve) از این دیدگاه، یعنی گرایش تفاوت زنان به بازار کار، با توجه به شرایط طبقاتی آنان در فرانسه به دست می آید، جالب است: در بین کارگران، ۳۳٪ زنان کاری کنند و از جهت دیگر نسبت زنانی که کار می کنند و در عین حال مادر نیز هستند، فقط ۲۲٪ است (این نسبت) در بین کارگران زیادتر است. لیک یک سوم این زنان کار نیم وقت دارند و مشاغل آنان در این سطوح توزیع می شود: خدمتکار، نگاهدار کودک، کارگر، کارمند ساده اداره. در بین طبقات متوسط این گرایش به کاستی می گذارد و کار زن به کمتر از ۲۵٪ می رسد. در مقابل و به طور طبیعی سطح اشتغال بالا می رود، آنچنان که مشاغل این زنان در چنین سطوحی قرار می گیرند:

منشی، مددکار اجتماعی، معلم، حسابدار فروشنده و در بین طبقات مرفه بازهم زنان کمتری کار می کنند (فقط ۱۰٪).

(Chombart de laue, P. H .

La Femme dans la société P. 58)

III- اشتغال زن و گرایشهای شغلی:

تفاوتهای زن و مرد و جذب متمایز زن در بازار کار با نقشهای متمایز زن نیز در جامعه

بعد از این سرشماری، آمارگیری نمونه در سالهای اخیر توسط مرکز آمار ایران و وزارت کار صورت گرفته و ارقامی تازه به دست می دهد که از این قرارند:

با توجه به این ارقام درصدد زنان شاغل با توجه به کل شاغلین کشور (۷۶۳۵۶۳۸) ۹۸۹٪ است و درصدد شاغلین مناطق شهری ۱۵۰۴٪ نسبت به کل زنان شاغل کشور (۷۵۵۰۹۵) است و حال آنکه درصدد شاغلین مناطق روستائی ۸۵۰۵۹٪ نسبت به کل زنان شاغل کشور (۷۵۵۰۹۵) می باشد.

از دیدگاه اشتغال زن تباین خاص جوامع صنعتی و جوامع در حال توسعه مخصوصاً تحول سریع جوامع نوع دوم در برابر ثبات نسبی جهان صنعتی است. آمار نشان می دهد که ۵۲ تا ۵۳ درصد جمعیت ایران را مردان و ۴۷ تا ۴۸ درصد بقیه را زنان تشکیل می دهند و میزان فعالیت جمعیت فعال: شاغلان و بیکاران به کل جمعیت در سال ۴۵ مساوی با ۳۰٪ بوده، درحالی که در سال ۵۱ این رقم به ۲۸٫۵٪ نزول کرده است، در سال ۱۳۴۵، میزان فعالیت مردان ۵۰٫۴٪ و میزان فعالیت زنان ۸۳٪ بوده است در حالی که در سال ۱۳۵۱ این نسبت ها به ترتیب به ۴۹٫۳٪ و ۶۱٪ تغییر یافته است. زمانی که از این دیدگاه یعنی جمعیت در سن کار به جمعیت ایران می نگریم، مشاهده می کنیم در سال ۱۳۴۵، ۵۲٫۲٪ جمعیت مردان در سن کار بوده اند (۱۰ تا ۶۴ ساله) در مقابل ۴۷٫۸٪ زنان.

مردان، در اکثر موارد بدون تردید می گویند زنان در بعضی از مشاغل مرجحند. زمانی که از زنان و مردان خواسته می شود به ترتیب، مشاغلی را که زنان بهتر انجام می دهند، مشخص می دارند. می بینیم نه تنها هر دو گروه به توزیع وظایف و رجحان زنان در بعضی حرف می اندیشند، بلکه هر يك اولویتهایی خاص خود دارند و حرفی خاص را در تخصص زن می پندارند. مردان قبل از همه، کارهایی را خاص زن می دانند که ظریف اند (۳۷٫۷٪ از مردان) سپس کارهای دفتری (۲۸٪) و بعد از آن تخصصهایی نظیر خیاطی (۳۲٫۲٪) را در محدوده کار زن جای می دهند. این توزیع تخصص از دید مردان با دیدگاه زنان یکسان نیست، آنان خدمات اجتماعی، مهمانداری، تماس با مردم را در مرتبه اول (۲۳٫۸٪) و سپس آموزش (۲۱٫۱٪) را در مرتبه دوم حرفه خود می پندارند.

• گذشته از این، اشتغال زن با توجه به متغیراتی چون، سن، وضع ازدواج، تعداد فرزندان زنان تصویری خاص می یابد و به طور کلی هم از دیدگاه عینی هم از نظر ذهنی، ساختی خاص در اشتغال زن تجلی می نماید.

اشتغال زنان در ایران و جهان، با تسخیر فضاهای شغلی جدید توسط زنان همراه گردید، دستیابی زنان را به درآمد اقتصادی موجب شد و ایک، در سراسر جهان می بینیم که «اشتغال زن به معنای کاهش ابعاد مسئولیت وی، در خانه نیست، حرکت زن از خانه و

(Daric J, L, Activité professionnelle P. 688)

آماري که در این زمینه در مورد ایران داریم، از آمارگیری نمونه وزارت کار و نیز مرکز آمار ایران بدست می آید و نشان دهنده هم ابعاد گسترده کارکنان فامیلی است که از ۴ زن شاغل يك نفر را در بر می گیرد و هم آنکه از جذب عجیب زنان ایرانی در فعالیتهای استخراج و تولید نشانی به دست می دهد (۶۴٫۵٪) و گرایش متفاوت زنان به بازار کار با توجه به سطوح طبقاتی و آمادگی خاص هر يك از بخشهای اقتصادی در جذب زن که خود به پیدایی توزیع تازه ای از نقشهای اجتماعی بر اساس جنس می انجامد، نه تنها در واقعیت بلکه توسط وجدان جمع نیز تایید می گردد. تحقیقاتی که در فرانسه توسط ژان داریک (J. Daric) در همین زمینه صورت گرفته است نشان می دهد که

توانایی بودن اشتغال زن، یکی از راههای مواجهه با این مسأله خواهد بود؛ زمانی که زن ازدواج می کند و مخصوصاً آنگاه که صاحب فرزند می شود و سپس فرزندانش تعدادی یابند، باید بتواند شغل خود را به طور موقت رها ساخته به تمامی اشتغالات حساس و ظریف نگاهداری از خانه و فرزندان پردازد (همان اثر، ص ۴۶).

ر.ك: occupational sociology
حق رای زنان women's suffrage
حق طبیعی زنان در شرکت در انتخابات و گزینش نمایندگان ملت.

ر.ك: Feminism/Suffragette

World population growth
رشد جهانی جمعیت

حجم جمعیت جهان را به سال ۸۰۰۰ قبل از میلاد، ۵ میلیون نفر تخمین زده اند و در ۴۰۰۰ قبل از میلاد، ۸۶ میلیون نفر. در زمان مسیح، آنرا به ۱۳۳ تا ۳۰۰ میلیون نفر حدس زده اند و حال آنکه در سال ۱۶۵۰ میلادی، جمعیت جهان به ۵۰۰ میلیون نفر رسید. ازین تاریخ به بعد، ظرف ۳۰۰ سال جمعیت جهان به دو برابر و نیم افزایش یافت. جمعیت کنونی جهان را بیش از پنج میلیارد نفر می دانند و بسا رشد ۷۶ میلیون نفر در سال به سال ۲۰۰۰ جمعیت جهان ۶۰۵ میلیارد نفر خواهد بود.

ر.ك: Demography
نیروی کار Work-force
گروه کار Work-group

مشارکت وی در فعالیتهای تازه اجتماعی به موازات خود بازگشت مرد را به خانه و تسهیم وظایف خانگی را به همراه نداشته است و همه شاخصهایی که در این بررسی به کار آمد حکایت از آن دارد (ساروخانی، ب) اثرات اشتغال زن بر خانواده: تحقیقی در شهر تهران، ص ۱۷۶)، از پیوند اشتغال زن در خارج از خانه و عدم تغییر در ساخت نقشهای زن و مرد در خانه، کار بسیار زن ناشی می شود، آنچنانکه زن جدید با تقبل وظایفی گاه دشوار در خارج از خانه، هنوز باید تقریباً همه کارهای خانه را نیز به عهده گیرد (ساروخانی، ب) نتایجی از بررسیهای اثرات اشتغال زن بر خانواده، فرهنگ و زندگی (ص ۷۱)، شاید هم از همین روست که در مطالعه عقاید زنان در مورد اشتغال در ایران به نوعی گرایشهای محتاطانه برمی خوریم: چنین به نظر می رسد که زن ایرانی با گرایشی وسیع اشتغال زن را می پذیرد، لیک در این پذیرش، واقعیات را نیز مطمح نظر دارد؛ واقعیت این است که خروج زن از خانه با ورود مرد به خانه (و ارزش زدایی کارهای خانگی با عدم تلقی آنان به عنوان کارهای پست) همراه نگردیده است، چه خروج زن از خانه به معنای تسخیر فضاهای تازه تلقی گردیده است، در حالیکه ورود مرد به خانه، نظر به عقاید قالبی و ارزشهای منفی مترتب بر خانه داری سخیف تلقی گردیده است» (ساروخانی، ب) پژوهشی پیرامون اشتغال زن در تهران (ص ۴۶)؛ بالطبع، پذیرش

توانایی بودن اشتغال زن، یکی از راههای مواجهه با این مسأله خواهد بود؛ زمانی که زن ازدواج می کند و مخصوصاً آنگاه که صاحب فرزند می شود و سپس فرزندانش تعدادی یابند، باید بتواند شغل خود را به طور موقت رها ساخته به تمامی اشتغالات حساس و ظریف نگاهداری از خانه و فرزندان پردازد (همان اثر، ص ۴۶).

ر.ك: occupational sociology
حق رای زنان women's suffrage
حق طبیعی زنان در شرکت در انتخابات و گزینش نمایندگان ملت.

ر.ك: Feminism/Suffragette

World population growth
رشد جهانی جمعیت

حجم جمعیت جهان را به سال ۸۰۰۰ قبل از میلاد، ۵ میلیون نفر تخمین زده اند و در ۴۰۰۰ قبل از میلاد، ۸۶ میلیون نفر. در زمان مسیح، آنرا به ۱۳۳ تا ۳۰۰ میلیون نفر حدس زده اند و حال آنکه در سال ۱۶۵۰ میلادی، جمعیت جهان به ۵۰۰ میلیون نفر رسید. ازین تاریخ به بعد، ظرف ۳۰۰ سال جمعیت جهان به دو برابر و نیم افزایش یافت. جمعیت کنونی جهان را بیش از پنج میلیارد نفر می دانند و بسا رشد ۷۶ میلیون نفر در سال به سال ۲۰۰۰ جمعیت جهان ۶۰۵ میلیارد نفر خواهد بود.

ر.ك: Demography
نیروی کار Work-force
گروه کار Work-group

- آنان بدینقرارند:
- Work , social مددکاری اجتماعی
Social work ر. ک.
work , studies of مطالعه کار
Studies of work ر. ک.
worker, Migratory کارگر مهاجر
Migratory worker ر. ک.
worker , social مددکار اجتماعی
Social worker ر. ک.
working capital سرمایه خالص
سرمایه یا داراییهای جاری خالص يك
فرد یا مؤسسه اقتصادی (بدون احتساب اعتبارات).
Working class طبقه کارگر
قشری وسیع از کارگران یدی و غیریدی
است که از نظر پایگاههایش در جریان تولید،
نوع کار، درآمد، اعتبار اجتماعی و نحوه
صرف درآمد، ویژگیهای خاص خود را
دارد.
Working class conservatism محافظه کاری طبقه کار
تغییر موضع طبقه کارگر (و یا دست کم
جزء وسیعی از آن) از چپ به راست یا راست
میان، مدتهاست مخصوصا (بعد از جنگ
بین المللی دوم) توجه جامعه شناسان را بخود
جلب کرده است، نمونه بارز این تغییر موضع را
گرایش انتخاباتی طبقه کارگر در انگلستان (در
حد یک سوم یا دو پنجم) بسوی حزب محافظه
کار می دانند. در مورد علل این تغییر،
نظریه های بسیاری ارائه شده اند که برخی از
- بسط رونند بورژوازی
(Embourgeoisement) در جوامع جدید
صنعتی
– سلطه تبلیغات جدید منبعث از سلطه
بورژوازی و ایجاد آگاهی کاذب (False
consciousness) طبقاتی.
– پیدائی قشر تازه ای در بین کارگران
جدید جوامع صنعتی که بدان کارگران فرمان
بر (Deferential Workers) اطلاق می شود.
– پیدائی و بسط طبقه متوسط در جامعه
جدید.
– گسترش امکانات مادی کارگران
صنعتی و پیدائی کارگران متمکن (affluent
worker).
علت این امر هر چه باشد، نتیجه نزدیکی
بیشتر گروههای اجتماعی از دیدگاه طبقاتی است.
Deferential worker ر. ک:
Embourgeoisement
Social Class
Affluent worker
Working condition شرایط کار
به شرایطی اطلاق می شود که محیط
پیرامون کار را تشکیل می دهند (نور،
امکانات، ساعات و حجم کار و...)
ر. ک. Mayo
Working life دوره فعالیت
زمانی است بین سن آغاز به کار و سن
پایان فعالیت. در برخی از کشورها حداقل

سن ورود به بازار کسار توسط قانون تعیین شده است.

Working population

جمعیت فعال

تعدادی است از کل جمعیت که بار دیگران (پیران، کودکان، ازکارافتادگان، بازنشستگان و...) را بدوش می کشد و تولید، توزیع و ارائه خدمات را به عهده دارد.

Working status

پایگاه شغلی

Worship , Ancestor

نیاپرستی

Ancestor worship

ر. ک.

Wrong (Dennis Hume) رانگ

جامعه شناس امریکایی است. (متوالد ۱۹۲۳) زمینه های تخصص او جامعه شناسی سیاسی، جمعیت شناسی و نظریه های اجتماعی است. بینش خاص او مطالعه پدیده های اجتماعی از دیدگاه تاریخی است. اثر برجسته اش در آغاز تحت عنوان «جمعیت» منتشر شد و سپس با تجدیدنظر نام «جمعیت و جامعه» به خود گرفت.

X

Xenocentrism بیگانه مداری

(Oscar Handin, : 14-15)

این مفهوم در برابر قوم مداری (Ethnocentrism) قرار می گیرد و این باور را می رساند «که کالاهای، روش زندگی و اندیشه های ما در برابر خارجیان پست و بی اهمیت اند.» (Horton : 73)

بیگانه مداری، مظهر تحقیر خویشتن و فرهنگ جامعه خویشتن است در مقابل کشورهاییکه از صنایع و تکنولوژی برتری برخوردارند، بنابراین سرزمین اصلی بیگانه محوری جهان سوم است، نظر اوسکار هندین در مورد جامعه آمریکا جالب است: او در اثرش «مردم سالاری لیبرال و تصویر آمریکا» می نویسد: «انتقاد از جامعه آمریکا که زمانی از جانب اشراف مطرح می شد، حالا از جانب روشنفکران نیز عنوان می شود. آمریکای شمالی را بعنوان کشوری می شناسند که نمونه یا منبع فرهنگی است متکی بر مالکیت، ستایش کالاهای مادی و از این دیدگاه جامعه در معرض قضاوتی سخت و غیر منصفانه قرار گرفته است.»

Xenocentrism بیگانه محوری

از ریشه Xenos در معنای خارجی و پسوند مرکز یا محور اخذ گردیده است. توجه مفرط به بیگانگان و وضع قوانینی خاص به نفع آنان است.

ر. ک. Capitulation

Xenogamy بیگانه همسری

شیوه ای ترجیحی در همسرگزینی (Preferential mating) است که با آن گزینش همسری بیگانه مرجع پنداشته می شود.

ر. ک. Exogamy

Xenophobia

بیگانه ناخواهی- بیگانه هراسی

۱) عدم گرایش به بیگانه است تا حد بیگانه ناخواهی یا تنفر از بیگانه (۲۰) همچنین ترسی مرموز از بیگانه را می رساند. این دو گرایش، جدا یا آمیخته می تواند به گریز از بیگانه، یا حتی ایداء او انجامد.

ر. ک. Chauvinism/ Ethnocentrism

Y

Yield

(۱) در جامعه‌شناسی کار و شغل، به معنای بازده، تولید حاصل از کار جمعی است. (۲) در روانشناسی اجتماعی به معنای نتایج حاصل از بهره‌دهی گروه در زمان خاص است. (۳) و در اقتصاد به معنای بازده سرمایه، اوراق قرضه و سهام شرکتها به کار می‌رود.

Yield- capacity

ظرفیت تولید

Yield rate

میزان بازده

Yoke

یوغ، سلطه

(۱) در معنای نخستین رابطه‌ایست که بر تسلط غیرقابل توجیه فرد یا گروهی بر دیگر(ان) استوار باشد.

(۲) در معنای مجازی پیوند زوجیت را نیز می‌رساند.

بازده Youth culture and characteristics

فرهنگ و ویژگیهای جوانان

موضوع جوانی و جوانان از اهم مباحث در دانشهای اجتماعی در جوامع جدید و روزگار ماست، زیرا:

- در این جوامع جوانی معنایی دیگر می‌یابد. جوان با استمرار سالهای طولانی تحصیل از اشتغال و مسئولیت به دور است و با بزرگسال از این نظر تفاوت دارد.

- جوانان با توجه به عدم ازدواج یا صورتی خاص از آن که دوستانه (Companionate marriage) ساده و بی

پیرایه می‌شود و در آن زن و مرد به‌خانه‌ای نو

کشورهای جهان به شمار می آورند.

با توجه به این ویژگیهاست که جوانان در عصر ما به عنوان قدرتی در حیات اجتماعی-سیاسی جوامع تجلی می نمایند؛ آنان تاریخ و درموردی بسیار سرنوشت جامعه را به دست گرفته، راهبری می نمایند. از اینروست که مطالعه جوانان در عصر ما از اهمیتی خاص و شگرف برخوردار است؛ مفهوم لغوی جوان^۱.

ابتدا مفید به نظر می رسد در باره گروههای سنی مورد مطالعه توضیحی داده شود. به طور کلی سن جوانی شامل گروههای ۱۳ تا ۲۴ ساله می شود، اما باید بین «نوجوانان» و «جوانان» فرق گذاشت. از نظر جامعه شناسی بهتر است جوانان را به دسته های کوچکتری تقسیم کنیم و این کار می تواند به شیوه های مختلف صورت گیرد. دوره نوجوانی با همه تغییرات جسمانی که مشخص کننده آن است معمولا در حدود ۱۸ سالگی و گاهی نیز در بعضی از مناطق و در بین بعضی از گروههای اجتماعی زودتر از این سنین پایان می پذیرد. باید اضافه کنیم که فرد بزودی رفتار خود را کاملا منطبق با تغییرات جسمانی خود

می روند (Neolocality) و از سلطه پدر و مادر بدورند، آزادی بیشتر احساس می نمایند و از امکان بیشتری در استقرار خرده فرهنگی در بطن فرهنگ جامعه برخوردارند.

— در جامعه نو، با توجه به سرعت تغییرات، باز برخلاف جامعه سنتی جوان کمتر احساس وابستگی به سالمندان می کند، چه، از طرفی گسترش صنعت چاپ وابستگی به انتقال دانش از طریق پیران را کاهش داده است، و از طرف دیگر، با توجه به آهنگ سریع تغییرات کمتر سالمندی است که با دنیای جوان آشنا باشد و از دانش زمان جوان اطلاع داشته باشد.

بدینسان خرده فرهنگهای جوانان در مواردی ص—ورت ضد فرهنگ (Counter-culture) می یابند و در برابر ارزشهای جامعه سخت مقاوم می شوند.

— از جانب دیگر، باید وسعت کمی جوانان را مورد توجه قرار داد، در سال ۱۶۹۰، در ژاپن، ۱۸۵۸۰٪ جمعیت بین ۱۵ تا ۲۴ سال داشتند، در برخی از کشورهای جهان سوم، نصف جمعیت کمتر از ۳۰ سال دارند و کشور ما (ایران) را از جوانترین

۱- در این مقاله قسمتهایی از نوشته زیر ترجمه و آمده است:

Rosenmayer ' L, Introduction á la sociologie de la Jeunesse, in, Revue internationale des sciences sociales, 1968, XX, 2, PP: 318-335.

متن کامل این نوشته، در سال ۱۳۵۸ توسط موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، به صورت پللی کپی تکثیر گردید.

نمى کند، بلکه طرز تلقى (Attitude) و رفتار مخصوص «نوجوان» به مرور تغییر مى پذیرد. از ۷۵ سال به این طرف از طرفى سن بلوغ کاهش یافته و از طرف دیگر تظاهرات آن در بین جمعیتى که از جهات گوناگون همسانى دارند تنوع یافته است. تماس دختر و پسر و حتى روابط جنسى آنها پیش از آنکه پیوند زناشویى بسته شده باشد امروز زودتر از همیشه شروع مى شود.

مقررات بسيارى از كشورها اهميت مخصوصى به ۱۸ سالگى مى دهد و این خود نتیجه و در عین حال علت تفاوت های روزافزون اجتماعى است.

در گروه سنى ۱۳ تا ۱۸ ساله تظاهرات بلوغ تنوع بسیار مى یابد، تنوعى که خود از نظام های گوناگون تحصیلى نوجوانان منشأ مى گیرد.

در گروه های سنى ۱۸ تا ۲۴ ساله ظاهراً تنوع کمتری دیده مى شود. در تحقیقى جدید پیشنهاد کردیم که گروه های سنى برحسب ملاکهایى از قبیل شغل، ازدواج، وضع فرد در برابر قانون توزیع شوند تا بدینوسیله نقش دیگرگونى های اجتماعى و اقتصادى ناشى از تفاوت های سنى معلوم گردد.

فید هاردت (F. Neidhardt) این تقسیم بندى را پذیرفته است. اما با ملاحظه

این مطلب که در امریکا يك چهارم دختران در ۱۸ سالگى ازدواج مى کنند (میانگین ازدواج برای دختران ۲۰ سالگى و برای پسران ۲۳ سالگى است)^۲ مى توان گفت که حتى اگر صرفاً به ازدواج جوانان توجه کنیم گروه هایى که سن آنها بین ۱۸ تا ۲۴ یا ۲۵ سالگى است از لحاظ جامعه شناسى متفاوتند.

قبلاً گفته ایم باید جوانى را همچون فرایندى (Process) و نسل جوان را چون قسمتى از کل جمعیت در نظر گیریم، گروه سنى ۱۵ تا ۲۴ ساله، ۱۲ تا ۲۱ درصد جمعیت را تشکیل مى دهد و تعداد آنها در کشورهای در حال توسعه امریکای جنوبى، افریقا، آسیا همانطور که از جدول زیر بر مى آید، باز هم بیش از این است.

جدول (۱)

نسبت جمعیت ۱۹۶۱-۲۰۲۴ ساله در بعضى از كشورها

کشور	سال	درصد جمعیتى که سن آن		
		از ۱۹۶۱ تا ۲۰۲۴	از ۲۰۲۴ تا ۲۰۴۰	از ۲۰۴۰ تا ۲۰۶۱
فرانسه	۱۹۶۱	۷/۸۱	۷/۱۲	۱۲/۹۳
انگلستان	۱۹۶۱	۶/۹۵	۶/۳۴	۱۳/۲۹
امریکای شمالی	۱۹۶۰	۷/۳۷	۶/۰۲	۱۳/۳۹
ایتالیا	۱۹۶۰	۷/۳۰	۸/۱۴	۱۵/۴۴
آلمان غربی	۱۹۶۰	۷/۳۱	۸/۶۴	۱۵/۹۵
مصر	۱۹۶۰	۸/۲۹	۶/۹۱	۱۵/۲۰
پاکستان	۱۹۶۱	۸/۲۴	۷/۶۴	۱۶/۸۸
ونزوئلا	۱۹۶۱	۹/۴۴	۸/۲۱	۱۷/۶۵
کامبوج	۱۹۵۹	۹/۸۰	۸/۱۵	۱۷/۹۵
مکزیک	۱۹۶۰	۱۰/۱۲	۸/۴۴	۱۸/۵۶
ژاپن	۱۹۶۰	۹/۹۲	۸/۸۸	۱۸/۸۰
تانگانیکا	۱۹۵۷	۱۰/۲۹	۹/۲۴	۱۹/۵۳
برو	۱۹۵۵	۱۰/۶۹	۹/۰۱	۱۹/۷۰

۱- نویسنده جامعه غرب را در نظر دارد.

۲- برای توضیح بیشتر به کتاب زیر مراجعه شود:

A. W. Green: Sociology: an analysis of life in modern society
New York, 1960, P: 403

شرایط اجتماعى جوانان:

تحولاتى چند موجد و یا دست کم موثر در شرایط اجتماعى و اقتصادى امروز نسل جوان است، مابدون اینکه روابط این تحولات را بررسى کنیم فقط به ذکر آنها مى پردازیم. زیرا بعضى از اطلاعات ما با عواملی که تطابق چندانی با چنین سیر تحولی ندارند پیوسته اند و ناچار این امر هر گونه تعمیمی را غیر ممکن می سازد.

میزان مرگ و میر نوجوانان ۱۵ تا ۱۹ ساله تنزل فاحش یافته و امروز می توان صرفاً حوادث و اتفاقات را علت مرگ و میر در این گروه ها دانست. در جامعه صنعتی امروز می توان گفت که ازدواج از ۵۰ سال پیش بیشتر است. میزان موالید نامشروع کاهش یافته و بیشتر زنان مزدوج صاحب فرزند می شوند، سن ازدواج نیز مسأله پیچیده ای شده است. زیرا اطلاعاتی که در اختیار ماست نشان می دهد که سن ازدواج از سال ۱۸۶۰ پایین تر آمده است. اما به روشنی می بینیم که این تغییر فقط مخصوص طبقات متوسط است.

تحولاتی که در تعلیم و تربیت بوجود آمده اند بر حسب کشور و حتی مناطق آن فرق می کنند، اما چنین به نظر می رسد که هر جا تعلیمات ابتدایی وجود داشته است کوشش شده تا دوران تحصیل افزایش یابد و هر جا که افراد بی سواد بوده اند سعی بر این بوده است که این افراد از حداقل تحصیل برخوردار شوند.

این دگرگونیها مخصوصاً در جهت آموزش زنان و دختران تاثیر مهمی برجا گذاشته اند، در مؤرد تحصیلات عالی باید گفت که مثلاً در اطریش در سال ۱۹۱۹ فقط شش درصد دانشجویان دختر بودند در حالیکه امروز این تعداد به ۴۰ درصد رسیده است. قوانین سودمندی به حال جوانان دختر و پسر وضع گشته، فعالتهای سندیکایی رونق یافته و بیمه های اجتماعی کشورها بیش از پیش به حمایت از جوانان پرداخته اند. اینها تحولاتی هستند که در جهان کنونی رخ داده اند و ما را در شناخت بهتر جامعه شناسی جوانان راهنمایی می کنند.

جنبه های اجتماعى و فرهنگى نوجوانان

تقریباً ۴۰ سال پیش از این زیگفرید برن فلد (S. Bernfeld) پیشنهاد کرد که جوانان و مسائل آنان را از نظر روانی- اجتماعى و حتی جسمانی مورد مطالعه قرار دهیم. نظرات این دانشمند ما را یاری کرد تا امروز از این واقعیت که واکنش های روانی فرد در هنگام بلوغ در برابر تغییرات جسمانی شدیدتر از دیگر مراحل زندگی اوست آگاه شویم. این واکنشها با احساس عدم اعتمادی همراه می شوند که بنوبه خود جوان را نسبت به نظام ارزشها و هدفهای جدید حساستر می کنند.

جوان دیگر به قبول ساده نظامهای ارزشی با دیدی کسودکانه اکتفا نمى کند، بلکه

سازمانى تازه در روان نوجوان بوجود مى آید که او را در پذیرش بهتر انگیزه هاى اجتماعى یارى مى کند.

درست در این دوره است که تأثیر خانواده رو به کاهش مى گذارد. مخصوصاً انعطاف پذیری شدید نوجوان او را به سوى هدفهای سیاسى مى کشاند.

رهبران اینگونه جنبشها به خوبى مى دانند که ایده ها بیشتر در جوانى کسب و به مرور ثابت مى شوند و هر دستگاه سیاسى موقعى استحکام مى یابد که جوانان به سوى آن کشیده شوند. مى توان گفت که در این سنین تأثیرات اجتماعى و فرهنگى به اوج اهمیت خود مى رسند. به عبارت دیگر، شاید بتوان گفت که کودک و پیر بیش از همه از نظر نیازهای پزشکى به اجتماع وابسته اند. در حالیکه از نظر جامعه شناسى، به طورکلى جوانان هستند که گروههای وابسته به اجتماع را تشکیل مى دهند، جوانان تنها به بعضى از ارزشهای اجتماعى کشیده نمى شوند، بلکه برای تسکین دلواپسى های روحى خود ناچارند آرمانى نیز داشته باشند، آرمانى که بدان دل مى بندند و آن را از خود مى دانند. جوانان به نیرو محتاجند و آن را در تصاویر سمبها، انگاره ها و ابتهایی که به آن مى گرایند و یا گرایانده مى شوند جستجو مى کنند. در اغلب جوامع صنعتى جوانان به هیچوجه نمى توانند تمایل جنسى خود را به نحو کامل ارضا کنند. آنها نمى توانند از داشتن يك قدرت اجتماعى برخوردار شوند و نیز توانایی

بیان انتقادات خود را ندارند. سن آنها، تحصیلات ناتمامشان، رشد اجتماعى و استقلال اقتصادى ناقص آنها همه موجب مى شوند که نوجوانان نتوانند رضایت خاطرى کامل و تمام عیار بدست آورند و این حالت سبب مى شود که آنها برای باز یافتن تعادل خود به آرمانهایی بگروند.

پروفسور منشین سکايا (Menchinskaya) عضو فرهنگستان علوم تربیتى مسکو، این مطلب را با بررسی جوانانى که خود را در قالب قهرمانان ملی روسیه مى دیدند ثابت مى کند.

ادیکسین (Erikson) در کنفرانس کاخ سفید که برای بحث در خصوص کودکان و جوانان تشکیل شده بود نظراتى مشابه ابراز نمود.

اما چنین بد نظر مى رسد که این تمایل جوانان همیشه به بت پرستى و افراط مى انجامد. در جوامعى که تولید مصنوعات در دست دولت نیست، امکان دارد که در بازار اقتصاد از این ستایش مفرط نوجوانان در برابر بتهایشان سوء استفاده شود. در سال ۱۹۶۰ تنها از الویس پریسلى (Elvis Presley) ۶ میلیون صفحه فروخته شد. در جوامع سوسیالیست همین احساس ستایش بى حد جوانان سبب انجماد فکرى آنها مى شود و در دست سیاستمداران وسیله اى برای پیشبرد تمایلاتشان مى گردد. امروز نمى توان جوانان و یا نوجوانان را بدون در نظر داشتن تحولات فرهنگى - اجتماعى يك جامعه مورد

بررسى قرار داد و بالطبع هر گونه پژوهشى در اين زمينه بايد به اين عوامل توجه داشته باشد:

جوانان برحسب نظامهاى سياسى- اجتماعى و يا پيشرفتهاى اقتصادى يك جامعه حالات گوناگون مى پذيرند و در حقيقت همين گوناگونى هاست كه مطالعه جهانى جوانان را بفرنج مى كند و برماست كه در هر پژوهشى سخن از اين تنوعات به ميان آوريم . از جانب ديگر، اگر پذيريم كه جوانان انعطاف پذير ترند. بايد تربيت پذيرى آنان نيز بيشتر از بزرگسالان باشد. بنا بر اين براى درمان گرفتاريها و مشكلات جوانان ابتدا بايد به شناخت علل آنها پردازيم تا شيوه مداوا را با بررسى كامل و آگاهانه به دست آوريم.

ابتدا به مطالعه دگرگونىهاى شرايط اجتماعى جوانان مى پردازيم. به نظر مى رسد كه براى اين منظور لازم باشد به خانواده كه به قول ماكاردنكو (Makarenko) عالم تربيت درست «مانند چارچوبى است كه اولين گامهاى انسان را در جامعه هدايت مى كند» توجه كنيم. اما پيش از آغاز اين بحث لازم است طرز تلقى^۱ جوانان را نسبت به قدرتهاى اجتماعى بررسى كنيم.

ويل مونت (P. Willmott) ضمن تحقيقات خود آنچه را كه قبلا به صورتى مبهم مى پذيرفتند آشكار ساخت. بدین معنی

كه پسرها در نوجوانى به گروههاى همسن خود مى پيوندند و از ديگران دورى مى كنند. با گذشت زمان و افزايش سالهاى زندگى، مخصوصاً آنگاه كه معاشرت با دختران را هدف خویش قرار مى دهند به عنوان يك مرد بالغ به جامعه روى مى آورند و دوستانى با سنین مختلف بر مى گزینند. كشف علل چنین تمایلی سخت پیچیده است لیکن می توان به درك بعضی از این علنها ناائل گشت. در هر جامعه وصول به سن كمال متضمن تغيیری در نقشهاى اجتماعى فرد مى شود. نوجوان بايد رفتارى مخصوص با ديگران داشته باشد. بايد در اين دوره فراگيرد كه آزاد و مستقل زندگى كند و باصطلاح گلیم خود را از آب بكشد، بايد قدرت و اعتماد به نفس در خود بوجود آورد و مساله قدرت مخصوصاً در اين دوره اهميت خاصى مى يابد.

كودكان معمولاً مطيع اراده بزرگترها هستند و كارى را انجام مى دهند كه آنها خواسته اند. بعدها چنين رابطه اى بايد جاى خود را به روابطى ديگر دهد تا جوان بتواند قدرتى از خود نشان دهد. به همان نسبت كه جوان رشد مى كند بيشتر به استقلال در زندگى تمايل پيدا مى كند و اين تمايل طبيعى است زيرا بدین وسيله نوجوان خود را براى زندگى بزرگسالى آماده مى كند. تغييرات جسمانى كه همراه با آغاز بلوغ ظاهر مى شوند، مخصوصاً سرعت رشد جسمانى در اين دوره

خود عواملی هستند که میل به استقلال را شدت می‌بخشند.

نوجوان از لحاظ جسمانی در خود ضعف و ناپختگی بسیار می‌بیند و احساس چنین حالتی موجب کمروزی او می‌شود. آگاهی جوان از تغییرات جسمانی و اجتماعی که در این دوره به او دست می‌دهند او را وامی‌دارد تا سئوالاتی در مورد نقش بزرگسالی که بزودی به او محول می‌شود بر خود مطرح سازد. از خود می‌پرسد من کی هستم؟ چطور آدمی خواهم شد؟ در جوامعی که ساده‌تر و ابتدایی‌تر هستند نقش هر کس از قبل تعیین شده و حدود و ثغور آن مشخص شده است. در چنین جوامعی سئوالاتی از این قبیل کمتر مطرح می‌شوند، لیکن در جامعه صنعتی که افراد در برابر راههای گوناگون قرار می‌گیرند و هر دم لازم است یکی از این طرق را انتخاب نمایند، اینگونه سئوالات مخصوصاً در دوره‌های حساس زندگی بیشتر مطرح می‌شوند.

هنگامی که جوانان با مسأله شناخت خود روبرو هستند، ناچار باید بیشتر به ارزیابی خود بپردازند و از خود بپرسند کیستند؟ چه ارزشی دارند؟ و همه این کوششها قاعدتاً باید مدتی آنان را از جامعه بزرگسالان دور نگهدارد. باید متذکر شویم که این کناره‌گیری ممکن است به نوعی مخصوص جلوه کند، بدین ترتیب که جوان مایل شود صرفاً با همسالان خود طرح الفت بریزد و این شاید نتیجه این امر باشد که همه این

افراد در این سنین دستخوش تحولی همسانند و این همسانی خود می‌تواند موجب همنوایی و دوستی بین آنان شود. روابط دوستی بین نوجوانان همس‌چنان حالتی بوجود می‌آورد که هر کس آزادانه به بیان افکار خود می‌پردازد. به عبارت دیگر این گروهها چارچوبی اجتماعی بوجود می‌آورند که در آن جوانان به خوبی به هم کمک می‌کنند و با هم این دوره نوجوانی را سپری می‌نمایند.

روابط خانوادگی نوجوانان

از پژوهشهایی که در این زمینه صورت گرفته‌اند نتایج زیر حاصل می‌شود:

اهمیت اجتماعی خانواده بر روی کودک و نوجوان به طریق عینی و دور از هر نوع دید ایده‌آل‌زیکی بررسی شده است. تاثیر خانواده به‌مقتضای قشر اجتماعی، محیط روستایی و یا شهری و سایر عوامل سیاسی، فرهنگی، مذهبی تغییر می‌کند. به‌طور کلی، در هر جامعه در سراسر جهان پیوندهای خانوادگی در مناطق روستائی استوارتر است و بالنتیجه تاثیر خانواده بر فرد در چنین شرایطی عمیق‌تر و نیرومندتر است. به‌طور طبیعی، اجتماع کوچک و خانواده یکدیگر را معاضدت می‌کنند، هرچند که در مورد همبستگی بین شهرنشینی و سستی پیوندهای خانوادگی مبالغه فراوان شده است، لیکن باید گفت که جامعه شهری مخصوصاً کسانی را که تازه بدان گراییده‌اند

در حالی که طبقات متوسط در این مورد مؤثرترند، هنگامی که راجع به امکانات تحصیلی جوانان صحبت خواهیم کرد، سخن در این باب خواهد رفت.

در خانواده‌های کارگری، جوان حتی المقدور ترجیح می‌دهد که اوقات فراغت خود را به جای اینکه با والدین خود بگذراند با دختران و پسران هم‌سن به سر آورد و این امر در سن ۱۵ و ۱۷ سالگی شدت می‌یابد و جوان ترجیح می‌دهد همه اوقات فراغت را در مصاحبت با دوستان بگذراند. هنگامی که اوقات فراغت جوان دور از والدین سپری می‌شود. هنگامی که قدرت و تسلط پدر و مادر با افزایش سن کودک کاهش فراوان می‌پذیرند، چگونه می‌توان از همبستگی خانوادگی سخن گفت؟ نتایجی که ما در این زمینه به دست آورده‌ایم در سطور زیر خلاصه می‌شوند:

هر چند والدین به این مطلب که چگونه فرزندان آنها اوقات فراغت را بسر می‌آورند، توجهی ندارند و هر چند تاثیر آنان در زمینه تربیت به اموری از قبیل تأمین رفاه مادی، ایجاد چند اصل رفتاری محدود می‌شوند، پیوندهای عاطفی آنان بیش از آنچه ظواهر گواهی می‌دهد، نیرومند و استوار هستند، هر چند پسر بچه‌ها بیشتر در جستجوی دوستان هم‌سن خود هستند پاسخهایشان به بسیاری از پرسشها مبین وجود پیوندهای عمیق بین آنان و والدین آنهاست. نوجوانان احساس می‌کنند که والدینشان بیش از هر کس به آنها نزدیکند، به خوبی خواست آنان را درک می‌کنند و در هر حال می‌توان

دچار بحران می‌کند. زندگی شهری معمولاً گروههای خانواده را از هم می‌پاشد و این امر مخصوصاً در امریکای لاتین و در آفریقا به چشم می‌خورد.

با این همه، امروز زندگی خانوادگی حتی در جوامع کوچک دستخوش دگرگونی و تغییر است. کسار کردهای خانواده (Familiar functions) از طبقه‌ای به طبقه دیگر تفاوت می‌یابد.

در تحقیقی در اطریش نشان دادیم که خانواده هنوز دارای کارکردهای بسیاری در بین کارگران جوان است (خواه کارگران ماهر و خواه کارگران غیرماهر) خانواده به جوان تأمین عاطفی و اقتصادی می‌دهد (هر چند کارگر کارآموز خود در خرج خانواده سهمی به عهده می‌گردد).

خانواده در بین چنین گروههایی به تنبیه، تشویق، پند و اندرز می‌پردازد. در صحبتهای روزانه آینده شغلی جوان را طرح ریزی می‌کند. با وجود این در چنین گروههایی خانواده ویژگیهای زیر را می‌یابد:

الف- تربیت هماهنگ (Cohèrent)

به خصوص در زمینه‌های مذهبی، سیاسی و فرهنگی در چنین گروههایی دیده نمی‌شود. تشویقها یا اندرزهای سنجیده‌ای که حاکی از وجود نقش بلندمدتی برای آینده جوان است، در این خانواده‌ها موجود نیست و علل اقتصادی می‌تواند تا حدی مبین چنین فقدان باشد.

ب- این خانواده‌ها در چگونگی گذران اوقات فراغت جوان تاثیر شایانی ندارند.

گفت که آنها به والدین خود اعتماد دارند و حس می کنند که در صورت بروز مشکلی از کمک و مساعدت آنها برخوردار خواهند شد.

تاکنون بیش از اندازه به سستی روابط پدر و مادر و فرزندان اشاره شده است بدون آنکه به پیوندهای عمیق خانوادگی توجهی بشود. جدول همبستگی ۱۸ متغیر وابسته و تحلیل عوامل این جدول نشان می دهد که روابط فرزندان با پدر و مادر علیرغم اختلافاتی که بین آنها پیش می آید، روابطی استوارند. جدول مزبور فقط نشان دهنده تعلق و یا عدم پیوستگی عاطفی بین فرزندان و والدین آنهاست. پاسخهای دیگری که با روشهای گوناگونی از قبیل تکمیل جملات ناقص و یا استعمال عباراتی که قبلا در اختیار جوابگو گذاشته می شوند، مؤید چنین نتایجی است.

داده های این تحقیق مؤید این مطلب است که روابط فرزند با والدینش (مخصوصاً با مادرش) محبت آمیز است. علاوه بر این، نظر سایرین نیز حاکی از اعتماد کامل نوجوان نسبت به مادرش می باشد، اعتمادی که ظاهراً از دوران کودکی سرچشمه می گیرد. بنا بر این تحقیق ما دنباله و مکمل بررسیهایی است که دنه سپیتر (Renè Spitz) و ملانی کلین (Melanie Klein) در خصوص روابط عاطفی مادر و کودک به عمل آورده اند و نظرات اریکسون (E. H. Erikson) را در باره نقش اعتماد در همسان بینی خود با فرد

دیگر از طرفی و درخصوص راهی که مادر برای ایجاد این اعتماد از طرف دیگر که بر روابط جسمانی و روانی عمیق استوار است، پیش می گیرد، تایید می کنند.

در نظر کودک، مادر اساس خانواده را تشکیل می دهد. این مطلب هرچند بیشتر در خانواده های پایین تر تحقق می یابد، لیکن همه جا صادق است، نکته جالب این است که همین نتایج در بررسیهای دقیق آماری که در خانواده های پیوسته هندی و یا در اروپا و افریقا انجام گرفته ملاحظه می شود.

در کشورهای آمریکای جنوبی این تمایل بیشتر به صورت اجتماع در حول و حوش مادر تجلی می کند زیرا در این کشورها اغلب مرد دور از زن و کودک بسر می برد.

سازمانها و خانه های جوانان

مطالعات جامعه شناسی و اسناد گوناگونی که در دست است حاکی از توجه نسبتاً کم افراد جوان به سازمانهای جوانان در اروپاست. کاهش توجه جوانان به این سازمانها را می توان نه تنها با ملاحظه تقلیل تعداد آنها در این دستگاهها دریافت، بلکه تغییر روحیه اعضای این گروههای به اصطلاح سازمان یافته بین سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۳۰ که به نام نهضتهای جوانان خوانده می شد نیز حاکی از همین بی علاقهگی جوانان به چنین سازمانهایی است. مطالعات این دوره نشان می دهد که روحیه جوانانی که در این نهضتها شرکت

می کردند و مخصوصاً تمایل شدید آنها به چنین جنبشهایی خود بیش از هر چیز موجب قوام آنها می شد. دسته بندیهای جوانان در اروپا همگی اساس آرمانی داشت، این دسته ها بر اساس افکار سیاسی و یا معتقدات مذهبی گوناگون استقرار می یافت، امروزه میزان مخالفت جوانان با والدینشان کاهش یافته، انصراف از آرمانها آهسته آهسته بین آنان به صورت پدیده ای عینی تجلی می کند، نتیجه این عوامل تنزل اهمیت بعضی از نهضت های جوانان در اروپای غربی بعد از جنگ دوم- جهانی است.

داگمار کاهو (D. Cahova) نشان داده است که چگونه شرکت جوانان در اجتماع با وساطت و همکاری سازمانهای جوانان در کشورهای سوسیالیستی تحول یافته است. مطالعات دیگری که در این زمینه صورت گرفته اند همگی حاکی از این مطلب هستند که امروزه کلوبها، باندها و دسته های کوچک بیش از سازمانهای بزرگ جوانان اهمیت می یابند.

تبیین چنین پدیده ای می تواند به صورت زیر انجام گیرد:

در جامعه صنعتی امروز احتیاج به گروه های کوچکی که جنبه نیمه خصوصی دارند و همبستگی داخلی نسبتاً زیادی بوجود می آورند بیشتر حس می شود. بدین ترتیب است که سرخوردگیهای ناشی از سازمانهای بزرگ که فرد را بدون هیچگونه اراده ای به کار و تحرک وامی دارد تخفیف می یابد.

علاوه بر این، خانه های جوانان می توانند در آینده جلوه بهتری داشته باشند. این خانه ها اساساً نهادهای محلی هستند که قاعدتاً باید همه کس را بپذیرند و بیش از سازمانهای جوانان که حضور در آن اجباری است موفق به جلب طبقات جوان و نوجوان می گردند.

مطالعاتی چند لزوم تشدید و توسعه فعالیت های جوانان را خواه در حدود سازمانها و یا خانه های متعلق به آنان تأیید می کند.

خانواده و مدرسه هر دو برای تربیت، راهنمایی و آموزش جوانان می کوشند، زندگی خانوادگی، تحصیلی و مخصوصاً حرفه ای، برای جوان وظایفی ایجاد می کنند که او به سختی می تواند از آنها سرپیچی کند، به همین دلیل است که جوانان احتیاج به آزادی عمل بیشتر در قلمروهای دیگر از قبیل ورزشی، اوقات آسایش، فعالیت های فرهنگی خلاق، ابتکارات جمعی و تربیتی، بروز استعداد های فردی دارند، همه این فعالیتها با هدف های گروه و یا سازمان تطابق دارند بدون اینکه سازمان و یا گروهی در صدد تحمیل آنها باشد.

شاخصهایی چند نشان می دهند که در بعضی از کشورهای امریکای جنوبی و افریقا مخصوصاً آنهایی که شدیداً علیه دستگاه استعمار قیام کرده اند و با اینکه تضادهای گوناگون سیاسی بوده اند. خود مختاری و استقلال جوانان خود به استقرار نظام ارزشی متفاوتی می انجامد که بین جوانان ایجاد همبستگی و پیوند می کند. به همین جهت است

در آنها اجبارى نیست و مستلزم الحاق رسمى نیز نیستند.

ج- سازمانهای خدمات جوانان شامل همه اقدامات تربیّتی، اجتماعى و غیره مى شود که به صورت منطقه‌ای و یا ملى به کمک جوانان محروم مى پردازد. این دستگاهها تحت هدایت بزرگسالانى که دست کم اطلاعاتى در این مورد دارند و یادست کم تجربیّاتى کسب کرده اند اداره مى شوند و شامل فعالیت‌های اجتماعى، طبیى و غیره مى باشند، گاهی این دستگاهها وظایف دیگری نیز به عهده مى گیرند، لکن شرط توفیق آنها ایجاد انتظام و هم آهنگى در همه فعالیتها است.

اما در مورد سؤال دوم که مربوط به نقش سازمانهاست باید به توضیح نکات زیر پردازیم:

الف- این سازمانها خلائى را که نهادهاى دیگر تربیى و اجتماعى بوجود مى آورند پر مى کنند.

ب- این سازمانها سهم به سزائى در ایجاد پناهگاه موقت اجتماعى برای جوانان مى توانند داشته باشند. هید و اریکسون (M. Mead, E. Erikson) در این زمینه از لزوم دوره‌ای موقت صحبت مى کنند که در طی آن جوان همه خواستها و آرمانهای دوردست خود را در عمل مى بیند و کلیه تلخیها را مى آزماید بدون آنکه صدمه‌ای

که در این کشورها، رهبران سازمانهای جوانان وظایف متعددی به عهده مى گیرند: از آن جمله باسواد کردن افراد بیسواد (در انتظار گشایش مدارس) ترویج فعالیت گروهی در زمینه‌هایی که هنوز دولت بدان نپرداخته است. رهبری و پدید آوردن آمادگی سیاسى در بین جوانان (تا زمانى که ملت بدرك واقعى دموکراسى نایل نیامده است). به نظر مى رسد که در کشورهای آسیایى و آفریقایى که امروزه به سوى سایر کشورهای جهان گشوده مى شوند چنین وظایفى بر عهده سازمانهای جوانان و رهبران آنها مى باشد. حالا با در نظر گرفتن اطلاعات موجود به طرح دو سؤال مى توان پرداخت:

۱- فعالیت‌های مهم جوانانى که عضو سازمانى هستند چیست؟

۲- نقش این سازمانها چگونه است؟ مفهوم فعالیت‌های جوانان آنطوری که مورد نظر است نهادهای گوناگونى را در بر مى گیرد که مى توان به طریق زیر آنها را طبقه بندى کرد.

الف- سازمانهای جوانان، دستگاههای سیاسى، مذهبیى و یا ورزشی که به صورت منطقه‌ای و یا متمرکز فعالیت مى کنند.

ب- خانه‌های جوانان یعنى نهادهای محلى که قاعده باید برای قبول همه جوانان آماده باشند و نسبت به سازمانها آزادى بیشتری به شرکت کنندگان مى دهند، حضور

روحى با و وارد آيد.

جوان و سياست:

هنوز شمارۀ تحقيقاتى كه در زمينۀ شركت جوانان در امور سياسى بعمل آمده اند در دست نيست، تنها چند بررسى مخصوصاً در اروپاى مركزى در اين خصوص در دست است و بايد گفت هنوز كار مهمى در بارۀ حدود تاثير نيروهاى گوناگون سياسى بر روى جوانان بعمل نيامده است. لازم بنظر مى رسد كه چند اصل نظرى براى تبين و تفسير داده ها و اطلاعاتى كه در خصوص شركت جوانان در سياست به دست مى آيد تدوين گردد.

آنچه در باره بزرگسالان صادق است در خصوص اكثر نوجوانان نيز صادق مى كند، بدین معنی كه سياست كمتر توجه آنان را به خود معطوف مى دارد و گاهى هرگز از آن اطلاعى ندارند، فعاليتهاى سياسى مخصوص اقليتهاى چند است و آگاهى از امورى كه در دنياى سياست جريان مى يابد نيز مخصوص عده اى معدود است. توجه به سياست و اطلاع از آن با سطح تحصيلات جوانان بستگى دارد، ممكن است جوان در قبال مسائل سياسى صاحب نظرى خاص گردد اما در مئين بالا كمتر چنين حالتى رخ مى دهد، چنين به نظر مى رسد كه تمايل به ترجيح يكي از احزاب سياسى بر ديگران از اوان كودكى آغاز مى گردد، خانواده در اين مورد تاثير بسزائى دارد. اغلب ملاحظه شده است كه

والدين و نوجوانان تقريباً بر سرمسائل سياسى متفق القولند. ليكن بايد افزود كه تاثير خانواده در اين مورد جنبه دستورى (Normative) دارد. در اكثر موارد، منابع اطلاعات سياسى جوانان بوسيله والدين آنها تعيين مى شوند. با اين حال، خانواده براى اجتماعى كردن كودك ناچار از سازمانهاى ديگر كمك مى جويد.

در مدرسه به تعليمات مدنى عميقاً توجه مى شود، پژوهشهاى چند بعمل آمده تا درجۀ اطلاع كودك را از رويداهاى تاريخى و يا سازمانهاى موجود ملى مشخص سازد، ليكن در اين بررسىها كمتر به نقش مدرسه بعنوان نهادى كه ميراث اجتماعى را منتقل مى سازد توجه شده است.

فعاليتهاى جوانانى كه عضو سازمانى هستند و نقش سازمانهاى بين المللى

در آسيا، افريقا و امريكاي لاتين، فقدان مدارك لازم براى تحليلهاى آمارى و جامعه شناسى و به منظور درك مسير اندیشه ها و دريافت نقش جواناننى كه در سازمانها عضويت دارند، بسختى احساس مى شود. از جانب ديگر، مريان و رهبران اجتماعى در كشورهاي سوسياليستى در به دست آوردن اطلاعاتى در زمينۀ تاثيرى كه فعاليتهاى جوانان به طور كلى و اقدامات سازمانهاى جوانان بالاخص برجاى مى گذارند، دچار

فعلى است كه باردیگر دولت نقش مهمتری در همه شئون، مخصوصاً در توسعه فعالیتهاى مربوط به جوانان برعهده گرفته است، در كشورهای دیگر همین سازمانها هر روز وظیفه دیگری در كشورهای دیگر اروپایی بهعهده میگیرند و جزء دستگاههای عمومی كشور می شوند. شركت دولت در فعالیتهاى جوانان و مخصوصاً در سازمانهای جوانان، می تواند موضوع بحث مهمی باشد و مخصوصاً دانستن این مطلب كه آیا همان فقدان شور و هیجانی كه در كشورهای غربی برای این سازمانها ملاحظه می شود در اروپای شرقی نیز هست، مطلب بسیار جالبی است.

اهمیت نوجوانان به عنوان مصرف کننده كالاهاى اقتصادى:

در بسیاری از كشورهای صنعتی، تجار و مسئولین تبلیغاتى به خوبی مى دانند كه خریدارانی كه كمتر از ۲۰ سال دارند بازار جدائی را تشكيل می دهند. عقیده عمومی بر این است كه امروزه جوانان پول هنگفتی دارند و آن را صرف تفریح و تفریح مى کنند، لیكن تاكنون هرگز تحقیقی دقیق در زمینه قدرت خرید نوجوانان و علت اختلافی كه بین آنان و بزرگسالان از نظر نوع كالاهاى خریداری شده وجود دارد به عمل نیامده است، اولاً باید گفت كه نوجوان قبل از ازدواج واحد خرید مستقلی نیست. این مطلب تنها در مورد جوانانسی كه به تحصیل ادامه می دهند و یا در چارچوب خانواده به

زحمت بسیار می شوند. جا دارد مطالعاتی تطبیقی درخصوص وظایف سازمانهای كشورهای سوسیالیستی كه امكانات تربیتی سرشار به جوانان مى دهند و نقش همین سازمانها در اروپای غربی به عمل آید. سئوالاتی چند در این خصوص مطرح می شوند، مثلاً این سئوال پیش می آید: تاثیر سازمانهای جوانان بر روی گروههای كوچك و گروههای خودی چیست؟ این سازمانها چگونه احتیاج جوانان را به آزادی ارضاء می كنند؟ تحقیقی كه به مطالعه عملی درباره جوانان می پردازد باید تاثیری را كه سازمانهای جوانان در این مورد دارند تجزیه و تحلیل كند و همچنین اثر یا اثراتی را كه این سازمانها بر روی ساخت اجتماعى باقی مى گذارند بررسی نماید. امكان دارد بودن یا نبودن این سازمانها، نتایج مهمی در ایجاد ساختهای گوناگون داشته باشد، شاید جالب باشد كه در خصوص موضوع دیگری كه با این مطلب ارتباط دارد، یعنی انواع حمایت هایی كه دولتها از فعالیتهاى جوانان به عمل می آورند سخن رانده شود.

سازمانهای جوانان با دولت روابط گوناگونی برقرار مى سازند. بد نیست از مساله ای كه امروزه در ایتالیا مطرح است صحبت كنیم. بعد از مدتها دخالت مستقیم در امور، دولت ایتالیا در اواخر جنگ دوم جهانی میل داشت كمتر همه چیز را در كشور مورد بررسی دقیق قرار دهد و فقط در دوران

فعايتهايى نظير كشت و زرع مى پسر دازند، صادق نيست، جوانانى نيز كه از بابت كار خود پولى دريافت مى دارند، تا زمانى كه نزد والدين خود زندگى مى كنند، تقريباً هرگز لوازم ضرورى زندگى خود را خريدارى نمى كنند و ترجيح مى دهند سهمى از درآمد خود را به عنوان كمك خرج در اختيار خانواده خود قرار دهند.

اطلاعاتى چند راجع به اين گروه جوانان در دست است، تحليل اين اطلاعات نشان مى دهد كه جوانانى كه كمتر از ۲۰ سال دارند و از خانواده هاى كارگرى بر مى خيزند بيشتر به خريد كالاهاى ضرورى اقدام مى كنند. بنا بر اين، مى توان گفت كه از نقطه نظر اقتصادى اغلب نوجوانان تا زمانى كه نزد والدين خود زندگى مى كنند، تشكيل گروه هاى كوچك نيمه مستقل مى دهند. بررسى تازه اى كه در اطريش انجام شده نشان مى دهد كه مبلغ پولى كه والدين در اختيار نوجوان مى گذارند از طرفى با وضع مادى خانواده و از طرف ديگر با نظرات تربيتى والدين يعنى ميزان استقلالى كه براى نوجوان قائل مى شوند در ارتباط است. بدين ترتيب ملاحظه مى شود كه بين كارآموزانى كه از نظر درآمد و سن در يك سطح قرار دارند (يعنى حقوق آنها يك چهارم درآمد يك فرد بزرگسال است) گروهى مستقل مى بينيم كه اعضاى آن همه پولى را كه كسب مى كنند نگه مى دارند، فقط خرج لباس و غذاى ظهر خود را مى پردازند، برعكس بين همين گروه سنى، عده اى از

نوجوانان رامى بينيم كه استقلال مادى كمترى دارند يعنى بايد همه پول خود را در اختيار والدين قرار دهند و فقط مقدارى پول توجيبى دريافت مى دارند كه در خرج كردن آن آزادند.

عدم استقلال نسبي بعضى از نوجوانان از نظر مادى موجب تفاوتهائى بين آنان و بزرگسالان از نظر تاثير در بازار است، چون نوجوانان هيچگاه خود به خريد مواد اساسى زندگى خود نمى پردازند. مى توانند مبلغ هنگفتى از بودجه خود را در امورى كه با كار روزمره آنها و يا صرفاً ميل آنان ارتباط دارد صرف كنند، در مورد دختران خريد وسايل آرايش و لباس قسمتى از درآمد آنها را به خود مصروف مى دارد، درحالى كه خريد دوچرخه ساده و يا موتورى بين نوجوانان پسر شايع است. نوجوانان بيش از بزرگسالان به خريد راديو و گرام مى پردازند، به سينما بيشتر مى روند و بيش از بزرگسالان مشروبات خنك مى خورند، حتى در انگلستان حدس مى زنند كه تقريباً نصف خريداران صفحات موسيقى را جوانان كمتر از ۲۴ سال تشكيل مى دهند.

بى ترديد، عادت خريد و انتخاب كالا با سن و موقعيت اقتصادى هم بستگى دارد. از اينروست كه بررسيهائى كه در اطريش صورت گرفته همگى حاكى از اين مطلب اند كه جوانان كارگر و محصل در اين زمينه اختلاف فاحشى دارند، مصرف روزانه مشروبات الكلى و سيگار بين جوانان بيشتر است در

حالیکه درصد محصلین معناد کمتر است، ۵۰ درصد کارگران ۱۵ ساله آجومی خوردند، لیکن ۳۷ درصد محصلین دبیرستانی در این سنین به صرف آجیو و یا مشروبات الکلی می‌پردازند. بین پسران ۱۷ ساله ۷۷ درصد از کارگران و ۵۷ درصد از محصلین به صرف مشروبات الکلی می‌پردازند.

جالب‌ترین نتیجه‌ای که از این اطلاعات بدست می‌آید تساوی نسبی میزان معنادین در

بین جوانان محصل و غیر محصل است. در حالی که کاهش قدرت خانواده در بین جوانان کارگر آنان را به اتخاذ رفتاری و امی دارد که معمولاً از آن بزرگسالان است. این جوانان بیشتر دختران را به محل رقص و قهوه‌خانه دعوت می‌کنند. با این حال تعداد آنانی که اعتراف به داشتن روابطی با دختران می‌کنند در گروه‌های کارگر و محصل یکسان است (تقریباً ۴۰ درصد جوانان

جدول زیر نتایج بررسیهایی را که در این زمینه در اطریش^۱ انجام گرفته‌اند نشان می‌دهد

محصلین		کارگران		معنادی که روزانه:
۱۷ ساله %	۱۵ ساله %	۱۷ ساله %	۱۵ ساله %	
۷	۱	۱۵	۳	بیش از ده سیگار می‌کشد
۱۴	۷	۲۱	۱۰	۴ تا ۱۰ سیگار می‌کشد
۱	۵	۲	—	کمتر از ۴ سیگار می‌کشد
۳۰	۴۰	۲۶	۴۲	معناد غیر مستمر
۴۸	۴۷	۳۶	۴۵	غیر معناد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

۱- این اطلاعات در شهر وین به دست آمده‌اند. نویسنده اطریشی است و به تبع آن از جامعه غربی صنعتی خبر می‌دهد.

۱۵ تا ۱۷ ساله) این تحقیق موضوع جالب دیگری را نیز نشان می‌دهد: هر قدر معاشرت با دختران در بین نوجوانان پسر زیادتر می‌شود کمتر به خرید تنقلات می‌پردازند و بیشتر بودجه خود را صرف خرید سیگار می‌کنند.

چگونگی گذران اوقات فراغت

وقت آزاد ۸۰۰ جوان وینی (Vienne) و باس اطریشی (Basse Autriche) را با در نظر گرفتن روزهای کار و یا کاستن ساعات کار (که معمولاً شامل ساعات صرف نهار نیز می‌شود) و ساعاتی که نوجوان صرف رفتن به محل کار و بازگشت از آن می‌کند، ساعاتی که در طی آن معمولاً در هنگام صبح خود را آماده رفتن به سرکار می‌کند و ساعات خواب محاسبه کرده ایم. به طور متوسط، جوان سه ساعت و چهل دقیقه آزاد دارد، اما اوقات فراغت جوان باز هم از این کمتر است، زیرا باید ساعات غذای شب و اوقاتی که صرف مراقبتهای گوناگون شخصی می‌شود و یا به کارخانه و یا انجام تکلیف مدرسه اختصاص دارد در نظر گرفته شوند.

به طور متوسط وقت آزاد جوان از دوشنبه تا جمعه بین دو ساعت و نیم تا سه ساعت در روز تخمین زده می‌شود. بدیهی است نوجوان در اواخر هفته اوقات بیکاری بیشتری دارد و مخصوصاً باید در نظر گرفت که چهار هفته تعطیل سالیانه در اختیار

اوست. تصویری که با مشاهده این ارقام در نظر مجسم می‌شود نه از جامعه‌ای سرکار حکایت می‌کند و نه جامعه‌ای راحت طلب و متمتع را در نظر می‌آورد.

نوجوان معمولاً بیش از متاهلین و افراد بزرگسال وقت آزاد دارد، چون ناچار نیست مانند آنها قسمتی از اوقات خود را صرف وظایف خانوادگی کند، اما راجع به اماکنی که جوان معمولاً اوایل شب خود را در آنجا می‌گذرانند، باید گفت سائهای سینما بیش از همه مورد علاقه اوست، زیرا سه چهارم جوانان مورد بررسی دست کم یکبار در هفته و ۴۰ درصد آنها حتی بیش از این نیز به سینما می‌روند. عادت به سینما رفتن با افزایش درآمد خانواده، کاهش معتقدات مذهبی و افزایش شهرنشینی ارتباط مستقیم دارد، این عادت حتی بر حسب سن افراد دگرگونی می‌پذیرد. تحقیقات دیگری نشان می‌دهد که به طور کلی نوجوان سه یا چهار بار بیش از بزرگسالان به سینما می‌رود، اما از هیجده سالگی این عادت تخفیف می‌یابد. بدین قرار، میزان دفعاتی که جوان کارگر به سینما می‌رود با سن او از طرفی و محیط فرهنگی‌اش از طرف دیگر در ارتباط است.

چنین به نظر می‌رسد که مجلات سینمایی که ۶۲ درصد کارگران جوان به مطالعه آنها می‌پردازند تأثیر زیادی در انتخاب فیلم دارند. از جانب دیگر، فیلم نیز در انتخاب مجله یا کتاب مورد مطالعه جوان

موثر است. نوجوان کارگر، بیشتر فیلمهای پر حادثه و جنگی را بر انواع دیگر فیلم ترجیح می‌دهد، این تمایل شاید نشان‌دهنده این مطلب باشد که همه دست کم گاهگاهی سر از فرمان دستورات قانونی که حق دیدن بعضی از فیلمها را از نوجوانان سلب می‌کند باز می‌پیچند.

بعد از خروج از سینما، کارگران جوان معمولاً مشروب خنکی می‌خورند (مخصوصاً موقمی که دختر خانمی همراه آنها باشد).

در زندگی نوجوان معمولاً سالنهای رقص اهمیت خاصی دارند، در این تحقیق ۲۵٪ جوانان مرتباً به رقص می‌روند، لیکن باید متذکر شد که این نوع تفریحات معمولاً در شهرهای متوسط بیش از شهرهای بزرگ رایج است و پسران بیشتر بدان توجه دارند. ورزش در بین جوانان جایی نظیر سینما باز کرده است، اما باید یادآور شد که جوانان در این زمینه صرفاً مصرف‌کننده‌ای پذیرا نیستند.

تحقیقات ما این مطلب را که ورزش صرفاً به صورت نمایشی درآمدی باشد که جوان در آن فقط به تماشا می‌پردازد رد می‌کند، درست است که ۸۴٪ کارگران جوان در مسابقات ورزشی مخصوصاً ماشین‌رانی و فوتبال به عنوان تماشاچی شرکت می‌کنند، اما ۹۰ درصد آنها دست کم در یکی از ورزشها فعالانه شرکت می‌کنند (فوتبال بیش از همه مورد توجه

آنهاست) به نظر می‌رسد که نوجوانان به هیچوجه به ورزش دیگری جز فوتبال وشنا و دوچرخه سواری و اسکی نمی‌پردازند. و با اینکه کم‌تر وقت آن را دارند که به ورزش دیگری جز اینها توجه کنند، هرآنچه به ورزش در هوای آزاد مربوط می‌شود، نظر آنها را جلب نمی‌کند. زیرا چنین ورزشی حالت یکنواخت و کسالت‌آوری برای آنها دارد، بعضی ادعا می‌کنند که خانواده‌هایی که تلویزیون دارند، ساعتها محو تماشای برنامه‌های آن می‌شوند، مدتها بدون در نظر داشتن هدف معین و مشخصی در مقابل صفحه تلویزیون می‌نشینند و سایر تفریحات را فراموش می‌کنند.

مالتزخ (Maletzke) در تحقیقی نشان می‌دهد که نوجوانان ۱۵ تا ۲۰ ساله کمتر بدینسان وقت می‌گذرانند، نسبت نوجوانانی که هر روز اغلب برنامه‌های تلویزیونی را تماشا می‌کنند فقط ۴ درصد است، در حالی که ۴۹ درصد خانواده‌هایی که با نامه به سئوالات ما جواب داده‌اند تلویزیون دارند. بدین قرار، کودکان و بزرگسالان بیش از نوجوانان و جوانان به استفاده مفرط از تلویزیون می‌پردازند، بعضی ادعا می‌کنند که ظهور وسایل جدید ارتباطات جمعی در گذران اوقات فراغت تغییر فاحشی بوجود نیاورده است.

تحقیق ما نشان می‌دهد که دستگاههای خبری با یکدیگر رقابت می‌کنند و تلویزیون که به عنوان يك وسیله جدید وارد این

این وسیله، آن قسمت از اوقات فراغتی را بازار پر رقابت می‌شود نقشی بزرگ بر
که هنوز به فعالیتی خاص مختص نشده‌اند عهده دارد.
بخود جلب می‌کند. آنچه از همه مهمتر است این است که

Z

Zadroura Family

خانواده زادروگا

یکی از انواع خانواده گسترده است. در لغت زادروگا بمعنای یک گروه تعاونی است. این نوع خانواده در یوگسلاوی پدید آمد. دلایل اصلی تکوین این نوع خانواده چنین اند:

- جلوگیری از تجزیه و تقسیم دارائی های خانواده (علی الخصوص زمین) در خلال نسلهای مختلف و از طریق میراث. اگر قرار باشد یک زمین ۱۰۰ هکتاری بدون هیچ ضابطه بین وارثین تقسیم شود، شاید در دو یا سه نسل یک وارث کمتر از یک هکتار زمین به ارث برد. در این صورت، زمین از حیز انتفاع خارج است، یعنی امکان بهره برداری از آن نیست.

- قوام وحدت اعضاء واحد تولید با روابط خویشاوندی. بدینسان، زمانیکه رئیس

واحد تولید یک پدر یا برادر بزرگتر و یا بزرگتر خانواده است، مدیریت پدید می آید که بدان پدرمآبانه (Paternalism) اطلاق می شود. مدیریت درین حال با ابعاد عاطفی می آمیزد؛ رابطه عقلانی و گاه شکننده رئیس و اعضاء جای خود را به رابطه ای اورگانیکی می سپارد. از پیدائی و بسط دیوانسالاری جلوگیری بعمل می آید.

بنابراین با توجه به این دلایل، خانواده ای بوجود می آید با ویژگیهای زیر:

- خویشاوندی بین اعضاء زادروگا طبیعی است، نه قرار دادی و نه آرمانی. بنابراین می توان گفت همه اعضاء یک زادروگا دارای همخونی یا یکدیگرند.

- در زادروگا، نسب پدری است: بدینمعنی که فرزند از مادر ارث نمی برد.

- هر زادروگا، شامل چند خانواده (زوجین و فرزندان شان) است: بدون آنکه هیچیک از خانواده های کوچک تشکیل دهنده

زادروگا دارای زندگی مستقل در برابر کل (زادروگا) باشند؛ درین گروه وسیع پدر هزینه فرزندان را تامین نمی کند، بلکه زادروگا یا کل گروه است که بدان می پردازد. پس هم افراد، هم خانواده های کوچک تشکیل دهنده زادروگا، فی نفسه دارای تأمین و استقلال نیستند.

— زادروگا معمولا یک گروه کشاورزی است. زمینی که از آن آنست قابل تقسیم نیست. در ماده اول قانون کروات آمده است: چندین خانواده یا اعضاء یک خانواده که در یک خانه زندگی می کنند. تحت نظر یک رئیس اداره می شوند و با هم بر روی زمین تقسیم ناشدنی کار می کنند و از درآمدی خاص برخوردارند، مجموعه ای را تشکیل می دهند که بدان زادروگا اطلاق می شود.

بدینقرار، ملاحظه شود که گروه وسیع زادروگا دارای اقتصاد بسیار پراهمیتی است. نوعی تعاون کشاورزی نزدیک است و موجبات جلوگیری از تقسیم ثروت مولد را فراهم می سازد. منصور وثوقی در اثرش جامعه شناسی روستائی (ص ۶۹) خصوصیات این نوع خانواده را چنین تشریح می کند:

«در حقیقت می توان گفت زادروگا و گروه های خانوادگی جمعی نظیر آن، اشکالی از خانواده های گسترده بوده اند که بر روی یک میراث خانوادگی زندگی می کردند و تحت عنوان پدرسالاری یا پدرسری نامیده می شوند. اصطلاحاتی نظیر خانواده های جمعی، یا پیوسته و موروثی که بعضا برای این نوع خانواده ها به کار برده می شود، بسیار مناسب و در عین حال با

هم مرتبطند. چرا که غیر قابل تقسیم بودن ارث موجب غیر قابل تقسیم شدن و جمعی بودن خانواده و در نتیجه تداوم گروه خانوادگی می شود. بنابراین، در اغلب موارد، رئیس و مسؤل گروه مستترین مردی است که عنوان پدر یا پدر بزرگ را دارد و از همه قدرتهای گروهی برخوردار است و اداره کننده یا مالک اموال خانواده و نیز سازمان دهنده کار و سخنگوی گروه در انجام دادن امور و مذاکرات و معاملات خارج از گروه تلقی می شود. و از طرف دیگر پدر یا پدر بزرگ، اکثر اعضاء گروه (خانوادگی) نیز محسوب می شود. در عین حال که چنین فردی از اقتدار پدری برخوردار است، پیرترین فرد خانواده و آکنده از تجارب و خاطرات قدیمی است»

ر. ک: Stem Family, Family, Paternalism

Zero population growth

رشد صفر جمعیت

به جمعیتی اطلاق می شود ثابت که تعداد موالید آن با میزان مرگ و میر یکسانند. همانطور که ملاحظه می شود، الگوی ثبات جمعیت برای تمام جوامع یکسان نیست، زیرا از طرفی به میزان مرگ و میر و از طرف دیگر به میزان موالید بستگی دارد. به عنوان مثال، در امریکا ثبات جمعیت زمانی حاصل می شود که هر زن به طور متوسط ۲/۱ فرزند آورد.

ر. ک: Stationary population

Znaniecki (Florian Witold)**زنایخی**

جامعه‌شناسی لهستانی الاصل مقیم امریکا است (۱۹۵۸-۱۸۸۲). در آغاز به دعوت توماس (W. I. Thomas) به امریکا آمد تا در مورد مهاجرین لهستانی مطالعه نمایند. نتایج حاصل از این مطالعات در اثری برجسته انتشار یافت با نام «دهقان لهستانی در امریکا» و «دوپا» (*Polish peasants in Europe and America*). زمینه‌های دیگر مطالعاتش نقش‌های اجتماعی، مخصوصاً نقش اندیشمندان و روشنفکران در جوامع گوناگون و شرایط مختلف اجتماعی است. اثر برجسته‌اش دلائل زمینه، «نقش اجتماعی اهل معرفت» (*Social roles of man of knowledge*) است. اندیشه‌هایش درباره نظام‌های بسته اجتماعی در کتاب قوانین روانشناسی اجتماعی (*Laws of social psychology*) به نگارش درآمدند. دیگر آثارش عبارتند از:

The methodology of sociology,

Cultural sciences : Their origin and development.

Zone of agreement**حوزه مورد توافق**

در روابط متقابل تفرقه آمیز

(Dissociative interaction) و تمامی

رفتارهای مبتنی بر تقابل (Opposition) بین افراد یا گروه‌ها به کار می‌رود. دو گروه متخاصم یا رقیب در حوزه مورد توافق عمل می‌کنند که گذر از مرزهای آن به تنازع دامن می‌زند.

Zone theory نظریه منطقه‌ای

به هر نظریه‌ای در جامعه‌شناسی شهری اطلاق می‌شود که به تقسیم شهر به مناطق همگن گرایش نماید. این نظریه متضمن پذیرش سطح مدرج (Gradient) است که بر پایه آن با گذشتن از هر منطقه به منطقه دیگر، دگرگونی‌هایی بالنسبه منظم به چشم می‌خورد. نظریه مکتب شیکاگو-مبتنی بر مناطق هم مرکز (Concentric Zones) نمونه‌ای از این نظریه‌هاست.

ر. ک. Concentric zone theory

Zoolatry جانورپرستی

ر. ک. Idolatry/ Fetishism, Totemism/ Reification

Zoomancy تفال با حیوانات

تعیین شاخصه‌هایی چند در حیات حیوانی (رنگ چشم، هر نوع حرکت و ساعت آن) و آن را میمون یا نامیمون، یا دال برواقه‌ای دانستن.

Zoroaster

زردشت

بانی دین زردشت در ایران. در مورد سالهای حیات او اختلاف نظر بسیار است؛ لیک، سالهای ۵۴۵-۶۲۵ قبل از میلاد بیش از همه مورد پذیرش است. او خود ایرانی نبود، لیک اندیشه‌هایش در ایران تبلیغ گردید. این اندیشه را در کتاب اوستا جمع نمودند. پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک، پایه‌های این اندیشه‌اند و در آن تضاد بین نیکی (که مظهر آن اهورمزد است) و تاریکی (که مظهر آن اهریمن است) محور این اعتقاد قرار گرفته است.

Zoroastrianism

زردشت‌آیینی

Zone of transition

منطقه انتقالی

مناطق مسکونی قدیمی که در اطراف نواحی تجاری و مرکزی شهرهای بزرگ جای یافته‌اند. چون خانه‌های این مناطق با گسترش نواحی تجاری تخریب خواهند شد، دارای بیشترین ارزش از نظر زمین و کمترین بها از نظر ساختمان و یا حتی اجاره‌اند و این امر موجب گردیده است که این مناطق محل اقامت فقرا و مهاجرین گردد.

Zoning

منطقه‌بندی

منابع و مأخذ

I - منابع فارسی

آشتیانی (م): «جامعه‌شناسی معرفتی»، تهران، طهوری، ۱۳۵۳
آصف (آ): «مهر و قوانین ایران» تهران، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی،
(رساله زیر نظر سید حسن امامی)، ۱۳۳۵
ابن خلدون (ع): «مقدمه ابن خلدون» مترجم پروین گنابادی، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و
نشر کتاب، ۱۳۴۷.

امانی (م) و....: «لغتنامه جمعیت‌شناسی» تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴
بارنز (ه) و بکر (ه): «تاریخ اندیشه اجتماعی» مترجمان جواد یوسفیان و علی‌اصغر مجیدی،
تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۵۸
دورانت (ویل): «تاریخ تمدن (یونان باستان): مترجم امیر حسین آریانپور، تهران، انتشارات
اقبال، ۱۳۴۹.

راسخ (ش): «احوال و آراء سوروکین» نامه علوم اجتماعی، ۱، ۲، ۱۳۴۷ ص ۵۷ - ۶۹
راسخ (ش)، بهنام (ج): «مقدمه بر جامعه‌شناسی ایران»، تهران، انتشارات خوارزمی ۱۳۴۸
راوندی (م): «تاریخ اجتماعی ایران، تهران، انتشارات امیر کبیر ۱۳۵۶
رژن مایر (ل): «مقدمه بر جامعه‌شناسی جوانان» مترجم، باقر ساروخانی، تهران، دانشگاه
تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی: (پلی کپی) ۱۳۵۱
ساروخانی (ب): «اثرات اشتغال مادر بر خانواده، مطالعه‌ای در شهر تهران» تهران، مجله
پژوهشکده، ۴، ۴، ۱۳۵۷ ص ۳۵ - ۵۰

ساروخانی (ب): «مصاحبه»، تهران، مجله دانشکده، ۱، ۲، ۱۳۵۲، ص ۲۰ - ۳۱
ساروخانی (ب): «تحقیقی در عقاید قالبی...»، تهران، مجله علوم تربیتی، ۲، ۳، ۴، ۱۳۵۲ ص
۱۹ - ۳۷

- ساروخانی (ب): «روشهای مقایسه‌ای» تهران، مجله علوم تربیتی، ۹، ۱، ۴، ۱۳۶۵ ص ۳۸-۵۱
 ساروخانی (ب): «نگاهی به جامعه شناسی جوانان، تهران، مجله دانشکده، ۱، ۴، ۱۳۵۴ ص ۱۳۹ - ۱۴۷
- ساروخانی (ب): «عقاید قالبی» تهران، نامه علوم اجتماعی، ۱، ۳، ۱۳۴۸ ص ۱۱۱ - ۱۱۸
 ساروخانی (ب): «از فلسفه تاریخ تا تئوری نظم تمایلی»، تهران، راهنمای کتاب ۹، ۷، ۸، ۱۳۵۱ ص ۳۹۱ - ۳۹۵
- ساروخانی (ب): «گزینش همسر در ایران معاصر» در نتایج دومین کنگره تحقیقات ایرانی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۲ ص ۱۶۰ - ۱۷۴
- ساروخانی (ب): «نتایجی از بررسیهای اثرات اشتغال زن بر خانواده» تهران، فرهنگ و زندگی ۲۴ و ۱۳۵۵ ص ۶۷ - ۷۵
- ساروخانی (ب): «اثرات اشتغال زن بر خانواده» تهران، امور فرهنگی دانشگاه تهران، جلد اول، ۱۳۵۴
- شیبانی (ث): «مکتب اصالت ساخت» تهران، نامه علوم اجتماعی، ۱، ۲، ۱۳۴۷ ص ۲۸ - ۳۹
 فروغی (م): «سیر حکمت در اروپا» تهران، چاپ تهران مصور، ۱۳۴۴ جلد اول
 کازنو (ژ): «جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی» مترجمان باقر ساروخانی - منوچهر محسنی تهران، سروش، ۱۳۵۶ (چاپ اول)
- کتبی (م)، ساروخانی (ب): «کودک در برابر پیامهای فرهنگی» تهران، امور فرهنگی دانشگاه تهران ۱۳۵۳، جلد اول
- کلایبرگ (۱): «روانشناسی اجتماعی» مترجم علیمحمد کاردان، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۵۵
 گروه جامعه شناسی شهری: «روانشناسی اجتماعی کار صنعتی در ایران» مترجم باقر ساروخانی تهران، دانشگاه تهران، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۵۷
- گورویج (ژ): «دیالکتیک» مترجم حسن حبیبی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۱
 لینتون (ر): «سیر تمدن» مترجم پرویز مرزبان، تهران، انتشارات دانش، ۱۳۳۷
 مطهری (م): «حقوق زن در اسلام»، تهران، انتشارات زیبا، ۱۳۳۵
- مندراس (ه): «مبانی جامعه شناسی» مترجم باقر پرهام، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۹
 میرزائی (م): «پیش بینی جمعیت ایران تا سال ۱۳۸۰» تهران دانشگاه تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۶۳
- میترا (؟): «رنالیسم و ضد رنالیسم در ادبیات»، تهران، انتشارات نیل، ۱۳۳۴
 میشل (آ): «جامعه شناسی خانواده و ازدواج»، مترجم ف. نگیس اردلان، تهران، دانشگاه تهران، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۵۴

II - منابع لاتین

الف - فرهنگها

این اثر علاوه بر فرهنگهای فارسی و کتب و مقالات تخصصی، با استفاده از فرهنگهای مختلفی (به زبانهای فرانسه و انگلیسی) فراهم شده است که اهم آنان چنین اند:

A Dictionary of the Social sciences. Julius Gould, William L. Kolb (eds) New York, the Free Press, 1964

Dictionary of sociology, Henry P. Fairchild (ed) Vision Press,

The Fontana Dictionary of Modern Thought. Alan Bullock and Oliver Stallybrass (eds) London, 1977

A Dictionary of the Social Sciences, Hugo F. Reading, (ed) Routledge & Kegan Paul, 1968

A Dictionary of the Social Sciences, Hugo F. Reading, (ed) Routledge and Kegan Paul, 1976

Dictionnaire de sociologie, Goseph Sumpf, Michel Hugues, (eds) Paris, Librairie Larousse, 1973

Anthologie des Sociologues Français Contemporains, Paris, P. U. F, 1970

A Dictionary of sociology, Abercrombie (N) et al, London, Penguin, 1984.

ب: آثار دیگر

- Ackerman (N.W.). Jahoda (M): "Antisemitism and Emotional Disorder", New york, Harper and Brothers, 1950
- Adler, (F.): "The value concept in sociology", American Journal of Sociology, vol LXII, 1956-7, PP: 272 - 9
- Allport (G.W): "the Nature of prejudice", Cambridge, Mass Addison - wesley 1954
- Allport (G.W): "personality", New york, Henry Holk, 1937
- Allport (G.W) "Attitudes" in c. Murchison (ed) Handbook of Social psychology, worcester, Mass, clark university press, 1935
- Amani, (M): "Analyse sociologique de recensement iranien de 1956": thèse université, dactylographié, Paris, 1963
- Bailey, (F): "Anthropology", in N. Mackenzie (ed) A guide to the Social sciences, 1960, PP: 42 - 65
- Bales (R.F): "A Theoretical Framework for Interaction Analysis", in D. cartwright & A. zander (eds) Group Dynamics, Evanston, Ill: Row , peterson, 1953
- Barker, (E): "National character and the factors of its Formation'

London, Methuen, 1927

- Barker, (E): "principles of Social and political Theory", oxford, oxford University press, 1951
- Barnes, (H.E): "Measures of Divorce Frequency in some societies", in Journal of the Royal Anthropolgogical Institute, vol L X X L X, 1949
- Beals, (R.L.): Hoijer, (L): "An Introduction to Anthropology", New york, the Macmillan co, 1953.
- Bell (D): "The End of Ideology", glencoe, Ill: the Free press, 1960
- Benedict (R.): "Race, Science and politics", New york, Viking press, 1943,
- Benedict, (R.): "Patterns of culture", London, Routledge, 1935
- Bergel, (E.E): "urban sociology", New york, Mc GrawHill, 1955
- Bidney, (D): "Theoretical Anthropology", New york, Columbia University press, 1953, PP: 96 - 106
- Blumer (H): "Social psychology", in E. P. schmidt (ed): "Man and society", New york, prentice hall, 1937
- Boas (F): "The Social organization and the secret societies of the kwakiutl Indians", Washington, Simthomian Institution, 1897
- Bock, (K.E): "The Acceptance of Histories", Berkeley & Los Angeles, University of California press, 1956
- Brinton (C.): "The Anatomy of Revolution", London, Cape, 1953
- Brogan (D.W.): "The price of Revolution", London, Hamish Hamilton, 1951
- Brookover, (W.B): "Sociology of Education, :A definition", in American sociological Review, vol 14, 1949 PP: 407 - 15

- Brown, (F.J): "Educational sociology", New york, prentice Hall, 1947
- Burgess, (W.): park, (E): "Introduction to the science of sociology", chicago, chicago university press, 1928
- Burgess, (E.W.): Locke, (H.J): "Family" New york, American Book co. 2nd edn, 1953
- Buxton, (c.R.): "International peace" in the Intelligent Man's way to prevent war, L. woolf (ed) London, Gollancy, 1933
- Chombart de lauve, (P.H.), et al.: "la Femme Dans la Société; Son Image Dans Differents Milieux", Paris, C. N. R. S, 1963
- Cobban, (A.): "Dictatorship" London, Jonathan cape, 1939
- Cochran (W.G): "Sampling Techniques", New york, wiley, 1953
- Codrington, (R.H): "The Melanesians: studies in their anthropology and folklore", Oxford, Clarendon press, 1891
- Coker. (F.W): "Recent political Thought", New york, D Appleton. Century, 1934
- Comas (J): "Racial Myths in the Race Question in Modern Science", Paris, Unesco, 1956, PP: 3 - 59
- Cooley, (C.H): "Personal competition," in sociological theory and social research", New york: Henry Holt, 1930.
- Cooley (C.H.): "Human Nature and Social order", New york, Charles Scribner's sons, 1952
- Crow, (L.D): "Understanding our Behavior", New york, A. A. knopf, 1956
- Curtis (E.S.): "The kwakiutl : the north American Indian, Norwood", Mass: the plimpton press, 1915

- Daric, (J): "L'activité professionnelle des Femmes en France", Paris, P. U. F. 1947
- Doob, (L): "Social psychology", New york, Henry Holt. 1952
- Ellioth, (W.Y): "The pragmatic Revolt in politics", New york, the Macmillan co, 1928
- Emerson, (R.): "From Empire to Nation" Cambridge Mass, Harvard University press 1960
- Feigl, (H.): "Operationism and Scientific Method", in psychological Review, vol LII, 1945, PP: 247 - 289
- Fejto (F.): "Hungary Socialism", universities and Left Review, winter, 1958, PP: 11 - 18
- Fortes, (M): "The web of kinship Among the Tallensi", London, oxford University press, 1949
- Frazer (S.J): "Golden Bough", London, Macmillan, 1890
- Freedman (M.): "A Minority in Britain." London. V. M. 1955.
- Freud, (S): "Totem and Taboo", London, Routledge and kegan paul, 1950
- Friedmann, (G): "Travail en Miettes", Paris, Gallimard, 1957
- Gaitskell, (H): "Socialism and Nationlization" Fabian Tract 300, London, Fabian society, 1956
- Gasset, (O): "Revolt of the Masses", New york, Norton, 1982
- Gilbert (G.M): "The psychology of Dictatorship", New york, Ronald press. 1980
- Gillin, (J): "Ethos and Cultural Aspects of Personality", in S. Tax (ed) "Heritage of conquest", Glencoe III, the Free press, 1952
- Gillin, (J.L.): Gillin. (I.P): "Cultural sociology", New york, the

Macmillan co. 1948.

- Ginsberg, (M): "Factors in Social Change", Trans, Third world Congress of Sociology, London, International Sociological Association. 1956
 - Ginsberg, (M): "Studies in Sociology", London, Methuen, 1932
 - Ginsberg, (M): "Sociology", London, oxford university press, 1932
 - Günther, (Hans. F.K): "Le Mariage, ses Formes, son origine", Paris, payot, 1952
 - Gurvitch, (G): "Vocation Actuelle de la sociologie" Paris, P. U. F, 1963
 - Hall (H): "The Geographic region: A Resumé" in Annals of Association of American Geographers, vol xxv, 1935
 - Hawley, (H): "Human Ecology", New york, the Ronald press, 1950,
 - Herberle, (R): "Social Movement; An Introduction to political sociology", New york, Appleton -century- crofts, 1951
 - Herman. (A.P): "An Approach to the social problems", Boston: Ginn, 1949
 - Herskovits, (M.J): "Man and His works", New york, knopf, 1948
 - Hertzler, (J.O): "Society in Action", New york, Dryden press, 1954
 - Hiller, (E.T.): "Social Relations and Structures", New york, Harper, 1947
 - Hinsie, (L.E.): "Shatsky, (J): "Psychiatric Dictionary, New york, oxford university press. 1940
- P: 327

- Hobhouse, (L.F): "Social Development", London, Allen umwin, 1924
- Hoebel (A): "The Law of primitive Man", Cambridge Mass: Harward University press, 1954
- Homans, (G.C): "The Human Group", New york, Harcourt, 1950
- Hooton (E. A.): "Up from the Ape", New york: the Macmillan co, 2 nd edn 1946
- Horney. (K): "Our inner conflicts", London, Routledge and kegan paul,. 2946
- Huntington. (E.): "Principle of Economic Geography", New york, wiley 1940
- Hurlock, (E.): "Child Develovment", New york, Mc Graw-hill, 1950
- I. L. O "Studies and Reports", series no 18, statistics of Migration Geneva, 1932
- Iron (F.C): "Public opinion and propaganda", New york, Crowell, 1950
- Jahoda (M) Deutsch (M,) "Research Methods in Social Relations", New york, Dryden press 1951
- Jeffrey, (M): "Mobility in the Labour Market", London, Routledge kegan paul, 1954
- Joseph, (H.W.B): "An Introduction to Logic", oxford: clarendon press, 1906
- Karlsson, (G): "Adaptability and Communication in Marriage", Totowa (N. J) Bedminster press, 1963 (2' edition)
- Keane, (A.H): "Ethnology", cambridge, cambridge University

press, 1890

- Keller, (A.G): "The science of society", New Haven, yale university press, 1927
- Kelly, (H,H): "Communication and persuasion", New york, yale University press, 1953
- Kendall, (M.G.) Buckland, (W.R.): "A Dictionary of statistical Terms", Edinburg, oliver, 1957
- Klapper, (J.T): "The Effect of Mass Media, New york, columbia University press, 1949
- Klim, (L.E.) starkey, (O.P,) Hall, (N.F): "Introductory Economic Geography", New york, Harcourt, Brace, 1940
- Kohn, (H.): "Nationalism, its Meaning anf History", princeton, van nostrand, 1955
- Kolb, (W.L): "Images of Man and the sociology of Religion" in Journal for the Study of Religion, vol 1961 - 2
- Krech. (D,) Crutchfield. (R.S): "Theory and problems of social psychology, New york, Mc Graw- Hill, 1948
- Kroeber, (A.L): "Anthropology", New york, Harcourt Brace 1948
- Krogman (M.): "What we do not know About Race", Scientific Monthly, vol 57, 1943, PP: 97 - 104
- Lambert (R.S): "propaganda", London, Nelson, 1938
- Laski, (H.J.): "The American Democracy", London: Allen & unwin, 1949,
- Lasswell (H.D): "propaganda", in the Encyclopdia of the Social Sciences, A Seligman (ed), New york, the Macmillan co, 1933, vol XII

- Lasswell, (H.D.) Lerner, (D.) Rothwell. (C.E): "The Comparative Study of Elites" Stanford, Calif, Stanford university press, 1952
- Latham (R.G): "Man and His Migration", London, 1851
- Lazarsfeld, (P.F): Barton, (A.H.): "Qualitative Measurement in the Social sciences", in the policy sciences, lasswell,.... (eds), stanford, University press, 1951:
- Lederer, (E.) : "State of the Masses", New york, Norton, 1940
- Lewis, (O): "Primitive world and its Transformation", Ithaca, New york, cornell University press, 1953
- Lieber, (F.): "on Civil Liberty", New york, Lippincott, 1875
- Linton, (R): "The Study of Man": Appleton. Century, 1936
- Livingston, (W.S): "Federalism and constitutional change", oxford: the Clarendon press, 1956
- Lorwin, (L.L.): "Labor and Internationalism" London, Allen and unwin, 1929
- Lowie (R.H): "An Introduction to Cultural Anthropology", New york, Farrar, Rinehart, 1934
- Lowie, (R.H.): "Social organization" New york, 1948
- Lowie, (R.H): "Cultural Anthropology: A science" American journal of sociology, vol XLII. 1936 - 37
- Lundbery. (G.A.) Schrag, (C.C.) Larsen, (O.N): "Sociology" New york, Harper & Brothers, 1959
- Mac Dougall: "Social psychology": London, Methuen, 1931
- MacIver, (R.M): "The web of Government", New york, the Macmillan co, 1947
- MacIver, (R.M): "Society, An Introductory Analysis", London,

Macmillan co, 1949

- MacIver, (R.M): "Society: a Textbook of Sociology", New york, :Farrar & Rinehart, 1937

- Mac Mahon (D) "Federalism, Mature and Emergent", New york Double Day, 1955

- Madow (W.G): "Sample Survey Methods and Theory", New york, wiley, 1953

- Maine, (H.S): "Ancient Law", London, Murray, 1884

- Malinowski (B): "Magic, Science and Religion", Glencoe III: the Free press, 1948

- Malinowski (B): "Sex and Repression in Savage Society", London, kegan paul, Trench, Trubner, 1927.

- Malinowski (B): "The problem of Meaning in primitive Languages", in K. ogden, A - Richards, (eds) "the Meaning of Meaning", London, kegan paul, 1939, PP: 310 - 325

- Malinowski, (B): "A scientific Theory of Culture and other Essays", Chapel Hill, N. C. university of North Carolina press, 1944.

- Mannheim, (K.): "Man and Society in an Age of Reconstruction", New york, Harcourt, Brace 1940

- Mannheim, (K): "Ideology and Utopia", London, kegan paul, 1952

- Marshall (T.H): "Sociology in the Crossroads", london, Heinemann, 1963

- Marx, (K.): "A Contribution to the Critique of political Economy", New york, I. L. P, 1904

- Marx, (K.): Engels, (F): "The Communist Manifest" 1848, New york, Appleton - century - crofts, 1955
- Mauser. (F.F) schwartz. (D.J.): "Introduction to American Business". New york. A. B. C. 1956
- Mauss, (M.): Hubert, (H): "Esquisse d'une Théorie Générale de la Magie, L' Année sociologique, Paris, Alcan, 1902 3vol VII.
- Mauss (M): "Gift: Forms and Functions of Exchange in Archaic societies", trans by cunnison, Glencoe Ill: the Free press, 1954
- McGovern, (W.M): "From luther to Hitler", Boston: Houghton Mifflin, 1941
- Mead,(M): "Character Formation and Diachronic Theory", in M. Fortes (ed) Social Structure, London, oxford university press, 1949
- Mead (G.H.): "Mind, Self and Society", chicago, university of chicago press, 1934.
- Merton, (K): "Social Theory and Social Structure", Glencoe, Ill: the Free press, 1957
- Mill (J.S.): "Auguste Comte and postivism", London: N, Trubner & co, 1865
- Miller. (D.C.): "Industrial Sociology", New york, Harper, 1951
- Montesquieu (Ch): "the Spirit of Laws", London, Bell, 1909 vol 2
- Mooney, (J.): "The Ghost Dance, Religion and the sioux outbreak of 1890", Washington, Bureau of American Ethnology, 1890
- Moore. (W.E): "Industrial Relation and the social order", New york, the Macmillan co, 1951
- Moreno, (J): "who shall survive?", New york, Beacon House.

1953

- Murdock (G.R): "Social structure", New york, Macmillan co, 1949
- Myrdal, (G.): "value in Social theory", New york, Harper, 1958
- Myrdal. (C.G): "An American Dilemma", New york, Harper & Brothers, 1944
- Nadel, (S.F): "Social Anthropolgy", Glencoe, Ill: the Free press, 1958
- Newcomb (T.M): "Social psychology", New york, Dryden press, 1950.
- Nicolson, (H): "The congress of vienna: A study in allied unity", 1954
- Nottingham, (E.K.) "Religion and Society", New york, Doubleday, 1954
- Park, (R.E): "Collective Behavior", in E. R. A seligman (ed) Encyclopedia of the Social Sciences, New york,: the Macmillan co, 1930, vol III
- Park, (R.E): "Human Ecology", in American Journal of Sociology, vol XLII, 1936 - 7, PP: 1 - 15
- Park (R.E): "Behavior and Conduct" in R. E, Park, E. W. Burgess, Introduction to the science of sociology, chicago, chicago university press, 1924
- Park, (R.E): "Human Migration and the Marginal Man", American Journal of sociology, vol xxx III, 1927, 8, PP: 885 - 898
- Park (R.E): "Introduction to The Science of Sociology" Chicago, University of Chicago press, 1924

- Parsons, (T): "Essays in sociological Theory", Glencoe, Ill: the Free press, 1949
- Parsons, (T.) Shils. (E.A): "Toward a General Theory of Action", Cambridge, Harvard university press, 1951
- Parsons, (T): "The Social system", Glencoe, Ill: the Free press, 1951
- Parsons, (T): "The structure of social Action", New york, Mc Graw Hill, 1937
- Parsons, (T): "Family, Socialization and Interaction process". Glencoe, Ill: the Free press, 1955
- Peterson (W): "A General Typology of Migration": American sociological Review, 1958, vol 23
- Peterson (W.): "population", New york, Macmillan co, 1961
- Popper, (K.R,) "the open society and its Enemies", London, Routledge & kegan paul, 1957, vol 11
- Quinn, (J.A): "Human Ecology", New york, prentice Hall, 1950
- Radcliffe - Brown, (A.R) Forde. (D): "African Systems of kinship and Marriage", London, oxford university press, 1950
- Radcliff Brown (A.R.): "structure and Function in primitive society", London, cohen and west, 1959
- Radcliffe - Brown, et. al. "the Development of social anthropology", chicago, mimeograph; 1936
- Redfield, (R) "the Folk Society", American Journal of Sociology, vol LII, 1946 - 7
- Renan, (E): "Qu'est - ce qu' une Nation?" Oeuvres complètes, tome1, Paris, calmann - levy, 1882

- Reuter (E.B), Hart (C.W): "Introduction to sociology", New york, Mc Graw - Hill, 1937
- Richard (G.B): "Matriarchy or Mistake" in V. F Ray (ed): "cultural stability and cultural change", seattle; American Ethnological Society, 1957
- Riesman, (D): "Individualism Reconsidered and other essays", Glencoe, Ill: the Free press, 1954
- Robertson, (D.H.): "The control of Industry", Cambridge, cambridge University press, 1955
- Robson, (W.A.): "problems of Nationalized Industry", London, Allen and unwin, 1952
- Rose, (A.M.): "The use of Law to Introduce Social Change", trans Third world congress of sociology, London, International sociological Association, 1956
- Rose, (A.M.): "sociology", the study of Human Relations", New york, knopf, 1956.
- Rose, (A.M.): "Theory and Method in the Social Sciences, Minneapolis, the University of Minesota press, 1954
- Rousseau (J.J): "Social contract". London, oxford University press, 1947
- Saroukhani, (B): "Family and social Mobility", in International Journal of sociology of Family", 1963, vol3, NO2, PP: 162 - 166
- Saroukhani, (B): "Age Gap in Marriage", Genus, 1969, vol 35, NO 1,2 , PP: 265 - 276
- Saroukhani, (B): "Mahr, A Tradition in Iranian Marriage" in International Journal of sociology of Family", 1969, vol 9, No1,

PP: 17 - 25

- Saroukhani, (B.): "Le choix du conjoint en Iran et en occident", Paris, librairie Générale de Droit et de jurisprudence, 1968
- Saroukhani, (B): "stereotypes", Paris, sorbonne, mimeograph, 1968
- Schapera, (I): "Some comments on comparative Method in Social Anthropology", American Anthropologist vol, 55, 1953
- Schapera, (I): "Married life in an African Tribe", London, Faber, 1940
- Schapiro, (L.B.): "The communist party of the soviet union" London, Eyre and spottiswoode, 1960
- Schneider, (D.N): "A note on bridewealth and the stability of Marriage", Man, vol LIII, 1953
- Schneider, (E.W.): "Industrial Sociology", New york, Mac-Graw Hill, 1957
- Schwarzenberger, (G.): "power politic", New york, praeger, 1951
- Servier. (J): Histoire de l' utopie", Paris, Gallimard, 1967
- Shafer, (B.C): "Nationalism, Myth and Reality", London, Gollancy, 1955
- Sherif, (C.M.) ,Sherif, (M.): "An outline of Social psychology", New york, Harper and Bros, Rev. Edn, 1956
- Small. (A.W.): "General Sociology", chicago, University of chicago press, 1905
- Smith (M. G): "Secondary Marriage in Nothern Nigeria", Africa, vol XXIII, 1953
- Smith, (A): "The wealth of Nations, 1st edn, 1776, London, Methuen, 1904

- Sorokin (P.): "Society, Culture and personality", New york, Harper & Brothers, 1947
- Sorokin, (P): "Social and cultural Dynamics", New york, American Book co, 1941
- Stark, (W): "the Sociology of knowledge", London, Routledge and kegan paul, 1958
- Stonequist, (E.V): "The Marginal Man", New york: Charles Scribner's sons, 1937
- Stouffer, (S.A.): "Measurement and Prediction", vol4 of studies in Social psychology, in world war II, princeton P. U. P. 1950
- Strayer, (J.R.): "Feudalism in History", princeton: princeton University press, 1956
- Summer, (W.G): "Folkways", Boston, Ginn, 1907
- Tawassoli, (G,) "Evolution of Bride price in Tehran", in tenth international - seminar on family researches, Tehran, Institute for Social Studies and Research, 1966
- Tax, (S): "Culture and civilization in Guatemalan societies" Monthly, vol 48, 1939.
- Thomas. (W.I): Znaniecki, (F.): "The polish peasant in Europe and America", Boston; badger, 1920
- Thrasher, (F.M.): "The Gang, A study of 1313 gangs in chicago", chicago University press, 1927
- Truman (D.B) "The Government process", New york, knopf, 1951
- Tucker. (B.R): "Individual Liberty", New york, vanguard press, 1926
- Turner, (R.H,) killian, (L.M.): "Collective Behavior" Englewood

- cliffs, N. J, prentice - Hall, 1957
- Tylor, (E.B.): "primitive culture", London, Murray, 1871, vol I
- Tylor, (E.B.): "on a Method of Investigating the development of institutions", in Journal of the Royal Anthropological Institute, vol 18, 1889, PP:
- Vance (R.B.): "All these peoples", Chapel Hill, University of North Carolina press, 1946
- Veblen, (T.): "Absentee ownership and Business in Recent Times", New york, B. W. huebsch, 1923
- Wach. (J): "Sociology of Religion", Chicago: University of Chicago press, 1943
- Watson. (J.B): "Behaviorism", New york, the people's Institute publishing co, 1925
- Weinberg (R.): "An Examination of Logical Positivism", London, kegan paul, 1936
- Westermarck, (E): "History of Human Marriage", London, Macmillan co 1891
- White, (C.L.A): "A problem of kinship Terminology", American Anthropologist, vol 41, 1939
- Wiebe. (G.D.) "Mass Communication, in E. L. Hartley, R. E. Hartley (eds): Fundamentals of Social psychology, New york, knopf, 1952
- White (C.L.), Renner, (G.T): "An Introduction to Human Ecology, New york, D, Appleton Century, 1936
- Williams, (R.M): "American Society, A Sociological Interaction ", New york, knopf, 1951

- Wirth, (L): "Contemporary Social Problems", Chicago, University of Chicago press, 1939
- Wollheim, (R): "Socialism and culture" London, Fabian Society, 1961
- Wright, (Q): "The Study of International Relations" New york, Appleton - Century, Crofts, 1955
- Young, (K): "sociology: A study of society and culture", New york, American Book co, 1949
- Young (K.) "Social psychology", New york, ; Crofts, 2nd edn, 1944
- Young (K): "personality and problems of Adjustment", London, kegan paul, 1947

فهرست مفاهیم

آ

آپارتاید	Apartheid	آرمان - آرمانی - مثالی - کمال مطلوب	Ideal
آثار جنبی	Side effects	آرمانی سازی	Idealization
آدم خوار	Anthropophagous	آزاد سازی	liberalization
آدم خواری	Anthropophagy	آزادی سخن	Free- speech
آداب قومی	Ethnic manners	آزاد گذاری بشرط مهر	Permissiveness with affection
آداب و رسوم سازمانی	Organizational mores	آزاده - آزاد زاده	Free- born
آداب و رسوم	Mores	آزادی اجتماعات	Freedom of assembly
آرامش طلبی، صلحجویی	Pacifism	آزادی بیان	Free expression
آرمانهای اخلاقی	Moral ideas	آزادی در آموزش - آزادی آموزشی	Academic freedom
آرمانهای طبقاتی	Class ideals	آزادی قبل از ازدواج	Premarital license
آرمان اخلاقی	Ethical ideal		

آسيب شناسي اجتماعي	آزادي مطبوعات
Social Pathology	Freedom of press
آسيب شناسي رواني	آزمایش
Psychopathology	Experiment
آسيب شناسي - شرايط آسيبي	آزمایش گرايي
Pathology	Experimentalism
آسيب شناسي فردي	آزمون
Individual Pathology	Test
آستي	آزمون پذيري
Conciliation	Testability
آگاه	آزمون پيشين
Conscious	Pretest
آگاهي بخش، آموزنده	آزمون معني داري
Informative	Significance test
آگاهي دو گانه	آزمون رفتار
Dual consciousness	Behaviour test
آگاهي عمومي	آزمون شيدايي
Public consciousness	Testomania
آگاهي قومي	آستانه انطباق
Ethnic consciousness	Adaptation threshold
آگهي هاي فرا آگاهي	آستانه حالت طبيعي
Subliminal advertising	Threshold of normality
آگاهي ملي	آسيب پذير
National consciousness	Vulnerable
آگاهي نژادي	آسيب پذيري
Race consciousness	Vulnerability
آگاهي نوعي	آسيبي، آسيب زا، آسيب شناختي
Consciousness of kind	Pathological

آموزش فنى	آلودگی-آلوده سازی
Technical education	Pollution
آموزش صنعتى	آلوده سازی
Industrial education	Contamination
آموزشگاه متمرکز	آلى بودن
Centralized school	Organicity
آمیختگارى	آمار اخلاقى
Eclecticism	Moral statistics
آمیختگار	آمار استنتاجى
Eclectic	Inferential statistic
آمیزش مبتنى بر شعائر	آمار پارامترى
Ritual union	Parametric statistics
آمیزش نژادى-اختلاط نژادى	آمار توصیفى
Race mixture	Descriptive statistic
آمیزگاه	آمار شناسى حیاتى
Melting pot	Vital statistic
آئین بى طرفى در ارتباطات جمعى،	آمارگر
آئین نصف	Statist
Fairness doctrine	آموزش ابتدایى
آئین درونگرى	Primary education
Introspectionism	آموزش اجبارى
آینده گرایی	Compulsatory education
Futurism	آموزش بزرگسالان
آینده نگرى	Adult education
Prospective	آموزش حرفه اى
آینده نگرى جمعیت	Vocational training
Eopulation projection	آمورش سبقت جویانه
	Contest education

الف

اتحاد نظامی	ابزار تبیین
Military alliance	Explanans
اتحادیه صنعتی	ابزار اندازه گیری مبتنی بر تمایز لغوی
Industrial union	Semantic differential rating
اتحادیه کارگری - اتحادیه کارمندان	instrument
Labor union	ابعاد عاطفی
اتحادیه‌های کارگری	Emotional dimensions
Trade unions	اتحاد خویشاوندی سببی
اتم‌پنداری	Alliance
Atomism	اتحاد تهاجمی
اتم‌گرایی اجتماعی	Offensive alliance
Social Atomism	اتحاد دفاعی
اتفاقی - غیر منظم - تصادفی - نامرتب	Defense alliance
Casual	اتحاد رسمی
اتکاء به نفس	Formal alliance
Self dependence	اتحاد غیر رسمی
	Informal alliance

اجتماعى شدن بزرگسالان	اثبات برائت از طريق شهادت
Adult socialization	Compurgation
اجتماعى شدن مجدد	اثبات گرائى منطقى
Resocialization	Logical positivism
اجتماع شهری	اثبات گرائى جديد
Urban community	Neopositivism
اجتماعى نشدن	اثر حرکت تلقينى
Unsocialization	Autokinetic effect
اجتناب از روابط جنسى با همسر	اثر گذاران
Marital abstinence	Significant others
اجنبى - بدون کاست	اثر واکنشى
Out-cast	Reactive effect
احتمال آماری	اثر هاله
Statistical probability	Halo effect
احتمال بقاء	اجبارى - اضطرارى -
Probability of survival	Forced
احتمال گرایی	اجبارى با عدم خشونت
Probabilism	Non-violent coercion
احزاب سياسى	اجبار اجتماعى
Political parties	Social contraint
احساس	اجتماع اقماری
Feeling	Satellite Community
احساس تعلق گروهى	اجتماع زبانی
Group feeling	Linguistic Community
احساس جمعى	اجتماع زندان
Collective feeling	Prison Community
احساس خودى	اجتماعى شدن از نظر سياسى
We- feeling	Political Socialization

ادراك تفاوتى	احساسات سرکوب شده
Differential Perception	Inhibited feelings
اراده	احساسات عمومى
Will	Public Sentiment
اراده آزاد	احساس نژادى
Will free	Race feeling
اراده فردى	اختلال روانى
Individual Will	Mental disorder
***	اختيارات ويژه
اراده گروهى	Ex- cathedra
Group Will	اختيارگرائى
ارتباط اجبارى	Libertarianism
Forced cammunication	اخلاق
ارتباط اجتماعى	Ethic
Social cammunication	اخلاق جنسى
ارتباط احساس انگيز	Sexual morality
Phatic cammunication	اخلاق فلسفى
ارتباط ارتجائى	Philosophical ethic
Spontaneous communication	اخلاق گروهى
ارتباط از راه دور	Group morality
Telecommunication	اخلاقى ساختن - جهات اخلاقى
ارتباط حرکتى	بخشيدن
Gestural communication	Moralize
ارتباط برانگيخته	ادراك اجتماعى
Induced cammunication	Social perception
ارتباط بين المللى	ادراك پذير
International communication	Perceptible

ارتباط ترکیبی	ارتجالی
Syntactic communication	Spontaneous
ارتباط جمعی	ارتش ذخیره
Mass communication	Reserve army
ارتباط درونی	ارتقاء اجتماعی
Intra- Communication	Social capillarity
ارتباط غیر بیانی	ارتقاء مارپیچی
Non- verbal communication	Spiral
ارتباط غیر مستقیم	ارث بردنی
Indirect communication	Hereditable
ارتباط فرهنگی	ارث زن
Cultural Communication	Dower
ارتباط گیرنده- ارتباط یابنده	ارثی
Communicator	Hereditary
ارتباط متقابل	اردوگاه کار اجباری- بازداشتگاه
Inter Communication	نظامی- سیاسی
ارتباط مستقیم	Concentration camp
Direct Communication	ارزش
ارتباط معطوف به هدف	Value
Purposive Communication	ارزش اضافی
ارتباط مورد آرزو	Surplus value
Aspired Communication	ارزش بقاء بخش
ارتباطی	Survival value
Communicative	ارزش ذهنی
ارتجاع	Subjective value
Reactionism	ارزش سرمایه
ارتجاعی	Capital value
Reactionary	

ازدواج از طریق خرید همسر	ارزش شناسی
Marriage by purchase	Axiology
ازدواج از طریق ربایش	ارزش عینی
Marriage by capture	Objective value
ازدواج اشباح	ارزش گذاری
Ghost marriage	Valuation
ازدواج بسته	ارزش مصرفی
Connubium	Use value
ازدواج چندزنی	ارزشمند
Polygynous marriage	Valuable
ازدواج دوستانه	ارزشهای انطباق بخش
Comradship marriage	Adaptive values
Marriage of comradship	ارزشهای زیر زمینی
Companionate marriage	Subterrean values
ازدواج عرفی	ارزشهای صوری
Common law marriage	Formal values
ازدواج مبادله‌ای	ارزشهای فرهنگی
Marriage by exchange	Cultural values
ازدواج مجدد	ارزشهای قضائی
Remarriage	Judicial values
ازدواج مختلط	ارقام ویژه
Mixed marriage	Refined figures
ازدواج موقت	ارگان اجتماعی
Temporary marriage	Social organ
از فقر رستن	از بودجه عمومی کمک بلاعوض کردن
Depauperize	Subsidize (to)
از نو توزیع کردن - مجدداً توزیع نمودن	ازدحام
Redistribute (to)	Overcrowding

استبداد شرقى	از هم پاشیدگی خانوادگی
Oriental despotism	Family disintegration
استدلال	از هم پاشیدن
Reasoning	Disintegrate (to)
استدلال استقرائى	از هم پاشیدگی فرهنگى
Inductive reasoning	Cultural disintegration
استدلال باطل	از هم پاشیدگی گروهى
False argument	Group disintegration
استدلال عینى	از هم پاشیدگی ملی
Objective reasoning	National disintegration
استدلال قیاسى	اسارت گروهى
Deductive reasoning	Croup slavery
استرداد	استاندارد اخلاقى
Extradition	Moral standard
استعاره	استاندارد دوگانه در رفتار جنبى
Metaphor	Double standard of Sexual behavior
استعمار	استاندارد زندگى
Colonization	Standard of living
استعمار داخلى	استاندارد سازى
Internal colonialism	Standar dization
استعمارزدائى	★★★
Decolonization	استانداردهاى کار
استعمار ستیزى	Labor standards
Anti-colonialism	استبداد
استعمار فرهنگى	Despotism
Cultural colonialism	
استعمارگرى	
Colonialism	

استعمار نو	استوره‌شناسى - مجموعه استوره‌ها
Neo-colonialism	Mythology
استعمارى	استوره‌نگار
Colonial	Mythographer
استقراء	اسناد
Induction	Attribution
استقراء گرائى	اشاعه
Inductivism	Diffusion
استقلال اقتصادى	اشاعه فرهنگ
Economic independence	Cultural diffusion
استمرار فرهنگ	اشباع جنائى
Continuity of culture	Criminal saturation
استنتاج آمارى	اشباع نشدنى
Statistical inference	Insatiable
استنتاج قياسى	اشتباه پايا
Extrapolation	Persistent error
استوارى زناشوئى	اشتباه تصادفى
Marital stability	Chance error
استهلاك	Random error
Amortization	اشتباه ثابت
استيلاجوئى	Constant error
Hegemonism	اشتباه سو يافته
اسپرانتو	Biased error
Esperanto	اشتباه منظم
استوره	Systematic error
استوره‌سازى	اشتراكى شده
Mythicize	Collectivized

Pleasure principle	اصل لذت	Collectivization	اشتراکى کردن
Reality principle	اصل واقعیت	Employment	اشتغال
Principle of unity	اصل وحدت	Household employment	اشتغال خانگى
Mutualism	اصل همیاری	Full-employment	اشتغال کامل
Reform	اصلاح	Underemployment	اشتغال ناقص
Social reform	اصلاح اجتماعى	Derivative	اشتقاقى
Reformable	اصلاح پذیر	Cultural chaos	آشفته گى فرهنگى
Reformism	اصلاح طلبى	Forms of settlement	اشکال سکنى گزینى
Reformer	اصلاح گر	Friction	اصطکاک - مالش
Eugenism	اصلاح نسل	Technical terms	اصطلاحات فنى
Gradualism	اصلاحات تدریجى	Compensatory principle	اصل جبرانى
Peter principle	اصل پتر	Minimax principle	اصل حداقل زیان
Principle of struggle for survival	اصل تنازع بقاء	Protectionalism	اصل حمایتى
Eternal principles	اصول جاودانى	Hedonistic principle	اصل لذت گرایانه

اعتلاى شخصى	اصول جهانى
Personal ascendancy	Universal principles
اعتلاى فرهنگى	اصول وحدت بخش
Cultural ascension	Unifying principles
اعتمادپذیرى - وابستگى پذیرى	اطفاء شهوت بانگاه
Dependability	Voyeurism
اعتیاد به مرفین	اضافه ارزش رایگان
Morphinism	Unearned increment
اعتیاد به مواد مخدر	اعتبار
Drug addiction	Validity
اعداد تصادفى	اعتبار اجتماعى - شأن
Random numbers	Prestige
اعدام	اعتبار پیوسته با معیار
Capital punishment	Criterion related validity
اعلامیه جهانى حقوق بشر	اعتبار صورتى
Universal declaration of human rights	Face validity
اعمال نفوذ بنفع خویشان	اعتبار یابى وفاقى
Nepotism	Consensual validation
اعمال - اداره - سررشته داری - دستگاه اداری	اعتدال - میانه روی
Administration	Moderation
اعمال - کاربرد	اعتدال پسندی - گرایش به نظامها و اندیشه های
Application	غیر افراطی
اعمالی - کاربردی	Moderatism
Applied	اعتراض کردن
اعمال نفوذ	Protest (to)
Lobbying	اعتقاد به برتری نژادی
اغماض - مدارا	Racialism
Tolerance	

اغوا	اقتدار سنتى
Seduction	Traditional authority
آفرینش	اقتدار فردى
Creation	Individual authority
آفریننده	اقتدار عقلانى - قانونى
Creator	Legal-rational authority
افتراقى - تفاضلى	اقتدار فرهنگى
Differential	Charismatic authority
افراطى	اقتدار مبتنى بر اجبار
Ultraist	Coercive authority
افسرده - راکد	اقتدار مستمر
Depressed	Continuous authority
افشاگرى (افشاء رشوه خواری)	اقتدار مشروط
Muckraking	Conditional authority
افراد بومی - رسوم محلی و آداب بومیان	اقتصاد برنامه‌ای
Autochthonism	Planned economy
افکار انبوه خلق	اقتصاد حائز مازاد
Crowd opinion	Surplus economy
افکار دینی - اندیشه‌های دینی	اقتصاد حرکت
Religious thoughts	Motion economy
افکار عمومی	اقتصاد خوشه‌چینی
Public opinion	Collecting economy
اقتدار - حجیت - اختیار	اقتصاد رنج
Authority	Pain economy
اقتدار اجتماعى	اقتصاد سنتى
Social authority	Traditional economy
اقتدار جمعى	اقتصاد صنایع دستی
Collective authority	Handicraft economy

اقلیم‌پذیری - سازگاری با اقلیم	اقتصاد کلان
Acclimatization	Macro economy
اکثریت نگرى	اقتصاد کنترل شده
Multitudinism	Controlled economy
★★★	اقتصاد فراوانی
الحاد	Economy of abundance
Heresy	اقتصاد لذت
الحادشناسی	Pleasure economy
Heresiology	اقتصاد مبتنی بر پول
الحاق به گروهی خاص - هواخواهی حفظ هویت مناطق - رستگاری برگزیدگان	Monetary economy
Particularism	★★★
الزام‌آور	اقتصاد مختلط
Obligatory	Mixed economy
الزام اجتماعی	اقتصاد هدایت شده
Obligation	Directed economy
الغاء - الغاء بردگی	اقدامات تنظیم‌بخش
Abolition	Regulatory measures
الغاء گرائی - طرفداری از الغاء بردگی	اقدامات حمایتی
Abolitionism	Protective measures
القای انبوه خلق	اقدامات اصلاحی
Crowd suggestion	Reformatory measures
★★★	اقناع جمعی
الگوی رفتاری	Mass persuasion
Behavior pattern	اقلیت‌های زبانی
	Linguistic minorities
	اقلیت‌های ملی
	National minorities

الگوی عمل ثابت	Fixed action pattern (F.A.P)
الگوهای سکناگزینی	Settlement patterns
امر اجتماعی	Social fact
الگوهای فنی	Technical patterns
امر بدیهی - اصل متعارف	Axiom
الگوی نظری	Paradigm
امساک	Abstinence
الگوهای نمادی	Symbolic patterns
امساک روابط جنسی باهمسر	Martial continence
امکانات اجتماعی	Social provision
امید زندگی	Life expectancy
امید زندگی در بدو تولد	Expectation of life at birth
امنیت جمعی	Collective security
انباشت	Accumulation
انباشت سرمایه	Capital accumulation
انبوه خلق	Crowd
الهام	Inspiration
الهام گرایی	Inspirationism
الهیات	Theology
امتزاج	Outbreeding
امحای فرهنگ قومی	Ethnocide

انتصاب براساس شايستگى	انبوه خلق تصادفى
Merit appointment	Casual crowd
انتظارات روبه فزونى	انبوه خلق داراى تحرک
Rising expectation	Mobile crowd
انتظام اجتماعى	انبوه در هيجان
Social discipline	Orgiastic crowd
انتقاد - نقد گرائى	انبوه عاطفى
Criticism	Expressive crowd
انتقال	انبوه فعال
Transmission	Active crowd
انتقال اجتماعى	انبوه سازمان يافته
Social transmission	Organized crowd
انتقال سرمايه	انبوه مشارک
Capital transfer	Participant crowd
انتقال ناپذير	انبوه مستى
Inalienable	Crowd intoxication
انتقام خون	انبوهه
Blood vengeance	Aggregate
انجمن داوطلبانه	انبوهه اجتماعى
Voluntary association	Social aggregate
انجمن جانبيان	انبوهه تکوينى
Criminal association	Genetic aggregate
انجمن قراردادى - غير دينى	انتخابات سنجى
Secular society	Psephology
***	انتخابات نسبى
اندازه - مقياس	Proportional representation
Measure	انتزاع - تجديد
	Abstraction

انحصار	اندازه گیری - سنجش
Monopoly	Measurement
انحصار رسانه ها	اندام - تنواره
Media monopoly	Organism
انحصار طلبی	اندام وارگی
Monopolism	Organismic analogy
انحصار کامل	انداموش انگاری - نظریه انداموش انگاری
Perfect monopoly	Organic school
انحصار محض	اندیشمند
Pure monopoly	Intellectual
انحصار مطلق	اندیشه ایدئولوژیک
Absolute monopoly	Ideological
انحصار ناقص	اندیشه گرایی
Oligopoly	Intellectualism
انحطاط	اندیشه های مجرد
Decadence	Ideal faktoren
انحطاط اجتماعی	انزجار فردی
Social decadence	Individual aversion
انحطاط فرهنگی	انزوا طلبی
Cultural decadence	Isolationism
انحطاط معنوی	انحراف
Spiritual decadence	Deviation
انحلال	انحراف آزمایشگر
Dissolution	Experimenter bias
انسان ابتدائی	انحراف ثانوی
Primitive-man	Secondary deviance
انسان سازمانی	انحراف جنسی
Organization man	Sodomy

انسان سياسى	انسان ارتباط جو
Homo-politicus	Homo-communicatus
انسان شناسى	انسان اقتصادى
Anthropology	Homo-oeconomicus
انسان شناسى از دیدگاه زبانشناسى	انسان اندیشه‌ورز
Linguistic anthropology	Homo-sapiens
انسان شناسى اجتماعى	انسان اوليه
Social anthropology	Anthropic
انسان شناسى اشاعه‌گرا	انسان پرستى
Diffusionist anthropology	Anthropolatry
انسان شناسى اقتصادى	انسان ديگر راهبر
Economic anthropology	Other-directed-man
انسان شناسى تاريخى	انسان حاشيه‌اى
Historical anthropology	Marginal man
انسان شناسى تجربى	انسان خودراهبر
Experimental anthropology	Inner-directed-man
انسان شناسى تفاوتى	انسان جنائى
Differential anthropology	Criminal-man
انسان شناسى توسعه	انسان سازنده
Development anthropology	Homo-faber
انسان شناسى پزشكى	انسان سنجى
Medical anthropology	Anthropometry
انسان شناسى حقوقى	انسان سنجى اجتماعى
Legal anthropology	Social anthropometry
انسان شناسى جسمى	انسان سخنگو
Somatic anthropology	Homo-loquax
Physical anthropology	Traditional-directed-man

انسان گرایی	انسان شناسی جنائی
Humanism	Criminal anthropology
انسان گونه ها	انسان شناسی زیستی
Hominid	Biological anthropology
انسان نما	انسان شناسی زیستی - فرهنگی
Anthropoid	Biocultural anthropology
انسان محوری	انسان شناسی ساختی
Anthropocentrism	Structural anthropology
انسان محور	انسان شناسی شناختی
Anthropocentric	Cognitive anthropology
انسان نگاری	انسان شناسی سیاسی
Anthropography	Political anthropology
انسانیت	انسان شناسی عملی
Humanity	Practical anthropology
انسانیت باخته - غیر انسانی شده	انسان شناسی فرهنگی
Dehumanized	Cultural anthropology
انسانیت زدائی	انسان شناسی کاربردی
Dehumanization	Applied anthropology
انسان و شانگاری - خود میان بینی	انسان شناسی متعهدانه - انسان شناسی
Anthropomorphism	تعهد آمیز - انسان شناسی عملگرا
انسانی کردن	Action anthropology
Humanize	انسان شناسی نظامها
انسجام	Systems anthropology
Coherence	انسان شناسی نمادی
انشعاب	Symbolic anthropology
Schism	انسان کشی
Fission	Homicide

انقلاب	انطباق
Revolution	Adaptation
انقلاب از بالا	انطباق برونى
Palace revolution	External adaptation
انقلاب بازرگانى	انطباق تكوينى
Commercial revolution	Genetic adaptation
انقلاب در توليد مثل	انطباق درونى
Vital revolution	Internal adaptation
انقلاب جمعيتى	انطباق فردى
Demographic revolution	Individual adaptation
انقلاب جنسى	انطباق فرهنگى
Sexual revolution	Cultural adaptation
انقلاب صنعتى	انطباق مجدد
Industrial revolution	Readaptation
انقياد	انطباق مشترك
Submission	Co-adaptation
انقياد تقدير گرايانه - انقياد قدر گرايانه	انطباق ناپذيرى
Fatalistic submission	Inadaptability
انكار خويشتن، ايثار در حدنهادى	انطباق همگانى
Self-abnegation	Communal adaptation
انگل	انطباق يافتن
Parasite	Adapt (to)
انگل اجتماعى	انضمام فرهنگى
Social parasitism	Cultural annexation
انگيزش	انفجار جمعيتى
Motivation	Demotic explosion
	انفجار جمعيت
	Population explosion

ایدئولوژى	انگیزه
Ideology	Incentive
ایدئولوژى بورژوازی	انگیزه اجتماعى
Bourgeois ideology	Social stimulus
ایدئولوژى طبقات	انگیزه‌های اقتصادى
Class ideology	Economic incentives
ایدئولوژى عملگرا- ایدئولوژى تعمه‌آمیز	انگیزه‌های سایه
Actionist ideology	Shadow motivations
ایدئولوژى مارکس گرایانه- ایدئولوژى مارکس	انواع تحلیلى
Marxian ideology	Analytic types
ایمان- وفا- وعده	ایالت- دولت- حالت- وضع
Faith	State
ایده‌آلیسم	ایالت مآبى- واژگان محلى
Idealism	Provincialism
ایستائى اجتماعى	ایالتى- استانى
Sociostatism	Provincial
اورگانیزم	ائتلاف
Organism	Coalition
اوضاع و احوال	ایشار
Conjuncture	Abnegation
اولاد	ایجاز پسندى
Lineage	Laconism
	ایجاد تمایز در کالا :
	Product differentiation

ب

بارورى نسلى	بادافره‌هاى موثر در گذشته
Generation fertility	Retroactive sanctions
بارورى نهاى	با رأى اعضا برگزیدن
Completed fertility	Coopt (to)
بازآفرينى	بارورى
Recreation	Fertility
بازار سرمايه	بارورى برانگيخته
Capital market	Induced fertility
بازار كار	بارورى برنامه‌اى
Labor market	Planned fertility
بازار مشترك	بارورى تفاوتى
Common market	Differential fertility
بازتاب	بارورى زنان
Reflex	Female fertility
بازتاب شرطى	بارورى طبيعى
Conditional reflex	Natural fertility
بازتاب شناسى	بارورى عمدى
Reflexology	Intentional fertility
بازتاب غير شرطى	بارورى عمومى
Unconditioned reflex	General fertility
بازدارنده	بارورى غير قانونى
Inhibitive	Illegal fertility
بازداشتن	بارورى قانونى
Deter (to)	Legal fertility
بازده	بارورى مردان
Yield	Man fertility

Idolize	بت ساختن	بازده روبه کاهش	Diminishing returns
Fetish	بتواره	بازرگانی آزاد	Free-trade
Fetishism	بتواره پرستی	بازسازمانی اجتماعی	Social reorganization
Economic crisis	بحران اقتصادی	بازسازمانی فردی	Individual reorganization
Precipitating crisis	بحران عاجل	بازسازی اجتماعی	Social reconstruction
Service sector	بخش خدمات	بازسنجی	Replication
Private sector	بخش خصوصی	بازگشت به گذشته - گذشته نگری	Regression
Tertiary sector	بخش سوم	باستانشناسی ماقبل تاریخ	Prehistoric archaeology
Primary sector	بخش نخست	بالفعل	Defacto
Voluntarism	به خواست خواهی - اقدامات داوطلبانه	باند جنائی	Criminal gang
Pessimism	بدبینی	بانک داد و دهها - بانک یافته ها	Data bank
Evil eye	بدچشم - شوم چشم	باور - اعتقاد	Belief
Dysplastic	بدریخت (بد ریخت)	باورهای ارثی	Hereditary creed
Malnutrition	بدغذائی - بی غذائی	بت پرستی	Idolatry

برانگیزی گروهی	بدیع
Group stimulation	Original
برآورد کم	برابر
Underestimation	Equal
بربریت	برابر انگاری
Barbarism	Equalitarianism
برگزیدگان-زیدگان، سرآمدان-نخبگان-	برابری همسری- برابر همسرگزینی
برجستگان	Pair marriage
Elite	برابری
برخورد فرهنگی	Equality
Cultural confrontation	برابری خواهی
برخه	Equalitarianism
Fractile	برادر خونی
برد- دامنه- تغییر- گستره	Blood brother
Range	برادر نامشروع
بردگی خواهی	Natural brother
Proslavery	برادری
بردگی ناشی از بدهی	Phratry
Debt-Slavery	برادری- انجمن اخوت
بررسی اجتماعی	Fraternity
Social survey	برانگیختگی غیر اجتماعی
بررسی تک‌نگارانه - بررسی	Non-social stimulation
مبتنی بر تک‌نگاری	برانگیختن
Monographic investigation	Motivate
بررسی مبتنی بر درون‌نگری	برانگیخته- دارای انگیزه
Introspective investigation	Motivated
برگشت کردن- پس‌روی	برانگیزی
Regress (to)	Stimulation

برهان پس از تجربه	برگشتگی
Aposteriori reasoning	Retroflexion
برهان مقدم بر تجربه	برنامه‌ریزی
Apriori reasoning	Urban planning
برهنگی - برهنه‌پسندی	برنامه‌ریزی اجتماعی
Nudism	Social Planning,
برین	برنامه‌ریزی اقتصادی
Supernal	Economic planning
بزرگ - کلان	برنامه‌ریزی دولتی
Macro	State planning
بزرگ زمینداری - بزرگ مالکی	برنامه‌ریزی شهری
Latifundism	City planning
بزرگسال	برنامه‌ریزی منطقه‌ای
Adult	Regional planning
بزرگ شهر	برون شهر
Metropolis	Hinterland
بزهکار	برون گرای
Delinquent	Extrovert
بزهکاری	برون گرایی
Delinquency	Extraversion
بزهکاری سنجی	برون گروه
Delinquency measurement	Out-group
بزهکاری نوجوانان	برون همسری اجتماعی
Juvenile delinquency	Social exogamy
بسط انحرافات	برون همسری اقتصادی
Deviancy amplification	Economic exogamy
بسیج زدایی	برونی سازی
Demobilization	Externalization

Bourgeois	بورژوا	Humanitarianism	بشر دوستی
Bourgeoisie	بورژوازی	Quasi	بظاهر - نیمه - واره - شبه
Embourgeoisement	بورژواشدن	Post-classicism	بعد از کلاسیک‌ها
Labor exchange	بورس کار	Population survival	بقاء جمعیت
Autochthon	بومی	National survival	بقاء ملی
Inheritance of criminality	به ارث‌بری جنایت، توارث جنائی	Defloration	بکارت زدائی
Exofficio	به اعتبار سمت	Sedition	بلوا
Publicize	به آگاهی عمومی رساندن	Puberty	بلوغ جسمانی
Monopolize	به انحصار در آوردن	Social maturity	بلوغ اجتماعی
Ameliorative	بهبودبخش	Criminal maturation	بلوغ یابی جنائی
Ameliorate (to)	بهبود بخشیدن	Maturation	بلوغ یابی
Unimproved	بهبود نیافته	Sacrifice foundation	بنای قربانی
Maximization	به حداکثر رساندن	Fundamentalism	بنیادگرایی
Optimize	به حد مطلوب رساندن	Fundamental	بنیادی

بهه پیوستگی اجتماعى	بهداشت اجتماعى
Social nexus	Social hygiene
بهه پیوستگی فرهنگى	بهداشت روانى
Cultural cohesion	Mental hygiene
بهنجار	بهداشت عمومى
Normal	Public health
بیانیهٔ کمونیست	بهره کشى - استثمار
Communist manifesto	Exploitation
بى بندوبارى	بهره کشى اجتماعى
Self-expression	Social exploitation
بى حالى - بى عاطفگی	بهره کشى بوزروا مأبانه
Apathy	Bourgeois exploitation
بى حسی - غیر حسی - غیر مادى - غیر جسمانى	بهره وورى سرمايه
Insensate	Capital productivity
بى خدائى - یزدان ناشناسى	بهره وورى نهائى نیروى کار
Atheism	Marginal productivity of labor
بى سازمانى	بهره وورى نیروى کار
Inorganization	Labor productivity
بى سازمانى اقتصادى	بهرهٔ هوشى
Economic disorganization	Intelligence quotient
بى سازمانى شخصى	به شهادت رسانیدن
Personal disorganization	Martyrize
بیش	به عمل متقابل دست زدن - تقابل
Over	Reciprocity
بیش تولیدى	به کار کرد، کار کرد مطلوب
Overproduction	Eufunction
بیش جمعیت	بهه آمیزی نژادها
Over population	Miscegenation

بیگانه محوری - بیگانه مدرای	Over housing	بیش خانه سازی
Xenocentrism		
بیگانه ناخواهی - بیگانه هراسی	Overestimation	بیش شماری
Xenophobia		
بیگانه همسری	Overconsumption	بیش مصرفی
Xenogamy		
بیمارگون	Over affection	بیش مهری
Morbia		
بیماری مزمن	Neutralization	بی طرف سازی
Chronic disease		
بیماری های ارثی	Neutralism	بی طرفی
Hereditary disease		
بیماری های روان تنی	Allegiance	بیعت
Psycho-somatic diseases		
بیماری های شغلی	بیکاره ها - محرومین از حقوق اجتماعی	
Occupational diseases	Lumpenproletariat	
بی مهری		بیکاری
Antipathy	Unemployment	
بی نام - گمنام		بیکاری پنهان
Anonymous	Disguised unemployment	
بی نامی - اختفای هویت		
Anonymity	★★★	
بین انسانی		
Interhuman		بیگاری
بی نظری - بی طرفی	Corvee	
Disinterestedness		بیگانگی
بین فرهنگی	Estrangement	
Cross cultural		

بی هنجاری	بی وجدان
Normlessness	Conscienceless
پ	
پاسخ جمعی	پارامترها
Collective response	Parameters
پاسخ سوایفته	پارتی بازی
Biased response	Favoritism
پاسخ شرطی	پارتیزان ها
Conditioned response	Guerilla
پاسخ عاطفی	پارلمان محوری
Emotional response	Parliamentarism
پاسخ قالبی	پاره سازمان
Stereotype response	Part-organization
پاسخ قالبی شده - پاسخ تحجرآمیز	پاره فرهنگ
Stereotyped Response	Part-culture
پاسخ غیر تعاونی	پاریا
non cooperative , Response	Pariah
پاگشائی	پاسخ اجتماعی
Initiation	Social response
پالایش - تزکیه، ظرافت	پاسخ تعاونی
Refinement	Cooperative Response
پالایش گرایی - پالایش خواهی	★★★
Bowdlerism	پاسخ تفاوتی
پانل	Differential response
Panel	

پایا انگاری	پدر خوانده
Eternalism	Foster father
پایگاه اجتماعى آرمانى	پدر سالارى
Ideal social status	Patripotestal
پایگاه اجتماعى تخیلى	پدر سرورى
Imaginary social status	Father right
پایگاه اجتماعى محقق	پدر غیرقانونى
Achieved social status	Non-wedlock father
پایگاه اجتماعى محول	پدر کشى
Assigned social status	Patricide
پایگاه اجتماعى منتسب	پدر مآبى
Ascriptive social status	Paternalism
پایگاه اجتماعى مورد آرزو	پدر - مادر به خواستى - داوطلب
Aspired social status	Voluntary parenthood
پایگاه اقتصادى، اجتماعى	★★★
Socioeconomic status (S.E.S)	پدر مکانى
پایگاه شغلى	Patrilocality
Working status	پدر مکانى
پتلاچ	Patrilocal residence
Potlach	پدر نام
پخش اطلاعات	Patronymic
Publicity	پدیدارشناسى - پدیده شناسى
پدر تبارى	Phenomenology
Patrilinear	پدیده
پدر خطى	Phenomenon
Patrilineal	پدیده اجتماعى تام
پدر خوانده - مادر خوانده	Social total phenomenon
Adoptive father- mother	

پرهیز جنسى	پدیده اخلاقى
Marital continence	Ethical phenomenon
پرهیز جنسى در زناشوئى	پدیده ثابت
Continence in marriage	Constant
پرهیز جنسى ناشى از شعائر	پدیده‌هاى انسانى
Ritual continence	Human phenomena
پژوهش	پدیده‌هاى تکرار شونده
Research	Repetitive phenomena
پژوهش پهنانگر	پدیده‌هاى جامعه
Extensive research	Societal phenomena
پژوهش تبیینى	پدیده‌هاى نخستین اجتماعى
Explanatory research	Social origins
پژوهش تحلیلى	پذیرش
Analytic research	Acceptance
پژوهش روانى	پذیرش فرهنگ زندان
Psychic research	Prisonization
پژوهش عملکردى	پذیرش گروهى اندک
Operational research	Tokenism
پژوهش کاربرده	پرخاشگرى - تهاجم
Implemented research	Aggression
پژوهش کاربردى	پرسش چند جوابى
Applied research	Fixed alternative question
پژوهش متعهدانه - پژوهش عملگرا	پرسشگر
Action research	Interviewer
پژوهش ناکاربردى	پرسشنامه
Unimplementable research	Questionnaire
پژوهنده - وارس	پرسشنامه معکوس
Investigator	Inverse questionnaire

پویایی جمعیت	پس - پسین - بعدی
Population dynamic	Post
پویایی شناسی جمعیت	پس انداز اجباری
Population dynamics	Forced saving
پویایی شناسی روانی	پست
Psychodynamics	Inferior
پویائی شناسی فرهنگی	پس راندن - پس زدن
Cultural dynamics	Retroject (to)
پویایی فرهنگی	پسرفت اقتصادی - بحران خفیف اقتصادی
Cultural dynamism	Economic recession
پیامبر گونگی	پس رو - نهان عامل
Prophecy	Recessive
پیام گیرندگان	پس نگری
Audience	Retrospection
پیچیده	پسین - بعدی
Complex	Posterior
پیران پزشکی	پسین تاریخ
Geriatrics	Post-date
پیران سالاری	پناهنده سیاسی
Gerontocracy	Political refugee
پیران شناسی	پندار
Gerontology	Illusion
پیرو - دنباله رو	پندار گرائی
Follower	Illusionism
پیرو اصل نسبی	پویائی
Proportionalist	Dynamism
پیرو مذهب پروتستان (معترض)	پویائی روانی
Protestant	Psychic dynamism

پیشروی	پیروی - دنباله‌روی - ذیل
Progression	Following
پیش زناشوئی	پیش‌بینی
Antenuptial	Forecast
پیش شرط‌های کارکردی جامعه	پیش‌بینی
Functional prerequisites of society	Prevision
پیشگام	پیش‌بینی چند جانبه
Avant-grade	Multi-forecasting
پیشگامان دانش	پیش‌بینی علمی - پیش‌بینی مبتنی بر دانش
Precursors of knowledge	Scientific prevision
پیشگویی - پیامبری	پیش‌پا افتاده
Prophecy	Common
پیشگویی	★ ★ ★
Prediction	پیش‌داوری
پیشگیری اجتماعی	Prejudice
Social prophylaxis	پیش‌داوری طبقاتی
پیشگیری بزه‌کاری	Class prejudice
Delinquency prevention	پیش‌داوری نژادی
پیشگوئی تأثیر بخش	Race prejudice
Self-fulfilling prophecy	پیشرفت
پیشین - قبلی	Advancement
Ante	پیشرفت، ارتقا، پیش‌قسط،
پیشینان	تسریع، افزایش، مساعده
Antecedents	Advance
پیوستار منطقی	پیشرفته
Logical continuum	Advanced
پیوستگی، وابستگی، فرزندپذیری	
Affiliation	

پیوند اجتماعى	Social bonding
پیوند اجتماعى	پیوند افتراقى - تداعى ناموزون
پیوند اجتماعى	Differential association
پیوند فرهنگى	Cross - fertilization of cultures
Sequence	

ت

تابع تحلیلى	Analytical function
تابع منفى	Negative function
تابعیت، انطباق با شرایط محیطى	Naturalization
تابو	Taboo
تأثیر وارونه	Feed-back
تأخر اجتماعى	Social lag
تارکان تحصیلى، افت تحصیلى	Dropout
تاریخ زندگى	Life history
تاریخ قومى	Ethno _ history
تاریخ گرایی، مکتب تاریخی	Historicism
تاریخ نگار	Historiographer
تاریخ نگاری	Historiography
تاریک اندیشی	Obscurantism
تازه به دوران رسیده	Nouveau rich
تأهل	Matrimony
تایلر گرایی	Taylorism
تبار دوسویه، تبار دو جانبی	Bilateral descent
تبار دو گانه، تبار مضاعف	Double descent

تبارشناسى	تبیین مبتنى بر احتمالات
Genealogy	Probabilistic explanation
تبار یک سويه	تبهگنى
Unilateral descent	Degeneration
تبار یک سويه مضاعف	تثيit
Double unilineal descent	Stabilization
تبدل - گشتار	تثيit قيمت
Transformation	Price stabilization
تبدل بارورى	فحشا - تجارت فحشا
Transformism	Commercial vice
تبدل فرهنگى، گشتار فرهنگى	تجارى ساختن
Cultural transformation	Commercialization
تبدیل به ماده کردن، تسلط یافتن ماده بر انسان	تجاوز جنسى
Reify (to)	Rape
تبعيض	تجسد
Discrimination	Reincarnation
تبعيض جنسى	تجدد خواهى
Sex discrimination	Modernism
تبعيض فرهنگى	تجدد سياسى
Cultural discrimination	Political modernization
تبعيض نژادى	تجدید حیات
Racial discrimination	Regeneration
تبليغ	تجدید نظر
Propaganda	Revision
تبليغ کاذب، تبليغ غير قانونى	تجدید نظر طلبى
False advertisement	Revisionism
تبیین عینى	تجربه آگاهانه
Physical explanation	Conscious experience

تجهيزات	تجربه گرایی
Utilities	Empiricism
تجبر	تجربه گرایی
Fixity	Empiricist
تجبر اجتماعى	تجربه معمولی، تجربه مشترک
Social ossification	Common experience
تحرک اجتماعى عمودى	تجربى
Vertical social mobility	Experiential
تجبر گرایی	تجرد قطعى
Fixism	Celibacy
تحرک افقى	تجريد گرایی
Horizontal mobility	Abstractionism
تحرک جغرافىائى	تجريدی، انتزاعى
Physical mobility	Abstractive
تحرک جغرافىائى	تجزى زدائى
Geographical mobility	Desegregation
تحرک ذهنى	تجزى طبقاتى
Mental mobility	Class segregation
تحرک راهياب	تجزى نژادى
Sponsored mobility	Racial segregation
تحرک شغلى	تجزیه طلبی - جدائی خواهی
Occupational mobility	Separatism
تحرک طبقاتى	تجمع
Class mobility	Agglomeration
تحرک محیط شناختى	تجمع موزائیکى
Ecological mobility	Congeries
تحرک نیروى کار	تجمع هم محور محیطى شناختى
Labor mobility	Concentration

تخصص - تخصص یابی	تحقق هدفهای اجتماعی
Specialization	Social achievement
تخصص گرائی	تحلیل آماری چند متغیری
Specialism	Multivariate statistical analysis
تخصیص منابع	تحلیل پراش (شیوه‌ای در آمار)
Allocation of resources	Analysis of variance
تخفیف مجازات	تحلیل جمعیت
Mitigation of punishment	Population analysis
تخلفات جنسی	تحلیل جمعیت شناختی
Sex offense	Demographic analysis
★★★	تحلیل چند متغیره
تخیلی، خیالی	Multivariate analysis
Imaginary	تحلیل رفتاری
تداخل	Behavior analysis
Overlapping	تحلیل کارکردی
تداعی مبانی، همخوانی اندیشه‌ها	Functional analysis
Association of Ideas	تحلیل کمی
تداوم گروهی	Quantitative analysis
Group perpetuation	تحلیل کیفی
تذکره الشهداء	Qualitative analysis
Martyrology	تحلیل مسیر
تراکم جمعیت	Path analysis
Density of population	تحلیل موردی
تراکم جمعیت	Case analysis
Population density	تحلیل نشانه‌های مادی
تراکم جمعیتی	Physical traces analysis
Demotic density	تخاصم
	Antagonism

Sunnism	تسنن	تراکم متناسب	Optimum density
Facilitation	تسهیل	تربیت بدنی	Physical education
Community facilities	تسهیلات محلی	ترتیب تولد	Birth order
Depersonalization	تشخیص زدائی	ترقی	Progress
Social diagnosis	تشخیص بیماری اجتماعی	ترقی اجتماعی	Social progress
Group fission	تشعب گروهی	ترقی اقتصادی	Economic progress
Attitude formation	تشکل طرز تلقی	ترقی خطی	Lineal progress
Fortuitism	تصادف گرائی	ترقی خواهی	Progressivism
Casualism	تصادف گرائی	ترک خانه - ترک خدمت	Desertion
Collective representations	تصورات جمعی	ترکیب جمعیت	Population composition
Mysticism	تصوف	ترکیب جمعیت	Demotic composition
Imagists	تصویر گرایان	تزلزل روحی فردی	Individual demoralization
Contrast	تضاد	تساوی اجتماعی	Social parity
Devaluation	تضعیف پولی، کاستن ارزش پول	تسکین بخش، مسکن	Palliative

تعامل دگرگون ساز	تطور بر آينده
Reciprocal interaction	Emergent evolution
تعامل دورى	تطور تراكمى
Circular interaction	Cumulative evolution
تعامل شهر و روستا	تطور جهانى
Rurbanization	Universal evolution
تعامل غير تاثير گذار	تطور زنجيره اى
Non-strategic interaction	Sympodial
تعامل غير كانونى	تطور طبيعى
Unfocused interaction	Natural evolution
تعامل كانونى	تطور عام و شامل
Focused interaction	Evolutionary universals
تعامل گرائى نمادى	تطور غير تكاملى
Symbolic interactionism	Devolution
تعامل متغيرها	تعادل ايستا
Interaction of variables	Static equilibrium
تعامل محيط شناختى	تعادل پويا
Ecological interaction	Dynamic equilibrium
تعامل مودت آميز	تعاقب، توالى، پى آيى
Associative interaction	Succession
تعامل نمادى	تعامل مودت آميز
Symbolic interaction	Associative interaction
تعاون مصرف كنندگان	تعامل تفرقه آميز
Consumer's cooperation	Dissociative interaction
تعاونى، شركت تعاونى	تعامل چندگانه
Cooperative	Multiple interaction
تعاونى اعتبار	تعامل تاثير گذار
Credit cooperative	Strategic interaction

تعويض نیروی کار	تعاونی بهداشتی
Labor turnover	Health cooperative
تعمیم	تعاونی توزیع و بازاریابی
Generalization	Marketing cooperative
تعیین، تعمیم	تعاونی روستائی
Determination	Farm cooperative
تعیین خط‌مشی، سیاست‌گذاری	تعاونی مصرف
Policy making	Consumption cooperative
تعیین‌کننده	تعبیه، آمائی
Determinant	Elaboration
تعیین هویت، هم‌تأپنداری	تعرفه حمایتی
Identification	Protective tariff
تغییر بی‌گسست	تعریف عملکردی
Uninterrupted change	Operational definition
تغییرپذیری متقابل	تعدد زمانهای اجتماعی
Reciprocal modification	Multiplicity of social times
تغییر مسلک	تعصب، جمود فکری
Conversion	Fanaticism
تفاوت توان اجتماعی بالقوه	تعصب دینی
Difference of social potential	Religiosity
تفاوت‌نگاری	تعقد-پیچیدگی
Heterography	Complexity
تفاوتهای نژادی	تعقل
Racial differences	Intellection
تفاهم	تعلقات مذهبی
Mutual Understanding	Religious affiliations
تفتیشی	تعلق گروهی
Inquisitive	Group belonging

تفویض اختیار	تفتیش عقاید، بازجوئی
Delegation of authority	Inquisition
تقابل اجتماعى	تفحص اجتماعى
Social opposition	Social investigation
تقابل ، مخالفین سیاسى	تفحص در جامعه شناسى
Opposition	Sociological investigation
تقابل دیدگاهها	تفرد در تنبیه
Reciprocity of perspectives	Individuation of punishment
تقاضای کار	تفرقه جو
Labor demand	Schismatic
تقدس بخشی	تفریح
Sacralization	Recreation
تقدیر	تفریح اجتماعى
Predestination	Social recreation
تقدیرگرایی، قدر گرایی	تفریح تجارى
Fatalism	Commercial recreation
تقسیم قدرت با عناصر ناراضی	تفریحگاه
Cooptation	Recreation center
تقلید	تفسیر جامعه شناختی
Imitation	Sociological interpretation
تقلید از مد	تفکیک جزئی دین از دنیا
Fashion imitation	Segmental secularization
تقلید متداول	تفکیک کردن، متمایز کردن، تمایز یافتن
Conventional imitation	Differentiate (to)
تقلیل جمعیت	تفوق
Depopulation	Supremacy
تقلیل گرایی	تفوق جوئی
Reductionism	Superordination

تكوين اجتماعى	تقليل گرائى در جامعه شناسى
Social genesis	Sociological reductionism
تكوين انسان	تقليل گرائى در روانشناسى
Anthropogenesis	Psychological reductionism
تكوين قوم	تقويت
Ethnogenesis	Reinforcement
تک همسرى	تقويت مثبت
Monogamy	Positive reinforcement
تلقيـن	تقويت منفى
Indoctrination	Negative reinforcement
تلقيـن، القاء	تکامل گرائى
Suggestion	Evolutionism
تلقيـن پذيرى	تکثر شناختى
Suggestibility	Cognitive multiplexity
تلقيـن مخالف	تک خدائى
Counter suggestion	Monotheism
تماس اجبارى	تکـرار کننده جرم
Coerced contact	Recidivist
تماس بيواسطه	تکـرار يا عود جنـايت
Direct contact	Recidivism
تماس تصادفى	تکـنسين اجتماعى
Accidental contact	Societal technician
تماس چهره به چهره	تک نگار
Face-to-face contact	Monographer
تماس خودبخود يا ارتجـالى	تک نگارى
Spontaneous contact	Monography
تماس روحى	تكوين
Spiritual contact	Genesis

تمایل به پس انداز	تماس سوم
Propensity to save	Tertiary contact
تمایل به جامهٔ جنس دیگر	تماس عاطفی
Transvestism	Affective contact
تمایل به مصرف	تماس غیر مستقیم
Propensity to consume	Indirect contact
تمثیل استعاره	تماس فردی
Allegory	Individual contact
تمثیل دورغین	تماس نخستین
False analogy	Primary contact
تمثیل دریچه‌ها	تماس نژادی
Sluice-gates analogy	Race contact
تمدن آرمانی	تماس نمادی
Ideal civilization	Symbolic contact
تمدن ایستا	تماس نهادی شده
Static civilization	Institutionalized contact
تمدن مبتنی بر آب	تماسهای تداوم بخش (از نظر تاریخی)
Hydraulic civilization	Contacts of (historical) continuity
تمرکز	تماسهای ناشی از تحرک
Centralization	Contacts of mobility
تمرکز آئینی	تمامیت ملی
Centralism	National integrity
تمرکز بخش	تمایز توان اجتماعی بالقوه
Centralizator	Difference of social potential
تمرکز شهری	تمایل، میل
Urban centralization	Propensity
تمرین جسمانی	تمایل به احتکار
Physical exercise	Propensity to hoard

تنظیم خود بخود	تملك جو، منزلت جو، وجهه خواه
Homeostasis	Acquisitive
تنگ نظرى، انزوا	تنازع
Insularism	Struggle
تنى	تنازع بقا
Somato	Struggle for survival
توارث، ميراث	تنازع طبقاتى
Inheritance	Class struggle
توارد	تناسب پذير
Telepathy	Proportionable
توازن ساده	تناسخ
Simple balance	Transmigration
توازن جمعيتى	Metempsychosis
Demographic balance	تناسخ بارورى
توازن قدرت	Transmigrationism
Balance of power	تنبيه بدنى
توازى	Corporal punishment
Parallelism	تن درمانى
توان اتم اجتماعى	Physiotherapy
Valence of social atom	تنزل رتبه
توان اجتماعى بالقوه	Degradation
Social potential	تنزل گروهى
توان چانه زنى	Declass
Bargaining power	تنسيق
توأمان همتا	Coordination
Identical twin	تنش اجتماعى
توتم	social Tension
Totem	

توزیع فراوانی	توتم آئینی
Frequency distribution	Totemism
توسعه	توتم آئینی جنسی
Development	Sex totemism
توسعه اخلاقی	توجیه
Moral development	Justification
توسعه اقتصادی	توجیه پذیر
Economic development	Justifiable
توسعه جامعه	توده
Societal development	Mass
توسعه طلب	توده بهم ریخته
Expansionist	Promiscuous mass
توسعه طلبی	توده ناهمجا
Expansionism	Unassembled mass
توسعه مادی	تورم پولی
Material development	Monetary inflation
توسعه مبتنی بر نیروی کار	تورم مجدد
Labor intensive development	Reflation
توسعه مفرط	توزیع جغرافیائی
Excess development	Geographical distribution
توسعه نابرابر	توزیع جمعیت
Unequal development	Population distribution
توسعه ناهموار	توزیع جمعیتی
Uneven development	Demotic distribution
توسعه یافته	توزیع سنی
Developed	Age distribution
توصیف	توزیع عادلانه درآمد
Description	Income redistribution

تهاجم رقابت آمیز	توطئه بلوا انگیز
Competitive aggression	Seditious conspiracy
تهاجم ضد اجتماعى	تولید ماشینی
Anti social aggression	Mechanical production
تهاجم عام	تولید خوراک
Generalized aggression	Food production
تهاجم مستقیم	تولید زنجیره ای
Direct aggression	Chain production
تهاجم مقتدرانه	تهاتر
Authoritarian aggression	Barter
تهاجم نهان	تهاجم ابزارى
Covert aggression	Instrumental aggression
تهی سازی اجتماعى	تهاجم بی هدف
Social depletion	Freefloating aggression
تهییج اجتماعى	تهاجم جابجا شده
Social fermentation	Displaced aggression
تیول	تهاجم درون گروه
Fief	In group aggression

ث

ثروت ملی	ثابت کننده، تثبیت کننده
National wealth	Fixative
ثنویت - دوگانه انگاری	ثبات طرز تلقی ها
Dualism	Attitude constance
	ثروت شناسی
	Plutology

ج

جامعه پس از صنعت	جابه جایی
Post industrial society	Resettlement
جامعه پویایی	جابه جایی فرهنگی
Societal dynamism	Culture displacement
جامعه توده وار	جادو
Mass society	Magic
جامعه توطئه آمیز	جادوی مشارکتی
Conspirital society	Imitative magic
جامعه چندمحوری، جامعه چندقومی	جاذبه اجتماعی
Plural society	Social gravity
جامعه دوجنسی	جاسوس، سخن چین
Androgynous society	Informer
جامعه دوستی	★★★
Sociophilia	جامعه آماری
جامعه رفاه، جامعه فراوان	Statistical universe
Affluent society	جامعه از نظر تشکیلاتی
جامعه زاد	Constituent society
Sociogenic	جامعه از نظر عناصر تشکیل دهنده
جامعه زادی	Component society
Sociogeny	جامعه ایستا
جامعه زیستی	Static society
Sociation	جامعه باز
جامعه سنتی	Open society
Traditional society	جامعه بی دولت
جامعه شناسی ادبیات	Stateless society
Sociology of literature	

جامعه‌شناسی خرد	جامعه‌شناسی افتراقی - جامعه‌شناسی تفاوتی
Micro sociology	Differential sociology
جامعه‌شناسی دین	جامعه‌شناسی اقتصادی
Sociology of religion	Economic sociology
جامعه‌شناسی دینی	جامعه‌شناسی انتقادی
Religious sociology	Critical sociology
جامعه‌شناسی روستایی	جامعه‌شناسی انسان‌گرا
Rural sociology	Humanist sociology
جامعه‌شناسی زبان	جامعه‌شناسی بالینی
Sociology of language	Clinical sociology
جامعه‌شناسی زدگی، تأکید مفروضه بر	جامعه‌شناسی بنیان‌نگر
اهمیت جامعه‌شناسی	Radical sociology
Sociologism	جامعه‌شناسی آموزش و پرورش
جامعه‌شناسی زیستی	Educational sociology
Biological sociology	جامعه‌شناسی پزشکی
جامعه‌شناسی سیاسی	Sociology of medicine
Political sociology	جامعه‌شناسی پزشکی
جامعه‌شناسی شهری	Medical sociology
Urban sociology	جامعه‌شناسی تاریخ
جامعه‌شناسی عمقی	Sociology of history
Depth sociology ¹ (In)	جامعه‌شناسی تاریخی
جامعه‌شناسی عملی	Historical sociology
Practical sociology	جامعه‌شناسی تأویلی
جامعه‌شناسی عمومی	Interpretative sociology
General sociology	جامعه‌شناسی توصیفی
جامعه‌شناسی غیرارزشی، منتظم	Descriptive sociology
Systematic sociology	جامعه‌شناسی حقوقی
	Sociology of law

جامعه طبقاتى	جامعه‌شناسى فراغت
Class society	Sociology of leisure
جامعه فئودالى	جامعه‌شناسى قومى
Feudal society	Folk sociology
جامعه قومى	جامعه‌شناسى كار و شغل
Folk society	Sociology of occupation
جامعه كار كردى	جامعه‌شناسى كار و شغل
Functional society	Occupational sociology
جامعه كمونيستى	جامعه‌شناسى كلان
Communist society	Macro-sociology
جامعه معنوى	جامعه‌شناسى معرفت
Gemeinschaft	Sociology of knowledge
جامعه ناخواهى - جامعه هراسى	جامعه‌شناسى معرفتى تام
Sociophobia	Wissenssoziologie
جامعه نگار	جامعه‌شناسى مقايسه‌اى
Sociographer	Comparative sociology
جامعه نگارى	جامعه‌شناسى ميانه
Sociography	Meso sociology
جامعيت	جامعه‌شناسى نظامى
Exhaustiveness	Military sociology
جانبى	جامعه‌شناسى ورزش
Collateral	Sociology of sport
جاندار انگار	جامعه‌شناسى هنر
Animatism	Sociology of art
جانشينى جمعيت - تجديد نسل	★ ★ ★
Population replacement	جامعه‌شناسى
جانور پرستى	Gesellschaft
Zoolatry	

جبر فرهنگی	جاودان، سرمدی
Cultural determinism	Everlasting
جبر گرایی، علت گرایی جبر	جاودان ساختن
Determinism	Eternize
جبر گرایی زیستی، جبر زیستی	جاودان ساختن، نامیرا کردن
Biological determinism	Immortalize
جداسازی - تجزی	جایگزینی
Segregation	Substitution
جداسازی جنسی - تجزی مبتنی بر جنس	Replacement
Sex segregation	جبار
جدایی دین از دنیا - دیانت زدایی	Tyrannize
Secularization	جباران خون آشام
جدای نگرى تحمیلی	Thirsty tyrants
Imposed isolationsm	جبار کشی
جدایی، جدا زیستی	Tyrannicide
Separation	جبر اقتصادی
جدایی اجباری	Economic determinism
Forced separation	جبران
جدایی اعضا	Compensation
Dismemberment	جبر ایدئولوژیک
جدایی بالفعل، جدا زیستی عملی	Ideological determinism
De facto separation	جبر آئین
جدایی تحمیلی	Necessitarian
Imposed separation	جبر آئینی
جدایی در مدارس	Necessitarianism
School separation	جبر تاریخی
جدایی رسمی	Historical determinism
Formal separation	

جدول عمر نسل	جدایی طبقاتی
Cohort life table	Class separation
جدول کلی عمر	جدایی قانونی، جدا زیستی قانونی
General life table	Judicial separation
جدال لفظی	جداول متقاطع چند بعدی
Logomachy	Cross- tabulation
جدول متقاطع چند بعدی	جدایی متواتر
Cross tabulation	Intermittent separation
جدول همبستگی	جدایی مورد آرزو
Correlation table	Aspired separation
جذاب، گیرا	جدایی نهادی
Attractive	Institutional separation
جذب	جدایی واقعی زن و شوهر
Absorption	Defacto separation
جذب جمعیت	جدول ازدواج
Population pull	Nuptiality tables
جذب جمعیت، ربایش جمعیت	جدول بقا
Population attraction	Life table
جذب جمعیتی	جدول دو متغیری
Demotic attraction	Bivariate table
جذب کردن	جدول عمر جامع
Absorb (to)	Complete life table
جذب کردن، جلب توجه کردن	جدول عمر گزیده
Attract (to)	Select life table
جرائم خدماتی	جدول عمر تجمعی
Service crimes	Aggregate life table
	جدول عمر ملخص
	Abridged life table

جغرافیای اقتصادی	جرم
Economic geography	Crime
جغرافیای انسانی	جرم چند نفره
Anthropogeography	Companionate crime
جغرافیای طبیعی	جرم سازمان یافته
Physical geography	Organized crime
جفت	جرم شناسی
Dyad	Criminology
جلوگیری از حاملگی	جرمهای بدون قربانی
Contraception	Crimes without victim
جلوگیری کننده از حاملگی	جرم یقه سفیدان
Contraceptor	White collar crime
جماع آزاد	جزء - مؤلفه
Free intercourse	Component
جماعت برنامه‌ای	جزء تشکیل دهنده طرز تلقی
Planned community	Attitude component
جماعت روستایی	جزء لاینفک - جز تجزیه ناپذیر
Village community	Ingredient
جماعت روستایی - صنعتی	جزمن
Rural industrial community	Non-ego
جماعت شناسی	جعل اسناد
Community study	Falsification of documents
جمعى - جمع	جغرافیا - سیاست شناسی - جغرافیای سیاسی
Collective	Geopolitics
جمع انسانی	جغرافیادان - عالم جغرافیا
Human collectivity	Geographer
جمع آوری خوراک	جغرافیا گرایی
Food gathering	Geographism

جمعیت ثابت	جمع دوست
Stable population	Gregarious
جمعیت حداقل	جمع دوستی
Minimum population	Gregariousness
جمعیت در حال کار بالفعل	جمع روان
Working population	Collective psyche
جمعیت رو به افزایش	جمع کشی
Increasing population	Pogrom
جمعیت رو به کاهش	جمع کشی - کشتار جمعی - امحای
Decreasing population	نسل - نسل کشی
جمعیت روستایی	Genocide
Rural population	جمع گرای
جمعیت زیاد	Gregarism
Over-population	جمع نگری، فرقه گریزی، اصالت جامعه
جمعیت شناس	Universalism
Demographer	جمع نگری اجتماعی
جمعیت شناسی	Social universalism
Demography	جمعیت
جمعیت شناسی اجتماعی و اقتصادی	Population
Social & economic demography	جمعیت آماری
جمعیت شناسی تاریخی	Statistical population
Historical demography	جمعیت ایستا
جمعیت شناسی توصیفی	Static population
Descriptive demography	جمعیت بالفعل واقعی
جمعیت شناسی رسمی	Actual population
Formal demography	جمعیت تثبیت شده
جمعیت شناسی ریاضی	Stabilized population
Mathematical demography	

جمعیت مقیم	جمعیت شناسی صوری
Resident population	Formal demography
جمعیت مورد بررسی	جمعیت شناسی مقایسه‌ای
Survey population	Comparative demography
جمعیت نامحدود	جمعیت شهری
Infinite population	Urban population
جمعیت وابسته	جمعیت غیر زراعی
Dependent population	Non-agricultural population
جمعیت واقعی	جمعیت غیر شاغل
Defacto population	Unoccupied population
جمعیت واقعی	جمعیت غیر وابسته
Real population	Independent population
جمهوری	جمعیت فرضی
Republic	Hypothetical population
جمهوری خواهی	جمعیت فعال
Republicanism	Working population
جناح چپ	جمعیت قابل ازدواج
Political left	Marriageable population
جناح راست	جمعیت حداکثر
Political right	Maximum population
Right wing	جمعیت متعارف
جنایت حرفه‌ای	Optimum population
Professional crime	جمعیت متوازن
جنایت سازمان یافته	Balanced population
Organized crime	جمعیت متوقف
جنبش توده گیر	Stationary population
Mass movement	جمعیت محدود
	Finite population

جوامع ابتدایى	جنبش ناپذیرى
Primitive societies	Immovability
جوانى مجدد	جنبش هاى کارگرى
Rejuvenation	Labor movements
جورسازى	جنبه شخصى بخشیدن
Matching	Personalization
جوهر ساده	جنبه فلسفى بخشیدن
Simple substance	Philosophization
جوهر مادى	جنبى
Material substance	Collateral
جهات عقلى - عقلانیت	جنس - عام
Rationality	Generic
جهاد	جنگ
Jihad	Anthology
جهاد - جنگ مقدس	جنگ انقلابى
Holy war	Revolutionary war
جهاز	جنگ با ابزار مرسوم
Dowry	Conventional war
جهان بینى	جنگ ساز
Weltanschauung	Anthologist
جهان سوم	جنگ قدرت
Third world	Power struggle
جهان شمول سازى	جنگ محدود
Universalization	Limited war
جهان شهروندى	جنون کمیت
Cosmopolitism	Quantophreny
جهان کوچک، عالم صغیر	جو اجتماعى
Microcosm	Social atmosphere

جهش اجتماعی	جهان وطن
Social mutation	Cosmopolitan
جهل متکثر	جهان وطنی
Pluralistic ignorance	Cosmopolitanism
جهیره بندی	جهت یابی اجتماعی
Rationing	Social orientation
	جهت یابی ارزشی
	Value orientation

چ

چند برادر شوئی	چادر نشین
Adelphic polyandry	Nomad
چند جانبی - چند سویگی	چادر نشینی
Multi lateral	Nomadism
چند حزبی	چادر نشینی ابتدائی
Multipartism	Primitive nomadism
چند خدایی - چند یزدان پرستی	چادر نشینی فصلی
Polytheism	Seasonal nomadism
چند خواهر زنی	چار چوب مرجع
Sororal polygyny	Frame of reference
چند رشته ای	چند - بسیار
Multi disciplinary	Multi
چند زبانی	چند انتخابی
Multi lingual	Multiple choice
چند زنی	چند برادر شوئی
Polygyny	Fraternal polyandry

چندگرائى فلسفى	چند ژنى
Philosophical pluralism	Polygenism
چندگرايى قومى	چند سوبه نگرى
Ethnic pluralism	Multi - lateralism
چندگرايى نژادى	چند شكلى
Racial pluralism	Multi - form
★ ★ ★	چند شوهر
چند گوش فراوانى	Polyandrist
Frequency polygon	چند شويى
چندگونگى	Polyandry
Multi-farious	چند گانگى - تكثر
چند همسر	Multiplicity
Polygamous	چند گانگى قومى
چند همسرى	Ethnic pluralism
Polygamy	چند گرائى
چند همسرى هم زمان	Pluralism
Simultaneous polygamy	چند گرايى اجتماعى
چهار (چهار اتم اجتماعى)	Social Pluralism
Tetrad	چند گرايى سياسى
	Political-pluralism

ح

حاکمیت قضائى	حاکمیت
Juridical sovereignty	Sovereignty
حاکمیت مردم	حاکمیت سياسى
People sovereignty	Political sovereignty

حرفه‌زدگی - حرفه‌سازی - تعالى شغلى	حاکمیت ملی
Professionalization	National sovereignty
حرکات جمعیت	حالت روحی انبوه
Population movements	Mob mind
حرمان نسبی	حجم اشتغال
Relative deprivation	Employment volume
حزب سیاسى	حداقل دستمزد
Political party	Minimum wage
حساسیت - آگاهی آموزی	حداقل سطح زندگی در سطح ملی
Sensitivity training	National minimum
حسی	حداقل سن ازدواج - حداقل سن مقاربت
Sensate	Age of consent
حشوق‌بیج	حداقل معیشت
Tautotogy	Minimum living standards
حضور ذهنی	حداکثر مطلوبیت
Mental presence	Maximum utility
حقارت سرشتی	حد متناسب جمعیت
Constitutional inferiority	Optimum population
حق‌پناه	حد مطلوب، حد متناسب
Right of asylum	Optimum
حق رأی زنان	حدود اعتماد
Women's suffrage	Limits of confidence
حقوق انتقال‌ناپذیر	حرفه
Inalienable rights	Profession
حقوق تدارکی - حقوق جبرانی	حرفه - پیشه
Restitutive law	Vocation
حقوق پدری	حرفه درمانی
Paternal rights	Occupational therapy

حکومت عوام	حقوق خواهرزاده
Ochlocracy	Nephew right
حکومت فردى	حقوق ردعى، قوانين سرکوبگر
Monocracy	Repressive law
حکومت متنفذان	حقوق زناشوئى
Oligarchy	Conjugal rights
حکومت مشروطه	حقوق طبيعى
Limited monarchy	Natural rights
حکومت ناصالحان	حقوق گمرگى مبتنى بر سياست حمايتى
Kakistocracy	Protective duties
حکومت ناگرائى، هرج و مرج	حقوق مدنى
Anarchism	Civil rights
حمايت	حقوق مدنى يافتن - ازبند رستن - حقيابى
Protection	Enfranchisement
حمايت دولت	حقيقت مطلق
Government protection	Absolute truth
حمايت کردن	حکومت ثروتمندان - توانگر سالارى
Protect (to)	Plutocracy
حمايت گرائى، مکتب حمايت اقتصادى	حکومت ثروتمندان - توانگر سالارى
Protectionism	Plutarchy
حمايت مفرط	حکومت خداوند - يزدان سالارى
Over protection	Thearchy
حوزه حاشيه اى	حکومت سلطنتى مشروطه
Marginal area	Constitutional monarchy
حوزه رفت و آمد شهر و حومه	حکومت شايستگان
Commuter's zone	Meritocracy
حوزه شهرى	حکومت صالحان
Urban area	Protocracy

حوزه‌های بزهکاری	حوزه شیوع بیمار گونگی -
Delinquency areas	Morbidity zone
جومه شهری	حوزه صنعتی
Suburbs	Industrial area
حیات اقتصادی	حوزه گسست
Economic life	Interstitial area
حیات بخشیدن	حوزه مورد توافق
Vitalize (to)	Zone of agreement
حیات جاودانی - حیات سرمدی	حوزه مه شهر
Eternal life	Metroplitan area
حیات سیاسی	حوزه نفوذ
Political life	Sphere of influence

خ

خانواده پدر سری	خاستگاه اجتماعی
Patriarchal family	Social origin
خانواده پدر سویه	خاستگاه فرهنگی
Patrilateral family	Culturkreis
خانواده پدر - مادری	خاستگاه ملی
Parental family	National origin
خانواده پدری	خاک خواری
Paternal family	Geophagy
خانواده پیوسته	خالد، جاودان، نامیرا، سرمد
Joint family	Immortal
خانواده تزلزل یافته	خانواده برابری یافته
Demoralized family	Equalitarian family

خانواده مادر نامی	خانواده تک همسر
Matronymic family	Monogamous family
خانواده مادری	خانواده دو همسر
Maternal family	Bigamous family
خانواده مرکب	خانواده راهیاب
Composite family	Family of orientation
خانواده ملل	★★★
Family of nations	خانواده روستایی
خانواده ناقص	Rural family
Single-parent family	خانواده زادروگا
خانواده هسته‌ای	Zadrouga family
Nuclear family	خانواده زیستی
خانواده همخون	Biological family
Consanguine family	خانواده ستاکی
خانواده‌های با باروری طبیعی	Stem family
Non-contraceptive families	خانواده فرزند زائی
خانوار آماری	Family of procreation
Census household	خانواده فرزند محور
خدا- انسان دوست	Filocentric family
Theophilanthropist	خانواده مادر تبار
خدمات عامه	Matrilineal family
Public utility	خانواده مادر سر
خدمات عام المنفعه	Matriarchal family
Public works	خانواده مادر سویه
خدمات عمومی	Matrilateral family
Public services	خانواده مادر مرکز
خرافات	Matricentric family
Vulgar errors	

خطای نمونه گیری	خرد ستیز
Sampling error	Anti-rational
خط فقر	خرد ستیزی
Poverty line	Anti-rationalism
خط‌مشی اجتماعى	خرد گروه
Social policy	Microgroup
خط‌مشی آزاد گذار - بی بندوباری	خرد گریزی
Permissive policy	Irrationalism
خط‌مشی صنعتی	خرده بورژوازی
Industrial policy	Petite bourgeoisie
خلافت	خرده فرهنگ ستیزه آمیز
Kalifate	Conflict subculture
خلاقیت فرهنگی	خرده فرهنگ و اکنشی
Cultural creativity	Reaction subculture
خلود-جاودانی- نامیرائی- سرمدی	خرده مالکی
Immortality	Minifundism
خواب‌وارگی، خواب‌واره	خرید همسر
Hypnotism	Wife-purchase
خواب‌واره	خشونت در رسانه‌های ارتباطی
Hypnosis	Media violence
خواب‌واره زدائی	خصلت مکتسب
Dehypnotize	Acquired character
خواب‌واره شناسی	خصوصیت طبقاتی
Hypnology	Class hostility
خواست اجتماعى	خصیصه فرهنگی
Social will	Culture trait
خواست غالب	خطاپذیری
Dominant wish	Fallibility

خود تداوم بخشی	خواهان مردم سالاری
Self perpetuation	Democrat
خود جوش - ذاتی - طبیعی	خود آگاهی
Intrinsic	Self-consciousness
خود خواهی	خود آئینه ای
Egoism	Looking-glass self
خود خواهی جمعی	خود انضباطی
Collective egoism	Self-discipline
خود خواهی ملی - خود ستائی ملی	خود بزرگ بینی
National egoism	Megalomania
خود داری اخلاقی	خود بسندگی
Moral restraint	Autarky (autarchy)
خود داری دوره ای	خود بسندگی اقتصادی
Periodic abstinence	Economic self-sufficiency
خود راهبری	خود بسنده
Self-direction	Autarkic
خود ستائی	خود پالائی
Self-admiration	Self-purification
خود سرکوبی	خود پردازى شخصیت - فعلیت شخصیت
Self-repression	Self-actualization
خود شکوفایی - شکوفائی متوازن شخصیت	خود پرستی
Self-realization	Egolatry
خود شناسی	خود پژوهی
Egology	Self-searching
خود شناسی - علم حضوری	خود پویا
Self-knowledge	Autodynamic
خود فریبی	خود پویائی - پویائی درونی
Self-deception	Autodynamism

خود مختار	خود کارى
Autonomous	Automation
خود مختارى	خود کار سازى
Autonomy	Automatization
خود مختارى اقتصادى	خود کامگى
Economic autonomy	Totalitarianism
خود مختارى خواهى	خود کامگى، حکومت مطلقه
Communalism	Absolutism
خود مختارى کار کردى	خود کامه
Functional autonomy	Totalitarian
خود مرکزى	خود کامه - مطلق گرا
Egocentrism	Absolutist
خود میان بینى	خود کاوى
Anthropomorphism	Self-analysis
خوش بینى	خود کشى خود خواهانه
Optimism	Egoistic suicide
خویشان زیستى	خود کشى نژادى
Biological kins	Race suicide
خویشان سببى	خود کشى نوع خواهانه
In-laws	Altruistic suicide
خویشان سببى - قرابت - خویشاوندى	خود کفائى
Affines	Self-sufficiency
خویشاوند - خویشاوند مادری	خود کفائى ملی
Cognate	National self-sufficiency
خویشاوند خواندگى	خود گرایى - من گوئى
Foster kinship	Egotism
خویشاوند گرائى	خود گرائى جمعى
Nepotism	Collective egotism

خویش پدری	خویشاوندی
Agnate	Kinship
خویشتن بینی	خویشاوندی توتمی
Self-regard	Totemic kinship
خویشتن داری	خویشاوندی سببی
Self-control	Marital alliance
خویشتن یابی	خویشاوندی قانونی
Appropriation	Legal kinship
خویش مادری	خویشاوندی قراردادی
Cognition	Contractual kinship
خوی شناسی	خویشاوندی ناشی از ازدواج
Characterology	Kinship by marriage
خوی ملی	خویشاوندی ناشی از اشتراک خونی
National character	Blood kinship
خیالبافی	خویشاوندی نامتقارن
Autism	Asymmetrical alliance
	خویشاوندی نسبی یا زیستی
	Biological kinship

د

دارائی مشترک زوجین	دارای روش ساختن
Community property	Methodize
دارائیهای سرمایه‌ای	دارای مزیت
Capital assets	Advantageous
دارودسته اجتماعی	دارائی زن
Social clique	Bride wealth

دانش طبیعی	داروین گرایی
Natural science	Darwinism
دانش مطلق	دادوستد فرهنگی
Omni science	Cultural exchange
دانش‌های دقیقه	داده‌ها
Exact sciences	Data
دخالت خواهی	داده‌های تجربی - یافته‌های تجربی
Interventionism	Empirical data
دخالت ناخواهی	داده‌های خام
Anti-interventionism	Raw data
در آمیختگی - آمیزش - ذوب	داوری صنعتی
Fusion	Industrial arbitration
در زمانی	دائی زادگان
Diachronic	Matrilateral cross-cousins
درمان از طریق ایمان - شفابخشی	دائی سری
Faith healing	Avunculate
درمانگاه رفتاری	دائی مکانی
Behavior clinic	Avunculocal
درون سویی	دانش تجربی
Introgression	Empirical knowledge
درون فکنی	دانش تکوین انسان
Introjection	Anthropogeny
درون فهمی	دانش تن - جسم‌شناسی
Verstehen	Somatology
درون گرا	دانش دورغین - دانش نما
Introvent	Pseudo-science
درون گروه	دانش زدگی
In-group	Scientism

دژ ساز گارى اجتماعى	درون مرزى
Social maladjustment	Intra-national
دژ ساز گارى شخصى	درون نگر
Personal maladjustment	Introspective
دژ کار کرد	درون نگرى
Dysfunction	Introspection
دژ گزينش	درون همسر
Counter-selection	Endogamous
دژ نهاد انديشى	درون همسرى
Depravity theory	Endogamy
دستمزد رايج	درون همسرى اجتماعى
Prevailing wage	Social endogamy
دستمزد واقعى	درون همسرى جغرافيايى
Real wage	Geographic-endogamy
دسته	درون همسرى دينى
Gang	Religious endogamy
دسته سنى	درون همسرى فرهنگى
Age set	Cultural endogamy
دستيابى به هدف - تحقق هدف مطلوب	درون همسرى قومى
Achievement	Ethnical endogamy
دشمن مردم	درون همسرى نژادى
Public enemy	Racial endogamy
دفاع از حقوق زنان	دژ انطباق
Feminism	Maladaptation
دفتر خدمات اجتماعى	دژ روند - روند تباه کننده نسل
Social service exchange	Dysgenic trend
دفتر مجرمانه خدمات اجتماعى	دژ ساز گارى
Confidential exchange	Maladjustment

دگر گونی خطی طرز تلقی	دفع جمعیتی
Linear attitude change	Demotic push
دگر گونی دوری	دفن دوم
Cyclical change	Second funeral
دگر گونی دوری طرز تلقی	دکارت گرایی
Cyclic attitude change	Cartesianism
دگر گونی درون زاد	دگر پویایی - برون پویایی
Endogeneous change	Heterodynamism
دگر گونی سرکوب شده	دگر گونی ابزار فنی
Suppressed change	Technological change
دگر گونی کمی	دگر گونی ارتجالی
Quantitative change	Spontaneous change
دگر گونی فاجعه آمیز	دگر گونی انقلابی
Catastrophic change	Revolutionary change
دگر گونی مارپیچی	دگر گونی برون زاد
Spiral change	Exogenous change
دگر گونی مثبت آمادگی روانی -	دگر گونی تطوری
طرز تلقی	Evolutionary change
Positive attitude change	دگر گونی تکوینی
دگر گونی محلی	Genetic change
Localized change	دگر گونی تند آهنگ
دگر گونی معطوف به هدف	Galloping change
Telic change	دگر گونی جمعیت
دگر گونی منتظم	Population change
Systematic change	دگر گونی خزنده
دگر گونی منفی	Creeping change
Negative change	دگر گونی خطی
	Lineal change

دوجانبى - دو سويه	دگر گونى مورد آرزو
Bilateral	Aspired change
دو جنس يكتائى	دگر گونى موافق طرز تلقى
Unisex	Congruent attitude change
دو حزبى - نظام دو حزبى	دگر گونى ناموافق طرز تلقى
Bipartism	Incongruent attitude change
دوره	دگر گونى نهادى شده
Epoch	Institutionalized change
دوران	دگر گونىهاى اجتماعى مارپيچى
Era	Social spiral changes
دوران اجتماعى	دگر گونىهاى چند جهتى
Social circulation	Multidirectional changes
دوران شخم زنى	دگر گونىهاى فاجعه آميز
Horiculture	Catastrophic changes
دوران صنعتى	دلائل عينى
Industrial era	Physical evidence
دوران نازائى	دلهره
Sterile period	Anxiety
دوران نخبگان	دنباله روى مآبى
Circulation of elites	Followism
دور باطل	دنيايى - غير دينى بودن
Vicious circle	Secularity
دور حيات خانواده	دواير فرهنگى
Family life cycle	Culture circles
دور حيات صنعتى	دوبرابر کردن - دو چندان کردن
Industrial life cycle	Re double
دور صدساله	دوتبارى
Secular cycle	Bilinear

★ ★ ★

دولت متشکل - دولت یکپارچه	Activity cycle	دورنگری
Corporate state	Cyclism	دورنما - چشم انداز
دولت محوری	Prospect	دوره شغلی - شغل ثابت
Etatism	Career	دوره فعالیت
Bicameral	Working life	دوره مشاهده
دو مکان	Period of observation	دوستی
Duolocal	Phil	دو سویه
دو مکان	Bilateral	دوگانگی
Bilocal	Duality	دوگانگی اخلاقی
دو مکانی	Ethical dualism	دوگانگی روانی
Duolocality	Ambivalence	دوگانگی نژادی
دو مکانی	Racial dichotomy	دو گانه
Bilocality	Dual	دولت سالاری
دون اجتماعی	Dirigism	
Sub-social		
دون انسانی		
Infra-human		
دونمایی		
Bimodal		
دنیوی - غیر دینی - غیر روحانی - صدساله		
Secular		
دو همسری		
Bigamy		
دیالکتیک		
Dialectic		

دیالتیک گرایی	Dialecticism
دیپلماسی	Diplomacy
دید فرد نسبت به خود	Self-concept
دیر کرد اخلاقی	Moral lag
دیرین شناسی	Paleontology
دیرینه شناسی انسانی	Human paleontology
دیکتاتور اسمی - دیکتاتور ظاهری	Nominal dictator
دیپلماتوری	Dictatorship
دیکتاتوری رنجبران	Dictatorship of proletariat
دیگر آزاری	Sadism
دیگری	Generalized other
دین	Religion
دین سالاری	Theocracy

ذ

ذات - گوهر - ماهیت	Essence
ذات گرایی روش شناختی	Methodological essentialism
ذاتی - اساسی	Essential
ذاتی	Inherent
ذاتی بودن جرم	Inherence of criminality
ذره اجتماعی	Social atom
ذره ذره کردن - ریز ریز کردن	Atomize (to)
ذوب فرهنگیها	Fusion of cultures

ذاتى - اساسى	ذهن
Essential	Mind
ذهنى ساختن، به حال ذهنى در آوردن	ذهن گرایی
Subjectify	Subjectivism
ذهنى	ذهنیت
Subjective	Subjectivity
ذهن گرایی	ذهنى
Subjectivism	Subjective
ذهنیت	ذهنى ساختن- به حال ذهنى در آوردن
Subjectivity	Subjectify
	ذات
	Essence

ر

راهبر عقايد	رابطه
Opinion leader	Relation
راهبرى اجتماعى	راز شناسى
Social guidance	Gnosiology
راهبرى جامعه	راست گرایی سياسى
Societal guidance	political right
راهنمائى حرفه‌اى	راستين آئينى
Vocational guidance	Orthodoxy
رايزن	راهيابى اجتماعى
Adviser	Social orientation

Salvation	رستگاری	Counselling	رایزنی، مشاوره
Dejure	رسمی، قانونی	Plebiscite	رای مستقیم عامه مردم
Residual	رسوبی	Usury	ربا
Customs	رسوم	Rank	رتبه
Technic ways	رسوم فنى، رسوم مرتبط با فنون	Ranking	رتبه‌بندی
Idiographic discipline	رشته علمی تفردی	Superiority	رجحان، برتری
Nomothetic discipline	رشته کلی نگر و تعمیم بخش، رشته علمی - تعمیمی	Primogeniture	رجحان فرزند اول
Adaptive growth	رشد انطباقی	Ultimogeniture	رجحان فرزند آخر
World population growth	رشد جهانی جمعیت	Regressive	رجعت کننده
Urban growth	رشد شهری	Rating scale	رده‌بندی
Zero population growth	رشد صفر جمعیت	Taxonomy	رده شناسی
Balanced growth	رشد متوازن	Age grades	رده‌های سنی
Elective affinity	رغبت	Regime	رژیم
		Media	رسانه‌ها

رفتار غیر عقلانى	رفاه اجتماعى
Irrational behavior	Social welfare
رفتار گرائى	رفاه عمومى
Behaviorism	Public welfare
رفتار مبتنى بر بى مهرى	رفاه مادى
Antipathetic behavior	Material well-being
رفتار مبتنى بر مهرورزى	رفتار اخلاقى
Sympathetic behavior	Moral behavior
رفتار مسئله انگيز	رفتار اقتصادى
Behavior problem	Economic behavior
رفتار مكتسب	رفتار جمعى
Acquired behavior	Collective behavior
رفتار ناآموخته	رفتار جنسى، رفتار منبعث از جنس
Appetitive behavior	Sex-typed behavior
رفتار نما	رفتار داله - حرکت
Ethogram	Gesture
رفتار نمادى	رفتار داله
Symbolic behavior	Signaling behavior
رفت و آمد بين شهرو حومه	رفتار دينى
Commutation	Religious behavior
رفع کشمکش - کشمکش زدائى	رفتار ذاتى
Conflict resolution	Native behavior
رقابت	رفتار زبانى
Competition	Language behavior
رقابت آزاد	رفتار شناسى
Free competition	Ethology
رقابت آميخته با هميارى	رفتار عقلانى
Cooperative competition	Rational behavior

رنجبران	رقابت اجتماعى
Proletariat	Social competition
رنسانس	رقابت اقتصادى
Renaissance	Economic competition
روابط ایدئولوژیک	رقابت انحصار گرایانه
Ideological relations	Monopolistic competition
روابط بین گروهی	رقابت انحصارى ناقص
Inter-group relations	Olygopolistic competition
روابط ثانوى	رقابت سببى
Secondary relations	Causative competition
★★★	رقابت فرهنگى
روابط جنسى قبل از زناشوئى	Cultural competition
Prenuptial relations	رقابت کارآ
روابط درون گروهى - روابط درونى گروه	Effective competition
Intra-group relations	رقابت محیط شناختى
روابط طبقاتى	Ecological competition
Class relations	رقابت مکارانه
روابط عمومى	Dumping
Public relations	رقابت ناویژه
★★★	Imperfect competition
روابط مبتنى بر تبار	رقابت نهادى
Relation of descent	Institutional competition
روابط مبتنى بر تبعیض	رقص ارواح
Relation based on domination	Ghost dance
روابط مبتنى بر تسلط	رکود اقتصادى
Relation based on domination	Economic stagnation
	رکود خفیف
	Recession

روابط مبتنی بر جدائی از نظر	روان سنجی
زوجیت، تحریم ازدواج بین نژادها	Psychometry
Relation based on matrimonial	روان زاد
isolation	Psychogenic
روابط مبتنی بر جدائی	روان رنجور
Relations based on segregation	Psychopath
روابط مبتنی بر نابودسازی نسل	روانشناسی
Relations based on extermination	Psychology
روابط نامشروع	روانشناسی بالینی
Extramarital relations	Clinical psychology
روابط نخستین	روانشناسی تحلیلی
Primary relations	Analytical psychology
روابط نژادی	روانشناسی تفاوتی - روانشناسی
Race relations	اختلافی - روانشناسی افتراقی
روابط والدین - فرزندی، تکامل زیست گونه	Defferential psychology
Filiation	روانشناسی تکوینی
روان - تن شناسی	Genetic psychology
Psychobiology	روانشناسی جمعی
روان تنکارشناسی	Collective psychology
Psycho-physiology	روانشناسی صنعتی
روانپزشک	Industrial psychology
Psychiatrist	روانشناسی گرائی
روانپزشکی	Psychologism
روانپزشکی اجتماعی	روانشناسی فنی - فنون روانشناختی
Social psychiatry	Psychotechnic
روان درمانی	روانشناسی عمقی - ژرفا روانشناسی
Psycho - therapy	Depth-psychology (In)

روح گرائى	روانشناسى محض
Spiritualism	Pure psychology
روح گروهى	روانشناسى نوجوانى، روانشناسى نوجوانان
Group mind	Adolescent psychology
روحیه‌پذیری اجتماعى	روانكاو
Social mindedness	Psychoanalyst
روحیه جمعى	روانكاوى
Public spirit	Psychoanalysis
روحیه زدائى - تزلزل روحى	روان مددرسانى
Demoralization	Psychiatric social work
روحیه زدائى اجتماعى	روان نژندى
Social demoralization	Psycho-neurosis
روساخت	روان نگارى
Super-structure	Psychography
روستا	روایت نامه
Village	Chronical
روستایى شدن - جهات روستائى بخشیدن	روائى
Ruralization	Reliability
روش	روح اجتماعى
Method	Social mind
روش بررسى تاريخى	روح باورى
Historical method of investigation	Spiritism
روش تاویل	روح جمعى
Hermeneutics	Collective mind
روش تبار شناختى	روح خانوادگى
Genealogical method	Familial spirit
روش شناسى	روح علمى
Methodology	Scientific mind

رویکرد جامعه شناختی	روش قیفی وارونه
Sociological approach	Inverse funneling
رویکرد تاریخی	روش مقایسه‌ای
Historical approach	Comparative method
رویکرد تحلیلی	روشنفکران
Analytical approach	Intelligentsia
رویکرد جمعیت شناختی	روش‌های مشاهده‌ای
Demographic approach	Observational methods
رویکرد خوش بینانه	روند تباه کننده نسل، دژ روند
Optimistic approach	Dysgenic trend
رویکرد ذهنی	روند پژوهی
Subjective approach	Trend study
رویکرد روانکاوانه	روند جمعیت
Psychoanalytic approach	Population trend
رویکرد ساخت نیافته	روند حومه‌ای
Unstructured approach	Suburban trend
رویکرد سازنده	روندهای اجتماعی
Constructive approach	social , trends
رویکرد عینی	روندهای تاریخی
Objective approach	Historical trends
رویکرد کمی	روندهای جامعه شناختی
Quantitative approach	Sociological trends
رویکرد کیفی	روندهای شهری
Qualitative approach	Urban trends
رویکرد ماکیاوی	رونق اقتصادی
Machiavellian approach	Economic prosperity
رویکرد مفهومی	رویکرد اقتصادی
Conceptual approach	Economic approach

رهبری تفريحات	رویکرد مقایسه‌ای
Recreation leadership	Comparative approach
رهبری عادی	رویکرد وضعیتی
Routinization	Situational approach
رهیافت دوگانه- رهیافت مبتنی بر دوگانگی	رهائی
Dualistic approach	Empancipation
ریشه‌ای- بنیادی	رهائی بخش
Radical	Empancipation
ریشه‌شناسی (در واژگان)	رهبانیت
Etymology	Monasticism
رئیس خانواده	رهبر
Pater	Leader
	رهبر فرهی
	Charismatic leader

ز

زبان‌شناسی اجتماعی	زاد بوم پرستی
Sociolinguistics	Chauvinism
زبان‌شناسی در زمانی	زادگان
Diachronic linguistic	Sibling
زبان علائم	زاد و ولد
Sign language	Nativity
زبان غیر لفظی	زاد و ولد خالص
Body language	Net natality
زدودن روحیه- متزلزل ساختن روحیه	زائونمائی
Demoralize (to)	Couvade

زنابخى، جامعه شناس لهستانی	زراعت گاههای پراکنده
Znaniecki (Florian Witold)	Dispersed farmstead
زنای با محارم	زردشت
Incest	Zoroaster
زنای محصنه	زردشت آئینی
Adultery	Zoroasterianism
زن بیزاری	زمان آزاد
Misogynist	Free time
زن بیوه بر اثر فوت همسر	زمان اجتماعى
Widow	Social time
زنجیره، پیوستار	زمان نگار
Continuum	Chronograph
زنجیره غذائی	زمین کوچک
Food chain	Minifundia
زندان صنعتی	زمینه فرهنگی
Industrial prison	Cultural background
زندگی بورژوا مآبانه	زنا
Bourgeois life	Fornication
زندگی خانوادگی حیوانات	★★★
Family life of animals	زناشوئی آزمایشی
زندگی شبانی	Trial marriage
Pastoralism	زناشوئی - ازدواج
زندگی نامه	Marriage
Biography	زناشوئی بیزاری
زندگی نامه شخصی - خودزندگی نامه نویسی	Misogamy
Autobiography	زناشوئی ناپذیر
زندگی نامه نویس	Non-marriageable
Biographer	

زیر فرهنگ - فرهنگ جزئی	زن دوست
Subculture	Philogynist
زیر فرهنگ جنائی	زن طرفدار - برابری انتخاباتی زن و مرد
Criminal subculture	Suffragette
زیر منطقه	زن فرودست همسری
Subregion	Hypogamy
زیست سنجی	زن مکان
Biometrics	Matrilocal residence
زیست شناسی انسان	Uxorilocal
Human biology	زن و شوهری
زیست شناسی جنائی	Conjugal
criminal biology	زن همجنس باز
زیستگاه	Lesbianism
Habitat	زوال اجتماعی - وخامت اجتماعی
	Social deterioration

ژ

ژرفا روانشناسی	ژرفا جامعه شناسی
Depth-psychology	Depth-sociology (In)

س

ساخت جزئی	ساخت آشکار
Sub-structure	Manifest structure

ساخت جمعيت	سازمان اجتماعي
Population structure	Social organization
ساخت شخصيت	سازمان اجتماعي - روستايي
Personality structure	Rural social organization
ساخت منش	سازمان جاسوسي
Character structure	Intelligence department
ساخت نهان	سازمان جنايي
Latent structure	Criminal organization
ساخت هاي شناختي	سازمان حرفه اي
Cognitive structures	Professional organization
ساخت هاي مبتني بر سلسله مراتب	سازمان دهی مجدد اجتماعي -
Hierarchical structures	بازسازماني مجدد اجتماعي
ساخت هم مرکز	Social reorganization
Concentric structures	سازمان دوگانه - سازماندهی دوگانه
ساده انديشي	Dual organization
Simplism	سازمان شكني
ساده سازي	Disorganization
Simplification	سازمان شكني اجتماعي - دژ
ساده لوح - ساده لوحانه	سازماني اجتماعي
Naive	Social disorganization
سازگار	سازمان صنعتي - سازمان يابي حقيقي -
Adjusted	سازماندهی صنعتي
سازگاري	Industrial organization
Adjustment	سازمان فرهنگي
سازگاري شخصي	Culture organization
Personal adjustment	سازمان محلي - سازمان يابي محلي
سازگاري مجدد	Community organization
Readjustment	

سائقه غير اجتماعى	★★★
Unsocialized drive	سازمان نما
سبك زندگى	Organigram
Life style	سازمان نماى كار كردى
سترون كردن بجای بهبود نسل	Functional organigram
Eugenic sterilization	سازمان هاى پيچيده
ستمگر، سر كوب گر	Complex organizations
Oppressor	سازمان هاى زراعى
ستيزه - تضاد	Farmer's organizations
Conflict	سازه
ستيزه درونى	Construct
Internal conflict	ساكن - غير متحرك
سخن	Sedentary
Logos	سالنامه جامعہ شناسى
سرآمدان رسمى	Annee-sociologique
Formal elite	سانسور
سرآمدان قدرت	Censorship
Power elite	سائق
سرآمدان مالى	Drive
Financial elite	سائق اجتماعى
سرآمدان مستقر يا جا افتاده	Social drive
Established elite	سائق اجتماعى شده
سر رشته دارى خانواده	Socialized drive
Household administration	سائق طبيعى
سرزمين دفاع شده	Impetus
Defended territory	سائق مادر
سر زندگى	Maternal drive
Vitality	

سرمایه انسانی	سرشماری
Human capital	Census
سرمایه تخصصی	سرکشی
Specialized capital	Rebellion
سرمایه ثابت	سرکوب - جور - فشار - ستم
Fixed capital	Oppression
سرمایه خالص	سرکوب اجتماعى
Working capital	Social repression
سرمایه داری	سرکوب آگاهانه
Capitalism	Suppression
سرمایه داری - جدید	سرکوب روانشناختی
Neo-capitalism	Psychological repression
سرمایه داری صنعتی	★★★
Industrial capitalism	سرکوب شده، ستم بر
سرمایه داری مالی	Oppressed
Financial capitalism	سرکوب کردن
سرمایه ذهنی	Repress (to)
Intellectual capital	سرگذشت پژوهی تاریخی
سرمایه سودبخش	Case history
Lucrative capital	سرگرمی
سرمایه طلب	Avocation
Capital intensive	سرگرمی
سرمایه فنی	Hobby
Technical capital	سرگرمی تجاری شده
سطح انتظار	Commercial amusement
Level of expectation	سرگرمیهای محلی
سطح انطباق	Community recreation
Adaptation level	

سقط جنين غير عمدى	سطح زندگى
Unintentional abortion	Plane of living
سقط جنين قانونى	سطح زندگى
Legal abortion	Level of living
سقوط فرهنگى	سطح معنايائى
Cultural descent	Level of significance
سلسله مراتب اجتماعى	سطح معيشتى
Social hierarchy	Subsistence level
سلسله مراتب دانش ها	سعادت
Hierarchy of sciences	Eudaemonia
سلسله مراتب شغلى	سعادت آئينى
Occupational hierarchy	Eudaemonism
سلطان	سفسطه گراى - سوفسطائى
Monarch	Sophist
سلطنت	سفيد برترى
Monarchy	White supremacy
سلطنت طلبى	سقط جنين
Monarchism	Abortion
سلطه	سقط جنين ارتجالى (خود بخودى)
Dominatism	Spontaneous abortion
سلطه اقتصادى	سقط جنين برانگيخته
Economic domination	Induced abortion
سلطه گر	سقط جنين جنايى
Dominator	Criminal abortion
سلطه نژادى	سقط جنين عمدى
Racial hegemony	Intentional abortion
سلک	سقط جنين غير قانونى
Communion	Illegal abortion

سود	سلک روحانی
Profit	Sacred society
سودآور	سکونتگاه- سکنا گزینی- پیشینه اقامت
Profitable	Settlement
سودجو	سنت
Profiteer	Tradition
سورورا- زناشویی با خواهر زن	سنت گرایی
Sororate	Traditionalism
سوسیالیسم بر پایه عقاید فوریه	سنت گروهی
Fourier socialism	Tradition group
سوسیالیسم دولتی	سنجش افکار عمومی
State socialism	Public opinion polls
سوسیالیسم رقابتی	سنجه های هم پیوست
Competitive socialism	Accretion measures
سوسیالیسم زراعی	سنجیدنی- قابل اندازه گیری
Agrarian socialism	Measurable
سوسیالیسم صنفی	سن حقیقی
Guild socialism	Chronological age
سوسیالیسم علمی	سندیکالیسم انقلابی
Scientific socialism	Revolutionary syndicalism
سوسیالیسم فابیوسی	سن عقلی
Fabian socialism	Mental age
سوسیالیسم کمونیستی	سنن شفاهی
Communist socialism	Oral traditions
سوسیالیسم متمرکز	سوادآموزی تابعی
Centrist socialism	Functional literacy
سوسیالیسم مردمی	سوالات باز
Democratic socialism	Open-end questions

سیاست قیمت گذاری	سوسیالیسم مسیحی
Price policy	Christian socialism
سیاست مالیاتی	سوسیالیسم ملی
Tax policy	National socialism
سیاستمدار	سوگیری
Politician	Bias
سیاست‌های حمایتی	سیاست پولی
Protective policies	Monetary policy
سیبرنتیک	سیاست پیشه- ارباب- سیاست‌باز
Cybernetics	Boss
سیلان- رفت و برگشت	سیاست جمعیت
Fluidity	Population policy
سه‌پایه (مولکولی متشکل از سه اتم اجتماعی)	سیاست ضد تورمی
Triad	Deflationary policy

ش

شاخص جسمی جنایت‌پیشگی- انگ	شاخص- زمینه‌ای
Stigma	Indexicality
شاخص حیات	شاخص- زمینه
Vital index	Indexical
شاخص مرکزیت	شاخص اعتبار
Centrality index	Validity index
شادمانی اجتماعی	شاخص بهم پیوستگی گروهی
Social euphoria	Group cohesion index
شالوده فرهنگی	شاخص جایگزینی
Culture base	Replacement index

شخصیت قالبی	شبکه خویشاوندی
Stereotype personality	Kinship network
شخصیت چندگانه	شبکه علی
Multiple personality	Causal network
شخصیت درونگر	شبکه نیمه انحصاری کامل
Introvert personality	Perfect-oligopoly network
شخصیت قدرت اندیش - شخصیت قدرت نگر	شبه - دروغین - کاذب
Authoritarian personality	Pseudo
شخصیت نمادی	شبه عادی
Symbolic personality	Quasi normal
شخصیت نمائی	شبه قضائی
Modal personality	Quasi judicial
شرایط پیش زادی	شبه سازی
Antenatal conditions	Simulation
شرایط کار	شخص شکوفا شده
Working conditions	Individuated person
شرایط لازم	شخص گرائی
Necessary conditions	Personalism
شرح	شخصیت
Glossing	شخصیت آرمانی
شرط کافی	Ideal personality
Sufficient condition	شخصیت اساسی
شرط لازم	Basic personality
Sine qua non	شخصیت استاندارد شده
شرطی سازی	Standardized personality
Conditioning	شخصیت برونگرا
	Extrovert personality

Religious rituals	شعائر مذهبی	شرطی سازی کلاسیک، شرطی سازی متداول
Consciousness	شعور	Classical conditioning
Occupation	شغل، اشتغال	شرطی سازی عملی Operant conditioning
Cultural alternative	شقوق فرهنگی	شرطی سازی پاولوفی Pavlovian conditioning
Class gap	شکاف طبقاتی	شرطی شدن منفی Negative conditioning
Methodical doubt	شک دستوری	شرکت تعاونی روستائیان Cooperative farmer's association
Pseudomorph	شکل کاذب	شرکت تعاونی - اتحادیه تعاونی Cooperative association
Organized skepticism	شک منتظم	شرکت چند ملیتی Multi national corporation
Social anabolism	شکوفائی اجتماعی	شرکت رسمی De jure' corporation
Personality development	شکوفائی شخصیت	شرکت سهامی - مؤسسه Corporation
Individuation	شکوفائی فردی، فرد شکوفائی - تفرد	شرکت غیررسمی De facto corporation
Iconolatry	شمایل پرستی	شعائر Rituals
Iconoclasm	شمایل شکنی	شعائر ازدواج Marriage rituals
Perceptual cognition	شناخت ادراکی	شعائر پرستی Ritualism

شهر اقماری	شناخت انتزاعی
Suburban-satellite city	Abstract knowledge
شهر اقمارنشین	شناخت امور بدیهی
Suburbanite	Axiomatic knowledge
شهر چند هسته‌ای	شناخت بیواسطه دیگرى
Multiple nuclear city	Intropathy
شهر صنعتی	شناخت پیدائی و رشد اقوام
Industrial city	Ethnogenics
شهر قطاعی	شناخت پذیر، قابل شناخت
Sectorial city	Cognizable
شهرک	★★★
Town	شناخت رفتار
شهرگان	Behavior knowledge
Conurbation	شناخت عقلائی
شهر گرائی	Rational cognition
Urbanization	شناخت گزینی
شهرنشینی	Cognitive selectivity
Urbanism	شناخت موسیقی قومى -
شهر هم مرکز	موسیقی شناسی اقوام
Concentric city	Ethnomusicology
شهود	شناسائی عملی
Intuition	De facto recognition
شهودی	شناور
Intuitive	Floater
شهود گرائی	شگون
Intuitionism	Omen
شیطان پرستی	
Devilism	

شیوهٔ قیفی	شیطان‌صفتی
Funneling	Diabolism
شیوهٔ کشف	شیمی اجتماعی
Heuristic	Social chemistry
شیوه‌های قومی	شیوهٔ تولید
Folk ways	Mode of production
شیئی سروری	شیوهٔ زندگی در شهر
Reification	Urban way of life

ص

صنعت‌زدگی، صنعت‌گرایی	صرفه‌جویی‌های برونی
Industrialism	External economies
صنعتی شدن - صنعتی کردن	صعود اجتماعی
Industrialization	Social ascendancy
صنف	صفت ارثی
Guild	Genotype
صنف‌گرایی - قدرت‌یابی -	صفت عارضی
اتحادیه‌های صنفی	Phenotype
Corporatism	صلاحیت اجتماعی
صورت‌گرایی - ظاهر‌آرائی	Social competency
Formalism	صلح مثبت
صورت نظام‌بخشیدن - انتظام دادن	Positive peace
Systematization	صنعت اساسی
صورت نظامی‌بخشیدن	Essential industry
Militarization	

صیانت ذات	صوری-رسمی
Self-preservation	Formal
صیغه	صوری سازی- رسمی سازی- صورت آرائی
Sigha	Formalization

ض

ضد وابستگی	ضد- علیه
Counter dependence	Anti
ضدیت درونی	ضد اجتماع
Internal opposition	Anti-social
ضرایب تفاوت طبقاتی	ضد اختلاط نژادی
Class differentials	Anti-miscegenation
ضرایب گروهی	ضد انقلاب
Group differentials	Counter-revolution
ضریب انسانی	ضد پیشنهاد
Human coefficient	Contra-suggestion
ضریب سرمایه	ضد تورم- انقباض پولی
Capital coefficient	Deflation
ضریب مسیر	ضد جمعیت فزائی
Path coefficient	Anti-natalist
ضریب همبستگی	ضد رویداد
Correlation coefficient	Counter-factual
ضمانت اجرائی اجتماعى- بادافره	ضد طغیان
اجتماعى- مجازات های اجتماعى	Counter insurgency
Social sanctions	

ط

طرز تلقى تجربى	طب اجتماعى
Experiential attitude	Socialized medicine
طرز تلقى نمايا	طبقات سنى
Representative attitude	Age classes
طرز تلقى نوعى	طبقه تن آسا
Typical attitude	Leisure class
طرز تلقى هاى جمعى	طبقه حاكم
Collective attitude	Ruling class
طرد- رد، عدم پذيرش	طبقه خدمت رسان
Rejection	Service class
طرد اجتماعى	طبقه قومى
Ostracism	Ethnic class
طرد نژادى	طبقه كارگر
Racial exclusion	Working class
★★★	طبيعت گرايى
طرفدار افزايش جمعيت	Naturalism
Populationist	طرز تفكر جمعى
طرفدار تحديد جمعيت	Collective mentality
Restrictionist	طرز تفكر صنعتى
طرفدار اصل پيوستگى در مديريت	Industrial mentality
سياسى- پيوست گرا	طرز تلقى اجتماعى
Unionist	Social attitude
	طرز تلقى القايى
	Indoctrinated attitude

طغیان مزمن	طرفدار منع مسکرات
Chronic rebellion	Prohibitionist
طول عمر	طغیان
Longevity	Revolt

ظ

ظرفیت تولید	ظرفیت- توان- ارزش
Yield-capacity	Valence
ظرفیت جبلی	ظرفیت تجدید نسل
Innate capacity	Reproductive capacity

ع

عاطفه گرائی	عادات نهادی شده- عادات جاافتاده و مقبول
Emotionalism	Institutionalized habits
عاطفی- بیانی	عادی سازی- عادی شدن
Expressive	Normalization
عالم بزرگ	عارف
Macrocosm	Gnostic
عام	عارف
Common	Theosopher
عامل دائم	عارف- عارفانه- باطنی
Permanent factor	Mystic
عامل متغیر	عاطفه
Variable factor	Emotion

عدم حمایت و مراقبت	عامیانگی
Non-support	Vulgarism
عدم خشونت	عامیانه- مبتذل
Non-violence	Vulgar
عدم دخالت دولت (در اقتصاد)	عدالت اجتماعی
Laisser-faire	Social justice
عدم مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی	عدالت جنائی
Unsocial	Criminal justice
عدم مطلوبیت نهائی	عدالت قرار مداری
Marginal disutility	Bargain justice
عرضه کار	عدم انطباق
Labor supply	Inadaptation
عرفان	عدم انطباق
Theosophy	Unadaptation
عرفان	عدم تحرک اجتماعی
Gnosticism	Social immobility
عزت نفس	عدم تقارن- کجی
Self-respect	Skewness
عزل- جماع منقطع	عدم تمرکز- تمرکز زدائی
Coitus interruptus	Decentralization
عزلت‌گزینی	عدم تمرکز جغرافیائی- تمرکز زدایی
Retreatism	جغرافیائی
عسرت اقتصادی	Geographic decentralization
Economic stringency	عدم تمرکز شهری
عصر دیرینه سنگی	Urban decentralization
Paleolithic age	عدم توجیه
عصر میان سنگی	Unjustification
Mesolithic age	

عقیده	عصر نوسنگی
Opinion	Neolithic age
عقیده انبوه خلق	عصمت - پاکدامنی - شهوت کشی
Crowd opinion	Chastity
عقیده جمعی	عطف به ماسبق
Collective opinion	Retroaction
عقیده گروه	عقاید خرافی
Group opinion	Superstition
عقیم سازی	عقب ماندگی ذهنی یا جسمانی -
Sterilization	کودک وارگی
علاقه زن و شوهری	Infantilism
Conjugal affection	عقده
علاقه مفرط به والدین	Complex
Parental fixation	عقده الکتر
علامت - حامل	Electra complex
Sign-vehicle	عقده ادیپ
علامه - همه دان	Oedipus complex
All-knowing	عقده خود کم بینی
علائم جسمانی جانی - انگ	Inferiority complex
Physical anomalies	عقلانی - معتدل
علت	Rational
Cause	عقلانی کردن - کاربرد شیوه های عقلانی
علت اجتماعی	Rationalization
Social cause	★★★
علت العلل	عقل سلیم
Cause of causes	Common sense
علت اولی	
First cause	

علم اخلاق	علت دور
Ethics	Remote cause
علم اخلاق اجتماعى	علت شناسى
Social ethics	Aetiology
علم بهبود نسل - بهنژادشناسى	علت شناسى جرم
Eugenics	Aetiology of crime
علم سياست	علت صورتى
Politics	Formal cause
علوم بنيادى	علت غائى
Fundamental sciences	Final cause
علوم دستورى - علوم هنجار گذار	علت غايى
Normative sciences	Ultimate cause
علوم دقيقه	علت غير فعال
Exact-sciences	Inactive cause
علوم رفتارى	علت فاعلى - علت كاراً
Behavior sciences	Efficient cause
علوم كاربردى	علت كافى
Applied sciences	Sufficient cause
★ ★ ★	علت لازم
عليت	Necessary cause
Causality	علت مادى
عليت متكثر	Material cause
Multiple causation	علت منتظم
عمقى	Systematic cause
Intensive	علت مفرد
عمقى ساختن - عمقى شدن	Single cause
Retropulsion	علت نهائى
	Final cause

عنصر اساسى	★ ★ ★
Essential element	
عنصر تأثير گذار	عمل جمعى متشکل
Acting element	Corporate action
عوام فهم سازى	عمل رهاىى بخش
Vulgarization	Praxis
عوامل تعيين کننده فرهنگ	عمل زنجيره اى
Cultural determination	Serial action
عوامل رقابت انگيز	عمل سياسى
Competitive factors	Political action
عوامل عيىنى	عمل شناسى
Objective factors	Praxeology
عوامل واقعى	عملکرد نگرى
Realfactoren	Operationalism
عودت	عمل مستقيم
Relapse	Direct action
عورت نمائى	عمو
Exhibitionism	Paternal uncle
عيب ذائى	عموزادگان - خاله زادگان
Inherent vice	Parallel cousin
عيىنى - انضمامى - مشخص - ملموس	عموميت - كليت - فراگيرى
Concrete	Generality
عينيت - بى نظرى	عمه
Objectivity	Paternal aunt
عينى ساختن	عمه تيمارى
Objectify (to)	Amitate
عينى سازى	عمه زادگان
Objectification	Cross cousins

عینى گرایى

Objectivism

غ

Amoral	غیر اخلاقى	Teleology	غایت شناسى
Non-wedlock	غیر ازدواجى	Social telics	غایت شناسى اجتماعى
Non-human	غیر انسان	Westernism	غرب گرایى
In human	غیر انسانی	Westernization	غربى ساختن - غربى شدن
Ahistorical	غیر تاریخى	Favoritism	غرض ورزى
Non-empirical	غیر تجربى	Instinctivism	غریزه گرایى
Defacto	غیر رسمى	Mobocracy	غوغا سالارى
Non-temporal	غیر زمانى	Non-social	غیر اجتماعى
Denaturalization	غیر طبیعى سازى - غیر طبیعى گردیدن	Desocialization	کردن - زدودن ابعاد اجتماعى
Uncivilized	غیر متمدن	Immoral	غیر اخلاقى

غیر نظامی کردن	غیر مذهبی سازی - جداسازی دین از دنیا
Demilitarization	Laicization
غیر نهان، غیر باطنی	غیر منقول - حرکت ناپذیر
Exoteric	Immovable

ف

فرا - فوق	فابیوس گرایی
Hyper	Fabianism
فرا اجتماعی	فاز اجتماعی
Extra social	Social phase
فرا ارتباط	فاشیسم
Meta-communication	Fascism
فرا انسانشناسی	فاصله تولد - فاصله زایشها
Meta anthropology	Birth interval
فرا آگاهی	فاصله محیطی - فاصله محیط شناختی
Subliminal	Ecological distance
فرا تجربی	فاقد کتابت
Meta empiric	Non-literate
فرا تجربی	فایده عملی - مطلوبیت در عمل
Hyper empiricism	Pragmatic utility
فرا تجربه گرایی دیالکتیک	فتح طبیعت
Dialectical hyper empiricism	Conquest of nature
فرا خرد	فحشاء
Extra-rational	Prostitution
فرا خود - نفس لوازمه	فحشای تجاری
Super ego	Commercial vice

فراملی‌نگری	فرار هنجار
Internationalism	Norm of evasion
فرانقد	فرازونشیب فرهنگی
Meta critic	Cultural vicissitude
فراورده اجتماعی	فراز یستی
Social product	Extra-biologic
فراوانی انباشته - فراوانی تراکمی	فرا عادی
Cumulated frequency	Transnormal
فراوانی مطلق	فراغت ارزش
Absolute frequency	Value freedom
فراورده جمعی	فرافکنی - پیش‌بینی
Collective product	Projection
فرآیند اجتماعی	فرافکنی اغراق آمیز
Social process	Mote-beam projection
فرآیند دوری	فرافکنی تکمیلی
Cyclical process	Complementary projection
فرتوت شدن - فرتوتی	فرافکنی روند - استنتاج - قیاسی
Obsolescence	Extrapolation
★★★	فرافکنی مستقیم
فردگرایی لجام گسیخته	Direct projection
Rugged individualism	فرا کنترل اجتماعی
فردگرایی مفرط	Super-social control
Ultra-individualism	فراگیری الگوی رفتاری
فردنگری	Behavior patterning
Singularism	فرا-ماوراء
فردی ساختن تنبیه	Meta
Individuation of Punishment	فراملی
	Hyper-national

فرزیه صفر	فرزندآور
Null-hypothesis	Fecund
فرزیه علمى	فرزندپذیرى
Scientific hypothesis	Adoption
فرزیه قدمت- وسعت	فرزند خواندگى
Age and area hypothesis	Fostering
فرزیه نسبیت زبانی	فرزند خوانده
Linguistic relativism hypothesis	Adoptive child
فرقه	فرزند کشى
Faction	Filicide
فرقه جوئى - جدائى طلبى	فرزند نامشروع
Schismatism	Non-wedlock child
فرقه گرایى	فرزند محورى
Sectarianism	Filocentrism
فرقه گرای - عضویک فرقه	فرزند نامى
Sectarian	Teknonymy
فرو مکان - دژ مکان	فرسایش سنجى - سنجه های مبتنى
Subtopia	بر فرسایش
فروید گرایان جدید	Erosion measures
Neofreudists	فرسودگى عناصر اجتماعى
فره - فر	Social katabolism
Charisma	فرصتهای طبقاتى
فرهنگ	Class opportunities
Culture	فرصت طلبى
فرهنگ آموزى	Opportunism
Enculturation	فرزیه آماری
فرهنگ ادبى	Statistical hypothesis
Literary culture	

فرهنگ شخم‌زنى	فرهنگ بالا
Hoe culture	High culture
فرهنگ شرم	فرهنگ‌پذیرى
Shame culture	Acculturation
فرهنگ شناسى	فرهنگ‌پذیرى حاشیه‌ای
Culturology	Marginal acculturation
فرهنگ شهرى	فرهنگ‌پذیرى خصمانه
Urban culture	Antagonistic acculturation
فرهنگ عامه	فرهنگ‌پذیرى دو جانبه
Folk culture	Bilateral acculturation
فرهنگ عامه - فرهنگ مردم	فرهنگ‌پذیرى راهبرى شده
Folk-lore	Directed acculturation
فرهنگ غیرمادى	فرهنگ‌پذیرى زبانى
Non-material culture	Linguistic acculturation
فرهنگ فقر	فرهنگ‌پذیرى کنترل شده
Culture of poverty	Controlled acculturation
فرهنگ قومى	فرهنگ پیش از کتابت
Folk culture	Preliterate culture
فرهنگ گردآورى	فرهنگ توده‌گیر، فرهنگ توده‌ها
Collection culture	Mass culture
فرهنگ مادى	فرهنگ و جامعه
Material culture	Culture and society
فرهنگ مردم	فرهنگ جزئى عزلت‌گزین
Popular culture	Retreatist subculture
فرهنگ معنوى	فرهنگ جنایى
Kulture	Criminal culture
فرهنگ معنوى	فرهنگ ستیز
Spiritual culture	Counter culture

فعالیت خرابکاری	فرهنگ ناپذیری
Subversive activity	Unacculturation
فعالیت سیاسی دانشجویی در آمریکا	فرهنگ نخبگان
Student activism in America	Elite culture
فعالیت سیاسی	فرهنگ و شخصیت
Activism	Personality and culture
فعل	فرهنگ و ویژگیهای جوانان
Act	Youth culture and characteristics
فعلیت	فساد
Actuality	Corruption
فعلیت یابی	فشار اقتصادی
Actualization	Economic pressure
فعلیت یابی شخصیت	فشار اجتماعی
Self-actualization	Social pressure
فقدان امنیت اقتصادی	فشار جمعیت
Economic insecurity	Population pressure
فقر	فشار جمعیتی
Poverty	Demographic pressure
فقر زحمتکشان	فشار ضدتورمی
Pauperization	Deflationary pressure
فقر مطلق	فشار گروهی
Absolute poverty	Group pressure
فقر نسبی	فضیلت سالاری - مالک سالاری
Relative poverty	Timocracy
فقه	فطری گرایی - اصالت سنن قومی
Religious law	Nativism
فلسفه	فطرت نخستین - طبیعت بکر
Philosophy	Original nature

فن نایادآور	فلسفه اجتماعى
Unaided recall technique	Social philosophy
فوريه آيينى	فلسفه اخلاقى
Fourierism	Moral philosophy
فوق آلى	فلسفه بافى
Super-organic	Philosophism
فوق تنى	فلسفه تاريخ
Extrasomatic	Philosophy of history
فوق زيستى	فلسفه دين
Extrabiology	Philosophy of religion
فوق عادى	فلسفه علوم
Super-normal	Philosophy of sciences
فهم - تفهم	فلسفه عملى
Understanding	Practical philosophy
فئوداليسم	فلسفى - انديشمندان - بخردانه
Feudalism	Philosophic
فئوداليسم ادارى	فن
Administrative feudalism	Technique
فيزيك اجتماعى	فن اجتماعى
Social physics	Social technique
فيزيوكراتها	فن سالارى - متخصص سالارى
Physiocrats	Technocracy
	فن شناسى - ابزار و فنون
	Technology

ق

قانون جامعه‌پذیری	قابل تخیل - تخیل‌پذیر
Sociodynamic	Imaginable
قانون در جامعه‌شناسی	قابل تفهم - احاطه‌پذیر
Sociological law	Comprehensible
قانون جنگل	قابل توصیه - مقتضی
Law of jungle	Advisable
قانون حفاظ	قابل تمیز
Shield law	Identifiable
قانون قصاص	قابل فهم - معقول
Lextalionis	Intelligible
قبیله	قابل کاهش بها - کاهش بهاپذیر
Tribe	Depreciable
قتل مجاز	قابلیت اعمال - کاربردپذیری
Euthanasia	Applicability
قحطی	قابلیت فرزند آوری
Famine	Fecundability
قداست	قانون اساسی - سرشت
Sacredness	Constitution
قدرت اجتماعی	قانون اشباع جنایی
Social power	Law of criminal saturation
قدرت سرخپوستان	قانون آهنین حکومت متنفذان
Red power	Iron law of oligarchy
قدرت طلبی - سلطه‌جویی - قدرت‌ستایی	قانون بازگشت به گذشته
Authoritarianism	Law of regression
قدرت مشروع	قانون جاذبه اجتماعی
Legitimate power	Law of social gravity

Medievalism	قرون وسطایی	Ominipotence	قدرت مطلق
Poetic punishment	قصاص	Fatalist	قدر گرای- تقدیر گرای
Criminal intent	قصد جرم	Fatal	قدری- تقدیری
Value judgement	قضاوت ارزشی	Seniority	قدمت خدمت
Judgement of fact	قضاوت واقعی	Social vicinity	قربابت اجتماعی
Theorem	قضیه	Contract	قرارداد
Urban-sector	قطاع شهری	Marriage contract	قرارداد زناشویی
Sectional	قطاعی	Contractual	قراردادی
Polarization	قطبی شدن	Modus vivendi	قرار و مدار
Fragmentation	قطعه قطعه شدن دارائیها	Koran	قرآن
Definitive	قطعی	Blood sacrifice	قربانی
Caucasio-centrism	قفقازی محوری	Human sacrifice	قربانی انسان
Extermination	قلع و قمع- انهدام	Vicarious sacrifice	قربانی نیابتی
Rules of descent	قواعد تبار		

قومی	قوانین علمی
Ethnic	Scientific laws
قیاس	قوانین منع کننده
Deduction	Prohibitive laws
قیاس صوری	قوم
Syllogism	Folk
قیاس صوری غلط	قوم محوری - قوم مرکزی
False syllogism	Ethnocentrism
قیاس گرایی	قومیت
Deductionism	Ethnicity
قیمت رقابت پذیر	
Competitive price	

ک

کارخانه - نمایندگی تجاری یک کشور در کشوری دیگر	کاپیتولاسیون
Factory	Capitulation
کار در میدان	کار اجباری
Field work	Forced labor
کارشناس پولی - معتقد به اهمیت پول خاص در اقتصاد	کارایی - کارآمدی
Monetarist	Efficiency
کارفرمای اقتصادی - گرداننده واحدهای تولید	کارایی فنی
Entrepreneur	Technical efficiency
	کارایی مطلق
	Absolute efficiency
	کارتل
	Cartel

کارگر فرمانبر	کارکرد-تابع
Deferential worker	Function
کارگر قراردادی	کارکرد آشکار
Contract labor	Manifest function
کارگر متمکن	کارکرد پیوسته
Affluent worker	Correlate function
کارگر موقت- عمله	کارکرد گرایی
Casual labourer	Functionatism
کارگر مهاجر	کارکردهای اقتصادی
Migratory worker	Economic functions
کارگزاران اجتماعى شدن	کارکردهای حیاتی
Socialization agents	Vital functions
کاست	کارکردهای کشمکشهای اجتماعى
Caste	Functions of social conflicts
کاغذ بازی	★★★
Red tape	کارکرد ناآشکار
کافر- غیر مومن به کتاب آسمانى	Latent function
Heathen	کار کودکان
کالا- بتواره سازی	Children labor
Commodity fetishism	کارگران خدماتی
کالا- کابین	White collar workers
Donatio	کارگر زراعى
کالاهای اقتصادى	Farm laborer
Economic goods	کارگر طلب
کالاهای نهایی	Labor intensive
Final goods	کارگر غیر ماهر
کالبدشناسى اجتماعى	Blue-collar workers
Social anatomy	

کشاكش اجتماعى	کاهش بهاء
Social polarity	Depreciation
کشتار جمعى	کاهش جمعیت
Promiscuous massacre	Population decline
کشت بخور و نمیر	کاهش شخصیت فردی
Subsistence farming	Deindividuation
کشتگاه خود کفا	کاهن
Self-sufficing farm	Medicine-man
کشتگاه معیشتی	کانون آگاهی
Subsistence farm	Focus of consciousness
کشمکش	کانون توجه
Conflict	Focus of attention
کشمکش آشکار	کانون محلی - کانون قومى
Manifest conflict	Community center
کشمکش انقلابی	کانون نوآوری اجتماعى
Revolutionary conflict	Social protoplasm
کشمکش فرهنگی	کج اندیش
Culture conflict	Deviationist
کشمکش نژادى	کج اندیشی
Race conflict	Deviationism
کشور توسعه یافته	کج روی
Developed country	Deviance
کشور خاستگاه	کرختی اجتماعى
Country of origin	Social inertia
کشور مبدأ	کسادى، افسردگی، ارزش زدائی
Country of origin	Depression
کشور محل اقامت	کسادى اقتصادى
Country of residence	Economic depression

کمک نقدی	کشور مقصد
Subvention	Country of destination
کم مصرف گرای	کشورهای توسعه نیافته
Underconsumptionist	Underdeveloped countries
کمونها	کشورهای کم توسعه
Communes	Less developed countries
کمونی	کفر
Communal	Heathenism
کمونیسم	کلی
Communism	General
کمونیسم اولیه	کلیت
Primitive communism	Universality
کمیت	کمال
Quantity	Perfection
کنترل از طریق نمایندگان	کمال خواهی، کمال باوری
Representative control	Perfectionism
کنترل پیشگیرانه	کمال مطلق
Preventive checks	Absolute perfection
کنترل جامعه	کمال مطلوب
Societal control	Ideational
کنترل حاملگی	کم جمعیتی
Conception control	Under-population
کنترل روانی - اجتماعی	کمک از بودجه عمومی - یارانه
Psycho-social control	Subsidy
کنترل دون اجتماعی	کمک دولتی، سازمانهای مددکاری
Sub-social control	Public assistance
کنترل غیررسمی	کمک متقابل
Informal control	Mutual aid

کودتا	کنترل فرهنگی
Coup d'etat	Cultural control
کودکان مرده بدنیا آمده	کنترل مثبت
Mortinatality	Positive checks
کودک پناه	کنترل موالید
Foster home	Birth control
کودک نادیده گرفته شده	کنش فردی
Neglected child	Individual action
کودک وحشی	کنش فرهنگی
Feral child	Cultural action
کوواریانس، همپراش	کنش متقابل سازگار
Covariance	Reciprocal action
کیش	کنش متقابل غیراجتماعی، تعامل
Cult	غیراجتماعی
کیش شخصیت	Non-social interaction
Cult of personality	کنش متقابل محیط زیستی
کیش قهرمانان، قهرمان کیشی	Ecological interaction
Hero cult	کنش متقابل قانونی
کیفر جاودانی	Focused interaction
Eternal punishment	کنفدراسیون
کیفرشناسی	Confederation
Penology	کنفوسیوس آئینی جدید
کیفیت	Neo-confucianism
Quality	کوچ
کیهان آفرینی	Transhumance
Cosmogony	کوچک، خرد
کیهان زادی	Micro
Cosmogeny	

Cosmic	کیهانی	Cosmology	کیهان شناسی
		Cosmography	کیهان نگاری

گ

Anchoring group	گروه اتکایی	Step	گام - مرحله - نا - ناتنی
Disintegrated group	گروه از هم پاشیده	Chronogize	گاه شماری کردن
Horizontal group	گروه افقی	Transient	گذرا
Minority group	گروه اقلیت	★★★	
Majority group	گروه اکثریت	Prospectivism	گرایش به آینده نگری
Training group	گروه آموزشی	Incrementalism	گرایش به سود آنی
Direct contact group	گروه با تماس بیواسطه	Territoriality	گرایش به تعیین قلمرو
Intimate group	گروه با تماس نزدیک - گروه خودمانی	Central tendency	گرایش مرکزی
Agelecism	گروه برین پنداری	Criminal tendencies	گرایشهای جنائی
They-group	گروه دیگران	Collection	گردآوری - جمع آوری - مجموعه
Exogroup	گروه دیگران	Entrepreneurs	گردانندگان واحدهای تولیدی

گروه پایدار	گروه کار
Permanent group	Work-group
گروه تکوینی - گروه متکی بر زاد و ولد درونی	گروه کار کردی
Genetic group	Functional group
گروه تناوبی	گروه گذرا
Intermittent group	Ephemeral group
گروه حاشیه‌ای	گروه گذشته نگر
Marginal group	Regressive group
گروه خودی	گروه متشکله
Endogroup	Component group
گروه ما	گروه مرجع
We-group	Reference group
گروه داوطلبانه	گروه محلی
Voluntary group	Local group
گروه درمانی	گروه مرکزی
Group therapy	Group centrism
گروه رسمی	گروه مرکب
Formal group	Compound group
گروه شتاب	گروه مشتق
Group momentum	Derived group
گروه طبیعی	گروه نما
Natural group	Sociogram
گروه عمودی	گروه وتو
Vertical group	Veto group
گروه فشار	گروه همالان
Pressure group	Peer group
گروه قومی	گروه همساز
Ethnic group	Accomodated group

گسترش بخش سوم	گروه همسایگان
Tertiarization	Neighbourhood group
گسترش روابط صوری	گروه همخون
Formalism	Consanguine group
گسترش گروهی	گروه همسود- گروههای دارای منافع خاص
Group expansion	Vested interest
گشتار اجتماعی- تبدل اجتماعی	گروههای غیررسمی
Social transformation	Informal groups
گفتار نگار	گروههای کوچک
Logogram	Small groups
گونه اجتماعی	گروههای نخستین
Social type	Primary groups
گونه آرمانی	گریز
Ideal type	Evasion
گونه شناسی	گریز از واقعیت
Typology	Flight from reality
گونه شناسی سازنده	گریز گرایی
Constructive typology	Escapism
گونه شخصیت	گزاره
Personality type	Proposition
گونه فردی	گزینش طبیعی
Individual type	Natural selection
گونه فرهنگی	گزینش عقلانی
Culture type	Rational selection
گونه مطلق	گزینش همسر بطور تصادفی
Absolute type	Random mating
گونه گونی	گسترش
Variety	Expansion

گونه‌گونی جنسى	گويش جانبيان
Sexual variance	Criminal argot
گوناگونى فرهنگى	گويش شناسى - لهجه شناسى
Cultural variation	Dialectology

ل

لاابالى گرى	لهجه - گويش
Indifferentiaism	Dialect
لذت گرايى	لهجه‌اى - گويشى
Hedonism	Dialectal
لغتنامه	ليبراليسم
Vocabulary	Liberalism
لغزش - اشتباه	ليبراليسم اصلاحى
Error	Reform liberalism
لومبروز گرايان جديد	
Neolombrosians	

م

مادر خوانده	مادر سالارى
Foster mother	Matripotestal
مادرزادى - جبلى	مادر مكانى
Innate	Matrilocality
مادر سرورى	مادر مكانى
Mother right	Matrilocal residence

Mechanization	ماشینی کردن	Subordinate	مادون، زیردست
Preliterate	ماقبل کتابت	Subnormal	مادون عادی
Malthusianism	مالتوس گرایی	Social surplus	مازاد اجتماعی
Neo-malthusianism	مالتوس گرایی جدید	Congenital	مادرزائی
Common ownership	مالکیت مشترک	Matrilateral	مادرسوئی
Proprietorship	مالکیت	Matricide	مادرکشی
Ownership	مالکیت	Matricentrism	مادر محوری
Exclusive ownership	مالکیت انحصاری	Matrilocal	مادر مکان
Cooperative ownership	مالکیت تعاونی	Matter	ماده
Collective ownership	مالکیت جمعی	Materialism	ماده گرایی
Private ownership	مالکیت خصوصی	Naive-materialism	ماده گرایی ساده لوحانه
Individual ownership	مالکیت فردی	Historical materialism	ماده گرایی تاریخی
Common ownership	مالکیت عمومی	Marxology	مارکس شناسی
Partial ownership	مالکیت غیر کامل	Marxism	مارکس گرایی

مبادله فرهنگی	مالکیت غیر انحصاری
Cultural exchange	Shared ownership
مبارزه در راه حق	مالکیت غایبانه
Satyagraha	Absentee ownership
مبنای داوری	مالکیت کامل
Frame of reference	Complete ownership
متخصص آمار	ماکیاول
Statist	Machiavelli
متخصص روابط عمومی، کارشناس امور سیاسی	ماکیاول گرایی، مکتب ریا، تزویر گرایی
Publicist	Machiavellism
متخلف در امر جنسی	مالیات بندی تصاعدی
Sex offender	Progressive taxation
متعہ	مالیات
Mutah	Tax
متعہ دائم	مالیات بندی متناسب
Morganatic marriage	Proportional taxation
متعہ گونگی	مالیات بر دارائی
Concubinage	Property tax
متعالی، فراتجربی	مانعیت متقابل
Transcendental	Mutual exclusiveness
متعصب	مانا
Fanatic	Mana
متغیر الگوئی	ماوراء نظریه - فرانظریه
Pattern variable	Meta-theory
متغیر پیوسته	مبادلات بین الملل
Continuous variable	International exchanges
	مبادله کالا با کالا بدون حضور طرفین
	Dumb barter

مجتمع آموزشی	متغیر قابل کنترل
Consolidated school	Controllable variable
مجرد، انتزاعی	متغیر متداخل
Abstract	Intervening variable
مجرم برون‌زا	متغیر ناپیدا
Exogenic Criminal	Discrete variable
مجرم پناه	متغیر وابسته
Criminal fence	Dependent variable
مجرم حرفه‌ای	متمایز
Professional criminal	Differentiated
مجرم روان نژند	متوسط - معدل
Pathological criminal	Average
مجموعه فرهنگی	متن، زمینه
Culture complex	Context
مجموعه فرهنگی	متناسب
Trait complex	Optimal
محاط، مفهوم	متناسب ساختن
Comprehended	Proportionate
محافظه کاری	متناقض
Conservatism	Contradictory
محافظه کار، محافظه کارانه	مثله کردن
Conservative	Lynching
محافظه کاری افراطی	مجازات‌های اقتصادی، بادهای اقتصادی
Ultra-conservatism	Economic sanctions
محافظه کاری طبقه کارگر	مجازات‌های کیفری
Working class conservatism	Penal sanctions
محتوای اجتماعی	مجاورت، شباهت، خویشی نزدیک
Social content	Propinquity

Residential quarters	محدودسازی زاد و ولد
محلى کردن	Limitation of birth
Provincialize	محدودیت، تحدید
محو فردیت، فردیت زدائی	Restriction
Deindividuation	محدودیت‌های رشد
محیط، فهمیم	Limits of growth
Comprehending	محدودیت‌های تدارکى - جبرائى
محیط شناسى فردى	Restitutive sanctions
Autecology	محدودیت‌های سرکوب‌گرانه
محیط گرائى	Repressive sanctions
Environmentalism	محدودیت‌های طبقاتى
محیط پیرامون	Class restrictions
Nurture	محبت
محیط شناس	Affection
Ecologist	محرک
محیط شناسى، شناخت روابط انسان و محیط	Motive
Ecology	محرک شرطى
محیط شناسى تعاملی	Conditioned stimulus
Interactional ecology	محروم
محیط شناسى شهرى	Deprived
Urban ecology	محروم ساختنى
محیط شناسى انسانى	Deprivable
Human ecology	محرومیت
محیط شناسى گروهى - انسانى	Deprivation
Human synecology	محرومیت از مادر
محیط گرای	Maternal deprivation
Environmentalist	محل تولد
	Place of birth

مدرج جرم	محله فقیرنشین، کپرگاه
Crime gradient	Slum
مدرج محیط شناختی	محله محرومان
Ecological gradient	Ghetto
مدرسه جامع	مداخله در اقتصاد
Comprehensive school	Interventionism
مدل عضوی	مداخله گرایی، هواداری از مداخله
Organic model	دولت در اقتصاد
مدل گیری	Interventionism
Modeling	مدارای دینی
مدلهای اقتصادی	Religious tolerance
Economic models	مدارای نژادی
مدلهای جامعه شناختی	Racial tolerance
Sociological models	مدت، فضای زمانی
مدلهای رفتار	Duration
Behavior models	مدت زمان مشاهده
مدیر	Duration of observation
Manager	مدد رسانی داوطلبانه - مدد رسانی بخواستی
مدیر	Voluntary contribution
Administrator	مدد کاری اجتماعی
مدیران صنعتی	Social work
Industrial entrepreneurs	مدد کار اجتماعی
مدیر - مالک	Social worker
Owner-manager	مدد کاری خانواده
مذاکره جمعی	Family social worker
Collective bargaining	مدد معاش خانواده
مذهب پروتستان	Family allowance
Protestantism	

مرد بیوه بر اثر فوت همسر	مراتب
Widower	Estates
مردم بدوی	مراجعة به آراء عموم
Nature people	Referendum
مردم پسند	مراحل برنامه ریزی
Popular	Planning stages
مردم پسندی غیرمنتظره	مراسم
Unexpected popularity	Ceremony
مردم پسندی مدرک، محبوبیت مدرک	مراسم ازدواج
Perceived popularity	Nuptials
مردم پسندی مورد آرزو	مربوط به پرومتئوس
Aspired popularity	Promethean
مردم پسندی مورد انتظار	مربوط به جامعه - جامعه‌ای
Expected popularity	Societal
مردم پسندی واقعی، محبوبیت واقعی	مربوط به رنجبران
Real popularity	Proletarian
مردم روش	مربوط به کارفرمایا گرداننده واحد اقتصادی
Ethno-methodology	Entrepreneurial
مردم سالاری، حکومت مردم	مرحله
Democracy	Period
مردم سالاری اقتصادی	مرحله بندی کردن
Economic- democracy	Periodization
مردم سالاری در اتحادیه‌های کارگری	مرحله فلسفی
Trade union democracy	Metaphysical stage
مردم سالاری سیاسی	مرحله گذر - مرحله انتقالی
Political democracy	Transitional period
مردم سالاری صنعتی	مرحله مجرد - انتزاعی
Industrial democracy	Abstract stage

مرگ و میر مادران، مرگ و میر ناشی از زایمان	مردم شناسی علوم
Maternal mortality	Ethnoscience
مرگ و میر نوزادان	مردم فرهیخته
Neo natal mortality	Culture people
مرگ هراسی	مردم فریب
Thanatophobia	Demagogue
مزد اسمی	مردم فریب مآبی
Nominal wage	Demagogism
مزد بخور و نمیر	مرد مکان
Subsistence wage	Virilocal
مزد کافی	مردمی سازی، مردم سالار سازی
Living wage	Democratization
مزرعه اشتراکی	مرده کیشی، کیش مردگان
Collective farm	Cult of the dead
مزمن	مرض بلاهت
Chronic	Mongolism
مزیت	مرکانتیلیسم، مکتب سوداگری
Advantage	Mercantilism
مسائل جامعه شناختی	مرکز فرهنگی
Sociological problems	Culture center
مسئله اجتماعی	مرکز نگاری
Social problem	Centrography
مسئولیت جنائی	مرکز نما
Criminal responsibility	Centrogram
مستعمره	مرگ شناسی
Colony	Thanatology
مستعمره ساختن	مرگ طبیعی
Colonize (to)	Natural death

مشاركت سياسى	مستمرى بىكارى
Political participation	Unemployment compensation
مشاركت شرطى	مشاركت
Conditioned participation	Participation
مشاركت عمدى	مشاركت اجبارى
Intentional participation	Forced participation
مشاركت غير عمدى	مشاركت اجتماعى
Unintentional participation	Social participation
مشاركت كامل	مشاركت ارتجالى
Complete participation	Spontaneous participation
مشاركت متواتر	مشاركت بىگانه ساز
Alternative participation	Alienative participation
مشاركت مستمر	مشاركت برانگيخته
Continuous participation	Induced participation
مشاركت ناقص	مشاركت تام
Incomplete participation	Total participation
مشاركت نهادى شده	مشاركت جزئى
Institutionalized participation	Partial participation
مشاور	مشاركت جمعى
Counsellor	Mass participation
مشاوره زناشوى	مشاركت حسابگرانه
Marriage counselling	Calculative participation
مشاهده	مشاركت داوطلبانه
Observation	Voluntary participation
مشاهده استنباطى	مشاركت رسمى
Inferential observation	Formal participation
مشاهده پذير	مشاركت سازمان يافته
Passive observation	Organized participation

★★★	مشاهده جزء به جزء
	Detailed observation
مشاهده میدانی	مشاهده جمعی
Field observation	Mass observation
مشاهده نامرئی	مشاهده ساخت نیافته
Disguised observation	Unstructured observation
مشاهده همراه با مشارکت	مشاهده ساخت یافته - منتظم
Participant observation	Structured observation
مشتقات	مشاهده فعال
Derivations	Active observation
مشروطه خواهی، هواداری از حکومت قانون	مشاهده غیر مستقیم
Constitutionalism	Indirect observation
مشروعیت	مشاهده کانونی
Legitimacy	Focused observation
مصاحبه	مشاهده کننده
Interview	Observer
مصاحبه باز	مشاهده گسیسته
Open-end interview	Discontinuous observation
مصاحبه ساده	مشاهده متمرکز
Simple interview	Centered observation
مصاحبه ساخت یافته	مشاهده متناوب
Structured interview	Alternative observation
مصاحبه کانونی	مشاهده مستقیم
Focused interview	Direct observation
مصاحبه متمرکز	مشاهده مستمر
Centered interview	Continuous observation
مصاحبه متناوب	مشاهده منتظم
Alternative interview	Systematic observation

مطالعه موردی فرهنگی	مصاحبه منتظم
Culture case study	Systematic interview
مطالعه میدانی	مصاحبه منظم
Field study	Structured interview
مطلق	مصالحه
Absolute	Compromise
مطلوب	مصرف انبوه
Desideratum	Mass consumption
مطلوبیت حداکثر	مصرف تظاهر آمیز
Maximum utility	Conspicuous consumption
مطلوبیت روبه کاهش	مصرف سرمایه
Diminishing desirability	Capital consumption
مطلوبیت نهائی	مصون - ایمن
Marginal utility	Immune
معاد شناسی	مصون ساختن، ایمن ساختن
Eschatology	Immunize
معادله ساده	مصونیت، ایمنی
Simple equation	Immunity
معاشرتی	مطالعات جمعیت
Sociable	Population studies
معاشرتی بودن، روح همکاری	مطالعه بین مقطعی
داشتن، نحوه پیوند با گروه یا جمع	Cross-sectional study
Sociability	مطالعات طولی
معامله بی گفتگو	Longitudinal studies
Silent trade	مطالعه کار
معارض اخلاقی	Work studies
Conscientious	مطالعه مقدماتی
	Pilot study

مغالطه آمیز	معرف، نمایا
Fallacious	Representative
مفاهیم کلی	معرفت برین
General terms	Transcendental cognition
مفاهیم محیط شناختی	معرفت‌شناسی، شناخت‌شناسی
Ecological concepts	Epistemology
مفتش، بازجو	معنائی
Inquisitor	Semantical
مفرد نگران	معناداری
Singularists	Significance
مفروضات، صغری و کبری	معناشناسی قومی
Premise	Ethnosemantics
مفهوم	معنای آماری
Concept	Statistical significance
مفهوم اجتماعی جنس	معنای علی
Gender	Causal significance
مفهوم انداموارگی جامعه، مفهوم	معنویت
سازمانی جامعه	Ideate
Organic concept of society	معنویت گرائی کارآمد
مفهوم قدمت - وسعت	Active ideationalism
Age-area concept	معنی‌شناسی
مقاله‌نویس	Semantics
Essayist	معیار ارزشیابی
مقاومت منفی	Criterion of evaluation
Passive resistance	معیار دوگانه رفتار جنسی
مقایسه‌پذیر، مقایسه شدنی	Double standard of sexual behavior
Comparable	مغالطه، مغلطه
	Fallacy

مکانيسم دفاعي	مقدس
Defence mechanism	Sacred
مکانیکی	مقدمه صغري
Mechanical	Minor premise
مکتب ابزار گرائی	مقدمه کبری
Technological school	Major premise
مکتب اثباتی	مقررات
Positivism	Regulations
مکتب اشاعه	مقررات اجتماعي
Diffusionism	Social legislations
مکتب اصالت عمل	مقررات کار
Pragmatism	Labor legislations
مکتب اصالت مطلوبیت	مقررات نژادی
Utilitarianism	Racial regulations
مکتب اقتصادي جديد	مقیاس اسمي
Neo-classical school	Nominal scale
مکتب انسان دوستی	مقیاس ترتیبی
Philanthropism	Ordinal scale
مکتب انسانی - نژادی	مقیاس دستمزد
Anthropo-racial school	Wage scale
مکتب تعامل اجتماعي	مقیاس مدرج هم فاصله
Social interactionism	Interval scale
مکتب تفهیمی (در تاریخ)	مقیاس منظم
Comprehensive school (in history)	Ordered metric scale
مکتب جامعه شناسی، جامعه شناسی گرائی	مکاتب بدبین
Sociologism	Pessimistic schools
مکتب راستین، راست آئینی	مکانيسم جبران
Orthodox school	Compensatory mechanism

Heresiarch	ملحد بزرگ	مکتب زیستی، زیست‌شناسی گرائی	Biologism
Property	ملک	مکتب زیستی، عضوی	Bio-organic school
Nationality	ملیت	مکتب شیکاگو	Chicago school
Nationalization	ملی‌سازی، تابعیت	مکتب عدم مداخله دولت در اقتصاد	Non-interventionism
Nationalism	ملی‌گرائی	مکتب فرانکفورت	Frankfurt school
Chauvinism	ملی‌گرائی افراطی	مکتب فردگرا	Individualistic school
Ultra-nationalism	ملی‌گرائی افراطی	مکتب کلاسیک	Classical school
Integral nationalism	ملی‌گرائی دولت‌مدار	مکتب معنویت‌گرایان	Spiritualistic school
Liberal nationalism	ملی‌گرائی لیبرال	مکتب مکانیکی	Mechanicism
Deterrence	ممانعت	مکتب منشور خلق	Charterism
Social restraint	ممانعت اجتماعی	مکتب هستی‌شناسی	Ontologism
Possibilism	ممکن‌نگری، اصلاح‌خواهی	مکتب	Acquired
Ego	من	ملت	Nation
Solipsism	من‌آئینی	ملحد	Heretic

مناسک تزکیه	منابع اجتماعى
Purification rites	Social resources
مناسک تولد	منابع اختصاص یافته
Birth rites	Allocated resources
مناسک روابط عمومى	منابع طبیعى
Public relations rites	Natural resources
مناسک کفارہ آمیز	منازعات کارفرما- کارگر
Piacular rites	Labor dispute
مناسک گذر	مناسبات اجتماعى
Rites de passage	Social relationships
مناسک مثبت	مناسبات استهزاء آمیز
Positive rites	Joking relationships
مناسک مربوط به فرزند کشى	مناسبات پدرمآبانه
Infanticidal rites	Paternalistic relationships
مناسک ولادت	مناسبات جنسى بدون ازدواج
Birth rites	Non-wedlock relationships
مناطق اشغال شده	مناسبات على متقابل
Occupied regions	Causal interrelationships
منافع خاص	مناسبات فئودالى
Vested interest	Feudal relationships
منافع طبقاتى	مناسبات متقابل
Class interest	Interrelationships
منبعث از طرز تلقى یا وابسته بدان	مناسک
Attitudinal	Rites
منحط	مناسک پاگشائى
Decadent	Initiation rites
منحنى فراوانى	مناسک بلوغ
Frequency curve	Puberty rites

منطقه گرائى	منش
Regionalism	Character
منطقه مسكونى	منش اجتماعى
Habitation area	Social character
منظومه خویشاوندی	منش شناسی
Kinship constellation	Characterology
منظومه شناختی	منش قدرت اندیش
Cognitive constellation	Authoritarian character
منظومه طرز تلقی ها	منش ملی
Attitude constellation	National character
منع	منشور
Prohibition	Charter
منع اجتماعى	منصب جو
Social inhibition	Social climber
منع شده	منطبق
Prohibited	Adapted
منع کردن	منطق
Prohibit (to)	Logic
منع نشده	منطق دیالکتیک
Uninhibited	Dialectics
منفی باف	منطق صوری
Negationist	Formal logic
منفی بافی	منطقه انتقالی
Negativism	Zone of transition
مواد خام، مواد اولیه	منطقه بندی
Raw material	Zoning
موافقت پایاپای	منطقه گذر
Barter agreement	Transition zone

Immigration	مهاجرت به داخل	National barriers	موانع ملی
Differential migration	مهاجرت تفاوتی	Being	موجود، هستی
Net-migration	مهاجرت خالص	Social being	موجود اجتماعی
Net-positive migration	مهاجرت خالص مثبت	Human being	موجود انسانی
Net negative migration	مهاجرت خالص منفی	Non-social being	موجود غیر اجتماعی
Inter migration	مهاجرت متقابل	Justified	موجه
Negative migration	مهاجرت منفی	Free-enterprise	مؤسسه اقتصادی آزاد
Rural migrants	مهاجرین روستائی	Service agencies	مؤسسات خدماتی
De-skilling	مهارت زدائی	Explanadum	موضوع تبیین
Mahriyeh	مهریه	Generative	مولد
Social engineering	مهندسی اجتماعی	Social molecule	مولکول اجتماعی
Industrial engineering	مهندسی صنعتی	Migration	مهاجرت
Mediation	میانجی گری	Forced migration	مهاجرت اجباری
Middle years	میانسالى، سالهای میانه حیات	Emigration	مهاجرت به خارج

میزان باروری	میانگیری
Birth rate	Interpolation
میزان باروری استاندارد شده	میانگین
Standardized fertility rate	Mean
میزان باروری بر حسب سن	میانگین حسابی
Age specific fertility rate (A.S.F.R.)	Arithmetic mean
میزان باروری زنان مزدوج در سن باروری	میانگین هماهنگ
Marital fertility rate	Harmonic mean
میزان بازده	میانگین هندسی
Yield rate	Geometric mean
میزان تبهکاری	میانه
Criminality	Median
میزان تجدید نسل	ميثاق اجتماعى
Rates of reproduction	Social convention
میزان تراکم ناخالص	ميثاق گرائى
Crude density rate	Conventionalism
میزان توان اجتماعى	میراث
Social potentiality	Hereditament
میزان جرم	میراث ملی
Crime rate	National heritage
میزان خالص تجدید نسل	میراث مادى
Net reproduction rate	Patrimony
میزان دستمزد	میزان
Wage rate	Rate
میزان رشد طبیعى جمعیت	میزان افزایش حقیقى جمعیت
Population, natural growth (rate of)	True rate of natural increase
میزان طلاق بر حسب جنس	میزان افزایش خودجوش جمعیت
Sex specific divorce rate	Intrinsic rate of natural increase

میزان موالید	میزان غیبت
Birth rate	Absenteeism (rate of)
میزان ناخالص افزایش طبیعى	میزان مرگ و میر
Crude rate of natural increase	Death rate
	Mortality rate

ن

ناپایا انگاری	ناآگاهی
Temporalism	Unconsciousness
ناپیوستگی - گسست	ناآگاهی، بی حسی، بی تفاوتی
Discontinuity	Insensibility
ناتوانی درمانی	ناموخته
Sex therapy	Uninstructed
ناراست دین	ناباوری
Heterodox	Infertility
ناراست دینی	نابرابری اجتماعى
Heterodoxy	Social inequality
نارسا	نابهنجار (متضاد بهنجار normal)
Inadequate	Abnormal
نارسته	نابهنجاری
Unemancipated	Abnormality
نازا	نابهنگام
Infecund	Anachronic
نازایی	نابهنگامی
Infecundity	Anachronism
نازی زدایی	ناپایا- بی ثبات
Denazification	Instable

نام‌گرایی روش شناختی	نازیسم
Methodological nominalism	Nazism
نامنظم	ناسازگاری
Irregular	Unadjustment
نامهربانی منبعث از نژاد	ناسازگاری فرهنگی
Race antipathy	Cultural adjustment
نان خوران زراعی، موجب بگیران زراعی	ناشادمانی اجتماعی
Farm population	Social dysphoria
ناویراسته	نافرهیخته
Unedited	Uneducated
ناهماهنگ	تاکجا آباد
Inharmonic	Utopia
ناهماهنگی شناختی	تاکجا آباد گرایی
Cognitive dissonance	Utopianism
ناهماهنگی کارکردی	ناماده گرایی
Functional disharmony	Immaterialism
ناهماهنگی ملی	نامتقارن
National disharmony	Non-symmetrical
ناهمسازی	نامزد کردن، نامزد شدن
Unaccommodation	Affiance
ناهمسان همسری - ناهمسان همسرگزینی	نامزدی
Heterogamy	Betrothal
ناهمگن	نام مستعار
Heterogeneous	Pseudonym
ناهمگنی ملی	نام گرایی
National heterogeneity	Nominalism
	نام گرایی اجتماعی
	Social nominalism

نسبت انسان - زمین	ناهمگنى
Man-land ratio	Inhomogeneity
نسبت جنسى	ناهمگنى
Sex ratio	Heterogeneity
نسبت خالص مرگ و مير	ناهميار
Refined death rate	Non-cooperative
نسبت خالص مواليد	نحوه عمل
Refined birth rate	Modus operandi
نسبت کارآيى	نخبگان خود ساخته
Efficiency rate	Self-made elites
نسبت وابستگى	نخست آرمان
Dependency ratio	Primary ideal
نسبت همبستگى	نخستى
Correllation ratio	Primate
نسبى انديشى	نخستى شناس
Relativism	Primatologist
نسبى انديشى در اخلاق	نخستى شناسى
Moral relativism ethics	Primatology
نسبيت	نژاد
Relativity	Race
نسبيت اخلاقى	نژادپرستى
Ethical relativity	Racism
نسبيت زبانى	نسبت
Linguistic relativism	Proportion
نسل	نسبت
Cohort	Ratio
نسل بوجود آوردن	
Generation	★★★

نظامى گرایى	نسیان
Militarism	Oblivion
نظرخواهان، رأى جویان	نشر اجتماعى
Pollsters	Social propagation
نظرخواهى	نظام اشتراكى، جمع گرایى
Poll	Collectivism
نظرخواهى هاى سياسى	نظام باز
Political polls	Open system
نظرهاى اقتصادى	نظام برونى
Economic doctrines	External system
نظرى، مربوط به نظريه	نظام بسته
Theoretical	Closed system
نظريه	نظام تربيتى، نظام آموزش و پرورش
Theory	Educational system
نظريه آمارى	نظام سندىكايى
Statistical theory	Syndicalism
نظريه اجابت	نظام شخصيت
Compliance theory	Personality system
نظريه اجتماعى	نظام شناختى
Social theory	Cognitive system
نظريه ادغام	نظام كارخانه اى
Integralism	Factory system
نظريه اراده آزاد	نظام كاستى هند
Free will theory	Indian caste system
نظريه اطلاعات و اخبار	نظام مبتنى بر طبقه بندى
Information theory	Classificatory system
نظريه اندامدارگى	نظام نهادى
Organismic theory	Institutional system

نظريه قياس منطقي	نظريه با برد متوسط
Logical-deductive theory	Middle range theory
نظريه کار - ارزش	نظريه بازیها
Labor theory of value	Game theory
نظريه کار کردی قشریندی	نظريه بر چسب
Functional theory of stratification	Labeling theory
نظريه کاهش سائق	نظريه پرداز
Drive-reduction theory	Theorist
نظريه کشمکش	نظريه تطور، نظريه تکامل
Conflict theory	Theory of evolution
نظريه گذر جمعیتی	نظريه توصیفی
Demographic transition theory	Descriptive theory
نظريه سازی	نظريه جامعه شناختی
Theorization	Sociological Theory
نظريه مالتوس	نظريه حاصل از میدان، نظريه میدانی
Malthusian theory	Grounded theory
★★★	نظريه دار - دارای بار نظری
نظريه مطلوبیت - ارزش	Theory laden
Utility theory of value	نظريه راهبردی
نظريه معرفت	Strategic theory
Theory of knowledge	★★★
نظريه مکانیکی	نظريه ریاضی
Mechanistic theory	Mathematical theory
نظريه منطقه‌ای	نظريه عام
Zone theory	General theory
نظر منحنی جی	نظريه قطاعی
J- curve theory	Sector theory

نقى سببى	نظريه نسبیت
Negative	Theory of relativity
نقى کردن	نظريه نظام باز
Negate	Open system theory
نقش اجتماعى فعال	نظريه نظامها
Active social role	System theory
نقش اجتماعى محقق	نظريه‌های با برد متوسط
Achieved social role	Middle range theories
نقشه بردارى	نظريه‌های ساده‌اندیشانه
Topography	Simplistic theories
نقش بیمار	نظريه همگرایی
Sick role	Congruence theory
نقش‌های اجتماعى	نظريه همگرایی
Social roles	Convergence theory
نقش‌های اجتماعى ارتجالى	نظم اجتماعى
Spontaneous social roles	Social Order
نقش‌های اجتماعى پذيرفته	نظم تمايلى
Accepted social roles	Tendentious regularity
نقش‌های اجتماعى تحميلى	نظم دادن، به قاعده ساختن
Imposed social roles	Regulate (to)
نقش‌های اجتماعى تخيلى	نعمت محدود
Imaginary social roles	Limited good
نقش‌های اجتماعى محقق	نفع شخصى
Achieved social roles	Self interest
نقش‌های اجتماعى محول	نقى
Assigned social roles	Negation
نقش‌های اجتماعى منتسب	نقى بلد
Ascriptive social roles	Deportation

نماینده بودن - بازنمایی - نمایش دادن	نقشهای اجتماعى مورد آرزو
Represent (to)	Aspired social roles
نمودار لکسیس	نقشهای اجتماعى نهادى
Lexis diagram	Symbolic social roles
نمونه احتمالى	نقشهای جنسى
Probability sample	Sex roles
نمونه اصلى	نقشهای زوجین
Prototype	Marital roles
نمونه تصادفى	نقص - کاستى - نارسایى
Random sampling	Deficiency
نمونه جزیى	نقص ذهنى
Sub-sample	Mental defectiveness
نمونه سويافته	نگاره
Biased sample	Chart
نمونه گیرى	نگاهداشت
Sampling	Conservation
نمونه گیرى بازسنج	نما
Replicated sampling	Mode
نمونه گیرى برپایه تشابه متغیرات اصلى	نمادگرایی
Purposive sampling	Symbolism
نمونه گیرى تصادفى مطبق	نمادگرایی ریاضى
Stratified random sampling	Mathematical symbolism
نمونه گیرى چنددرجه‌ای	نماندنى - ناپایا
Multi-phase sampling	Non-viable
نمونه گیرى خطى	نمایایی، رسایی، نمایندگی
Line sampling	Repersentativeness
نمونه گیرى سهمیه‌ای	نمایندگی
Quota sampling	Representation

نوتوان ساختن	نمونه گیری غیر نسبی
Rehabilitate (to)	Disproportional sampling
نوتوانی - اعاده حیثیت	نمونه گیری کنترل شده
Rehabilitation	Controlled sampling
نوتوانی حرفه‌ای	نمونه گیری متداخل
Vocational rehabilitation	Interpenetrating sampling
★★★	نمونه گیری مجتمعی - نمونه گیری
نوجوانی	بر پایه محبت‌های مسکونی
Adolescence	Block sampling
نوسازی اجتماعی	نمونه گیری مختلط
Social modernization	Mixed sampling
نوسازی شهری	نمونه گیری مضاعف
Urban renewal	Double sampling
نوسانات قیمت	نمونه گیری مطبق
Price fluctuations	Stratified sampling
نوسان طرز تلقی‌ها	★★★
Attitude fluctuations	نمونه گیری نسبی
نوسان منظم	Proportional sampling
Regular fluctuation	نمونه گیری نظری
نوسانهای اقتصادی	Judgemental sampling
Economic fluctuations	نمونه گیری محدود ناحیه‌ای
نوسانهای توجه	Area sampling
Fluctuations of attention	نوائینی
نوسانهای دوره‌ای	Neodoxy
Periodic fluctuations	نویزاری
نوسانهای دوری	Misoneism
Cyclical fluctuations	

نوسانهای فرهنگی	Operative institutions	نهادهای عملکردی
Cultural fluctuations		
نوع آرمانی	Institutionalization	نهادی شدن، نهادی گردانیدن
Ideal type		
نوع ساخته	Occult	نهان
Constructed type		
نوع شخصیت	Secret society	نهان انجمن
Personality type		
نومسلک	Covert culture	نهان فرهنگ، فرهنگ پوشیده
Convert		
نومکان	Esoteric	نهان گروه
Neo local		
نومکانی	Occultism	نهایى گرایى
Neolocality		
نواژه سازی	Progressive movement	نهیضت پیشرو
Neology		
نواژه گرایی	Movement	نهیضت - جنبش، حرکت
Neologism		
نوه	Social movement	نهیضت اجتماعى - حرکت اجتماع
Grand child		
نهاد تام	Womens right movement	نهیضت حقوق زنان
Total institution		
نهاد ستیز	Consumers' rights movement	نهیضت حقوق مصرف کنندگان
Anti-institutional		
نهاد گرایی	Non-alignment movement	نهیضت عدم تعهد
Institutionalism		
نهادهای بهبودبخش	Reform movement	نهیضتهای اصلاح طلبانه
Remedial institutions		

نیروی روانی	نهیضتهای دفاع از حقوق زنان
Psychic force	Feminist movements
نیروی کار	نهیضتهای مقاومت
Labor force	Resistance movements
نیروی کار	نیاپرستی
Work force	Ancestor worship
نیروی کار ذخیره	★ ★ ★
Labor reserve	
نیروی ناآموخته	نیازهای ثانوی
Appetitive force	Secondary needs
نیمگان	نیا کیشی
Moiety	Ancestor cult
نیموقت، پاره وقت	نیروهای جامعه
Part-time	Societal forces
نیمه، کمک، شبه	نیروهای مرکزگرا
Semi	Centripetal forces
نیم ایستا	نیروهای مرکزگرا
Semi-static	Centrifugal forces
نیمه مذهبی	نیروهای اشغالگر
Semi religious	Occupant force

9

وابستگی عاطفی	وابستگی
Emotional dependency	Dependency
وابستگی فرهنگی	وابستگی اقتصادی
Cultural dependency	Economic dependency

واژه‌نگار	وابستگی متقابل
Lexicographer	Inter dependency
واسطه زناشویی	وابستگی مالی
Marriage broker	Financial dependency
واقع ستیزی	واپس زنی
Anti-realism	Retrojection
واقع گرایی	واپس گرایی
Realism	Retrogradation
واقع گرایی ساده لوحانه	واجد شرایط
Naïve-realism	Qualified
واقع گرایی قانونی	واحد آزاد تولید
Legal realism	Free-enterprise
واقعی	واحد رفتار
Real	Behavior unit
واقعیت مطلق	واحدهای بزرگ زراعی
Absolute reality	Farm (large scale)
واکنش	واحدهای کشت و صنعت
Reaction	Factory farm
واکنش متأخر	وارسی
Delayed reaction	Verification
واگشت اجتماعی - پس روی اجتماعی	★ ★ ★
Social retrogression	
واگیری اجتماعی	
Social contagion	
والاسازی	واژگان
Sublimation	Lexicon
والد	واژه شناسی
Genitor	Philology

وحدت گرایی	والده
Monism	Genitrix
وحدت گرایی	والدين برنامه‌ای
Unitarianism	Planned parenthood
وحدت گرایی	والدینی - مربوط به پدر و مادر
Unitarian	Parenthood
وحدت گروهی	
Group unity	
ویژگی غالب	★ ★ ★
Dominant Trait	
ویژگی فرهنگی	
Cultural, Trait	
ویژگی مجرد	وجدان
Abstract trait	Conscience
ویژگی - کالای ویژه	وجدان جمعی
Speciality	Collective conscience
ویژگیهای روانی - اجتماعی مرد	وجوه خاص با ویژگی بخصوص یک
Masculinity	گروه - یک رده
ویژگیهای جوامع فوق صنعتی	Differentia specifica
Postindustrialism	وجه افتراق - ممیز
ویژگیهای ذاتی، انفکاک ناپذیر	Differentia
Inherent characteristics	وجه خواهی اجتماعی
ویژگیهای شخصیت	Social acquisitiveness
Personality traits	وجه ملی
ویژگیهای فرهنگی	National popularity
Cultural characteristics	وحدت جمعی
ویژگیهای قومی - اهداف	Collective unity
ویژگیهای قومی ارزشهای قومی	
Ethos	

★★★	ویژگیهای قومی
	Ethnic traits
وسیله مبادله	ویژگیهای مكتسب، ویژگیهای اکتسابی
Medium of exchange	Acquired characteristics
وصلت نامتناسب	ویژه - استثنایی و جزئی، منفرد
Mésalliance	Singular
وطن دوستی	★★★
Patriotism	
وضع - رساله	وحدت مطلق
Thesis	Absolute unity
وضع - شبکه عوامل	وحدت ملی
Situation	National unity
وضع اندیشه، مجموعه امور بدیهی - بدیهیات	وراثت اجتماعی
Axiomatic (al)	Social heredity
وضع پایگاهی	وراثت زیستی
Status situation	Biological heredity
وضع تأهل	وراثت گرا
Marital status	Hereditarian
وضع جامع	ورقه آماری
Synthesis	Schedule form
وضع مبتنی بر کشمکش - شرایط کشمکش	وسایل ارتباط جمعی - رسانه های گروهی
Conflict situation	Mass-Media
وضع محیط شناختی	وسایل تولید
Ecological position	Means of production
وضع مقابل	وسایل حمل و نقل شهری
Anti-thesis	Urban transportation
وضع مكتسب	★★★
Acquired position	

وقایع نامه	وفاق - اجماع - همرايى
Chronical	Consensus
ویرایش داده‌ها	وفور - وفور نعمت
Data editing	Affluence

هـ

هراس اخلاقى	هدایت از راه دور
Moral panic	Telekinesis
هراس از فضای بسته، تنگناهراسی - تنهایی هراس	هدف جوئی
Claustrophobia	Telesis
هرج و مرج جنسى - بهم ریختگی و بی‌قاعدگی جنسى در جامعه اولیه	هدف جوئی اجتماعى
Promiscuity	Social telesis
هرج و مرج جنسى	هدف جوئی جمعى
Sexual promiscuity	Collective telesis
هرسویه	هدف جوئی فردى
Ambilateral	Individual telsis
هرم جمعیت	هدف شناسی اجتماعى
Population pyramic	Social, Telics
هرم سنى	هدف شناس فردى، فرد هدف شناس
Age pyramid	Individual telics
هزینه‌های ادارى	هدف شناسی فردى
Administrative expenses	Individual Telics
هسته‌های متمایز	هراس
Separate nuclei	Phobia
	هراس اجتماعى
	Social Panic

همبستگی عضوی	هستی شناسی
Organic solidarity	Ontology
همبستگی ماشینی یا مکانیکی	هم اندیشی
Mechanical solidarity	Syncretism
همپایگان	همانند گردی اجتماعی - همسان
Status aggregate	گردی اجتماعی
همتا	Social assimilation
Identical	هماهنگ
همجنس بازی	Harmonic
Homosexuality	هماهنگ بینی
همچشمی	Harmonism
Emulation	هماهنگی
هم خاندان	Harmony
Homogenetic	هماهنگی درونی
همخوانی	Internal harmony
Consistency	هماهنگی شناختی
همخوانی	Cognitive consonance
Consanguinity	هماهنگی کارکردی
همخوانی قراردادی	Functional harmony
Contractual consanguinity	هماهنگی ملی
همدلی - یکدلی	National harmony
Empathy	همبالینی
هم رنگی	Cohabitation
Mimetic response	همبستگی جزئی
هم زاد گرایی، جاندارپنداری - اسناد	Partial correlation
حیات به موجودات بی جان	همبستگی چند گانه
Animism	Multiple correlation

همسر همسانی جسمانی - همسر	هم زمان - هم بود
همسان گزینی از نظر جسمانی	Simultaneous
Somatic homogamy	هم زمان - هم گاه
همسفرگی - همزیستی تعاونی	Synchronic
Commensalism	همزمانی - معیت
هم سود	Simultaneity
Common wealth	همزیستی اجتماعی - تعاونی
هم شکلی	Social symbiosis
Homomorphy	همزیستی تعاونی
هم صدایی	Symbiosis
Homophony	همزیستی تعاونی در یک محیط
همکاری	Ecological symbiosis
Cooperation	همزیستی تعاونی صنعتی
همکاری اجباری	Industrial symbiosis
Coerced cooperation	هم - همسان
همکاری برانگیخته	Homo
Induced cooperation	همسازی
همکاری داوطلبانه - همکاری بخواستی	Accommodation
Voluntary cooperation	همسازی خلاق
همکاری دو جانبه	Creative accommodation
Bilateral cooperation	همسازی ملی
همکاری خصمانه	National accommodation
Antagonistic cooperation	همسر ربایی
همکاری طبیعی	Wife-capture
Natural cooperation	همسر گزینی ترجیحی
همکاری عمدی	Preferential mating
Intentional cooperation	همسر همسانی - همسر همسان گزینی
	Homogamy

هم مرکز	همکاری مبتنی بر همپشمی -
Concentric	همکاری رقابت آمیز
هم مرکز	Competitive cooperation
Homo-centric	همکاری محیط شناختی
همنوائی	Ecological cooperation
Conformism	همکاری ناخواسته
همنوع خواری درون گروهی	Forced cooperation
Endocannibalism	همکاری نهادی شده
همنشئت	Institutionalized cooperation
Creative synthesis	همکیش همسری
هم نیروزا	Religious homogamy
Synergistic	همگان - همگانی
هم نیروزائی	Public
Synergy	همگانی
هم نیروزائی اجتماعى	Common
Social synergy	هم گاهی
همه جانبه - کلی	Synchronism
Global	همگرای
همه جائی	Convergent
Ubiquity	همگرایی
همه جائی	Convergence
Omnipresence	همگرایی فرهنگی
همه خدائی - آئینه وحدت وجود	Cultural convergence
Pantheism	همگن ساختن
همه دانى - دانش مطلق	Homogenize
All-knowledge	همگنی اجتماعى
همه سالاری	Social homogeneity
Pantisocracy	

Regimentation	هنگوارگی	Synchronization	هم گاه بودن - تقارن زمانی
Free trader	هواخواه تجارت آزاد	Epidemic	همه گیر
Radicalism	هواخواهی دگرگونی‌های بنیادی - بنیان‌نگری	Epidemiology	شناخت امراض همه گیر - همه گیرشناسی
Horde	هورد	Social epidemic	همه گیری اجتماعی
Identity	هویت	Habitual criminal	همیشه مجرم
Configuration	هیأت	Norm	هنجار
Configurationism	هیأت‌نگری	Normative	هنجارساز
Emotion	هیجان	Institutionalized norms	هنجارهای نهادی شده - جاافتاده
Nihilism	هیچ انگاری	Fine arts	هنرهای مستظرفه
Nullity	هیچی - بطلان		

ی

Theism	یزدان پرستی	Cooperating companion	یار چالاک - یار مددکار
Anti-theism	یزدان ستیزی	Deism	یزدان پذیری

Uni directional	یک جهتی	Theocentrism	یزدان محوری
Monogyny	یک زنی	Deiform	یزدان وار - یزدان وش
Monandry	یک شویی	Unidimensional	یک بعدی
Monandrous	یک شوی	Integration	یکپارچگی - انتگرال گیری - ادغام
Single factorial	یک عاملی	Normative integration	یکپارچگی دستوری
Unification	بیگانه سازی	Personality integration	یکپارچگی شخصیت
Unilocal	یک مکانی	Perfect integration	یکپارچگی کامل
Merging	یک نام خوانی	National Integration	یکپارچگی ملی
Yoke	یوغ - سلطه	Unilineal	یک تباری
Autocrat	یکه سالار	Monotheism	یکتاپرستی
Autocracy	یکه سالاری	Marginal uniqueness	یکتایی نهایی
Anti-semitism	یهود ستیزی		

یادداشت

- علامت ر. ک: خلاصه «رجوع کنید به» است.
- برخی علائم مربوط به مأخذ گذاری لاتین بدینقرارند:
 - ۱ - چنانچه بعد از نام مؤلف دو نقطه (:) گذارده شده باشد، عدد بعدی صفحه اثریست که از آن استفاده شده است.
 - ۲ - در صورتیکه بعد از نام مؤلف ویرگول آمده باشد، عدد بعدی سال انتشار کتاب مورد استفاده است.
 - ۳ - چنانچه بیش از یک اثر از نویسنده مورد استفاده قرار گرفته باشد، جهت ارائه امکان به محقق که درصدد بدست آوردن شناسنامه های اثر در پایان کتاب است، مأخذ گذاری بدینصورت، به انجام رسیده است:
نام نویسنده، سال انتشار اثر، صفحه.
 - ۴ - در مواردی دو نقطه (:) و در موارد دیگر P علامت صفحه مورد استفاده اند.
- در مورد مأخذ فارسی، مشکل تایپ حروف لاتین کمتر بود، لذا مأخذ گذاری بدینصورت صورت گرفت:
نام مؤلف، نام اثر، صفحه
- قسمتی از کتاب زیر + توسط نویسنده ترجمه شد و در زمینه های مرتبط با دورکیم، لوی، موس، لوی برول، جامعه شناسی تجربی عیناً مورد استفاده قرار گرفت.

J. Cazeneuve Le Guide de l'Etudiant en Sociologie, Paris, 1971.

از دیدی دیگر می‌توان گفت، در تمامی این احوال همین درون مایه سوزان است که مولد اثر یا هر کار بزرگ نیز هست.

★ ★ ★

هر چند که در نهایت کار یا اثر با نام صاحبش ثبت می‌شود اما:

«بیستون را عشق کند و شهرتش فرهاد برد.»

بی‌هیچ شبهه، در هر گام مدیون همه آنانی هستیم که عاشقانه کوشیدند و بر میراث دانش بر افزودند، تمامی آنان از آتشی بهره گرفتند که نقطه مشترکشان این بیت است:

طفیل هستی عشقند آدمی و پری

ارادتی بنمات سعادتی بیری

به درست می‌توان تمامی آنان را فرزندان از خانه عشق خواند؛ و به همین دلیل بود که شب و روز شناختند، در ساعات سخت کار، آرامش یافتند و در عین آفرینش، بالاترین لذات هستی را تجربه کردند.

با درود به تمامی آنان و با تعظیم در برابر آتش درون آنان که از جسم خاکی توانی و الا فراهم آوردند تا دل را روشن سازد، روح را معراج دهد، و انسان را والا سازد.

از آن به دیر مغانم عزیز می‌دارند

که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست

باقر - ساروخانی

تهران، خرداد، ۱۳۷۴

امکان گزینشی آزاد در بین شیوه‌ها و راه‌های گوناگون. بدین سان، می‌توان پذیرفت ارتقاء دانش، در خود، ارتقاء آزادی را داراست و با هر دو دستاورد، انسان‌هایی پدید می‌آیند به بیان فرانسیس بیکن که بر شانه انسان‌های پیشین جای دارند. یعنی از تجربه‌ها، دانسته‌ها و اندوخته‌های آنان بهره می‌گیرند و چشم‌اندازی گسترده‌تر در پیش رو دارند. به تعبیر اگوست کنت، جامعه از مردگان و زنده‌ها با هم تشکیل می‌شود، آنان که در کار دانش کوشیدند، پیامی برای تاریخ نهادند و خود با آن جاودان شدند.

بی‌هیچ مضایقه، علاقه داریم، بهترین سپاس‌ها را تقدیم این همه بزرگی‌ها و انسان‌های شایسته تاریخ نماییم؛ اما خود می‌دانیم که آنانرا نیازی چندان بدان نیست. آنچه محرک تمایمی آنان بوده و هست در واژه «عشق» خلاصه می‌شود. آنان از شور درون بهره داشتند. از این رو مقدمه نخست را با این شعر حافظ آغاز کردیم:

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما
حال نیز بر این عقیده‌ایم که جز با عشق اثری برجسته، فراهم نمی‌آید، اگر حکیم طوسی، می‌خواست شاهنامه را برای چند دینار محمود غزنوی به نگارش درآورد، جز چند بیت بی‌محتوا فراهم نمی‌آمد و چون چنین نبود، اثری بزرگ برای همه تاریخ فراهم آمد. گواه شاهد عادل نیز خود او بود که می‌سرود:

بناهای آباد گردد خراب

ز باران و از تابش آفتاب

پی افکندم از نظم کاخی بلند

که از باد و باران نیابد گزند

نمیرم ازین پس که من زنده‌ام

که تخم سخن را پراکنده‌ام

درون مایه عظیم حکیم طوس ضامن توفیق هر اثر بزرگ است. به درست و

فرهنگ علوم سیاسی از علی آقا بخشی ۱۳۶۳

اصطلاح‌نامه توسعه فرهنگی از ژان ویت ترجمه ناصر پاکدامن ۱۳۵۸

فرهنگ اندیشه نو، ویر استار ع. پاشائی ۱۳۶۹

۲- اما در باب دومین نکته، یعنی نیاز به چنین مراجعی باید گفت؛ تا زمانی که واژگان دانش‌ها شناخته نشوند، دانش شناختنی نیست. و اگر بخواهیم گام به گام با حرکت سریع دانش به پیش رویم ناچار باید با حرکت دانش‌نامه‌ها و فرهنگ‌ها هماهنگ شویم. علاوه بر این، باید توجه داشت که در شرایط فعلی نیاز به تعیین سریع بهترین معادله‌ها، همگن و هماهنگ‌سازی آنان داریم. باید بتوانیم قبل از آنکه واژه‌ای خارجی در اذهان جای یابد، برگردان درست آن را ارائه دهیم. این برگردان از سوی اصحاب فن و در پرتو مرجعی همچون فرهنگستان ارائه شود تا پذیرش یابد و آشفته بازار لغات را پایان بخشد. به یاد دارم دانشجویی بعد از کلاس درس ارتباطات که در آن سیمینتیک مطرح شده بود، آمد و گفت آقا سیمینتیکس چیست؟ گفتم همان سیمینتیک زبان فرانسه است با تلفظ انگلیسی، او تعجب کرد و من هم در این اندیشه بودم اگر روزی چینی باب شود، تعدادی همین مفهوم را به آن زبان خواهند گفت. باز به یاد دارم روزی را که در کلاس سخن از سنجش اندیشه و اندازه‌گیری گرایش‌ها بود، گفتم منظور وجهه نظر یا طرز تلقی است که برخی آن را ایستار، حالت و... نیز ترجمه کرده‌اند. دانشجویان متحیر به من نگاه می‌کردند، عاقبت گفتم منظور آتی تود است همه نفس راحت کشیدند. یعنی فهمیدند موضوع چیست. آیا نباید نقطه پایانی بر این هرج و مرج نهاد؟

در این فرهنگ، هم تعیین معادله‌ها مطمح نظر است، هم تعریف و تشریح مفاهیم کلیدی دانش اجتماعی.

این فرهنگ، همانند همه آثار، حاصل تلاش هزاران انسان در طول تاریخ را در خود دارد. انسان‌هایی که، بی‌هیچ تمنا در سکوت آزمایشگاه‌ها و کتابخانه‌ها، کوشیدند تا بنای دانش را استوار سازند و با آن راه‌های تازه آزادی را برای نسل‌های دیگر به ارمغان آورند. آزادی از جهل، تاریکی و در نهایت

بدین تجربیات چنین اشارت دارد:

«جوامع العلوم» تالیف شعیابن فریغون؛ «حدود العالم»؛ «رسائل اخوان الصفا» یا دایرة المعارف اخوان الصفا تالیف حدود سال ۳۵۰ هجری شامل ۵۲ رساله در زمینه انواع علوم رایج در قرن چهارم؛ «مفاتیح العلوم» تالیف ابوعبدالله احمد بن یوسف کاتب خوارزمی؛ «الشفاء» تالیف ابن سینا؛ رساله «ارشاد القاصد الی اسنی المقاصد» تالیف شمس الدین محمد ابراهیم بن ساعد السخاری الا کفانی تالیف حدود ۷۴۹ هجری قمری؛ «مقدمه ابن خلدون» تالیف بین سال های ۷۷۶ تا ۸۰۸ هجری قمری که در آن علاوه بر پایه ریزی فلسفه تاریخ به بسیاری از علوم معمول زمان از قبیل «علوم قرآن، فقه، کلام، تصوف، ریاضیات، منطق، طبیعیات، طب، الهیات، سحر و طلسمات و...» نیز اشاره شده است؛ و بالاخره «مفتاح السعادة و مصباح السیادة» تالیف طاش کبری زاده (قبل از ۹۶۸ هجری قمری) که شاید بتوان آن را کامل ترین فرهنگ علمی از این نوع در تمدن اسلامی نام برد. در این کتاب انواع علوم به هفت بخش به این ترتیب تقسیم شده است: «بیان، فصاحت، منطق، فلسفه نظری، فلسفه علمی، علم ایجابی نظری، و علم ایجابی عملی»

در حال حاضر نیز کوششهای بسیاری در زمینه تهیه فرهنگ در حوزه علوم انسانی صورت گرفته است که برخی از آنان چنین اند:

فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی، تالیف توماس سووه، ترجمه م آزاده در سال ۱۳۵۴

فرهنگ سیاسی، تالیف داریوش آشوری، ۱۳۴۵

فرهنگ مردم شناسی تالیف میشل پانوف و میشل پرن، ترجمه اصغر عسگری خانقاه ۱۳۶۸

فرهنگ علوم اجتماعی، تالیف آلن بیرو، ترجمه باقر ساروخانی، ۱۳۶۶

فرهنگ جامعه شناسی از آبر کرامبی و... ترجمه حسن پویان ۱۳۶۷

فرهنگ علوم رفتاری از علی اکبر شعاری نژاد ۱۳۶۴

از اشکالات دیگر این کتاب ترجمه واژه‌هاست؛ قرار دادن واژه‌ای مانند «ناحکومت گرایان» (در مقابل آنارشئیستها)، یا «آمیختگار» (در مقابل Eclectic) یا «تجمع هم محور محیطی شناختی» (در مقابل Ecological concentration) زیبا به نظر نمی‌رسد.

همچنین استفاده از دو نگارش (دو زبان) برای یک واژه نیز مبهم است؛ مثلاً Kulture (به معنی فرهنگ معنوی) و Kulturkries (خاستگاه فرهنگی) که با حرف K و Cultural action (کنش فرهنگی) با حرف C آمده است.

چاپ کتاب آقای دکتر ساروخانی قریب هفت سال طول کشیده، اما نویسنده در این مدت از تحقیق غافل نبوده و تکمله‌ای را به آخر کتاب افزوده است؛ وی می‌توانست تکمله‌ای دیگر شامل واژه‌نامه فارسی به انگلیسی را برای افزایش کاربرد این دایرةالمعارف به کتاب بیفزاید.

در خاتمه گفتنی است که نمونه خوانی و صفحه‌آرایی دایرةالمعارفها به دلیل وجود دامنه بسیار وسیعی از همه واژه‌های زبان بسیار دشوار است و این دشواری باعث شده است که در کتاب حاضر اغلاط مشهود، و صفحه‌آرایی نه چندان زیبا و دقیق و تمیز باشد؛ مثلاً ایستا به جای ایستاد (ص ۱۰) و رئیس جمهور به جای رئیس جمهور (ص ۷۸) آمده است. (مجله همشهری، خرداد ۱۳۷۱).

سپاس همه آنانی را که در چاپهای اول و دوم کتاب همت گماردند. شمارشان بسیار است و کارشان دشوار، پاداششان در پیشگاه ایزد منان محفوظ باد.

در پایان، باید به ذکر دو نکته بپردازیم، که هر دو مکمل یکدیگرند، تلاشهای بسیار انسانها در تمامی تاریخ، علی‌الخصوص دنیای ما در راه تهیه فرهنگها و دایرةالمعارفها، به عنوان مخازن اندیشه انسانی و در عین حال نیاز بسیار جامعه علمی ایران به تلاش در بر گردانهای درست و به هنگام.

۱- در باب نخستین نکته، باید گفت، تدوین دایرةالمعارف در دنیای ما پدیده‌ای بی‌سابقه نیست، حسین خدیو جم در مقدمه‌اش بر احصاء العلوم،

جامعه‌ای است. ضرورتی که در میان تحصیلکردگان و روشنفکران ایرانی به فراموشی سپرده شده است. و گه‌گاه تعداد فرهنگها و دایرةالمعارفها در یک رشته تخصصی از یک یا دو مورد افزون نیست.

در علوم اجتماعی جز یکی دو مورد دایرةالمعارف و فرهنگ واژگان، به زبان فارسی منتشر نشده است و اکنون انتشار کتاب «درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی» اثر دکتر باقر ساروخانی که حاصل بیست سال کار ایشان است، خدمت بزرگی است به پژوهشگران علوم اجتماعی.

دکتر ساروخانی از استادان قدیمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، متخصص در جامعه‌شناسی خانواده و ارتباطات جمعی است و این امر در توصیف او در واژه‌های مربوط به این دو رشته مشهود است. وی پیش از این نیز برخلاف همکاران کم‌کار خود در رشته علوم اجتماعی آثاری را ارائه کرده است، اما اثر اخیر وی فی‌الواقع خدمت بزرگ و شایسته‌ای است به اندیشه و فرهنگ ایرانی.

دکتر ساروخانی در دایرةالمعارف علوم اجتماعی علاوه بر معانی واژه‌ها، توصیف دقیق و مبسوطی از هر واژه را با ذکر مسائل جانبی و گاه نظریات مربوط به واژه‌ها را آورده است و از این طریق فرهنگ واژگان را به یک دایرةالمعارف تبدیل کرده است. البته دایرةالمعارف علوم اجتماعی بی‌عیب نیست؛ مهمترین عیب این مجموعه در نوع چیندن حروف و گردش چشم در صفحه است. نویسنده برای تفهیم واژگان جامعه‌شناسی، حروف لاتین را مبنای ترتیب واژگان گرفته است، ولی به دلیل اینکه متن اصلی کتاب به زبان فارسی است گردش چشم بر کلمات از راست به چپ و ستونها از چپ به راست و در صفحات مجدداً از راست به چپ است که این امر برای خواننده مشکل می‌آفریند که ظاهراً وجود این مشکل اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر با توجه به اینکه تنها روش ورود به اطلاعات در این دایرةالمعارف واژه‌های لاتین است، کسانی که با واژه‌های لاتین آشنایی کافی ندارند امکان چندانی برای استفاده از این دایرةالمعارف را ندارند.

* با انتشار این اثر، اندیشه‌هایی چند در باب آن به رشته تحریر درآمدند؛ قبل از همه، نشریه اخبار دانشگاه بود که در صفحات ۵ و ۷ از شماره ۲۴ اردیبهشت ۱۳۷۱ و همچنین در شماره ۲۵ (خردادماه همان سال) به معرفی کتاب و گزینش آن به عنوان اثر برگزیده، پرداخت؛ ملخص آنچه در صفحه ۲۳ در همان نشریه آمد، چنین است:

اهداء جايزه

دکتر باقر ساروخانی، استاد تمام وقت و مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، که کتاب درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی ایشان، در مراسم انتخاب کتب برگزیده سال دانشگاهها در سال جاری توانست عنوان کتاب برگزیده را به خود اختصاص دهد، طی نامه‌ای جایزه خود را بعنوان تقدیر از دبیران برجسته علوم اجتماعی در اختیار دانشکده علوم اجتماعی و وزارت آموزش و پرورش گذاشت.

لازم به تذکر است که از سوی هیات رئیسه دانشگاه از نامبرده بخاطر این اقدام شایسته تقدیر و تشکر بعمل آمده است.

بعد از آن، نوشته‌هایی دیگر فراهم آمدند. جز یکی از آنان که پاسخی وسیع نیز یافت، همگی با نظری بلند و سعه صدر به آن نگریستند و جادارد از یک‌یک صاحبان آنان سپاسگزاری نماییم. به عنوان نمونه نقد ملخص مجله اجتماعی، فرهنگی و انتقادی همشهری را می‌آوریم:

«تدوین دایرةالمعارف و انتشار آن از ضروریات گروه اندیشمندان هر

به نام خدا

مقدمه چاپ دوم

سپاس خدای را که بار دیگر فرصت تجدید چاپ این اثر و از طریق آن گفت‌وگو با جمع دانش‌پژوهان فراهم آمد. چاپ جدید این اثر تغییراتی بدین قرار یافته است:

- ۱- افزودن لیست واژگان به ترتیب الفبای فارسی.
 - ۲- بررسی مجدد معادله‌ها و ارائه معادله‌های جدید.
 - ۳- تغییر رده‌بندی صفحات از فارسی به انگلیسی.
 - ۴- قرار دادن تکمله در درون متن.
 - ۵- افزودن واژگان جدید.
 - ۶- ارائه فهرست اعلام.
 - ۷- برداشتن [درآمدی بر] از عنوان روی جلد.
 - ۸- دو جلدی شدن اثر.
- امیدواریم همواره بتوانیم در هر چاپ، تغییرات تازه‌ای فراهم آوریم و همانند دیگر آثار مرجع، به هنگام سازی کتاب را در حد امکان میسر نمائیم.
- سپاس همه کسانی را که در همه مراحل (بررسی، نقد اثر و... گزینش و معرفی و...). همت گماردند و این اثر را به عنوان کتاب برگزیده دانشگاه‌های کشور در سال ۱۳۷۱ معرفی نمودند.

عنوان شد که آن نیز با در نظر گرفتن تردید هائی که در مورد کلمه جامع پیش می آمد، رها شد؛ پس از آن عنوان «دانشنامه علوم اجتماعی مطمح نظر قرار گرفت که با توجه به وجود دو مفهوم مترادف در کنار یکدیگر (دانش و علم) قابل پذیرش به نظر نیامد. در نهایت، در آمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی پذیرفته شد با در نظر گرفتن این واقعیت که از آغاز در مجمع خاص اساتید این دانش پا گرفت، در تمامی برهه ها در نزد صاحب نظران مسلم این علوم قوام یافت و حاصل کاری حدود ۲۰ سال را در خود دارد. گذشته ازین، هدف اینست که هر چند سال یکبار همانند همه فرهنگهای معتبر جهانی مورد تجدید نظر قرار گیرد و مفاهیم جدید این علوم بدان افزوده شود.

در پایان این مقدمه وظیفه خود می دانم مراتب سپاس عمیق خود را نسبت به اساتید معظم دانشگاه، دکتر غلامعباس توسلی، دکتر محمد توکل، دکتر محمود روح الامینی، دکتر حشمت الله طبیبی، دکتر اصغر عسکری خانقاه، دکتر محمد میرزائی که در تنقیح این اثر صمیمانه همت گماشته و نکات مهم و حساسی را تذکر داده اند تقدیم دارم.

از دوست و همکار دانشمندم آقای جعفر نوائی که در مراحل گوناگون تهیه این اثر یار و یاور من بوده اند و در نهایت دقت و با استعدادی شگرف بدان پرداخته اند، نهایت سپاس را دارم.

با تعظیم در برابر همه انسانهای بزرگواری که در زمینه های وسیع دانش انسان، و بمنظور بهبود زندگی انسانها، در نقاط مختلف جهان و در هر برهه از تاریخ کوشیدند، از جاه و مال گذشتند و عاشقانه عمرشان را در راه لایتنهای دانش نهادند.

با سپاس از همه کسانی که در سطوح مختلف این اثر از آغاز و در جریان سالهای طولانی چاپ و انتشار آن کوشیدند.

با تشکر فراوان از همه کسانی که نارسائی ها و کاستی های این اثر را یادآور شوند و ما را در راه بهبود آن یاری نمایند.

باشد که بدینسان گامی کوچک در راه اعتلای دانشهای اجتماعی - انسانی برداشته شده باشد.

باقر - ساروخانی

تهران، تیرماه ۶۸

(جغرافیا گرا) یا حالت قیدی می پذیرد (جغرافیا گرایانه).

بدینسان باید از جنگ بیهوده لغات، کوشش بیهوده تر نو واژه سازی (Neologism) افراطی پرهیز کرد. از نیرو درین اثر کوشیدم تا از رایج ترین، جا افتاده ترین و در عین حال، درست ترین مفاهیم معمول استفاده نمایم. بی هیچ شبهه، باید به پذیریم که هر لغت در جمله معنا و حیات می پذیرد. همانطور که کل یک عبارت بدون شناخت معنای هر کلمه آن میسر نیست، در ساخت عبارتست که کلمه جان می گیرد، معنا می پذیرد و زندگی و حیات می یابد. همچنانکه در حلقه تاویل (Hermeneutic circle) هر پدیده ی اجتماعی در یک کل جای دارد، همانطور که کل بدون اجزاء آن شناختنی نیست، هر جزء نیز جز در کل معنا و زندگی ندارد.

نخستین گام در راه پیدائی این اثر در سالهای ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ برداشته شد. برپائی انجمن لغات و اصطلاحات علوم اجتماعی با شرکت استادان معظم دانشگاه و بریاست استاد ارجمند دکتر غلامحسین صدیقی آغاز راه بود. وسعت مضامین، تعدد مفاهیم و عمق مباحثی که هر یک طلب می کرد، عظمت کار و لزوم گام نهادن در آنرا آشکار می ساخت. درین انجمن، وظیفه دبیری بر عهده من نهاده شد و این بر میزان کار من افزود و با خود انگیزه هائی تازه فراهم آورد. جمع آوری نظرات ابراز شده و انتشار نتایج کار انجمن نیز فرصتی پیش آورد تا بیشتر به سهم و اهمیت زبان در دانش، بویژه دانش انسانی - اجتماعی پی برم و این نکته که بدون تدوین دقیق زبان علمی هیچ دانشی قوام نمی یابد در ذهن من تجلی نماید. بدین ترتیب کار آغاز شد، بی هیچ وقفه ادامه یافت و حاصل آن اثری است که با کمال خضوع به جامعه دانش پژوهان فارسی زبان تقدیم می شود.

اهدافی که درین اثر مطمع نظرند، بدینقرار خلاصه می شوند:

- شناخت و گزینش مهمترین مفاهیم علوم اجتماعی با توجه به فرهنگهای معتبر جهانی
- ارائه معادل فارسی مفهوم
- تعریفی موجز و ساده از هر مفهوم (مفاهیم کلیدی علوم اجتماعی تعریف یا تعاریفی وسیع که گاه از چند صفحه متجاوز است، یافته اند)
- ارائه نظریه های اساسی دانشمندان در مورد مفاهیم اساسی
- ارائه ریشه اصطلاح در صورت نیاز و ضرورت
- معرفی مفاهیم نزدیک یا مکمل (در زیر هر مفهوم، مفاهیم نزدیک بدان که درین اثر مورد بحث و تحلیل قرار گرفته اند، آمده است)
- معرفی برگردانهای دیگر مفهوم در زبان فارسی (در صورت احساس ضرورت)
- ارائه نام، آثار و در مواردی نظریه های اساسی دانشمندان علوم اجتماعی
- در مورد نام اثر، تبادل نظرهای بسیاری بعمل آمد، در آغاز عنوان فرهنگ علوم اجتماعی مطرح گردید، سپس، با توجه به تعدد فرهنگها در زبان فارسی اصطلاح فرهنگ جامع علوم اجتماعی

- حرکت بی وقفه دانش لاجرم به تولد مفاهیمی نو منجر می شود. این مفاهیم نو هم شاخص ظریفتر شدن و تکامل اندیشه انسانند، هم از پیدائی ابزاری نو در حیات انسانی خبر می دهند، در هر حال تأخیر در کار ساختن مفاهیم جدید موجب ورود سیل آسای لغات بیگانه خواهد شد و خطرانی بسیار به بار می آورند که برخی از آنان چنین اند:

الف- کلماتیکه هر روز بیشتر زبان را آلوده می سازد، آنرا از هویت می اندازد و ترکیبهای ناموزون فراهم می سازند.

ب- هنگامیکه لغت بکار آید، در زبان جای می گیرد، مردم بدان خوی می کنند و تغییرش دشوار خواهد بود. چگونه می توان امروز بجای مفاهیمی چون سندیکالیسم، سوسیالیسم، لیبرالیسم و ... مفاهیم فارسی جای داد؟

پ) هر کس به صورتی آنانرا تلفظ کرده ادا می کند: بعنوان مثال تحصیلکرده های فرانسه زبان سوسیالیسم، لیبرالیسم و ... می گویند. آنانکه از آنسوی اقیانوس می آیند، همین کلمات را سوسیالیزم و ... می نویسند و می خوانند. جالب تر آنکه چندی پیش دانشجویی که با مفهوم سیبرنتیک آشنائی یافته بود و سپس استادی دیگر سخن از سایبرنتیکز رانده بود، می پرسید، آیا این دو، دو علم جداگانه اند؟ جامعه و نگاهبانان فرهنگ آن، - چگونه میتوانند اجازه دهند، این چنین زبان دچار هرج و مرج شود؟. تا آنجا که گاه مفهوم خارجی بهتر از مفهوم یا مفاهیم فارسی معنا دهد. بعنوان مثال، هم امروز شاهد هستیم که در کلاسها وقتی می گویند آتی تود (Attitude) دانشجویان بهتر می فهمند، تا اینکه به زعم بعضی ایستا، بعضی دیگر وجهه نظر، باز برخی دیگر طرز تلقی یا حالت و ... بجایش بکار برید.

- همچنانکه در مقدمه پیشین نیز گفته شد، هر نوع وسواس یا تعصب را در کارجمعی مفاهیم طرد می کنیم. برخی از جلوه های آن چنین اند: الف) برای مفاهیم رایج، به عهد باستان پناه جستن و از دورانی دور دست واژه هائی گاه بسیار نامأموس یافتن صرفاً بدان جهت که کلمه فارسی باشد. فراموش نمی کنم کسی را دیدم که بعنوان ویراستار بجای مفهوم کمک متقابل پیشنهاد می کرد همپشتانه گذاشته شود. بنابراین کلمات امروز زبان فارسی حتی اگر از عربی آمده باشد، جزء واژنامه فارسی بحساب می آیند، آنان تلفظ خاص و گاه معنائی ویژه در زبان فارسی یافته اند و طرد تمامی آنان با تمسک به شیوه های فوق بجا نیست. ب) زبان وسیله انتقال دانش است، نه هدفه بنابراین نباید چنان سخت گیر بود و هر کس را که در برابر یک مفهوم خارجی کلمه ای نهاد غیر از آنچه ما نهاده ایم، طرد و لعن کرد. بعنوان مثال، در برابر مفهومی چون Geographism برخی مکتب اصالت جغرافیا، برخی دیگر مکتب جغرافیائی و برخی جغرافیا گرایی نهاده اند. تا آنجا که همگان از هر سه مفهوم یک محتوی درک می کنند، هیچ مشکلی نیست. مخصوصاً که ناچاریم برای ترکیبات مختلف، کلمات گوناگون نیز داشته باشیم. بعنوان مثال، مفهوم جغرافیا گرایی بصورت ساده تر ترکیب می شود

به نام خدا

مقدمه چاپ اول

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بمشق
ثبیت است بر جریده عالم دوام ما

نزدیک به یکسال از انتشار فرهنگ سه زبانہ علوم اجتماعی گذشتہ است. این اثر ناچیز همچون قطره‌ای بود در دریائی از تلاشها کہ بہمت پژوهشگرانی بسیار و گاہ گمنام در ایران و گوشہ گوشہ جهان صورت می‌گرفت. با این کوششها خواه ناخواہ امواجی نو پدید آمد، تجربہ‌ہائی تازه اندوختہ شد، گامہائی دیگر برداشتہ شد و در نہایت دستاوردهایی جدید حاصل گردید، راہی کہ ہرگز پایان ندارد و در ہر مقطع آن نتایج کوششهای عاشقانہ تلاشگران تاریخ دانش بہم می‌پیوندد، میراثی فرهنگی فراہم می‌سازد، در خلال اعصار و قرون انباشتہ می‌شود، تکامل می‌یابد و سپس بہ نسلہای دیگر و ابدیت تاریخ سپردہ می‌شود

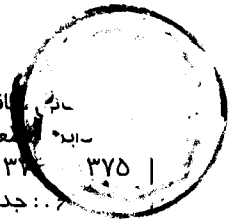
چند کلام کہ شاید مکمل مقدمہ اثر پیشین باشد:

- کار تدوین زبان بی هیچ شبہ، نیاز بہ سازمانی گسترده دارد، متشکل از ہمہ صاحب‌نظران، تا کار تہیہ و ارائه لغات از صورت فردی بدر آید، تا دیگر لغات و لغت سازی همچون دکانی در راہ فخر و فضل فروشی در نیاید و تا زبان بعنوان میراث فرهنگی ہر جامعہ و شاخص اصلی ہویت آن نگاہبانی رسمی، ذیصلاح و دائمی یابد. ہر مفہوم یک قرارداد اجتماعی است، توافق جمعی صاحب‌نظران حجت خواهد بود و کاربرد مفہوم را توسط همگان بہ آسانی بیشتری صورت پذیر خواہد ساخت.

- زبان حاصل اندیشہ‌ہای ہر دانش است. پس ہر دانش زبان خویشتن را داراست. مجمع تدوین لغات نیز برای ہر دانش باید از صاحب‌نظران همان تشکیل گردد.



۱۳۸۰/۳/۳۰



دکتر باقر ساروخانی، ۱۳۸۱ -
دایرة المعارف علوم اجتماعى / نویسنده باقر ساروخانی. - [ویرایش ۲]. تهران: کیهان،
۱۳۸۰.

جدول. - سازمان انتشارات کیهان؛ ۱۹۵، ۱۹۶)

۱۲۰۰۰ ریال (ج. ۱)؛ ۱۴۰۰۰ ریال (ج. ۲)

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.

عنوان روی جلد: درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعى.

B. Sarookhani. The social sciences encyclopedia.

ص. ع. به انگلیسى:

ج. ۱-۲ (چاپ سوم: ۱۳۸۰).

ISBN: 964-458-040-0 دوره

ISBN: 964-458-152-0 (ج. ۱): ۲۷۰۰۰ ریال

ISBN: 964-458-153-9 (ج. ۲): ۳۰۰۰۰ ریال

۱. علوم اجتماعى -- واژه نامه ها --- انگلیسى. ۲. علوم اجتماعى -- واژه نامه ها --
فارسى. ۳. علوم اجتماعى -- اصطلاحها و تعبیرها. ۴. فارسى -- واژه نامه ها -- انگلیسى.
۵. زبان انگلیسى -- واژه نامه ها -- فارسى. الف. سازمان انتشارات کیهان. ب. عنوان.
ج. عنوان: درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعى.

1. English language - Dictionaries - Persian.

2. Persian language - Dictionaries - English.

۳۰۰/۳

۲ د ۲ س / H ۴۰

۱۳۷۵

* ۵۳۷۰ - ۷۶ م

محل نگهدارى: کتابخانه ملی ایران

ISBN: 964-458-153-9

شابک: ۹۶۴-۴۵۸-۱۵۳-۹

درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعى (جلد دوم)

نام کتاب:

دکتر باقر ساروخانی

نویسنده:

سازمان انتشارات کیهان

ناشر:

سوم - ۱۳۸۰

نوبت چاپ:

۳۳۰۰ نسخه - وزیرى

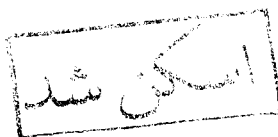
تیراژ:



حق چاپ برای انتشارات کیهان محفوظ است.

تهران - خیابان فردوسی، کوچه شهید شاهچراغی، مؤسسه کیهان

تلفن بخش ۳۱۱۰۲۰۱



دایرةالمعارف علوم اجتماعى

۹ ۳ ۳ ۶ ۸

نویسنده: دکتر باقر ساروخانى



سازمان انتشارات کیهان

دايرة المعارف علوم اجتماعى

